

تاریخ عرب و محمد بن عبد الله

جلید ہمارم



تالیف محمد صدر مائشی

تاریخ

عرائد و محلات ایران

تألیف

محمد - صدر هاشمی

جلد چهارم

بنام خداوند بخشنده مهربان

یکسال و اندی از طبع و انتشار جلد سوم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران میگذرد و در طول این مدت نامه های فراوانی مبنی بر تقریظ و تشویق نگارنده در تموین کتاب و اینکه در اولین زمان فرصت بقیه مجلدات آن بعلیه طبع زینت گردد رسیده و اینجانب را بر اتمام کتاب تشویق و تحریض نموده اند. اما گرفتاری زیاد باعث تأخیر طبع جلد چهارم شد و اکنون که تا اندازه فرصت حاصل شده بکمال و باری خداوند بطبع جلد چهارم شروع مینمائیم.

جلد چهارم کتاب بحرف عین یعنی جراید و مجلاتی که با این حرف شروع شده، آغاز میگردد و سایر خصوصیات مانند جلدهای قبل است. برای اینکه هر چه زودتر و قبل از فوت فرصت، بتوانم کتاب را در دسترس هموطنان عزیزم قرار بدهم از چاپ تقاریظ متعددی که پس از نشر جلد سوم کتاب رسیده، صرف نظر مینمایم. فقط بطور قرعه یکی از اینهمه تقاریظ را که تقریظ مجله جهان نواست، بعنوان نمونه چاپ مینمائیم مجله جهان نو در شماره چهارم سال ششم در باره کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران اینطور مینویسد:

سومین مجله کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران چندی است نشر شده است. مؤلف آن آقای محمد صدر هاشمی از فضلا و اهل تحقیق میباشد. مقالات تاریخی او در مسائل مختلف که بیشتر در مجله نفیس یادگار بطبع رسید همیشه عمیق و قابل توجه بود. اما کار پردامنه و لازم و مفیدی را که نامبرده در باره جراید و مجلات ایران آغاز کرد و اکنون پس از چند سال رو با اتمام میرود و سرآمد جمله کارهای او است تموین کتابی در اسماء جراید و مجلاتی است که از بدو ایجاد روزنامه در ایران تا بحال نشر گردیده و همیشه مورد نظر اهل تحقیق بوده است.

مقدمه

سالیانی پیش مرحوم محمد علی تربیت نیز در این فکر بود و یادداشت‌های متعددی هم فراهم آورد از جمله در پایان کتاب « دانشمندان آذربایجان » فهرست جراید و مجلاتی را که بوسیله آذربایجانیان چه در ایران و چه در خارجه نشر شده است بدست داد. پرفسور ادوارد براون مستشرق شهیر انگلیسی هم بر سر این امر رنج برد و کتابی مدون ساخت که یکی از منابع کار آقای صدرهاشمی بوده است. کتاب براون در نوع خود از تألیفات مفید می‌باشد. در مجله کاوه هم که بشهر برلین زیر نظر آقای تقی‌زاده نشر میشد اسماء تعدادی از جراید و مجلات بطبع رسید و حتی مقالاتی از مرحوم تربیت در باب اسماء جراید و مجلات ایران و شرح و چگونگی آنها مندرج است که مورد کمال استفاده است.

غرض آنکه فراهم آوردن اسماء جراید و مجلات ایران کاری تازه نیست و از چندین سال پیش بایسوی جمعی بر سر آن کار کرده اند. لکن کاری را که آقای صدرهاشمی آغاز نهاد و اکنون روبانجام است موضوع را خانه بحثید، وی دوره کتاب خود را در دو قسمت جمع آورده است. قسمت نخست عبارتست از جرایدی که تا شهریور ماه سال ۱۳۲۰ نشر شده است که تا اکنون سه مجلد آن انتشار یافته و باحرف « ظریف » پایان پذیرفته است. از قرار بابک جلد دیگر قسمت اول کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران ختم میشود.

اما قسمت دوم فهرست و شرح جراید و مجلاتی خواهد بود که پس از شهریور ۱۳۲۰ و در دوره دمکراسی اخیر نشر شده است.

فوایدی که از این کتاب مترتب است بسیار است. باقرائت کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران خواننده آگاه بخوبی میتواند نوع روحیه و فکر صاحبان قلم را که بیشتر آنان از رجال سیاست این مملکت بوده اند دریابد و نیز نکاتی بسیار در باره اقدامات و کوششهای مفید یا مضر تقی‌زاده، علی اکبر دهخدا، مرحوم صور اسرافیل، مرحوم ملک الشعرای بهار، مرحوم فرخی یزدی، مرحوم عشقی، لاهوتی، سید محمد تدین سید ضیاء الدین طباطبائی، و دیگران میخواند و از همین میان با تاریخ اجتماعی و فکری پنجاه ساله اخیر ایران آشنا میشود.

آقای صدرهاشمی در ابتدای جلد اول کتاب خویش باجمال تاریخچه‌ای از چگونگی و وضع مطبوعات از زمان ایجاد تا کنون بدست داده و نیز از قوانین مطبوعاتی که از لحاظ انضباطی و محاکماتی وضع شده بحث کرده است که در حد خود مفید است. یکی دیگر از فوایدی که این کتاب متضمن آنست تصاویری است که از روزنامه‌ها و مجلات بچاپ رسیده است که نشانی از صنعت چاپ و طرز صفحه بندی روزنامه و سلیقه مردم زمان می‌باشد

فصل هفتم

بحث انتقادی درباره این کتاب را باید بوقت و مجالی بیشتر گذاشت. تنها بذکر این نکته اشاره میشود که سیاق کلام درباره اشخاص در این کتاب فرق دارد. درباره يك روزنامه بتفصیل سخن رفته و در باب دیگری باجمال گفتگو شده است. شاید در بعضی موارد بدون سبب از اشخاص تمجیدی شده که لزومی نداشت.

قل بعضی از قسمتهائی که از مشخصات روزنامه یا مجله بوده بواسطه گذشت زمان هم بلافایده است و هم اینکه جای مطالب بهتر را گرفته است. مثلاً خواننده از خواندن آدرس فلان روزنامه که در فلان سال در فلان کوچه از بازارچه «کل عباسعلی» بوده است فایده ای بر نمیگیرد و یا اینکه بداند قیمت اعلان در صفحه سوم جریده از قرار سطری چهار عباسی حساب میشده است و قس علی ذلك.

اما فایست بيشمار این کتاب در جای خود محفوظ و اهل تاریخ را مددی دقیق است. امید ما اینست که آقای صدر هاشمی به نشر بقیه این کتاب توفیق یابد و تا آنجا که برایشان میسر است از درج گراور جراید و مجلات قدیمی امتناع نکند که کتابشان دارای مزیت خاص خواهد بود خاصه اگر بعضی از «کاریکاتورها» و «اعلانات» را بچاپ برساند که از نظر تاریخ صنعت چاپ در سنوات پیش بسیار مفید است.

ایرج افشاری

پس از ذکر این مقدمه اکنون شروع باصل کتاب نموده و بشرح مجله عالم نسوان میردازیم.

محمد. صدر هاشمی - اصفهان تیرماه ۱۳۳۱



حرف العین (۷۸۵) عالم نسوان

مجله عالم نسوان در طهران بصاحب امتیازی (نوابه خانم صفوی) و در تحت نظر مجمع فارغ التحصیلین مدرسه عالی انائیه امریکائی ایران بیت آل در سال ۱۲۹۱ شمسی تأسیس و شماره اول آن در ذیحجه ۱۳۳۸ قمری مطابق میزان ۱۲۹۱ شمسی و سپتامبر ۱۹۲۰ میلادی منتشر شده است. مجله عالم نسوان هر دو ماه یک شماره در ۳۸ صفحه بقطع کوچک خشتی طبع و بنا براین در هر سال شش شماره از آن توزیع میشده است. ابونه سالیانه در مرکز ده قران و در خارج از مرکز ۱۲ قران و تک نمره دو قران است و از شماره اول سال سیزدهم که سال آخر انتشار مجله است بواسطه گرانی کاغذ وجه اشتراك به ۱۴ قران ترقی کرده است. قیمت اعلانات که در طول مدت انتشار تفاوتی ننموده بدینقرار است:

صفحات اول: يك صفحه ۴۰ قران نصف صفحه ۲۵ قران ربع صفحه ۱۵ قران صفحات آخر بترتیب ۲۵ قران، ۱۵ قران و ۱۰ قران است. محل اداره مجله مدتی در مدرسه عالی امریکائی وزمانی در مدرسه انائیه امریکائی طهران بوده است. مجله عالم نسوان از مجلاتیست که مخصوص نسوان تأسیس و بیشتر مقالات آن بقلم فارغ التحصیلان مدرسه انائیه امریکائی نوشته شده است. مقالات این مجله در پیشرفت و ترقی نسوان مملکت و تعلیم اصول خانه داری و زندگانی جدید بآنها کمک فراوان نموده است.

در شماره اول سال اول مقدمه بعنوان (مرام عالم نسوان) در دو صفحه درج شده که برای مزید اطلاع خوانندگان از سبك مندرجات مجله بمینه آنرا نقل مینمائیم:

مرام عالم نسوان

« در این عصر جدید و دوره سمید که نیر فروزان معارف از افق ایران ما تابان گردیده غنچه امید از باغ آرزوی معارف پروران شکفته و روح حیات مطبوعات در کالبد وطن دمیده مجله عالم نسوان با قدمهائی ضعیف و لرزان پا بدایره مطبوعات گذارده خواهران ایرانی خود را تهنیت میگویند و درود میفرستند.

در ممالك متمدنه که مطبوعات راه تکامل و ترقی را می پیمایند روزنامه ها و مجلات زنانه قسمت مهمی از آنرا تشکیل میدهند و چنانکه در امریکا مجله ماهیانه مخصوص بطبع میرسد که مشترکین آن سه کرور بالغ است.

مجمع نسوان فارغ التحصیل ایران بیت آل (مدرسه دختران امریکائی) روزگاری متمادی است که آرزومند تأسیس يك مجله برای خانمهای ایرانی بوده خوش بختانه امروز بآن روز فیروز رسیده و بانتشار عالم نسوان موفق گردیده است.

در این شماره اول خاطر خوانندگان محترم را از مقصد و مقصود این مجله مستحضر

حرف عین بعده الالف

عالم نسوان

میدارد : غرض از تأسیس عالم نسوان تعاون در تملی و ترقی نسوان و تشویق آنان بخدمت وطن و خانواده و حسن اداره امور بیتی می باشد .

مجله عالم نسوان هر دو ماه يك نمره طبع و توزیع میشود و ابدأ قصد انتشار اخبار سیاسی که در روزنامه های یومیه خوانده میشود نداشته قط مطالبی را که برای زنان ایرانی نهایت لزوم و اهمیت را دارد در تحت شش موضوع ذیل بحث قرار خواهد داد .

۱- مقالات صحبة که در هر نمره بقلم یکی از اطباء مشهور مجرب دارالخلافه مخصوص این مجله نگاشته میشود چنانکه اینك اولین مقاله را در این موضوع (دکتر امیر اعلم) و در نمرات آتی به اطباء ایرانی هر يك بنوبت خود مارا مستفیذ خواهند نمود .
۲- دستور پرستاری و تربیت اطفال که بقلم خانم دکتر مکدول . رئیس مریضخانه امریکائی و بیس تلی پرستار آن مریضخانه نوشته شده و بقارسی ترجمه میگردد .

۳- مطالب راجع به اداره امور بیتی که در سعادت و آسایش خانواده مدخلیت تام دارد ، مقالاتیکه در تحت این عنوان نوشته میشود مشتمل بر دستور های عمومی و خصوصی خانه داری از قبیل نظافت آشپزی و غیره میباشد .

۴- از آنجا نیکه تکلیف هر زن متمدنه دقت در طرز لباس و حسن انتخاب آن میباشد این مجله نهایت سعی و اهتمام را بذل مینماید که در هر شماره یکی دو نمونه باطرزی مطبوع و اسلوبی مرغوب از روزنا مجات امریکا و اروپا اخذ نموده بضمیمه دستور های لازمه مناسب هر فصل بنظر خانمهای محترمه برساند در این قسمت امید است که از معایب و نواقص که از عدم تکمیل دستگاه چاپ رخ میکند صرف نظر نمایند .
۵- اخبار ترقی نسوان و خدمات آنان در کل جهان خصوصاً ایران .

۶- مقالات ادبی و آثار منظوم و منثور محترمات ادیه ایرانی در این قسمت برای هر خانم ایرانی زمینه و موقع خوبی است که استعداد طبیعی ادبی خود را نشان داده محرک ذوق و اسباب شوق سایرین گردند .

مجدداً خاطر عموم خوانین محترمه را متذکر مینمائیم که تأسیس این مجله برای ترقی عالم نسوان است و باید همه حتی المقدور در آن شرکت نمائیم . بدون مساعدتهای معنوی ایشان با دامه این مقصود شریف موفق نخواهیم شد با کمال اشتیاق منتظر پیشنهادات تنقیدات و هر قسم مقالات جدی و فکاهی ، نظم و نثر از طرف ایشان میباشیم . اگر میخواهید طرز شناختن خوراکیها و شیرینیهای جدید را بخوانید هر ان خود تعلیم دهید عالم نسوان در این امر بایشان مساعدت خواهد نمود .

هر مقاله باید با امضا و آدرس نویسنده بداره برسد ولی میتواند امضا را در اداره محفوظ معرفی نمایند .

داره در رد و قبول و تنقیه هر مقاله مختار است و فقط مقالاتی درج میکند که بامسلک مجله مجالیف نباشد . ما امید داریم که بتوسط عالم نسوان فاضله ها ، شاعره ها نویسندگان و عالیهای علم اکو نومی خانه داری را شناخته بعموم معرفی نمائیم . اگر میخواهید در ترقی نسوان شرکت جوئید بسماله این گو و این میدان !

حرف عین بعده الالف

عالم نسوان

در هر شماره روی جلد مجله بالای اسم مجله (عالم نسوان) عبارت و یا شماری بعنوان شمار مخصوص چاپ شده و من جمله در شماره اول عبارت (الجنه تحت اقدام الامهات) درج است. در شماره دوم این شعر:

بود چشم ابنای آن خانه کور ✽ که بانوی آن باشد از علم دور .
و در شماره سوم این شعر:

در مملکتیکه زن حقیر است ✽ شك نیست که مرد آن فقیر است
و در شماره ششم سال اول این شعر: (گرجوی غیرت بود مارا و دیعت در نهاد ✽ بهر اثبات حقوق خود نا ئیم اجتهاد .) و در شماره اول سال دوم این رباعی: (نسوان، ننگ ذلت و پستی تا چند؟ ✽ در حالت نیستی و هستی تا چند؟ . باریچه بدن بدست ر ندان تا کی؟ ✽ در قید هوا و مدبرستی تا چند؟) و در شماره ششم سال دوم این رباعی: (همت همت که روز بیداری ماست ✽ غیرت غیرت که وقت هشیاری ماست . فرصت فرصت که کار بایاری ماست ✽ جرأت جرأت که عصر دلداری ماست .)

در بیشتر شماره های سیزده ساله مجله عالم نسوان از این قبیل اشعار روی جلد مجله چاپ شده و ما برای نمونه بهمین مختصر قناعت میکنم . سال اول مجله عالم نسوان بانشر شماره ششم مورخ شوال ۱۳۳۹ قمری مطابق سرطان ۱۳۰۰ شمسی خاتمه یافته و در همین شماره مقاله بعنوان (پایان اولین مرحله) چاپ شده که قسمتی از آن چنین است: «عالم نسوان با انتشار این شماره نخستین سال زندگانی خود را پایان میرساند . مادر شماره اول انتشار شش نمره را در عرض سال وعده نمودیم و عهده دار شدیم که در هر شماره مقالات صحیحه، دستور پرستاری و تربیت اطفال، خانه داری، طرز لباس اخبار ترقی نسوان و مقالات ادبی نظماً و شراً از نظر قارئین محترم بگنجانیم . بحمداله که بادای وظیفه خود موفق گردیده و خدمات مامورد قبول خوانندگان گرامی واقع شد . عالم نسوان تشکرات صمیمانه خود را خدمت دوستانیکه بمساعدتهای معنوی آنها اولین مرحله زندگانی را پیموده است تقدیم مینماید . . . » مجله عالم نسوان در سال اول در مطبعه سربی (فاروس) طبع و در این مجله توزیع شده است: مطبعه فاروس، خیابان لاله زار - مقاله انصاف آقا بابا - جلوخان شمس العماره . کتابخانه اقبال .

سال دوم مجله بهمان سبک و قطع و شماره صفحات سال اول طبع و شماره اول این سال در محرم ۱۳۴۰ قمری مطابق سنبله ۱۳۰۰ شمسی منتشر شده است . مندرجات و مطالب سال دوم مانند سال قبل بقلم نسوان و مخصوصاً فارغ التحصیلهای مدرسه اناث امریکائی تهیه گردیده و از این حیث تفاوتی با سال اول ندارد . سال دوم با انتشار شماره ششم مورخ شوال ۱۳۴۰ قمری خاتمه یافته و شماره اول سال سوم در محرم ۱۳۴۱ قمری مطابق سنبله ۱۳۰۱ توزیع گردیده است . در سال سوم نیز هیئت مدیره مجله همان سبک و روش سال اول و دوم را در انتشار مجله بکار برده است . در شماره اول این سال شرحی تحت عنوان تشکر و اخطار درج شده که قسمتی از آنرا برای مزید اطلاع خوانندگان گرام نقل مینمائیم:

حرف تین بعدہ الالف

عالم نوان

د عالم نوان در نشر شماره اول سال سوم تشکرات صمیمانه خود را خدمت دوستان وقارئین محترم خود تقدیم میدارد که بمساعدت های معنوی آنها دومین مرحله زندگانی را پیموده و شروع بسال سوم عمر خود مینماید امید است بعدها هم بمعاونت ایشان بادی وظیفه خود بهتر موفق گردیده خدمات مامورد قبول خوانندگان گرامی واقع شود با کمال خوشوقتی بقارئین گرام و علاقمندان دانشمند محترم اخطار مینمائیم که سال گذشته عده مشترکین مجله عالم نوان متجاوز از ۲۵۰ بوده علاوه بر اینکه تک نمره بفروش میرسید تشکرات خود را خدمت مشترکین محترم تقدیم نموده امیدواریم که بعدها هم بمساعدت ایشان زاید بر این گشته متمنی هستیم کمک نموده عده آنها را بچهارصد یا بیشتر هم برسانیم *

شماره اول سال یازدهم مجله عالم نوان در چهل و هشت صفحه و چهار صفحه ضمیمه بقطع خشتی در مطبعه سری (فاروس) طبع و در دیماه ۱۳۰۹ شمسی مطابق ژانویه ۱۹۳۱ میلادی منتشر شده است. در سال یازدهم انتشار مجله تحت نظر هیئت رئیسه مدرسه انائیه امریکائی و این هیئت عبارت بوده اند از (میس دولیتل - طیبه میردامادی - میزبویس) و مدیر داخلی مجله آقای عباس آرین پور کاشانی و صاحب امتیاز مجله: نوابه خانم صفوی است. سر مقاله شماره اول این سال تحت عنوان (سال یازدهم) نوشته شده و قسمتی از آن بدینقرار است: «کار کنان عالم نوان در ابتدای شروع یازدهمین سال انتشار مجله از صمیم دل بمشترکین محترم خود تبریک گفته و امیدوارند در این سال جدید بتوانند پیش از پیش مشترکین خود را خدمت نمایند.» در شماره اول رباعی زیر بعنوان شعار مجله روی جلد چاپ شده و رباعی از شاعر معروف افسر است: همیشه راست بگواز دروغ کن پرهیز از دروغ زشت بود، گرچه مصلحت آمیز گرفتیم از سخن راست فتنه برپا خاست * مکن برای دروغش همیشه دست آویز *

دوشماره دوم سال یازدهم بدو شعر مذکور این شعر نیز اضافه شده است: چه بود سود هزاران هزار بدره زر * خرد بهیچ شمارد زیان نیم پشیز سال یازدهم با انتشار شماره مورخ ابان ۱۳۱۰ شمسی خاتمه یافته و سال دوازدهم مجله با همان خصوصیات و قطع سالهای سابق منتشر گردیده است. مختصر تغییری که در سال دوازدهم مجله داده شده اینست که از شماره چهارم این سال بجای عباس آرین پور کاشانی، (طیبه میردامادی) مدیر داخلی مجله معرفی شده است. علاوه بر این (اشرف خانم نبوی) باعضاء هیئت مدیره مجله اضافه شده است.

در سال دوازدهم نیز مجله مرتباً دوماء یکمرتبه انتشار یافته چنانچه شماره دوم آن در اسفند ۱۳۱۰ شمسی و شماره ششم که آخرین شماره این سال است در ابان ۱۳۱۱ شمسی منتشر گردیده و روبهرفته در سال دوازدهم مجله عالم نوان در ۲۸۸ صفحه بقطع خشتی طبع و توزیع گردیده است.

مجله عالم نوان از مجلات بسیار مفیدیست که مدت زیادی دوام کرده و بانشر مقالات سودمند توانسته است خدمات گرانبھائی بطبقه نوان این کشور بنماید.

حرف بین بعده الدال

عبرت ، عدالت

مطامعه دوره های این مجله برای نسوان ودوشیزگان لازم و ضرورست . برای مزید اطلاع خوانندگان فهرست مندرجات چند شماره از سال اول مجله را نقل مینمائیم .
حفظ الصحه دوشیزگان در زمان بلوغ - دستور پرستاری وتوجهات اطفال -
توجهات لازمه در اوقات حمل - خانه داری - قانون خانه داری - تربیت بختن کیک - طرز لباس
احتیاجات ضروری - دوره حیات يك گل - زنان باهنر الحق سزد که فخر کنند - اخبار
ترقی نسوان - مدارس دختران طهران - فن پرستاری در ایران - شرافت در زندگانی -
شرایط صحت ولوارم محافظت اطفال جدیدالولاده - دستور پرستاری وتوجهات اطفال
طریق شیردادن بم طفل - طریق نگاهداری دایه - خانه داری - خانم و خدمت کاران - طریق
بختن سوهان - طرز لباس - اخبار ترقیات نسوان - چرا ما ترقی نکرده ایم -
معارف زنان ایران .

(۷۸۶) عبرت

روزنامه هفتگی عبرت در شهر تبریز با چاپ سنگی در سال ۱۳۲۴ قمری منتشر شده است . مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان و برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۱۸) بآنچه نوشتیم مطلبی اضافه نکرده اند .

(۷۸۷) عدالت

روزنامه هفتگی مصور عدالت بمؤسسی (میرزا محمود خان ملقب بحکاک باشی) وبمدیری (میرزا سید حسین خان ناشر روزنامه های الحديد ، صحبت وخیر) در شهر تبریز تأسیس وبا چاپ سنگی در سال ۱۳۲۴ قمری منتشر شده است . مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان در باره روزنامه عدالت بطور اختصار اینطور نوشته است : « روزنامه هفتگی منتشر در تبریز با چاپ سنگی بمدیریت سید حسین در سال ۱۳۲۴ قمری برون شرح مفصل تری راجع باین روزنامه آورده و مینویسد من مجموعه بسیار خوبی از این روزنامه دارم . این مجموعه بنمره ۱۵ سال اول مورخ ۱۱ شعبان ۱۳۲۴ قمری شروع و بنمره ۴ سال سوم مورخ جمادی الاول ۱۳۲۵ قمری خاتمه پیدا میکند . هر شماره آن در هشت صفحه بقطع ۱۲ در شش و سه چهارم اینچ با چاپ سنگی وبخط تعلیق و پنج شماره آن بخط نسخ است . در چند شماره تصاویر خطبای معروف از قبیل میر ابو و سیرون را دارد . وجه اشتراك روزنامه در تبریز ۲۲ قران و در سایر شهرهای ایران ۲۶ قران ، روسیه ۵ منات ، سایر ممالک ۱۵ فرانك است . روزنامه عدالت مدت سه سال منتشر و چون مطالبی در آن راجع بازادی زنان نوشته شده از طرف انجمن تبریز تعطیل و بجای آن روزنامه الحديد منتشر میگردد .

مرحوم کسروی در کتاب تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان (ص ۹۵ کتاب) شرحی بدینقسم راجع بروزنامه عدالت ومدیر آن نوشته است : « روزنامه عدالت که از پیش از مشروطه پراکنده میشد چون مدیر آن آقا میرزا سید حسین خان دیرزمانی در روستان

ریسته ویکرشته اندیشه های زهر آلود اروپائی ارمغان آورده بود و همینکه آزادی پیش آمد بزبان درازیهای یجا برخاست از این جهت انجمن (منظور انجمن تبریز است . مؤلف) روزنامه او را در بست . « در صفحه ۱۰۷ همین کتاب مینویسد : « در ایران یکی از مشروطه خواهان معروف سید حسینخان تبریزی مدیر روزنامه عدالت بوده که در آنزمان که آقای طباطبائی و دیگران در طهران با دربار کشاکش مینمودند او نیز در تبریز نهانی کوششهایی میکرد اما چون سید حسینخان روستان را دیده ناگهان قلم برداشته سخن از آزادی زنان راند و این بود که خود مشروطه خواهان روزنامه اش را به و از شهر بیرونش کردند . « از تألیفات مدیر عدالت کتاب (خواب و خیال) است که در ۷۸ صفحه خشتی چاپ و منتشر شده و قیمت آن در ابتدا پنجاه شاهی معین شده است در این کتاب از مشروطیت و تمدن و ترقی و مظلالم استبداد و ریاکاریها و عوام فریبهارا که هفتم درء الم خواب دیده و همچنین از رژیم آزادی در مملکت بحث نموده است . آقای عدالت هما قسم که نوشتیم وقتی صاحب امتیاز و مدیر روزنامه عدالت در تبریز بوده و در ایام استبداد از تهاجم مستبدین آن ایالت بطهران گریزان شده و در راه معارف بویژه برای طرفداری مدارس دختران زحمات بسیار کشیده اند و چندین سال هم معلم و مدیر مدارس طهران بوده و اکنون آن پیر مرد مانند سایر پاکدا منان وطن بی دارائی و بی پول در گوشه و رارت معارف عمر خود را بسر میبرند .

از روزنامه های العديد ، صحبت و خبر که بدیری سید حسینخان عدالت طبع و منتشر شده از هر کدام جداگانه در مجله های خود گفتگو نموده ایم .

(۷۸۸) عدالت

روزنامه عدالت در شهر شیراز بدیری (سید محمد حسن عدالت) تأسیس و در سال ۱۳۹۹ قمری منتشر شده است . آقای عدالت شرح حال خود را بدینقسم برای نگارنده تهیه و ارسال داشته اند :

این بنده سید محمد حسن عدالت فرزند مرحوم سید ابوتراب مجتهد سروستانی متولد شیراز رابحه ۱۳۱۰ قمری که از سن ده سالگی تا اوایل مشروطیت در یکی از حجرات (اطاق) مدرسه خان در شیراز مشغول تحصیل و شغل طلبگی را داشت و از بدو مشروطیت که بعضی از مرتجعین در صدد اذیت و آزارم بطور مخفیانه برآمدند باستناد اینکه با هوچی گر ها و مرتجعین مخالفت و با مشروطیت و وطن خواهی موافقت داری چندی از



سید محمد حسن عدالت

حرف عین بعده الدال

عدالت ، عدل

نظر آنها دوری جسته یکی از قبسات نزدیک شهر (سروستان) مسافرت نموده بجزئی
علاقه واملاک پدیری میخواستم خودم را مشغول نمایم تا اینکه با وضعیت دهات و نداشتن
معاشر ناچار بشیراز عودت و باز بادوستان و وطنخواهان بنای مخالفت با ارتجاعیون
را گذاردیم تا سال ۱۳۳۳ قمری ملیون شیراز حزب دمکرات را تشکیل داده - و
در اول وحله میتوان گفت غیر از حقیقت و معنی چیز دیگری در بر نداشت - بنده هم
در حزب دمکرات که آمال و آرزوی حقیقی را ظاهراً بآئینه درخشانی نشان میداد روزو
شب بخیال شیرین و بایک روح امیدوار و خسته ناشدنی میدویدم - چون تجربه ثابت
کرد این ره که تو میروی سراب است - ناچار در سال ۱۳۹۹ خورشیدی امتیاز روزنامه
بنام عدالت گرفته و خواستم بلکه از این رهگذر بوظیفه وجدانی خود عمل نموده و ملت
خواب رفته را بیدار نمایم (هنوز هم در خواب هستند) شماره و مندرجات روزنامه
عدالت بهترین گواه من است که غیر از حق و حق گوئی و حق نویسی و عدالت خواهی
صفحات و مندرجات روزنامه را پاک و بی آلاش نگذاشتم و از خواهشهای اشخاص و
ارگان هر کس و ناکس (باینکه تضمین و تهدید متنفذین و هزار محظورات آنروری
رور و شب آسایشم را سلب کرده بود) معذرت همانطور که قبلاً متذکر شد روزنامه را
تا سال ۱۳۰۸ خورشیدی ادامه داده و از آن بپس که زبان و قلم بسته شد روزنامه
عدالت هم از انتشار خودداری نمود و تا کنون که چهارده سال میگذرد و ما هنوز هم
از آزادی زبان و قلم جز اسمی مشاهده نمیشود روزنامه عدالت منتشر نشده و نخواهد
شد مگر روزی که بتوان با اهل حقیقت و ملت باحس روبرو شده و از روی عدالت حقیقت
گوئی کند - فعلاً بنده یکفر زارع و قسمتی از املاک پدیری خود را که ارثاً بمن رسیده
است اداره نموده و معتقدم از این رهگذر هم که باشد دقیقه ای از خدمت بنوع و توده
زحمتکش خودداری نکرده و حتی القوه تقصه های ضعیفی که برای رنجبران پیدا میشود
جلوگیری نمایم و آرزو میکنم که آیاروزی میشود که ایران و ایرانی از نعمت آزادی
حقیقی برخوردار شود بانه !!!!! با تقدیم احترامات.

(۷۸۹) عدل

روزنامه عدل در شیراز بمؤسسه آقای (نایب الصدر) و مدیر مسئولی (میرزا
محمد صادق شریف) تأسیس و در سال ۱۳۳۳ قمری منتشر شده است. شماره اول
روزنامه عدل در شهر شوال و شماره هشتم آن در تاریخ یکشنبه ۲۲ ذیقعدة الحرام
۱۳۳۳ مطابق ۱۰ میزان ۱۲۹۴ شمسی انتشار یافته. طرز انتشار روزنامه هفتگی
بوده و رورهای شنبه و یکشنبه توزیع میشده. هر شماره آن در چهار صفحه بقطع
وزیری متوسط و با چاپ سنگی در (مطبوعه ایالتی) طبع و هر صفحه آن مشتمل بر دو
ستون است. محل اداره: شیراز. دروازه باغشاه. آدرس تلگرافی: شیراز. عدل.
شرایط اشتراك: در شیراز سالیانه ۱۶ قران. ششماهه ۹ قران. در سایر ولایات اجرت
پست اضافه میشود. قیمت تك نمره پنج شاهی است. در زیر عنوان روزنامه، عدل بدینقسم

حرف عین بعده الدال

عدل

معرفی شده : « رورنامه ایست سیاسی - اخلاقی - طرفدار آزادی . »
 مندرجات روزنامه پس از درج سرمقاله که معمولاً صفحه اول را فرا گرفته عبارت است از اخبار شهری و مکتوبات و تلگرافات شکوائیه که از اطراف رسیده است . قسمتی از سرمقاله شماره هشتم روزنامه بدینقرار است : « قریب دو ماه است که از اثر مسامحه کاریهای هیئت دولت و غرض رانیهای وکلای باشرف ملت صفحه جنوب وطن عزیز ماحل تاخت و تار و جولانگاه عساکر و سوبهران انگلیسی گشته و هرچه در اینمدت ملت بیچاره بانالهای جگر خراش خود را از تعدیات ناهنجار دولت بریطانی بدربار دولت متبوعه خود استفاانه واستمداد و کسب تکلیف مینماید مع التأسف بجواب مساعدی که موجب تسکین خاطر و حالت امیدواری ملت دراینکه هیئت دولتی دارند که خانه آنها را ارتراضات بیگانگان محفوظ نموده و وکلانی هستند که پاس حقوق آنها را منظور خواهند داشت نائل نگشته فقط تنها چیزیکه ارمصادر امور یعنی بعداز تشکیل کابینه جدید و رئیس الوزرائی آقای مستوفی السالك درمخابرات حضوری مشهود افتاد همانا تلگرافات جلوگیری از احساسات ملی بود که (دولت مشغول مذاکرات است ... دولت مشغول اقدامات لازم است ... کاری نکنید که نتیجه اقدامات دولت عظیم ماند ... »
 شماره دهم سال اول روزنامه در تاریخ یکشنبه ۷ ذی الحجة الحرام ۱۳۳۳ قمری منتشر شده و سرمقاله این شماره تحت عنوان (آگاهی) و بدینقسم شروع میگردد : « اگر در احوال پیشینیان و سرگذشت ملل مختلفه دنیا تا درجه که تاریخ نوع بشر مارا هدایت میکند نظری افکنده و بدورین حقیقت و چشم بصیرت و عبرت موجبات ترقی یا انحطاط آنها را از روی محاکمه تاریخی در هر عصر کاوش نموده »

در این روز نامه مطالبی درباره انقلاب فارس و طغیان ژاندار مری دیده میشود من جمله درهین شماره قطعنامه که از طرف ژاندار مری برازجان صادر شده و در آن مقاصد خود را آشکار ساخته و از خدمت دولت کناره گرفته اند ، درج شده است .

میرزا محمد صادق شریف - تنظیم و تدوین رورنامه عدل که ارگان حزب اعتدال شیراز بوده بعهد آقای میرزا محمد صادق شریف معروف بستوده بوده است . نامبرده مردی دانشمند و مطلع و زمانی ریاست اوقاف اصفهان را عهده دار بودند . شرح زیر خلاصه ای از نامه ایست که در شرح احوال خود نوشته و برای اینجانب ارسال داشته اند .
 نام اصلی سید محمد صادق متولد شیراز در شب نوزدهم رمضان ۱۳۰۵ قمری فرزند حاج ملا محمد حسین که یکی از علما و زهاد شیراز بوده و در کازرون متولد شده است . فارسی را در مکتب خانه مرحوم کربلانی محمد صادق آموخته و مبادی نحو و صرف و منطق و اصول و فقه و مخصوصاً علوم ریاضی سبک قدیم را خدمت والد مرحوم تلمذ نموده . سطوح را در خدمت اساتید نامی عصر از قبیل مرحوم حاج سید محمد علی و مرحوم حاج شیخ محمد رضا اصولی و مرحوم آسید جعفر مزارعی و فلسفه و حکمت و کلام را خدمت مرحومین حاج شیخ یوسف و آشیخ عبدالینح و حاج مهنبالدوله استفاده نموده . مخفیانه و دور از انظار علوم جدید را نزد آقا محمد جواد فرا گرفتیم . این شخص

حرف عین بعدہ الدال

عدل

کہ خدایش اورا رحمت کند گرچه سوء خلق مفرطی داشت و گاهی ہم کار بعضا و زدن شاگرد می افتاد ولی رویہ مرفته استفادہ شایانی از آن مرحوم نمود . نہ تنها مرا از خیال حجة الاسلامی کہ تمام ہم مصروف نیل بدان مقام میبود و حتی یکمرتبه بقصد رفتن نجف فرار نموده بودم و مرحوم والدہم ازدو منزلی مراجعت دادند ، باز داشت بلکه تحریر و ترغیب نیز بر رفتن اروپا مینمود و تاحدی خودم ہم در اثر مطالعات زیاد و بدست آوردن کتبی از مصر شوق مفرطی بعلوم جدید پیدا نموده . بعد ارفوت والدہام طاقت توقف شیراز را نیاورده و با اجازہ والد ماجد بطهران حرکت نمود . در آنجا خدمت آقا میرزا عبدالرراق و بعضی اساتید رسیدہ مباحت مشکله را تحصیل و پس از چندی توقف بہ بیروت حرکت و در مدرسہ (لائیک) فرانسوی ہا مشغول . بدبختانہ جنگ اول در گیر شد و دولت عثمانی وارد جنگ و شہر بیروت نمونہ ای از صحرای محشر گردید تمام مدارس تعطیل و تبدیل بمریضخانہ و جای مجروحین جنگ گردید . خلاصہ بہر جان کندن بود بشیراز مراجعت . احساسات جوانی و آشنائی بدنیای دیگران و ملاحظہ اوضاع رقت بار خودمان تحریکم کرد کہ روزنامہ ای دار و هموطنان را از کید استعمار طالبان و بیگانگان آگاہ نمایم و ضمناً تشویق آقای حاج علم الہدی ابطحی و لیبران حزب اعتدال مدد بر این عزم شد و روزنامہ عدل را در سال سی و سہ قمری تأسیس

نمود . ہمہ کار آنرا خود عہدہ دار میبودم . مقالہ نویسی ، کسب خبر رفتن مطبعہ ، توزیع و خرید کاغذ و بدبختانہ انقلاب داخلی ایران و آمدن قشون انگلیس بشیراز و سانسور و عدم آزادی مجبورم نمود روزنامہ را در وتختہ کنم و مشغولیات دیگری انتخاب کنم . چون تازہ بعضی مدارس در شیراز بسبک جدید ولی بی برنامه تأسیس میشد منہم مدتہا بامو سسین اولیہ بدون اندک کمکی از دولت مشغول شدیم . بعداً بجای یکی از معلمین اعزامی از مرکز مشغول کار شدم ، بعدہا کہ معارف رو بیسط گذاشت تدریجاً بسمتہای دیگر منصوب ارقبیل مفتش ایالتی فارس ، کنفل فرہنگ فارس ، ریاست دبیرستان چند ماہی ہم مرحوم داور بعدلیہ ام



حرف عین بعده الدال

عدل ، عدل مظفر

کشاید ولی چون این کار موافق روحیه ام نبود از آن صرف نظر نمود و مجدداً فرهنگ مراجعت و ریاست دارالمعلمین تبریز منصوب، سپس ریاست دارالفنون و ریاست تحقیق اوقاف مرکز و کفالت اداره کل اوقاف و اخیراً ریاست اوقاف اصفهان منصوب گردیده ام. این بود اجمالی از شرح احوال آقای ستوده بقلم خود ایشان. در حال تحریر این قسمت آقای ستوده بار نشسته شده اند.

(۷۹۰) عدل

روزنامه عدل در تهران در سال ۱۲۹۲ شمسی تأسیس هفته سه بار منتشر شده است. در تاریخ ۲۲ نور ۱۳۰۲ شمسی شورای عالی فرهنگ امتیاز این روزنامه را بنام (حاج شیخ جعفر) تصویب نموده ولی چون نامبرده روزنامه عدل را تا ۲۲ قوس سال مذکور منتشر ننموده وزارت فرهنگ طبق آگهی که در جراید نموده ملزم کرده است که صاحب امتیاز برای انتشار آن باید اقدام بتجدید امتیاز بنماید. نگارنده تا کنون اطلاعی ندارد که این روزنامه مجدداً منتشر شده است یا نه.

(۷۹۱) عدل مظفر

روزنامه هفتگی عدل مظفر باژلاتین در شهر همدان تأسیس و در سال ۱۳۲۴ قمری منتشر شده است. این روزنامه بدیری (دکتر حسن خان طیب علی) که در دستگاه ظهیرالموله حاکم همدان بوده، تأسیس و انتشار یافته و پس از نشر سیزده شماره تغییر اسم پیدا کرده و در سال ۱۳۲۵ قمری بنام (اکباتان) منتشر شده است. (تاریخ مطبوعات و شعر فارسی ص ۱۱۸)

(۷۹۲) عراق

روزنامه عراق در شهر اراک (سلطان آباد و یا عراق سابق) بدیری و موسی آقای (باقر موسوی) تأسیس و شماره اول آن در اول اسفند ۱۳۱۲ شمسی منتشر شده است. بانبودن هیچگونه وسیله در شهر اراک و بیعلاقگی مردم آنجا بقرانت روزنامه آقای موسوی با همکاری دسته ای از جوانان منورالفکر اقدام بتأسیس و نشر روزنامه عراق نموده و برای این منظور آقای باقر موسوی در سال ۱۳۱۱ شمسی چاپخانه ای از اصفهان خریداری و بعراق حمل کرده و تدریجاً در توسعه و تکمیل آن کوشیده تا اینکه چاپخانه آبرومندی بنام (چاپخانه موسوی) دایر نمود و روزنامه در همین چاپخانه طبع میگردد. روزنامه عراق در بدو پیدایش دارای دو صفحه بوده و از ۱۵ مرداد ۱۳۱۳ شمسی بامرا یای بیشتری در چهار صفحه منتشر گردیده و از ابدا نماء ۱۳۱۴ ببعده مصور و با وضع زیبایی یومیه شده است. شماره مسلسل ۳۸۵ سال چهارم آن در چهار صفحه بقطع و زیری بزرگ در چاپخانه سربی (موسوی) طبع و در تاریخ یکشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۱۵ مطابق ۲۲ محرم ۱۳۵۶ قمری توزیع گردیده است. باینکه در این سال و

حرف عین بعده الرا

عراق ، عراق عجم

سنوات بعد عراق (روزنامه یومیه) معرفی شده ولی در عمل هفته سه شماره بیشتر منتشر شده است. محل اداره روزنامه: سلطان آباد. میدان پهلوی. عنوان تلگرافی: سلطان آباد. نامه عراق. قیمت اشتراك روزنامه: عراق و ولایات یگساله ۵۰ ریال. ششماهه ۳۰ ریال. ممالك خارجه ۸۰ و ۴۵ ریال تك شماره ۲۵ دینار. بعد از دو روز يك ریال قیمت اعلانات صفحه اول و دوم سطرى دوریال. صفحه سوم و چهارم سطرى يك ریال. مندرجات روزنامه عراق مانند سایر جراید محلی، پس از درج سرمقاله، تبارت است از مقالات گوناگون و اخبار محلی عراق و سایر شهرها و اخبار خارجه. رمانهای مختلف نیز دریا ورقی روزنامه چاپ شده است. صفحه چهارم روزنامه مخصوص درج اعلانات ثبتی است. اصولا این روزنامه مانند بعضی روز نامه های دیگر بنظور نشر اعلانات ثبتی تأسیس شده است. آقای باقر موسوی پس از وقایع شهریور اداره روزنامه و چاپخانه را بتهران انتقال داده و روزنامه را در اینجا منتشر نموده است. آقای موسوی جوانی است فعال و در امور چاپ و مطبعه کمال بصیرت را داراست.

(۷۹۳) عراق عجم

روزنامه عراق عجم بدیری و نگارندگی (ادیب المالك) در طهران تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است. شماره پنجم سال اول روزنامه در تاریخ سوم جمادی الاول ۱۳۲۵ قمری و شماره ۲۶ این سال در تاریخ پنجشنبه ۱۷ محرم ۱۳۲۶ قمری انتشار یافته است. عراق عجم روز نامه (آزاد هفتگی) معرفی شده و هر شماره آن در چهار یا هشت صفحه بقطع وزیرى ۱۲ در ۶ و سه چهارم اینچ با چاپ سربى در (مطبعه شاهنشاهی) بطبع رسیده است. اداره روز نامه (دروازه دولا ب جنب باغ میرزا علی قائم مقام) منزل مدیر و نگارنده روزنامه (ادیب المالك) بوده. مکاتیبی که با اداره میرسد اهم از اینکه درج شود یا نشود صاحبش حق استرداد ندارد. مکتوب بی امضا و تر از درج معذور است.

اینها خصوصیاتى است که در يك طرف عنوان روزنامه چاپ شده و در طرف دیگر قیمت اشتراك سالیانه بدینقرار معین شده است: طهران ۱۲ قران. سایر ولایات داخله ۱۲ قران. روسیه ۵ منات سایر ممالك ۱۰ فرانك. قیمت اعلانات سطرى پنج شاهی. تك نمره در تهران صد دینار. در سایر ولایات نمره فروشی نمیشود. وجه آ بونه بدون قبض چای اداره نباید داده شود.

این روزنامه ارگان انجمن عراق عجم در طهران بوده و در باره مندرجات آن در ضمن يك سطر در هر شماره در زیر عنوان روز نامه اینطور نوشته شده است: «این جریده در مطالب علمی، ادبی، اخلاقی سیاسى پلتیکی، حب وطن امور متعلقه بمدارس بیداری ابناء وطن عزیز و مقالات عام المنفعه درج میشود.» سر مقاله شماره ۲۶ سال اول روزنامه بدینقرار است:

«عاشورای سنه ۱۳۲۶. جن و بشر بر آدمیان نوحه میکنند چرا؟ برای اینکه

حرف عین بعدہ الراء

عراق عجم ، عرفان

نوع انسان در این ماه ذلیل و دستخوش دیوان و شیاطین میشوند. تکیه دولت دام چید و شست شکار مظلومان است تکیه دولت مذبحه و مقبره بیچارگان است. تکیه دولت نخجیر گاه بر رویان و مقتل بدبختان و مقبره عشاق و تفرجگاه سنگین دلان است. تکیه دولت جائی است که شمس الملك در آنجا بضرب شلاق و زخم قمه و غداره شور عاشورارا تجدید میکند. تکیه دولت جائیست که فتحنامه آل زیاد و صحیفه ذلت آل محمد در آن در کمال قشنگی و دلربائی قرائت میشود. تکیه دولت مکانیست که مستبدین سرمشق و دستور العمل شمر و یزید را در آنجا تعلیم میگیرند. تکیه دولت عرصه ایست که قدرت و غلبه استبداد را بشروطیت هویدا میکند...» پس از این سرمقاله شرحی تحت عنوان (واقعه حیرت انگیز) راجع بتوطئه قتل ارباب جمشید در شب عاشورا نوشته و بعد (بقیه مکالمه نصراله بیک و میرزا نصرت از شماره ۲۵) رادرج کرده است. در صفحه چهارم قطعه شیرینی از میرزا آقا فرصت شیرازی نقل نموده که قسمتی از آن بدینقره راست:

باچه قانون اساسی در چه مذهب بیگناه
تر کتازی فتنه سازی جنگجویی رهنمی
لعل را جان بخش خواندی زلفرا آرام دل
لعل تو جان میستاند رلف تو دل میبرد
از دلم آرام بردی چون خط آوردی پدید
عالمی آشفته خواهد شد که از صد جوفه دل
فرصت و ماو شما در مشورت دادیم رأی
از روز نامه عراق عجم نگارنده تا همین شماره ۲۶ سال اول را در دست دارم .

واما میرزا صادقخان ادیب الممالک که سابقاً روز نامه ادب را می نوشته احوالش را بتفصیل در جلد اول کتاب ذکر کرده ایم .

(۷۹۴) عرفان

مجله عرفان بمدير مسئولی (احمد مراغی عرفان) در اصفهان تأسیس و شماره اول سال اول آن در ۱۶ صفحه بتطبع کوچك خشتی در مطبعه سربی (گلپهار) طبع و در تاریخ ۲۰ برج عقرب ۱۳۰۳ شمسی منتشر شده است. روی جلد مجله ، عرفان ، مجموعه ای مستقل ، علمی ، ادبی ، اخلاقی و اجتماعی و ظرفدار معارف معرفی شده . مقاله افتتاحی مجله که بقلم (میرزا محمد کرمانی) تهیه شده و در آن نامهای مشروطیت ، جمهوریت ، رئیس الوزراء و وزارتخانه ها ذکر گردیده ، بدینقسم شروع میگردد :

« بسم الله تعالى شأنه . کل امر ذی بال لم یبدء بسم الله و هو الا بتر . حمد و سیاس بامر و قیاس ملک الملوك و شهنشاه متقوم و مستغنی بذاتی را سزااست که فکر مشروطه خواهان عالم وجود را در کنگاش خانه ربوبیتش راه نی - لایستل عما یفعل و هم یستلون جماهیر جمهور بین عالم کون در ساحت جمهوریت کبریا تیش حیران و سرگردان پای را از سر و مشروطه را از جمهور نشناسند . سبحانک لا علم لنا الا ما علمتنا . و توانین مضبوطه

دولت مشروطه اش بشرط ان اكر مكم
 پس از مقاله افتتاحی مذکور، مقاله ای بعنوان (پوزش و معذرت) در سه صفحه
 مجله چاپ شده که پایان آن بدین قرار است: «اینک فهرست محتویات نامه عاجرانه ام
 را (که مگر بنظر صاحب‌دلان نیرو بیاید) خاطر نشان خوانندگان محترم مینمایم بازبانی
 شرم آلود عنرنارسانی سخنم را می‌خواهم که نتیجه سخن سنجیم نالیدن است نه بخود بالیدن
 ۱ - حقیقت اسلام و احکام اسلامی با فلسفه و نتایج سیاسی آن. ۲ - نزدیک بودن اسلام
 بمذهب قدیم ایران بلکه توافق آنها در بعضی احکام. ۳ - حقیقت زبانها و لغتها خصوص
 لغت قدیم ایران. ۴ - دفع موهومات و خرافات و بر افکندن اصول کهنه پرستی و غیرها.»
 در همین شماره تحت عنوان (قسمت ادبی، اشعار بقافیه تازه) از (م. کرمانی)
 درج شده که برای نمونه قسمتی از آنرا ذیلا نقل مینمائیم:

بگویت سخنی بشنو این بدیع نکات که بلکه پی بیری يك زمان براه نجات
 بدست دشمن این سر زمین با برکات نمانده هیچ بجز از قضا چهار لکات

که بر حبیب خدا ختم انبیا صلوات.

گسته رشته نظم امور ملک ز هم برای نفع اجانب قتاده ایم بهم
 نه با یزید بود چاره ساز نی اد هم فکنده دهر سروکار خلق با کلنات.

که بر حبیب خدا ختم انبیا صلوات.

به رنجبر نه ملاذ و نه ملجاء و نه مجیر نه هست عقده گشائی رکار های فقیر.
 بخرج مینرود ناله و فغان و صغیر قتاده ایم بشدر هلا ز چهار جهات

که بر حبیب خدا ختم انبیا صلوات.

زمام در کف امرد ز ارمنی و یهود با مردان مسلمان رسیده جزئی سود
 چو خر تو خرد و مانع شد از میان مقفود ز پول ماست که زنده خرید کرده قنات

که بر حبیب خدا ختم انبیا صلوات.

بگو که کیست کند درد هایمان درمان بغیر خالق بیچون و حضرت یزدان
 و گر نه (دزه) امام زمان شده حیران که تا چگونه کشد خلق را بسوی نجات.

که بر حبیب خدا ختم انبیا صلوات.

سال اول مجله عرفان با انتشار شماره ۱۲ خاتمه یافته و شماره اول سال دوم
 آن در ۲۴ صفحه بقطع خشتی در مطبعه سربلی (پروین اصفهان) طبع و در ۱۵ تیر
 ماه مطابق ۲۶ ذیحجه ۱۳۴۴ قمری انتشار یافته است. از این شماره است که کتاب
 تاریخ (انقلاب ایران) تألیف برونزا آقای پیمان ترجمه و در مجله طبع نموده است.
 سال دوم مجله عرفان با انتشار شماره‌های ۱۰ و ۱۱ در يك جلد، در ۴۸ صفحه بقطع
 كوچك در تاریخ تیرماه ۱۳۰۶ شمسی خاتمه یافته و با نشر این شماره دوره مجله
 عرفان پایان یافته و از آن پس بصورت رورنامه منتشر گردیده است. در صفحه آخر
 شماره اخیر مجله تحت عنوان (پایان اینسوره) نوشته است: «سپاس خدا را که دوره
 دوم سال سوم مجله عرفان به پایان رسید. اینسوره دزرای یکصد بحث علمی، ادبی،

اجتماعی است و حاوی سیصد صفحه که با کاغذ و چاپ مرغوب طبع گردیده . بدین ترتیب دوره مجله عرفان خاتمه یافته و هما قسم که یاد آور شدیم از آن پس مجله عرفان بصورت روزنامه که از آن جدا گانه گفتگو مینمائیم انتشار یافته است .

(۷۹۹) عرفان

روزنامه عرفان در اصفهان بدیری آقای (احمد عرفان) تأسیس و در سال ۱۳۰۶ شمسی منتشر شده است . شماره اول روز نامه عرفان در چهار صفحه بقطع متوسط با چاپ سری در (مطبعه پروین مؤسسه عرفان) طبع و در تاریخ ۵ شنبه چهارم ربیع الاول ۱۳۴۶ قمری انتشار یافته است . این روزنامه در ابتدا هفتگی بوده و پس از چندین عنوان یومیه پیدا کرده و در عمل هفته سه شماره منتشر شده است . مقاله افتتاحی روزنامه که در شماره اول تحت عنوان (فاده مرام) درج شده بدین قرار است : « زمانه هماره و در تجدید و تبدل است اساتید و بزرگان ما از دیر زمانی است نوشته و گفته اند ما هم گفته و نوشته ایم و اینک هم تکرار میکنیم که ترتیبات و تنظیمات دیروز برای رفع حوائج امروز کافی نیست و باید بکلی این اصول و این طرز امرار را بشیوه جدید تبدیل و تجدید نموده و عادات کهنه را طومار کرده و همانداهی را که برای طی مدارج ترقی و تعالی معلم بزرگ دنیا (اروپا) پیموده ما هم به پیمائیم و بدانیم که اقوام و مللیکه در افکار و عادات گذشته جامد و را کد مانده و هیچ مایل بتغییر و تبدل وضعیات پوسیده نیستند و هیچ يك از تجارت و ترقیات علوم و فنون جدید را نمیپذیرند خود را بوادی بوار و هلاک انداخته و با ضحلال و پریشانی ابدی دچار میشوند . این خود معلوم است که با اشتر حلیم و خرنك لنك سلیم نتوان هسفر شمندفر و طیاره گردیده بهمین قیاس ... (پس از این قیمت شرحی در دو ستون روزنامه راجع بتجدد و تمدن و اینکه چگونه تجدید را باید اقتباس نمود نوشته تا میرسد باینکه) روزنامه عرفان سعی میکند که هموطنان عزیزش را بتمدن کنونی و تجدید واقعی راهنمایی نموده و نمونه از زندگی امروزی را نشان بدهد . روزنامه عرفان طرفدار جدی معارف و معارفخواهان را بهترین دوست و دشمنان معارف را بدترین دشمن میدارد . روزنامه عرفان تاسر حدامکان مفساد و معایب اجتماعی را تنقید کرده و خواهد گفت . روزنامه عرفان بهیچ فرقه و مقامی مربوط و منسوب نبوده و با اتکاء بخدا و اتکال بنفس و کمک دوستان حقیقی اداره میشود روزنامه عرفان بحسن استقبال هموطنان خصوص اهالی اصفهان آرزو مند است امید و ارایم حرفی ننیم جز از روی عقیده و چیزی ننویسیم بغیر حق و حقیقت . مادر و واقع مقتضیه امتحان خود را داده و بیش از این لازم بتوضیح نیست . حفظ دین و وطن آراد ابرا شعار خود ساخته و از وطنخواهان واقعی در هر لباس که هستند استعانت میطلبیم و علیه التکلان »

مندرجات روزنامه عرفان پس از درج سرمقاله ، عبارت از اخبار محلی اصفهان و قسمتهای کوچک ادبی ، اخلاقی که بیشتر ترجمه و یا بصورت مقاله مستقلى است . و نیز اخبار کشور و اخبار خارجه بطور اختصار در آن درج شده و هر چندى يك بار

رمانی بصورت باورقی در روز نامه چاپ شده. قسمتی از کتاب تاریخ ادبیات ایران تألیف برون را آقای سیف پور فاطمی ترجمه نموده و آنرا بنام گلزار ادبیات ایران در این روز نامه درج نموده است. پس از تأسیس اداره ثبت اسناد و ثبت عمومی در اصفهان، صفحات دو سه و گاهی چند صفحه ضمیمه روز نامه مخصوص درج اعلانات ثبتی است. مدت ده پانزده سال اعلانات ثبت عمومی اصفهان و کاشان و برد مخصوص دوروز نامه عرفان و اصفهان بود و لذا يك قسمت از مندرجات این دو روز نامه را اعلانات ثبتی تشکیل میدهند. اعلانات انحصار و رانت و مزایده‌ها نیز از مندرجات این روز نامه است. فهرستی از مقالات و اخبار شماره اول سال اول عرفان بدین قرار است: (افاده مرام ترجمه از قطعات هوگو - راجع بکتاب شاهنامه - داستان خواندنی - ام‌الامراض یاز کام غزل اثر طبع گلشن ایرانپور - راجع به محمود خان استکی - ورود) در عنوان روز نامه عرفان (طرفدار - معارف - علمی - سیاسی - اجتماعی مصور) معرفی شده و درباره تصاویر روز نامه باید در نظر داشت که گاه گاهی تصاویر خارجی در آن چاپ شده است.

هما قسم که یاد آور شدیم روز نامه عرفان در سال اول هفتگی بوده و در سال دوم تا سال پنجم هفته دو نوبت منتشر شده و از سال ششم عنوان یومیه پیدا کرد و هفته سه نوبت منتشر گردیده و تا کنون که سال بیست و هفتم انتشار آن است رورهای یکشنبه، سه شنبه و پنجشنبه منتشر میگردد.

محل اداره روز نامه: اصفهان. خیابان سه. عنوان تلگرافی عرفان. وجه اشتراك آن در ابتدا در داخله ۵۰ قران و در خارج ایران ۶۰ قران و بارباب معارف و معلمین و محصلین تخفیف کلی داده میشده. قیمت تك شماره ۶ شاهی بعداً وجه اشتراك ترقی نموده و مبالغ زیاده‌تری شده است. روز نامه عرفان یکی از روز نامه‌های کهنسال شهرستانهاست و اداره امور داخلی آن هر چندی بعهده یک نفر بوده چنانچه آقای ابوالقاسم پاینده و زمانی آقای (ا. فرارانه) و محمد حسین میرزا فصیح و ابرقونی مدیریت داخلی آنرا داشته‌اند. روز نامه عرفان دزرای چاپخانه اختصاصی است و این چاپخانه اول بنام مطبعه پروین و بعد اصفهان و پس از تشکیل ثبت عمومی بنام مطبعه عرفان موسوم شده است.

آقای احمد عرفان - آقای معلم حبیب آبادی که یکی از دانشمندان گمنام اصفهان میباشد شرح حال جامعی از مرحوم عرفان نوشته و ماعین آنرا از شماره ۳۲۳۷ عرفان مورخ ۵ شنبه ۲۱ آذر ماه ۱۳۳۰ بعینه نقل مینمائیم.

در این ایام که مرحوم احمد عرفان رحمه الله علیه مدیر رور نامه عرفان برحمت ایزدی پیوسته. جراتد اصفهان هر يك مقالاتی در باره آن مرحوم و اظهار تأسف ار وفات او تحریر نموده و از خدمات و زحمات وی در عالم علم و عمل و ادب قدردانی فرموده اند. وحقاً آن مرحوم شایسته این تقدیر و تجلیل بوده و میباشد.

اینك این بنده شرمندة محمد علی معلم حبیب آبادی نیز نظر بسوابق و روابطی که در زمان حیوة وی با او داشتم لارم دانستم چند سطر در شرح احوال او مرقوم و

حرف عین بعده الرء

عرفان

بدینوسیله اولاً یادى از او نموده و ثانیاً تسلیت و تعزیتی بپایماندگان آن مرحوم تقدیم کرده باشم

مرحوم احمد عرفان فرزند عبدالصمد بن میرزا عبدالله از اهل مراغه آذربایجان بود. جدش میرزا عبدالله از معاریف شهر مراغه و آنجا مسجدی ساخته که تاکنون باقی و برقرار و بنام وی معروف است. فرزندش عبدالصمد از آنجا باصفهان آمده و عیال اختیار کرده و مرحوم احمد عرفان از آن زن در پنجشنبه بانزدهم ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۱۱ (هزار و سیصد و یارده هجری قمری) چنانکه از خود وی مسموع شد مطابق حوت ماه برجی سنه ۱۲۷۲ شمسی در اصفهان متولد شده و در کودکی وی پدرش هم در اصفهان وفات کرده و در تخت فولاد مدفون شد و مرحوم عرفان پس از طی مراتب صباوت در مدرسه علیه مشغول تحصیل شد و در همان ایام علوم قدیمه اعرابی و غیره را در مدارس قدیمه ارقبیل مدرسه صدر و مدرسه میرزا حسین فراگرفت و سپس بتکمیل علوم جدیدیه پرداخت و مخصوصاً زبان انگلیسی را نیکو فراگرفت و مدتی هم در علوم ریاضیه خدمت مرحوم محاسب الدوله (نامش میرزا آقا خان فرزند خستقلی خان بن میرزا محمد خان بن بیگلر خان اربزرگان علماء ریاضی و مخصوصاً هندسه و حساب بود در سنه ۱۲۷۴ متولد شده و در تهران خدمت مرحوم حاجی نجم الدوله درس خوانده و هم آنجا در جرکه عرفاء و صوفیه سلسله صفیعلیشاه در آمد چندین کتاب در هندسه و جبر و مقابله تألیف کرده و سالها در اصفهان مقیم و آخر هم آنجا در شب شنبه غره ماه جمادی الاول سنه ۱۳۵۶ وفات کرد و با اینکه در آن اوقات از طرف دولت دفن اموات در داخله شهر ممنوع بود وی را استثنائاً با صدور اجازه اولیاء امور در مسجد رحیم خان در ایوان مقبره مرحوم آقامیرسید حسن مدرس دفن کردند). بتحصیل پرداخت و رساله جبر و مقابله وی را در نزد خود آن مرحوم کامل ساخت و زمانی دراز در مدارس جدیدیه بتعلیم مشغول بود و در سنه ۱۳۴۱ نخست امتیاز مجله و بعد روز نامه را جدا گرفت و هر دو را بنام عرفان موسوم ساخت که پس از چند سال نام خانوادگی خود را نیز همین کلمه گردانید و بدان معروف شد و مجله را سه دوره یا چهار سال منتشر کرده و سپس ترك نمود. و روز نامه را بطوری که از سالنامه پارس (سال ۱۳۰۹ ص ۱۹۵) برمیآید در (شوال - ذی القعدة) سنه ۱۳۴۵ با انتشارش پرداخت و تا آخر عمر مرتباً هر هفته ای دویا سه شماره باستثناء بعضی از ایام منتشر نمود که شماره آخرین آن ۳۲۳۱ از سال ۲۶ و در ۱۹ صفر ۱۳۷۱ مطابق ۲۷ آبان ۱۳۳۰ شمسی سه روز قبل از وفات او منتشر شد.

و این روزنامه بطوری که همه در مقالات خود نوشته اند و مانیز بدان معترفیم و صفحات سنوات عدیده آن شاهد صدق آن میباشد از روزنامه های بسیار متین و وزین و دارای خلاصه اخبار داخله و خارجه از اصفهان و ایران و سایر اقطار جهان و مطالب ادبی و تاریخی و رجالی و گاهی ترجمه بعضی از کتب و غیره با قلمی عفیف و شیوا بوده و هیچوقت از حدود عفت قلم و حفظ حدود و حقوق هر کس و هر طبقه و متانت و وقار

حرف عین بعده الرء

عروة الوثقی ، عصر

روزنامه نگاری خارج نشده و شایسته است دوره های بیست و هشت ساله آن هر یک تنظیم و تجلید و محفوظ در کتابخانه هامدرك نویسندگان آینده بلکه عصر حاضر نیز قرار گیرد . و بهرحال مرحوم عرفان مدتها بود که مریض و چندبار بسکته مبتلا و از خانه بیرون نیامد تا در این اواخر قدری بهتر شده و گاهی در اداره روز نامه حاضر می شد و بالاخره ناگهان در شب پنج شنبه بیست و دوم ماه صفرالخير سنه ۱۳۷۱ (هزار و سیصد و هفتاد و يك) قمری مطابق ۳۰ آبان ماه باستانی سنه ۱۳۳۰ شمسی باریسکته مبتلا و همان شب مبتلا اعلا پیوسته و وفات کرد و روز پنج شنبه ارطرف انجمن روزنامه نگاران بوسلیه اعلانات عیدیه خبر فوت او در شهر منتشر و برنامه تدفین او تنظیم گردید و روز جمعه طبق آن جنازه او باتشیعی عظیم بتخت ولاد محمول و در تکیه حکیم بزرگوار مرحوم جهانگیرخان قدسه سره مدفون شد و در روز شنبه و مابعدا درامکنه متعدده مجالس سوگواری عیدیه برای او برپا و طبقات مختلفه در آن شرکت نمودند و دو فرزند یکی پسر بنام بهرام و دیگر دختر که از وی کوچکتر است بنام پروین از او بارماند و چنانکه اشاره شد مدیران جراید اصفهان هر يك قدر او را منظور آورده و بتفصیل و اختصار در روزنامه های خود شرحی از این واقعه مرقوم داشتند و همچنین بعضی ارشعراء مرانی و اشعاری در این قضیه و تاریخ آن بنظم آوردند که در روزنامه ها نوشته شد و این فقیر نیز در آخر مرثیه ای چنین گفته ام .

از پی سالش معلم شد روان تار اهل انجمن گیرد خبر
ناگهان آمدیکی بیرون و گفت فوت عرفان بدباین ماه صفر

پس از فوت عرفان انتشار روزنامه بنام خانم آن مرحوم بانو ملك عرفان صادر گردید و هم اکنون روزنامه بصاحب امتیاری و مدیری مشار الیها بسبک سابق منتشر میگردد.

(۷۹۶) عروة الوثقی

روزنامه هفتگی عروة الوثقی در سال ۱۳۲۵ قمری در طهران منتشر شده است .
(تاریخ مطبوعات و شعر فارسی ص ۱۱۹)

(۷۹۷) عصر

روزنامه عصر در طهران بصاحب امتیاری (آقا میرزا آقا اصفهانی) و مدیر مسئولی (حاج شیخ حسنخان تبریزی) تأسیس و در سال ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است . طرز انتشار آن هفتگی بوده و معمولاً در چهار صفحه بقطع وزیری بزرگ با چاپ سنگی در (مطبعه شرقی) طبع و توزیع گردیده . عنوان مراسلات : طهران . خیابان کاشف السلطنه نمره ۲۸ عنوان تلگرافی طهران عصر قیمت اشتراك طهران پنج قران برای خارج از طهران اجرت پست اضافه میشود . قیمت تك نمره در طهران سه شاهی مراکز فروش جلوخان شمس العماره کتابخانه علمیه مصدق ، این روزنامه برای هیچکس پیش از فرستادن قیمت اشتراك ششماه فرستاده نمیشود . مقالات عام المنفعه تاجانی که

حرف عین بعده الصاد

عصر

مخالف باقانون مطبوعات نباشد قبول و نشر میشود . مراسلات راجع ببدح و ذم اشخاص پذیرفته و درج نخواهد شد . مکاتیب وارد مسترد نمیشود .

خصوصیات مذکور در هر شماره در عنوان روزنامه قید شده و علاوه بر این در زیر عنوان روزنامه بدینقسم معرفی شده است : « روزنامه ایست بیطرف ، ملی ، سیاسی ، ادبی طرفدار استقلال ایران . » مندرجات روزنامه عصر پس از درج مقاله اساسی که بعنوانین (مکرر بخوانید - تهذیب لازم است - ملا خان محمد واعظ ترك) نوشته شده عبارت از مکاتیب و نامه های مختلف است . مقالات روزنامه غالباً تند و دلچسب است . مسلک این روزنامه مانند روزنامه ایران نو دمکرات است .

شماره ۳ سال اول روزنامه در تاریخ ۱۷ ذیحجه ۱۳۲۸ قمری و شماره ۸ آن در تاریخ یکشنبه ۲۰ محرم الحرام ۱۳۲۹ و شماره ۲۸ آن در تاریخ پنجشنبه ۲ رجب و شماره ۳۱ آن که آخرین شماره ایست که از روزنامه در دست است در تاریخ ۳ شعبان ۱۳۲۹ قمری منتشر گردیده است . در بعضی از شماره ها وجه اشتراك بدینقسم نوشته شده : در طهران ۱۰ قران ، در سایر شهرها ۱۲ قران . در خارج ایران ۸ فرانك .

روزنامه چهره نما در شماره ۳ سال هشتم خود مورخ ۱۵ صفر ۱۳۲۹ قمری شرحی بعنوان تقریظ جراید در باره سه روزنامه بدینشرح نوشته است : « جنوب و عصر و جارچی ملت منطبقه های طهران که بتارگی از آثار معارفبار خود جهان مطبوعات و ادبیات را مرهون خیالات عالی و مقاصد متعالیه خود در ادای قرض وطنخواهانه نموده اند . مقصد مقدس (جنوب) دفاع از حرکات متعدیانه و تجاوزات نا مشروعانه همسایه حیل مایه جنوب است . و مسلک سیاسی (عصر) که از قلم فرخنده شیم یگانه حکیم اعلم اکمل و فرزانه اجمع افضل (آقا میرزا آقا) اصفهانی است تردید و تنقید افکار از صحت عاری و زرای بزرگ و مندرجات جراید ترك انگلستان و بطرز بورغ میباشد . (جارچی ملت) بسی مطلوب و بیاناتش مرغوب علاوه مزیت دیگر که تصویر هم دارد . »

میرزا آقا اصفهانی - میرزا آقا اصفهانی ملقب بجاهد از آراد بخوانان معروف و ارکسانیکه از قبل از مشروطیت برای تحصیل آزادی فداکاری و جانفشانی نموده . نامبرده در زمان صدارت عین الدوله باتفاق حاجی میرزا حسن رشیدی و مجد الاسلام کرمانی از طهران بکلات نادری تبعید گردید . شرح تبعید این سه نفر را بتضمین در حرف نون کتاب در ذیل روزنامه (ندای وطن) شرح خواهیم داد . در اینجا فقط آنچه را مرحوم کسروی درباره علت تبعید میرزا آقا نوشته نقل مینمائیم . مرحوم کسروی در جلد اول تاریخ مشروطه (صفحات ۱۲۳ و ۱۲۴) مینویسد : « میرزا آقا از استانبول تاره آمده و نزد عین الدوله خود را قانون داد نشان داده و چنین پیشنهاد کرده بود که قانونی که خواسته میشود او بنویسد و چون مرد خود نما و هوسناکی میبود سخنانی از قانون و آزادی و چگونگی تودمهای اروپا میراند ولی وقتی عین الدوله اینها را گرفت (منظور رشیدی و مجد الاسلام و میرزا آقا است) شهرت داد که بهائی بودند و از این جهت وقتی طباطبائی و سلطت مجد الاسلام را نزد عین الدوله کرد جواب داد که بهائی بودند . »

تبعید کلات مدت زیاد طول نکشید و مرحوم میرزا آقا مجاهد بوساطت مشیرالسلطنه بطهران برگشت و تا سال ۱۳۲۶ قمری دربا بتخت بسر میبرد و در سال مذکور سفری بلندن و مصر نمود و از آنجا از راه عراق عرب بایران مراجعت کرد مدیرچهره نما در شماره ۶۴ سال پنجم روزنامه مورخ ۲۰ ذیحجه الحرام ۱۳۲۶ قمری در جزو کسانی که بمصر وارد شده درباره میرزا آقا اصفهانی می نویسد: «جناب آقا میرزا آقا مجاهد تاجر اصفهانی که ذکر حالات مختلف علامتشان در اذهان سیاسیون مرتسم شده پنجم ذیحجه ۱۳۲۶ از لندن بطریق پورت سعید ورود نموده و هفت روز محض دیدار آثار عتیقه و امکانه قدیم توقف نمودند و سپس از راه سویس بجانب عراق عرب عزیمت بایران رهسپار گردیدند. در مدت توقف ایشان آقای حاج میرزا عبدالجواد مشکو از بذل هیچگونه خدمتی نسبت بایشان فرو گذاری نکرده و نگارنده بر حسب دوستی و سابقه چندین ساله و ارتباط اوقات تجارتی حضور ایشان را مفتنم دانسته و چند سؤال نمودم.» در اینجا مدیر چهره نما بذکر چند پرسش و پاسخ پرداخته که برای اطلاع از زندگانی مرحوم میرزا آقا مجاهد بطور خلاصه آنها را نقل مینمائیم. ابتدا مدیر چهره نما میبرد شما چه مسلکی دارید و از چه حزبی محسوب میشوید؟ جواب: قبل از انعقاد مجلس و بلوای اولیه طهران در ایران دو حزب تأسیس شد یکی مروج خیالات روحانی و یکی منشاء حرکات جسمانی. این دومی همیشه ریادتر است و اصلش از قفقازیه روسیه بود که مهاجرین و فراریهای مظلوم جمع شده و هیئت بنام (مجاهدین) تشکیل داده و خیلی اثرات مفید برای مردم داشتند ولی افسوس که جمعی در آنها داخل شده بغیال قتل محمد علی شاه افتادند. از جمله اشخاصی که از بدو ورود و وصیت باعتدال کرد من بودم و از اینجهت بعضی از دوستان گفتند من تغییر مسلک داده ام ولی من میگویم: نه مثل شاه و درباریها راضی هستم بی ناموسانه و بوالهوسانه متع روسها بشوم و نه مثل مردمان پست فطرت دوست دارم که بوظیفه کم اجیر و کارگذار انگلیسها باشم. مسلک من استقلال و حسن استقبال وطن مقدس من است.

..... در باب اینکه کجا میل توقف دارم جنابمالی که از سایرین بهتر میدانید که از سال ۱۳۲۳ که ابتدای سفر فرنک من بوده است تا این ساعت من دارای هیچ قسم اختیار نبوده ام. حرکات من اضطراری بوده است و امروز هم با این اوضاع حاضره محبوب ترین نقاط را برای اقامت وطن مقدس خودم ایران را میدانم بواسطه اینکه آلام و اکدار این چهار ساله قوای مادی و معنوی را کاهیده است و محتاج باسراحت کرده است و این استراحت در ایران است تا خدا چه مقدر کرده باشد.

سابقا یاد آور شدیم که آقا میرزا مجاهد در زمان محمد علی شاه در باغشاه محبوس گردید. شرح گرفتاری او را در شماره دوم سال هفتم چهره نما مورخ ۱۵ محرم ۱۳۲۸ قمری تحت عنوان (فرق مشروطه و استبداد چیست؟) ذکر کرده که چون مقاله مذکور خوانندگان گرام را بقسمتی از زندگانی آن مرحوم آشنا میسازد، بعینه آنرا نقل مینمائیم:

حرف عین بعده الصاد

عصر

» پس از مراجعت آقا میرزا آقا مجاهد اصفهانی چون از وضع حاج محمد اسماعیل مسبوق نبود بهم دیدن کردند دوستان از حال منازعه و هم مشربان او آقا میرزا آقارا مطلع کردند ایشان هم بکلی ترك تمام گفته بقمیكه اهالی طهران همه فهمیدند . درباریان و باغشانیها چون ورود ایشان را دانستند اول بتطبیع چون قانع نشدند بعد بتهدید دنبال بآمیرزا آقا کردند پیشرفت نکرد ولی آقامیرزا آقا بنا باحتیاط طهران را ترك و بشیرانات رفت و در اینجا بنا گذاشت چندین نسخه ژلاتین باسم (شکوفه عصر) منتشر کرد و بسیار آنها مؤثر شد تا مجاهدین بطهران رسیدند و محمد علی میرزا خلع و مشروطه دایر شد .

آقا میرزا آقاهم از شمران بشهر طهران آمد و از همه ملاقات کردند و هیچ حرفی در میان نبود تا آقای تقی زاده و مدیر روز نامه مساوات آقا سید محمد رضا از تبریز وارد شدند آقا میرزا آقا از این دو نفر ملاقات نکرد و مجدداً به بشیران رفت پس از چند روز شنیده شد که در پی دستگیری آقا میرزا آقا هستند و یکی از طهران بشیران بایشان خبر داد آقا میرزا آقا بطهران آمد و بر خلاف سابق همه روزه از صبح تا عصر بازار بود تا آنکه روزی یکی از دوستان میگوید جناب میرزا آقا خوب است دوباره بشیران بروید . جواب میدهد مقصد شما را فهمیدم من مخصوصاً بشهر آمده ام و مسئله گرفتن من از دوشق خارج نیست یا آنکه مرا گرفته بعدلیه میبرند و محاکمه میکنند اگر محکوم شدم مجازات خواهند داد یا آنکه لوطی بازی و هرج و مرج است پس در شق ثانی بشهر هم باشم بهتر است جهت آنکه مفر ضیق نگویند فرار کرده است .

اواخر رجب روزی باران بود و شب را بخانه میروند شب پنج ساعت از شب گذشته دسته ترك، فارس، قفقازی، بختیاری که چهار رده نفر باشند میروند درب خانه ایشان دق الباب میکنند خدمتکار می آید و بر میگردد خبر میدهد میریزند در خانه . نصرالله برادر عیال ایشان می آید جلو که چه خبر است؟ فوری تفنگرا در شقیقه او گذاشته میگویند میرزا آقا کجاست والاتو رامیکشم او افتاده از ترس غش میکند . «این جوان معقول از آن شب ببعده پس از بهوش آمدن حالت جنونی پیدا کرده و باکلی مخارج در حالش افاقه نشده .» چون نصرالله خان میافتد میریزند بر زنها در حالیکه هوا گرم بوده و تمامی زنها در خواب و لغت و غریبان بوده اند زنها قرآن میآورند که ما را اذیت نکنید جواب میدهند ما از منی هستیم و قرآن اعتقاد نداریم . عاقبت میروند در پشت بام خانه در صورتیکه آقا میرزا آقا با عیال خودش در رختخواب خوابیده بودند بایک پیراهن و زیر شلوار او را پائین میآورند و میبرند . (در این جا حال زنها ی خانه را بحس خوانندگان واگذار میکنیم .)

آقا میرزا آقارا بردند بیباغشاه و با چند نفر دیگر من جمله مجد الاسلام کرمانی مدیر روزنامه (ندای وطن) که محاکمه و تبعید شد و هنور آقا میرزا آقا در باغشاه میباشد هر قدر بجراید نوشتند و بوزراء و رؤسا گفته شد که میرزا آقا حکمش چیست؟ چرا او

حرف نین بعده الصاد

عصر، عصر آزادی

را بعدلیه نی آورند؟ چرا محاکمه نمیکنند؟ هر يك جوابی غیر موافق دادند. از بسکه متفرقه عریضه دادند آخر جناب سپهدار اعظم در حاشیه نوشته بودند: (در ۲۷ رمضان در مجلس عالی حکم شد که آقا میرزا آقا از حبس بیرون بیاید و در ظرف دو هفته الی یگم به جهت تسویه امورات خودش در طهران باشد و بعد يك مسافرتی نماید.) این حکم را بهر اداره نشان دادند جواب دادند ما اطلاع نداریم.... تا از حکم جناب سردار اسعد وزیر داخله چند روز قبل آقا میرزا آقا و رضا بالا رئیس نظمیه سابق و پسر حاج میرزا حسن آقا تبریزی و میرزا عبدالرحیم اللهی مدیر اقیانوس و دونفر سید و یکنفر شیخ را که جمله هفت نفر بودند از باغشاه طهران آوردند باز هم نه محاکمه و نه استنطاق، نه مرخصی نه مجازات، ناتبعید، نه استرضا، نه حرف حسابی. ملاحظه شود پس فرق استبداد و مشروطه چیست؟»

این بود شرحیکه مدیر چهره نما درباره میرزا آقا اصفهانی نوشته. در شماره ۵ سال هفتم چهره نما مورخ ربیع الاول ۱۳۲۸ قمری نیز نامه ای بامضاء (خانواده میرزا آقای مجاهد اصفهانی) درج کرده و خلاصه آن نامه تظلم و دادخواهی خانواده میرزا آقا مجاهد است که برای چه پنج ماه است میرزا آقا حبس و بدون علت هنوز محاکمه او نشده و ما سرگردانیم. در شماره ۶ سال هشتم چهره نما شرحی بامضاء یکنفر ایرانی مقیم مصر چاپ شده و در آن مدیر روزنامه عصر بامدیر روزنامه تمدن مقایسه گردید، شرح مذکور بطور خلاصه چنین است: «آقا میرزا آقا مجاهد مدیر روزنامه عصر موقعیکه بمصر آمدند و با او صحبت کردیم شخصی فهمیده و با چند زبان از عربی و فرانسه و ترکی عثمانی و انگلیسی آشنا بود امامدبر الممالک مدیر روزنامه تمدن جز لجه اصفهانی بچیز دیگر آشنائی نداشت و تعجب است چگونه در روزنامه خود بمدیر عصر بدگونی کرده است.» این بود قسمتی از شرح زندگی مدیر روزنامه عصر.

(۷۹۸) عصر آزادی

روزنامه عصر آزادی در شیراز بصاحب امتیازی و مدیری (میرزا جواد خان آزادی، مدیر راده) تأسیس و در سال ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده است. شماره اول این روزنامه در برج قوس یا تیرماه سال مذکور انتشار یافته و در ابتدا هفتگی و سپس یومیه گردیده است. پس از آنکه آقای جواد آزادی بنمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید، روزنامه بصاحب امتیازی ایشان و بمدیر مسئولی و نگارندگی آقای فضل اله شرقی در شیراز منتشر میشد شماره های ۳ و ۴ سال اول عصر آزادی در برج جدی و شماره های ۵، ۶، ۷، ۸ آن در برج دلو و شماره های ۹، ۱۰، ۱۱ آن در برج حوت سال ۱۲۹۹ شمسی بداره مجله فلاح و تجارت رسیده است. شماره مسلسل ۱۶۳۹ سال هیجدهم عصر آزادی بصاحب امتیازی جواد آزادی و مدیر مسئولی (فضل اله شرقی) در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربی (آفتاب) طبع و در تاریخ جمعه ۱۵ مرداد ۱۳۱۶ شمسی مطابق ۲۸ جمادی الاول ۱۳۵۶ قمری و او ت ۱۹۳۷ میلادی انتشار یافته

حرف عین بعده الصاد

عصر آزادی

در عنوان روزنامه، اسم روزنامه (عصر آزادی) بخط نستعلیق و در زیر آن سال تأسیس (۱۹۲۱) نوشته شده و در بالای آن به عنوان شمار روزنامه دو کلمه (خدا و آزادی) درج است. جای اداره: شیراز. دبستان ابن سینا. قیمت اشتراك روزنامه: سالیانه ۶۰ ریال. خارجه ۸۰ ریال. قیمت اعلانات صفحه اول سطرى دو ریال و مابقی صفحات یکریال. تك شماره سی دینار. مندرجات عصر آزادی عبارت ارمقالات مختلف و اخبار داخله و خارجه میباشد و صفحه چهارم آن مخصوص درج آگهی های ثبتی است. شماره اول سال بیستم عصر آزادی که دارای شماره مسلسل ۱۹۳۷ میباشد، در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربی (شیراز - مطبعه موسوی) و در تاریخ یکشنبه سوم تیر ماه ۱۳۱۸ شمسی مطابق ۷ جمادی الاول ۱۳۵۸ قمری توزیع شده است. خصوصیات و بهای اشتراك روزنامه بشرحی است که قبلا ذکر نمودیم و مندرجات این شماره پس از درج مقاله مختصر افتتاحی، مقالات گوناگون و اخبار فارس و اخبار داخله و خارجه و صفحه چهارم اعلانات ثبتی است. در این شماره مقاله بعنوان (بیستین سال انتشار عصر آزادی. یکسال دیگر از عمر نامه ما گذشت) بمناسبت آغاز بیستین سال انتشار روزنامه درج شده که ذیلا عین آنرا نقل مینمائیم:

«خوشیم باینکه يك واحد بر جمع ارقام خدمتگذاری ما بهین عزیز افزوده شده این افتخار نصیب ما گشته است که بگوئیم بیست سال است از تاریخ انتشار اولین شماره عصر آزادی میگردد. شکر گذاریم از اینکه در محیط آسایش و امنیتی قرار گرفته و بهین جهت توانسته ایم بانجام وظیفه قیام نمایم. نگرانیم باین جهت که آنچه در تصور خود برای آبرو مند شدن و مفید بودن روزنامه خود میانیدشیدیم بعمل کردن همه آنها موفق نشده ایم گرچه ترتیب انتشار منظم روزنامه و نشر آخرین اخبار خبرگذاری پارس و دقت بیشتر در جلب خبر های صحیح از قدمهائی بود که برای بهبودی روزنامه سالیکه گذشت برداشته شد گرچه با اصرار و علاقه آقای مدیر چاپخانه موسوی او لا از صفحه صفحه چاپ کردن روزنامه با حروف زشت و دستگاه چاپ نامتناسب آسوده شدیم و بعلاوه در قسمت آخر سال موفق شدیم حروف ۱۲ نورا بجای حروف ۱۸ بکار اندازیم گرچه و گرچه ولی ارجیلی جهات خود مان اذعان داریم که روزنامه مانقص دارد و در صدد هستیم که با کمک خداوند و دستگیری دوستان تا آنجا که میتوانیم در رفع نقایص بکوشیم. تنها چیزیکه ما به امیدوار یست این است که خودمان میدانیم برای پیشرفت روزنامه دقیقه فروگذار نکرده ایم و نتیجه اقدام را هم برای العین دیده ایم. با همه آنچه ذکر شد تصمیم داریم برای سال آینده طوری باصلاح روزنامه بپردازیم که آخر سال يك شماره روزنامه را بتوانیم بتوضیح و بیان پیشرفتهای آن اختصاص بدهیم مگر نه اینست که یکی از کار های اساسی سازمان پرورش افکار رهبری و راهنمایی و فراهم آوردن تسهیلات در کار چاپ و انتشار روزنامه ها است»

روزنامه عصر آزادی تا هنگام فوت جواد آزادی یعنی تاشهریور ۱۳۲۳ شمسی منتشر میشد و پس از فوت ایشان نیز بمدیری آقای فضل الله شرقی منتشر میگردد

و از این قسمت روزنامه جداگانه در ذیل کتاب گفتگو خواهیم کرد .
آقای فضل الله شرقی اکنون مدیر دبیرستان ابن سینا در شهر شیراز میباشند.

شرح حال جواد آزادی مدیر روزنامه عصر آزادی

جواد آزادی در تهران در شهریور ۱۳۲۳ شمسی بدروود زندگانی گفت و در روز یکشنبه پنجم شهریور ماه از طرف وکلای فارس در مسجد مجده فاتحه برای او گرفتند . شرح حال جواد آزادی را در شماره ۲۰۴ روزنامه ایران ما مورخ یکشنبه ۵ شهریور ۱۳۲۳ اینطور نوشته است :

« مرحوم جواد آزادی فرزند مرحوم شیخ محمد حسین حیات در تاریخ ۱۲۷۹ شمسی در شیراز متولد گردید مرحوم حیات پدر آن مرحوم از پیشقدمان اولیه مشروطیت و آزادی در فارس بوده چندین مرتبه از طرف مقامات متنفذ وقت توقیف و حبس گردید و معارف فارس و دبیرستان حیات از تأسیسات آن مرحوم است بعلاوه روزنامه حیات را منتشر میکرد که در تاریخ ۱۲۹۹ از آنجائیکه دارای جنبه انتقادی شدید بود توقیف گردید . روزنامه عصر آزادی بنام آقای جواد آزادی در حیات مرحوم پدرشان امتیاز گرفته شد . این روزنامه تا تاریخ ۱۳۱۴ که مرحوم آزادی برای دوره نهم مجلس شورای از لار انتخاب گردید مستقیماً تحت نظر خود ایشان چاپ و منتشر میشد و از آن تاریخ تا ۱۳۲۰ تحت نظر آقایان حسین استقلال و فضل الله شرقی در شیراز منتشر گردید .

سوابق اداری و فرهنگی مرحوم آزادی عبارت از کمکهای مؤثر به مرحوم حیات در تأسیس معارف فارس و تأسیس دبیرستان حیات و ریاست هنرستان پیشه و هنر و کفالت اداره پیشه و هنر فارس که با فعالیت ایشان کارخانه عظیم قند مرودشت ساختمان گردید .

سوابق پارلمانی - ازدوره نهم مجلس شورای ملی تا دوره چهاردهم متوالیاً نماینده مجلس و اغلب جزو هیئت رئیسه مجلس و از افراد برجسته پارلمان و هیئت رئیسه مجلس بود .

پس از فوت جواد آزادی (جبهه مطبوعات اصفهان) نیز بیاد آن مرحوم در سالن دبیرستان سعدی مجلس یاد بودی منعقد نمود و یکی دو تن آنجا سخنرانی نمودند من جمله آقای علی امین عضو دفتر دادگاه بخش اصفهان خطابه راجع به زندگانی آزادی قرائت نمود که متن آن از شماره ۲۳۰۸ روزنامه عرفان مورخ ۱۶ شهریور ۱۳۲۳ در اینجا نقل میشود :

اسم مرحوم آزادی جواد نام خانوادگی بجبهه اتی الذکر مدیر زاده اهل شیراز فرزند ارشد محمد حسین حیات مدیر روزنامه حیات و مدیر مدرسه شریعت دو مین مدرسه که ابتدا در شیراز تأسیس شده و از آزادی خواهان بنام و معروف شیراز و عضو برجسته و بنام حزب دمکرات فارس است که پس از طی خدمات فرهنگی این اواخر بر ریاست فرهنگ فارس منصوب شده و شخصاً ادیب و فاضل حتی در راه نشر حقایق

و بیداری هموطنان خود یکدفعه منزل او بغارت رفته و خود اوزندانی شده است بنابراین ملاحظه فرمودید که پدر آزادی یکی از آرادیخواهان و خدمات مهمی بمشروطیت و بخصوص بفرهنگ فارس نموده است و معروفیت اولیه مرحوم آزادی بمدریر زاده از این جهت بوده که پدرش بطوریکه عرض شد اوائل مدیر مدرسه شریعت بوده که بعد از مرگ او بیاس خدمات فرهنگی بنام پدرش حیات نامیده شد آزادی در سن ۲۷ سالگی که تحصیلات جدید و قدیم خود را بیایان رسانیده بود بمدریت مدرسه که پدرش مؤسس آن بود برقرار و خود نیز سمت تعلیم داشته که خود این بنده افتخار شاگردی ایشان را داشته و دارد و در همین ایام نیز قدم بصحنه سیاست گذارده و بگرفتن امتیازی بنام روزنامه عصر آزادی نائل گردید که در عمر خودش و بگواهی مدیران محترم جراند قدیمی اصفهان از جراند مفید و بنام فارس بوده و از این رهگذر خدمات فرهنگی و تنویر افکار عامه و بخصوص در راه آزادیخواهی به میهن ما کرده است.

آزادی شخصی بود خلیق بردبار و رفیق پرست و فوق العاده نجیب و دارای حجب و حیای ظاهر و ظاهری آرام و متین و از خصایص و خصوصیات اخلاقی او عدم عصبانیت و ظرفیت با رقبای سیاسی و کسانی که باو حسد می ورزیدند و بدخواه او بودند و هیچ وقت دیده نشد که حتی قلماً هم با کسی اظهار خصومت و طرفیت نماید اما چیزی را که صلاح ایران و میهنش میدانست بی پروا و بدون ترس ابراز و اظهار میکرد در اینموقع بود که قلم را برمیداشت و اشخاص مؤثر را مؤدبانه و با رعایت نزاکت انتقاد میکرد که نمونه آن ظرفیت و انتقاد از یکی از مأمورین سیاسی بود که بواسطه آن روزنامه عصر آزادی توقیف و از آن تاریخ بیحد مقام و موقعیت محسوسی در جامعه پیدا نموده و محبوبیت خاصی یافت.

آزادی پنج دوره بنماینده گی مجلس از طرف موکلین رشید و باوفای خود یعنی لاریها انتخاب شد و تا کنون سابقه نداشته که وکیلی این اندازه طرف محبت موکلین خود واقع گردد زیرا حفظ حقوق موکلین مد نظر او بوده و حتی از جزئیات کار آنها فروگذار نمیکرد و شب و روز میدوید بالاخره در سال دوم و کالت با خانواده خلعت بری سردار اقتدار نوه سپهسالار اعظم ازدواج کرد و تا آنجا که در سال ۱۳۲۱ که این بنده در طهران بودم سه پسر داشت و البته پیش خودتان فکر میکنید که آیا ثروت و اندوخته او چقدر است و پس از ۵ دوره و کالت چه اندازه استفاده و اندوخته نموده است. متأسفانه باید عرض کنم که اولاً در خانه اجاره می نشست و بطن قوی میتوانم بگویم که مقداری هم ممکن است مقروض بوده است.

این بود شرحی که آقای علی امین بصورت خطابه در باره مرحوم آزادی در سالن دبیرستان سعدی ایراد نمود. پس از فوت آن مرحوم از طرف نمایندگان مجلس شورای ملی مجلس ترحیمی برای آن مرحوم در مسجد مجید در طهران منعقد گردید و نمایندگان مجلس و هیئت دولت در این مجلس حضور بهم رسانیدند. روزنامه اطلاعات بهمین مناسبت از خدمات آن مرحوم در شماره مورخ شنبه چهارم شهریور ۱۳۲۳ شمسی

شرحی نوشته که برای خوف از اطناب از نقل آن خود داری نموده و شرح راجع به روزنامه عصر آزادی و مدیر آنرا بهین جا خاتمه میدهم.

(۷۹۹) عصر انقلاب

روزنامه عصر انقلاب بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (میرزا آقاخان همدانی) و سر دیری (ی. دیر خلوت) در طهران تأسیس و شماره اول آن در چهاردهم ربیع الاول ۱۳۳۳ قمری مطابق برج دلوپارس نیل و فوریه ۱۹۱۵ میلادی در دو صفحه بقطع بزرگ منتشر شده است. این روزنامه در ابتدا هفته یک نمره و پس از چندی هر هفته دو نمره در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربی (ایران) طبع و توزیع گردیده. محل اداره آن: طهران. مقابل شمس العماره در مطبعه ایران. عنوان تلگرافی طهران اداره عصر انقلاب. هنگامیکه عصر انقلاب هفتگی بوده صبح روز یکشنبه منتشر میشده است. وجه اشتراك این روزنامه بدینقرار است: طهران سالیانه ۴۰ قران. ششماهه ۲۲ قران ولایات داخله ۴۵ قران و ۲۴ قران. خارجه ۶۰ قران و ۳۵ قران. تك نمره در طهران ۵ شاهی و در ولایات شش شاهی است.

در عنوان روزنامه عصر انقلاب بدینقسم معرفی شده: «این جریده ملی. آزاد و مستقل الافکار در حفظ منافع وطن و اساس حکومت ملی سخنرانی میکند.»
مندرجات روزنامه بدینقرار است که معمولاً در صفحه اول آن مقاله سیاسی بقلم مدیر روزنامه نوشته شده و صفحات دیگر روزنامه مخصوص اخبار داخله و اخبار جنگ اروپا میباشد. عصر انقلاب را میتوان روزنامه سیاسی و تبلیغی شمرده که در هنگام جنگ بین المللی اول با بدایره انتشار گذاشته و مقالات آن بیشتر بنظور تحریک و انقلاب مردم بر علیه حکومت وقت نوشته شده است. فی المثل مقاله شماره سوم سال اول آن بعنوان (قاصر کبست - مقصر کدام است؟) تدوین شده و در آن نویسنده سعی کرده است قاصر و مقصر را هیئت دول قلمداد نماید.

چیزیکه بیشتر در روزنامه عصر انقلاب جلب توجه میکند طرفه-اری صریحی است که در آن بنفع آلمانها و بزبان متفقین شده و از این حیث بیشتر روزنامه جنبه تبلیغاتی دارد. فتوحات آلمان و ابلاغیه‌های آن دولت و مقالاتی ارقبیل (آلمان و آذوقه) که در آن سعی شده فراوانی آذوقه را در آلمان ذکر نماید و یا مقاله (پاریس و توپهای مهیب آلمان) در آن درج گردیده.

از شماره ششم سال اول مورخ ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۳۳ قمری عصر انقلاب هفته دو روز، یکشنبه و چهارشنبه منتشر گردیده و سر مقاله این شماره بعنوان (آ.آ. که ایرانیان در نظر بلژیکها چقدر بی حس بقلم رفته اند) در یک صفحه نوشته شده است. ارشماره ۱۶ سال اول مدیر و سر دیر سیاسی (میرزا آقاخان همدانی) معرفی و اسم دیر خلوت از عنوان روزنامه حذف شده است. عصر انقلاب در مطابع مختلف سربی از قبیل مطبعه برادران باقرزاده و مطبعه ایران طبع گردیده و مدتی هم محل اداره آن

حرف عین بعدہ الصاد

عصر انقلاب

بغیان بان علاء الدوله منتقل شده است .

پس از انتشار شماره ۲۹ سال اول عصر انقلاب مورخ چهارشنبه ۱۸ رجب ۱۳۳۳ قمری که سر مقاله آن تحت عنوان (اسلام و وضعیت کنونی دنیا - عثمانی و جنگ) درج گردیده ، روزنامه مدتی توقیف و بعداً در تاریخ سه شنبه ۱۰ ذی قعدة ۱۳۳۳ بنام (عهد انقلاب) مجدداً منتشر شده است . از روزنامه عهد انقلاب بتفصیل در محل خود گفتگو خواهیم کرد . و اما علت توقیف عصر انقلاب حملاتی بوده که در روزنامه بکاینه عین - الدوله نموده و علناً با آن مخالفت کرده است . عین الدوله که معتقد بود روزنامه ها چه حقی دارند در سیاست دخالت کنند روزنامه را توقیف نمود . ولی مدیر روز نامه دست از مرام خود بر نداشت و هما قسم که یاد آور شدیم پس از چندماه روزنامه عهد انقلاب - را بجای آن منتشر نمود .

روزنامه عصر انقلاب پس از سی و سه سال خاموشی ، بهمت فرزندان مرحوم عبداله فریار و تحت نظر هیئت تحریریه ، در تاریخ شنبه ۲۲ تیر ۱۳۲۵ شمسی مجدداً منتشر گردید . سر مقاله این شماره که از آن بتفصیل در ذیل کتاب گفتگو خواهیم کرد تحت عنوان (پس از سی و سه سال) نوشته شده و بدینقسم شروع میگردد : « پس از سی و سه سال خاموشی و سکوت اینک عصر انقلاب باردیگر منتشر میشود . جای تأکید و تکرار نیست که ما نیر مانند همه همکاران و هم میهنان خود طالب استقلال و عظمت و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور عزیز خود میباشیم »

در همین شماره شرح حال مرحوم میرزا آقاخان عصر انقلاب را بدینقسم نوشته است :
میرزا آقاخان عصر انقلاب - کسانیکه سنین عمرشان از پنجاه گذشته و در - جوانی با عالم سیاست و مطبوعات سروکاری داشته اند از شنیدن نام عصر انقلاب در عین حال دو خاطره در ذهنشان رنده میشود . اول شخصی بارز و قیافه ای نجیب و محبوب نشان علوهیت و پاک طینت را دمردی که یک عمر فداکاری و مبارزه در راه آزادیخواهی را با شرافت و سربلندی پایان رسانیده و یاد خود را در دل دوستان و هوا خواهان با افسوس و تأثر برجای نهاده است . دوم یک روز نامه آزادیخواه و انقلابی که هدفی جز رهبری افکار و دریدن پرده های سالوس و فریب ارقیافه اهریمن ارتجاع و استعمار یعنی دشمن دیرین ایران و عالم بشریت نداشته و ار این حیث آئینه تمام نمائی از ایده آل آزادیخواهان و روشن فکران پر شور عصر سراسر انقلاب صدر مشروطیت و در عین حال شاهد صادقی از طرز فکر و درجه بصیرت و نازک بینی صاحب آن در مسائل سیاسی و اجتماعی بوده است . مرحوم عصر انقلاب (میرزا آقاخان فریار) در عمر خود هرگز ماسکی بصورت نگذاشت و ارمین رو دوستان و طرفداران و آشنایان برویه و عقاید او تا پایان عمرش در قیافه حقیقی و باطنی او تغییری مشاهده نکردند .

عصر انقلاب عمری را در راه وصول به هدف عالی خود یعنی آزادی برای ایران با فداکاری و مبارزه پایان رسانید . او جوانی خود را در این راه با حبس و شکنجه و نفی بلد گذرانید ولی این موانع را کوچکتر از آن میدانست که از هدف بزرگ و عالی خود

حرف عین بعده الصاد

عصر انقلاب ، عصر تمدن

روی برتابد . در بستر بیماری و حتی در روزهای پایان زندگی خود فرزندان و دوستانش را بشهادت و فداکاری در راه حصول آزادی و مبارزه بر علیه جهل و خرافات و کهنه پرستی و نکبت‌های دیگری که مولود ارتجاع است تشویق و ترغیب مینمود . مرحوم فریار در سی سال پیش دوره اول عصر انقلاب را منتشر نمود و با آنکه توقیف‌های پی‌در پی مانع از ادامه انتشار نامه مربوط گردید چهل و یک شماره آن که آندوره را تشکیل میدهد برای نشان دادن امال و افکار وی شاهدی صادق میباشد . (هما قسم که یادآور شد یم تعدادی از شماره‌های مذکور بنام عصر انقلاب و بقیه باسم عهد انقلاب منتشر شده است . مولف .)

در دوره‌های پنجم و ششم تقنینیه مرحوم فریار از اردبیل و خلخال بنماینده مجلس انتخاب شد و غیر از آن نیز همواره دارای مشاغل عدیده بوده و زندگانی وی پر از مبارزات آرادینخواهانه میباشد و از آنجمله خدمات ملی وی را در جنگ جهانی اول و ایام مهاجرت اجباری باستانبول باید بشمار آورد . در ۱۳۱۸ شمسی شاید بنا بقضیات سیاسی (با آنکه علت مزاج مانع از فعالیت سیاسی وی بود) مرحوم فریار دراست اداره راه اصفهان مأمور آنسامان نمودند و مدت شش سال در آنجا بود تا اینکه بنا به تقاضای خود بتهران مراجعت و در پست مدیر کلی وزارت راه پس از کسالت ممتدی در ۱۳۲۴ سن شصت و چهار بدوود حیات گفت . و نگارنده را با مرحوم فریار هنگامیکه رئیس اداره راه اصفهان بود اتفاق ملاقات دست داد . خیلی میل داشت شرح حال خود را برای چاپ در کتاب تاریخ جراید مرقوم دارد ولی موفق نگردید .

(۸۰۰) عصر تمدن

روزنامه عصر تمدن در طهران بمدیری و مؤسسی (میرزا مهدیخان ساعی) تأسیس و در سال ۱۳۴۱ قمری منتشر شده است . شماره اول این روزنامه در هشت صفحه بقطع و ریری بزرگ در مطبعه سربی (روشنائی) طبع و در تاریخ شنبه ۱۳ شعبان المعظم ۱۳۴۱ قمری مطابق ۱۰ حمل ۱۳۰۲ شمسی و ۳۰ مارس ۱۹۲۳ میلادی توزیع گردیده . محل اداره و روزنامه : طهران . لاله‌زار . قیمت اشتراك آن : سالیانه پنج تومان . شش ماهه سه تومان . تك نمره شش شاهی است . فهرست مندرجات هر شماره در ابتدای صفحه اول درج شده و من جمله فهرست مطالب شماره اول بدینقرار است : ستایش - مرام ما - ترانه عارف - عصر تمدن - مسائل جاریه - گذارشات خارجه - ادبیات - مقالات وارده مطبوعات خارجه - اعلان .

سر مقاله شماره اول و یامتاله افتتاحی روزنامه پس از ستایش و نیایش الهی بعنوان (مرام ما) بدینقسم شروع میشود : «ما می‌خواهیم دستگاه زندگانی و اسباب و علل برتری و بهتری ملل را قیه و معنی و مفهوم تمدن عصر حاضر را شرح و تفسیر نموده ... پس از این مقاله مسائل جاریه داخلی و بعد گذارشات ایران و خارجه چاپ شده است . شماره دوم روز نامه در تاریخ ۱۷ حمل ۱۳۰۲ منتشر شده و در آن مردم را بان انتخاب

حرف عین بعده الصاد

عصر تمدن ، عصر پهلوی

سید ضیاء الدین تشویق نموده است . از شماره سوم پاورقی روزنامه بعنوان (مسافرت در فضای آسمان با کشتی هوایی) درج شده. در این پاورقی شرح مسافرت سه نفر انگلیسی از طرف مشرق افریقا بطرف مغرب آن ، برای کشف اراضی مجهوله ، بیان گردیده است . پاورقی مذکور ترجمه آقای عین الملک (که در آن ایام ژنرال قنصل ایران در فلسطین و شامات بوده) میباشد . از مندرجات عصر تمدن اشعار است که در آن درج شده این روزنامه یکی از روزنامه های خوب و مفید بوده است و از آن نگارنده فعلاً تا شماره هشتم مورخ جمعه ۲۹ شوال مطابق ۱۵ جوزای ۱۳۰۲ را در دست دارم سرمقاله این شماره باین عنوان است : «افتضاح در پی افتضاح - مدرس و نصرت اللوله و کمبانی بدار آنکه بمنفعت مبادی خارجی نتوانستند بانواع دسیه و گربه رقاصی»

(۸۰۱) عصر پهلوی

روزنامه عصر پهلوی در شهر اصفهان بدیری (مؤید الشریعه کیلانی) بطور هفتگی تأسیس و در سال ۱۳۰۴ شمسی منتشر شده است . عصر پهلوی پس از توقیف روزنامه کاشف اسرار (از این روزنامه در حرف کاف کتاب بتغییل گفتگو خواهیم کرد .) منتشر گردیده و ظاهراً بیش از چند شماره منتشر نشده و مدیر آن عزیمت بتهران نموده است . در شماره اول و دوم سال دوم مجله صحت منطبقه اصفهان مورخ فروردین و اردیبهشت ۱۳۰۴ شمسی تحت عنوان (غزل خدا حافظی) اینطور نوشته است :

« پس از ده سال توقف در اصفهان بخدمتگذاری این مرز و بوم اکنون برای اقامت بطرف مرکز رهپارم البته منقذات و صدمات و مصائب گونا گونی که در این مدت ده سال تحمل نموده ام اظهارش از توضیح واضحات است . اهالی اصفهان اگر من از میان شما میروم احساسات پاک شما را که همه موقع پشتیبان من بوده بیادگار میبرم در خانه از آقایان عظام و دوستان گرام معذرت خواسته که برای عارضه کسالت نتوانستم جهت خدا حافظی شرفیابی حاصل نمایم . مدیر عصر پهلوی - مؤید کیلانی . »
مرحوم ابوالقاسم پروردین ملقب بمؤید الشریعه کیلانی علاوه بر روزنامه عصر پهلوی ، روزنامه های کاشف اسرار و لوای اسلام را در اصفهان منتشر نموده است .

(۸۰۲) عصر پهلوی

مجله عصر پهلوی در قاهره مصر بزبان فارسی بدیری و مؤسی (عبدالله رازی لیسانیه در حقوق) تأسیس و شماره سوم سال چهارم آن در فروردین ماه ۱۳۰۸ شمسی در هفتاد صفحه بقطع خشتی منتشر گردیده است . مجله عصر پهلوی قبلاً بنامهای رستاخیز و سودمند منتشر شده و در سال چهارم با اسم عصر پهلوی نشر یافته است . از مجلات رستاخیز و سودمند در محلهای خود گفتگو کرده ایم .

عصر پهلوی مجله ایست ادبی ، سیاسی و اجتماعی و مندرجات آن که تحت عناوین قسمت سیاسی ، قسمت اجتماعی ، خوشه چینی و فلسفه و اخلاق آورده شده عبارت است از

حرف عین بعده الصاد

عصر جدید

مقالات سیاسی راجع باوضاع ایران و بطور کلی ممالك مشرق زمین و مطالب متنوع علمی و اخلاقی و گاهی اشعاری نیز بزبان فارسی در آن درج شده است. در همین شماره نمونه بعنوان (نوروز) اشعاری چاپ شده که بمدح اعلیحضرت رضا شاه پهلوی خاتمه پیدا میکند. دیگر از مندرجات مجله اخبار کشور است. از مزایای مجله تصاویر مختلف است که از مخترعین و رجال نامی گراور شده و من جمله تصویر اعلیحضرت شاه فقید میباشد که در زیر آن نوشته (بهار معنوی یا گلزار آمل ملت ایران) این مجله از حیث طبع و کاغذ چندان مرغوب نیست و قیمت اشتراك آن در ایران ۱۵ ریال. در خارج نیم لیره انگلیسی. عنوان مجله: صندوق البوسه. مصر. الزاهره.

(۸۰۳) عصر جدید

روزنامه عصر جدید در شهر مشهد بمدیرى و مؤسسى (سید حسن الموسوی) تأسیس و با چاپ سنگی و بخط نسخ درشت در سال ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است. شماره دوم این روزنامه در تاریخ ۲۳ ربیع الاول و شماره ۱۸ آن در تاریخ ۱۶ ذیقعد ۱۳۲۸ قمری توزیع گردیده. هر شماره عصر جدید در چهار تا هشت صفحه و هر صفحه آن بقطع ۱۳ در ۷ اینچ است. وجه اشتراك روزنامه در مشهد سالیانه ۱۶ قران، در سایر شهرستانهای ایران ۲۰ قران و در خارج ایران ۲۵ قران است.

(۸۰۴) عصر جدید

روزنامه عصر جدید در طهران بطور هفتگی در تحت نظر و مدیریت (عبد الحمید خان متین‌الطنه) تأسیس و شماره اول آن در تاریخ شنبه ۱۲ ذی القعد ۱۳۳۲ قمری مطابق ۳ اکتبر ۱۹۱۴ میلادی توزیع شده است. خصوصیات عصر جدید بر خلاف روزنامه های معمولی آن زمان در عنوان روزنامه چاپ نشده و ار محل اداره و مرام و مسلك روزنامه و قیمت اشتراك در بالای صفحه اول ذكری نگردیده و تمام این خصوصیات در خلال صفحات روزنامه نوشته شده است. و بلکه در عنوان هر شماره اسم روزنامه (عصر جدید) بخط نسخ و اسم مدیر روزنامه و فهرست مندرجات طبع گردیده است. عصر جدید معمولاً در ۱۲ صفحه بقطع وزیری بزرگ در مطبعه سربی (مطبعه ایران - لاله زار) طبع شده و مندرجات آن بیشتر اخبار مربوط بوقایع جنگ بین الملل و ذكر فتوحات متفقین و متحدین است. برای اطلاع از مندرجات روزنامه فهرست مطالب شماره اول را نقل مینمائیم: یادداشت هفته - نمایندگان دارالشورای ملی - وضعیت بازار تهران - پایتخت در بار هیونی - اطلاعات خارجه - بعد از چهارده سال روابط آلمان و اطیش قبل از جنگ - انهدام شهر لوون - محاکمه مادام کایو - آلمانها چگونه وارد بروکسل شدند - سرعت حرکت قشون آلمان و شعبه مطبوعات - محاکمه مادام کایو - کامنتا تألیف جدید هلیگلاند - آخرین اخبار - برخلاف تمام جراید که در شماره اول مقاله افتتاحی روزنامه را بذکر خط مشی

حرف عین بعده الصاد

عصر جدید

ومرام سیاسی خود اختصاص میدهند در این روزنامه بموض این قبیل مقاله تحت عنوان (یادداشت هفته) مقاله راجع بجنک بین الملل نوشته است . مقاله مذکور بدینقسم شروع میشود : « با اطلاعات ناقصی که از منابع مختلف المنافع آنها پس ارحك و اصلاح چند از وقایع جنك بین الملل بایران میرسد خیلی مشکل است که وضعیت میدانهای جنك را از روی صحت و یقین دانست . همینقدر معلوم است که قوای آلمان . . . »

در صفحه ششم شماره اول بازاسم روزنامه بخط نستعلیق و در ربر آن محل اداره و تاریخ انتشار روزنامه چاپ شده است : « طهران . خیابان علاءالدوله . آدرس تلگرافی (عصر جدید) . طهران . تلفن ۲۲۴ . ۱۲ ذی قعدة ۱۳۳۲ مطابق ۳ اکتبر ۱۹۱۴ . » در همین صفحه مقاله تحت عنوان (بعد از چهارده سال) درج شده که خلاصه آن چنین است : در چهارده سال قبل نویسنده عصر جدید جریده مظفری را در بوشهر تأسیس نمود و پس از چندی بمدر حایه آن که نمیدانم اکنون در کجاست وا گذار نمود . از آنوقت تابحال سبك روزنامه نویسی در ایران تغییر کرده و همانقسم که ادبیات سبك نوی پیدا کرده روزنامه نیز تغییراتی پیدا نموده سپس مدیر روزنامه شرحی راجع بسبك روزنامه نگاری در ایران قدیم و مقایسه آن بارورنامه های فعلی نوشته و اضافه میکند که مدیر روزنامه باید غرض و نظر خاصی نداشته باشد و ضمناً از تمام امور با اطلاع باشد تا بتواند اظهار نظر کند و مردم باو اطمینان داشته باشند . درخاتمه مینویسد :

« پس صرف نظر از قانون مطبوعات که حدودی از برای او تعیین کرده یا نکرده باشد اول تکلیف روزنامه نگار این است که در تمام آنچه مینویسد خ-ارا شاهد و ناظر بدانند و با همین عقیده و مسلک است که بدون هیچگونه طرفداری از اشخاص یا احزاب م شروع بطبع این جریده میکنیم و از خداوند توفیق میخواهیم که بتوا نیم از عهده این تکلیف بزرگ برآئیم . »

شماره دوم عصر جدید در تاریخ شنبه ۱۹ ذیقعدة ۱۳۳۲ بهمان سبك شماره اول منتشر شده و سر مقاله آن بعنوان (یادداشت هفته) است . در شماره ششم فرمان بیطرفی ایران در جنك بین الملل اول بضمیمه تمثال احمد شاه و نیز دستوری از طرف وزارت معارف خطاب بمدران جراید در این زمینه چاپ شده است .

عصر جدید روزنامه ایست سیاسی ، اخباری و اخلاقی و ادبی و چون مرتباً هفته یکبار منتشر میشود ، در نوع خود کمتر نظیر دارد . نویسندگان روزنامه علاوه بر متین السلطنه ، مدیر روزنامه آقایان (جعفر خامنه) و (افراسیاب آزاد) میباشد . در باورقی بعضی صفحات کتاب (کلید زندگی یا هزارو یک نصیحت : تألیف اعلم الدوله) چاپ شده است .

شماره ۴۱ سال اول در ۱۶ صفحه در تاریخ ۲۶ شعبان ۱۳۳۲ قمری طبع و توزیع گردیده و چون نشر این شماره مصادف با جشن ولادت احمد شاه بوده ، تصویر شاه مذکور در صفحه اول چاپ شده است . ار شماره ۴۶ کتاب (مهر فرزندی تألیف رحمان نویس فرانسوی ادلف دانری) که آنرا حبیباله عین الملک ترجمه کرده ، بعنوان

حرف عین بعده الصاد

عصر جوان ، عصر حدید

باورقی در صفحه پنجم درج گردیده است . از شماره ۴۱ عصر حدید هفته سه شماره روزهای شنبه ، سه شنبه و پنجشنبه طبع و توزیع و نیز اسم روزنامه بارنك قرمز چاپ شده و تعداد صفحات نیز به ۱۶ صفحه ترقی کرده است . از اینموقع شرایط اشتراك بدینقسم معین گردیده : طهران یکساله ۵۵ قران . ششماهه ۳۰ قران . ولایات داخله ۶۰ قران . و ۳۵ قران وممالك خارجه ۸۰ و ۴۵ قران . از مزایائی که از این شماره بعد روزنامه پیدا کرده چاپ گراورهای کوچک مربوط بآلمانها و وقایع جنگ میباشد .

سال اول عصر حدید با انتشار شماره ۶۵ مورخ شنبه سلخ شوال المکرم ۱۳۳۳ قمری خاتمه پیدا نموده و شماره اول سال دوم آن با همان سبك و روش وبهمان قطع سابق طبع و در تاریخ سه شنبه ۳ ذیقعد ۱۳۳۳ قمری منتشر شده است . در سال دوم عنوان یادداشت هفته ، تبدیل به (یادداشت عصر حدید) وبخط قرمز چاپ شده است در این سال شماره صفحات به ۶ و ۸ تنزل نموده و در بعضی از شماره ها گراور اشخاص بزرگ خارجی دیده میشود . ترجمه دو کتاب رمان یکی (مهر فرزندی) ترجمه عین - الملك و دیگری (مسخره درباری) ترجمه اعلم الدوله ، بصورت باورقی طبع گردیده است .

از روزنامه عصر حدید نگارنده مجموعه کاملی در دست دارم که بشماره ۱۰۴ سال دوم مورخ شنبه ۸ شعبان ۱۳۳۴ قمری مطابق ۱۰ ژوئن ۱۹۱۴ خاتمه پیدا میکند سرمقاله شماره اخیر بعنوان (یادداشت عصر حدید - بزرگترین جنگ بحری) نوشته شده است . عصر حدید تاریخچه کاملی از دوسال اول جنگ بین الملل اول است . آخرین شماره منتشره عصر حدید ، شماره نود و نهم از سال سیم بوده و مرحوم متین السلطنه مقاله بعنوان (طوطی و طوطی قاضی) برای شماره صدم روزنامه نوشته بود که یک ساعت از شب گذشته بقتل رسید و روزنامه عصر حدید خاتمه یافت . این مقاله را اعلم الدوله تقفی برادر آن مرحوم در کتاب صد و پنجاه مقاله نقل کرده است . برای اطلاع از شرح احوال متین السلطنه رجوع شود بحرف ، ط کتاب کلمه طلوع .

(۸۰۵) عصر جوان

در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه عصر جوان در تبریز بمدیری (آقامیرزا رحیم خان) از تصویب شورای عالی معارف گذشته است .

(۸۰۶) عصر حدید

روزنامه عصر حدید در طهران تأسیس و منتشر شده و پس از توقیف طولانی مجدداً در سنبله ۱۳۰۱ شمسی منتشر گردیده است . روزنامه طوفان در شماره ۷ سال دوم مورخ ۲۸ سنبله ۱۳۰۱ شمسی در باره تجدید انتشار عصر حدید مینویسد : « روزنامه عصر حدید پس از توقیف طولانی روز شنبه با مهمترین قسمت جاسوس معروف آلمانی داسپوتین منتشر میشود . » نگارنده بیش از آنچه مذکور شد از این روزنامه اطلاعی ندارم .

(۸۰۷) عصر سخط وید

مجله عصر حدید که در حرف (ر) این کتاب بعنوان مجله راهنمای تجارتی ایران ار آن شرحی داده شده چون از شماره ۶۷ مورخ آذر ۱۳۰۸ شمسی تنها بنام (عصر حدید) انتشار یافته، مانیز ار آن بعنوان علیحده گفتگو مینمائیم. بنابراین مجله عصر حدید که در ابتدا بنام راهنمای تجارتی ایران بمدیری آقای (فرخ دین پارسا) منتشر میشده، در آذر ۱۳۰۸ شمسی در طهران انتشار یافته است. این تغییر اسم و جدا شدن امور مجله از اطاق تجارت طهران در اثر اختلافی بوده که بین مدیر مجله و اطاق تجارت طهران رخ داده و برای روشن شدن موضوع بهتر آنستکه آنچه در این ساره تحت عنوان (عصر حدید و اطاق تجارت) نوشته عینا نقل نمائیم:

«عصر حدید و اطاق تجارت طهران - البته تغییر روش عصر جدید و انتشار مجله ای شبیه بان باسم اطاق تجارت ایجاب میکرد که پیش آمدهای نسبت باین موضوع بااطلاع قارئین برسد ولی از آنجا که عصر حدید همیشه پیرو حفظ نزاکت و متانت شخصی بوده است هیچ دراین باب ننوشت و اگر ادب و احترام نسبت بمشترکین و خوانندگان عصر جدید که سئولاتی دراین باب مینمایند نبود حال هم چیزی نمینگاشت اینک خلاصه زندگانی دوره جدید عصر حدید - یعنی دوره عضویت اطاق تجارت - بااطلاع آقایان میرسد: موقع تصمیم بانشار عصر حدید بعضی از آقایان منور الفکر اطاق تجارت طهران پیشنهاد نمودند که این مجله خود را ارگان رسمی اطاق تجارت قرار دهد و در مقابل آنها هم کمکهای از حیث تکثیر انتشار باین مجله بنمایند. این وعده البته برای تجدید حیات یک مجله مفتنم و قابل قبول بود و این اداره هم بقبول آن تن در داد ولی متأسفانه باید اذعان شود که نه تنها از طرف اطاق تجارت طهران ایفای بعهده نشد بلکه آزادی کارکنان این اداره هم سلب گردید زیرا در هر موضوعی کارکنان این اداره بایستی تابع و مدافع نظریات بی فلسفه اطاق تجارت طهران واقع شوند. . . . در مرداد ماه جاری یکی از جراید مرکزی توجه نظری باطاق تجارت طهران کرده گوشه از پرده این صحنه را بالا برد و صحیح یا سقیم صحنه خیلی بدمنظری را نمایش داده که کارکنان این اداره را وادار نمود برای حفظ حیثیت خود خویش را کنار کشید که لااقل خرد را بازی کننده این صحنه که جریده مذکور نمایش داد نشانساند لهذا در تاریخ اول مرداد ۱۳۰۸ که مصادف با انتشارات جریده مذکور بود موقع را برای کناره گیری مقتضی شمرده و تحت نمره ۴۵۲ استعفاء خویش را با کتمان علل آن که متانت و حفظ ادب ایجاب میکرد باطاق تجارت طهران تقدیم نمود. این بود خلاصه تاریخچه گذشته عصر حدید و بر آن چیزی افزوده نمیشود و احتمال می رود همین مختصر برای جوابگویی آقایانیکه کتب و شفاها سئولاتی در این باب مینمایند کافی باشد. امید است عصر حدید در خدمت جدیدیکه عهده دار شده و دارای آزادی کامل است با مساعدت آقایان علاقمندان موفقیت حاصل کرده و نسبت بتمت فلاح

و صنعت که مقدمه امور تجارت است دستورات سودمندی تقدیم اشخاص ذی علاقه نماید که جبران قصور غیر اختیاری گذشته شده باشد . »

چنانچه از مقاله مذکور مفهوم میگردد عصر حدید خود را طرفدار فلاح و صنعت معرفی نموده است و از اینجهت روی جلد مجله عصر حدید را مجله ماهانه که (ارگان رسمی مجمع توسعه صنعتی و فلاحی ایران) میباشد دانسته است . و در باره مندرجات مجله نوشته است : « مقالات اقتصادی ، صنعتی ، فلاحی و اجتماعی پذیرفته و بهر گونه ستوایی راجع بموضوعات فوق جواب کافی داده میشود . » و بهمین مناسبت از شماره اول که شماره ۶۷ است مقالاتی راجع به (تلویزیون) ، (پرورش گوساله) ، (تربیت کرم ابریشم) و پرسشهای گوناگون دیگر ، درج نموده است . قطع و شماره صفحات (۴۸ صفحه) و طرز چاپ و کاغذ مجله با سابق تفاوتی نکرده و نیز صفحات زیادی از اول و آخر مجله مخصوص درج اعلانات تجاری و صنعتی است . قیمت اشتراك مجله : سالیانه در طهران و ولایات ۱۲ قران . خارجه دو دلار . تك نمره یکقران . قیمت اعلانات مانند سابق است . محل اداره : طهران . چهارراه حسن آباد . خیابان شاهپور . در عنوان مجله عصر حدید نیز صاحب و مدیر (ف . پارسای) و مؤسس : (ن . نوری) معرفی شده . اگر بخوئیم خلاصه از دوران انتشار مجله را ضبط کنیم باید آور شویم که استدای تأسیس مجله دیماه ۱۳۰۶ بوده که بطور ماهیانه منتشر میشده و تا ۲۸ شماره مرتب منتشر گردیده و در اردیبهشت ۱۳۰۹ هفتگی شده و ۲۰ شماره هم تا ابان ۱۳۰۹ منتشر و بعد تعطیل گردیده است . مجله عصر حدید دارای مطالب سودمند است . در شماره ۱۰ مجله معارف مورخ تیرماه ۱۳۰۸ راجع بعصر حدید اینطور مینویسد :

« اشخاصیکه از جدیت آقایان نظام الدین

خان نوری و فرخ دین پارسای مطلع باشند میدانند اگر موانعی در کار نبود پیشرفت مجله عصر حدید و راهنمای تجارتی ایران در تحت مدیریت این دونفر وجود فعال چندین مقابل بیشتر از این میبود با وجود موانع بسیار یکسال مجله را با بهترین اسلوب که در ایران نظیر ندارد ادامه داده و موفق شدند سال دوم آنرا ادامه دهند . »

آقای فرخ دین پارسای - با اینکه شرح احوال آقای فرخ دین پارسای مختصراً در ذیل مجله راهنمای تجارتی ایران و مجله جهان زنان ذکر گردیده ، در اینجا نیز خلاصه از نامه که بعنوان (سرگذشت یا سر نوشت) خود ایشان نوشته اند نقل میگردد :



حرف عین بعده الصاد

عصر حدید

م فرخ دین پارسای در سال ۱۳۰۷ هجری قمری بدینا آمد، نه پسر مرا دید و نه من پدر مرا. پدرم از نواده مرحوم ملا احمد نراقی طلبه ای بود که بطهران برای تحصیل آمد و در سن ۲۴ سالگی مادرم را که از خانواده های مستوفیهای تفرش و علویه بود بزنی گرفت. تربیت و تعلیم خود را مرهون شوهر مادرم (سرهنگ احمد خان معروف باسلامبولی) هستم. تحصیلات ابتدائی من در مدرسه افتتاحیه و شرف و ادب تهران بود سالی که بابت بدار القنون رفته و تحصیلات متوسطه را شروع کنم مادر بزرگم که مربی من بود و با اصطلاح خودش (رجوع باصل) را برای من میخواست مرا بکربلا برد. در کربلا چندی بتحصیل مدمات عربی وقفه گرفتارنده و بعد به نجف رفته از محضر مرحومین یزدی و خراسانی استفاضه مینمود.

در سال ۱۳۲۵ قمری بتهران مراجعت و در این تاریخ سن ۱۸ سالگی رسیده بود ناپدریم برای آنکه مرا مرد زندگی کند دستور تهیه شغلی که اعاشه ام را تکفونماید داد و من معلمی یکی از مدارس ابتدائی را یافته و مشغول شدم. در این مدرسه علاوه بر تدریس بتکمیل تحصیلات خود نزد مدیر مدرسه که از طلاب روشن فکر و قریب الاجتهاد بود میپرداختم و بنا بتوصیه مدیر مدرسه نامبرده در کمیته جهانگیر که برای اعاده مشروطیت فعالیت مینمود نام نویسی کرده و در ردیف مهاجرین در آمدم. پس از ورود مجاهدین بتهران و فرار محمدعلی میرزا در ردیف جمعی مجاهدین بسازمان شهربانی منتقل و در آنجا تعلیمات نظامی فراگرفتم ولی چون روح سلحشوری نداشتم با آنکه باخذ درجه نیز نائل گردیده بودم از این سازمان استعفا و پیروی از روح نویسندگی بسمت کارمند روزنامه (پلیس ایران) مشغول گردیدم. در این روزنامه که بعداً نام خود را (بارشاد) تبدیل نمود سمت مخبری داشته و چون از طرف مؤسس این روزنامه (مرحوم مؤیدالمالک فکری) تشویق میشدم گاهی هم مقالاتی در آن مینوشتم. در عین حال سمت خبر نگاری روزنامه های (نوبهار مشهد - راه نجات اصفهان - مظفری بوشهر - کمال همدان) را نیز عهده مینمودم. (پس از اینقسمت شرحی از ازدواج خود و تأسیس مجله جهان زنان بمدیریت خانم خود ذکر کرده تا میرسد با اینجا که ۵) در کابینه قوام السلطنه من و خانم باراک تبعید شدیم و وقتی بقم وارد شدیم احساس کردم که عزیمت ما عراق یا اراک خطرناک است زیرا گفتگوهای طهران در مجالس و مناظر (این گفتگوها مربوط بمقاله مندرج در مجله جهان زنان راجع بلروم تعلیم و تربیت زنان بوده است. مؤلف) دال بر تکفیر خانم من در قم هم منعکس و شخصاً در معرکه ای که در قبرستان قم گرفته بودند شنیدم که مدیر جهان زنان را در ردیف دشمنان خانواده رسول سب مینمایند! و چون در اراک هم چند نفری را باسم بهائی و سوزاندن قرآن مقتول ساخته بودند از رفتن باراک منصرف و در حوالی قم اقامت گزیدم و پس از چندی با سمت مفتش راه شوسه تهران - اراک دوباره وارد خدمت دولت گردیدم.

در سال ۱۳۰۵ بسمت رئیس حسابداری راه مازندران که شوسه شدن آن شروع شده بود عزیمت نموده در این ساموریت گرفتار شخصی مفروض شدم که ۱۸ ماه بی تکلیف

حرف عین بعده الصاد عصر دموکراسی، عصر سعادت، عصر عزت، عصر قدرت

مانده و بالاخره با صدور قرار مجرمیت آن شخص بجرم افترا دو باره بریاست دفتر ناحیه راه شوسه تهران منصوب گردیدم. این غرض ورزی و افترا روح مرا خسته و تصمیم قطعی گرفتم از خدمت دولت برکنار و شغل آزادی بیابم باین لحاظ با کمک مرحوم نظام الدین نوری مجله عصر حدید را دایر و ارگسان اطاق تجارت تهران قرار داده و بطوریکه در فصل ۱۴۷ مربوط بمجله (اطاق تجارت) جلد اول تاریخ جراید و مجلات ایران مرقوم داشته از ست ارگانی اطاق تجارت کناره گیری و مجله را در آغاز ماهانه و سپس هفتگی منتشر کرد.

این تبعید چهل روز طول کشید و با شرط اینکه دنبال خدمت دولتی بروم و روزنامه نویسی را کنار بگذارم آزاد و بتهران آمده و در وزارت اقتصاد ملی بخدمت مشغول گردیدم. از بعد از شهریور ۱۳۲۰ که موقع جولان نویسندگی بود خوشبختانه دوره رکود زندگی من شروع و چون قادر نبودم همرنگ جماعت شده و مقالاتی بنویسم که مغلوطی از انتقادات مستهجن و عبارات دور از ادب و اخلاق باشد کمتر بمطبوعات خدمت نمودم فقط دوبار چند ماهی از نظر التزام اخلاقی که نسبت با آقای شیروانی مدیر محترم روزنامه میهن داشتم در غیاب ایشان و در موقع قدرت یا اشتلم متجاسرین آذربایجان روزنامه میهن را اداره میکردم. پس از این قسمت آقای فرخ دین یار سا شرح مأموریت اصفهان و تحریکاتی که در این شهر بر علیه او شده و عاقبت زندانی گردیده نوشته و مقاله خود را خانه داده است.

(۸۰۸) عصر دموکراسی

روزنامه بنام عصر دموکراسی در طهران تأسیس و منتشر شده ولی نگارنده از تاریخ انتشار این روزنامه اطلاعی ندارم.

(۸۰۹) عصر سعادت

روزنامه عصر سعادت در سال ۱۲۹۵ شمسی در شهر رشت بطور هفتگی تأسیس و منتشر شده است.

(۸۱۰) عصر عزت

روزنامه عصر عزت در تهران بمدبری (میرزا ابوالفضل ساوجی) در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴ شمسی امتیاز آن از تصویب شورای عالی معارف گذشته و بمدا بطور هفتگی منتشر شده است.

(۸۱۱) عصر قدرت

در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه عصر قدرت در طهران بمدبری (دکتر کاظم خان وزیری) از تصویب شورای عالی معارف گذشته و در همین سال بطور هفتگی منتشر شده است.

(۸۱۲) عصر نو

روزنامه عصر نو در طهران یکمربته در سال ۱۳۰۱ شمسی تاسیس و بطور هفتگی منتشر شده و بار دیگر در سال ۱۳۰۳ شمسی بنحو مذکور انتشار یافته است.

(۸۱۳) عصر نهضت

شماره اول روزنامه عصر نهضت بصاحب امتیازی (ع. سدید) و مدیر مسئولی (ح. قربانی) روی یک ورق بزرگ طبع و در تاریخ یکشنبه ۱۹ رمضان مطابق ۱۵ نور ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است. مقاله افتتاحی عصر نهضت بدینقسم شروع میگردد: «بنام خدا» اگر چه در طلیمه این نامه ملی مشروحاً عقیده و مرام خود را بیان نمودیم ولی در این موقع که بنام خدای تعالی اولین قدم را در میدان مطبوعات می گذاریم بیمورد نیست که یک یاد آوری دیگری ۵۰۰۰۰ شماره اول سال دوم عصر نهضت بصاحب امتیازی (مظفر الممالک) و مدیر مسئولی (حسین قربانی) تاسیس و روی یک ورق بزرگ چاپ و در تاریخ سه شنبه ۲۷ شعبان ۱۳۴۲ مطابق ۱۳ حمل ۱۳۰۲ منتشر گردیده. در اول صفحه این شماره تحت عنوان (تأسف و معذرت) اینطور نوشته است: «چون روزنامه کوچک ما فقط باوجه آبونه و مساعدت مشترکین اداره میشود متأسفانه در نتیجه عدم توجه آقایان و نرسیدن وجوه اشتراك يك مدت متمادی در مضیقه افتاده انتشار نیافت اینك ار این تأخیر معذرت میخواستیم امیدواریم در آتیه جبران ماسبق بشود.»

سرمقاله این شماره بعنوان (از احمد میرزا دفاع میکنند) و در آن از سردار سپه طرفداری نموده است. صفحه دوم مشتمل بر تلگرافات و اخبار داخله و خارجه میباشد. طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده و محل اداره خیابان ناصریه معین شده است. شماره ۲ سال دوم عصر نهضت روی یک ورق بزرگ با چاپ سربی در مطبعه بوسفور (شبه ۲) چاپ و در تاریخ غره ذیحجه الحرام مطابق ۱۳ برج سرطان ۱۳۰۳ شمسی منتشر شده است. عنوان تلگرافی: عصر نهضت. محل اداره: مسجد سراج الملك کوچه وقفی. نمره ۲ عجالتاً هفته دوشماره شنبه و دو شنبه توزیع میشود. تمام مطالب باسم مدیر اداره است. اشتراك سالیانه طهران شش تومان. داخله ۷ تومان. خارجه ۸ تومان. تك نمره ۵ شاهی. اعلان بدون استثنای سطر يك قران. در زیر اسم روزنامه که با خط نستعلیق درشت نوشته شده سال تاسیس (۱۳۴۱) درج است. مقاله افتتاحی این شماره بعنوان (امروز چه باید کرد؟) نوشته شده و پس از آن مقالات و نامه های مختلف چاپ شده است. از روزنامه عصر نهضت فعلاً تا شماره ۶ سال دوم مورخ ۱۶ ذیحجه الحرام مطابق ۲۸ برج سرطان ۱۳۰۳ در دست است.

(۸۱۴) عطار د

روزنامه عطار د در سال ۱۲۹۲ شمسی در طهران بطور هفتگی و مصور تاسیس و منتشر شده است.

(۸۱۵) عظمت اسلام

روزنامه عظمت اسلام بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (عبدالحمید خان مشرقی) در طهران تأسیس و در سال ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است. شماره اول این روزنامه در چهار صفحه با کاغذ خوب و چاپ مرغوب در مطبعه سربی برادران باقر زاده طبع و در تاریخ سه شنبه ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۴۲ قمری مطابق ۲۷ برج عقرب ۱۳۰۲ انتشار یافته است.

در عنوان شماره اول عظمت اسلام بدینقسم معرفی شده است: «این جریده در فلسفه احکام و عظمت اسلام و اتحاد مسلمین روی زمین بحث مینماید و برای توحید افکار مسلمانان عالم و شناسائی ملل سلام باهم سعی میکند و از عموم دانشمندان و علماء اعلام و نویسندگان اسلام استمداد میطلبد و ارشماره دوم صورت سلاطین و زمامداران و بزرگان ممالک اسلامی را گراور نموده و بطرز بسیار عالی برای شناسائی مسلمانان عالم باهم انتشار میدهد و بطور اختصار مسائل تاریخی و فلسفه اجتماعی و اخبار مهمه داخله و خارجه و وقایع مهمه ممالک اسلامی و ادبیات و کلمات بزرگان اسلام نگاشته میشود.» بهمین منظور شعار روزنامه این دوجمله که یکی بالای اسم روزنامه و دیگر زیر آن چاپ قرار داده شده است: «الاسلام یعلو ولا یعلی علیه.» و «واقتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا.»

مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (مرام - و آرزوی ما) بدینقسم شروع میگردد: «روزنامه عظمت اسلام بطوریکه از اسم آن آشکار است مندرجاتش بیشتر راجع بترقی و تعالی عالم اسلام خواهد بود...» شماره دوم روزنامه که عکس و لیعهد ایران محمد حسن قاجار در صفحه اول آن چاپ شده در تاریخ سه شنبه ۱۸ ربیع الثانی مطابق ۵ برج قوس ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده. در شماره سوم تصویر سردار سپه رئیس الوزراء ایران طبع گردیده و در این شماره متجاوز از سه صفحه عملیات مفید سردار سپه شرح داده شده است. در شماره چهارم اولین منظره از نمایش عظمت قشون ایران در میدان مشق طهران دیده میشود و در آن بار از سردار سپه تمجید شده است در شماره پنجم علاوه بر صاحب امتیاز (مشرقی) نام مؤسس و سردیر روزنامه آقای عادل السلطان خلعت بری نیز در عنوان روزنامه اضافه شده است.

جای اداره روزنامه: خیابان ناصریه و کالتخانه مجله بزرگ (صنایع آلمان و شرق). عنوان تلگرافی عظمت اسلام. قیمت اشتراك سالیانه ۵۰ قران. ولایات و خارجه باضافه تبر پست. قیمت تک نمره ده شاهی. از روزنامه عظمت اسلام فعلاً تا شماره پنجم مورخ ۲۴ برج سرطان ۱۳۰۲ در دست است.

(۸۱۶) عظمت ایران

روزنامه عظمت ایران در سال ۱۳۰۳ شمسی هفته دوبار در طهران منتشر شده است.

(۸۱۷) عظمت شرق

روزنامه عظمت شرق در سال ۱۳۰۳ شمسی در طهران بطور هفتگی تأسیس و منتشر شده است .

(۸۱۸) علم آموز

روزنامه علم آموز در سال ۱۳۲۵ قمری در طهران منتشر شده است (صفحه ۱۱۹ تاریخ مطبوعات و شعر فارسی برون)

(۸۱۹) علم و اخلاق

مجله علم و اخلاق بصاحب امتیازی (حبیب الله امور کار) و مدیری (سید محمد حجت) در طهران تأسیس و در سال ۱۲۹۹ شمسی مطابق سال ۱۳۳۹ قمری منتشر شده است . شماره اول این مجله در برج دلو سال ۱۲۹۹ انتشار یافته و مجله مذکور نشریه (جمعیت تلم و اخلاق) چنانچه روی جلد مجله معرفی شده ، بوده است . مجله علم و اخلاق معمولاً در ۳۲ صفحه بقطع کوچک در مطبعه سربی (طهران) واقع در خیابان لاله زار طبع و بطور ماهیانه منتشر میشده است .

وجه اشتراك مجله بسالیانه در طهران دو تومان و ششماهه ۱۲ قران و در ولایات اجرت پست اضافه میشده . قیمت تك نمره سی شاهی است . محل اداره : طهران . بازار مدرسه حسینی نمره ۲۲ جنب منزل آقای سید محمد حجت . محل تکفروشی : خیابان ناصریه . کتابخانه گنج دانش . حسن آباد . دارو خانه جاوید .

مندرجات علم و اخلاق بیشتر مطالب مربوط باخلاق و بمنظور اشاعه علوم اخلاقی و تهذیب اخلاق محصلین و جوانان تحریر میشده است . برای مزید اطلاع خوانندگان از مندرجات مجله قسمتی از فهرست مطالب شماره دوم و چهارم سال اول آنرا با ذکر اسامی نویسندگان آنها ذیلا نقل مینمائیم .

تربیت در مدارس فرانسوی (ب . س) برهنه خوشحال . (ع . قویم) علل ترقی و تنزل ملل (س . م . ی) حفظ الصحه (حکیم السلطنه) مسابقه ادبی : نمونه از ادبیات منشوره (انتصار العلماء) . سخنان برگزیده . (ع . قویم) ادبیات منشوره (المی . پرتو) آقای حبیب الله آموزگار - آقای حبیب الله آموزگار در سال ۱۲۶۹ شمسی در قصبه اصطهبانات فارس متولد و بسن ۱۲ سالگی در شیراز بتحصیل مشغول و در سنه ۱۳۲۸ قمری بطهران آمده و بتکمیل کمالات اشتغال ورزیده است . سپس در جرگه مطبوعات وارد بدواً بر دبیری روزنامه نیم رسمی آفتاب و بعد بر دبیری روزنامه (صدای ایران) و مدیری مجله های (رهنا) و (علم و اخلاق) برقرار بوده و اینك هم صاحب امتیاز روزنامه (جهان آینده) میباشد . بعد بخدمات فرهنگی داخل شده و بدواً بریاست مدرسه دولتی ادب و پس از آن بریاست معارف فارس و ریاست تعلیمات ولایات

حرف عین بعدہ اللام

علم و اخلاق ، علم و تربیت

منسوب و کتب درسی چندی در اینمیت تألیف کرده اند پس از انحلال عدلیه در رمان مرحوم داور بوزارت دادگستری منتقل و مشاغل مختلفی را از عضویت استیناف و ثبت کل و باز رسی قضائی و دادبازی و باز رسی عالی تمیز را عهده دار بوده و اینک مستشار دیوان کشور میباشد. (شماره ۹-۱۰ سال سوم مجله آینده). کتبی که تا کنون از آقای آموزگار طبع و توزیع گردیده از اینقرار است : ۱- کتاب اصلاحات اجتماعی - این کتاب در سال ۱۳۰۷ بوسیله روزنامه اطلاعات در ۴۸۲ صفحه کوچک چاپ شده و مطالب آن راجع بفاسد اجتماعی ما و علاج آن میباشد. ۲- زن در جامعه - این کتاب در سال ۱۳۱۰ بوسیله روزنامه اطلاعات در مطبعه سیروس در ۳۰۸ صفحه کوچک طبع شده و محتویات راجع باهمیت وجود زن در جامعه - خلقت جسمانی زن - وظیفه حیاتی زن میباشد .

۳- رهنمای تربیت یا اصول تعلیم ترجمه و تألیف حبیب الله آموزگار - این کتاب در سال ۱۳۰۱ در مطبعه روشنائی در ۲۴۸ صفحه پستی چاپ شده و مطالب عمده آن عبارتست از : تربیت - نظام مدرسه - اصول تعلیم - متفرعات تدریس - طرق تدریس مواد. ۴- عالم ارواح - تلخیص و ترجمه آموزگار از کتاب الارواح طنطاوی . این کتاب در سال ۱۳۰۷ در مطبعه سیروس در ۲۹۲ صفحه کوچک طبع شده است . ۵- منطق آموزگار - این کتاب در سال ۱۳۰۱ در مطبعه فاروس در ۷۳ صفحه پستی طبع شده است .

درحین تحریر این یادداشت آقای آموزگار عضو کمیونی است که از طرف اعلیحضرت همایونی مأمور تقسیم املاک موقوفه پهلوی بین رعایا و کشاوران گردیده است . نامبرده از فضلا و دانشمندان مشهور و از فضاات میرزا ایران بشمار میرود آقای آموزگار علاوه بر کتبی که نامبردیم یکدوره نحو و صرف معروف به صرف آموزگار ، در چهارجلد برای مدارس تألیف نموده و کراراً بطبع رسیده است .

(۸۲۰) علم و تربیت

مجله علم و تربیت در شهر شیراز به مدیریت (آقای میرزا حسین خان پرتو نویسنده روزنامه اتحاد اسلام و ملت) تأسیس و در سال ۱۳۳۹ قمری منتشر شده است . شماره اول مجله علم و تربیت بقلم (ح . پرتو) دیر جریده هفتگی فارس شیراز در ۳۲ صفحه بقطع کوچک با چاپ سنگی طبع و در تاریخ غره محرم الحرام ۱۳۳۹ مطابق ۱۵ ستمبر ۱۹۲۰ میلادی و ۲۳ سنبله ۱۲۹۹ شمسی انتشار یافته . قیمت اشتراك سالیانه سلفاً ۳۶ قران است .

مقاله افتتاحی مجله بدینقرار است : بسم الله الرحمن الرحيم . هست کلید در گنج حکیم . علم و تربیت . تمهید . علم عبارت از پرورش عقل و مدارک بوسیله کشف حقایق و رموز عالم و تربیت پرورش و حسن استعمال معلومات آدم است . علم عقل و دماغ انسان رانورانی میسارد و تربیت ویرا بانور علم براه راست میبرد ملك نگارش این

حرف عین بعده اللام

علم و تربیت ، علم و هنر

مجله ادخال علم و تربیت اروپائیان است در يك سلسله از لكتور (قرائت) های ساده که برای قارئین غیر آشنای با اصطلاحات فنی فهم آن آسان باشد و در هر جا صحبت از علوم عالی و صنایع و اختراعات گردد اصطلاحات فنی را بلسان عادی تنزل یا چنان شرح و تبیین مینماید که هر کس زبان فارسی را خوب بداند بتواند بقدر قوه خویش از مقالات آن استفاده کند .

چون پسران و دختران قسمت اعظم جامعه امروز و فردا را تشکیل میدهند و اکثریت آنانکه خواندن و نوشتن را میدانند در این جنس یافت میشوند و امید تأثیر تربیت تنها بآنهاست لذا این مجله بدو قسمت علیحده باسم پسران و دختران اقسام مییابد . ح . پ .

فهرست مندرجات مجله که در هر شماره روی جلد مجله چاپ شده از شماره اول بدینقرار است : علم و تربیت . تمهید . قسمت پسران - نتیجه سعی و مجاهدت - حفظ الصحه صنایع و اختراعات جدید - اخلاق - رباعی - قسمت دختران - زن امروزی - تدبیر منزل پرستاری - معالجات خانگی - زنان مشهور - ژاندارك . (تمام این مقالات بقلم مدیر مجله نوشته شده است .) شماره دوم مجله در تاریخ غره صفر ۱۳۳۹ قمری مطابق ۲۲ میزان ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده است . در شماره ۱۲ دوره سوم مجله فلاحت مینویسد شماره ۴ مجله علم و تربیت در برج جدی و شماره ۵ آن در برج حوت ۱۲۹۹ از شیراز بداره مجله واصل گردیده است .

برای اطلاع ار شرح حال آقای میرزا حسینخان پرتو رجوع شود بجلد اول کتب تاریخ جرائد و مجلات ایران صفحه ۴۸ .

(۸۲۱) علم و هنر

مجله بسیار زیبای علم و هنر را آقای (ابوالقاسم وثوق مهندس) در برلن تأسیس نمود و شماره اول آن در مهر ۱۳۰۶ شمسی منتشر شده است . مدیر و رئیس هیئت تحریریه مجله آقای سید محمد علی جمال زاده میباشد .

مجله علم و هنر عنوان ماهانه داشته ولی جمعا بیش از شش شماره تا بهمن ۱۳۰۷ شمسی منتشر نشده و بعضی از شماره ها دوشماره در یکجلد انتشار یافته است .

مجله علم و هنر بزبانهای فارسی و فرانسه و آلمانی در موضوعات فنی و اقتصادی و ادبی بقلم دانشمندانی از قبیل آقای میرزا محمدخان قزوینی ، کاظم زاده ایرانشهر جمالزاده مهندس وثوق و هوشیار شیرازی و غیره نوشته و منتشر شده است . این مجله دارای سر لوحه بسیار زیبا و بسبك سرلوحه های کتب خطی تذهیب شده و در وسط آن اسم مجله (علم و هنر) باخط نستعلیق خیلی خوش و در زیر آن سال تأسیس مجله (۱۳۰۶) چاپ گردیده است . در زیر سرلوحه خصوصیات مجله و فهرست قسمت فارسی و تصاویر و قسمت آلمانی و فرانسه مجله طبع شده . قیمت اشتراك مجله سالیانه (۱۲ نمره) سه دلار امریکائی و محل اداره : برلن ایبزك معین شده است .

هما قسم که یاد آور شدیم مندرجات مجله علم و هنر مطالب فنی، اقتصادی و وادبی است. برای اینکه خوانندگان بهتر بنوع مطالب مجله آشنا شوند فهرست مندرجات شماره دوم با ذکر اسامی نویسندگان آنها را ذیلا نقل مینمائیم. شماره دوم متعلق بابان و آذر ماه ۱۳۰۶ مطابق نوامبر و دسامبر ۱۹۲۷ میلادیست.

۱ - قسمت فارسی: ثروت ملی بقلم سید محمد علی جمال زاده. ۲ - اهمیت نقشه و نقشه برداری بقلم ابوالقاسم وثوق مهندس. ۳ - زمین اسرار خود را فاش میکند بقلم احمد فرهاد. ۴ - مختصری از سیاست نفت دول بقلم ع. ۵۱ - جمعیت آلمان در سال ۲۰۰۰ میلادی بقلم جمال زاده. ۶ - نیویورک. ترجمه. ۷ - طبع آزمائی علم و هنر. ۸ - فرهنگ صنایع و فنون. (قسمت دوم) وثوق مهندس. ۲ - قسمت آلمانی:

۱ - تاریخچه مدرسه صنعتی ایران و آلمان در طهران. ۲ - پیشنهاد دولت ایران راجع به خرید ماشین آلات و لوازم راه آهن. ۳ - اطلاعات مهم برای مسافران اروپائی بایران از همین شماره در صفحات ضمیمه مجله (فرهنگ صنایع و فنون) بزبان فارسی، آلمانی انگلیسی و فرانسه تألیف ابوالقاسم وثوق مهندس چاپ شده. در این شماره بقیه از قسمت اول ابزارهای معمولی دستی و قطعات مشترک مهم ماشینها بطور عموم درج گردیده است. اعلانات تجارتي مربوط بکارخانه های آلمانی باتصاویر آنها بتعداد زیاد در هر شمار. در اوراق ضمیمه مجله وجود دارد و همین اعلانات و مرغوبی چاپ و کاغذ مجله، علم و هنر را یکی از مجلات نفیس و بسیار خوب قرار داده ولی متأسفانه انتشار مجله دوام زیادی نکرده و بانشر شماره ششم متعلق بمرداد - بهمن ۱۳۰۷ برای همیشه تعطیل گردیده است. مندرجات قسمت فارسی این شماره بعلاوه ۱۸ قطعه تصویر بدینقرار است: ۱ - سرمقاله: اقدامات مبارک دولت و ملت. ب. ۲ - قسمت اقتصادی و فنی: ۱. اطلاعات اقتصادی راجع بترکیه. ۲ - راه نجات. صنایع - الدوله. ۳ - آلمان درصد سال پیش. ۴ - یک شاهکار صنعت و تکنیک. ۵ - منبع عظیم قوه برق در مصر. ۶ - ساده ترین طریق جهت برطرف کردن کمی آب در ایران و افغانستان. ج - متفرقات علمی و فنی: ۱ - چین (ملب - زبان - خط) بقلم سید محمد علی جمال زاده. ۲ - عده مسلمانها در دنیا ترجمه. ۳ - مقدار غذای سالیانه انسان. علم و هنر. ۴ - خرس کیسه دار (کولا). ۵ - سر نوشت زمین بقلم احمد فرهاد. ۶ - تصمیمات ملت آلمان. علم و هنر. د - قسمت ادبی: یکی از شعرای قدیم فارسی بلم عباس اقبال. ۲ - بیت مقاله قزوینی. علم و هنر. ترجمه حال رجال ایران. ترجمه حال میرزا محمد خان قزوينی. کتاب تازه رهبر نژاد نو. قابل توجه ادبای ایران. نوع پرست (سرگذشت) مرغ و زمین. باری و تکنیک. صورت و کلا و نمایندگان محترم مجله علم و هنر در ایران و خارجه. فرهنگ صنایع و فنون.

قسمت فرنگی: ۱ - متن قرار داد موقتی بین ایران و آلمان. ۲ - ترانزیت جنس از طریق روسیه. ۳ - اطلاعات اقتصادی. ۴ - بلژیک و ایران. در همین شماره هفتم تصویری از مرحوم مرتضی قلیخان صنایع الدوله چاپ شده.

حرف عین بعده اللام

علم و هنر ، علمی و یا روزنامه علمی

این تصویر بقسمیکه در زیر آن نوشته مربوط بوقتی است که صنیع الدوله بسن هفده سالگی در برلن تحصیل مینموده است . این عکس از روی يك پرده نقاشی برداشته شده که در زمانیکه مرحوم صنیع الدوله در برلن تحصیل میکرد به توسط نقاشی آلمانی کشیده شده والان در برلن موجود است .

معمولاً قسمت فارسی مجله در ۵۵ صفحه بقطع خشتی بزرگ طبع گردیده و قسمتهای فرانسه و آلمانی آن دارای صحنه شماره علیحدہ است . از این مجله نگارنده مجموعه کاملی در دست دارد . آقای سید محمد علی جمالزاده فرزند مرحوم سیدجمال واعظ اصفهانی که در صدر مشروطیت ایران خدمات گرانبھائی بآزادی نموده ، از نویسندگان مبرز میباشد و شرح احوال ایشان بطور اختصار در ذیل مجله الجبال در جلد اول کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران بطبع رسیده است .

(۸۲۲) علمی و یا روزنامه علمی

روزنامه علمی رادر طهران مرحوم محمد حسن خان صنیع الدوله که بعداً ملقب باعتماد السلطنه گردید در ۲۲ ذی الحجه ۱۲۹۳ قمری تأسیس نمود و تا سال ۱۲۹۷ دائر بود و جمعاً ۶۴ شماره از آن منتشر شده است . اینک شرح تفصیلی این روزنامه: نمره اول روزنامه علمی در روز دوشنبه ۲۲ ماه ذیحجه الحرام ۱۲۹۳ قمری در مطبعه سنگی در چهار صفحه باخط نسخ متوسط طبع و منتشر شده است . سرلوحه روزنامه علمی عبارت از فرشته بالدار است که در مقابل آن کتابی مفتوح و در یک صفحه آن جمله (انامدینة) و در صفحه دیگر (العلم و علی بابها) بخط نستعلیق نوشته شده است . در طرف راست این تصویر تاریخ انتشار بسال میلادی و هم چنین قیمت يك طفری روزنامه (يك عباسی) و قیمت اعلان (سطری دهشاهی) درج و در طرف دیگر بغیر از نمره اول این عبارت طبع شده است : (هر کس اخبار و تحقیق علمی بدارالطباعة همایونی بفرستد در این روز نامه باسم خود او نوشته میشود) . و اما در نمره اول بجای عبارت مذکور اینطور نوشته است : « چون اخبار مدرسه دارالفنون و مجلس حافظ الصبحه زیاد بود در این نمره بھمان اقتصار شد و الا از اغلب علوم در این روزنامه نوشته میشود . »

هر صفحه روز نامه مشتمل بر سه ستون و قسمتی باورقی است . برای اطلاع از چگونگی تأسیس این روز نامه و سبک مندرجات آن بهتر آنست که اعلانی را که در ستون اول و دوم صفحه اول نمره اول نوشته عیناً نقل نماییم :

« اعلان - بعموم مطالعه کنندگان معلوم باشد که ابداع ... شریفه علمیه مخصوص برای ... و قدیه نافعه بحال خاص و عام ... و مطلقاً منظوری از طبع و انتشار آن نیست مگر فایده و منفعت عمومی و ترقی در مدارج کمالات و تربیت و مزید اطلاعات آحاد و افراد اهالی این ملت با سعادت و تکمیل مسائل طیبه که موجب حفظ صحت و بره از مرض و محفوظ ماندن نفوس محترمه اربطہای ... خسار است ... (این قسمت در

حرف عین بعدہ اللام

علمی و یاروزنامہ علمی

شماره نمونہ در صحافی کاغذ روی آن چسبانیدہ شدہ و در قسمتہای دیگر کہ قطعہ چنین شدہ در طبع ریختہ است و چون شماره دیگری در دست نبود تصحیح مقالہ ممکن نگردید.) این روزنامہ براتیان بقوانین و مطالب علمی است و مقدمہ جمیع علوم کہ در واقع جزء بزرگ علم دین میباشد مکارم اخلاق است پس اگر در اخلاق و رسوم و آداب و افعال بعضی اشخاص نیز نقصان و اختلالی بیند ہر آئینہ در این روزنامہ اظہار مینماید بدون اینکہ صراحتاً اسم شخصی را برد یا بکنایہ کہ ابلغ از تصریح است بردہ ابروئی درد بلکہ طوری ادا مینماید کہ فاعل فعل ذمیم و غیرہ ہمہ بر قبج عمل آگاہ شوند دون العامل و از صفات ذمیمہ اجتناب نمایند بنابر مراتب مسطورہ احدی را حق گلہ از روزنامہ شریفہ علمی نیست.

پس از مقدمہ مذکور کہ بمنزلہ مقالہ افتتاحی روزنامہ (اخبار مدرسہ دارالفنون و مریضخانہ) و بعد از آن (تفصیل مسافرتیکہ از انگلستان بقطب شمال شدہ) و سپس مقالہ در بارہ (تحقیق در علم اخلاق) و پس از آن (اطلاعات جغرافی بامقدمہ) مجموع مقالات نمرہ اول روزنامہ علمی را تشکیل میدہد. پاورقی روزنامہ کہ از همان نمرہ اول روزنامہ شروع گردیدہ و در تمام چہار صفحہ روزنامہ طبع شدہ ترجمہ کتاب (تاریخ حمزہ اصفہانی موسوم بکبار الامم) میباشد. آغاز ترجمہ بدینقرار است: «بسم اللہ الرحمن الرحیم. الحمد للہ رب العالمین والعاقبۃ للمتقین والصلوۃ علی نبیہ وحبیبہ محمد والہ اجمعین حمزہ بن حسن اصفہانی گوید این کتابیست کہ من درج نمودہ ام در آن تواریخ سالہای سلطنت ۰۰۰۰ مترجم در ہیچ کجائی از ترجمہ نام خود را ذکر نکردہ و معلوم است کہ کتاب از طرف ادارہ روزنامہ ترجمہ شدہ است.

نمرہ دوم روزنامہ علمی در تاریخ دوشنبہ ۲۹ ذیحجہ الحرام ۱۲۹۳ قمری مطابق پانزدہم ژانویہ ماہ فرانسہ ۱۸۷۷ میلادی منتشر شدہ و در عنوان آن جملہ (اداء قیمت چہار قسط) افزودہ شدہ است مندرجات روزنامہ علمی علاوہ بر پاورقی کہ در ہر - شماره مرتباً درج شدہ عبارت است از مقالات مختلف در بارہ مسائل اخلاقی و علمی و مخصوصاً بیشتر (اخبار مجلس حافظ الصبحہ) در آن دیدہ میشود در نمرہ سوم شرحی راجع باہمیت این مجلس و توجہاتی کہ نسبت بحفظ الصبحہ عموم میشود درج گردیدہ است. و بطور خلاصہ بیشتر مطالب این روزنامہ اخبار علمی و جغرافیائی و اخلاقی است و بہیچ وجہ اخبار درباری و مملکتی در آن چاپ نشدہ و مخصوصاً قسمتی از جغرافیای ممالک اروپا و افریقا در آن نوشتہ و در بعضی ار شماره ہا کہ مطالب علمی محتاج بتصویر بودہ، تصاویری نیز طبع شدہ است.

روزنامہ علمی ہما قسم کہ درابتد نوشتیم بدیری (محمد حسن) خان صنیع الدولہ تنظیم و منتشر میشدہ و در ہر شماره در پایان صفحہ چہارم کلمہ (محمد حسن) چاپ شدہ است. از نمرہ ۵۱ مورخ پنجشنبہ چہارم ذیقعدہ الحرام ۱۲۹۵ قمری سر لوحہ روزنامہ برداشتہ شدہ و فقط اسم (روزنامہ علمی) و سایر خصوصیات روزنامہ طبع گردیدہ. نگارندہ مجموعہ کہ از این روزنامہ در دست دارد تا شماره ۶۳ توشقان ٹیل شنبہ سیم

ربیع الاول ۱۲۹۷ قمریست ولی در شماره ۶ سال دوم دوره جدید کاوه مینویس: از این روز نامه جمعا ۶۴ شماره منتشر شده و شماره اخیر بتاریخ ۲۳ جمادی الاخر سنه ۱۲۹۷ است.

(۸۷۳) علمی

مجله علمی در طهران در تحت نظر هیئت از معارف پروران که در هر شماره در انتهای صفحه آخر آن آقای حسین طهرانی از طرف هیئت مدیره (باین عبارت از طرف هیئت مدیره حسین طهرانی) اسم خود را ثبت نموده، بطور ماهیانه تأسیس و در سال ۱۲۹۳ شمسی مطابق ۱۳۳۳ قمری منتشر شده است.

اسم مجله (علمی) بخط نستعلیق درشت و در زیر آن عبارت (توانائی فرع دانائی است.) بعنوان شعار مجله چاپ شده است. وجه اشتراك مجله طهران سالیانه ۱۲ - قران. ولایات ۱۵ قران. خارجه ۱۲ فرانك. قیمت تك نمره يكقران و قیمت اعلانات نیز سطری يكقران است. محل اداره: طهران خیابان چراغ برق بالاخانه دواخانه باستور. عنوان مراسلات: طهران. اداره مجله علمی. لوايح و مقالاتی که با اداره میرسد هیئت مدیره در درج آنها مختار است. مجله علمی بطور ماهانه بوده و هر نوبت در ۷۹ صفحه بقطع خشتی در مطبعه سربی (کلیمیان) واقع در خیابان جباخانه طهران طبع و توزیع میشده. این مجله از حیث ظرافت طبع و زیبایی کاغذ و تنوع مطالب یکی از بهترین مجلاتی است که تا آن تاریخ بزبان فارسی منتشر شده است.

مندرجات مجله علمی چنانکه اسم آن نیز حکایت میکند اغلب مطالب علمی مربوط بحفظ الصحه و فلسفه قانون و فلسفه تاریخ است. این مطالب بآلم هیئت مدیره و سایر دانشمندان تنظیم و تدوین شده و نویسندگان مقالات سعی داشته اند مطالب اساسی و مقالات بکر برای درج در مجله تهیه نمایند و از این جهت پشت جلد مجله (حق طبع و ترجمه مقالات مجله را) برای خود محفوظ داشته و کسی حق نداشته است مطالب مجله را نقل و یا ترجمه نماید. در پشت جلد مجله صفحه بعنوان (مقلمان رسمی) معین شده و در پائین این صفحه اینطور نوشته است: «ارهریک از فضلاء گرام و جوانان تحصیل کرده سرمقاله در این مجله درج شود نام او در این صفحه بعنوان هم قلم رسمی ثبت خواهد شد.» در هر شماره، در این صفحه نام دوسه تن از نویسندگان که بدرج مقاله اقدام نموده، چاپ شده که از آن جمله اسامی آقایان مهدی مافی سعد الملك و احمد خان نجل عین الممالك و ابوالقاسم خان نجل اعتصام الملك، میباشند. هر شماره مجله دارای فهرست مندرجات و غلطنامه ایست ولی صفحه شمار مخصوص ندارد و شماره صفحات آن از نمره اول حساب شده است.

رسالة موسوم به (شرکت اسهامی تألیف مصدق السلطنه) ضمیمه شماره ۴ مجله بوده و برای مشترکین مجاناً ارسال شده است.

مندرجات مجله علمی بآلم نویسندگان و دانشمندان متخصص در موضوعات تهیه شده و از اینجهت بیشتر مقالات جنبه علمی بخود گرفته است. برای مزید اطلاع خوانندگان

حرف عین بعده اللام علمی و فنی ، علمیه یاروز نامه علمیه دولت علیه ایران

قسمتی از عنوان مقالات با اسامی نویسندگان آنها را ذیلا نقل مینمائیم .
 نوروز (حاج میرزا یحیی) تجارت (وحید المالك) . فاجعه اصفهان یا تاریخ
 شاه سلطان حسین (مهدی مافی سعد المالك) . راجع بمحاکم (حاجی ندیم باشی خراسانی)
 بلتیک دولتن روس وانگلیس در قلمرو ایران (احمد بن عین الممالك) . بودجه یاروح
 مشروطیت (موسی شیانی) اصول مالیات (محمد علی مافی سالار معظم) حفظ الصحه
 عمومی (حاجی دکتر محمود خان) . فاجعه در قطب جنوب (ابوالقاسم بن اعتصام المالك)
 زبان ما . (حاج میرزا یحیی) . جنك بین الملل اروپ . (امیر جلال الدین) . از افادات
 مرحوم خان غارت . زهر بزرگ یاتریاك . (دکتر حسینی خان) کشف اسرار زنجیره
 (افراسیاب آزاد) . افکار پریشان (حبیب الله عین المالك) فلسفه رقیب (آقا میرزا
 سید هادی آیت الله زاده افجه) . اساس جغرافیای ایران (احمد بن عین الممالك) . احترام
 قلم (مهدی مافی) معادن (محمد حسین بروجردی) . فهرست مذکور از شماره ۴ تا ۹
 سال اول مجله گرفته شده است . لازم است یادآور شویم که بیشتر این مقالات بطور
 مسلسل در چند شماره چاپ شده است از قبیل مقاله اصول مالیات ، علل جنك بین الملل
 وحفظ الصحه و غیره . از مجله علمی نگارنده فعلا تا شماره ۹ سال اول مورخ اول سنبله
 ۱۲۹۴ شمسی مطابق ۱۳۳۳ قمری در دست دارم . در جلد اول کتاب تاریخ جرائد
 ومجلات ایران ، در ذیل مجله ادبی ، ذکر میارم مجله علمی بمیان آمده و در آنجا یادآور شده ایم که
 مجله ادبی پس از دو سال که از تعطیل شدن مجله علمی گذشته پابدار به انتشار گذاشته است و از
 این عبارت وبا در نظر گرفتن تاریخ تأسیس مجله ادبی معلوم میگردد که مجله علمی بیش
 از یکسال منتشر نشده است . برای اطلاع بیشتری رجوع شود باصل شرح راجع بمجله ادبی .

(۸۲۴) علمی و فنی

مجله علمی و فنی در سال ۱۳۱۴ شمسی در طهران بطور ماهیانه تأسیس و منتشر
 شده است .

(۸۲۵) علمیه یاروز نامه علمیه دولت علیه ایران

روزنامه علمیه یاروز نامه علمیه دولت علیه ایران در طهران در سال ۷۸۵ جلالی
 مطابق ۱۲۸۰ قمری تأسیس و به زبان فارسی ، عربی و فرانسه منتشر شده است .
 شماره اول این روزنامه در دوشنبه ۲۷ دیماه ۷۸۵ جلالی مطابق غره شهر شعبان
 ۱۲۸۰ قمری و ۱۱ ژانویه ۱۸۶۴ میلادی انتشار یافته صفحات روزنامه بقطع بزرگ
 ۲۶ در ۴۰ سانتیمتر ومعمولا ۷۰۰ آنها متغیر وشماره اول آن در شش صفحه و بعضی
 ار شماره ها به ۱۷ صفحه بالغ میگردد .

روزنامه علمیه ماهی یکشماره با چاپ سنگی در کارخانه دولتی دارالخلافه طهران
 طبع شده ومحل این مطبعه یا کارخانه در مدرسه دارالفنون بوده است واگر فائل نشویم
 که محل مطبعه از ابتدا در دارالفنون بوده لااقل مدتی در آنجا بوده چه در بعضی ار

حرف عین بعدہ اللام

علمیہ یا روزنامہ علمیہ دولت علیہ ایران

نرات همین روزنامہ این عبارت مسطور است: « منطبعہ دارالخلافۃ الباہرۃ طهران . در دارالطبعاہ دولتی در مدرسہ مبارکۃ دارالفنون . » و در بعضی از نرات بجای عبارت مذکور اینطور نوشته شدہ: « منطبعہ دارالخلافۃ ناصرۃ در کارخانہ دارالانطباع دولتی در مدرسہ مبارکہ دارالفنون . » . قیمت اشتراک سالیانہ روزنامہ در ابتدا ۹ هزار دینار و پس از نشر نمبر ۱۷ یعنی از نمبر ۱۸ کہ ابتدای سال سوم تأسیس روزنامہ بودہ قیمت اشتراک سالیانہ ضمیمہ روزنامہ دولتی گردیدہ و بانضمام آن روزنامہ قیمت سالیانہ ۳۰ تومان و شش هزار دینار معین شدہ است . قیمت تک نمبر بانزدہ شاہیست سرلوحہ روزنامہ تصویر سردر عمارت شمس العمارہ طهران است کہ بر فراز آن ساعت بزرگی کہ دو شیر و خورشید در دو طرف آن قرار گرفتہ نصب است . در پائین عمارت تصویر سہ نفر قراول و دیگری دم در ایستادہ و نیز تصویر حوضی کہ در سابق مقابل سر در شمس العمارہ بودہ و دو توپ کہ تصویر آنها در آب منعکس شدہ ، در این سر لوحہ دیدہ میشود . تصویر مذکور عمل یکی از نقاشان ماهر عصر ناصرۃ بودہ و لی در زیر آن نام مصور مسطور نیست .

چنانچہ در ابتدا اشارہ نمودیم روزنامہ علمیہ بہ زبان فارسی و عربی و فرانہ نوشتہ شدہ بدین ترتیب کہ در ابتدا از دو تا پنج صفحہ روزنامہ فارسی اختصاص دارد و سپس همان مطالب عربی و فرانہ ترجمہ شدہ با این تفاوت کہ در قسمت فارسی تاریخ انتشار بماء و سال فارسی و در قسمت عربی بماء و سال عربی و در قسمت فرانہ سال میلادی ذکر شدہ است . فی المثل نمبر چہار روزنامہ ۵ صفحہ اول بزبان فارسی است با ذکر تاریخ (بیستم فروردین ماہ مطابق سال ہفتصد و ہشتاد و شش ناقصہ جلالی) و از صفحہ ۶ تا ۸ عربی ؛ ذکر تاریخ (قد انطبعت ہذہ الصحیفہ فی یوم الجمعۃ غرة ذیقعدۃ الحرام سنہ ۱۲۸۰ ہجرۃ) و از صفحہ ۹ تا ۱۳ بفرانہ با ذکر تاریخ (طهران ۸ آوریل ۱۸۶۴) چاپ شدہ است .

در روزنامہ علمیہ نامی از مدیر و نویسنده و مؤسس نیست و در عنوان آن بذکر قیمت سالیانہ و تک نمبر و جملہ (منطبعہ کارخانہ دولتی دارالخلافہ طهران) اکتفا شدہ است ولی از اطلاعاتی کہ از خارج داریم میدانیم کہ ادارہ این روزنامہ و روزنامہ های دولتی و ملتی ہر سہ در ادارہ علیقلی میرزای اعتضاد السلطنہ بودہ و در جزو ادارہ دار- الفنون نشر می شدہ است .

اتفاقاً نمراتی کہ از روزنامہ علمیہ در دسترس نگارندہ می باشد متعلق بکتابخانہ دانشکدہ علوم معقول و منقول است و این روزنامہ ابتدا جزو کتابخانہ همین اعتضاد السلطنہ بودہ و عبارتی کہ پشت آن ثبت شدہ چنین است: « جلد اول روزنامہ علمیہ کہ مشتمل است بر چہارہ نمبر داخل کتابخانہ مبارکہ نواب مستطاب اشرف امجد ارفع والا شاہزادہ اعظم افغہم اعتضاد السلطنہ وزیر علوم و صنایع و معادن و تجار علیقلی میرزا دام اقبالہ و زید اجلالہ گردید فی شہر شوال ۱۲۸۱ . مهر . اعتضاد السلطنہ »

در شماره اول روزنامہ شرحی دائرہ بواگذاری امر روزنامہ از طرف ناصرالدین

شاه باعضاد السلطنه نوشته و از همین جامعلوم میگردد اداره امور روزنامه بمهده
اعتضاد السلطنه بوده و مطالب روزنامه انشای مرحوم میرزا محمد حسین فروغی است
ولی معلوم نیست چه کسانی مباشر طبع و نشر روزنامه بوده اند .
شرحی که در صفحه اول شماره اول بنزله مقاله افتتاحی روزنامه نوشته شده بدینقرار است
« چون منظور نظر کیمیا اثر اعلی حضرت قدر قدرت اقدس ظل اللهی و لینهت کل
ممالك محروسه ایران تربیت و ترقی ملت و دولت و رواج علم و صنعت و سیاری اراعلوم
و صنایع که درازمنه سالفه در ایران بوده و سایر دول آنرا تحصیل و تکمیل کردند
یا علم و صنعتی که در این دولت ابد مدت از دول خارجه بایران نقل و تحویل شده باسایر
اخبار مفیده جدیده چنانکه باید بر مردم آشکار نیست برای استحضار عموم خلایق و
انتشار علوم که فواید بزرگ بر او مترتب است از جانب سنی الجوانب شاهنشاهی حکم
معکم قدر توام باعضاد السلطنه وزیر علوم و صنایع صادر گشت که روزنامه علمیه
در هر ماهی یکمرتبه ست انطباع یابد تا مطالعه کنندگان را از آن فایده و بهره
کلی حاصل شود . »

از این مختصر و از اسم روزنامه (علمیه) معلوم میگردد که مندرجات روزنامه
بیشتر مطالب علمی و اکتشافات جدید اروپائیان است و وزارت علوم و صنایع برای روشن
نمودن افهان ایرانیان آنها را منتشر و در دسترس مردم قرار داده است . برای اطلاع
بیشتری از مندرجات و مطالب روزنامه فهرست بعضی از نمرات آنرا ذیلا نقل مینمائیم
مطالب نمره اول و دوم راجع باین است که علوم و صناعات هر وقتی از اوقات دریکی
از امکنه عالم شیوع و رواج داشته بعد از مدتی بمملکت دیگر نقل شده است . مندرجات
نمره سوم درباره تعیین مبداء تاریخ و بیان سال شمسی و قمریست . از نمره چهارم در
تحقیق انوار کواکب و کسوف و طلوع و غروب قمر است . مطالب نمره ششم باین
عنوانست : شهر دوزده گانه که اکنون در عرب و عجم معروفست در جاهلیت باسامی
دیگر مشهور بوده و ارباب لغت در اسامی هر یک نیز اختلافی کرده . شماره هفتم راجع
برصد سیارات و ثبت ریجات وجد ولی از تقویم هرشل در این شماره ترسیم شده است .
و نیز صورت (تل مراغه که خواجه نصیر طوسی در آنجا رصد بسته و در مراغه مشهور
برصد داغی است) در این شماره چاپ شده است . نمره هشتم عبارتست از : تحقیق ماه
و روز ولادت باسعادت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله . در این نمره جدولی
از عرض و طول جغرافی بلاد تلگرافی ایران طبع گردیده است . نمره ۱۲ که آخرین
نمره سال اول روزنامه است باین سطور شروع میگردد : « چون در روزنامه های
سابق مکرر از سیارات و اقمار ذکر شده اما بانفراده هنوز از احدی از سیارات و
اقمار آنها سخن نرفته است فلذا چنان مناسب افتاد که در این نمره از احوال قمر
که نیز اصغر و اقرب اجرام بکره ارض و سیار تابع وی است چیزی نگاشته شود ... »
این بود شمه ای از مندرجات یکساله روزنامه علمیه و مندرجات سالهای دیگر
نیز بهمین نهج است . پس از انتشار هفده نمره روزنامه مدت یکسال دوجار تعطیل

حرف عین بعده اللام. علوم مالیه و اقتصاد

گردید و نمره ۱۷ که در تاریخ غره شهر ذیحجه الحرام ۱۲۸۱ قمری نشر شده بود ، نمره ۱۸ آن در تاریخ چهارشنبه غره شهر محرم الحرام ۱۲۸۳ انتشار یافت و درخود روز نامه نیز اشاره باین تعطیل یکساله نموده مینویسد : «چون مدت یکسال گذشته که بجهت بعضی موانع روزنامه علمیه طبع نشده - مدتی درگفت اگر تاخیر شد - مهلتی بایست تاخون شیرشد. در کره ثانی از تاریخ محرم الحرام ۱۲۸۳ که اول سال عربست ابتدا بنوشتن آن نمودیم . در این شماره پس از شرح مذکور مینویسد : «چون در روزنامه محرم آنسال اسامی شهور جاهلیت مذکور شد مناسب آمد که در این روزنامه نیز اسامی ایام هفته جاهلیت نوشته شود و ابتدا از یکشنبه باین ترتیب»

پس از انتشار نمره چهل و دوم مورخ غره جمادی الثانیة ۱۲۸۵ بار روزنامه دچار تعطیل گردید و نمره چهل و سیم آن در غره محرم الحرام ۱۲۸۶ قمری انتشار یافت . راجع باین تعطیل در نمره چهل و سیم اعلانی بدینقسم درج است : «اعلان - چون ابتدای روزنامه علمی در ماه محرم الحرام بود و قرار شد در هر ماهی يك نمره از طبع بیرون بیاید بعد از آن مدتی نوشتن آن بتعویق افتاد چنانچه در روزنامه نمره هجدهم عنبر از تعویق آن خواسته باز بترتیب شهور نوشته شد تا اینکه این اوقات چند ماهی باز از ترتیب شهور افتاد و اگر میخواستیم بدون ملاحظه ترتیب شهور نوشته شود از قاعده خارج بود باز لابداً ابتدا از محرم نموده بعد از این بیاری خداوند متعال و ببولت و اقبال بیزوال شاهنشاهی که قرون بشمارش در پی باد نمره بنمره ماه به ماه بنوشتن و طبع آن خواهیم پرداخت .»

آخرین نمره که از روزنامه علمیه منتشر شده نمره پنجاه و سیم است و این نمره در تاریخ شنبه ۹ دیماه ۸۹۲ جلالی مطابق یوم شنبه غره شهر شوال المکرم ۱۲۸۷ قمری انتشار یافته و از آن پس روزنامه برای همیشه تعطیل شده است . در سال مذکور علاوه بر این روزنامه ، روزنامه ملتی نیز از طرف دولت تعطیل شده و عمل جراید را بمعهده محمد حسنخان واگذار کرده اند . قسمت فارسی روزنامه علمیه بخط نستعلیق ریز و قسمت عربی آن بخط نسبتاً درشت و فرانسه آن بخط ریز مراسله ایست . صفحه اول هر نمره ده سطر و صفحه دوم مشتمل بر ۲۵ سطر و هر صفحه قسمت فرانسه ۲۹ سطر است .

(۸۲۶) علوم مالیه و اقتصاد

مجله علوم مالیه و اقتصاد هر سه ماه یکمرتبه در طهران بمساحب امتیاز ی (افتم السلطان) و موسی (تقّه الدواه) تأسیس گردیده و شماره اول آن مربوط به برج حوت ۱۳۰۲ و حمل و نور ۱۳۰۳ شمسی است در برج نور انتشار یافته است . این شماره در ۸۲ صفحه بقطع وزیری کوچک با کاغذی مرغوب و طبعی زیبا در مطبعه (برادران باقرزاده) طبع و مشتمل بر مطالب سودمند و مفید راجع بعلوم مالی و اقتصادی و بقلم نویسندگان مبرز نوشته شده است . اسامی نویسندگان که با مجله کمک قلمی نموده

طبق صورتی که در شماره اول چاپ شده بدینقرار است : آقای میرزا سید مصطفی خان کاظمی (دیرالملک) . آقای موسی خان . سلطان محمد خان غامری . میرزا علی محمد خان اویسی . عطاءالملک روحی نماینده سیرجان . میرزا محمود خان ناصری . شاهزاده خسروانی . میرزا محمود خان بدر . میرزا مهدیخان دیهیمی . جمال زاده .

مقاله افتتاحی مجله بعنوان (مقدمه) در شماره اول چاپ و در آن بعلت طبع و انتشار مجله اشاره شده که برای مزید اطلاع عین آنرا نقل مینمائیم : « مقدمه - بنه و توفیق - بدون تردید و تأمل بایستی تصدیق نمود که نخستین عامل مهم ترقیات عالی و تثبیت استقلال ملیت و استوار داشتن قوائم سیاست يك ملت و مملکت مرتبط و منوط بترقی و پیشرفت اقتصادیات است و بس . ملل حیه عالم در سایه این مقصود قادر شده اند که طبیعت باین عظمت را تسخیر و تدمیر نموده و در پرتو توسعه اقتصادیات توانائی حاصل کرده اند که قائم بالذات و مستقل الفکر زیسته اهریمن احتیاج و استیصال را زبون و مقهور فرشته استغنا و مناعت قرار داده اند . این است که محیط اینگونه ملل همواره عالم نو از صنعت کار ، هنر پیشه پرورش داده عطاالت و بطالت که همرو فقر و استیصال و ناشی از جهل مزمن است یکسره از آندیار رخت بر بسته ، فعالیت و قدرت خستگی ناپذیر آنان را در اثر اینهمه اختراعات معجز العقول و نمایشات حیرت انگیز متناوباً مشاهده میکنیم . اینک که وطن پرافتخار ما در ظل توسعه و بسط قشون بهترین عامل نهضت اقتصاد را که تعمیم امنیت و رفاهیت توده و قاطبه است ، حائز گردیده ما نیز بنوبه خود مبادرت بیک قسمت از خدمت نموده و بوسیله نشر این مجله محقر نا چیز از خداوند متعال توفیق میخواهیم بلکه بتوانیم بعضی مطالعات و مطالب مهمه اقتصادی را که نافع و سودمند باوضاع مالی امروزه کشور محبوبان بشود نشر بدهیم . من الله التوفیق و علیه التکلان . »

چنانچه از مقدمه مذکور معلوم میگردد مندرجات مجله بیشتر مطالب مربوط بامور مالی و اقتصاد است و ما برای مزید اطلاع خوانندگان گرام فهرست مندرجات چهار شماره سال اول را ذیل نقل مینمائیم : ترتیب استقراض دولتی در اروپا (در این مقاله انواع قرض ، قرض اجباری و قرض آزاد ، طرق مختلفه استقراض و قروض دائم و قروض استهلاکی بطور مشروح ذکر شده است .) مالیاتهای مستقیم ایران : (در این مقاله تاریخچه مالیات مستقیم و اقسام آن از قبیل مالیات ارضی ، اصنافی ، خالصجات ، مالیات سربازی یا خانواری و نیز اقسام مالیات مزروعی ، مالیات طواحین ، مزارع و مواشی سرانه ، ایلات ، مراتع ، مستقالات ، بیوت النحل ، جنگلها و عوارض معافی بطور مشروح با ذکر تاریخچه هر يك بیان شده است . این مقاله دیرالملک از صفحه ۱۶ تا ۶۱ مجله را فرا گرفته است .) وضعیت مالیه انگلیس . کلیات راجع باصول بودجه .

مندرجات شماره دوم : مالیاتهای غیر مستقیم ایران (خسروانی) . دولت و خالصجات (۱) - تاریخچه خالصجات دولتی ۲ - کتاب رقبات ۳ - اسناد خالصجات دولتی بقلم عبیدالملک . مالیاتهای مستقیم ایران (میرزا رضاخان) .

منتوجات شماره سوم: مالیاتهای غیر مستقیم ایران، دخانیات و رسومات (خسروانی) بی اعتدالی در مالیاتهای ایران (روحی). انحصار دخانیات در مملکت ایران (نظام - الدین نوری) مکتوب از پاریس (محمد خان قزوینی). سیاست نفت در دنیا (لمیحه داویدی) منتوجات شماره چهارم: تصویب بودجه (پارلمانهای خارجه و مجلس ایران) ثقة الدوله. مالیات تناسبی و مالیات تصاعدی (مشرف الدوله). نقره - قران. (مسعود الدوله) شماره دوم سال اول که متعلق بیرج جورا و سرطان واسداست در برج جوزای ۱۳۰۳ شمسی منتشر گردیده و سال اول با انتشار شماره چهار خاتمه پیدا کرده است. سال دوم مجله علوم مالیه و اقتصاد با همان اسلوب و روش سال اول تأسیس و شماره اول و دوم آن یکجا در یک مجلد منتشر گردیده در این سال نیز مجله نفاست طبع و زیبائی کاغذ و تنوع مطالب را از دست نداده منتهی قطع صفحات قدری بزرگتر شده است. در شماره اول و دوم سال دوم تاریخ انتشار نوشته نشده ولی از بعضی مقالات مندرج در آن معلوم میگردد که مجله در سال ۱۳۰۴ شمسی منتشر شده است. این شماره دارای ۹۶ صفحه و بعلاوه ضمیمه دارد که در آن گراور و شرح حال استاد میرزا محمد خان قزوینی - محمد علیخان فروغی - فرانک ه گبرو - کلنل دومکرمک، چاپ شده است. در سال دوم در مدیر مجله تغییری پیدا شده بدینقسم که مؤسس (ابوالحسن طباطبائی - دیبا) ثقة الدوله و مدیر میر محمد حسین خان حسابی معرفی شده. مقاله افتتاحی سال دوم که تحت عنوان (طلوع سال دوم) نوشته و در آن اشاره بتغییر مدیر مجله نموده بدینقرار است:

«طلوع سال دوم. بنام خداوند بخشنده مهربان. مجله علوم مالیه و اقتصاد بجتهائی که در اعلانات خود ذکر کرده در ابتدای سال دوم نتوانست در موقع خود شماره اول را بیرون بدهد و این تأخیر ولو آنکه بهر علت منطقی کافی معلل بود موجبات خجلت کارکنان ما را در مقابل خوانندگان بدپول بدیده و اگر خوب بخواهید خوانندگان پول نده فراهم ساخت و پر واضح است در اینجا وقتی میگوئیم خوانندگان مقصود از تمامی آنها نیست و بلکه منظور اکثریت از آنهاست و چون در مثل مناقشه نیست همه را بیک چوب نمیرانیم و امیدواریم در ایران نیز روری برسد که خوانندگان در باطل و از صمیم قلب معتقد بپرداخت وجه آبونمان جراید و مجلات بشوند و اینکار بتدریج البته صورت خواهد گرفت. در یکماه قبل دوست محترم نویسنده اعنی حضرت آقای ابوالحسن خان دیبا (ثقة الدوله سابق) مؤسس محترم مجله علوم مالیه در ضمن اینکه با یک روی خوش و با یک نوع پذیرائی های صمیمانه که مخصوص بخودشان است بنده را برای صرف ناهار در منزل خود پذیرفته بودند پس از مذاکرات مربوط بمجله و اظهار تأسف از تأخیر طبع آن از این بنده خواهش کردند که آیا ممکن است شما مدیریت مجله را قبول کنید. این بنده با وجود تمام گرفتاریهای کمر شکن اداری برای عشقی که بگریده و جریده نگاری دارم و نیز برای آرام ساختن عطشی که هر یک از نوع بشر بمعروف ساختن خود دارد و نیز اگر باور بفرمائید برای خدمت بعالم اقتصاد

حرف عین بعدہ اللام

علوم مالیه و اقتصاد

و مالیه مملکت و بالاخره برای اطاعت فرموده دوست عزیز بلاد نیک لیبیک اجابت گفتم و بهمین جهات در آخر این مقاله که نام آن (طلوع سال دوم) است امضای (محمد حسین حسابی) در جای مدیر ملاحظه خواهید فرمود آری بمدیری این مجله که فقط برای خدمت بعالم اقتصاد و مالیه مملکت تأسیس شده افتخار میکنم و خویشتن را خدمتگذار عموم کارکنان مجله میدانم و از حضرت باری تعالی کمک و استعانت میجویم که برای انجام خدمتی که بمعهده گرفته‌ام هدایت بصراط مستقیم فرموده فکرم را قوی و روشن و بیازوانم قوت عنایت فرماید و نیز از عامه علاقه مندان بترقی مجلات و ترقی امور اقتصادی مملکت و آنهاییکه نسبت بنویسنده لطف مخصوصی دارند انتظار قوی دارد باما و کارکنان مجله کمک های خوب بکنند چه از حیث راهنمایی و یا کمک تحریری و چه از دادن انتقادات که در صورتی که بامنطق و حسن سلیم تحریر شده باشد باروی گشاده و بازوان باز استقبالش خواهیم نمود از رسیدن بمقصود امیدواری دارم چه از روی صمیمیت کار میکنم و بعلاوه یک عده از جوانان نخبه کاری کمک های ذی قیمت خود را مجانی و از روی صمیم قلب از مجله مضایقه نکرده و باما کار میکنند و برای آنکه ویاکاری نکرده باشیم از ذکر اسامی آنها خود داری کرده و فقط باین تشکر نامه قناعت میکنیم

اصولی را که مجله تعقیب خواهد کرد از اینقرار است : اولاً مملکت مجله عیناً همان است که در شماره های سال اول ذکر و تصریح شده . ثانیاً چون طبع شماوه اول از سال دوم بتأخیر افتاد اینک این شماره فوق العاده را که شماره اول و دوم از سال دوم نامیده میشود منتشر میسازیم . ثالثاً در مد نظر گرفته‌ایم از این بیعد در هر شماره تدبیر یکی از اشخاصی را که بمالیه و اقتصاد ایران خدمت بزرگ کرده اند طبع کرده و ترجمه حال او را نیز علاوه کنیم و امیدواریم باین خدمت موفق شویم . رابعاً در مد نظر داریم که در آتیه هر وقت وسائل اجازه داد بر عده شمارهها افزوده بجای سه ماه یکبار هر دو ماه یکبار مجله را منتشر سازیم . خامساً حتی المقدور سعی خواهیم کرد انشای ما ساده و آسان باشد و غلط کمتر داشته باشد و هر یک از خوانندگان در این زمینه بما نصایح بدهند متشکر خواهیم شد . مدیر مجله علوم مالیه و اقتصاد محمد حسین حسابی . « از مقالات مفید شماره اول و دوم سال دوم یکی مقاله ایست بقلم (ذ . بهروز) که در آن دو فرمان یکی راجع بالفای مالیات سلمانی و حمامی مورخه شعبان ۱۲۸۳ و دیگر فرمان الفای مالیات نان و گوشت بدستور ناصر الدین شاه (این دو فرمان از روی سنگی که در طرف دست راست درب شمالی مسجد شاه طهران است استنساخ شده) آورده شده .

و دیگر مکتوبیست از پاریس که بقلم آقای میرزا محمد خان قزوینی در جواب آقای میر محمد حسین حسابی مدیر مجله نوشته شده است . (برای اطلاع از مکتوب باصل شماره رجوع شود)

آبونمان یکساله مجله در طهران ۲ تومان و در ولایات داخله ۲۲ قران و تک

حرف عین بعده اللام علوم مالیه و اقتصاد، علیگر، عنکبوت، عنقا

شماره ۵ قران است. محل اداره مجله: طهران. خیابان مولوی. تلفن نمبر ۲۸۷. از سال دوم مجله علوم مالیه و اقتصاد یش از يك مجله که مشتمل بر شماره اول و دوم بوده منتشر نشده و برای همیشه این مجله نفیس و مفید تعطیل گردیده است بنا بر این از مجله علوم مالیه و اقتصاد چهار شماره در سال اول و دو شماره در سال دوم بشرحیکه مذکور افتاد منتشر شده و بعد تعطیل شده است. میرزا ابوالحسن خان دیبا - مرحوم دیبا ملقب به ثقة الدوله چندی معاون اداره کل تجارت بود و زمانی در دربار مرحوم رضا شاه فقید خدمت میکرد و عاقبت مورد سوء ظن واقع گردید بشرحیکه در جراید نوشته شده در شهر ملایر مسموم و بقتل رسید. و امامدیر مجله حسابی همان مرحوم میر محمد حسین خان حسابی است.

(۸۲۷) علیگر

ظاهر آروزنامه بنام علیگر بزبان فارسی در کلکته هندوستان منتشر شده است.

(۸۲۸) عنکبوت

روزنامه عنکبوت در تبریز بمدیری (میرزا باقر نطاق) در ششم خرداد ۱۳۰۴ شمسی امتیاز آن از تصویب شورای عالی معارف گذشته است. مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان صفحه ۴۱۲ در باره روزنامه عنکبوت مینویسد: «عنکبوت روزنامه هزلی هفتگی منتشر در تبریز با چاپ سربی مصور بمدیریت باقر نطاق در ۵-۱۳۴۳» از شرح مذکور معلوم میشود این روزنامه لا اقل برای مدت دو سال منتشر میشده ولی متأسفانه نگارنده نمونه از آنرا در دست ندارد. در شماره ششم سال دوم مجله عرفان چاپ اصفهان، مورخ ۲۲ دیماه ۱۳۰۵ شمسی مینویسد: «روزنامه عنکبوت بابت امرور پس از توقیفهای متوالی رسید از تجدید انتشار آن خوشوقت گشتیم.» آقای باقر نطاق مدیر روزنامه عنکبوت ریز نامه های دیگری باسم شمال غرب و طلعه سعادت در تبریز منتشر نموده است.

(۸۲۹) عنقا

مجله عنقا در شهر اصفهان بمدیر مسئولی (شیخ اسدالله گلپایگانی. ایزدکشی) تأسیس و شماره اول آن در ۱۸ صفحه بقطع کوچک خشتی در مطبعه سربی (شرکت امامی) طبع و در اول فروردین ۱۳۰۵ شمسی مطابق پنجم رمضان ۱۳۴۴ قمری منتشر شده است. با اینکه امتیاز مجله عنقا در تاریخ ۲۴ تیر ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته ولی انتشار آن تا فروردین سال بعد بتأخیر افتاده است. مجله عنقا هر ماه شمسی یکمرتبه طبع و توزیع میشده ولی دوره سالیانه آن چنانکه در عنوان مجله نوشته شده ده شماره بوده است محل اداره: اصفهان. کوچه

حرف عین بعدہ النون

عقبا

مسجد علی . منزل شخصی مدیر . عنوان تلگرافی : عقبا . وجہ اشتراک مجلہ : سالیانہ ۳۰ قران . خارجہ ۳۵ قران . ششماہہ ۲۰ قران . رنجبران وارباب معارف مخصوصاً معلمین مدارس و شاگردان خمس آہونہ تخفیف دادہ میشود . قیمت اعلان و لواہج خصوصی بادفترادارہ است . تک نمرہ دو قران .

عقبا بقسمیکہ در عنوان ہر شمارہ معرفی شدہ مجموعہ ایست علمی - اخلاقی - ادبی فکاهی - اجتماعی ولی بیشتر مندرجات آن مطالب اخلاقی وادی و فلسفی است . فہرست مندرجات شمارہای اول سال اول و دوم مجلہ کہ ذیلا کتل میکنیم مطلب را بخوبی آشکار مینماید . فہرست مندرجات شمارہ اول : در اطراف عقبا - سیرغ - قسمت فلسفی تأثیر نوابغ و شعرا در اجتماع - دیانت و لزوم آن - اثر لافوتن (خورجن) . فہرست مندرجات شمارہ اول سال دوم : جمال چیست ؟ چرا ما اشیاء جبیلہ را دوست داریم ؟ شرح حال فیلسوف اعظم ملا صدرا - فواید رورہ با کشف یک حکمت از احکام اسلامی قصیدہ فلسفی و اخلاقی .

سرلوحہ مجلہ عبارت از خورشید تابانست کہ از پشت کوہ بیرون آمدہ و در بالای آن فرہ و ہر با دوبرال کشیدہ قرار گرفتہ و در زیر این سرلوحہ اسم مجلہ بخط نستعلیق نوشتہ شدہ است . طبق نامہ کہ مدیر مجلہ در تاریخ ۱۵ شہریور ۱۳۱۹ شمس بنکارندہ این سطور مرقوم فرمودہ و مشتمل بر قسمتی از شرح حال خود و توضیحاتی در بارہ انتشار مجلہ عقبا میباشد ، رو بہ رفتہ ۱۲ شمارہ از این مجلہ بیشتر منتشر نگردیدہ و مجلہ برای ہمیشہ تعطیل گردیدہ است . از این دوازدہ شمارہ ، دہ شمارہ آن متعلق بسال اول و دو شمارہ مربوط بسال دوم مجلہ است . شمارہ اول سال دوم در فروردین و شمارہ دوم در اردی بہشت ۱۳۰۶ شمس منتشر گردیدہ است . چند تن از شعرا ی اصفہان اشعاری در تاسیس و انتشار عقبا سرودہ کہ بعضی از آنہارا از شمارہ اول مجلہ نقل مینمائیم . آقای عبدالعزیز ہمت یار سرودہ اند :

تعالی اللہ تعالی اللہ کہ عقبا جوشم از قاف دانش شد ہویدا .
برای سال طبعش گفت (نیکو) دل سیرغ شد تاریخ : عقبا .

۱۳۴۴

آقامحمد جعفر رجائی قطعہ سرودہ کہ چند شعر آخر آن چنین است :
گر بیری از مدیر آن بود نامش اسد بوعلی سینای ثانی مولدش گلایگان
خواہم تاریخ نشر این مجلہ از خرد تادری آید بکف از بحر طبع بیکران
بابل طبع رجائی در میان آورد سر گفت یا بشری شدہ عقبا ہویدا درجہان
مدیر مجلہ نیز برای مجلہ خود مادہ تاریخ زیر را سرودہ است :

بر جہالت چیرہ آمد جیش علم همچو پورآبتین بر بیور اسب .
شد بقرن یستم عقبا پدید بہر تاریخش سرودا یزد گشپ .
سال شمس در نظر بگرفت شمس گفت (مرغ کوہ دل) اورا نحب .

۱۳۰۵

حرف عین بعده النون

عقا، عهد آزادی، عهد انقلاب

شیخ اسدالله ایزد گشسب. اسدالله ایزد گشسب اصلاً گلپایگانی ولی ساکن اصفهان بود. تخلص شعری او شمس نام خانوادگیش ایزد گشسب است. کلمه گشسب بمعنی اشراق است چون گشسبی اشراقی را گویند و بمعنی پرست هم هست پس ایزد گشسب بمعنی ایزد پرست میباشد. مرحوم شیخ اسدالله در سال ۱۲۶۲ شمسی در گلپایگان بدنیا آمده و پس از سکونت در اصفهان بکسب فضایل و معلومات فارسی و عربی پرداخته و نزد فضلی عصر بتحصیل علوم معقول و مقول اشتغال ورزیده تا اینکه در علوم دین موفق بتحصیل اجازاتی گردیده است. مدتی در فرهنگ اصفهان بدیری دبستان حکمت و چندی هم دیر دبیرستانها بود مرحوم ایزد گشسب مردی وارسته و دارای فضایل اخلاقی و در سلك تصوف بمقام مرشدی رسیده بود وی از پیروان حاج ملاسلطانعلی گنابادی



ایزد گشسب

و در اصفهان اداره این سلسله بعهد او یعنی شیخ گنابادیها بود. وفاتش در شب جمعه ۵ جمادی الاول ۱۳۶۶ قمری در اصفهان اتفاق افتاد و جنازه او را در تخت فولاد بجاک سپردند.

و از وی فرزند برومندی باقیمانده که در دانشکده حقوق تحصیل مینماید. مرحوم ایزد گشسب علاوه بر انتشار مجله عقا چند رساله و کتاب نیز تألیف و منتشر نموده است: ۱- نورالابصار در احوالات نور علیشاه اصفهانی. ۲- جذبات الهیه که منتخبی است از دیوان شمس تبریزی. ۳- شمس التواریخ. ۴- نامه سخنوران. اسامی مؤلفات ایشان را به تفصیل در کتاب رجال اصفهان ذکر کرده است.

(۸۳۰) عهد آزادی

در کتاب تاریخ ادبیات معاصر تألیف آقای رشید یاسمی اسم روزنامه عهد آزادی در جزو سایر جراید ذکر شده و نگارنده یش از اینهم از آن اطلاعی ندارم.

(۸۳۱) عهد انقلاب

روزنامه عهد انقلاب بصاحب امتیازی و مدیر مسئول (میرزا آقاخان همدانی) در طهران تأسیس و در سال ۱۳۳۳ قمری منتشر شده است. روزنامه عهد انقلاب دنباله روزنامه عصر انقلاب است که پس از توقیف روزنامه مذکور در کابینه عین الدوله بنام عهد انقلاب منتشر گردیده. توضیح مطلب اینکه پس از انتشار شماره ۲۹ سال اول عصر انقلاب مورخ چهارشنبه ۱۸ رجب ۱۳۳۳ قمری که در آن مقاله تحت عنوان (اسلام و وضعیت کنونی دنیا - عثمانی و جنگ) نوشته شده، روزنامه مدتی توقیف و مجدداً در تاریخ سه شنبه ۱۰ ذیقعده ۱۳۳۳ قمری مطابق ۲۹ سنبله و ۲۱ سپتامبر

حرف عین بعده الهاء

عهد انقلاب

۱۹۱۵ میلادی بنام عهد انقلاب چاپ و منتشر شده و بنابر این شماره اول عهد انقلاب در تاریخ سه‌شنبه ۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۳۳ قمری توزیع گردیده است.

مقاله افتتاحی این شماره تحت عنوان (سپاس یزدان پاك) و خلاصه آن چنین است: «در این ایام تیره و تار سپاس یردان را که مجدداً قلم را بدست ما داده و ما نیز تا زنده ایم از ایران وطن خود در این عهد انقلاب فروگذاری نمی‌کنیم. توقیف عصر انقلاب در کابینه شوم عین‌الدوله که طرفدار روس و انگلیس است و جز حقیقت‌گوئی و مخالفت با عین‌الدوله از همان اول چیز دیگری ننوشت و از اینرو عین‌الدوله که معتقد بود روزنامه‌ها چه حق دارند در سیاست دخالت کنند روزنامه عهد انقلاب را توقیف نمود ولی بجای آن عهد انقلاب با همان مرام و مسلک بجای روزنامه توقیف شده منتشر می‌شود گرچه از سابق امتیاز عهد انقلاب را داشته ایم ولی این مدت بواسطه کسالت مدیر و برخی موانع دیگر انتشارش بتأخیر افتاده و اکنون منتشر میگردد.»

هما قسم که یاد آور شدیم این شماره، شماره اول عهد انقلاب و شماره ۳۰ عصر انقلاب است محل اداره و قیمت اشتراك و قطع روزنامه عموماً مانند پیش یعنی مثل روزنامه عصر انقلاب میباشد و بنابر این برای اطلاع از خصوصیات روزنامه بحرف عین کلمه عصر انقلاب مراجعه شود. تنها تغییری که در روزنامه داده شده روزهای انتشار است یعنی عهد انقلاب روزهای سه‌شنبه و جمعه نشر می‌شده است. نگارنده فعلاً تا شماره ۱۱-۴۰ این روزنامه را که در تاریخ ۱۵ عترب توشقان مطابق دوشنبه ۲۹ ذیحجه ۱۳۳۳ قمری منتشر گردیده در دست دارم. روزنامه عهد انقلاب پس از مدتی تعطیل و بشرحیکه جداگانه ذکر خواهیم کرد مجدداً منتشر شده است.

پس از آنکه روزنامه عهد انقلاب مدتی تعطیل بود مجدداً بصاحب امتیازی (میرزا آقا خان فریور) و نگارندگی آقای (سعید نفیسی) در طهران در سال ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است.

پس از آنکه شماره اول روزنامه امید بدبیری آقای (سعید نفیسی) در تاریخ سه‌شنبه ۱۱ سرطان ۱۳۰۲ انتشار یافت روزنامه توقیف گردید و بجای شماره دوم روزنامه امید روزنامه عهد انقلاب منتشر گشت و لذا این شماره عهد انقلاب، شماره دوم میباشد. پس از این توضیح بذکر خصوصیات روزنامه عهد انقلاب میردازیم. هما قسم که یاد آور شدیم عهد انقلاب بصاحب امتیازی میرزا آقا خان فریور که همان میرزا آقا خان همدانی است و بنموسی و نگارندگی آقای سعید نفیسی در طهران منتشر شده و شماره اول آن که دوم امید است در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه بوسفور شعبه ۳ چاپ و در تاریخ پنجشنبه ۱۳ سرطان ۱۳۰۲ مطابق ۲۰ ذی‌قعدة ۱۳۴۱ قمری و ۵ ژوئیه ۱۹۲۳ میلادی منتشر گردیده. قیمت اشتراك روزنامه: ایران هشت تومان خارجه نه تومان. قیمت هر شماره هشت شاهی. محل اداره: طهران. خیابان علاءالدوله اداره شفیق سرخ. طرز انتشار آن هفته دو روز روزهای سه‌شنبه و پنجشنبه بوده است. سرمقاله شماره اول آن تحت عنوان (یغماگری بلدیة طهران) بدینقسم شروع میگردد:

حرف‌عین بعده الهاء

عهد انقلاب ، عهد ترقی

« همه چیز در این مملکت موضوع خود را از دست می‌دهد. ادارات و مؤسسات عمومی وسیله استفاده اشخاص میشوند »

پاورقی روزنامه که در صفحه سوم چاپ شده ترجمه قطعه (ژارژای نزد خدا . اثر الفونس دوده) میباشد . در صفحه چهارم علاوه بر اخبار خارجه مطالبی از مطبوعات ایران نیز نقل شده است . پاورقی شماره چهارم روزنامه ترجمه (آخرین درس اثر - الفونس دوده) است . سرمقاله های روزنامه عهد انقلاب عموماً بقلم آقای سعید نفیسی و بامضای ایشان است . نگارنده فعلاً تا شماره هفت عهد انقلاب مورخ سه شنبه اول اسد ۱۳۰۲ مطابق نه ذیحجه ۱۳۴۱ رادر دست دارم .

برای اطلاع بیشتری از روزنامه عهد انقلاب و شرح حال آقای سعید نفیسی و میرزا آقا خان فریار رجوع شود بجلد اول کتاب کلمه امید و مجلدات سوم و چهارم کتاب ذیل کلمات (شرق) و عصر انقلاب .

(۸۳۲) عهد ترقی

مجله عهد ترقی در طهران بمدیر مسئولی (ح . ر) و بهمت (جمعی از معارف پروران) تأسیس و در سال ۱۳۳۳ قمری منتشر شده است . شماره اول مجله عهد ترقی در ۲۰ صفحه بقطع وزیری کوچک طبع و در تاریخ غره شعبان مطابق ۲۴ جوزا ۱۳۳۳ قمری انتشار یافته . قیمت اشتراك مجله : طهران یکساله ۱۲ قران . ششماهه هفت قران . ولایات یکساله ۱۵ قران . ششماهه ۸ قران . عنوان مراسلات : خدمت مدیر مسئول عهد ترقی اداره روزنامه نوبهار . تك نمره يكقران .

عهد ترقی مجله ایست ماهیانه و روی جلد آن علاوه بر اسم مجله (عهد ترقی) و سال تأسیس (۱۳۳۳) و فهرست مندرجات ، تصاویری از اختراعات عصر جدید از قبیل تلفون ، هواپیما ، خط آهن و غیره رسم شده است . برای اطلاع از نوع مندرجات و سبك مجله بهتر آنست مقاله افتتاحی آنرا که در صفحه اول شماره اول چاپ شده عیناً نقل نماییم : « باسه . مقصد ما . »

بچه کار آبدت ز گل طبقی از گلستان من بیر ورقسی
گل همین ، پنج روز و شش باشد وین گلستان همیشه خوش باشد

آغار سخن بنام یکتا خداوندی شروع نموده که ناطقه بما عطا فرموده تا بتوانیم بگوئیم . این حکم کلی و عمومی است که در دنیا هر موجودی بفرخور حال خویش بسایر موجودات و مخلوقات خدمت مینماید . در حوزه اجتماعی هم بدین منوال هر کس را آنچه درخور امکان آید از دیگران مضایقه ننماید ، دست بدست هم داده امور دنیوی را از پیش ببرند . اهم این خدمات که شخص میتواند به موطنان و برادران خود بکند توسعه و انتشار معارف در آن مملکت میباشد . مسئله معاوف را اهمیت باندازه ایست که مارا یارای بیان فواید و منافع آن نیست . همیشه میتوانیم بگوئیم ترقی و تعالی هر مملکت ، ثروت و دولت هر ملت بسته بمعارف است یکی از وسائلی که بیشتر

حرف عین بعده الهاء

عهد ترقی

بتوسعه معارف كمك ميکند طبع و توزیع اوراق و مجلات بين مردم میباشد زیرا آنانکه فراغت ندارند که تحصیل نمایند و در کودکی ایشان را میسر نشده بخوبی دانش آموزند این مجلات و اوراق از چگونگی معلومات بطوریکه اسباب کسالت نگردد بیان مینماید و میتوانند از آن بهره وافی ببرند. اوراق فقط منحصر بر روزنامه های پلتیکی و اخباری نیست بلکه مجلات علمی هم لازم است. پس بحکم این مقدمات بنام یزدان پاك و خواجه لولاك محمد بن عبدالله صلی اله علیه وآله و باستعانت شاهنشاه معرفت خواه دل آگاه سلطان احمد شاه قاجار که دانش دوست و خود دانا بمعلومات امروزی است. ما يك مشت جوانان ایرانی که بفراخور حال خویش خدمتی از این بیش نتوانیم کرد، قدم در میدان همت گذارده و بطبع و توزیع این مجله همت میگذاریم. مجله ما (عهد ترقی) مجله ایست علمی، ادبی، صنعتی، تاریخی، جغرافیائی، بندی اخلاقی و مصور که برادران را از این معلومات می آگاهاند. شربت دانش و بینش را بآنان میچشانند، در ترویج زبان پارسی جدیدی بخصوص دارد و حتی القوه در احیای آن سعی است. چون در این اوان نسوان محترم بابدایره معرفت نهاده اند قسمتی را راجع بخانه داری، نگاهداری اطفال و سایر امور زنانگی نموده است. علاوه بر اینها امتیازی که دارد آنکه شرح احوال نامیان بزرگ و دانشمندان سترک را در هر شماره در قسمتی بیان مینماید و صفحاتش را بتصویر آنان مزین میسازد. مجله ما را ملك بیطرفی است و در امور سیاسی هیچگونه مداخله ندارد تنها مقصدش نشر علم و معارف است و یگانه نیتش اطلاع بر اوضاع معلومات و صنایع کسانی که بخیرداری این مجله همت میگذارند در آخر کتابی دارند که کلیاتی از علوم و صنایع میباشد. امید داریم بهمت برادران ایرانی نژاد و مسلمانان پاك نهاد این مجله در طرق ترقی روان و از عهده ایفای آن برآید. »

پس از سرمقاله مذکور، مقالیه دیگری بعنوان (قرون معروفه تاریخی) درج شده است.

فهرست مندرجات هر شماره در پشت جلد مجله چاپ شده. فهرست مندرجات شماره اول از اینقرار است: مقصدا - قرون معروفه تاریخی - حفر ترعه - سویس - اسفنج و طریقه صید آن - آسمان پیمائی - ادبیات (رازع) - مردن اطفال و جلوگیری از آن - میزان الرطوبه کاغذی - اسرار فنی - تراجم مشاهیر (اراگو) .

فهرست مندرجات شماره دوم: موازنه اروپائی - شکار در عالم حیوانات - آسمان پیمائی - ادبیات (نم انقلاب) . راجع بنسوان - مردن اطفال و جلوگیری از آن - فنون و صنایع - بقای روح - مردن قدم در زندگی حقیقی گذاردنت . .

همانقسم که قبلا اشاره کردیم مجله عهد ترقی بهمت جمعی از معارف دوستان تأسیس شد و در شماره اول اسمی از مدیر و صاحب امتیاز مجله نیست ولی در شماره دوم در پایان صفحه آخر در جائیکه شرحی بعنوان (اعتذار) نوشته امضای (ح. ر) بنام مدیر مسئول دیده میشود و این امضا میرساند که علامت اختصاری نام مدیر مسئول مجله (ح. ر) است. در شماره اول مجله پروین که ذکر از این مجله نموده نوشته است

حرف عین بعده الهاء عهد ترقی، عهد تجدد، عهد جدید، غربال، غرب ایران

مجله عهد ترقی راهیتی از معارف پروران در طهران منتشر نموده اند .
شماره دوم مجله در غره رمضان مطابق ۲۲ سرطان و شماره سوم در غره شوال مطابق ۲۱ اسد ۱۳۳۳ قمری بهمان سبک و قطع شماره اول منتشر گردیده است .
محل اداره مجله : اداره روزنامه نوبهار - عنوان مراسلات : خدمت مدیر مسئول عهد ترقی . اداره نوبهار . طهران . شمار مجله که در هر شماره روی جلد آن چاپ شده این شعر معروف است : « کسب کمال کن که عزیز جهان شوی . » محل طبع مجله مطبعه سربی کلیمیان طهران . و هر صفحه مجله مشتمل بر دو ستون است . برای اطلاع از قسمت ادبی مجله این چند شعر اثر طبع بر تو را که در شماره دوم بعنوان (نعم الاقلاب ولو علینا) چاپ شده نقل مینمائیم :

بشک آمد دلم زین زندگی ای مرک تعجیلی	زیک رنگی بجان آمد تحمل چرخ تبدیلی
مرا جسمی است چون کاه ولی بار غم کوهی	فزونتر طاقتی نبود مرا ای غصه تقلیلی .
ستم برخستگان تا چند ایگر دون دون پرور	ز نیکی لفظ ماندی در جهان از جور تعطیلی
چسان این آتش غم را بدل پنهان کنم یارب	زبان را نیست یارائی بده ایخامه تفصیلی
علاج غم مگر از عشق جوید بر تو محزون	که جور یار به کز رور گار ای عشق تکمیلی

(۸۳۳) عهد تجدد

روزنامه عهد تجدد در سال ۱۳۰۲ شمسی در طهران بطور روزانه تأسیس و منتشر شده است .

(۸۳۴) عهد جدید

در سال ۱۲۹۴ شمسی روزنامه عهد جدید در طهران بطور هفتگی تأسیس و منتشر شده است .

حرف الفین

(۸۳۵) غربال

امتیاز روزنامه غربال در طهران بدیری (غلامحسین خان نوری) در تاریخ قوس ۱۳۰۳ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته است . نگارنده تاکنون نمونه این روزنامه را بدست نیاورده ولی ظاهراً بطور هفتگی منتشر شده است .

(۸۳۶) غرب ایران

روزنامه غرب ایران در ذیحجه ۱۳۳۵ قمری در شهر کرمانشاه تأسیس و منتشر شده است . در شماره ۳۷ سال نهم روزنامه وطن مورخ سه شنبه ۲۸ ذیحجه ۱۳۳۵ قمری شرحی راجع بطلوع روزنامه بدینقسم نوشته است : « طلوع . جریده فریده غرب ایران که بتازگی در کرمانشاهان بطبع میرسد با اسلوبی و نگارشات محکم شماره نول آن با اداره رسیده است و عالم معارف غرب را روحی تازه بخشیده ماموقهت کارکنان آن اداره محترم را همیشه مشغلت مینمائیم . »

حرف نین بعده الیاء غرب ایران ، غرش ، شیرت ، شیرت کربلا

(۸۳۷) غرب ایران

بغیر از روزنامه غرب ایران که در کرمانشاهان منتشر میشده روزنامه دیگری بهمین نام در طهران در سال ۱۳۰۲ شمسی تأسیس هفته دوبار منتشر شده است .

(۸۳۸) غرش

روزنامه غرش در شهر اصفهان بدبیری آقای (محمد باقر توبسرکانی) در سال ۱۲۹۹ شمسی تأسیس و بطور هفتگی منتشر شده است .

(۸۳۹) شیرت

روزنامه غیرت باطبع ژلاتینی در سال ۲۰ - ۱۳۱۹ قمری در طهران بوسیله يك انجمن سری تأسیس و منتشر شده است . اعضاء عمده این انجمن که بر علیه امین السلطان شده عبارت بودند از شیخ عبدالعلی موبد ، میرزا محمد علیخان ، حاج میرزا حسن رشیدیه و شیخ یحیی کاشانی . در حقیقت روزنامه غیرت ارگان این انجمن سری بوده است . از انجمن مذکور در ذیل روزنامه ایران امروز ، در جلد اول کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران نیز ذکری بمیان آمده است .

(۸۴۰) غیرت کربلا

روزنامه غیرت کربلا در شهر کربلا بزبان فارسی تأسیس و در سال ۱۳۳۴ قمری منتشر شده است . گرچه در این روزنامه اسمی از مدیر و نویسنده آن درین نیست ولی در عنوان آن در زیر عنوان مکاتبات نوشته است : « سالن استخبارات حاجی میرزا علی شیرازی مدیر مظفری » و چون بشرحیکه بعداً در حرف میم کتاب ذیل روزنامه مظفری یاد آور میشویم که مدیر مظفری بخارج ایران تبعید گردیده و در سال مذکور در کربلا ونجف بوده و مخصوصاً که نامبرده با انگلیسها که مسبب تبعید او بوده شدیداً خصومت داشته و این روزنامه نیز بر علیه سیاست انگلستان در جنگ بین الملل اول است لذا احتمال قوی میرود یعنی بطور قطع مدیر و نویسنده روزنامه غیرت همان آقای میرزا علی آقا شیرازی مدیر مظفریست بهر صورت خصوصیات روزنامه غیرت چاپ کربلا بدینقرار است :

شماره سوم روزنامه غیرت بشکل کتابچه چهار صفحه ای بقطع خشتی که صفحه اول و چهارم آن سفید و دو صفحه داخل یعنی صفحات دو و سه با چاپ سنگی مط لبی بخط ریز نستعلیق و درهم و برهم طبع و در تاریخ اول رجب ۱۳۳۴ قمری منتشر شده در عنوان روزنامه علاوه بر اسم روزنامه (غیرت کربلا) و تاریخ انتشار آن ، در یکطرف قیمت اشتراك و در طرف دیگر خصوصیات دیگر روزنامه چاپ شده و اما قیمت اشتراك بدینقسم است : « مادام العمر سالانه ششماه در تمام ممالك اسلام خواندن

حرف غین بعدہ الیاء

غیرت کربلا ، فارس

وفہمیدن ودر راه خدمت اسلام وبقای استقلال دولت ایران بجذیت و راستی قدم زدن در ممالک خارجه - حفظ مراتب ایرانیّت . قیمت تك نمره بعد از خواندن بدیگری دادن . « این قیمت اشتراك روزنامه است واما خصوصیات دیگر روزنامه : محل اداره کربلائی معلی . درمیدان . عنوان مکاتبات : سالون استخبارات - حاجی میرزا علی آقا شیرازی مدیر مظفری . عنوان تلگرافات : کربلا - مظفری .

در زیر عنوان روزنامه چند شعر ویکسطر نثر بدینقرار نوشته شده . اشعار :
 های ۰۰۰ باناموس مردان وطن • دست غیرآلوده دامان وطن • مادر مظلوم ما ایرانیان • گوید او بانوجوانان وطن • همان بی ناموس فرزندان من • دست غیرآلوده بر دامان من •

قسمت نثر : « این ورقه در این ایام که یوم الامتحان است بیادگار خدمت خدام وخیانت خائنین که هر یک در موارد خود امتحان داده اند طبع میشود . »

روزنامه غیرت در مطبعه سنگی بخط خیلی ریز و درهم برهم ولی بقسمیکه مندرجات آن بخوبی قرائت میشود طبع شده و با اینکه بیش از دوصفحه نیست وهر صفحه آن مشتمل بر درستون میباشد ، مطالب آن زیاد و علاوه بر آنچه در متن نوشته در حواشی صفحات نیز مطالبی بخط ریز چاپ شده است . منظور از تأسیس و نشر روزنامه غیرت تحریک ایرانیان بر علیه مقاصد استعمار طلبانه روس و انگلیس در ایران و عراق و بخصوص در کربلا و نظیر روزنامه انتقام بوده است .

مندرجات روزنامه بیشتر مقالات مہیجی است که بمنظور بیداری ایرانیان و طرفداری از دولت مسلمان عثمانی در جنگ بین الملل نگاشته شده و در همین شماره نمونه مقاله ایست بقلم یکی از سیاسی دانهای نجف تحت عنوان : « در کارهای امروز اشخاص جدی راستگو لازم است » و نیز تحت عنوان (نصر من الله وفتح قریب و بشیر - المؤمنین) اخبار شکست انگلیسها را در تنگه داردانل و محاصره کوت العماره که چهار ماه و بیست روز طول کشیده و اخبار فتح این نواحی بدست عثمانیان و اعراب درج شده است . و خلاصه اینکه منظور اصلی از نشر این روزنامه درج اخبار تبلیغاتی عثمانیها و متحدین آنها بوده است . از روزنامه غیرت کربلا فعلاً تا همین شماره سوم در دست است و جای تعجب است که با اینکه مطالب روزنامه زیاد و خیلی ریز نوشته شده چرا دو صفحه آن سفید گذاشته و چاپ نشده است . شرح احوال میرزا علی آقا شیرازی مدیر مظفری بتفصیل در حرف میم کتاب در ذیل روزنامه مظفری ذکر خواهد شد .

حرف الفاء

(۸۴۱) فارسی

روزنامه فارس در شهر شیراز بدبیری مرحوم میرزا آقا فرصت (فرضت الدوله شیرازی) تأسیس ودر سال ۱۳۳۱ قمری منتشر شده است • شماره اول روزنامه در

حرف‌افشاء

فارس ، فارسانامه

آغاز جمادی ۱۳۳۱ قمری و شماره‌های ۴، ۵، ۶، ۷ از سال پنجم آن در برج اسد و شماره‌های ۸، ۹، ۱۰ این سال روزنامه در برج سنبله و شماره‌های ۱۱، ۱۲ آن در برج میزان و شماره‌های ۱۳، ۱۶ آن در برج قوس سال ۱۲۹۹ شمسی انتشار یافته و بهین جا دوره ووزنامه فارس خاتمه پیدا کرده است. روزنامه فارس مدتی تحت نظر آقای فضل‌الله خان بنان منشی قنصلخانه در شیراز اداره میشده است.

در پاورقی روزنامه فارس کتاب (اشعه شعاعیه) تألیف آقای میرزا محمد حسین شعاع‌الملک که تذکره ایست از حالات شعراء معاصر و اشعار منتخبه آنها و کتاب (رهنمای جوانان) تألیف دکتر استال امریکائی ترجمه آقای پرتو شیرازی بطبع رسیده است. لازم است یادآور شویم که روزنامه که مرحوم میرزاتقی خان کاشانی در شیراز بزبان فارسی و عربی منتشر نموده بنام (الفارس) بوده و بعضی مساند مرحوم برون اشتباهاً آنرا بنام (فارس) ضبط کرده اند. وما در جلد اول کتاب بتفصیل از روزنامه الفارس گفتگو نموده ایم.

فرست الدوله شیرازی - میرزا محمد نصیرحسینی ملقب بمیرزا آقا بن میرزا جعفر ابن میرزا کاظم ابن الحکیم میرزا نصیر. فرست در سال ۱۲۷۱ در شیراز متولد شده و از آغاز عهد بلوغ تاملاتی علوم متداول عصر خود را از قبیل نحو و صرف و منطق و حکمت و حساب و هندسه و اصطلاحات فرا گرفته تا اینکه ادبی کامل و آریبی فاضل گردیده است. استادش شیخ مفید در حق او میفرماید.

فرست آن شمع جمع اهل هنر که ندارد قرین ز نوع بشر •
فیلسوفان دهر را شاید که ز فضل و هنر شود رهبر •

اکثر تحصیلات آنجناب نزد شیخ بزرگوار مفید بوده و علاوه بر علوم مذکور خامه اش در فنون صورتگری سحر آمیز است و درجانی از تألیفات خود مینویسد که مدار معیشت از نناشی است و گرنه هرگز از اعیان و اشراف مراسودی نیست. نام بعضی از تألیفات او بدینقرار است: کتاب دریای کبیر. اشکال المیزان. بحور الالحان. منشآت نشر. دیوان اشعار قریب ده هزار بیت از قصاید و غزلیات و ترجیمات و مسطعات و رباعیات. دیگر آثار عجم.

(۸۴۲) فارسانامه

در سالنامه ۱۴ - ۱۳۱۵ فارس مینویسد: در سال ۱۳۰۳ شمسی آقای (حشمت‌الممالک) مؤسس جریده گفتار راست روزنامه فارسنامه را در شیراز منتشر ساخت و در فهرست امتیازات جراید و مجلات ضمیمه شماره ۷ و ۸ سال دوم مجله تعلیم و تربیت می نویسد در ۴ قوس ۱۳۰۳ امتیاز روزنامه فارسنامه با آقای حسنعلیخان حشمت‌الممالک در شورایعالی معارف تصویب گردید.

و این روزنامه فارسنامه غیر از روزنامه فارسنامه است که در شیراز در سال ۱۳۰۴ شمسی بمدیری آقای حسام زده پارارگاد مدیر خورشید ایران تأسیس و منتشر

گردیده و ما از روزنامه پارسنامه در جلد دوم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران گفتگو کرده و برای آن عنوان علیحده قرار داده ایم .

(۸۴۳) فرج بعد از شدت

روزنامه فرج بعد از شدت در اصفهان بدیری (آقا میرزا نورالدین مجلسی) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده . این روزنامه در چهار صفحه بقطع وزیری بزرگ در مطبعه سنکی فرهنگ واقع در بازار سراجهای اصفهان طبع و ماهیانه سه نمره یعنی هر ده روز یکمرتبه توزیع شده است .

شماره اول روزنامه فرج بعد از شدت در شهر شعبان ۱۳۲۵ قمری انتشار یافته و پس از انتشار سه شماره بعلت تأسیس انجمن بلدیة اصفهان اسم روزنامه تبدیل به (انجمن بلدیة و فرج بعد از شدت) گردیده است . راجع باین تغییر اسم شرحی در شماره چهارم روزنامه مورخ رمضان ۱۳۲۵ قمری ذکر نموده که برای توضیح مطلب عین آنرا ذیلا نقل مینمائیم .

« چون این جریده ابتدا باسم فرج بعد از شدت موسوم شد و بعد از بطح رسیدن نمره اول آن انجمن مقدس بلدیة اصفهان بکوری چشم دشمنان و مستبدین بر پا شد و چون این بنده عضویت در آن انجمن داشتم اعضای انجمن مقدس که تمام از علما و از بزرگان و اعیان و اشراف میباشند و همچنین رئیس انجمن مقدس آقای وثیق الملک تکلیف فرمودند که چون از این تاریخ بیعد این انجمن مقدس لابد باید جریده مخصوص داشته باشد که آنچه مذاکره میشود همه روزه در انجمن در آن جریده درج شود لهذا بهتر این است که این جریده موسوم بانجمن بلدیة شود از اینجهت اسم آنرا انجمن بلدیة قرار دادیم و آنچه راجع بآبادی مملکت و ترقی ملت است باسم فرج بعد از شدت درج شود لهذا ابتدا میکنیم بانجمن بلدیة روز سه شنبه سلخ شعبان ۱۳۲۵ »

در شماره پنجم نیز اسم (انجمن بلدیة فرج بعد از شدت) برای روزنامه محفوظ مانده ولی از شماره شش فرج بعد از شدت اراسم روزنامه حذف و روزنامه تنها بنام (انجمن بلدیة) منتشر شده است . بنا بر این روزنامه فرج بعد از شدت باین نام بیش از سه شماه منتشر نگردیده و شماره چهار و پنج باسم انجمن بلدیة و فرج بعد از شدت انتشار یافته و از شماره ششم بیعد منحصراً باسم (انجمن بلدیة) منتشر شده است . برای اطلاع ار شماره ششم بیعد باید بجلد اول کتاب ذیل انجمن بلدیة مراجعه شود .

مندرجات فرج بعد از شدت بیشتر مقالاتیست بقلم مدیر روزنامه راجع بقواعد مشروطیت و مضار استبداد و از شماره چهار بیعد که روز نامه ارگان انجمن بلدیة شده بیشتر مندرجات روزنامه مذاکرات و احکام انجمن بلدیة میباشد .

مقاله افتتاحی روزنامه که در آن اسامی بعضی از جراید آن ایام ذکر شده بدینقرار است : « حمد بیعد و ثنای بیعد مر خداوندی را سزد که جلالتین اسلام را بمجلس ملی محکم گردانید و ندای عدالت از صویر اسرافیل دمید تا سرمایه دانش بگوش اهل معارف

حرف اثناء بعده الرء

فرج بعد از شدت

رسید و کوکب دری را بخانه شرف کشانید تاندای وطن را بگوش اهل تربیت رسانید و اهل دانش را برفواید عامه داشت تا پرورش ابنای وطن را بهتر از جهاد اکبر دانند و وصف الجمال شرافت را بشریا رسانند و انسان را از میان تمام مخلوقات برگزید و او را بعقل و علم از سایر حیوانات برتری داد و در حقش ولقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم فرمود و مشرف و بشریف ولقد کرمنا بنی آدم نمود و بعضی را برتری و شرف داد بسایرین بواسطه علم و در حق آنها فرمود هل یتوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون و هم چنین فرمود.....»

مقاله مذکور فهرستی از جرایم منتشره صدر مشروطیت ایران است. در همین شماره مقاله بعنوان (مناظره مشروطه با استبداد) بطبع رسیده است. و این مقاله بدینقسم شروع میشود: «روزی مشروطه که جوانی است در کمال خوشگلی و خوشروئی که تازه در پشت لبهای او موهای نازک روئیده عمامه سفید کوچکی بر سر.....» در زیر عنوان روزنامه فرج بعد از شدت بدینقسم معرفی شده است: «در این جریده از کلیه مطالب نافه بحال عامه خلق بحث میشود مراسلات بدون اسم و امضا درج نخواهد شد.»

وجه اشتراك روزنامه سالیانه در اصفهان دوازده قران. شش ماهه شش قران سایر بلاد ایران: پانزده قران و هفت قران و نیم. هندوستان و افغانستان چهار روپیه و دو روپیه. تمام اروپا و عثمانی و مصر: هشت فرانك و چهار فرانك. قیمت هر نسخه صد دینار. وجه اشتراك بعد از ارسال چهار نمره يك قسط گرفته میشود. اعلانات سطرى دهشاهی. اوایح مجاناً درج میشود. محل توزیع: محله شمس آباد اصفهان. منزل مدیر جریده. روزنامه بخط نستعلیق بسیار خوب و کاتب آن (المبد مصطفی) امضا مینماید.

از امتیازات روزنامه فرج بعد از شدت سادگی و روانی جملات و عبارات آنست بقسمی که هر کس مایل است آنرا بخواند و مطالب آنرا درك میکند و این رویه برخلاف معمول روزنامه های آن ایام است که سعی میکردند مطالب را مشکل بنویسند و این خود حکایت از ذوق نویسندگی مدیر روزنامه مینماید و اگر مطلب بدر از آن نیکشید بطور نمونه یکی از مقالات آنرا نقل میکردیم. شرح احوال مرحوم مجلسی را در جلد اول کتاب نوشته و عکس ایشان را گراور نموده ایم خوانندگان بذیل روزنامه (انجمن بلدیه) مراجعه فرمایند. در اینجا فقط بنقل شرحی که مدیر روزنامه ارژنك در شماره ۱۲ سال چهارم روز نامه ارژنك مورخ ۱۷ اسفند ۱۳۰۷ شمسی پس از فوت مجلسی بعنوان تسلیت نوشته اکتفا مینمائیم: «دراثر کسالت و قناعت یگانه پیشوای محترم اسلامی حضرت مستطاب آقای آ میرزا نورالدین مجلسی اعلی اله مقامه الشریف چند روز قبل بر حمت ایزدی پیوسته. المحق والانصاف جای تأسف و تحسر است بر این بگانه عضو محترم اسلامی ماهمه مسلمین و دسوگواری آنوجود محترم شریك و سهیمیم.» دوربای زیر را که اثر طبع آن مرحوم است باین قسمت اضافه نموده و شرح راجع برورنامه

حرف‌الثناء بعده الراء فرج بعد از شدت ، فرخی ، فردا ، فردوس ، فردوسی

فرج بعد از شدت را خاتمه میدهم :

رباعی

نگار من چو برخسار خود نقاب گرفت فغان زخلق برآمد که آفتاب گرفت
گرفت در دل من جای آن نگار و در بنگ که شهریار دیاری چنین خراب گرفت

ایضاً

نگارم بوسه بر جان میفرود شد . غنیمت دان که ارزان میفروشد .
گل رویت اگر دهقان ببیند یقین دارم گلستان میفروشد .
این نکته را نیز لازم است یادآور شویم که برون بطور اختصار در باره فرج بعد از شدت نوشته است روزنامه هفتگی منتشره در طهران با چاپ سنگی (صفحه ۱۲۱ کتاب مطبوعات و شعر فارسی) و چنانکه خوانندگان ملاحظه میفرمایند اشتباهاً محل آنرا طهران ضبط کرده است .

(۸۴۴) فرخی

مجله فرخی در سال ۱۳۰۲ شمسی در طهران تأسیس و بطور ماهیانه منتشر شده است .

(۸۴۵) فردا

روزنامه فردا در سال ۱۳۰۰ شمسی در طهران تأسیس و بطور هفتگی منتشر شده است .

(۸۴۶) فردوس

مجله فردوس در سال ۱۲۹۵ بطور ماهیانه در طهران تأسیس و منتشر شده است .

(۸۴۷) فردوسی

مجله فردوسی در طهران در سال ۱۳۰۰ شمسی بصاحب امتیازی (میرزا محمد وفادار) و بقلم دیپلمه‌ها و محصلین مدرسه عالی امریکائی تأسیس و شماره اول آن در برج جدی سال ۱۳۰۰ شمسی مطابق باجمادی الاول ۱۳۴۰ قمری منتشر شده است .
مجله فردوسی دنباله مجله الادب است که از شماره اول سال چهارم مجله مذکور بنام فردوسی موسوم و منتشر گردیده . از مجله الادب در جلد اول کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران بتفصیل یاد آور شده ایم . درباره تغییر نام مجله فردوسی شرحی در مقاله افتتاحی مجله ذکر شده که برای روشن شدن موضوع عین آنرا ذیلاً نقل مینمائیم .
« مجله ما چهارمین سال زندگانی خود را شروع مینماید و لسی با چهره جدید ، بالباس نوین و بالاخره با صورت کسیکه از گذشته خویش سرور و بآتیه خود امیدوار

حرف اثناء بعده الرء

فردوسی

و بر احملى كه سير نموده اختيار مينمايد . در اين سير چهار ساله اول گياهي نا چيز ، سپس سبز و خرم ، آنگاه شكوفه شاداب و اکنون گل نودسى است كه طراوت نرگس و سنبل دارد و نكته مشگ و عير پراكنده مينمايد. مجله ما اين سال جديد عمر خود را بنام حكيم سخندانى شروع مينمايد كه ادبيات ايران نه ، بلكه ادبيات تمام دنيا را افتخار از اوست . علت اين تغيير نام در آنستكه از دير زمانى در مدرسه ما انجمنى بنام انجمن ادبى فردوسى بوده و محصلين اين مدرسه از پرتوانوار آن بزرگوار استفاده نموده و براى كسب فنون سخنگونى و شعر سرانى در انجمن مزبور مجاهدت كرده اند . و از آنجا كه مؤسسين انجمن مزبور و اين مجله هر دو از متعلمين يك مدرسه هستند در شوراي محصلين چنين صلاح ديده شده است كه براى وحدت مساعى مشترك در تحصيل ، مجله الادب تغيير نام دهد و خود را باسم مجله فردوسى موسوم دارد .

اين اسم بزرگ نه تنها مارا بوجود يكتنفر ايرانى كه يادگار جاويد و پاينده از خود باقى گذاشته است متذكر مىسازد بلكه گذشته با مجد و عظمتى را كه نيائان ما داشته اند و فردوسى آنها را درضى اشعار فنا ناپذير خود شرح داده و عمليات دليرانه آنها را بر شمرده است ، بخاطر ما مىآورد . ما نيز كوشش خواهيم كرد كه بسيره اجداد وفادار بوده در تمام جنبه هاى زندگاني يعنى در افكار پاك ، گفتار نيكو و اعمال دليرانه بآن پايه و درجه برسيم كه حق داشته باشيم خود را بدان بزرگواران نسبت دهيم و اميدواريم اين مجله كه نخستين وسيله ظهور افكار ما است محل ظهور خيالات بلند و افكار عالى سودمند باشد .

در شماره اول رباعى زير كه كوينده آن (۱۰ معدنچى) است بعنوان شمار مجله چاپ شده :

روزيكه طريق و رسم جم هيچ نبود ✽ جز لحن عرب برير و بم هيچ نبود

شمرنده عجم ز شعر فردوسى طوس ✽ زيرا كه نشانى ر عجم هيچ نبود .

خصوصيات مجله فردوسى مانند مجله الادب و طرز انتشار آن نير هر دو مساه يگم رتبه بوده است . محل اداره مجله : مدرسه عالى امريكائى و تك نمره آن دو قران است مجله فردوسى معمولاً در ۴۱ صفحه بقطع كوچك در مطبعه سربى (مدرن) طبع و توزيع شده و مجله علمى ، اخلاقى ، اجتماعى و ادبى معرفى گرديده است . بيشتر مندرجات مجله عبارت از مقالات و يا ترجمه هاى كوچكيت كه نويسندگان و يا مترجمين آنها محصلين مدرسه عالى و ياكسانى بوده كه از مدرسه مذكور فارغ التحصيل شده اند . براى نمونه فهرست مندرجات شماره اول مجله را ذيلاً نقل مينمائيم : صبح (اعتصامى) مکتبخانه - آدميت (صابر طاهرزاده) پند و يوانه (ع . م . عامرى) مناظره قلم و شمشير (ارسلان تنكابنى) يك اسطربلاب قرن پانزدهم (على اشرف شيبانى) خطاب بكارگر (ترجمه از هوپ هوپ نامه) معلم بايد داراى چه صفاتى باشد ؟ (بويس) طاق كسرى (ع . ا . شريف) محبوسين قفقاز (عطاله اتحاديه)

(۸۴۸) فرنگستان

مجله فرنگستان از طرف جوانان ایرانی مقیم برلن تأسیس و شماره اول آن در پنجاه صفحه بقطع کوچک خشتی در چاپخانه شرکت (کلویانی) طبع و در تاریخ اول ماه مه ۱۹۲۴ میلادی مطابق ۱۳۰۳ شمس منتشر شده است. در هیچ يك از اوراق مجله نامی از مؤسین و مدیر مسئول مجله نیست و فقط در مقاله افتتاحی مجله نوشته شده: «چند نفر جوان ایرانی که سعادت خود را توأم با سعادت ایران میدانند گرد هم جمع آمده میخواهند با دریدن پرده جهل و خرافات ایران را به برخاستن از این خواب غفلت كمك نمایند.» سرمقاله های مجله غالباً بدون امضا و بنویشتن تاریخ مقاله اکتفا شده است ولی از امضای سایر مقالات تا اندازه باسامی اشخاص و مؤسین مجله میتوان پی برد و فی المثل در شماره اول مقاله (زنان ترك) بقلم (احمد فرهاد) مقیم برلن و مقاله (كایتو لاسیون) بقلم (غلامحسین فروهر) و مقالات دیگران بقلم (جمال زاده) و (ابراهیم مهدوی) و (علی اردلان) و (مشفق کاظمی) و (رضی اسلامی) و (بروینر کاظمی) میباشد.

باید باین اسامی که در اغلب شماره های مجله دیده میشود اسامی (ارانی) و (حسن تنیسی) را اضافه کرد. نامه فرنگستان از حیث زیبایی طبع و خوبی کاغذ و گراور و تنوع مندرجات از بهترین نمونه مجلات و جراید است که در خارج ایران بطبع رسیده و نظیر آن مجله ایران شهر و روزنامه کاوه میباشد که بهمت ایرانیان مقیم برلن تأسیس و منتشر شده است. با همه محسنات و خوبیها که در مجله فرنگستان بوده دوام زیادی پیدا نکرده و بواسطه کمی سرمایه و نداشتن مشترکین زیاد بیش از يك سال دوام نکرده و پس از انتشار دوازده شماره تعطیل شده است.

در جزوه اول مجموعه کتاب درباره مدت انتشار و علت تعطیل مجله اینطور مینویسد: «مجله فرنگستان که از ماه مه ۱۹۲۴ تا آوریل ۱۹۲۵ از طرف جوانان ایرانی یکسال تمام ۱۲ شماره در برلن منتشر شده یکی از مجلات بسیار سودمند و متعددی بود که بنهضت اجتماعی و زنده شدن روح ملی ایران خدمت نمود ولی بی علائقی خوانندگان نگذاشت که سال دومی هم برای آن باشد.»

فرنگستان مجله مصور بوده و عنوان مراسلات در هر شماره بزبان آلمانی در آن نوشته و وجه اشتراك بدینقسم معین شده: سالیانه يك لیره. ششماه نیم لیره انگلیسی. در صورتیکه عده مشترکین بهزار و پانصد نفر برسد به ۲۵ قران و اگر از این عده نیز تجاوز نماید تا ۱۵ قران تخفیف خواهد یافت.

هر کس ده نفر مشترك برای فرنگستان پیدا نموده وجه اشتراك آنرا مستقیماً بفرستد یکسال این نامه مجاناً برای او فرستاده خواهد شد. قیمت اعلانات مجله: يك صفحه، یکبار ۲۰ مارك. سه بار ۵۰ مارك. شش بار ۹۰ مارك. دوازده بار ۱۸۰ مارك. نیم صفحه بترتیب ۱۲ مارك. ۲۸ مارك. ۵۵ مارك. ۱۰۰ مارك. ربع صفحه

بترتیب ۷ مارک . ۱۶ مارک . ۳۵ مارک . ۶۰ مارک . روی جلد مجله این دوسطردرج است : « اگر میخواهید بزنده شدن روح ملی ، با انقلاب اخلاقی ، بنهضت اجتماعی ایران کمک نمائید در ازدیاد مشترکین آن کوشیده و از تبلیغ و ترویج آن خودداری نکنید. » سرلوحه مجله که در هر شماره بالای صفحه اول چاپ و در روی آن اسم مجله (فرنگستان) درج شده عبارت از تصویر کلیسای بزرگ و دور نمای خیابانها و ابنیه متعددی که بمنظور نمایش عظمت ساختمانهای فرنگستان که در نتیجه انقلاب فکری و صنعتی در اروپا پدید آمده طبع گردیده است .

مقاله افتتاحی مجله که تا اندازه مرام و مقصود از انتشار مجله را توضیح میدهد بدینقرار است : « ما چه میخواهیم ؟ ایران از خواب دراز چندین قرن بیدار میشود . چند نفر جوان ایرانی که سعادت خود را توأم با سعادت ایران میدانند گرد هم جمع آمده میخواهند بادریدن پرده جهل و خرافات ایران را بیرخاستن از این خواب غفلت کمک نمایند . خوشبختانه یا بد بختانه ما امروز در محیط آزادی زندگانی مینمائیم که در آنجا خرافات سلطنت ندارد . مردمان جاهل پیشوا و قائم جمعیت نیستند . هر کس در اظهار عقیده خود آزاد است . نه کسی قلم میشکند نه زبان میبرد . نه تهدید بجس مینماید . خواهران و برادران جوان ما میخواهیم این سعادت و خوشبختی را که قضا و قدر نصیب ما نموده باشما قسمت نمائیم . دماغهای تند فکر و قلب پر احساسات شمارا که محیط ایران بغمودت محکوم نموده است برای سعادت ایران بکار بیندازیم . بیائید بکوشیم ایران را از جهل و بد بختی برهانیم . بیائید ایران را برای يك انقلاب اخلاقی که مارا از انسان قرون وسطی بانسان قرن بیستم ترقی دهد مستعد کنیم . دماغهای ما همه از یکنوع افکار انباشته شده است ، قلوب پاک ما همه مأمّن یکنوع احساسات است زیرا ما جز سعادت ایران مقصودی نداریم ما فقط میخواهیم زندگانی نمائیم اما يك زندگانی که شایسته قرن بیستم باشد . »

ما همه جوانیم ، ما همه امید زندگانی داریم ، ما همه میخواهیم سالیان دراز با سر بلندی و افتخار بگنرانیم ما همه يك آرزو داریم و همه بطرف يك مقصود میرویم سلطنت فکر جوان بر فکر پیر . مانیترسیم . ما بظفر خود مطمئنیم زیرا حق با ما است ایران باید زندگانی از سر گیرد ، همه چیز باید نو گردد ، ما ایران نو ، فکر نو ، مرد نو میخواهیم . ما میخواهیم ایران را اروپائی نمائیم . ما میخواهیم سیل تمدن جدید را بطرف ایران جریان دهیم . ما میخواهیم با حفظ مزایای اخلاقی ذاتی ایران این سخن بزرگ را بکار بندیم : ایران باید روحاً و جسماً . ظاهراً و باطناً فرنگی مآب شود از روز اول از هر طرف حملات شدید برای خاموش نمودن صدای ما شروع خواهد شد ولی ما به پشتیبانی شما جوانان بردشمنان فکری خوب غالب آمده ثابت خواهیم کرد : فکر پیر در مقابل فکر جوان قادر مقابله و برابری نبوده باید معو و نا بود گردد . این نامه با سرمایه قلیل چند نفر محصل بی بضاعت اداره میشود هر يك در مدت سال برای عملی نمودن این فکر پاک خود را از هر تفریحی محروم نموده اند ولی

حرف اثناء بعده الرء

فرنگستان ، فروغ

اگر شما میخواهید این نامه زنده بماند و ناشر افکار شما جوانان گردد در انتشار آن بکوشید و هر چه میتوانید بر عده مشترکین بیفزایید . مطمئن باشید که ما از راه نامه نگاری قصد استفاده نداشته فقط میخواهیم آواز خود را بهم آوازی رقای جوان بلند نموده راه حق و حقیقت را بمردم بنمایانیم . در همراهی فکری با ما مضایقه نکنید ، در درج و انتشار مقالات شما که با مرام و آرزوی ما مخالف نباشد با کمال افتخار حاضریم ولی اول بکوشید که قسمت مالی نامه ما لااقل برای یگسال تأمین شود . اکنون ما به پشت گرمی همت جوانان بالشکر چهل و خرافات ببارزه و مصاف مشغول میگردیم . فتح ما به همراهی شما است .

برای اطلاع از نوع مقالات مجله فرنگستان فهرست مندرجات شماره پنجم آنرا ذیلا نقل مینمائیم : لکه تنگینی بقلم مشفق کاظمی . تعرفه های گمرکی بقلم غلامحسین فروهر . شمه از داستان ورزش در اروپا بقلم پرویز کاظمی . زبان فارسی . بقلم احمد فرهاد . بك فصل از تربیت روحانی . موسیقی بقلم احمد فرهاد . عجایب علم بقلم تارانلی . برق در بدن بقلم وهاب مشیری . ایران در نظر اجانب پس از فاجعه جمعه ۲۷ سرطان بقلم مرتضی یزدی زاده . نمایشگاه و مبله بقلم حسن نقیسی . منظره میدان توپخانه . آذربایجان بقلم تارانلی . برای سرهائیکه بوی قرمه سبزی میدهد . شماره ای که فهرست آنرا نقل کردیم در تاریخ اول سپتامبر ۱۹۲۴ میلادی مطابق ۱۳۰۳ شمس منتشر شده است . مجله فرنگستان از ماه مه ۱۹۲۴ تا آوریل ۱۲۹۵ از طرف جوانان ایرانی مقیم برلن یگسال تمام منتشر شده و سال دومی پیدا نکرده است .

(۸۴۹) فروغ

مجله فروغ در شهر رشت به مدیریت و مؤسسی آقای (ابراهیم فخرانی) تأسیس و شماره اول آن در دیماه ۱۳۰۶ شمس منتشر شد و تا آذر ۱۳۰۷ شمس یگسال تمام دوازده شماره منتشر گردیده است . مندرجات مجله فروغ مخصوصاً از لحاظ ادبیات بزبان محلی و تاریخ گیلان و غیره حائز اهمیت است . روی جلد مجله فروغ بدینقسم معرفی شده است : « مجموعه ایست حاوی مقالات مفیده که آغاز هر ماه شمس در رشت منتشر میشود . » و نیز در شماره اول مجله اینطور معرفی شده است : « فهرست شماره اول مجله فروغ را به جمع آوری آثار گیلی قفید مرحوم حسین کسمانی اختصاص داده ایم شماره های دیگر مجله عبارت خواهد بود از موضوعات مختلف علمی ، ادبی اقتصادی ، تاریخی و فلسفی که بقلم نویسندگان گیلان و فضلالی ملکت اشاعت خواهد یافت . »

شماره اول مجله فروغ در ۳۲ صفحه بطع خشتی ، با چاپ سربی در (مطبعه فردوس) رشت طبع و در تاریخی که ذکر کردیم منتشر شده است . و تاله افتتاحی مجله بدینقسم شروع میشود :

« زبان گیل - چون مجله فروغ مولود محیط گیلان است و نشر مجلات وجود يك

حرف التاء بعده الراء فروغ ، فروغ تربیت ، فروغ خاور ، فروردین

روابط و مناسباتی را با محیط خود مقتضی است لذا ما حتی القوه سعی هستیم يك قسمت از مندرجات مجله را به شناساییهای محلی و موضوعات راجعه بگیلان اختصاص دهیم و برای اولین دفعه تحت عنوان فوق بخشی از آثار مرحوم حسین کسمانی اشاره نموده بجمع و ضبط اشعار گیلی قید مزبور مبادرت میورزیم. پس از این قسمت شرحی راجع بزبان گیلی و بعد بتفصیل شرح احوال و اشعار حسین کسمانی را نوشته است.

در ضمن همین مقاله در باره اشعار کسمانی مینویسد: «روح عاصی، مشاهدات ناگوار، ارزوی سعادت وطن از آغاز عهد شباب قریحه کسمانی را بگفتن شعر تحریک میکرد. کسمانی بزبان فارسی و گیلی اشعار یگه سلیس و روان و در عین حال متین و باروحنه باقی گذارده که مجموعه آنها نمایی از عظمت فکر-حساسیت قلب و روشنی دماغ وی میباشد.»

بهای سالیانه فروغ همه جا ۳۰ قران. عنوان تلگرافات و مراسلات: رشت. مجله فروغ مکان اداره: سبزه میدان. آقای ابراهیم فخرانی مدتی سردبیر روزنامه طلوع رشت بوده و نیز روزنامه پیام را در شهر مذکور منتشر نموده اند. برای اطلاع از شرح حال ایشان بجلد دوم کتاب کلمه پیام مراجعه شود.

۸۹۰ فروغ تربیت

مجله فروغ تربیت در طهران بدیری آقای (میرزا ابوالحسن خان فروغی) تأسیس و در سال ۱۳۰۰ شمسی منتشر شده است. آقای فروغی در آخرین شماره مجله (اصول تعلیم) انتشار این مجله را وعده داده. در شماره چهار سال اول مجله علم و اخلاق مورخ نور ۱۳۰۰ شمسی شرحی بعنوان تقریظ در باره انتشار مجله فروغ تربیت بدینقسم نوشته است: «در این سال مجله فروغ تربیت که مراتب معارف پروری و دانشمندی مؤسس آن مستغنی از توصیف و مندرجات آن بهترین گواه است قدم به عالم مطبوعات طهران گذاشت.» طرر انتشار مجله ماهانه بوده است. علاوه بر مجله اصول تعلیم و فروغ تربیت رساله بنام مجموعه اشعار فروغی از ادیب دانشمند آقای میرزا ابوالحسن خان فروغی در سال ۱۳۰۱ شمسی در ۱۲۰ صفحه پستی با چاپ سنگی بطبع رسیده نامبرده تصحیح داشته است مجموعه اشعارش را بطبع برساند ولی در این رساله فقط موفق بطبع مقدمه و داستان شیدوش و ناهید گردیده است.

۸۹۱ فروغ خاور

روزنامه فروغ خاور در طهران بطور هفتگی تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است.

۸۹۲ فروردین

روزنامه فروردین در شهر رضائیه بدیریت حبیب الله آفازاده و دبیری محمود

حرف اثناء بعده الرء

فروردین

اشرف زاده تأسیس و در سال ۱۳۲۹ قمری بطور هفتگی بزبان ترکی منتشر شده است. بنا بنوشتۀ مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان از روزنامه فروردین مجموعاً بیست و هشت شماره منتشر شده است.

روزنامه فروردین ارگان فرقه (دموکرات) رضاییه بوده و مندرجات روزنامه بیشتر عبارت از دبایس و مظالم روسها در ایران و بخصوص آذربایجان است. روسها از روزنامه فروردین خیلی ناراضی بوده و ابتدا هرچه سعی کردند مرحوم اشرف زاده نویسنده روزنامه را بخود جلب کنند ممکن نگردید تا اینکه در اواخر سال ۱۳۲۹ به واسطه يك مقاله شدیداللعن که در روزنامه چاپ شده بود، قنصل روس در ارومیه چند نفر قزاق بادره روزنامه فروردین فرستاد و محمود اشرف زاده را دستگیر نموده بقنصلخانه بردند. پس از گفتگوی زیاد قنصل در مقابل سرسختی و استقامت اشرف زاده بغشم آمد و دستور داد تا او را در مقابل قنصلخانه دم دروازه (بورد شاه) در سرمای زمستان او را برهنه کرده چهار نفر قزاق بیرحم قریب نیمساعت بر بدن برهنه اش شلاق زدند و آن مرحوم تازباناش یارائی میکرد بعدای بلند فریاد میزد (باشاسون ایران) و (باشاسون مشروطه) تا اینکه بالاخره بیچاره از کثرت درد غشی کرده بیهوش گردید و از اعضایش خون جاری گردید. این بایرداری بعدی در حاضرین اثر کرد که ز نهای تاشاچی بنای گریه گذاشته و يك صاحب منصب روسی که کلاه آن مرحوم را نگاه میداشت يك جمله مختصری بروسی نوشت و در آستر کلاه او گذاشت و آن این بود. (تبریک میکنم تو را ای بهادر ایران)

جای آن دارد که شرح حال این جوان غیور آذربایجانی را ذیلا نقل نمائیم. خوشبختانه شرح حال او بتفصیل در شماره ۱۱ سال اول روزنامه کلاه چاپ شده و ما بعینه از آنجا نقل مینمائیم.

بیادگار مرحوم اشرف زاده

هرگز نیرد آنکه دلش زنده شد بعشق نیت است در جریده عالم دوام ما •
یکسال تمام قبل از این تاریخ یعنی در ۲۰ رمضان ۱۳۳۳ (غره اوت ۱۹۱۵) مرحوم میرزا محمود خان اشرف زاده در يك فرسخی صحنه نزدیک کرمانشاه هدف تیر جمعی از قطاع الطریق گشته مقتول گردید.
بنسبت سر سال وفات آن یگانه فرزند غیور ایران اضاء اداره (کلاه) لارم دیدن که چند سطر در تاریخ زندگانی آن مرحوم بطریق تذکر نوشته و آن فاجعه مؤلها دوباره بغاطر آورده می چند معزون و مغموم گردند. واشکی چند بیاد آن جوان ناکام از دیدگان بیارند و درودی بروح پرفتوح آن یگانه مرد حساس باغیرت ایرانی بفرستند •

میرزا محمود خان معروف باشرف زاده پسر کوچک میرزا علی اشرف خان منشی کنسولگری روس در تبریز و از اعیان و متمولین مشهور آن شهر و برادر کوچک میرزا

حرف الهاء بعده الراء

فروردین

علی اکبر خان منشی اول کنسولگری حالیه روس در تبریز بود. تولد وی در تبریز در حدود سنه ۱۳۰۲ بود. تحصیلات ابتدائی خود را در آن شهر در مدرسه کمال و لقمانیه و بعد در مدرسه سوسانوف که بالنسبه خصوصی و غالباً مخصوص اطفال بزرگان بود بانجام رسانیده زبان روسی و فرانسه و عربی و مقدمات علوم متداوله را بخوبی بیاموخت. سپس خود مدتی بمطالعه کتب تواریخ و علوم اجتماعی پرداخت و تا حدی که برای یک ایرانی غیور با فقدان شرایط و وجود موانع در ایران ممکن است معلومات خود را در این مواضع تکمیل نمود. بعدها مدتی در جراید (عدالت) و (شفق) و (آزاد) و (مشورت) و (شورای ایران) که همه در تبریز نشر میشدند و در (حبل المتین) کلکته مقالات متعدده نوشت.

مقارن آن اوقات ستاره حکومت مشروطه در ایران طلوع نمود. در حین انتخاب و کلاهی مجلس رساله مفیدی در اهیت انتخاب و وضع جریان آن در ممالک متدنه در تبریز و رساله دیگری نیز در همین موضوع بنام (تنقید) در ارومیه نشر کرد. مسلک بی پروائی و افکار وطن پرستانه آن مرحوم بنا بر پیاده ملاحظات و منافع خانوادگی منافعی رأی و مشرب آقا میرزا علی اکبر خان برادر مهترش بود چرا که اولاً خود مومی الیه در قنصلگری روس دارای مقام مهم منشی اول و ثانیاً عمه ایشان یعنی خواهر مرحوم میرزا علی اشرفخان در حباله حاجی میرزا حسن (مجتهد) معروف تبریزی بود ولی مرحوم اشرفزاده از آن اشخاص نبود که وقتی باین قسم ملاحظات گذاشته او امر وجدان خویش را پشت گوش بیندازد. بالاخره تنافی مسلک و تباین مشرب کم کم باعث افتراق بین دو برادر گردید. بعد از گلوله باران مجلس و برهم زدن اساس مشروطه از طرف محمد علی شاه در سنه ۱۳۲۶ در آئینای تسلط و خونریزی انجمن (اسلامیه) و جنگ محله شتریان با مشروطه طلبان در تبریز مرحوم اشرفزاده خود را از میان باران آتش و خون بمیان وطن پرستان انداخت و ناز و نعمت خانه پدر را ترک نموده با سختی هر چه تمامتر روزی با پنج شاهی شیر برنج بازاری بدون یکپاره نان بنای زندگی گذاشت و تمام مدت دو محاصره تبریز و جنگهای ستارخان بادیولیان را با این وضع بسربرد. و در همین اوقات بود که آن مرحوم جزو فرقه (سوسال دیمو کرات) که متشکل از جوانان ایرانی و گرجیهای قفقاز بود گردید. و فرقه مزبور چنانکه معلوم است در انقلاب آذربایجان و جنگ بادیولیان در زیر سرکردگی مرحوم ستارخان رکن مهمی بودند چنانکه از چهل و دو نفر جوانان گرجی مزبور سی و سه نفر از ایشان در جنگهای مختلف تبریز هدف گلوله استبدادیان گشتند.

بعد از افتتاح مجلس دوم در ۱۳۱۷ بارومیه رفته و در آنجا در سنه ۱۳۲۹ یک روزنامه هفتگی باسم (فروردین) که از جراید فرقه (دیمو کرات) بود تأسیس نمود. در اوایل محرم ۱۳۳۰ (یعنی در همان اثناء واقعه ناگوار تبریز و دار ردن روسها تقه الاسلام و سایر صنایع ملت را) بسلامت رفته در آنجا ببقیه السیف ملتان و اتباع امیر حشمت که از زیر شمیر روسها جان خود را بپوشی خلاص کرده بودند ملحق شده

حرف الهاء بعده الرء

فروردین

از راه چهریق ووان و ارز روم وطر ابزون ودریای سیاه با کمال سختی بعد از سه - چهار ماه توانستند نیمه جانی باسلامبول برسانند مدت هفت هشت ماه هم در اسلامبول گذرانیدم و در جنگ بالکان یک رساله کوچکی باسم « عصر حاضر در برتپریق » (یعنی یک ورقی از قرن حاضر) بزبان ترکی عثمانی نشر نمود . در ۱۳۳۱ از اسلامبول پاریس رفته پس از مدتی آقای ممتاز السلطنه سفیر ایران در پاریس که گویا نسبتی هم با خانوداه آن مرحوم داشته اند او را به سفارت برده در دفتر خانه سفارت بشغلی واداشتند ولی پس از اندکی طبع بلندش تاب و تحمل بعضی ناملایمات را نیاورده از سفارت بیرون آمد . در مدت اقامت خود در پاریس در جریده معروف فرانسوی (مجله عالم اسلامی) مقالات مفصل بامضای (آذری) مینوشت و در دو سال قبل که بهمت دوسه نفر از ایرانیان مقیمین پاریس یک روز نامه فارسی ماهیانه باسم (ایران شهر) در پاریس منطبق میشد مرحوم اشرف زاده محرو عمده آن روز نامه بود ولی بدون امضاء . بعد از ظهور جنگ عمومی مرحوم اشرف زاده هنوز در پاریس اقامت داشت و همواره از اعماق دل آرزو میکرد که کی میشود از آن زنجیر آهنین یعنی محوطه استحکامات پاریس که از تمام اخبار و اوضاع عالم سکنه پاریس را محبوب و مانند مرغ در قفس محبوس کرده بود بیرون جعبده آزادی پر و بالی بزند و اگر باتیغ و تفنگ نشده لا اقل بازبان و قلم بر - ضد دو دشمن غیور ایران روس و انگلیس بقدر مقدور خود اشتراکی در این جنگ عالمگیر بنماید . این بود که بمجرد پیدا شدن اولین فرصت در ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۳ از پاریس بلوزان (سویس) حرکت کرده و در اوایل جمادی الاخره باجمعی از دوستان هم مشرب از راه اسلامبول و حلب بطرف بغداد عازم گردید و قصدش این بود که از آنجا بشیراز برود ولی بواسطه اغتشاش راه مابین خاقین و کرمانشاه مدتی مجبور باقامت در بغداد گردید . و پس از آنکه راه بالنسبه امن شد بارقا بکرمانشاه رفت و از کرمانشاه سواره بطرف کنگاور حرکت کردند که از آنجا بسلطان آباد و کاشان و اصفهان و شیراز بروند .

در ۲۰ رمضان ۱۳۳۳ در یک فرسخی صحنه نزدیک کرمانشاه در اوایل تاریکی شب از پای کوهی که در سر راه ایشان بوده غلغله شلیکی بلند میشود بعد معلوم میشود که قریب سی نفر از قطاع الطريق در کین بوده اند رقایش فراز کرده بصحنه مراجعت میکنند ولی مرحوم اشرف زاده میزند بسینه کوه . اشرار او را تعاقب کرده و چند تیر و تفنگ بطرف او خالی میکنند و آن جوان ناکام را از پا در می آورند و تمام آنچه داشته از اسباب و کتاب و نقد و اسب و اسناد و نوشتجات بغارت میبرند ، و بنا بتحقیق بعد معلوم شد که آن جماعت از طایفه آل قباد بوده اند و آل قباد شعبه ایست از ایل کاکلوند که مرکز اقامتشان در حوالی هرسین از ایالت لرستان است . و بعضی گویند که آن جماعت معمرک داشته اند یعنی قتل مرحوم اشرف زاده جنایت سیاسی بوده است . در هر صورت فردای آن روز نمش آن مرحوم را با کمال احترام بکرمانشاه آوردند و مردم شهر استقبال شایانی نمودند و در سرقبر آقا در اطاقی امانت گذاردند سپس در همانجا ب خاک سپردند .

حرف اثناء بعده الرء

فروردین ، فرهنگ

مرحوم اشرفزاده تقریباً سی سال داشت یعنی در بچوبه شباب و عفتوان جوانی با هزاران آمال و امانی این حیات فانی را گذاشت و گذشت و ظاهراً يك پیری دوسه ساله از او باقی است که روی او را هم هیچ ندیده چه فقط دو سه ماه بعد از عروسی مجبور شده بود که زن و خانه و اهل و وطن را گذاشته بقیه عمر خود را که مانند مدت دل کوتاه بود در غربت شهر و دیار بدیار سرگردان و بی سامان بسر برد .
این شرح حال بعینه در شماره ۱۱ سال اول روزنامه کاوه مورخ ۱۵ شوال ۱۳۳۴ هجری قمری صفحات ۴ و ۵ و ۶ این شماره چاپ شده است .

(۸۵۳) فروردین

روزنامه فروردین در شهر شیراز منتشر شده است . در سالنامه ۱۴ - ۱۳۱۵ معارف فارس مینویسد روزنامه فروردین بتوسط آقای سید جمال الدین جزایری در شیراز منتشر شد .

(۸۵۴) فروردین

روزنامه فروردین در طهران بطور هفتگی تأسیس و در سال ۱۳۰۷ شمسی منتشر شده است .

(۸۵۵) فرهنگ

روزنامه فرهنگ در اصفهان بدیری (میرزا تقیخان سرتیپ حکیمباشی ظل السلطان) تأسیس و شماره اول آن در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سنگی (دار الطباعه دروازه دولت) طبع و در تاریخ دوم جمادی الاولی ۱۲۹۶ هجری مطابق ۲۴ آوریل ماه ۱۸۷۹ مسیحی و ۱۵ اردیبهشت ماه ۸۵۱ منتشر شده است . این روزنامه هفته یکبار روزهای پنجشنبه طبع و منتشر میشده و وجه اشتراك آن سالیانه دو تومان در دو قسط و در خارج اصفهان اجرت پست افزوده میشده است . قیمت اعلانات سطری یکهزار دینار .

روزنامه فرهنگ بخط نستعلیق و با کاغذ بسیار خوب طبع شده و تحریر آن بمعهده (میرزا عبد الرحیم خوشنویس متخلص با فسر) که یکی از خطاطان معروف و مشهور اصفهان بوده است . نامبرده در هر شماره اسم خود را در انتهای صفحه چهارم نوشته است . هر صفحه روزنامه مشتمل بر سه ستون و از همان شماره اول صفحات اول و دوم و سوم روزنامه دارای پاورقی است .

شماره اول روزنامه با مقدمه یا مقاله افتتاحی زیر شروع میشود : « بنده نگارنده که اکنون ریاده از نه سال است بشرف چاکری و ملازمت استان مبارک حضرت مستطاب اشرف اسعد والا شاهنشاه زاده اکرم افخم ظل السلطان سلطان مسعود میرزا دامت شوکت و عظمت قرین مفاخرت و مباهااتم بروزگار فرمانفرمائی شاهنشاه زاده معظم

حرف‌القاء بعده الراء

فرهنگ

در مملکت فارس جریده حوادث و صحیفه وقایع آن مرز و بوم را بسال ۱۲۸۹ هجری نوعی شایسته و بایسته بطبع رسانیده منتشر می‌ساخت جمعی از هوطنان و گروهی از غیرتمندان را دلپسند و بعضی از دانشمندان نیکو نهاد و برخی از بخردان پاک نژاد را اردور و نزدیک مطلوب و مرغوب افتاده بود یگسال پیوسته تکمیل و انتشار روزنامه فارس روز افزون بود تا آنکه شخصی عاری از انصاف و حقوق بشریت و بری از صفات تمدن و لوازم تربیت معض اغراض شخصیه و تصورات بهیبه رحمت یکساله مرا بهدر کرد ارباب دانش و اصحاب ینش را که از فواید معاسن آن صحیفه خبیر و بصیر و بنتایج شریفه آن امیدوار بودند مرفوع الغیال و مکدر الحال کرده مرا از طبع روزنامه ممنوع و فارغ البال نمود هر تن از هوشمندان زمان زبان بتشنع او گشوده و هر کس از اخوان الصفا بتقیب وی آغاز کردند دیری نگذشت که اثر افعال ناصوابش دامگیر و فساد حقیقتش ظاهر و هویدا شد خدایش بکیفر رسانید ویزدانش مجازات بخشید. نپنداری که بدگو رفت و جان برد و حسابش با کرام الکاتبین است. پای آمال و امانیش بسنک بر آمد و رور کار زندگانش بسر رسید نه از رفتارش اثری و نه از بازماندگانش خبریست برینون لیطفنوا نورا الله بافواهم والله متم نوره فحمداً له ثم حمداً له که رای مبارک حضرت مستطاب شاهنشاه زاده اشرف افخم و الازاده الله مجدداً و شرفاً اکنون که اول ربیع و آغار خرمی جهان و هنگام جوانی جهانیا ناست چون غنچه سر از گریبان متخیله بر آورده بابداع رور نامه مخصوص باسم فرهنگ برای تذکار وقایع و سوانح مملکت اصفهان و مضافات آن اشارت فرمود فالعبد لله الذی هدانا لهذا ما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله. چگونه شکر این نعمت عظمی را توان نمود که همواره ذات منزله الصفاتش مصدر آثار خیریه و مدنیت است.

(پس از شرح فوق يك صفحه روزنامه درباره فواید و تعریف روزنامه نوشته شده تا میرسد باینکه.) چون بعضی از رور نامه نگاران مجبورند که در معامد و معاسن برخی از اعیان و بزرگان و وزراء و امناء و غیره مشروحات لایعنی و تملقات غیر موجه و ستایشهای فوق العاده در صحیفه خود مندرج نمایند لهذا خدمت مطالعه کنندگان صحیفه فرهنگ عرض میکنیم که منشی فرهنگ بهیچوجه بنوشتن اینگونه مشروحات لایعنی که خالی از هر گونه سود زیانست مجبور نیست و خود را از تعرض مطالب مهمه آزاد میداند مدح و ستایش بدون وجود و ظهور علت موجه آن سبب تحقیق و تنقیه نگارنده است و بقولون انه لمجنون درست کاری و نیکو کرداری لازمه تمدن و انسانیت است پس بیان این صفات بر فرض صدق از جمله وقایع و سوانح و محتاج درج در روزنامه نیست بلکه ظهور آنچه مخالف این صفات است سبب استعجاب و تعیر او هام و مناسب یادداشت در صحایف است انظر ما. شهادت به الاهداء خود ستائی فی الحقیقه نزد عقلا مستقبیح و مستعجب است مگر آنکه فضیلتی باشد خارق عادت و مافوق قدرت عموم مردمان.

علاوه بر استخراج اخبار متعلقه بایالت اصفهان و مضافات و یزد و بروجرد و خونسار و گلبایگان که وظیفه مخصوص این روزنامه است همیشه آخر هر نسخه از فرهنگ بایراد

حرف‌القاء بعده الرا.

فرهنگ

مطالب علمیه و مسائل غریبه و بدیهه و صنایع و فنون متأخرین حکما و فضلاء اروپا و غیره موشع خواهد شد تا آنکه طالبین علوم و سالکین جاده تربیت نیز از آن محظوظ و بهره مند گردند. رب زدنی علماً و الحقنی با لصالحین.

پس از ذکر مقاله افتتاحی مذکور تحت عنوان (اخبار داخله) وقایع اصفهان و نرخ قیمت ماکولات و سایر اجناس شهری و بعد بعنوان (اخبار تلگرافیه خارجه) و (اخبار مختلفه) سه ستون از صفحه آخر روزنامه گرفته شده است.

پاورقیهای روزنامه عبارت از رساله های مختلفی است که من جمله رساله ایست مربوط به (استدلال بر حرکت زمین) و ارهمان شماره اول چاپ شده و باین مقدمه شروع میشود: « از آنجا که بعضی از مراتب علمیه و مطالب طبیعیه اروپا برای نکته دانی و روشن رو انسی ناظران ورقه خالی از ثمری نیست بلکه اثری تمام و فیضی عام دارد نگارنده واجب دید که شمه از آن مطالب را در ذیل روزنامه بنگارد و بمطالعه آن روان بینندگان را روشن دارد و دیگر آنکه برخی از مردمان دانشمند خواهشمند شده اند که شرحی از حرکت زمین بادلایل و براهین متین که تعیین شده و بمنتهای یقین رسیده در این روزنامه مسطور شود لهذا از رساله موسوم بفصول اربعه که نگارنده در سنه ۱۲۹۱ هجری نگاشته ام در ذیل هر صفحه سطرهای چند مسطور میشود و من الله التوفیق »

سال اول روزنامه فرهنگ با نشر نمره ۳۹ خاتمه یافته و سال دوم آن با انتشار نمره چهل مورخ ۱۸ ربیع الثانی ۱۲۹۷ هجری مطابق ۳۰ مارس ۱۸۸۰ میلادی شروع شده است. در سال دوم مختصر تغییری در سرلوحه روزنامه داده شده بدینقسم که کلمه (فرهنگ) دو بالای سرلوحه بخط نسخ درشت و در زیر آن (اصفهان) و در دو طرف قیمت اشتراك و تاریخ انتشار درج است. قیمت سالیانه روزنامه در اصفهان و توابع ۱۲ قران. طهران و عراق عجم و یزد و کاشان و بروجرد ۱۷ قران. فارس و عربستان و آذربایجان و خراسان و گیلان و مازندران ۲۲ قران. کلکته و بئینی و سایر ممالك هندوستان و برما و ققازیه ۲۵ قران. سنت پترزبوك و لندن و پاریس و اسلامبول و مصر سه تومان. روزنامه فرهنگ مدت ده سال در اصفهان مرتب منتشر شده و دوره کامل آن در کتابخانه دبیرستان صارمیه موجود است.

(۸۵۶) فرهنگ

روزنامه فرهنگ در طهران بدیری و صاحب امتیازی (اعتضادالعلماء - مرتضی - الشریف) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است. برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی ص ۱۲۲ مینویسد من شماره دوم روزنامه فرهنگ را دارم و این شماره در چهار صفحه بقطع ۱۲ در ۶ و سه چهارم اینچ و در تاریخ ۱۹ جمادی الاول ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است. قیمت اشتراك سالیانه آن در طهران ۱۲ قران و در سایر شهرهای ایران باضافه قیمت پست، در و وسیه ۳ منات. در اروپا ۷ فرانك طرر انتشار فرهنگ هفتگی بوده است.

(۸۹۷) فرهنگ

مجله فرهنگ در سال ۱۲۹۸ شمسی در طهران تأسیس و هر یکماه یکمرتبه منتشر شده است .

(۸۹۸) فرهنگ

مجله فرهنگ که از انتشارات جمعیت فرهنگ رشت است در سال ۱۲۹۸ شمسی تأسیس و پس از انتشار هفت شماره مدتی تعطیل و مجدداً در سال ۱۳۰۴ شمسی منتشر گردیده است . برای آشنا شدن بجمعیت فرهنگ رشت که مجله مذکور از انتشارات آن جمعیت است مختصر تاریخچه آنرا ذیلا نقل مینمایم :

در سال ۱۲۹۶ شمسی عده از جوانان وفارغ التحصیلهای مدارس رشت برای ترویج معارف و دست زدن باصلاحاتی يك مجمع معارفی بنام (فرهنگ) طرح کرده و شروع بآرپاد اعضاء و تقویت اساس آن نمودند . این جمعیت ابتدا دوچار اشکالات و موانعی گردید و مانند سایر جمعیتها همه نحو افترا و بهتان بآنان وارد آوردند ولی مجمع ایستادگی نمود و کارهایی انجام داد منجمله در سال ۱۲۹۸ موفق بنشر مجموعه باسم مجله (فرهنگ) شد . اقدام دیگر انجمن فرهنگ رشت تأسیس چند کلاس اکابر مجانی بود که قریب یکصد نفر در این کلاسها مشغول تحصیل بودند . دیگر از کارهای انجمن تهیه نمایش و دادن تاترهای اخلاقی بود که قریب دویست مرتبه بهترین ییهای اخلاقی را بمعرض نمایش گذاشت . تأسیس مجالس سخنرانی نیز از اقدامات مفید انجمن بود . جمعیت فرهنگ رشت مدت چهار سال فعالیت مینمود و منجمله هفت شماره مجموعه بنام مجله (فرهنگ) منتشر نمود تا اینکه در نتیجه انقلابات گیلان و حوادث آن حدود مجبور بتعطیل شد تا سال ۱۳۰۴ شمسی که در حقیقت سال دوم مجله است دومرتبه منتشر گردید .

از سال اول مجله فرهنگ که بیش از هفت شماره منتشر نشده نگارنده نموده ای دردست ندارم ولذا بشرح مجله در سال دوم میپردازیم : شماره اول سال دوم مجله فرهنگ پس از سه سال تعطیل در برج حمل ۱۳۰۴ شمسی به مدیریت (قی راتقی - عضو جمعیت فرهنگ) تأسیس و منتشر شده و وجه اشتراك سالیانه آن ۲۰ قران و تك شماره آن دو قران معین گردیده است . مجله فرهنگ بقطع كوچك در مطبعه سربی (عروة الوقتی رشت) طبع و معمولاً در چهل صفحه انتشار یافته . فهرست مندرجات شماره اول آن بدیقرار است : هشت سال مبارزه (مطالبیكه راجع بجمعیت فرهنگ نقل کردیم از این مقاله بود . مؤلف) بلب و شاخ گل - بطرف قطب شمال - مبحث علمی . مجله فرهنگ ماهی یکشماره طبع و توزیع شده و بعنوان مجله (علمی ، ادبی ، اخلاقی ، قتی و اقتصادی) معرفی شده است . محل اداره : رشت سبزه میدان . عنوان تلگرافی : رشت فرهنگ . مجله فرهنگ تامهر ماه ۱۳۰۷ شمسی بشماره ۷ سال

چهارم مرتباً منتشر گردیده و از آن پس برای همیشه تعطیل شده است. این مجله یکی از بهترین مجلاتی است که در ولایات ایران منتشر شده و دارای مندرجات بسیار مفیدی میباشد. شماره اول سال چهارم آن بدیری آقای (تقی راتقی) پس از یکسال تعطیل بعد از نشر سال سوم، در فروردین ۱۳۰۷ منتشر گردیده است. نگارنده از مجله فرهنگ تا شماره سوم سال چهارم مودخ خرداد ماه ۱۳۰۷ در دست دارم ولی هما قسم که یاد آور شدیم انتشار مجله تا مهرماه سال مذکور ادامه داشته است.

آقای تقی راتقی - آقای تقی راتقی مدیر مجله فرهنگ در پاسخ در خواست اینجانب شرح احوال خود را مرقوم داشته که بطور خلاصه چنین است :



تقی راتقی فرزند حسن در سال ۱۲۷۱ شمسی در رشت متولد شده و پس از تحصیل مقدمات علوم قدیمه و جدیده مدت هشت سال در مدارس محلی رشت بسمت آموزگاری و نظامات و مدیری مشغول بوده. پیش آمد انقلاب گیلان سبب گردید که با جمعی از مهاجرین رشت را ترك نموده و بصوب قزوین رهسپار گردد. این مهاجرت ششماه طول کشید و پس از آرامش گیلان مجدداً بدانجا باز گشت و بدیری دبستان فردوسی مشغول کار شد در سال ۱۳۰۰ دبستان مذکور دولتی و بنام دبستان عصری شماره ۲ موسوم و مشار الیه نیز بدیری آن باقی ماند. در سال ۱۳۰۷ بطهران احضار و در طهران بدیری دبستان سعادت شماره ۱۴ منصوب گردید در سال ۱۳۱۰ برشت منتقل شد و تا سال ۱۳۱۵ در رشت مشغول انجام وظیفه بود تا اینکه در

آقای تقی راتقی

خرداد سال مذکور بنماینده گی فرهنگ و اوقاف ساوه منصوب گردید ولی بعلت نا سازگاری آب و هوای ساوه بیمار شد و ناچار برشت عودت نمود و در اداره کیمیه باقی رشت که بنگاهی است ملی استخدام گردید. سه سال نیز در آنجا مشغول بود و مجدداً در فرهنگ بخدمت وارد شد و تا مهر ۱۳۲۷ بدیری دفتر فرهنگ و سپس بریاست دایره بایگانی در فرهنگ استان اولیای وظیفه نمود. آقای راتقی در سال ۱۳۰۳ امتیاز مجله فرهنگ را گرفت و مجله را با قطع خشتی از ۳۲ تا ۴۰ صفحه بطور ماهیانه در هر ماه شمسی در مدت چهار سال انتشار داد. این مجله حاوی مقالات عام المنفعه که بآلم عده از فضلی کشور و جوانان با فضل گیلان نوشته میشد منتشر میگردد.

(۸۵۹) فره وهر

روزنامه فره وهر بدیری و موسی (خدا رحم آبادیان) در طهران تأسیس و

حرف الفاء بعده الراء

فره وهر . فرهی . فریاد

شماره اول سال اول آن در تاریخ ۲۸ دلو ۱۳۰۱ مطابق سلخ جمادی الثانی منتشر شده است . این روزنامه از انتشارات زردشتیان بوده و در عنوان آن ، بالای اسم روزنامه تصویر (فره وهر) چاپ شده است . تاریخ انتشار روزنامه بدو تاریخ اسلامی و زردشتی طبع گردیده و در شماره نخستین سال اول برابر خر ایزد مهرماه ۱۲۹۲ دیده میشود جای اداره : طهران - علاءالدوله . بهای روزنامه داخله سالیانه ۲۵ قران . ششماه ۱۵ قران . سه ماهه ۱۰ قران . تک نمره هفت شاهی .

طرز انتشار فره وهر هفتگی بوده و روزهای شنبه منتشر میشده . در زیر عنوان روزنامه فهرست مندرجات آن چاپ شده و فهرست شماره اول بدینقرار است : « افکار ما صفحه یک . مازردشتیان . عالم زردشتی صفحات ۳ و ۴ خلاصه اخبار پارلمان . سرگذشت اردشیر . نساجی و اهمیت آن . امراض مقاربتی . شماره اول روزنامه در هشت صفحه بقطع و زیری بزرگ در مطبعه فاروس طهران چاپ شده و مقاله افتتاحی آن بدین قرار است : « فکر ما . در این زمان که ملل و دول مختلفه روی زمین با سرعت محیر العقول مشغول درک و سائل و اسباب تهیه ارتقاء و پیشرفت صوری و معنوی خود میباشند فی الحقیقه وجود روزنامه جات مقتدرترین عوامل و مفیدترین وسائلی است از برای نیل بقصود ۰۰۰۰۰ امروز در تمام ایران غیر از زردشتیان عموم ملل و ضوایف دارای روزنامه هستند و زردشتیان تنها ملت میباشند که تا با امروز از اینوسیله اصلاح و ترقی خود محروم بوده بنا براین بمناسبت اقتضای این دوره و فواید و پیشرفت کلیه امور روزنامه ما علی المعجالة هفتگی منتشر میشود و بس سروریم که باین مقصود نائل شدیم ۰۰ » سپس شرحی راجع بکلمه فره وهر و انتخاب آن و اینکه این کلمه بجای حقیقت و هیولا و نفوس مجرده نزد زردشتیان است شرحی نوشته و بعد مقاله مازردشتیان و عالم زردشتی تا صفحات چهارم روزنامه را فرا گرفته است .

سر مقاله شماره دوم بعنوان (معارف ایران) و تاریخ زردشتیان است . شماره پنجم فره وهر در تاریخ سه شنبه ۲ شعبان ۱۳۴۱ مطابق ۲۹ حوت ۱۳۴۱ انتشار یافته و از این روزنامه فعلا تا شماره ۲۴ سال اول مورخ سه شنبه ۲۲ محرم مطابق ۱۲ سنبله ۱۳۰۲ در دست نگارنده میباشد . مندرجات روزنامه بیشتر مطالب مربوط بزردشتیان است . رمان زن نان فروش تألیف « گزایوه دومن ته پن - ترجمه رستم پور جمشید » بعنوان پاورقی در روزنامه درج شده است .

(۸۹۰) فرهی

امتیاز روزنامه فرهی در اصفهان بمدیری (آقا میرزا بهاءالدین) در تاریخ ۶ خرداد ۱۳۰۴ شمس از تصویب شورایعالی معارف گذشته است .

(۸۹۱) فریاد

روزنامه فریاد در شهر ارومیه (رضائیه) تأسیس و شماره اول آن در تاریخ

حرف‌القاء بعده الرا.

فریاد

چهارشنبه ۲۱ محرم الحرام ۱۳۲۵ قمری مطابق ۲۱ فیورال ۱۹۰۷ میلادی، در چهار صفحه بقطع متوسط وزیری در مطبعه سربی (ارومیه - مطبعه آمریکاییه) طبع و توزیع گردیده مدیر کل روزنامه (میرزا حبیب ارومیه) و منشی اداره: (میرزا محمود غنی زاده دیلمقانی) و ناظم اداره (میرزا عبدالعلی حریری دیلمقانی) معرفی شده. طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده و روزهای شنبه طبع و یکشنبه توزیع میشده. عنوان مراسلات: ارومیه سرای حاج ابراهیم. اداره فریاد. بدل اشتراک (اینطور نوشته است) داخل شهر سالیانه ۱۲ قران. ششماهه ۸ قران سایر ولایات بترتیب ۱۸ قران و یک تومان. روسیه چهار منات و دومنات و نیم. ترکیا ۵۰ غروش و سی غروش. اروپا ۱۲ فرانک و هشت فرانک. قیمت یک نسخه ۴ شاهی. بعد از سه نمره بدل آبنونه دریافت میشود. اعلانات سطرری پانزده شاهی. در هر شماره این شعر در زیر اسم روزنامه چاپ شده است: (قد صرفت العمر فی قیل وقال یا جیبی قم قد ضاق المجال.) مقاله افتتاحی روزنامه که در آن شرح پیدایش روزنامه را ذکر کرده بدینقرار است: «نیایش - فریاد. رب اشرح لی صدی و سربلی امری واحلل عقدة من لسانی بفقهو قولی. پاک یزدانا بخشنده مهربانا. مدد، مدد که جمله جهانرا توئی مدد فرمای کمترین بنده را بی استعانت قدرت با لافه ات در این فضای بی انتها چه یارای دم زدن است و ناتوان پرستنده را بی راهنمایی توفیق در اولین دشت پهناور کجا قدرت قدم زدن. یارب یارب مدد که پیروان رفتند و همه در منزل مقصود آرمیدند و باقصی المرام رسیدند لیک ما را غول فطرتان این دشت و ابلیس نشان این صحرا از راه بردند عنان اختیار و قوت و اقتدار مادی و معنوی ما را از کف ربوده دیرزمانی بکوه و دره و دشت سرسردی و آواره هر طرف دوانیدند. یارب، یارب، هنگام سپیده دم است و فضا اندکی تاریک و این راه که پیش پایمان است پر باریک و ماهم که بدمیدن صور و غریبن شیپور سر از خواب برداشته ایم هنوز سراسیمه و مغموور با همان پریشانی صبحی ره میسپاریم...» پس از این مقدمه تعریف مسلک را ننوده که مسلک چیست و چه فایده دارد و اینکه در اروپا فرق مختلف یافت شود که هر کدام دارای مسلکی میباشد سپس مینویسد پس اتخاذ مسلک در سابق در میان ما نبوده و یا اربین رفته و از اروپا باتراک سرایت کرده و از آنجا بمطبوعات ایران ولی فعلا جریده فارسی ایرانی مسلکی جز طرفدار ترقی ملت و استقلال دولت بطور مشروطیت مسلک دیگری ندارد و ماهم نه سوسیالیست و نه نارشیست هستیم و بلکه طالب سعادت و ترقی ملت ایرانیم. پوشیده چه داریم همینیم که هستیم، در خاتمه سرمقاله از محقر بودن نامه پوزش طلبیده است. مقاله افتتاحی روزنامه تمام صفحه اول و دوم و نصف ستونهای صفحه سوم را فرا گرفته و بامضای (ع.م) است. فریاد اولین روزنامه ایست که در شهر رضائیه انتشار یافته و لذا در شماره دوم تحت عنوان اعلان اینطور مینویسد:

چون وقت توزیع شماره اول فریاد باره از آقایان شهر در گرفتن آن اظهار اکراه فرموده و بعضی را هم چون تاحال روزنامه ندیده اند حیرت دست داده و ترسیده

حرف اهداء بعده الرء

فرياد

عقب كشيده بودند بنا بر اين نا چاريم اين سطور را بنويسم شماره اول فرياد را از آنجايكه اول انتشار و در اروميه همچو نوبري بود لهذا در شهر بهريك از محترمين و آقايسان يك نمره برسم اهدا و اتعاف تقديم شده است و پس از ارسال شماره دوم اگر مایل باشتراك نيستند قيمت اين دوشماره را ارسال داشته و باقا ميرزا عبدالعلی ديلمقانی ناظم اداره اطلاع دهند كه فرستاده نشود .

مندرجات روزنامه فرياد پس از درج سرمقاله ، عبارت از مقالات مختلف از قبيل مقاله حسب حال كه باين عنوان شروع ميگردد :

« رفتند حاجيان و رسيدند بر حجاز ما در نخست مرحله مشغول خواب ناز »

- و يامقاله بانك ملی ياسرمایه سعادت ايرانيان . سرمقاله شماره دوم فرياد تحت عنوان (احتياجات اروميه بسيار است - ديری است اروميه دل شاد نداشت و ز قیدالم خاطر آزاد نداشت . بسيار مرضهای نهان داشت ولی بیچاره زبان نداشت فرياد نداشت) نوشته شده . علاوه بر مقالات مذکور اخبار محلی اروميه و سلماس و انجمن ولايتی مندرجات فرياد را تشكيل ميدهد . شماره دوم فرياد در تاريخ غره صفر ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . مرحوم تربيت در كتاب دانشمندان آذربايجان (صفحه ۴۱۲) پس از آنكه مينوید روز نامه هفتگی فرياد منتشر در رضائيه با چاپ سربی بمديريت حبيب الله آقازاده در ۱۳۲۵ ، اضافه ميکند كه از روزنامه فرياد ۲۳ (بيست و سه شماره) نشر شده است . برون در كتاب مطبوعات و شعر فارسی (صفحه ۱۲۲) مينوید روزنامه هفتگی فرياد منتشر در اروميه در سال ۱۳۲۵ قمری بمديري ميرزا محمود غني زاده (مدير روزنامه های شفق و بوقلمون) من شماره ۲۲ اين روزنامه را كه در تاريخ ۲۷ شعبان ۱۳۲۵ قمری منتشر شده در دست دارم .

از نوشته مرحوم تربيت معلوم ميشود كه شماره مذکور آخرين شماره نبوده و بلكه شماره ۲۳ آن نيز منتشر شده است . مرحوم كسروی در كتاب تاريخ مشروطيت ايران (صفحه ۳۷۳) راجع به اين روزنامه مينوید : « يك روزنامه آبرومند ديگري بنام فرياد در همان زمان در اروميه نوشته ميشد كه دارنده آن ميرزا حبيب اله آقازاده و نويسنده اش ميرزا محمود غني زاده بودند . » حبيب الله آقازاده مدير فرياد روزنامه های فروردین و شاهين را نيز منتشر نموده است .

(۸۶۲) فرياد

روزنامه فرياد در طهران بمديري آقای (ميرزا سيد محمد طباطبائی) تأسيس و انتشار يافته . آقای سيد محمد طباطبائی مدير روز نامه تجدد ايران بعد از انقلاب خراسان و قيام كلنل محمد تقی خان ، پس از چند مرتبه تبعيد و گرفتاری بالاخره در سال ۱۳۰۴ شمسی بطهران آمده و در آن شهر قريب بيگسال روزنامه فرياد را منتشر کرده است . در فردين ۱۳۰۶ شمسی شوراي عالي فرهنگ تصويب نمود كه آقای طباطبائی بجای روزنامه فرياد ، روز نامه تجدد ايران را منتشر نمايد و از آن پس

حرف‌القاء بعده الرء فریاد آذربایجان، فریاد ایران، فریاد وطن، فصاحت

روزنامه تجدد ایران بجای فریاد منتشر شد. برای اطلاع بیشتری از شرح احوال مدیر روزنامه تجدد ایران بجلد دوم کتاب تاریخ جراید، نمره ۲۷۱ کتاب رجوع شود.

(۸۶۳) فریاد آذربایجان

روزنامه فریاد آذربایجان در تبریز بصاحب امتیازی و مدیری و سر دیری (حاج کاظم خان دادگران) تأسیس و شماره چهل و شش سال دوم آن در تاریخ چهارشنبه ۸ ذیحده ۱۳۴۵ قمری مطابق ۱۷ خرداد ۱۳۰۶ شمسی در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سری (تبریز - مطبعه امید) طبع و توزیع شده است. امتیاز روزنامه فریاد آذر بایجان بدیری (حاج کاظم دادگران) در خرداد ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته است.

طرز انتشار روزنامه ابتدا هفتگی و بعد یومیه بوده است. ارزش روزنامه بدین قرار معین شده: سالیانه: داخله ۵۰ قران، خارجه ۶۰ قران. ششماهه ۳۰ قران و ۳۵ قران. قیمت اعلانات و لوايح و مکاتیب خصوصی با دفتر اداره است. تک شماره ۸ شاهی از معلمین و شاگردان مدارس نصف قیمت دریافت میشود. محل اداره: خیابان طهماسبی عنوان تلگرافی: تبریز. فریاد آذربایجان.

مندرجات روزنامه پس از درج مقاله اساسی مربوط باوضاع سیاسی و اقتصادی، عبارت از اخبار خارجه بتفصیل و اخبار داخله و مقالات مختلف راجع باوضاع محلی آذربایجان است. مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان راجع بروزنامه فریاد آذربایجان مختصراً نوشته است: روزنامه هفتگی منتشر در تبریز با چاپ سری بدیریت حاجی کاظم دادگران در ۶ - ۱۳۴۵.

(۸۶۴) فریاد ایران

روزنامه فریاد ایران در سال ۱۳۰۹ شمسی در کرمانشاه بطور هفتگی تأسیس و منتشر شده است.

(۸۶۵) فریاد وطن

روزنامه فریاد وطن در سال ۱۲۹۰ شمسی بطور هفتگی در تهران تأسیس و منتشر شده است.

(۸۶۶) فصاحت

مجله فصاحت در شهر کرمانشاه بدیری و صاحب امتیازی (میرزا محمد جواد کرمانشاهی) آقای شباب، تأسیس و منتشر شده است. امتیاز این مجله در تاریخ ۵ بهمن ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته و س از آنکه تا سال ۱۳۴۵ قمری منتشر گردیده بروزنامه مبدل شده و روزنامه فصاحت تا سال ۱۳۰۹ شمسی انتشار

حرف اثناء بده الکاف

فصاحت ، فکر ، فکر آزاد

یافته و در آن تاریخ توقیف گردیده است . امتیاز روزنامه فصاحت بجای مجله بهین نام در تاریخ ۲۳ فروردین ۱۳۰۶ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته است . در سالنامه ۱۳۰۹ پارس پس از آنکه عکس آقای شهاب مدیر جریده فصاحت را چاپ کرده در باره روزنامه فصاحت مینویسد « جریده فصاحت در کرمانشاه بمدریت آقای شهاب که در نظم و نشر از قبیل دیوان نشاط شهاب ، شکرستان ، دبستان معرفت کیمیای سعادت و تیر شهاب آثار زیادی دارند . »

(۸۶۷) فکر

روزنامه فکر در شهر تبریز بمدریت (وار تانیانس) تأسیس و در سال ۱۳۳۰ قمری منتشر شده است . مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان در باره روزنامه فکر مینویسد : « روزنامه هفتگی فکر منتشر در تبریز با چاپ سری بمدریت الکساندر در وار تانیانس در ۲۵ ربیع الآخر ۱۳۳۰ روزنامه ارتجاعی است . » در وار تانیانس معلم نقاشی در مدرسه ارامنه تبریز بوده و روزنامه فکر را پس از آمدن روسها بتبریز و کشتار جمعی در آن شهر و بر هم زدن جراید (معرم ۱۳۳۰ قمری) منتشر نموده . در این روزنامه صمد خان شجاع الدوله مراغی را بادمه عملیات روسها در آذربایجان تشویق مینماید و این تنها روزنامه ایست در ایران که چنین سبکی را پیش گرفته و از این جهت مرحوم تربیت آنرا روزنامه ارتجاعی قلمداد کرده است .

(۸۶۸) فکر آزاد

مجله فکر آزاد در شیراز بمدریت آقای (نوبخت) تأسیس و قبل از سال ۱۲۹۸ شمسی منتشر شده است . مجله فکر آزاد پس از توقیف مجله دیگری که بنام (رندگان) تأسیس و یک شماره منتشر شده ، انتشار یافته و این مجله هم بیش از دوشماره منتشر نگردیده است . پس از توقیف مجله فکر آزاد ، آقای نوبخت اقدام بتأسیس و انتشار روزنامه بهارستان نموده و چون روزنامه بهارستان در اوایل حمل ۱۲۹۸ شمسی منتشر شده قهراً مجله فکر آزاد قبل از این تاریخ بوده است . برای اطلاع از روزنامه بهارستان و شرح حال نوبخت رجوع شود بجله دوم کتاب تاریخ جراید نمره ۳۰۵ .

(۸۶۹) فکر آزاد

روزنامه فکر آزاد بصاحب امتیازی و نگارندگی آقای (احمد دهقان) ابتدا مدت دو سال در شهر مشهد و ز ابتدای سال سوم در طهران منتشر شده است . آغاز تأسیس روزنامه فکر آزاد در شهر مشهد در ۲۹ جواری ۱۳۰۱ شمسی بوده و شماره اول سال سوم آن که آغاز انتشار روزنامه در طهران میباشد در تاریخ چهار شنبه ۲۰ عترب ۱۳۰۳ شمسی بوده است . در شماره ششم سال دوم مجله الکمال

حرف التاء بعده الكاف

فکر آزاد

منطبعه مشهد مورخ ۲۵ برج سرطان ۱۳۰۱ شمسی شرحی بعنوان (تقریظ) در باره انتشار روزنامه فکر آزاد در مشهد نوشته که چون مشتمل بر اسامی روز نامه های منتشره خراسان در آن تاریخ میباشد ، بی فایده نیست بعینه آنرا نقل نمائیم : « تقریظ (شرق ایران) (آگاهی) داشت که تافکر ملت آزاد نشود (چمن) آبادی دردمن (طوس) نروید و راه (سلامت) را کسی نبوید و (نوبهارش) از تطاول خزان سالم و (تاره بهارش) را گل امید نماند لهذا دهقان خردمندش که دارای امتیاز معارفی بود (عصر جدید) معارف (خراسان) را رفتی به (کمال) داد و مهر (منیر) ش را برورنامه آزادی علامه (فکر آزاد) که بصاحب امتیازی جناب ادیب دانشمند آقای امیرزا احمد خان خان دهقان و مدیریت جناب آقای رفعت التولية عالم مطبوعات را زینت داده چون (خورشید) درخشان ساطع ساخت . ما موقیت آن مدیر محترم و صاحب امتیاز معظم را در ترویج معارف اسلامیه که لازمه احترامات محیط قدس امامت و پناهندگی دربار کرامت است از درگاه احدیت خواستاریم .

صد شکر در خراسان گردید فکر آزاد ✽ آری بفکر آزاد هر خاطری شود شاده .
رفت گرفت دهقان دوخاک شرق ایران ✽ داروغه ستم را از ده بکند بنیاد .
(۱۳۴۰ - ۵ - ۱۳۴۵)

ارباب باز قلعه بر بدو ساله گت ✽ دهقان شرق ایران بادا بفکر آزاد .
آقای میرزا علی اکبر خان گلشن آزادی مدیر جریده آزادی چندی در مشهد مدیر داخلی فکر آزاد بوده است . برای اطلاع از آن رجوع شود بکلمه آزادی جلد اول کتاب .

همانقسم که قبلا یادآور شدیم روزنامه فکر آزاد بدیری آقای احمد دهقان مدت دو سال در مشهد منتشر شده و از ابتدای سال سوم بظهران منتقل شده است . شماره اول سال سوم یا اولین شماره منتشر در تهران در هشت صفحه بقطع بزرگ وزیری در مطبعه سربی (قناعت طهران) طبع و در تاریخ چهارشنبه ۲۰ عرّب ۱۳۰۳ مطابق ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۴۳ و ۱۲ نوامبر ۱۹۴۲ انتشار یافته . جای اداره : تهران . خیابان جلیل آباد و بهای رور نامه یکساله داخله ۵۰ قران . شش ماهه ۲۶ قران . خارجه ۶۰ قران و ۳۲ قران . تک شماره ۸ شاهی . روز های انتشار دوشنبه و پنجشنبه بوده است .

سر مقاله شماره اول سال سوم بعنوان (آغاز دوره جدید) و بدینقسم شروع میگردد : « خواننده محترم . این روزنامه که بشما تقدیم میشود شماره اول از سال سوم فکر آزاد است . نامه فکر آزاد دو سال در کرسی خراسان (مشهد مقدس) منتشر شده و سال سوم آن در تهران (سرچشمه خوشبختی یا بدبختی ایران) شروع گردید . چون قطع طرز و اسلوب روزنامه در این سال تغییر یافته ابتدای آنرا (آغاز دوره جدید فکر آزاد) نامیده برای استحضار خاطر شما مقصود خود را از انتشار روزنامه مسلک و رویه نامه نگاری و بعضی مزایا و محذرات این دوره شرح میدهیم »

حرف اثناء بعده الکاف

فکر آزاد ، فکر استقبال

پس از این قسمت بشرح علی که مردم نسبت بجراید و مطبوعات بدین شده پرداخته است . در شماره اول پس از سرمقاله مذکور ، مقاله بعنوان (قدرت جامعه) و بعد خبرهای داخله و اخبار دارالشورای ملی و اخبار خارجه درج شده است . در همین شماره وعده داده که از شماره آینده ترجمه رمان (یوسف کاریباللی) را که میرزا اسداله خاکپور ترجمه کرده چاپ مینماید .

از روزنامه فکر آزاد نگارنده تا شماره ۱۴ مورخ سه شنبه ۱۰ جمادی الاخر ۱۳۴۳ قمری مطابق ۱۶ جدی ۱۳۰۳ را در دست دارم . تعداد صفحات تا شماره اخیر یکصد و دوازده صفحه است . سرمقاله این شماره بعنوان (بنام ایران و ایرانی) و در آن تمجید و تعریف فراوان از سردار سپه شده است . از مندرجات روزنامه فکر - آزاد که معمولاً در هر شماره چاپ شده اشعار ایرج میرزا است .

آقای احمد دهقان - آقای احمد دهقان همان آقای احمد بهمنیار کرمانی استاد دانشگاه است که شرح احوال ایشانرا بتفصیل در ذیل روزنامه دهقان ، در جلد دوم کتاب تاریخ جراید چاپ کرده ایم . در اینجا باید اضافه کنیم که آقای احمد دهقان کرمانی مدت توقف در مشق - که روزنامه فکر آزاد منتشر مینموده ، کارمند انحصار تربیاء بوده است . در پایان این شرح لازم است اضافه نمائیم که چون طبق قانون تغییر محل طبع روزنامه و یا مجله از شهری بشهر دیگر منوط با اجازه شورای عالی فرهنگ است لذا شورای عالی فرهنگ در قوس ۱۳۰۳ شمسی امتیاز روزنامه فکر آزاد را بدیری (میرزا احمد خان دهقان) که در طهران منتشر شود تصویب نموده است .

(۸۷۰) فکر استقبال

روزنامه فکر استقبال در شهر اسلامبول بزبان فارسی بدیری (علی شریعت - زاده) تأسیس و در سال ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است . از روزنامه فکر استقبال بیش از يك شماره منتشر نشده و ذیلاً خصوصیات این شماره را از روی نمونه که در دست است شرح میدهیم :

روزنامه فکر استقبال در نه صفحه بقطع خشتی کوچک در مطبعه سربی با کاغذ و طبع بسیار خوب چاپ و در تاریخ ۲۱ شعبان ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است . در عنوان روزنامه اسی ارمدیر و صاحب امتیاز روزنامه نیست و فقط در انتهای صفحه نهم که آخرین صفحه روزنامه است نوشته : (اسلامبول . علی شریعت زاده) و از این عبارت محل طبع و نام مدیر روزنامه (علی شریعت زاده) معین میگردد . آنچه لازم است یاد آور شویم اینکه در اینجا و در فهرست جراید آذربایجان نام خانوادگی مدیر روزنامه (شربت زاده) ضبط شده ولی تصور می رود هاتقسم که در بالا نوشتم شریعت زاده باشد و بخلط شربت زاده چاپ شده است . بخصوص که در کتاب مطبوعات و شعر فارسی برون نیز (علی شریعت زاده تبریزی) نوشته شده است .

هر صفحه روزنامه مشتمل بر دو ستون و در بالای اسم روزنامه (فکر استقبال)

حرف‌افاء بعده الکاف فکر استقبال ، فکر ایران ، فکر ، فکر جوان

جمله (دست اخوت نشود قطع) و در طرف راست عنوان روز نامه این عبارت : (در مقابل اجرت همین نسخه از قارئین حس وطن پرستی مطلوب است) و در طرف چپ عنوان عبارت : (اجرت پست در همه جا بمهده صاحب مقاله است) درج گردیده . در زیر عنوان جملات (عجلو بالصلوة قبل الفوت) و (عجلو بالتوبه قبل الموت) چاپ شده است . مقاله افتتاحی روزنامه بدینقسم شروع میگردد : « برعامه ملت و قاطبه هم وطنان پوشیده و مخفی نیست که در این مدت سه چهار سال اخیر صدای کلمات مشروطه و انجمن و تشیید مبانی مجلس و قانون اساسی و عدالت و وضع اساس مساوات و حریت و اخوت و قطع ریشه نفاق و استحکام بنای اتفاق و غیره ار هر سمت ایران بگوش ما و جهانیان رسیده و میرسد ولی ماملت بدیغت معنی کلمات فوق را از فرط جهایکه داریم ندانسته و خودمان مفعول الاثر کرده ایم ۰۰۰۰ »

مقاله دیگر این شماره تحت عنوان (قانون چه فایده میبخشد) است . بقیه مندرجات آن نیز مقالاتی نظیر همین دومقاله است . هما تقسم که یاد آور شدیم از روزنامه فکر استقبال بیش از همین یکشماره منتشر نشده است .

(۸۷۱) فکر ایران

روزنامه فکر ایران در سال ۱۳۰۲ شمسی بطور روزانه در طهران تأسیس و منتشر شده است .

(۸۷۲) فکرت

در سال ۱۳۱۲ شمسی مجله فکرت بطور ۱۵ روزه در طهران تأسیس و منتشر شده است .

(۸۷۳) فکر جوان

روزنامه فکر جوان در شهر رشت بدیری و صاحب امتیازی آقای (علی آزاده گیلانی) تأسیس و در سال ۱۳۰۵ شمسی منتشر شده است . امتیاز روزنامه فکر جوان که پس از توقیف روزنامه قرن ۱۴ بدیری علی آزاده گیلانی ، صادر شده در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته ولی طبق نامه شماره ۲۸۱ مورخ ۱۳۱۶/۱/۲۳ که آقای آزاده بنکارنده نوشته اند ، انتشار روزنامه فکر جوان در نیمه دوم سال ۱۳۰۵ بوده است . در شماره دوم - سال دوم مجله عرفان مورخ شهریور ۱۳۰۵ درباره طلیمه روزنامه فکر جوان مینویسد که روزنامه بقلم آقای آزاده گیلانی مدیر محترم جریده قرن ۱۴ بایست اخیر رسد و مؤده انتشار روزنامه فکر جوان را میداد . ۱ - شرح مذکور معلوم میگردد که روزنامه در همان اوایل نیمه دوم سال ۱۳۰۵ منتشر گردیده است .

پس از چهار سال انتشار مرتب روزنامه فکر جوان ، بر حسب حکم شهربانی ، از نشر و چاپ روزنامه جلوگیری شد و تا شهریور ۱۳۲۰ گرفتار توقیف غیر قانونی بود

حرف‌افاء بعده الكاف

فكر جوان

پس از وقایع شهریور دومرتبه روزنامه بكمك هشت تحریر به که از يك عده جوانان تحصیل کرده تشکیل شده ، پابدار به انتشار گذاشته و تا دیماه ۱۳۲۱ که بموجب قانون تنگین مطبوعات احمد قوام روزنامه توقیف گردید ، منتشر میشده از دیماه مذکور تا نهم آذرماه ۱۳۲۲ که موفق بام یاز مجدد روزنامه شده ، فکر جوان توقیف بوده است . از آن تاریخ تا کنون روزنامه مرتب بطور هفتگی منتشر شده است .

فکر جوان معمولا در چهار صفحه بقطع بزرگ با چاپ سربی در مطبعه (چاپ زر بافی - رشت) طبع و منتشر شده . شماره ۳۸۲ دوره سوم از سال بیست و دوم روزنامه در تاریخ پنجشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۲۴ شمس مطابق ۳ ربیع الثانی ۱۳۶۵ قمری نشر شده . جای ادا رشت ، خیابان پهلوی ، عنوان تلگرافی : فکر جوان قیمت اشتراك روزنامه سالیانه ۲۰۰ ریال ششماه یکصد ریال تك شماره دوریال .

مندرجات روزنامه فکر جوان پس از سرمقاله که معمولا راجع باوضاع گیلان و کشور میباشد عبارت از مقالات متنوع و اخبار گیلان و یکی دوصفحه آگهی ثبتی و غیره میباشد . سرمقاله شماره ۳۸۲ بعنوان (فرزند انقلاب) و در باره میرزا کوچک جنگلی است . تصویر کوچک جنگلی در صدر این مقاله چاپ شده و در دوطرف آن این شعر درج است : (ز فیض خون جوانان جنگلی روری در خاک تیره سرآرد نهال - آزادی) و نیز تصویر (حسین کسمانی) در این شماره چاپ شده و در کنار آن نوشته است : « شاد روان حسین کسمانی از آزادیخواهان با ایمان و متهور بوده است . حسین کسمانی از جوانی در مبارزات سیاسی شرکت داشته و به نهضت جنگل خدمات بیشه‌ار کرده است . » . بیانات استانداد در سالن شهرداری و بقیه مقاله در اطراف نوغان و شرح راجع به بنیسلین ، قسمت دیگر مندرجات شماره مذکور را تشکیل میدهد .



فکر جوان یکی از جراید مفید و مرتب شهرستانهاست که مدتی متوالی منتشر شده و مشتمل بر مقالات مفید و عام المنفعه میباشد . آقای آزاده گیلانی شرح احوال خود را در پاسخ درخواست نگارنده بدینقسم مرقوم داشته اند :

آقای علی آزاده گیلانی

نام و نام خانوادگی اینجانب علی آزاده گیلانی فرزند مرحوم شیخ علی اکبر مجتهد از اجله علماء و محترمین گیلان تولد اینجانب در سال ۱۲۷۴ شمس در نجف اشرف بوده و مقدمات تحصیلی خود را در گیلان شروع نموده ام نظر باینکه باستحکام مبانی مشروطیت و آزادی ایران علاقه تام و تمام داشته‌ام اراینرود در بهمن ماه ۱۳۰۲

آقای علی آزاده گیلانی

حرف الفاء بعده الکاف واللام

فکر نو ، فلاح ، فلاحت

امتیاز روزنامه قرن چهارده را اخذ و مدت دو سال مرتباً منتشر مینمودم که گرفتار توقیف و پس از مدتی در نیمه دوم سال ۱۳۰۵ موفق باخذ امتیاز جریده فکر جوان گردیدم و با اتکاء بهجامعه روشنفکر و فرهنگ پرور گیلان در انتشار این نامه کمال موفقیت حاصل بوده است تا اینکه پس از چهار سال انتشار مرتب بر حسب حکم شهربانی آنروز از انتشار و چاپ روزنامه فکر جوان جلوگیری و از آن تاریخ تا شهریور ۱۳۲۰ گرفتار توقیف غیر قانونی و خود اینجانب نیز زمانی در بند عمال دیکتاتوری و سالیانی نیز در تبعید بسر برده و در این مدت بکلی هستی خود را از دست دادم و شرح مشقات این دوره بعدی است که قلم از توصیف آن عاجز است خوشبختانه بعد از فرار شاه سابق با کمک یکمده از دوستان همراز و دانشمند خود موفق با انتشار مجدد فکر جوان گردیدم و از آن تاریخ تا کنون مرتباً هفته ای یک شماره منتشر میگردد و مطالب روزنامه بهمت هیئت تحریریه که از یکمده جوانان تحصیل کرده و دانشمند تشکیل شده است تهیه میشود .

بموجب قانون نتگین مطبوعات قوام (احمد قوام = قوام السلطنه هنگام ریاست وزرانی خود قانونی گنرانید که بموجب آن امتیاز تمام جراید و مجلات لغو میشود و کسانی حق گرفتن امتیاز دارند که واجد شرایط سنگینی باشند و از جمله دارای لیسانس و سپردن مبلغ پنجهزار تومان پول در بانک و شرایط دیگر . مؤلف) که آبروی دموکراسی نوین ما را بر باد داده است در دیماه ۱۳۲۱ دوباره روزنامه توقیف و با سعی زیاد امتیاز مجدد اخذ و از نهم آذرماه ۱۳۲۲ با انتشار مرتب روزنامه موفق شدم روش روزنامه طرفداری اراستقلال و دموکراسی کامل و استقرار قوانین و تعمیم فرهنگ و جلوگیری از نجاور غارتگران میباشد .

این بود شرحیکه آقای مدیر محترم روزنامه فکر جوان ارسال داشته بودند .

(۸۷۴) فکر نو

در چهارم شهریور ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه فکر نو بهمدیری (اکبر آقا خان شیرویه) را شورای عالی فرهنگ تصویب نموده است . طرز انتشار این روزنامه هفتگی و محل انتشار آن شهر اصفهان است .

(۸۷۵) فلاح

روزنامه فلاح در سال ۱۳۰۳ شمسی در طهران بطور هفتگی تأسیس و منتشر شده است .

(۸۷۶) فلاحت

مجله فلاحت در تحت نظر اداره کل فلاحت و تجارت و بهمدیری آقای (دکتر مرتضی گل سرخی) در طهران بطور ماهیانه تأسیس و در مطبعه (فاروس) طبع و هر-

حرف‌القاء بعده الكاف واللام

فلاحت ، فلاحت مظفری

نوبت یکهزار نسخه از آن منتشر شده است. سیاق مطالب این مجله تجارتي وفلاحتی است : مجله ماهانه فلاحت در آغاز سال ۱۳۱۰ شمسی تأسیس و شماره اول سال چهارم آن در فروردین ماه ۱۳۱۵ در ۵۱ صفحه خشتی بزرگ منتشر شده است. همتاسم که یاد آور شدیم مجله فلاحت از انتشارات اداره کل فلاحت بوده ولی بمدیری دکتر مرتضی گل سرخی منتشر شده. مندرجات آن چنانچه روی جلد هر شماره نوشته عبارت است از مطالب (علمی، فنی، علمی) که مطالب آنها از طرف متخصصین و کارمندان عالی رتبه اداره فلاحت وبامضای آنها درج شده. نوع وسبک مطالب بیشتر مربوط به (قوانین ومقررات فلاحتی) و (دستورات فلاحتی) و (مقالات علمی فلاحتی) و (فلاحت بین-المللی) و (ترجمه مقالات سودمند فلاحتی) و (جواب سئوالات وارده) میباشد. مقاله افتتاحی شماره اول سال چهارم بدینقسم شروع میگردد: «بیاری خداوند در پرتو توجه اعلیحضرت همایون شاهنشاه پهلوی سال سوم مجله فلاحت انجام پذیرفت وسال چهارم شروع میشود. مرام مجله همان راهنمای طبقات فلاحتین است باصول علمی وعملی امروزه فلاحت دنیا وطرز کاشت وبرداشت محصول وآساده ساختن آن برای استاده وفروش، خصوصیات مجله بدو زبان فارسی وفرانسه بدینقسم نوشته شده: وجه اشتراك سالیانه داخله ۱۸ ریال شش ماهه ۱۰ ریال. خارجه سالیانه ۸ شلینگ. تك شماره ۲۰ ریال. محل فروش: طهران كتابخانه ابن سینا و كتابخانه طهران در ولایات كتابخانه های معتبر. محل اداره: طهران. خیابان شاه.

مجله فلاحت در سال چهارم مرتب هرماه یکشماره منتشر شده و آخرین شماره این سال یعنی شماره ۱۲ در اسفند ۱۳۱۵ نشر یافته ومجموع صفحات آن در این سال ۴۲۴ صفحه میباشد که تمام بیک قطع واندازه است. در بیشتر شمارهها برای نشان دادن جزئیات وخصوصیات نباتات تصاویر مختلفی چاپ شده منتهی ساده وغیر رنگی است. در سال پنجم نیز مجله بهمان سبک وروش سال چهارم منتشر شده و شماره اول این سال در فروردین وشماره های نهم ودهم متعلق بآذر ودی ۱۳۱۶ یگجا انتشار یافته است

دکتر مرتضی گل سرخی - دکتر مرتضی گل سرخی تا آخر سال ۱۳۱۷ شمسی عهده دار انتشار وتوزیع مجله بوده واز فروردین ۱۳۱۸ شغل ایشان تغییر کرده است نامبرده در سال ۱۲۹۷ خورشیدی مجله بنام مجله بیطاری منتشر نموده که از آن در جلد دوم کتاب تاریخ جراید گفتگو کرده ایم. علاوه بر این مجله دوجلد کتاب فلاحت تألیف وطبع کرده است.

(۸۷۷) فلاحت مظفری

بدستور مظفرالدین شاه قاجار در سال ۱۳۱۸ قمری دولت اداره بمدیر کلی آقای اصفالدوله بنام اداره کل فلاحت تأسیس نمود واین اداره دو اقدام سودمند نموده یکی تأسیس مدرسه موسوم به (مدرسه شاهنشاهی فلاحت) در این مدرسه محصلینی کف خواندن وحساب وقمری فرانسه بداند قبول میشده وقطع علوم فلاحت تحصیل می-

حرف‌افاء بعده‌اللام

فلاحت و تجارت

کرده و بعد از تحصیل از طرف اداره مرکزی بسمت مدیری فلاحت بسایر ولایات و خالصه جات دولتی فرستاده میشده اند .

اقدام دوم اداره فلاحت تأسیس و طبع مجله فلاحت مظفری بوده که در آن از اقسام فلاحت و اصلاح اعمال زراعتی بحث میکرده . مجله ماهانه فلاحت مظفری در سال ۱۳۱۸ قمری در طهران تأسیس و منتشر شده است . برون در کتاب مطبوعات و شمار فارسی (صفحه ۱۲۳) مینویسد نمره دوم مجله در آغار جمادی‌الثانی ۱۳۱۸ انتشار یافته وی اضافه میکند که من نمره دوم سال اول و نمره ۱۶ سال دوم آنرا در دست دارم و این نمره در صفر ۱۳۲۵ قمری نشر شده . هر شماره مجله ۱۶ صفحه بقطع هفت در چهار و سه چهارم اینچ است . قیمت اشتراك آن در طهران شش قران و در سایر شهرستانهای ایران ۸ قران و در خارج ایران دوازده قران است .

(۸۷۸) فلاحت و تجارت

مجله فلاحت و تجارت که از انتشارات اداره کل فلاحت و تجارت بوده در طهران تأسیس و در هر برج يك شماره از آن نشر شده است . شماره اول سال اول مجله فلاحت و تجارت در اول حمل یونت ثیل ۱۲۹۷ در ۱۶ صفحه بقطع خشتی با چاپ سری طبع و منتشر شده در پشت جلد مجله خصوصیات آن بدین ترتیب چاپ شده است : وجه اشتراك در داخله سالیانه ۲۵ قران ، ششماهه ۱۵ قران . در خارجه سالیانه ۳۰۰ و ششماهه ۱۸ فرانك . قیمت اعلانات يك صفحه صد قران . نیم صفحه ۶۰ قران . درج صفحه چهل قران . ثمن صفحه ۳۰ قران . در باره مندرجات آن نوشته است : «مجله ایست علمی و علمی محتوی مقالات اقتصادی و معاونات راجعه بامور مربوط بفلاحت تجارت - صنایع - جنگلها - آبها - معادن - راهها و پلها و غیره که از طرف اداره کل فلاحت و تجارت منتشر میشود . » گراور پشت جلد و اطراف مجله عمل سلیمان ربانی گراور ساز است .

سرمقاله شماره اول و یا مقاله افتتاحی مجله تحت عنوان (طلیمه بهار) و بقلم مرحوم ملك الشعرای بهار در دو صفحه نوشته شده و بدینقسم شروع میگردد: طلیمه بهار - ایران باید از راه سعی و عمل از روی زراعت و استخراج معادن نباتی و جمادی آباد شود و رب النوع فلاحت ، فصل دلفریب بهار ، از طرف خداوند رحیم ، بدیهقان و کشاوران سر زمین ما بشارت میدهد ، بآنها میگوید کار کنید ورنج برید زیرا این سرمایه است که هرگز کم نخواهد شد ۰۰۰۰۰۰۰ سرمقاله مذکور بدینقسم ختم میگردد : « پس ایملته عزیز ما بیائید زراعت (نیم) ، بیائید در جستجوی گنج موروئی خود زمین مزرعه اجدادی خود را کاویدم و نتیجه سعی و عمل خود ما را در وسط هر سال استخراج نمایم مجله فلاحت و تجارت يك طرفه داوری و خجسته دستوری است که میخواهد آداب فلاحت یعنی تنها سرمایه و وسیله رستگاری ملت ایران را بآنان یاد داشت نموده و بیاموزاند این اولین قدم است دخیلی تقایم داریم ولی باید اول بفکر تقایم خود افتاد سپس به

حرف اثناء بعده اللام

فلاحت و تجارت

زبان آورده برای بار سوم آنرا بموقع عمل و کار در آوریم . م . بهار . مدیر و سر دیر روز نامه نوبهار . « مندرجات مجله بیشتر مطالب مربوط بفلاحت و تجارت میباشد و نویسندگان مقالات در سال اول عبارتند از میرزا مهدیخان مقوم الملك ، میرزا علیخان تجریشی ، آقای شارل سکرتن ، اسدالله میر منصور خان ، ذکاء الملك ، دکتر ولی الله نصر ، دکتر مرتضی خان ، دکتر احمد خان ، سمید نفیسی ، فهیمی ، میرزا احمد خان قین الدوله دفتری .

در شماره اول پس از درج طلایه شرحی بعنوان (تبلیغات وزارت) نوشته که قسمتی از آن چنین است : « نظر با اهمیت بسط امور فلاحتی و تجارتی در مملکت هیئت ور راه عظام بر حسب پیشنهاد وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه در جلسه ۳۰ برج دلو گذشته تأسیس يك اداره كل فلاحت و تجارت را در این وزارتخانه تصویب و مخصوصاً تأکید فرمودند که در ترقی و پیشرفت این دو رشته مهم زندگانی ملی مراقبت کامل بعمل آید (پس شرحی از شورای فلاحتی و شورای تجارتی نوشته و بعد راجع بمجله فلاحت و تجارت چنین مینویسد :) : مجله فلاحت و تجارت . لزوم انتشار معلومات فلاحتی و تجارتی توجه سرمایه داران و ارباب املاک با آبادانی مملکت و بالاخره راهنمایی و تشویق عامه بیست صنایع و زراعت نکته نیست که محتاج بتوضیح باشیم . وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه در ضمن سایر اقداماتی که برای پیشرفت مقاصد فوق در نظر دارد انتشار يك مجموعه را بنام (مجله فلاحت و تجارت) ذمت همت خود دانسته که از این راه هم بمعارف مملکت خدمتی شده باشد و هم بوسیله آن بتواند با صاحبان فکر و معرفت در امور راجعه بفلاحت و تجارت تبادل افکار نموده در پیشرفت و ترقی این دو امر مهم زندگانی ملی بهتر از عهده وظایف خود بر آید . این مجله عجالتاً ماهی دونسخه طبع و هر نسخه آن مشتمل بر ۱۶ صفحه خواهد بود . بواسطه جمع نبودن اسباب کار بدیهی است در طبع و کاغذ و جلد و حتی مندرجات آن قصور و نواقصی موجود است که انشاء الله متدرجاً مرتفع خواهد گردید اصول محتویات این مجله از این قرار است :

تبلیغات وزارت - فلاحت و متعلقات آن - تجارت و اقتصاد - جنگلها و آبها - معادن و راهها - قوانین و امتیازات - و بالاخره اعلانات - امید است که با مساعدت صاحبان همت و ارباب معرفت و نویسندگان با بصیرت این مجله مقام حقیقی خود را حائز گردیده يك جای خالی معارف مملکت را پر کند . »

سال سوم مجله فلاحت و تجارت - شماره اول سال سوم مجله در حمل (پیشی نیل ۱۲۹۹ شمسی) منتشر شده و در این سال مرتباً مجله در هر ماه يك شماره نشر شده و شماره ۱۲ که در حوت (پیشی نیل ۱۲۹۹ شمسی) از طبع بیرون آمده ، خاتمه پیدا میکند . دوازده شماره سال سوم مجموعاً در ۴۸۰ صفحه بقطع خشتی در مطبعه سربی « بوسفور » طبع گردیده است . مندرجات مجله در این سال نیز مانند سالهای قبل عبارت از مقالات اقتصادی ، فلاحتی و تجارتی و صنعتی است که نویسندگان و یا - اداره كل فلاحت آنها را تهیه و در مجله منتشر میشود . مقاله افتتاحی سال سوم که تا اندازه خوانندگان را بوضع مجله آشنا میسازد در این قرار است : « بسمه تعالی

حرف القاء بعده اللام

فلاحت و تجارت

شانه بعون‌اله تبارك و تعالی سال دوم مجله فلاحت و تجارت پایان رسید و اینک این مجله قدم بسال سوم میگذارد. ادامه دوسال برای يك مجله که در واقع در محیط ما پیشقدم فکر جدیدی می باشد بامشکلات و محنوراتی که تهیه مقالات و طبع و نشر آن باوجود عسرت مطابق و قلت نویسنده و خواننده درپیش دارد خود موقعیتی را نشان میدهد. انکار نداریم که مجله فلاحت و تجارت خالی از نواقصی نیست ولی این نکته را هم نباید از نظر برانیم که این مجله دارای آن نقصی است که دراول هرکاری بنا- چار در پیش می آید و متدرجاً و با کمال صعوبت باید رفع شود با کمی وسائل و انواع عسرتهایی که در طبع و انتشار مجله فلاحت و تجارت همواره در کار بوده و می باشد میتوان گفت که مندرجات سال دوم بمراتب بهتر از مطالب سال اول بوده و امید میرود که در سال سوم در پیشرفت آن بیشتر موقیت شود و برای تأمین اطمینان بحصول این موقیت از عموم معارف پژوهان مملکت استمداد مینمائیم ضمناً چون مجله ما دارد در ممالك خارجه نیز طرف توجه بعضی از مراکز مربوطه میشود خالی از فایده نیدانیم بطوریکه سابقاً نیز در نظر داشتیم قسمتی از آنرا بزبان فرانسه بنویسیم و بدینوسیله باشخاصی که در خارج بجز نام و نشانی از ایران چیز دیگر بخاطر راه نداده اند این مملکت را از نقطه نظر اقتصادی معرفی نمائیم بلکه از اینراه نیز خدمتی نه - بسط تجارت و بهبودی وضعیت اقتصادی مملکت بعمل آید. امید واثق داریم که خوانندگان محترم عموماً و مخصوصاً معارف خواهان معظم مملکت هم در اینراه با ما موافقت فرموده در ترویج و تأیید پیشرفت مقاصد این مجله از بذل هر نوع مساعدت و معاضدت مضایقه نخواهند داشت .

همانقسم که در مقاله افتتاحی مذکور و عده داده شده در سال سوم چند صفحه بزبان فرانسه بصفحات مجله افزوده شده و در هر شماره یکی دو صفحه در آخر مجله تحت عنوان (قسمت فلاحتی و تجارتی) بفرانسه طبع گردیده است. مجله فلاحت و تجارت یکی از مجلات خیلی مفید و مخصوصاً مشتمل بر اطلاعات زیادی درباره فلاحت و تجارت ایران می باشد. در هر شماره چند صفحه اختصاص بواردات و صادرات مملکت داده شده و از این حیث برای کسانی که طالب آمار واردات و صادرات آن ایام باشند بسیار مفید است. مجله فلاحت و تجارت پس از سه سال انتشار تعطیل گردیده و مجدداً در مهرماه ۱۳۰۵ شمسی، پس از شش سال تعطیل بدیریت آقای مشفق کاظمی پابدارتره انتشار گذاشته و در این دوره پنج شماره از آن نشر یافته و برای همیشه تعطیل گردیده است. در دوره اول یعنی در حقیقت سه سال اول انتشار مجله امور آن بعهده آقای سعید نفیسی، نویسنده معروف بوده است زیرا بقسبیکه در شرح حال ایشان در جلد دوم کتاب، در ذیل مجله شرق یاد آور شده ایم، نامبرده در سال ۱۲۹۷ شمسی بایران مراجعت کرده و تا سال ۱۳۰۰ شمسی رئیس اداره فلاحت و مدیر مجله فلاحت و تجارت بوده اند. از آن پس یعنی از سال ۱۳۰۰ شمسی تا سال ۱۳۰۴ در اداره راه مشغول و رئیس اداره امتیازات و اداره راه دماوند بوده است. و بارفتن ایشان از اداره فلاحت

مجله نیز تعطیل شده است .

(۸۷۹) فلق

روزنامه فلق در شهر طهران بمدیری و نگارندگی (صادق بروجردی) تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . پس از انتشار شماره ششم روزنامه قلم پاک روزنامه مذکور از طرف دولت توقیف و بجای آن روزنامه فلق منتشر گردیده شماره اول روزنامه فلق در چهار صفحه بقطع بزرگ با چاپ سربی در مطبعه (سعادت) طبع و در تاریخ شنبه ۱۱ جمادی الاول ۱۳۴۱ مطابق ۸ برج جدی ۱۳۰۱ شمسی انتشار یافته . سرمقاله این شماره بعنوان (حق - ناحق) نوشته شده و مطالب آن گله از دولت و شاه است که چرا روزنامه قلم پاک بدون محاکمه توقیف شده است . قسمتها ئی از سرمقاله مذکور بدینقرار است :

«امروز تاریخ ایران يك صورت مبهمی را بخود گرفته آنچه می بینیم حق و حقانیت پایمال و معدوم و ناحق بلباس حق جلوه گر است ماسمی داریم ملك و ملت ترقی نمایند - ما سعی داریم فکر ملت روشن گردد - ما سعی داریم مملکت معارف صحیحی داشته باشد»

توقیف روزنامه ملی کارگری قلم پاک آنهم بدون محاکمه در مملکتی که دارای قوه مقننه است و هر روز نمایندگان دردارالشورای ملی قانون وضع میکنند دارای هیچ اصول و منطقی نیست مگر ما چه نوشته بودیم که دلشان خواست محقر جریده ما را توقیف نمایند . ما خواستیم خدمتی پادشاه مملکت بنمائیم و او را از جریان افکار عمومی مطلع کنیم . اگر کار بدی کرده ایم توبه میکنیم و انجام اینقبیل مطالب مهمه را بچاپلوسهای متعلق که بشاه و گدا دروغ میگویند و مطالب را بعکس جلوه میدهند و موجبات اشتباه کاری را فراهم مینمایند و امید داریم هرچه میل دارند ما خیال میکردیم ذات شاهانه از مشی قلم پاک ما که با کمال شاه دوستی نگارش مییابد و افکار عمومی را بسمع اعلیحضرتش میرساند موافقت فرموده منتظر خواهند بود بعد از این هم کلمات عامه را از خوب و بد بتوسط نامه محقر خود بسمع همایونش برسانند از شخص شخیص سلطنت و نفس نفیس عدالت مستدعی هستیم جراید ملی را عموماً و قلم پاک را خصوصاً امر فرمایند از توقیف بی محاکمه خارج نمایند» روزنامه فلق در عنوان آن خود را (طرفدار مظلومان و کارگران) معرفی نموده و بالای اسم روزنامه (فلق) آیه (یا فالحق الاصباح) و هم چنین این شعر را (گوسفند از برای چه پان نیست ؟ بلکه چوپان برای خدمت اوست .) بعنوان شعار روزنامه چاپ کرده است . محل اداره ناصریه (اتحادیه جراید) و آدرس تلگرافی : فلق و بهای روزنامه طبقه اول ده تومان ، طبقه دوم پنج تومان ، طبقه سوم دو تومان ، تك نمره ۴ شاهی اجرت لوايح و اعلانات بادفتر اداره است . مطالب باید بعنوان اتحادیه جراید باشد مؤسس و مسئول روزنامه (عبدالله زاده) معرفی شده است . در هر شماره در صفحه

حرف اثناء بعده اللام

فلق ، فنی ، فواید عامه

اول يك رباعي بامضای (س) که همان صادق بروجردیست چاپ شده و رباعي شماره اول این است :

تن پروری و مفتخوری گشته رواج این درد بیابست نمائیم علاج •
هر کس نکند کار و گریزد از رنج سازیم بنان شب و روزش محتاج •
مندرجات روزنامه فلق پس از درج سرمقاله عبارت است از مقالات مختلف و
اشعاری علیه سرمایه داری و بفتح کار گریست . این اشعار عموماً اثر طبع (صادق بروجردی)
و تحت عنوان (فکاهی ادبی) چاپ شده است من جمله قسمتی از این اشعار بتقل از
شماره سوم بدین قرار است •

فکاهی ادبی

قیمت القاب ارزان گشته است اکرم واعظم فراوان گشته است
خرشود گاهی الاغ و گه حمار در تکاپو بهر پالان گشته است
بهر این تن پروران بیهنر ملک ایران جمله ویران گشته است
موش بود و گربه گردید آن پلید مور مانند سلیمان گشته است
از وجود کارگر در مملکت درد هر یی در درد درمان گشته است

جواب رنجبری

کارگر امروز اعیان گشته است کافری بود و مسلمان گشته است
کار فرما کرده بود او را غلام کارگر امروز سلطان گشته است
هر غنی بر هر فقیری ظلم کرد آن غنی اکنون پشیمان گشته است
کارگر در دست خود دارد چکش کله ظالم بسندان گشته است

صادق بروجردی

طرز انتشار فلق هفتگی بوده و در عنوان وعده داده است (بهمت معارف پروران
یومیه خواهد شد) ولی ظاهراً هیچگاه یومیه نشده است .
از روزنامه فلق نگارنده تا شماره ۱۱ در دست دارم . این شماره د تاریخ
سه شنبه ۲۴ رجب مطابق ۱۳ برج حوت ۱۳۰۱ منتشر شده و در صفحه اول آن تصاویر
مرحوم علی قلیخان مخبرالدوله و حسین قلیخان مخبرالدوله و غلامرضا خان مخبرالدوله
بازکر مختصر شرح احوالشان چاپ شده است •

(۸۸۰) فنی

مجله فنی در سال ۱۲۹۷ شمسی بطور ماهیانه در طهران تأسیس و منتشر شده است .

(۸۸۱) فواید عامه

روزنامه فواید عامه در شهر طهران در سال ۱۳۲۵ قمری تأسیس و منتشر شده است . برون
در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (صفحه ۱۲۴) مینویسد این روزنامه بمدیری (یوسف
خان هراتی که در قضایای بمباران مشهد بوسیله روسها گرفتار گردید) انتشار یافته

حرف القاء بعده الواو

فوايد عامه ، فولاد، قاجاريه

و نامبرده بعداً روزنامه بنام (کلید سياسي) منتشر کرده است . برون اضافه میکنند که من نمونه روزنامه فوايد عامه را ندیده ام .

(۸۸۲) فولاد

روزنامه فولاد در سال ۱۳۰۳ شمسی در طهران تأسیس و منتشر شده و ضرر انتشار آن هفته سه بار بوده است ، نگارنده از این روزنامه نمونه ای در دست ندارم ولی روزنامه ایران مورخ ۲۹ جوزای ۱۳۰۳ شمسی تحت عنوان (انتشار) مینویسد جریده فولاد با قطع بزرگ از هفته آینده منتشر میشود . عجالتاً هفته سه شماره با داشتن قسمتهای جالب توجه علمی واجتماعی بمعرض افکار هموطنان تقدیم خواهد شد (دفتر جریده فولاد)

حرف القاف

(۸۸۳) قاجاریه

روزنامه قاجاریه که در عنوان آن (محفل اتحادیه سلسله جلیله شاهزادگان و قاجاریه) نوشته شده در سال ۱۳۲۵ قمری در طهران تأسیس و منتشر شده است . شماره اول این روزنامه بدون تاریخ و در چهار صفحه در مطبعه سربی (شرقی) چاپ و منتشر شده . محل اداره روزنامه بدین نحو قید شده : « فعلا محل این محفل شریف اتحادیه در خیابان ورز مخصوص خانه های مصدق الدوله است » . قیمت يك نسخه سه شاهی در زیر عنوان روزنامه این سطر چاپ شده : « فقط در این محفل اتحادیه حفظ صله ارحام و ترقی و تعلیم اطفال این سلسله جلیله است . »

روزنامه قاجاریه ناشر افکار اتحادیه قاجاریه که در تاریخ چهارشنبه سیم ربیع الاول ۱۳۲۵ قمری در طهران تأسیس شده و موسوم به (مجمع وداد و اتحاد قاجاریه) بوده است . برای اینکه خوانندگان گرام از تشکیل این اتحادیه که احضاء آن از شاهزادگان قاجاریه و بنام نواب نامیده میشد اطلاع حاصل کنند قسمتهائی از شرحی که در شماره ۵۰ سال اول روزنامه صبح صادق مورخ چهار شنبه ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری راجع باین اتحادیه نوشته نقل مینمائیم :

« مجمع وداد و اتحاد قاجاریه یکشنبه ۲۰ شهر حال مذهب و و کلا سلسله شاهزادگان و قاجاریه که پس از این بر حسب صلاح دید عموم بنواب نامیده میشوند بموجب دعوتیکه از طرف حضرت اشرف آقای عضد الملك از آقایان نواب شده بود هشتاد و شش نفر نواب محترم حاضر شده بودند که اسامی هریک بدون ملاحظه تقدیم و تاخیر درج میشود پس از افتتاح مجلس گفته شد که مقصود از انعقاد این مجلس چیست و بهتر آنست که غرض از انعقاد آنرا بیان کنیم تا آقایان نواب تکالیف خودشان را بدانند و وظیفه خودشان را بفهمند و اگر مقصود از این اجتماع فقط تأسیس مدرسه بجهت اطفال این سلسله است بهتر آنست که حضرات نواب علییده بنشینند و در باب تأسیسی این مدرسه شریفه که مقدم بر تمام مقاصد است عنوانی بفرمائید تا این آمدن و رفتنها بی نتیجه نماند . »

حرف‌الطاف بعده‌الالف

قاجاریه

در جواب از این سؤال جوابهای مختلف گفته شد و یکی از شاهزادگان با کمال فصاحت بیانی شافی و کافی نمودند که خلاصه آن اینست که مقصود از انعقاد این مجمع محترم نه فقط برای تشکیل مدرسه است و این قره یکی از مهمات و مقاصد متعدده این انجمن است بلکه اول مقصود از این اجتماع و اتفاق و اتحاد جان‌نثاری بذات مقدس ملکوتی صفات همایون شاهنشاهی محمد علی شاه قاجار خادایه ملکه و ارواحنا فداء و اطاعت با و امر مجلس مقدس دارالشورای کبری است. «.....» پس از این قسمت شرایط تشکیل این انجمن و اسامی اعضا آنرا نوشته است که برای اطلاع از آن باید باصل روزنامه صبح صادق رجوع نمود.

مقاله افتتاحی و یاسر مقاله شماره اول روزنامه قاجاریه عبارت است از (خطابه- ایست که نواب مستطاب و لاحاجی شیخ صیف‌الدین میرزا که از اجله محترمین شاهزادگان و قاجاریه و در مراتب علم و تقوی فرید عصر میباشند) ایراد نموده و تحت عنوان فوق نوشته شده و بدینقسم شروع میگردد: «بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله الذي الف بين قلوب عباده فاصبحو بنعمته اخواناً ونزع الفل من صدورهم وظلّو في الدنيا اقرباء واحواناً والصلوة على محمد المصطفى وعلى آله واصحابه الذين اتبعوه قولاً وفعلاً وعدلاً واحساناً . فبعد قال الله تبارك وتعالى في كتابه فاصعبتم بنعمته اخواناً خداوند تبارك و تعالی در مقام امتنان بر بندگان خود و گرویدگان پیغمبر آخر الزمان میفرماید که باتشنت آراء و اختلاف اهواء که بر حسب بشریت در سؤشت شما بوده.....» این خطابه باین جملات ختم میگردد: «مقصود ما از این اجتماع ترتیب و رعایت از اقوام ذوی الاحترام خودمان است و خدمت بوجود مبارک اعلیحضرت شاهنشاه اسلام که شرف قومیت ما مربوط بآن وجود مبارک است و همراهی باطاعت مجلس مقدس محترم شورای ملی را فریضه ذمه خود میدانیم و باین عقیده زندگانی میکنیم پس زنده باد محمد علیشاه قاجار و پاینده باد مجلس شورای ملی ایران .» نکته شایان توجه این است که در شماره ۱۵ روزنامه صبح صادق (مکتوبی از انجمن قاجاریه) چاپ کرده و در آن نوشته است: «خدمت مدیر محترم روزنامه صبح صادق زحمت میدهم بر طبق مذاکرات سابقه انجمن دارالوداد خیریه قاجاریه روزنامه که مخصوص ذکر مقالات مفیده و ترتیبات ابتداء این انجمن است امتیاز آن با اکثریت آراء منتخبین باید بایکی از افراد این سلسله جلیله باشد که اولاً قابلیت و استعداد تحریر و ترتیب و توریس این روزنامه را بوجه اکمل و احسن داشته باشد و ثانیاً شخصاً دخیل در نیک و بد و خیر و شر این طایفه بوده و مطالبی که برخلاف مصالح امور آنها باشد ننویسد از قرار مذکور روزنامه باسم انجمن قاجاریه دیروز طبع و نشر شده که از مؤسس و نگارنده آن انجمن ما اطلاعی ندارد و از نویسنده آن خیلی عجب است که بی اطلاع این انجمن خود را منسوب باین انجمن ساخته و هنوز اجاره تأسیس این روزنامه بکسی داده نشده هرگاه کسی روزنامه بنویسد یا لایحه باسم این انجمن نشر دهد بی اطلاع ماست و در نیک و بد مطالب آن ابدأ انجمن مسئول نیست و بتوسط وزارت علوم نویسنده آن طرف مسئولیت واقع

حرف القاف بعده الالف قاجاریه . قاسم الاخبار . قاصد طهران . قانون

خواهد گردید و من بعد مطلبیکه محتاج بنشر و طبع روزنامه باشد زحمتش بداره یومیه صبح صادق داده خواهد شد .

از شرح مذکور معلوم میشود روزنامه قاجاریه از انتشارات انجمن قاجاریه نبوده و شخصی خود سرانه آنرا نشر داده است و دیگر اینکه چون در این تکذیب نامه مینویسد روز گذشته منتشر شده و روز گذشته میشود چهار شنبه ۹ ربیع الاول ۱۳۲۵ ، معلوم میگردد تاریخ انتشار روزنامه تاریخ مذکور است . بهر صورت خداوند بحقایق امور آگاه است . از روزنامه قاجاریه نگارنده بیش از همین شماره اول را در دست ندارم .

(۸۸۴) قاسم الاخبار

روزنامه قاسم الاخبار در طهران بمدیری (میرزا ابوالقاسم خان همدانی) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . برون در کتاب شعر و مطبوعات فارسی در صفحه ۱۲۴ مینویسد نمره دوم این روزنامه در تاریخ پنجم ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری انتشار یافته و من نمره دوم و هفتم آنرا در دست دارم . وجه اشتراك روزنامه در طهران ۸ قران و در سایر شهرهای ایران ۱۲ قران است .

(۸۸۵) قاصد طهران

در چهارم شهریور ۱۳۰۴ شمسی شورای عالی فرهنگ امتیاز روزنامه قاصد طهران را در طهران بمدیری (فرانسوا ملک کرم) تصویب نموده است .

(۸۸۶) قانون

روزنامه قانون بزبان فارسی بمدیری (برنس میرزا ملکم خان ناظم الدوله) در شهر لندن از بلاد انگلستان تأسیس و منتشر شده است . این روزنامه در سال ۱۳۰۷ قمری تأسیس و تا چند سال در لندن ماهی یک شماره از آن نشر شده و لی نظر بحملات سختی که در آن بحکومت و شاه و وزراء ایران میکرد انتشار آن در ایران ممنوع گردید روزنامه صور اسرافیل در شماره پنجم خود راجع باهمیت این روزنامه مینویسد : « هر کس این جریده را خوانده میداند که از صدر اسلام تا بحال بزبان فارسی هیچکس بدین فصاحت و سلاست که صرف معنی و زبان وقت باشد قلم روی کاغذ نگذاشته است . » آقای عبدالحسین نوائی مقاله بعنوان (یکقسمت از شرح حال ملکم) در مجله یادگار نوشته و من جمله راجع بروزنامه قانون مینویسد : « شاید امروز کلمه قانون یعنی اسم این روزنامه چندان تاریکی نداشته باشد ولی باید در نظر گرفت که این روزنامه در زمان ناصرالدین شاه یعنی دوره نوشته میشود که ادای لفظ قانون جرم شناخته میشد و سید جمال الدین اسد آبادی معروف رابهن جرم از ایران بیرون کردند و در حق او انواع توهین روا داشتند . من جمله او را (قانونی) خواندند . ارحق نباید گذشت که مطالب روز نامه قانون سخت در اذهان مردم مؤثر واقع شد و پایه تخت استبداد

حرف‌الطاف بعده‌الالف

قانون

ناصرالدین شاه را لرزاند. مطالب این روزنامه بسیار ساده و روان و عبارت بود از حملات سخت بوضع استبدادی عجیب و فجایع دربار سلطنتی ایران و تجاوزاتیکه کارگذاران دولت بنام دربار و شاه و صدر اعظم انجام میدادند. چون این سبک تحریر تا آنوقت سابقه نداشت، مردم رغبتی بخواندن آن ابراز کردند و چون دیدند که مطالبی برخلاف شاه و دربار و عمال دولت نوشته، این افسانه که شاه سایه خداست و او امرش واجب‌الاطاعه است از ذهن آنان بیرون رفت و همین مقدمه ای شد برای جنبش مشروطه و واژگون ساختن کاخ استبداد.» در همین مقاله آقای نوای در باره کیفیت انتشار اولین شماره روزنامه قانون قسمتهائی را از کتاب ملک ارا برادر ناصرالدین شاه که خود حاضر و ناظر قضیه بوده بدینقسم نقل مینماید :

«ملکم خان ۰۰۰ روزنامه‌ای مسمی بقانون در منزل خودش بیاسمه رسانده بجهت اشخاصی چند بطهران فرستاد. عریضه‌ای هم بشاه نوشت باسمه کرده درلف هریک از نسخه‌های نمره اول صورت آن عریضه را باسمه کرده بود. یک نسخه هم برای شاه فرستاد. مضمون آنکه چون مسموع شد قبله عالم ارواحنا فداه میل باجرای قانون دارید، ما جماعتی از ایرانیان که در خارجه هستیم، قانونی بجهت ایران نوشته هر ماهی قدری از آنرا چاپ کرده انتشار خواهیم داد. نمره اول آنرا بحضور مبارک فرستادیم هرگاه پسندیده است مشغول کار باشیم والا موقوف داریم.» آقای نوایی دنباله مطلب را اینطور مینویسد: «مضمون نسخه اول منحصرأ مذمت بسیار بود از وضع سلطنت ایران و صورت نوشتجات جمعی بود که از بلاد ایران بنویسنده روزنامه قانون نوشته اند و کل آن نوشتجات مملو بود از شکایت از امین‌السلطان و حکام شاه و تشویق و ترغیب مردم ایران بود بآرادی و ترتیب مجلس شورای ملی و برهم زدن سلطنت مستقله و خارج شدن از قید عبودیت و اینکه نباید خلق یک مملکت تابع رای و میل یگنفر باشند که هرچه بخواهد بکند و شرح مجالس شب و هرزگیهای امین‌السلطان و اینکه در سرفره خورش فسنجان را مثل حنا بریش هدیه‌یگر مینماید و وضع رسیدگی او برایش مردم و اینکه وقت کامل از غیظ بخودش فحش میدهد و دوزخ ارجامیچهد و یقه خود را باره میکند و از این مقوله بود.

استبداد عجیب ناصرالدین شاه که بطول مدت بغرور و خود خواهی شدید آمیخته شده بود با مطالب این روزنامه چندان سازش نداشت، بلکه همچنانکه ملک ارا نوشته در همان شماره اول صحبت از مجلس شورای ملی و محدود کردن اختیارات شاه و عمال او بود. بهمین جهت ناصرالدین شاه ورود این روزنامه را بایران غدغن کرد ولی آرادییخواهان و کسانیکه از دست دربار استبداد دلی پر خون داشتند، این روزنامه را بهر طور بود تهیه میکردند و در مجامع مخفی برای دوستان و هم‌مسلمان خود میخواندند و قتی بنابر الدین شاه خبر دادند که مجمعی از آرادییخواهان تشکیل شده و روز نامه قانون از اینجا باطراف منتشر میشود، بلافاصله انجمن را محاصره و غارت نمودند و افرادش را که بالغ بر دوازده نفر میشدند اسیر نمودند و در خانه کامران میرزای

حرف‌القاف بعده‌الالف

قانون

نایب‌السلطنه حبس کردند. یکی از آنان بنام حاج سیاح محلاتی (پدر آقای حمید سیاح) خود را از بالا خانه پرت کرد و پایش شکست. روزنامه قانون تا سال ۱۳۲۵ قمری بدون ترتیب گاهگاهی منتشر میشد. »

این بود شرحی که آقای عبدالعزیز نوائی راجع به روزنامه قانون در ضمن شرح حال ملکم نوشته است ضمناً نامبرده اضافه میکند که ملکم در نوشتن این روزنامه آلت و واسطه یش نبوده و بلکه انگلیسها چون بامین‌السلطان، صدر اعظم ناصرالدین شاه که شدیداً سیاست تزار روس تمایل نشان میداد، میانه خوبی نداشتند میخواستند بدست ملکم و با روزنامه قانون از شاه و دربار انتقام گیرند. ولی بهر صورت روزنامه قانون اثر خود را در بیداری مردم بخرج داد و در آگاه ساختن آنان بطرز کار و فکر اولیاء دولت تأثیر و اهمیت فراوان داشت.

در باره تأسیس و انتشار روزنامه قانون در لندن بعضی آنرا مربوط بلفو امتیاز (کازینو) دانسته و شرح آنرا اینطور بیان میکنند که در سال ۱۳۰۶ قمری که ناصرالدینشاه برای بار سوم باروپا سفر کرد امتیاز کازینو که در طهران تأسیس شود بملکم خان وزیر مختار ایران، در لندن، داد و چون خبر این امتیاز بصدر اعظم، امین‌السلطان رسید سخت بر آشفت و در صدد لغو آن برآمد و عاقبت پس از مذاکره باشاه و سفیر انگلیس در طهران تلگرافی لغو آنرا بملکم اطلاع داد. اما در این وقت ملکم امتیاز را بتاجری انگلیسی فروخته بود ببلغ سی و پنج هزار لیره. این تاجر نیز علاوه بر دادن این مبلغ پولهای برای تهیه مقدمات کار خرج کرده و هنگامیکه عازم ایران بود خبر لغو امتیاز باو رسید. کار بمحاکمه کشید. ملکم خان که از بدست آوردن امتیاز استفاده کلی کرده بود و حالاً می باید آن استفاده را با چیزی اضافه پس بدهد خیلی عصبانی شده برای انتقام از اتابک روزنامه قانون را تأسیس کرد و در آن مقداری ترجمه از قوانین فرنگستان و مقداری تنقید از اوضاع و لزوم تغییر حکومت و مخصوصاً چند ستون نامه های جعلی بعنوان نامه های وارده از ایران که ماد تمام آنها هتاکی و ناسزا، گویی بآتابیک و شرح خرابکاری های او و اطرافیان او بود دروغ یاراست نوشته و نسخه های متعددی از آن بمطهران فرستاد. این روزنامه بغیر از یکشماره که مستقیماً برای شاه فرستاده میشد بقیه شماره های آن در یک بسته برای حاج سیاح محلاتی و مسیو داوید خان که دعوی آزادیخواهی داشته و از مخالفین حکومت وقت بودند و با چند نفر از همفکران خود مجلس محرمانه در طهران ترتیب داده بودند ارسال میشد و بوسیله آنها در طهران و بعضی شهرستانهای دیگر منتشر میگردد.

وصول این روزنامه انعکاس عجیبی در طهران نمود و مطالب آن که نسبت بشاه و صدر اعظم خیلی رنده بود هیاهوی عجیبی ایجاد کرده بود شاه از مطالب روزنامه متغیر شده و حق هم داشت زیرا که بملکم تخیلی مهربانی کرده بود این بود که بصدر اعظم دستور داد تمام امتیازات و عناوین ملکم را سلب کند. آتابیک هم همین کار را کرد و فوراً بوسیله تلگراف تمام امتیازات و مقام و وزارت مختاری را از ملکم سلب نمود

حرف‌الاقاف بعده‌الالف

قانون

و بدولت انگلستان هم مراتب را اطلاع داد و کاردار سفارت را در لندن مأمور کرد که موقتاً امور سفارت را اداره کند. ملکم خان از عمارت سفارت با سلب تمام عناوین خارج شد و از کرده خود پشیمان بود و در دادگاه هم با تاجر انگلیسی مشغول زد و خورد بود، مأمورین پلیس طهران نیز بزودی مرکز نشر روزنامه را در طهران کشف کرده مسیو داوید خان و حاج سیاح و ده نفر همدستان آنها را گرفته در خانه نایب السلطنه موقتاً زندانی نموده. حاج سیاح بقصد فرار خود را از بالاخانه پرتاب کرد و پایش شکست و دوباره او را گرفته پس از معالجه با یارده نفر دیگر تحت نظر بیست نفر سرباز مسلح بیک گاری سوار کرده بقزوین فرستادند این عده قریب ششماه در قزوین بازداشت بودند و بعد از شش ماه آزاد شده هریک بطرفی رفتند. پس از ذکر این قسمت به توضیح خصوصیات روزنامه قانون میپردازیم:

روزنامه قانون در چهار صفحه بقطع وزیری بزرگ با چاپ سری مجموعاً ۲۴ شماره منتشر شده و جای تعجب است که در هیچ یک از ۲۴ شماره موجود تاریخ طبع و انتشار ندارد. از اینرو معلوم نیست هر نمره آن در چه تاریخی منتشر شده است. طرز انتشار آن در عنوان روزنامه هفتگی معین شده و نوشته است (هفته یک نمره طبع و توزیع میشود) ولی هرگز این وعده عمل نشده و در مدت متجاوز از پانزده سال ۲۴ شماره نشر شده است. اسم روزنامه (قانون) در وسط عنوان نوشته شده و در زیر آن نام مؤسس (پرنس میرزا ملکم خان ناظم الدوله) و در زیر نام مدیر کلمات (اتفاق عدالت - ترقی) چاپ شده و در طرف چپ عنوان روزنامه قیمت اشتراک سالیانه بدینقرار طبع گردیده است: « قیمت اشتراک سالیانه در طهران ۲۰ قران سایر ولایات داخله ۲۵ قران خارجه ۳۰ قران قیمت یک نسخه دو عیاسی. » محل اداره قانون اینقسم تعیین شده: « محل صدور این جریده در دفتر خانه کپانی انطباعات شرقی در کوچه لبارد نمره ۳۸ در لندن. محل توزیع در طهران و تبریز کتابخانه تربیت. »

مقاله افتتاحی روزنامه باین خطبه عربی شروع میشود: « بسم الله الرحمن الرحيم اللهم بدهنا باسمك العظيم بعد الاتكال على عونك الكريم بنشر صحيفة القانون، قانوناً لعبادك المومنين و دستوراً يهتدى باصوله خير المهتدين فارشدنا و اياهم الى صراط الرشاد المستقيم و انور عقولنا بيزان العلم السليم لنسلك في منهاج العدل والاستقامة و غظي بغاظة الصالحين يوم القيامة. جمع کثیری از خلق ایران بچندین سبب خود را از وطن مالوف بیرون کشیده در ممالک خارجه متفرق شده اند. در میان این مهاجرین متفرقه آن اشخاص باشعور که ترقی خارجه را با وضاع ایران تطبیق میکنند سالها در این فکر بودند که آیا بچه تدبیر میتوان باین بیچارگان که در ایران گرفتار مانده اند جزئی امدادی برسانند. پس از تفحص و تفکر ریاد بر این عقیده متفق شدند که بجهت نجات و ترقی خلق ایران بهتر از روزنامه آزاد هیچ اسباب نمیتوان تصور کرد آن چند نفر اشخاص وطن پرست که معنی قنوت روزنامجات را درست فهمیده اند در این چهار پنج سال بیک عزم مردانه افتادند باطراف دنیا و بهر وسیله باصرار چه بالتماس

حرف‌اتاق بعد‌الالف

قانون

و چه بگدائی از دولتخواهان ایران و ارباب کرم و طالبان تر قی اعانت‌های وافر جمع نمودند و بعون‌الهی این روزها يك کمپانی معتبری ترتیب دادند باین عزم مبارک که از اطراف ایران بقدری که بتوانند روزنامجات و کتابچه‌های مفید انتشار بدهند که از آن جمله یکی همین جریده قانون است. *

پس از مقاله افتتاحی مذکور مقاله دیگری است که قسمت اول آن چنین است: «ایران مملو است از نعمات خدا داد. چیزی که همه این نعمات را باطل گذاشته نبوده قانون است. هیچکس در ایران مالک هیچ چیز نیست زیرا که قانون نیست. حاکم تعیین میکنیم بدون قانون، سر تیپ معزول میکنیم بدون قانون، حقوق دولت را میفروشیم بدون قانون، بندگان خدا را حبس میکنیم بدون قانون، خزانه می بخشیم بدون قانون، شکم پاره میکنیم بدون قانون ۰۰۰۰» و خلاصه اینکه تمام مندرجات شماره اول راجع بفواید و اهمیت قانون است. در انتهای صفحه چهارم شماره اول این سطر نوشته شده: «از این جریده قانون یکدفعه برای معتبرین يك نسخه مجاناً فرستاده میشود اگر قیمت سالیانه آنرا نرسانند نسخه دیگر فرستاده نخواهد شد.»

نمره دوم روزنامه قانون با همان خصوصیات نمره اول چاپ شده و در نمره سوم در زیر قیمت اشتراك نوشته است، يك ذره غیرت. و دیگر از وجه اشتراك ننوشت است. در همین شماره است که در صفحه سوم آن نوشته. «این جریده فقط از برای آدم نوشته میشود. کسانی که آدم نیستند نباید این اوراق را ببینند.» در شماره چهارم نامه ملکم خان مدیر روزنامه بناصر الدین شاه درج شده و نامه مذکور باین جمله شروع میگردد: «قبل از ظهور جریده قانون عریضه ذیل را بتاریخ غره رجب گذشته مستقیماً بخاک پای اعلیحضرت همایون شاهنشاهی فرستادیم. قربان خاکپای جواهراسای اقدس همایون شویم. در این مدت چهل سال سلطنت هیچ قسم توجه شاهنشاهی در اصلاح امور ایران نمری نبخشید باین فراغت طولانی و باهمه اقدامات ملوکانه امروز ولایات ایران خراب‌تر. خلق مامفلوک‌تر، لشکرها بی‌نظم‌تر، استقلال دولت کمتر، رنجش عامه بیشتر و خطرات انهدام نزدیکتر شده است ۰۰۰۰» يك قسمت عمده از مندرجات روزنامه قانون مقالات مؤثر و خواندنی است که بقلم مدیر روزنامه نوشته شده و قسمت دیگر آن مقالاتی است از اطراف که راجع بشاه و بی‌عدالتیهای او نوشته شده و پاسخ آنها داده شده منتهی اساسی اشخاص با علامت اختصاری طبع گردیده بدین طریق: اجویه.

ح ۱۰. فرستاده شد. وصول را همیشه اطلاع بدهید. م. ع. ظلمی که بشخص شما وارد بیاورند البته مختارید که ببخشید ولیکن ظلمی که جانوران دیوان بریکی از اخوان آدمیت وارد بیاورند انتقام آن بر هر آدم واجب است. ا. ط. بعتبات زیادتر بفرستید. ا. د. حرف لاشخورها قابل اعتنا نیست. ش. م. آن دوفوق را هم ار حالا فدوی آدمیت بدانید.

سرمقاله شماره ۲۴ قانون که آخرین شماره منتشره این روزنامه میباشد بدینقسم

حرف‌اتفاق

قانون

شروع میگردد: « سال گذشته از جانب يك مجمع عالی اعلام نامه مسی بکلام در بعضی دواير محرمانه انتشار یافت . چون تبلیغ آن معانی در بعضی دواير دیگر این اوقات لازم شده اصل آن کلام مبارك را در اینجا دوباره طبع مینمائیم بدیهی است که موکلین آدمیت منتهای دقت را بعمل خواهند آورد که مبدا این ودیعه شریف بدست کسانی بیفتد که از حلقه آدمیت خارج باشند . کلام

ما بیست و چهار نفر از امنای آدمیت باقتضای يك ماموریت عظیمی دریکی اراقالیم مقدسه اسلام جمع شده مطالب ذیل را بهر يك از اولاد منتخبه ایران مستقیماً و محرمانه تبلیغ مینمائیم . ای برادران روحانی»

در سال ۱۳۲۵ قمری روزنامه قانون بدستاری و همت آقای هاشم آقای ربیع زاده تبریزی در تهران تجدید طبع شده و بغیر از شماره اول در بقیه شماره ها کلمه (کیه) در عنوان روزنامه چاپ شده و نیز از شماره چهار با نطفه مهر قرمزی مشتمل بر جملات زیر در سراسر اوچه روزنامه رده شده است: « قیمت يك نسخه ۵ شاهی . اشتراك سالیانه طهران ۲۰ قران . سایر ولایات ۲۵ قران . خارجه ۱۵ فرانك طهران . هاشم ربیع زاده . » آقای ربیع راده در سال مذکور یکدوره کتب و رسائل پرنس ملکم خان را که مشتمل بر یازده رساله است طبع کرده و قیمت آنها را با جلد ۱۵ قران و بدون جلد ۱۲ قران معین کرده است . این یازده رساله که در دو بست و شصت صفحه طبع شده بدینقرار است: « اصول تمدن - حرف غریب - رساله غیبیه - رفیق و وزیر - شیخ و وزیر - پولتیکهای دولتی - تنظیم لشکر و مجلس - سیاحی گوید - توفیق امانت اصول آدمیت - اصول مذهب دیوانیان . » در شماره ۱۱ روز نامه صور اسرافیل که خبر طبع یازده رساله را بعنوان (بشارت) چاپ کرده مینویسد: « ملت بحق شناس ایران سالهاست اثر قلم و نتیجه افکار ایشان را مثل کاغذ زر دست بدست میرند و قدر و قیمت آن نسخ عالیه را بغوی میدانند . » از اینجا معلوم میشود روزنامه قانون و رساله های ملکم در آغاز مشروطیت ایران چه تاثیر و اهمیتی داشته است .

میرزا ملکم خان ناظم الدوله - شرح احوال میرزا ملکم خان در بسیاری از مجلات و جراید چاپ شده و اجمال آن اینست که وی پسر یکی از ارامنه جلفای اصفهان بود در سال ۱۲۴۶ در اصفهان متولد شد و مذهب اسلام را قبول کرد . در نتیجه مراقبت و زحمات پدرش مقدمات علمی را فرا گرفت و برای تکمیل معلومات پیاریس اعزام گردید و معلومات متوسطه و عالیه را در آنجا فرا گرفت و در رشته حقوق علاقه خاصی ابراز میداشت . پس از بازگشت بایران بسمت مترجمی مخصوص شاه انتخاب شد و بواسطه جلب اطمینان دربار از جریان سیاست مطلع بود ، وقتی که فرخ خان امین الدوله بسفارت باروفا میرفت میرزا ملکم خان بسمت مستشاری همراه او رفت و موفق بگردش و باز دید قسمت اعظم اروپا شد . آشنائی با تمدن غرب در مغز میرزا ملکم خان تاثیر محونا شدنی بخشید و بهمین مناسبت هم خواهان اصلاحات بود . مقام او در دربار باعث گردید که بالاخره بسفارت ایران دولندن منصوب گردد

حرف اقف

قانون

و بعداً بشرحیکه سابقاً یاد آور شدیم در نتیجه اختلاف با صدر اعظم وقت و دربار مبعوض شاه واقع گشت و تمام امتیارات از اوسلب گردید .

(۸۸۷) قانون

روزنامه قانون در طهران بمدیری آقای (رسا) تاسیس و در سال ۱۳۰۰ شمسی منتشر شده است . روزنامه قانون ازجرايد متین و معروف و شماره اول آن درسنبه سال ۱۳۰۰ شمسی انتشار یافته و چون پیوسته بارور و قلدری مبارزه مینموده چند مرتبه گرفتار توقیف شده ومن جمله یگمرتبه در دلو ۱۳۰۲ از انتشار آن جلوگیری شده است . روزنامه ایران مورخ ۷ دلو ۱۳۰۲ درباره این توقیف اینطور اظهارنظر میکند : « توقیف جریده قانون - روزنامه قانون که از معتبرترین و جدی ترین جرايد مهم مرکزاست مع التاسف بواسطه درج يك مقاله اخيراً برطبق تصمیم اولیاء دولت توقیف گردیده است . ما ازاين پیش آمد متأسفیم وامیدواریم در محکمه دلائل آزادی خویش را اقامه و اثبات نمایند . » روزنامه قانون تا سال ۱۳۰۵ شمسی کم و



بیش منتشر میشده و در این وقت چون مدیر آن آقای رسا با اقلیت مجلس شورای ملی همکاری داشته و در جزو مدیران جرايدی بوده که در مجلس متحصن شده ، مبعوض دولت قرار گرفته و چندی گرفتار تبعید شده است .

روزنامه قانون مدت چهار سال منتشر نشده تا سال ۱۳۰۹ شمسی مجدداً بسبب فکاهی و کاریکاتوری و با مندرجات اجتماعی و اخلاقی طبع و منتشر شده ولی این مرتبه هم انتشار آن دوامی پیدا نکرده است . روزنامه ایران آزاد مورخ پنجشنبه ۶ آذر ۱۳۰۹ شمسی در باره انتشار مجدد آن مینویسد : « روز شنبه از قرائت روزنامه فکاهی و کاریکاتوری قانون که شمارا بسمت تجدید هدایت میکند غفلت نکنید و نیز داستان قیام نادر - شاه را در تمام شماره های این روزنامه بخوانید تا روح ملی شما تقویت شود . »

آقای رسا ، مدیر روزنامه قانون

خلاصه ای از تاریخچه زندگی آقای رسا مدیر روزنامه قانون
بقلم خود ایشان

این بنده میر سید سdale رسا مدیر روزنامه قانون فرزند مرحوم میر سید حسین تهرانی موطنم طهران و پدرم از اصیل ترین خاندان سادات تهران که در انقلاب مشروطیت

حرف‌اتفاق

قانون

ایران از پیشقدمان بوده و از بانیان نهضت عظیم قیام برضد دربار استبداد بشمار میرود و مادرم از نواده های سلطان مرادخان که نسب آنها باتا بکان فارس میرسد میباشد و چون پدرم مدتی در خراسان (مشهد) میزیسته احترام زیادی در مشهد و بناسبت انتساب مادرم با خاندان بزرگی از فارس بستگانی در شیراز داریم و بسیار خوشوقت هستم که رشته ارتباط خانوادگی من با سه قطعه مهم و حساس ایران - تهران - خراسان - فارس متصل است و شاید ثبات و پایداری و استقامت من در راه مبارزه باستمگران مربوط باستمداد از تربت پاک و مقدس حضرت علی ابن موسی الرضا و حضرت شاه چراغ و حضرت عبدالعظیم علیهم السلام باشد.

تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مدارس ادب و ثروت تهران پیاپیان رسانده و تحصیلات عالی من در قه و حقوق اسلامی مرهون محضر پرفیض فضلاء و اساتید بزرگوار و چون مرحوم میرزا محمود قمی مدرس مدرسه صدر و مرحوم علامه حکمی و دیگران از بزرگان دین و دانش میباشد.

احساسات تند و پرشور وطن پرستی از روزهای اول زندگی بمن رنج میداد و بهمین مناسبت همیشه با قلدبران و زورگویان و آنهایی که افکار عمومی را چیزی موهوم میسر دهند سرگرم ستیز و مبارزه بودم.

خداوند بزرگ شاهد و ملت ایران گواه است. از دقیقه ای که زبان بگفتار کشودم از ستمگران مذمت کردم و از آن ساعت که توانستم بنویسم قلم من چون خاری دزسینه و دیده و پهلوی مخالفان حکومت ملی جای میگرفت و هرچه بیرحمانه تر نوك خامه ام قطع میگردد تیز تر و برنده و مؤثر تر میشد.

قلدرها وقتی از نیش قلم من مصون میمانند که بکنج زندان یا گوشه تبعید گاهها میافتادم شدت مبارزه من باروح بیگانه پرستی از کابینه و ثوق الدوله معروف بسکائینه (قرار داد) شروع میشود و همان ایام را باید روزهای اول همکاری من با پیشوای بزرگوار احرار ایران مرحوم سید حسین مدرس بحساب آورد.

اگر وثوق الدوله قرار داد را اجرا میکرد، فاتحه استقلال ایران خیرانده میشد ولی قیام شدید ملیون و آزادیخواهان اجازه نداد آنروز هم تدبیر انگلستان فاتح شود زیرا خورشید جذاب و تابناک ایران مغلوب و اسیر ولی، تیره گردد.

من با عشقی و فرخی و کمره ای و ضیاء الواعظین و افرادی دیگر از احرار چون بطور سختی بعاقبتین قرار داد حمله میکردیم و نطقها و بیانیها و اعلامیههای آتشین ما بنیان استعمار را میلرزاند، همه ماها را بزندان انداختند ولی بنر فکر ما روئیده و سبز شد و نو کرد و کار را بانجا کشانید که آن ورقه لعنتی که وثوق الدوله و صارم الدوله و نصره الدوله و خیانت کارانی دیگر پولهای زیاد برای اجرای آن از انگلیسها گرفته بودند پاره شد و دور افتاد و مرد! ...

برده کودتا بالا رفت :

آنجا هم من جزء اولین دسته ای بودم که باید بزندان یفتم. سرهنك پاشا خان

حرف التاف

قانون

دژخیم مشهور شهربانی که هنگام مبارزه قرار داد مرا بسپاه چال انداخت . این جهام بمأمور توقیف من بود و صورتی به صمصام السلطنه نشان میدهد که من جزء نخستین دسته ای بودم که باید بزدان بروم مرحوم صمصام السلطنه که این صورت را می بیند بمن اطلاع میدهد که بیراهه بمنزل او بروم و از آنجا خارج نشوم تا از شدت مراحل اولیه کودتا کاسته شود جریانات وحشت آور تاثر انگیز کودتا - گرفتن و بستن و ایجاد اختناق در همه جا و همه چیز مرا بفکر گرفتن امتیاز روزنامه ای بنام (قانون) انداخته و در شهریور ۳۰۰ که دیکتاتوری ایران میرفت ریشه محکمی پیدا کند باینکه بیش از بیست سال از سن من نیگذشت و مشاجره عجیبی بامرحوم ممتاز الدوله و در معارف آنوقت و میرزا رضاخان نائینی معاون آن مرحوم راجع بیکمی از مواد قانون مطبوعات (۳۰ سالگی) مدیر روز نامه داشتیم بگرفتن امتیاز موفق و فوراً بنشر قانون شروع کردم .

هنوز چند شماره قانون منتشر نشده بود که سید میرزا آقا فلسفی مدیر روزنامه (حیوة جاوید) مورد ضرب و شتم سردار سپه فرمانده قوی و وزیر جنگ بعد از کودتا قرار گرفت و دندان سید شکسته شد .

روزنامه قانون ضمن انتشار یادداشت شدیدی باین عمل اعتراض و این رفتار را تقبیح نمود و اختلاف بین روزنامه قانون و سردار سپه از این تاریخ مرحله جدی تری بخود گرفته مدتی نکشید تا صحبت خلع قاجاریه و جمهوری قلابی بعمل آمد و من باینکه نسبت به بقای سلطنت درخاندان قاجار علاقه ای نداشتم با جمهوری قلابی نیز نظر خوبی نداشته و باقیام مردانه مردم و بر هم زدن بساط ساختگی جمهوری هم آهنگی کرده و این مرتبه نیز مردم فاتح شدند و صدای جمهوریت در فضا خفه شد .

پس از بهم خوردن و پایان یافتن بازی جمهوریت مدت کوتاهی سردار سپه با اصلاحات پرداخته و در ارتش و تمام تقاطعات کشور آثار بارزی از اقدامات مفید پدیدار شد مع التأسف چندی طول نکشید که اطرافیان دزد و نالایق آن سرباز فعال و لایق را احاطه کرده و بر جمع مال و دور شدن و مبارزه باصف اصلاح طلب و آزادی خواه تعریض و ترغیب نمودند و شد آنچه شد .

مخالفت من بوسیله مقالات روزنامه قانون با جمهوریت سبب شد که با فاصله های کوتاه روزنامه قانون توقیف و خودم هم گرفتار میشدم .

آهنگ شوم دیکتاتوری رفته رفته بالا گرفت و دستگاه شهربانی در گاهی و مختاری و آیرم کاری جز گرفتن و کشتن و تبعید کردن نداشتند و پس از اینکه چند بار دچار سوء قصد شدم تا آخر دوره دیکتاتوری گرفتار زندان و تبعیدگاه های سمنان - کاشان - اصفهان - یزد - کرمان و شهرضا بودم .

من در آخرین حوزه اسارت خود در اصفهان بحال افسردگی و ناتوانی افتاده بودم که بار دیگر کشور ما گرفتار دیکتاتوری هژیر و رزم آراء گردید و طلیعه قیام آزاد یخواهان بزعامت دکتر مصدق و آیت الله کاشانی برای مبارزه با استعمار و ملی

حرف‌اتفاق

قانون ، قدرت ، قرن بیستم

شدن نفت پدیدار گردید .

برای اینکه کتاب مجاهدتهای من يك صفحه کسر نداشته باشد با همان حال ناتوانی تهران شتافتم و بانشر روزنامه قانون تا امروز آنچه توانستم و میسر بود برای محو استعمار و تجدید دوره آزادی و پایان یافتن اسارت ملت ایران کوشیدم و امیدوارم با عنایت خداوند و ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین تا آخرین دقیقه زندگی از این راه و رسم منصرف و منحرف نشوم . و بالله التوفیق و علیه التکلیل

(۸۸) قدرت

در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه قدرت در شیراز بمدیری (میرزا عبدالله مدیر مدرسه قوامیه) از تصویب شورای عالی معارف گذشته است و لی در باره انتشار این روزنامه در سالنامه ۱۴ - ۱۳۱۵ معارف فارس مینویسد در سال ۱۳۰۶ شمسی جریده قدرت بمدیریت آقای میرزا عبدالله قدرت شیرازی منتشر شد .

(۸۹) قرن بیستم

شماره اول سال اول جریده قرن بیستم بصاحب امتیازی و نویسنده اساسی (ر. میرزاده عشقی) در ۱۶ صفحه بقطع وزیری با چاپ سربی در مطبعه روشنائی طهران چاپ و در تاریخ جمعه ۲۷ شعبان ۱۳۳۹ قمری مطابق ۱۶ نور ۱۳۰۰ شمسی در طهران منتشر شده است . محل اداره : طهران . مجله جمشیدی . اداره جریده قرن بیستم . قیمت اشتراك طهران . سالیانه ۸۰ قران ، ششماهه ۴۵ قران ، ولایات ۸۰ قران . ۴۵ قران ، خارجه ۹۰ قران ، ۵۰ قران . تك نمره در طهران عجالتاً یکقران است .

خصوصیات مذکور در عنوان جریده قرن بیستم و در زیر اسم جریده طرر انتشار آن (هفتگی) نوشته شده و فهرست مندرجات در زیر عنوان درهر شماره درج است .

فهرست مندرجات شماره اول با ذکر اسامی نویسندگان آنها بدینقرار است : قرن بیستم (مقاله اساسی) میرزاده عشقی . غزل یکرنگی . روسیایان ری (میرزاده عشقی) خلاصه مسائل سیاسی داخله - روابط بین ایران و روس - گذارشات کنونی دنیا . (قرن بیستم) . قطعه پارسال (اندوه) میرزاده عشقی . امسال (شادی) (صبا) . خزان و مرك جوان (ایران الدوله جنت) . رنگانی (س.م. - ارجمند) . صمیمیت (س.م. کورس) . تجمل (عبدالله دیده بان) . ریش مصنوعی (عشقی) . اعلانات .

مقالات اساسی و یا سر مقاله رورنامه از بهترین مقالات روزنامه است . شماره دوم قرن بیستم در تاریخ یکشنبه ۷ رمضان ۱۳۳۹ مطابق ۲۱ نور ۱۳۰۰ بهمان سبک شماره اول چاپ و منتشر شده . در این شماره نمایشنامه ای که بقلم عشقی تدوین و در ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۳۹ قمری در اصفهان و در ۲۹ شعبان آن سال در طهران بمعرض تماشا گذاشته شده و موسوم به (حلواء الفقراء) است ، در يك برده ، بعنوان پاررقی از صفحه

حرف القاف بعده الرء

قرن بیستم

۸ روزنامه با نظرف چاپ شده است. شماره ۴ سال اول درجوزای ۱۳۰۰ نشر یافته و سر مقاله آن چنین است (کار در ایران - کار دارها - بیکارها).

شماره اول سال دوم قرن بیستم بصاحب امتیازی میرزاده عشقی و مدیر مسئولی (عباس اسکندری) در چهار صفحه بزرگ در مطبعه سربسی ایران و در تاریخ سه شنبه ۲۸ جمادی الاولی ۱۳۴۱ قمری مطابق ۲۵ جدی ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است. در سال دوم قرن بیستم بجای روزنامه سیاست که صاحب امتیاز و مدیر آن عباس اسکندری بوده و توقیف شده، منتشر گردیده و در حقیقت بجای روزنامه سیاست بوده است. سر مقاله این شماره تحت عنوان (سیاست) نوشته شده و در زیر آن نوشته است: سیاست چرا توقیف شد؟ چرا؟ برای آنکه سیاست در مدت یکسال و نیم عمر نویسندگی خود مثنی ثابت خود را تغییر نداد (در این سرمقاله شدت سیاست انگلیس و قوام السلطنه حمله شده است). محل اداره در سال دوم: طهران. خیابان شاه آباد. قیمت اشتراك یکساله داخله ۸۰ قران، ششماهه ۴۵ قران، سه ماهه ۲۵ قران. خارجه بملواه اجرت پست. تکشماره ۴ شاهی. «مدرجات قرن بیستم در سال دوم عبارت از سرمقاله های تند و آتشین و قسمتی از اشعار عشقی و مقالات اجتماعی تحت عنوان (الفبای فساد اخلاق) و اخبار داخله است. از دوره دوم روزنامه قرن بیستم ۱۸ شماره منتشر شده و آخرین شماره آن که شماره ۱۸ دوره دوم سال ووم است در تاریخ ۲۸ حمل ۱۳۰۲ شمسی انتشار یافته است.

در باره انتشار روزنامه بمدیری عباس اسکندری روزنامه ایران مورخ ۵ دلو ۱۳۰۱ در ضمن اخبار داخله اینطور مینویسد: «قرن بیستم که سال گذشته در شانزده صفحه مانند نوبهار این دوره منتشر میشد اینک با قطع بزرگ هفته سه شماره منتشر میشود. ما موفقیت آقای میرزاده عشقی و آقای عباس میرزا مدیر معترم آنرا از خدا خواهانیم.»

پس از چهارماه تعطیل مجدداً سومین دوره روزنامه قرن بیستم در سال ۱۳۰۳ شمسی، در آغاز رژیم جمهوریت منتشر گردید، در این دوره بیش از یکشماره منتشر نشد و مطالب و مقالات همین شماره باعث قتل عشقی گردید. تاریخ انتشار این شماره هفتم تیرماه ۱۳۰۳ شمسی مطابق ۲۴ ذیقعدة ۱۳۴۳ قمریست. این شماره با قطع کوچک در ۸ صفحه چاپ شده و مقالات و اشعاری که در این شماره باعث قتل عشقی شد عبارتند از: (آرم جمهوری) و (جمهوری سواد) و (نوحه جمهوری) مقاله آرم جمهوری در صفحه ۸ آخرین شماره روزنامه قرن بیستم چاپ شده و بمناسبت این مقاله (کاریکاتوری) نیز طبع گردیده است. مقاله مذکور بدینقسم شروع میگردد: «آرم لغتی است فرانسه خدا پدر فرانسه را پیامرزد که تمام جوجه فکلی های مارا با اصطلاح خودشان آدم کرده و از مشروطه خواهی هم گذرانده جمهوری طلب نموده است ...»

عشقی با انتشار این مقالات بر علیه جمهوری پیشنهادی رضا خان سردار سیه قیام نموده عاقبت هم جان خود را فدای عقیده خویش نمود و پس از انتشار آخرین شماره

حرف القاف بعده الرء

قرن بیستم

رورنامه قرن بیستم که همین شماره نیز بعثت مخالفتی که بارژیم جمهوریت در آن شده بود توقیف گردید، در تاریخ ۱۲ تیر ماه ۱۳۰۳ شمس هنگام صبح در خانه مسکونیش جنب دروازه دولت هدف گلوله دو نفر قرار گرفت. و اما اشعاری که در شماره اخیر روزنامه عشقی چاپ کرده تحت عنوان (جمهوری سوار) و (مظهر جمهوری) و (نوحه جمهوری) میباشد و همه آنها را آقای علی اکبر سلیمی در صفحات ۲۴۲ بآن طرف دیوان عشقی بنقل از همین شماره اخیر قرن بیستم بطبع رسانیده است.

در صفحه اول آخرین شماره قرن بیستم کاریکاتور مردی خرسوار را نشان میدهد که خود را پیای خم رسانیده و شیر میخورد و در کنار کاریکاتور نوشته است: (جناب جمبول بر خر جمهوری سوار شده شیر ملت را مکیده و میخورد بسر ما شیر بمالد). و در صفحه دوم اشعار جمهوری سواری طبع شده که دوشر اول آنها چنین است:

هست در اطراف کردستان دهی خاند آن چند کرد ابلهی

قاسم آباد است آن ویرانه ده این حکایت اندر آن واقع شده

در صفحه چهارم آخرین شماره اشعار (مظهر جمهوری) چاپ شده:

من مظهر جمهورم - الدرهم و بولدرم

از صدق و صفا دورم - الدرهم و بولدرم

در صفحه پنجم عکس تابوتی را نشان میدهد که زیر آن نوشته (جنازه مرحوم جمهوری قلابی) و این اشعار (تحت عنوان نوحه جمهوری) چاپ شده است:

آه که جمهوری ما شد فنا

پیرهن لاشخوران شد قبا

.

میرزاده عشقی - شرح احوال عشقی را آقای علی اکبر سلیمی در مقدمه دیوان عشقی بتفصیل چاپ کرده و احتیاجی بتکرار آن نیست فقط آنچه مربوط بیابان زندگی و قتل اوست در اینجا ذکر مینمائیم. مرحوم میرزاده عشقی در سن ۳۱ سالگی در طهران کشته شد. جزئیات وقوع حادثه را روزنامه ایران مورخ جمعه غره ذیحجه الحرام ۱۳۴۲ مطابق ۱۳ سرطان ۱۳۰۳ در ضمن اخبار داخله اینطور مینویسد: «صبح روز قبل دو نفر اشخاص مجهول درب منزل میرزاده عشقی رفته دق الباب مینمایند کلفت میرزاده پشت درب حیاط آمده و سؤال مینماید چه کار دارید میگویند بامیرزاده کاری داریم پس از استلام و اجازه درب منزل را بار نموده واردین باطاق میرزاده وارد و پس از اظهار بهانه که قبلا تهیه شده بود یکی از آنها رولور خود را کشیده يك تیر بطرف میرزاده شلیک و فرار مینماید گلوله بیالای شکم اصابت کرده می افتد کلفت او بنای داد و فریاد را گذارده چند نفری از اهالی جمع شده آژان هم رسیده میرزاده را در حالتی که صحبت میکرد بادرشکه بکمی ساریا برده در آنجا مختصر تحقیقاتی نموده برای عمل و معالجه بمریضخانه نظمیه می آورند دکتر نظمیه مشغول پانسمان و معالجه شده ولی بعد از ظهر مرحوم میشود جنازه ایشان بوسلیه درشکه باتفاق چند نفر از

حرف القاف بعده الرء

قرن یستم

نمابندگان مجلس و چند نفر از مدیران جراید حمل بمنزل شخصی خودش گردید .
 قضیه قتل عشقی بصورت ظاهر تمامدتی از طرف نظمیه تعقیب شد و چندی نیز
 ابوالقاسم خان بر ضیاء الساطان برای استنطاق در توقیف نظمیه بود . قتل عشقی در
 طهران و در مجلس جوش و خروشی برپا نمود و آقای ملک الشعرای بهار از طرف اقلیت
 مجلس در جلسه مجلس شورایی مورخ سه شنبه ۱۷ سرطان ۱۳۰۳ بیاناتی راجع باینکه
 دولت باید از این قبیل ترورهای سیاسی جلوگیری نماید و حتی باید قاتلین عشقی
 بهجازات برسند، اظهاراتی نمود و از طرف نمایندگان اکثریت نیز باظهارات آقای
 ملک الشعرای جوابهایی داده شد و خلاصه اینکه قتل عشقی در مجلس جار و جنجالی بر-
 پا کرده است . هنوز در طهران کوچه که منزل عشقی در آن واقع است نزدیک چهارراه
 سیدعلی بنام آن مرحوم موسوم است .

عشقی یکی از شعرای معروف زمان خود بوده و اشعارش دارای سبکی نو و بسیار
 جالب میباشد . دیوان او یکمربته در سال ۱۳۰۶ و بار دیگر در مطبعه شفق در مهر
 ۱۳۰۸ و دفعه سوم در سال ۱۳۲۴ شمس بوسیله آقای علی اکبر سلیمی طبع و منتشر
 شده است . عشقی در سال ۱۲۹۹ باصفهان آمده و در این شهر نمایش (رستاخیز
 پادشاهان ایران) را بمعرض نمایش گذاشته که شرح آنرا در شماره ۵۲ سال اول
 روزنامه اختر مسعود چاپ اصفهان مورخ ۲۴ حوت ۱۲۹۹ بدینقسم نوشته است :

شورش ادبی عشقی

آقای میرزاده عشقی جوان فارغ التحصیل مدرسه سلطانی و دارالفنون اسلامبول
 که در رشته علوم اجتماعی و فلسفه صاحب فن و دیپلوم هستند ، قریب دو سال است که
 بایران آمده و بد بختانه در کابینه وثوق الدوله در نظمیه طهران توقیف شد و چند ماه
 پیش باتفاق مصمم السلطنه بختیاری باصفهان آمده و پس از مراجعت معظم الیه ایشان
 موقتاً در اصفهان اقامت کرده و از نتایج تحصیلات عالی خود دامن همت بکمر زده و
 عالم معارف ایران را سرشار نمودند .

ایشان بعلاوه حسن علم و تحصیلات ، قوه شعری بس عالی دارند و مخصوصاً در
 انقلاب ادبی اشعار ما و عروض سبک اروپائی را باهم بکار انداختند، این جوان ادیب
 و دکتر علوم اجتماعی مادر همین ایام دو پرده نمایش یکی آهنگی (ابراهیم) موسوم
 (رستاخیز پادشاهان ایران) و دیگری نیم آهنگی (ابریت) موسوم : (از تاریکی
 بروشنائی) اولی را تماماً با اشعار بس مؤثر و بی اندازه عالی و بانوهای شرقی مخلوط
 بفری دوم را نظم و شر و بانوتهای بسیار پسندیده تازه بمعرض نمایش درآوردند
 رستاخیز پادشاهان ایران تاکنون دوبار نمایش داده شده و از تاریکی بروشنائی
 يك بار ادبا و دانشمندان وطن پرست بی اندازه عاشق روح جوان عشقی شده باصدای
 بلند میگوئیم : زنده باد عشقی .

(۸۹۰) قرن چهاردهم

روزنامه قرن چهاردهم در شهر رشت بدیری (آقای آزاده گیلانی) مدیر روزنامه

حرف‌الکاف بعده‌الزء

، قرن چهاردهم

فکر جوان، تأسیس و در سال ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است. شماره اول قرن چهاردهم در برج دلو ۱۳۰۲ شمسی انتشار یافته و ابتدا مطالب روزنامه بانظر هیئت تحریریه تهیه میشده و پس از یکسال در نتیجه اختلافی که بین مدیر روزنامه و هیئت تحریریه حاصل شده مدرس روزنامه از هیئت مذکور جدا شده است و برای اطلاع عموم در شماره ۶۴ روزنامه طلوع رشت مورخ ۲۰ دلو ۱۳۰۳ شمسی اینطور آگهی کرده است: «دوره دوم قرن ۱۴ چون بوسیله هیئت تحریریه اداره میشد که مقام جریده را محفوظ نداشت و از رویه متانت منحرف شده بودند لذا تیری از هیئت مزبور را لازم دانسته و امیدواریم در آتیه نزدیک نامه قرن ۱۴ را با سبک‌متین و اسلوب مرغوبی انتشار دهیم. نمره ۳۸ صاحب امتیاز قرن ۱۴ آزاده گیلانی»

قبل از تساریخ مذکور نیز روزنامه قرن ۱۴ موقتاً تعطیل بوده و در روزنامه طلوع مورخ اسد ۱۳۰۳ اعلانی بامضای آزاده گیلانی شده که کسانی که با اداره روزنامه کار دارند در اداره جریده پرورش باقای آزاده گیلانی مراجعه نمایند در شماره ۵۹ طلوع مورخ جدی ۱۳۰۳ بنقل از فوق‌العاده که بامضای هیئت تحریریه منتشر شده وعده داده است که جریده قرن ۱۴ هر هفته روزهای جمعه انتشار می‌یابد. روزنامه قرن ۱۴ نزدیک دو سال منتشر میشده و بعد توقیف شده و مدیر آن در صدد برآمده است که امتیاز دیگری بگیرد و لذا در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه فکر-جوان را گرفته است برای اطلاع از شرح احوال آقای آزاده گیلانی رجوع شود بکلمه فکر جوان در حرف‌الفاء کتاب.

(۸۹۱) قزوین

روزنامه قزوین بمدیری (میرزا ابوالقاسم) و سردبیری (م. ا. اسدزاده) در شهر قزوین تأسیس و در سال ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است. طرر انتشار آن هفته دوشماره بوده و قیمت اشتراك سالیانه آن در قزوین ۱۰ قران، و بلاد داخله ۱۲ قران. ششماه بترتیب ۶ قران، ۷ قران. وجه اشتراك بعد از سه ماه دریافت خواهد شد. قیمت تك نمره درهمه جا صد دینار است. محل اداره قرائت خانه قزوین. اسم روزنامه (قزوین) بخط نستعلیق درشت و در زیر عنوان روزنامه بدینقسم معرفی شده: «روزنامه ایست آراد سیاسی اخلاقی و مطالب عام‌المنفعه و مذاکرات انجمن ولایتی و ادارات و وقایع شهری درج میشود.»

شماره ۳۵ سال دوم قزوین در چهار صفحه بقطع وزیری بزرگ با چاپ سری در (مطبعه قزوین) چاپ و در تاریخ سه شنبه ۳ رمضان مطابق ۵ برج سنبله ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است. سرمقاله این شماره بعنوان (ضدیت علنی همسایگان باما) نوشته و بدینقسم شروع میگردد: «چندیت که رفتار دیپلوماسی روس و مأمور نظامی آنها که بر خلاف همه چیز و بر ضد تمام مواد اصلاح پرورانه دنیا قدم بداخل مملکت مسا گذارده ۰۰۰۰» پس از سرمقاله مذکور، مقاله (اولین تشکیل حکومت دموکراسی

حرف‌اتفاق بعده‌الشین

قزوين ، قشون

در عالم . بقیه از شماره قبل) و بعد مقاله از روزنامه پلیس ایران و در خاتمه اخبار شهری درج است .

بطور کلی مندرجات روزنامه قزوين عبارت از يك سرمقاله اساسی و یکی دو مقاله دیگر و اخبار شهرست . عنوان بعضی از سرمقاله‌ها بدینقرار است : شماره ۴۲ (اساس سیاست و پلتیک دول) ، شماره ۴۳ قسمت دوم سرمقاله شماره قبل است . سرمقاله شماره ۴۷ تحت عنوان (درد چیست ؟ درمان کدام است) نوشته شده و با مقدمه زیر شروع می‌گردد : « پیش آمد امور غیر مترقبه اختلال ادارات دوات ، بجرانهای متوالیه کابینه ایران ، ابداعات عدیده که از اثرات آنتریکهای دیلوماسهای روس و انگلیس هرروزه از پرده خفا ظاهر شده بمنصه ظهور میرسد هر يك از افراد حساس و نکته سنج سیاست ایران را در بحر تفکر فرو برده و بجزله ذیل متوجه ساخته با خود در عالم تفکر می‌گوید : درد چیست ؟ درمان کدام است ؟ »

روزنامه قزوين در سال دوم مرتب منتشر شده و دارای مقالات مفید و مهیج و مشتمل بر تلکرافهای انجمن ولایتی قزوين بانجمنهای سایر شهرهای ایران میباشد . آخرین شماره که از سال دوم نگارنده در دست دارد شماره ۶۵ مورخ بتاریخ یکشنبه ۲ محرم ۱۳۳۰ قمریست . سرمقاله این شماره بعنوان (چشم کجا که بنگرد حال فکارت ای وطن ! گوش کجا که بشنود ناله زارت ای وطن .) است . روز نامه قزوين از حیث زیبایی طبع و کاغذ در بین جراید آن ایام تازگی دارد . هما قسم که قبلاً یادآور شدیم یکقسمت از مندرجات روزنامه قزوين (مذاکرات انجمن ولایتی) قزوين واقدمات انجمن میباشد . و از این حیث قزوين روزنامه مفیدست . برون در کتاب « مطبوعات و شعر فارسی صفحه ۱۲۵ باختصار درباره این روزنامه پرداخته و مینویسد من نمره ۲۱ سال اول و ۱۶ سال دوم آنرا که در تاریخ سلخ جمادی الاول منتشر شده در دست دارم . روزنامه قزوين از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۳۲ قمری بعلت استیلای قشون روس و انقلاب آذربایجان تعطیل بوده تا اینکه مجدداً در شوال ۱۳۳۲ قمری بدیری آقای (مصطفی خان) از محاق تعطیل بیرون آمده و منتشر شده و تا سال ۱۳۳۲ قمری که نام آن در مجله پروین قید گردیده منتشر شده است .

(۸۹۲) قشون

مجله قشون در طهران تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . این مجله از انتشارات وزارت جنگ بوده و شماره اول آن در فروردین سال ۱۳۰۱ انتشار یافته و مرتباً مدت ده سال یعنی تا آخر سال ۱۳۱۰ شمسی ماهی دو شماره طبع و توزیع گردیده است . مجله قشون یکی از آثار قشون جوان و نیرومند ایران و مطالب آن مخصوصاً برای نظامیان مفید و برای غیر نظامیان نیز چون « شتمل بر ترجمه کتب مفیده میباشد سودمند است آ بونه مجله برای نظامیان ۶۰ قران و برای غیر نظامی ۸۰ قران قیمت تك شماره دو قران است . روی جلد مجله نشان مخصوص نظامیان و وزارت

حرف اکتاف بعده الام

قشون، قضانی، قلم آزاد

جنگ طبع گردیده است .

شماره پنجم سال سوم مجله قشون بقطع خشتی و با چاپ سری (مطبعه کل قشون) طبع و در تاریخ اول جوزای ۱۳۰۳ منتشر شده است . محل اداره : وزارت جنگ و طرز انتشار آن روز اول و پانزدهم هر برج منتشر میشود . فهرست مندرجات این شماره عبارت است از عامل اخلاقی (صفحه ۱۹۳) مایه طبی هوا نوردان (صفحه ۲۱۱) تیر-اندازی (۲۲۳) نویسندگان و مترجمین این شماره بترتیب عبارتند از آقای غلامحسین مقتدر، و امیر اعتضاد و سرهنگ رضا قلی، و نیز در زیر اسم مجله (قشون) سال تأسیس (۱۳۴۰ قمری) قید گردیده است . در ابتدای تأسیس مدیری مجله با آقای نوبخت مدیر روزنامه بهارستان بوده ولی بعداً ایشان در انتشار مجله سستی نداشته اند ،

(۸۹۳) قضانی

مجله قضانی در سال ۱۳۰۳ شمس در طهران بطور ۱۵ روزه تأسیس و منتشر شده است .

(۸۹۴) قلم آزاد

روزنامه قلم آزاد در طهران بدیری (حسین هاتفی) تأسیس و در سال ۱۳۰۲ شمس منتشر شده است . شماره اول سال اول این روزنامه در چهار صفحه بقطع وزیری با چاپ سری در مطبعه (سعادت) طبع گردیده و در تاریخ سه شنبه ۳۰ شعبان ۱۳۴۱ مطابق ۲۷ حمل ۱۳۰۲ منتشر شده است . محل اداره : طهران خیابان علاءالدوله . مدیر و نگارنده (حسین هاتفی) عنوان تلگرافی : طهران . قلم آزاد . عجلتاً هفته یک شماره منتشر میشود . وجه اشتراك سالانه داخله ۵۰ قران . ششماه ۳۰ قران . خارجه ۶۰ قران و ۳۵ قران . تک شماره شش شاهی .

روزنامه قلم آزاد بدینقسم معرفی شده : روزنامه سیاسی ، ادبی ، اجتماعی ، تاریخی . مقاله افتتاحی آن بدینقسم شروع میگردد :

« مرام ما - قبل از آنکه شروع بنوشتن مرام و مسلک قلم آزاد بنمائیم لازم است مفاد مکتوب هفده سال قبل مرحوم مغفور طالب ف را که بجدال اسلام کرمانی مدیر ندای وطن نوشته بود بنظر خوانندگان محترم برسانم ۴۰۰۰۰ »

مندرجات قلم آزاد بهیر از مقاله اساسی عبارت از مختصری اخبار و مکتوبات متفرقه است . در شماره دوم مورخ ۹ نور ۱۳۰۲ در صفحه اول آن عکس سردار سپه (رضا خان) رسم شده و این اشعار در بالا و اطراف آن درج گردیده است : (مرکز امن و امان امروز ایران است و بس * هست گر مردی در این کشور رضا خان است و بس * حضرت اشرف وزیر جنگ کز پیشی عبو ..) از روزنامه قلم آزاد نگارنده تا شماره ۱۰ سال اول مورخ پنجشنبه ۲۹ صفر ۱۳۴۲ مطابق برج میزان ۱۳۰۲ آنرا در دست دارم . لازم است یادآور شویم که قبل از نشر روزنامه آگهی انتشار آن در روزنامه های طوفان و ایران چاپ شده است .

(۸۹۵) قلم آزاد

علاوه بر روزنامه قلم آزاد که شرح آنرا نوشتیم در طهران مجله بنام قلم آزاد بدیری و مؤسی (ح. معطر) تأسیس و در سال ۱۳۰۸ شمسی منتشر شده است. شماره ۱ - ۱۰ مجله قلم آزاد در ۲۴ صفحه بقطع وزیری متوسط با چاپ سری و کاغذ اعلی و پست جلد حسانی در ابانماه ۱۳۰۸ شمسی چاپ و منتشر گردیده. جای اداره: سرای حاج حسن (طهران) عنوان تلگرافی: قلم آزاد. طرز انتشار مجله ماهانه بوده و آبونه یکساله آن داخله ۱۲ قران. خارجه ۱۰ شیلینگ. قیمت اعلانات یک صفحه ۲۴۰ قران. نیم صفحه ۱۴۰ قران، ربع صفحه ۷۷ قران، و یک هشتم صفحه ۴۰ قران، و یک شانزدهم ۳۰ قران، و یک بیست و دوم ۲۰ قران تخفیف برای سه اعلان صدی پنجاه و برای شش اعلان ۱۰۰/۰ برای ۱۲ اعلان ۱۵۰/۰. اعلانات مجاناً ترجمه میشود. قیمت تک نمره یک قران. علت اینکه درباره بهای اعلان تفصیل بالا را نوشته این است که مجله قلم آزاد مخصوص درج اعلان و باین منظور تأسیس شده است. در صفحه ۵ شماره ول (پس از چند صفحه اعلان) تحت عنوان (مقصود ما) مینویسد: قبل از آنکه ما بخواهیم فلسفه پیشرفت صنعتی و تجارتنی مملکتی که سیر تعالی نموده اند داخل شویم لازم است برای قارئین محترم مرام و مقصود این مجله را نشان داده و بعد داخل شویم بکمیات و کیفیات آن که تنها نشان دادن راه ترقی و تعالی بوسیله صنعت و تجارت است. ما میخواهیم این مجله را هادی و راهنما قرار دهیم. از طرفی برای آشنا شدن تجار ایرانی بکارخانجات صنعتی عالم و از جهت دیگر جلب کنیم نظریات کارخانجات خارجی را بمواد خام و مواد اولیه ایران و مربوط سازیم تجارتخانه های داخلی و خارجی را باهم بوسیله انتشار آدرس آنها و بدهیم اطلاعات کافی راجع بطرز معاملات و تجارت و صنعت، صادرات و واردات بازارهای دنیا. ما میل نداریم بداخل در مراحل سیاسی، و در عوض سیاست بافی در نظر داریم خدمت بزرگی را انجام دهیم که یگانه مسایه حیاتی هرملتی میباشد یعنی تقویت روح صنایع و تجارت و ارتباط تجارتنی بهتری بین تجار ایرانی و خارجه و این بار سنگین را تا آخرین نفس با تمام قوای خود خواهیم کشید. باری چون این مجله مخصوص صنعت و تجارت است و بقدر امکان نمی خواهیم از پلتیک صحبت نمائیم، قارئین محترم از چند کلمه فوق مقصود را فهمیده و خواهند فهمید. ما در نظر داریم انتشار این مجله را عجلتاً در ماه یکم ربه در ۲۸ صفحه بچهار زبان فارسی، انگلیسی، فرانسه، آلمانی و امیدواریم در آتیه نزدیکی بر صفحات این مجله افزوده و یا بطور هفتگی منتشر نمائیم و برای اینکه مجله در دسترس عموم تجار و کسبه باشد آبونمان آنرا بنسازترین قیمتی قرار داده ایم مجله تجارتی قلم آزاد هر نمره پنجهزار جلد چاپ و در تمام ممالک دنیا منتشر میشود. «

از مقاله مذکور که در حقیقت مقاله افتتاحی مجله است خصوصیات و طرز انتشار مجله قلم آزاد معلوم میگردد و ما برای مزید اطلاع خوانندگان عین آنرا نقل کردیم شعار مجله که دوهر شماره در عنوان مجله چاپ شده دختریست که ورقه در دست دارد

حرف قاف بعده اللام

قلم آزاد ، قلم توانا ، قلم پاك

وروی آن بخط نستعلیق اسم مجله بزبان فارسی (مجله تجارتی قلم آزاد) و فرانسه نوشته شده و این دختر روی کره ای ایستاده است . مجله تجارتی قلم آزاد در مطبعه سری (مدون) چاپ شده است . مندرجات مجله علاوه بر اعلانات متعدد عبارت است از مقالات اقتصادی از قبیل : (بیمه - يك نظریه مفید راجع بمسئله بیمه در ایران قانون انحصار تجارت و متمم آن - قانون ثبت شرکتها) از شماره ششم که باشماره هفتم یکجا منتشر شده مدبر داخلی مجله (ع . حکمت) در عنوان مجله معرفی شده . از مجله قلم آزاد تانمره ۱۲ سال اول مورخ اردیبهشت ماه ۱۳۱۰ شمسی در دست است با انتشار این شماره سال اول مجله خاتمه پیدا کرده است . روی هر صفحه بیشتر اهمیت مجله قلم آزاد بواسطه اعلانات آنست .

(۸۹۶) قلم توانا

روزنامه قلم توانا بمدیری (میرزا مرتضی خان فتوحی) در طهران تأسیس و در سال ۱۳۰۴ شمسی بطور روزانه منتشر شده است . امتیاز این روز نامه در تاریخ ۲۴ تیرماه ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته است .

(۸۹۷) قلم پاك

روزنامه قلم پاك در طهران بمؤسسی و مسئولی (عبدالله زاده) تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . شماره اول این روزنامه در چهار صفحه بقطع وزیری متوسط در مطبعه سعادت طهران چاپ و در تاریخ جمعه ۲۷ ربیع الاول ۱۳۴۱ قمری منتشر شده است . در صفحه اول این شماره عکس سید جمال اسد آبادی و در زیر آن مختصر شرح احوال آن دانشمند بانمجید از وی و در صفحات ۲ و ۳ که با چاپ سنگی طبع گردیده کاریکاتور و در صفحه چهارم اشعاری بعنوان (اذیات و فکاهی) طبع گردیده است . اسم روزنامه (قلم پاك) در گوشه راست عنوان و در بالای آن بعنوان شعار روزنامه آیه (ن والقلم وما یسطرون) چاپ شده محل اداره : ناصریه . اداره (بدر) و آدرس تلگرافی : قلم پاك است . بهای روزنامه : طبقه اول ده تومان طبقه دوم پنج تومان . طبقه سوم دو تومان . تك نمره شش شاهی . و نیز در عنوان روزنامه وعده داده است که (بهت معارف پروران یومیه خواهد بود) ولی ظاهراً هیچگاه یومیه نشده است پس از انتشار شماره ششم روزنامه توقیف شده و بجای آن روزنامه (فلق) انتشار یافته است برای اطلاع از روزنامه فلق و سرمقاله آن که چگونه بدون جهت روزنامه قلم پاك توقیف شده بعرف ف کتاب کلمه فلق رجوع شود . پس از مدتی قلم پاك از توقیف خارج شده و شماره هفت آن در تاریخ سه شنبه ۳۰ شعبان ۱۳۴۱ قمری مطابق ۲۷ حمل ۱۳۰۲ شمسی مجدداً منتشر شده و این شماره روی يك ورق با قطع بزرگ طبع گردیده است از روزنامه قلم پاك فعلاً تا شماره ۱۴ مورخ شنبه ۲۲ ذیحجه ۱۳۴۱ مطابق ۱۵ سرطان ۱۳۰۱ در دست است .

۸۹۸ قندپارسی

مجله ادبی قندپارسی بمبیری (محمد احسن الله خان المتخلص بشاقب) درعلیگر هندوستان طبع ودرسال ۱۳۲۳ قمری منتشر شده است . برون در کتاب شعر و مطبوعات (صفحه ۱۲۵) در باره قندپارسی بطور اختصار نوشته است روزنامه ادبی قندپارسی در علیگر هندوستان چاپ شده است و اضافه کرده است که من نمونه آنرا ندیده ام . نگارنده نیز تا کنون نمونه این مجله را بدست نیاورده ام و اطلاعی که در باره آن دارم عبارت از شرحی است که در شماره اول سال دوم مجله چهره نما منطبعه مصر مورخ ۱۵ جمادی الاول ۱۳۲۳ قمری نوشته و آن شرح بعینه چنین است : > قندپارسی پارسی گویم که نغز و دلکش است & چون مرا با پارسی گفتن خوش است . نامه نامی و روزنامه گرامی (قندپارسی) چاپ شده علیگر هندوستان که چون باغی است از گل های رنگارنگ پارسی آراسته و بوستانی است از غنچه های نوشکفته زبان دری پیراسته و نگارشات شیرینش بازار سخن سنجان ترک و تازی را شکسته و سخنان نمکینش بازوی شیرین زبانان بسته . شاهی است در سخن پردازش شکرزا و دلارائی است در سخن طرازی سراسر زیبا و ستایش بسیار و گدازش بیشمار (ز شیرینی شکر را بسته بازار & از اومد هوش طوطی در شکرزار) این نخستین نامه مشکین چکامه است که در هندوستان از ریزش خامه عبرین آینه خردمند دانش پژوه یگانه فرزانه (محمد احسن الله خان المتخلص بشاقب) پیارسی سخن راند نو آموز گاران را در پارسی آموختن و دبستانیان را در فرس و دری آموختن بهترین سرمایه است بسزا و خوشترین پیرایه است بجا (مدیر روشن ضمیرش شاقب) در چکامه پارسی باتازی سرودن سرآمد سخن سنجان است و زنده کننده سنائی و خاقانی است چنانکه میگوید : بایست در عین هجران روی خندان داشتن & دشته بر جان خوردن و پنهان ز جانان داشتن & يك گلستان گل بدامن زبیت دریاد وصل & يك جهان شادیت باید روز هجران داشتن <<>

(۸۹۹) قیام

روزنامه قیام بمبیر مسئولی آقای (موسوی زاده) مدیر و صاحب امتیاز روزنامه پیکر ، در طهران تأسیس و در سال ۱۳۰۱ منتشر شده است . آقای موسوی زاده علاوه بر انتشار روزنامه قیام و پیکر بافرخی مدیر طوفان نیز همکاری داشته و ما شرح همکاری او را در ذیل روزنامه طوفان نوشته ایم و نیز در روزنامه پیکر در جلد دوم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران گفتگو کرده ایم . طرر انتشار روزنامه قیام هفتگی بوده و بیش از سه شماره از آن منتشر نشده و شماره سوم آن نیز در زیر کلیشه روزنامه ایران آزاد انتشار یافته و در صفحه دوم همین شماره سوم است که موسوی زاده خطاب بشاه ایران بدبختیهای ملت را تذکر داده است . و همین مقاله سبب توقیف روزنامه و تبعید موسوی زاده باتفاق

حرف قاف بعده الیاء

قیام بحق ، قیامت ، قیام شرق ، کار

ضیاء الواعظین مدیر روزنامه ایران آزاد گردیده است . روز نامه طوفان در شماره ۳۱ سال دوم مینویسد موسوی زاده سه بعد از ظهر شنبه ۲۴ جمادی الثانی مطابق ۲۲ دلو ۱۳۰۱ شمسی در راه آزادی با اتفاق آقای ضیاء الواعظین مدیر روزنامه ایران آزاد از طهران تبعید شده و باصفهان و یزد فرستاده شده اند. فرخی مدیر طوفان در همین شماره شرح مؤثری بعنوان : «بیا میگویند مصالح مملکت و مقتضیات کنونی حرکت آنها را ایجاب نموده است ...» نوشته و پشت از دو همکار خود موسوی زاده و ضیاء الواعظین دفاع کرده است .

قبل از تبعید این دو مدیر روزنامه ، در دو ساعت ونیم قبل از ظهر روز یکشنبه ۱۵ دلو ۱۳۰۱ شمسی محکمه ای بضویت هیئت حاکیه (آقا شیخ رضا دهخوار قانی - آقا حسین همدانی - آقا سیدهادی نوری - شریعت زاده - آقا شیخ علی اکبر مازندرانی) برای محاکمه ضیاء الواعظین و موسوی زاده تشکیل شده و نتیجه محاکمه تبعید آنها بوده است . خبر این محاکمه تحت عنوان (شامو موسوی زاده) در شماره ۳۶ سال دوم طوفان چاپ شده است . آقای موسوی زاده بعد از شهریور ۲۰ در کابینه قوام السلطنه چندی وزیر دادگستری و زمانی هم وزیر مشاور بوده است.

(۹۰۰) قیام بحق

روزنامه قیام بحق در سال ۱۳۰۱ شمسی بطور هفتگی در طهران تأسیس و منتشر شده است . نمونه هایی از این روزنامه را سابقاً دیده و در دست داشته ام ولی در حال حاضر برای قتل خصوصیات آن موجود نیست .

(۹۰۱) قیامت

روزنامه قیامت در سال ۱۳۰۱ شمسی بطور روزانه در طهران تأسیس و منتشر شده است .

(۹۰۲) قیام شرق

روزنامه قیام شرق در سال ۱۲۹۶ شمسی در طهران هفته سه بار منتشر شده است نمونه از این روزنامه را تاکنون بدست نیاورده ام .

حرف الکاف

(۹۰۳) کار

روزنامه کار در طهران بدیر مسئولی و صاحب امتیازی آقای (ابوالفضل لسانی) تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . شماره اول این روزنامه در چهار صفحه قطع بزرگ با چاپ سری در مطبعه بوسفور چاپ و در تاریخ سه شنبه ۱۸ رجب ۱۳۴۱ مطابق ۱۵ حوت ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . طرز انتشار روزنامه کار هفته سه شماره روزهای یکشنبه و سه شنبه و پنجشنبه بوده

حرف الکاف

کار، کارگر

و روزنامه بدینقسم معرفی شده: «سیاسی، اجتماعی، اقتصادی». شماره اول با سرمقاله ای بدینقسم شروع میگردد: «کار برای یکار. هر کسی دربدو امر باین کلمه کوچک نظر انداختن ممکن است در دفعه اول بلیقه انتخاب کننده این کلمه کوچک بر معنی انتقاد نماید...» پس از این سرمقاله مقاله دیگری بعنوان (تشنجات اروپا) و بعد اخبار داخله و خارجه چاپ شده. در صفحه دوم و سوم روزنامه ترجمه کتاب (اقتصاد سیاسی با اگونوم پلینیک تألیف آ. یو کهانوف) طبع گردیده است روزنامه کار روزنامه ایست سیاسی و اخباری. نظیر روزنامه سیاست و در آن جداً بقوام السلطنه و سید ضیاءالدین و نصرت الدوله و ملک الشعراى بهار با درج مقالات شدیدی حمله شده محل اداره روزنامه کار: طهران. خیابان ناصریه نمره ۳۰ وجه اشتراك روزنامه: سالیانه ۸۰ قران، شش ماهه ۴۵ قران کارگران و محصلین و معلمین دو تومان تخفیف داده میشود ولایات اجرت پست افزوده میشود. قیمت تك فروشی ۶ شاهی. از روزنامه کار فعلاً تا شماره ۸۰ مورخ سه شنبه ۱۲ ربیع الاول مطابق ۳۰ میزان ۱۳۰۲ در دست است.

آقای ابوالفضل لسانی آقای لسانی از قضات معروف ایران و در ابتدای خدمت خود در دادگستری چندی در اصفهان و بعد در یزد مشغول کار بود. در ۱۳۲۹ در مجلس سنای ایران شرکت کرد و شغل رسمی او وکالت دادگستریست.

(۹۰۴) کارگر

روزنامه کارگر در شهر خوی بدیری و صاحب امتیازی (میرمحمد ماکوئی) تأسیس و در سال ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده است. شماره دوم این روزنامه در چهار صفحه بقطع وزیری در مطبعه سربی (خوی - مطبعه ادب) چاپ و در تاریخ ۱۷ ذیحجه ۱۳۳۸ مطابق ۹ سنبله ۱۲۹۹ شمسی منتشر گردیده. طرز انتشار روزنامه کارگر هفته یکمرتبه روزهای چهارشنبه بوده و مندرجات آن پس از درج سرمقاله، مطالب و مقالات راجع بر سرمایه داران و سوء استفاده آنان و نیز اهمیت طبقه کارگر و همچنین حوادث و وقایع شهرخوی و تلگرافات و اخبار داخله ایران میباشد. روزنامه مذکور طرفدار کارگران است.

محل اداره روزنامه کارگر: دربند حاجی ابراهیم خلیل و عنوان تلگرافات: خوی کارگر. محل فروش: دواخانه اتحاد. وجه اشتراك درخوی سالیانه دو تومان، ششماهه ۱۲ قران. داخله سالیانه ۲۵ قران، ششماهه ۱۵ قران. نمره يك عباسی. در فهرست جراید آذربایجان راجع باین روزنامه مینویسد: «روزنامه هفتگی منتشر در خوی با چاپ سربی بدیریت میر مهدی ماکوئی در ۱۳۳۸». نگارنده از روزنامه کارگر تا شماره چهارم مورخ ۲ محرم ۱۳۳۹ قمری را در دست دارم. نا گفته نماند که در عنوان روزنامه مدیر و صاحب امتیاز (س. م. ماکوئی) معرفی شده و در انتهای صفحه ۴ مدیر مسئول (میر مهدی ماکوئی) امضاء نموده که ظاهراً هر دو یکنفرند.

علاوه بر روزنامه کارگر منتشر در خوی، روزنامه بهمین نام یکمرتبه در سال

۱۲۹۳ شمسی بطور هفتگی و یکبار در سال ۱۳۰۱ شمسی باز بطور هفتگی تأسیس و منتشر شده که چون نگارنده نمونه از هیچکدام بدست نیاورده، جدا گانه شرح آنها نبرداخت.

(۹۰۵) کارون

روزنامه کارون در اصفهان بمدير مسئولی و نگارندگی (سعید شیروانی) تأسیس و در سال ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است. شماره ششم سال اول این روزنامه روی یک ورق بزرگ، با چاپ سری در مطبعه (بامداد اصفهان) طبع و در تاریخ دوشنبه ۲۹ صفر ۱۳۴۲ قمری مطابق ۸ میزان ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است.

صاحب امتیاز روزنامه کارون (م. ج. شیروانی) معرفی شده، محل اداره روزنامه اصفهان خیابان چهارباغ وجه اشتراك: سالیانه ۵۰ قران. مند رجات روزنامه کارون ما توسط سایر جراید محلی مقالات گوناگون و اخبار محلی و اخبار داخله است. برای اطلاع از سبک مقالات آن قسمتی از سرمقاله شماره نمونه را ذیلا نقل مینمائیم: «آغوش مادر - خوب فکر کنید به بینید سرمنشاء این خرابی - سرچشمه این فساد اخلاق و منبع این فقر و پریشانی کجاست، شما هرچه زیادتیر سعی و تلاش میکنید هرچه بر اصرار خود دربر انداختن این وضعیت ناهنجار میافزایید و هر قدر بخواهید خود را بهتر نمائید روز بروز بدتر شده می بینند امروز از روز گذشته یک درجه یرتگاه زوال نزدیکتر شده اید. دیروز جنون بلکه شما زرد بهوس افتادید رژیم را تغییر دهید بلکه از زیر فشار استبداد خلاصی جوید استبداد را مشروطه بدل نمودید ولی امروز می بینید همان آتش است و همان کاسه ...» پرواضح است نوشتن چنین مقاله در آن ایام که مقدمات تغییر سلطنت تشکیل میشد قدری مشکل بوده است. آنچه در روزنامه کارون تازگی دارد قطع آنست که برای اولین بار در روزنامه های ولایات مانند طهران، کارون بقطع بزرگ چاپ شده است. روزنامه ارژنگ مورخ ۳۰ بهمن ماه ۱۳۰۵ شمسی اعلان نموده است از هفته آینده روزنامه کارون انتشار خواهد یافت. نمونه از انتشار مجدد آن در دست نگارنده نیست. اشتباه نشود این آقای سعید شیروانی با آقای بنان السلطان شیروانی مدیر روزنامه میهن ارتباطی ندارد.

(۹۰۶) کازرون

در سالنامه ۱۴ - ۱۳۱۵ معارف فارس مینویسد در سال ۱۳۰۵ شمسی جریده بنام کازرون بتوسط آقای میرزا عبدالله کاررونی طبع گردید ولی قبل از انتشار از طرف والی فارس توقیف شد.

(۹۰۷) کاشان

روزنامه کاشان در شهر کاشان بمديری (نایب‌الصدر) تأسیس و در سال ۱۳۲۹

قمری بطور هفتگی منتشر شده است. برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۲۵) در باره این روزنامه مینویسد روزنامه کاشان در سال ۱۳۲۹ قمری در شهر کاشان منتشر شده است.

(۹۰۸) کاشف اسرار

روزنامه کاشف اسرار در اصفهان بمدير مسئولی (پروردین) تاسیس و در سال ۱۲۹۵ شمسی منتشر شده است.

شماره اول سال چهارم روزنامه کاشف اسرار با قطع بزرگ و زیری با چاپ سری در مطبعه (جلالیتین) چاپ و در تاریخ دوشنبه ۸ رجب المرجب ۱۲۹۹ هجری قمری منتشر شده است.

سرمقاله این شماره که (بنام نامی اعلی حضرت قدر قدرت سلطان احمد شاه) نوشته و بالای آن تاج کیانی گراور شده بدینقسم شروع میگردد: «تعویل حل شد و در تمام قاط ایران قارخانه افتخار و مباحات را بنام دیهیم کیانی و وارث تخت و تاج کیان سلطان احمد شاه زدند ۰۰۰۰» پس از این سرمقاله، مقاله دیگری بعنوان (تاریخ ضبط کن) درج شده و در آن پشت سیاست همایه شمالی تاخته و من جمله مینویسد: «و اسفا در حدود خراسان قزاقان روسی بدون رعایت ناموس بهام زنانه رفتند معا بدما طویله اسبان لشکریان تزار قبه مطهره حضرت رضا را باتوپ شربار خراب کسب و مردمان بی سلاح ماهدف تیرزها گین.» در پایان این مقاله مینویسد «این نوروز روح ملیت مارا زنده داشته این عید سعید قارخانه شرافت و اصالت مارا بگوش عالیان رسانید همایه محبوب جنوبی ما استقلال مارا بیاد شیرهای نیاکان ایران هدیس نموده تبریک گفت.» در همین شماره مقاله ای تحت عنوان (چهارمین سالما) نوشته و مقاله مذکور بدینقسم شروع میگردد: «سه سال تمام است ادای وظیفه نموده برای آگاهی ملت خویش فداکاری نمودیم آنچه را که در امکان داشتیم بیم و پروا نداشته گفتیم و نوشتیم با اینکه باهزادان موانع ۰۰۰» اخبار اصفهان و داخله نیز قسمتی از مندرجات کاشف اسرار را تشکیل میدهد.

در عنوان روزنامه کاشف اسرار بدینقسم معرفی شده: «این روزنامه از حوادث داخله و خارجه و سیاست مدن و اصلاح ملکیه و علوم و تاریخ و فلاحت نوشته میشود.» محل اداره: اصفهان. خیابان خوش. عنوان تلگرافی کاشف اسرار طرز انتشار آن هفتگی بوده و در عنوان روزنامه قید گردیده که بهای این روزنامه همه جا پیش گرفته میشود. کسانی که مایل باشند اشتراک نمایند نمره اول را پس بفرستند. قیمت روزنامه: اصفهان یکساله ۶۰ قران شش ماهه ۳۵ قران داخله یکساله ۷۰ قران شش ماهه ۴۰ قران. تعیین اجرت لواایح خصوصی و قیمت اعلانات با سردیر است.

کاشف اسرار از روزنامه های تند و لایات است که در اصفهان علیه سیاست همایه شمالی منتشر میشده است.

حرف الكاف

كاشف اسرار ، كاشف الحقائق ، كافابار ، كالات شارارا

ابوالقاسم پروردین ملقب به مؤید الشریفه گیلانی مدیر روزنامه کاشف اسرار بغیر از این روزنامه، روزنامه های عصر پهلوی ولوای اسلام را نیز در اصفهان منتشر نموده است. از روزنامه عصر پهلوی در حرف عین کتاب (مجله سوم) گفتگو کردیم و از لوای اسلام نیز در محل خود گفتگو خواهیم کرد.

روزنامه ازونك چاپ اصفهان در شماره ۲۲ سال اول خود مورخ ۱۳ اسفند ۱۳۰۴ شمسی شرحی در باره توقیف کاشف اسرار و انتشار عصر پهلوی بجای آن بدینقسم نوشته است: «در اثر خدشات وزحمانی که مدیر شجاع روزنامه کاشف اسرار تحمل نموده اند پس از توقیف بی جهت روزنامه مهم کاشف اسرار به نیل امتیاز روزنامه (عصر - پهلوی) موفق و طلیمه برجسته آن در این هفته چشم آزادخواهان را روشن نمود. «مرحوم مؤید الشریفه گرفتار بیماری سل شد و چندی در اصفهان و طهران معالجه میکرد و عاقبت هم در اصفهان فوت نمود. نامبرده از دوستان صمیمی مرحوم جلال السلطنه بود. چند مرتبه ملاقاتش دست داد بالباس عمامه مردی خوش لباس و بسیار پاکیزه بود. از او فرزندی بنام موبد باقیست که در شهر بانی مشغول خدمت می باشد. قبر او در تخت فولاد اصفهان است.

(۹۰۹) كاشف الحقائق

برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی صفحه ۱۲۵ مینویسد روزنامه کاشف الحقائق بدیری (میرزا حبیباله خان مدیر مؤسسه وطن) در طهران تأسیس و هفته دو بار در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است. برون اضافه میکند که از روزنامه کاشف الحقائق بیش از یک شماره منتشر نشده و این شماره را من در دست دهم. محل انتشار آن در رشت بوده در چهار صفحه و هر صفحه آن شش و دو چهارم در یازده و یک چهارم اینچ است. وجه اشتراك در شهر رشت ۱۲ قران. در سایر شهرهای ایران ۱۸ قران. در اروپا ده فرانك. در قفقاز چهار منات. در هندوستان ۴ مجیدی.

(۹۱۰) كافابار

روزنامه كافابار بزبان ارمنی در طهران بدیری (آرام پکیان) تأسیس و در سال ۱۳۰۳ شمسی منتشر شده است. امتیاز این روزنامه در تاریخ ۱۵ قوس ۱۳۰۳ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گنشته و بنا بر این انتشار آن در نیمه دوم سال مذکور بوده است.

(۹۱۱) كالات شارارا

روزنامه منصفی كالات شارارا بزبان آسوری در شهر ارومیه (رضایه) بدیری دلود تأسیس و در سال ۱۸۹۶ میلادی منتشر شده است. آقای دلود بعداً اسلام اختیار کرد و بنام (عبدلأحد) موسوم و در اسلامبول ساکن گردید برون در کتاب شعر و مطبوعات فارسی پس از توضیح بالا مینویسد روزنامه مذکور بوسیله هیئت مرسلین كاتوليك فرانسیوی منتشر میشده است.

(۹۱۲) کامکار

روزنامه کامکار در شهر اصفهان بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (فضل‌العوض زاده) تأسیس و در سال ۱۳۰۶ شمسی مطابق ۱۳۴۶ قمری منتشر شده است. این روزنامه ابتدا بطور هفتگی و بعد هفته دوبار و مدتی بطور روزانه منتشر میشده. کامکار بیشتر در چهار صفحه وزیری در مطبعه سربلی (اتحاد) طبع شده و پس از روزانه شدن روی یک‌دورق بقطع سابق طبع و نشر شده. محل اداره روزنامه اصفهان خیابان سبه. سردر مطبعه جبل‌المتین. قیمت اشتراك آن اصفهان سالیانه ۴۰ قران، ششماهه ۲۴ قران، سه ماهه ۱۲ قران سایر ولایات بترتیب ۵۰ قران، ۳۰ قران، ۱۵ قران. بمحصلین مدارس و کسبه تخفیف داده خواهد شد.

مندرجات روزنامه کامکار مانند سایر جراید محلی پس از سر مقاله عبارت از مقالات مختلف و اخبار داخله و خارجه و چند شعر و پس از تشکیل اداره ثبت اسناد و املاک اصفهان قسمتی از صفحات روزنامه را آگهی‌های ثبتی پر کرده است. در حقیقت پیدایش روزنامه کامکار بمنظور درج و نشر آگهی‌های ثبتی بوده و بهمین مناسبت پس از چندی توانست چاپخانه مستقلی تهیه نماید. ولی دیری نگذشت که روزنامه در اصفهان زیاد شد و روزنامه‌های گیتی نما و اخگر و صحت نیز سهمی از آگهی‌های ثبتی گرفته و در نتیجه مدیر روزنامه کامکار مجبور شد اداره روزنامه و مطبعه را بشهر قم منتقل نماید. روزنامه کامکار تا آخر سال ۱۳۱۱ شمسی در اصفهان منتشر شده و از آن پس یعنی از ابتدای سال ۱۳۱۲ شمسی منتشر شده است. از روزنامه کامکار در قم جداگانه گفتگو مینمایم.

نگارنده از بدو تأسیس روزنامه کامکار با مدیر آن آشنائی و سوابق دوستی داشت و چون نامبرده از فن نویسندگی اطلاعی نداشت برای انتشار روزنامه احتیاج زیادی بارباب قلم و نویسندگان داشت. نگارنده در آن ایام شوق و افسری بنوشتن مقاله مخصوصاً درج و انتشار آن را در جراید داشت و از اینجهت پس از تأسیس روزنامه کامکار، رایگان بامدیر آن همکاری میکرد. يك قسمت از مقالات نویسنده بدون امضاء چاپ میشد و گاهگاهی با امضای صریح درج میگردد و من جمله در شماره ۱۹ سال اول مورخ ۱۶ بهمن ۱۳۰۶ تحت عنوان (هنوز طفل هستیم) و نیز در شماره ۲۵ سال اول مورخ دو شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۰۷ شمسی مقاله دیگری بعنوان (الغاء کاپیتولاسیون) بقلم نگارنده تدوین شده است.

مرحوم فضل‌اله کامکار با اینکه معلومات لازم برای روزنامه نویسی نداشت اما در اثر پشت‌کار و جد و جهد و کوشش توانست از شاگردی مطبعه اتحاد بمدیر روزنامه ترقی نماید. و از راه روزنامه نگاری خدماتی بهمشهریان خود بکند و نامی از خود باقی‌گذارد. وی فرزند عوض نام هفده جانی، و بهمین جهت نام خانوادگی خود را عوض زاده انتخاب کرده بود. تحصیلاتش تا شش ابتدائی و پس از کشته شدن پدرش

مدرسه را ترك و در مطبعه اتحاد شاگردی مینمود. زمانی نیز مطبعه را ترك و در بازار مسگرها دکان سقط فروشی باز کرد و بعد دومرتبه وارد کار مطبعه شد و بواسطه آشنائی بامور مطبعه بود که در خواست امتیاز روزنامه کرد و امتیاز جریده کامکار در تاریخ ۲۳ فروردین ۱۳۰۶ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشت. مرحوم کامکار در اصفهان علاوه بر روزنامه کامکار مجله درخشان را نیز منتشر ساخت و ما از این مجله جداگانه در حرف دال کتاب گفتگو نموده ایم.

(۹۱۳) کامکار

روزنامه کامکار در شهر قم بدیری (فضل الله کامکار) تأسیس و در سال ۱۳۱۲ شمسی منتشر شده است روزنامه کامکار در قم دنباله انتشار روزنامه در اصفهان میباشد بدین شرح که پس از آنکه آگهیهای ثبتی در اصفهان رو بقتصان گذاشت و از طرفی در قم اداره ثبت املاک تأسیس گردید مرحوم کامکار بفکر افتاد که روزنامه و مطبعه را بقم منتقل نماید و لذا در اوایل سال ۱۳۱۲ شمسی با چاپخانه مختصر خود رهسپار خود رهسپار قم شد و روزنامه کامکار را بتصور استفاده از آگهیهای ثبتی در شهر قم منتشر نمود ولی در نتیجه استقبال نکردن مردم از روزنامه و آشنا نبودن بوضعیت شهر مذهبی قم کامکار بیش از دو مـهـا نتوانست روزنامه را در آنجا منتشر نماید و پس از انتشار هفت شماره مجبور بتعطیل روزنامه گردید و در نیمه اول همان سال شهر قم را ترك و بطهران عزیمت نمود چند ماهی نیز در طهران مطبعه کامکار دائر و محل آن در خیابان ناصریه اول کوچه حاج نایب بود روزنامه توفیق که مدیران مرحوم توفیق با کامکار دوستی داشت چند نوبت آگهی مطبعه کامکار را بدینقسم چاپ کرده است: «مطبعه کامکار. مطبوعات شمارا بارزاترین قیمت قبول مینماید شماره ۴ سال دوازدهم توفیق مورخ دوشنبه ۶ آذر ۱۳۱۲».

مرحوم کامکار سال ۱۳۱۲ را بزحمت در طهران بیابان رسانید و در نتیجه خسارات مادی که بعلت حمل و نزل مطبعه از شهری بشهر دیگر عایدش شد و تألمات روحی روز اول سال ۱۳۱۳ شمسی بدروزدن گمانی گفت و جان شیرین را بر سر کار روزنامه نویسی گذاشت. روزنامه توفیق در شماره ۳۰ سال دوازدهم مورخه ۲ شنبه ۱۳ فروردین ۱۳۱۳ تحت عنوان (تأسف) خبر فوت کامکار را اینطور نوشته است: «بطوریکه از اصفهان اطلاع میدهند آقای فضل الله کامکار در اثر کسالتی که داشته دار فانی را وداع وعده را متأثر نموده است. بیازماندگان آن مرحوم تسلیت میگوئیم.» مرحوم فضل الله کامکار برادری موسوم بمزیزاله داشت که در اداره تلفنخانه کار میکرد.

(۹۱۴) کانون

روزنامه کانون در طهران بدیر مسئولی و صاحب امتیاری آقای (حسین مطیعی) تأسیس و شماره اول آن در تاریخ دوشنبه اول فروردین ماه ۱۳۱۷ شمسی مطابق ۱۸-

حرف الكاف

كانون

محرم ۱۳۵۷ قمری، با چاپ سری طبع و منتشر شده است. این شماره در هشت صفحه بزرگ بقطع ۶۴×۴۸ سانتیمتر طبع گردیده و لی از شماره دوم تعداد صفحات چهار صفحه تنزل کرده و از آن پس مرتباً در چهار صفحه منتشر شده است. در صفحه اول شماره اول تصویر اعلیحضرت قعیدرضا شاه پهاوی و والاحضرت ولا یتمهد گراور شده است مقاله افتتاحی روزنامه که در حقیقت حکایت از مرام و مسلک روزنامه و عقیده مدیران مینماید بدیقسم شروع و ختم میگردد: «بنام یزدان یاک - جای تردید نیست که جامعه ایرانی بیشتر از هر چیز احتیاج بکتاب و روزنامه قابل استفاده و سود بخش دارد تا از این راه بتواند بطرز بسیار پسندیده و مطلوبی از اقدامات اساسی و بزرگی که هر روز در کشور بعمل میآید بهره مند گردد ۰۰۰۰۰۰ همانطوریکه در بالا اشاره شد صفحات این نامه بنام خدا و در پرتو عنایات شاهنشاه نشر مییابد و تا آنجا که ممکن است سعی خواهیم کرد مندرجات آنرا طوری قرار دهیم که هر کس از خواندن آن استفاده ای برگرفته و فایده حاصل نماید. از خداوند پاک توفیق ادامه این امر را خواستار بوده و ارز و داریم که با خامه ناتوان خویش بتوانیم بانجام وظایفیکه در پیشگاه قائد نامدار و مبین عزیز خود داریم نائل ائیم.»

مندرجات روزنامه کانون مانند سایر جرایدیکه در سالهای اخیری سلطنت رضا شاه قعید نشر میشده خیلی خشک و بیروح و مطالب آن منحصر باخبار داخلی که آن هم بیشتر جنبه تعریف و ذکر اقدامات شاه و دولت را دارد و حوادث خارجی و چند ستون آنهم مخصوص درج مقالات تاریخی و ادبی و اجتماعی است البته قسمی که با جانی بر خورد ننماید. در باره همین روزنامه است که در مقدمه کتساب تاریخ جراید و مجلات ایران، در جائیکه از سیر تحول تاریخ جراید گفتگو نموده، یادآور شده ایم که طبق پاسخی که مدیر روزنامه بدرخواست نگارنده مبنی بر چاپ اعلان تماضی شرح احوال مدیران جراید نوشته، یادآور شده است که اگر اداره آگاهی شهربانی اجازه بدهد اعلان مذکور چاپ و منتشر خواهد شد. این مطلب حکایت از شست سانسور و کمال مراقبت شهربانی ار مندرجات جراید مینماید. در همین ایام است که تمام ارباب جراید باید قبلاً مقالات و حتی اخبار کوچک خود را با اداره اطلاعات شهربانی، چه در مرکز و چه در ولایات، نشان بدهند و برای طبع آن اجازه بگیرند. چه بسا مقالهی اهریتی بعلت داشتن کلمه مبهمی از چاپ آن جلوگیری میشد.

با همه این احوال در سال اول روزنامه کانون مقالات مسلسلی تحت عنوان (چگونه باید نوشت؟) بقلم آقای سمید نفیسی درج شده که قابل توجه است. در صفحه دوم روزنامه کانون چهار جدول کوچک و یک جدول بزرگ که جدول کوچک قرینه یکدیگر و در دو طرف جدول بزرگ قرار گرفته ترسیم شده است. این جدولها مربوط بنگاهبانی دواخانه ها و میزان درجه حرارت و نمایشات و سینماها و تھویم کانون و حرکت پستهای باشد. علاوه بر مندرجات مذکور در اغلب شماره های کانون چند تصویر از بناهای تایخی و اشخاص مربوط بحوادث و وقایع داخلی چاپ شده است. روزنامه

حرف الکاف

کانون، کانون جهانگردی، کانون شعرا

کانون بعد از شهریور ۱۳۲۰ نیز گاهگاهی بطور غیر مرتب با تجدید نظر در مطالب و مندرجات آن انتشار یافته است .

محل اداره روزنامه : طهران . خیابان لاله زار . پست شهرداری . بهای اشتراك سالبانه کانون در داخله ۱۰۰ ریال و در خارجه ۲۰۰ ریال، ششماه ۵۵ ریال و ۱۰۰ ریال است . بهای آگهیهای روزنامه صفحه اول سطری ۴ ریال و صفحات دیگر يك ریال و صفحه آخر دو ریال . تكشماره سی دینار است .

آقای حسین مطیعی - آقای حسین مطیعی مدیر روزنامه کانون فرزند آقای حاج عباس در سال ۱۲۸۰ شمس متولد شده و دارای ذوق شاعری و طبع شعر میباشد نامبرده علاوه بر انتشار روزنامه کانون و کانون شعرا چندی روزنامه تجدد ایران به مسئولیت ایشان منتشر میشده و زمانی در انتشار روزنامه ادبی نسیم شعر در طهران همکاری داشته اند . از آثار ایشان گرد آوردن مطالب و نشر کتاب اسرار خلقت است که آقای سرهنك اخگر اشعار آنرا سروده اند . در کتاب نامه سخنوران تألیف مرحوم ایزدگشپ در زیر عکسی که از آقای مطیعی چاپ کرده دو غزل نیز از نامبرده طبع نموده که یکی از آنها بعنوان (دوره وصال) میباشد .

(۹۱۵) کانون جهانگردی

مجله کانون جهانگردی که از انتشارات انجمنی بهمن نام بوده در طهران تأسیس و در سال ۱۳۱۵ شمس بطور ماهانه منتشر شده است . وظیفه انجمن مذکور تشکیل و سایل سیاحت جهانگردان در داخل کشور بوده و از اعضاء میرز آن آقایان عباس مسعودی مدیر روزنامه اطلاعات و دکتر متین دفتری میباشد .

(۹۱۶) کانون شعرا

روزنامه کانون شعرا در طهران بصاحب امتیازی و مدیری (حسین مطیعی) و سردیری (اسدالله صابر همدانی) تأسیس و در سال ۱۳۱۳ شمس منتشر شده است . کانون شعرا معمولاً در هشت صفحه بقطع وزیری متوسط در مطبعه سربی (مهر) چاپ و روزهای پنجشنبه هر هفته منتشر شده . گرچه این روزنامه در عنوان آن (روزنامه ادبی - اجتماعی فکلی - اخباری - مصور) معرفی شده ولی بیشتر مندرجاتش اشعار شعرای معاصر که در بایتخت و یا شهرستانها میزیسته ، میباشد . در هر شماره مختصر شرح حال و عکس شعرائیکه شعر آنها چاپ شده درج گردیده و از این جهت روزنامه کانون شعرا اسم بامسماست و دوره این روزنامه تذکره مختصری از شعرای معاصر میباشد . درین شعرائی که شرح احوالشان در روزنامه کانون شعرا ذکر شده عدد یافت میشود که بهیچ وجه شایستگی ثبت نام نداشته و نیز در شرح احوال بعضی از آنها باندازه مبالغه گردیده که از حقیقت دور افتاده است ولی رو به رفته با این معایب در جنب معاسنی که در ضبط نام و شعر و چاپ عکس شعرا در این روزنامه یافت میشود ناچیز است .

حرف‌الکافی

کانون شعرا

علاوه بر مطالب مذکور مقالات اخلاقی و ادبی در روزنامه درج شده که خوانندگان برای اطلاع از آنها باید باصل روزنامه مراجعه نمایند. سرلوحه روزنامه که در هر شماره نصف صفحه اول را گرفته علاوه بر خصوصیات روزنامه شامل اشعار و کلمات قصاری میباشد و نیز در وسط سرلوحه عکس نیم‌تنه اعلیحضرت رضا شاه پهلوی که در بالای آن تاج کیانی قرار گرفته و در طرف راست تاج جمله (بنام خداوند) و این فرد شعر: (از هر جهت ز صورت و معنی قوی شدیم) و در طرف چپ تاج جمله (بخشنده مهربان) و فرد دیگر شعر: (تامتکی بسلطنت پهلوی شدیم) چاپ شده است. در زیر تصویر پهلوی اسم روزنامه (کانون شعرا) بخط نستعلیق و در دو طرف تصویر این اشعار درج گردیده است: حامی و منجی وطن - مرد دلیر متعین - قائد کشور کیان - بکه خدیو کلردان - ضیغم بیشه عجم - حارس مرز و بوم جم - درخور تاج خسروی - نیست بغیر پهلوی. هاشم که یادآور شدیم علاوه بر این خصوصیات در هر شماره اشعار و کلمات قصاری نیز در عنوان روزنامه چاپ شده و فی‌المثل در شماره چهار سال اول مورخ پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۱۳ شمس مطابق ۱۸ محرم ۱۳۵۳، این چهار شعر از جمال‌الدین دکنی درج شده: «چو صاحب سخن زنده باشد سخن» چو صاحب سخن مرد آنکه سخن بنزد همه رایگانی بود «به از گوهر و زر کانی بود». این جمله نیز از کلمات قصار است در همین شماره چاپ شده: «شرف المرء بالعلم والادب لا بالاصل والنسب» محل اداره روزنامه: طهران • خیابان سیروس • کوچه عزت‌الدوله • قیمت اشترای در مرکز و ولایات سالیانه طبقه اول ۵۰ ریال طبقه دوم ۴۰ ریال • شعرا و نویسندگان ۳۰ ریال • محصلین و محصولات ۲۵ ریال • تک‌شماره پنجاه دینار • پس از دو روز یک‌ریال اجرت اعلانات و لواحق با دفتر اداره است • کانون شعرا بیشتر یک روزنامه ادبی بوده و اشعار مندرج در آن متعلق بشرائنی است که در انجمنهای ادبی طهران، اصفهان، همدان و شیراز عضویت داشته و گاهی هم اشعاری از شعرای دیگر در آن دیده میشود. روزنامه کانون در فروردین ۱۳۱۴ شمس با انشمار شمار ۴۶ وارد دومین سال خود گردیده و در سال ۱۳۱۵ سال دوم را بیابان رسانیده و داخل در سال سوم شده و سال چهارم آن نیز نشر شده و روزنامه تعطیل گردید و بجای آن روزنامه کانون انتشار یافته است. شرح احوال آقای مطیعی مدیر روزنامه را بطور اختصار در ذیل روزنامه کانون نوشتیم در اینجا فقط بذکر مختصر شرح حالی از آقای صابر همدانی سردبیر روزنامه اکتفا مینمائیم:

آقا میرزا اسدالله خان صابر همدانی - مولدش در سال ۱۲۷۸ در همدان بوده. شاعریت بلند پایه دارای قریح، پاك و فکری تابناک سخنش تیز و دلکش و اشعارش ملیح و شیواست. وی بسبب صائب تیرزی شعر میسراید نظر به نوستی که با آقای مطیعی داشته سردبیری روزنامه را قبول کرده و آقای مطیعی در شماره اول سال اول دورنامه از مشارالیه سپاسگذاری کرده است.

۹۱۷ (کاوه)

یکی از روزنامه‌های بسیار خوب و مفیدیکه بزبان فارسی منتشر شده روزنامه کاوه است. گرچه این روزنامه درخارج ایران منتشر گردیده ولی از لحاظ خدمتی که بزبان و ادبیات فارسی نموده و چند سال جمع زیادی از فضلا و دانشمندان ایرانی در راه طبع و نشر آن رنج فراوان متحمل گردیده جای آنرا دارد که بطور مشروح و مفصل از آن گفتگو نمائیم.

روزنامه کاوه در شهر برلین پایتخت آلمان بزبان فارسی هر دو هفته یکبار طبع و نشر میشده و شماره اول سال اول آن در هشت صفحه بقطع بزرگ در تاریخ دوشنبه ۱۵ شهریور ۱۲۸۵ یزدگردی مطابق ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۴ قمری و ۲۴ ژانویه ۱۹۱۶ میلادی منتشر گردیده است. انتشار روزنامه کاوه بدو دوره قسمت میشود دوره قدیم کاوه و دوره جدید و در هر یک از این دو دوره روزه کاوه دارای علائم و ممیزات مخصوصی است که آنرا از دوره دیگر جدا میسازد. و در هر دو دوره سرلوحه روزنامه عبارت از مردیست که درفش کاویانی در دست گرفته و عده سپاهیان و شورشیان بالات و اسلحه‌های گوناگون بدنبال او حرکت میکنند. شرح درفش کاویانی و خصوصیات آن در صفحات ۳ و ۴ شماره اول کاوه بقلم اوسکارمان مستشرق و پروفیسور معروف چاپ شده و برای اطلاع از آن بدانجا رجوع شود. برای اینکه جزئیات این روزنامه مهم معلوم گردد بشرح هر یک از دو دوره جداگانه میپردازیم:

دوره قدیم کاوه - دوره قدیم کاوه با انتشار شماره اول سال اول مورخ ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۴ قمری شروع میگردد و با نشر شماره ۳۵ مورخ ۱۸ ذی القعدة ۱۳۳۷ قمری خاتمه پیدا میکند. روزنامه کاوه در این دوره کاملاً يك روزنامه سیاسی بوده و بیشتر مندرجات آن طرفداری از آلمان و متحدینش یعنی عثمانی و اطیش و بلغاراست و همه جا فتوحات و وقایع جنگ آلمان را با آب و تاب تمامی نقل میکند و بالعکس از هر گونه انتقادی از انگلیس و فرانسه کوتاهی ندارد. بنا بر این کاوه قدیم يك روزنامه سیاسی و تبلیغاتی است

برون در کتاب تاریخ ادبیات (مجلد سوم صفحات ۳۳۸ و ۳۳۹) درج نمیکند که از روزنامه کاوه گفتگو میکند درباره مقالات دوره قدیم کاوه مینویسد: « در اوقاتی که کاوه جنبه تبلیغی داشت مندرجاتش بیشتر سیاسی بود و هر چند راجع بوقایع و حوادث ایران و اعمال ملیون (کمیته دفاع ملی) مطالب سودمند درج میکرد اما در موضوعهای ادبی تا بعد از متار که جنگ جز در بعضی شماره ها وارد نمیشد مثلاً در شماره ۴ يك قطعه شعر کردی دیده میشود. در نمره ۲۰ شرح حالی از ادیب بزرگوار سید محمد صادق قائمقامی ملقب بادیب الممالك و متوفی در ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۳۵ درج است. در شماره ۲۱ مطالبی راجع بنتایج حاصله از مأموریت کاپیتان نی درمایر بافغانستان مسطور است در نمره ۲۳ مقاله از پروفیسور میتوخ درباره رضای عباسی که از صنعتگران مشهور ایران است

حرف‌الکاف

کاوه

درج گردیده . در شماره ۲۶ شرحی راجع به تحصیل ایران و آلمان دید . میشود در نمره ۳۳ بناسبت وصف کتاب جدیدی که موسوم است برآه نولی بزبان آلمانی تحریر یافته شرحی راجع باقدمات و مساعی مختلفه که برای اصلاح یا تغییر خط فارسی شده است بنظر میرسد . در شماره ۳۴ شے درباب تأسیس انجمن ادبی ایرانیان در برلن و مکتوبی ارمیرزا محمد خان قزوینی درخصوص نکته راجع باملای فارسی درج گردیده است . در نمره ۳۵ مقاله مفصل و جالب توجهی بقلم میرزا محمد خان راجع بقدیمترین شعر فارسی که بعد از فتح عرب باقیمانده مندرج است .

این بود فهرستی از مقالات مهم دوره قدیم کاوه بنظر برون اکنون بدنباله توضیحات راجع باین دوره کاوه میردازیم .

سال اول دوره قدیم کاوه بشماره ۱۷ مورخ ۵ ربیع الاول ۱۳۳۵ قمری خانه پیدا کرده و در این سال کاوه با نظم و ترتیب مخصوصی که در شماره اول دیده می شود انتشار یافته و در سال اول قطع و تعداد صفحات هر شماره یک انداره است . سال دوم کاوه بشماره ۱۸ و ۱۹ مورخ ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۳۵ قمری مطابق ۱۵ فوریه ۱۹۱۷ میلادی که یکجا منتشر شده شروع میشود . سرمقاله شماره اول سال دوم بدینقسم شروع میگردد : « سال دوم کاوه - روزنامه کاوه که در هجدهم ربیع الاول سال گذشته شروع با انتشار کرده بود اینک قدم بسال دوم خود میگذارد . باین مناسبت میخواهیم یک نظر اجمالی بخود سیر جنک دردنیای عموماً و ایران خصوصاً بیفکنیم . » این شماره در ۱۶ صفحه و بی انداره مطالب آن مفید است و من جمله انقلابات یک ساله ایران فهرست وار ذکر و نیز نقشه های جنگهای اروپا در آن ترسیم شده است . سال سوم کاوه بشماره ۲۵ مورخ ۳ جمادی الاولی ۱۳۳۶ قمری شروع میگردد سرمقاله سال سوم که تحت عنوان (سال سوم کاوه) نوشته شده بدینقسم آغاز می گردد : « - همین سال نشر روزنامه کاوه آغاز میشود . باوجود مشکلات فراوانی که در کار این روزنامه اهرحیث فراهم است بار کارکنان اداره آن بهر ترتیبی بوده تا بحال ۲۵ شماره نشر نموده که رویهمرفته ماهی یکشماره میشود . این روزنامه با آنکه توزیع مرتب و کامل آن در ایران فعلاً بواسطه جنک ۰۰۰۰۰ در حال سوم نیز طرز واسلوب روزنامه مانند سالهای قبل بوده و همانقسم که یادآور شده ایم روزنامه چکیده جنک اروپا میباشد . »

دوره قدیم کاوه با انتشار شماره ۳۵ مورخ ۱۸ ذی القعدة ۱۳۳۷ قمری خانه پیدا میکند و در همین شماره است که در صفحات هفت و هشت آن عهد نامه متار که جنک بین الملل بین آلمان و متفقین چاپ شده است .

قبل از آنکه بحث درباره دوره قدیم کاوه را خاتمه دهیم بی مناسبت نیست قسمتی ارمقاله افتتاحی روزنامه که بعنوان « آغاز » در ستون اول شماره اول روزنامه چاپ شده نقل نماییم زیرا که در نقل این قسمت خوانندگان تا اندازه بطول پیدایش کاوه پی میبرند : « آغاز - کسی کو هوای فریدون کند سر از بند ضحاک بیرون

حرف الكافي

كاوه

کند . دريك زمان فوق العاده تاريخي دنيا هستيم که عظمت و اهميت آن ار شدت ظهورخفا بهم رسانيده وماچون درجریان وقایع عظیمه آن هستيم درست ملتفت دهشت هولناک آن نيستم فقط اخلاف ماحکایات اين زمان پرهراس را با هول و عجب خواهند خواند . اين طوفان مهيب آتش و خون که روی زمین را فرا گرفته نه تنها بعد از طوفان نوح بزرگترين واقعه انقلابات عالم است بلکه در طوفان آب بقا و فناي انواع و اجناس را فلك مشحون نوح ضامن بود و فقط يك قوم عاصي محکوم باقراض بودند ولی در اين طوفان بسياری از تر و خشك در نتیجه غفلت غرق جهانگیر امروزه خواهند شد چند تن از بومیان يك کشور بدبخت و زبون دشمن یعنی ايران نیز در اين روز رستخيز ملل و فزع اکبر در شهر برلین مرکز حرکات معيرالقول جنگ جهانگیر گرد آمده و دوباره مملکت ستمدیده خود فکر میکنند (در اینجا شرح میدهد که چگونه قشون روس و انگلسی بیابخت صفویه و داریوش رسیده و خائنین و ملت نجیب ايران زیر بار اطاعت آنها رفته است .) سپس مینویسد : در اين حال تکلیف ماست که باز يکبار نمائیم و اگر اذدور هم باشد برای بيدار ساختن و برانگیختن هموطنان خود فریاد زنیم و برای همراهی با اردوی جهاد ملی استغاثه نمائیم . همین است مقصد اين روزنامه کوچک که صدای ضعیف خود را در میان غلغله عالم گیر از دارالسلطنه برلین میخواهد بگوش ایرانیان برساند (بعد مینویسد که انگلیس و روس بايران رحم نمی کنند و استقلال آنرا محترم نمیشمارند و وظیفه ایرانیان است که انتقام از اين دو دشمن گرفته و استقلال ايران را باز گردانند . انگاه از مظلالم روسها در شمال و آذر بايجان و اینکه چقدر از بزرگان ايران را بدار آویخته و هم چنین انگلیسها اطراف خلیج فارس را باسارت در آورده شرح داده تا میرسد باینکه ...) باین امید که بتوانیم صدائی بصدای اولاد بيدار ايران که در هر گوشه که هستند اهميت موقع امروز را ملتفت شده و فریاد میزنند بدهیم بنشر اين ورقه مبادرت کردیم و اسم آنرا تیمناً كاوه گذاشتیم . بدبختانه فریدونی در ايران پیدا نشد و قیام ايران برضد دشمنان کار خود ملت است و بس خائنین بزرگ اربناء خانواده سلطنتی بر میخیزند لهذا ما نیز رمز رسم و راه خود را كاوه آهنگر قرار دادیم و با توسل باین اسم مبارک ايران پاك و مقدس ، ايران نامدار و نجیب را مخاطب ساخته با تمام قوت روح و قلب خود فریاد میوینیم : برخیز ای کشور نامور بلند اختر ۴۰۰۰۰

قيمت اشتراك كاوه در دوره قدیم سالیانه در ايران يكتومان و در سایر ممالك پنج فرانك و عنوان مراسلات که بألمانی نوشته شده بدینقسم است : (روز نامه كاوه - برلین - شارلو تنبورك - لیبینز - ۶۴) نکته شایان توجه اين است که در روزنامه كاوه اسمی از مدیر و صاحب امتیاز و مدیر مسؤول نیست و همه جا در ذیل مقالات كاوه امضاء شده است . ولی در خارج میدانیم که مدیر روزنامه آقای تقی راده است . محل طبع روزنامه مطبعه كاویانی واقع در برلین است .

دوره جدید كاوه - اين دوره که ارغره جمادی الاولی ۱۳۳۸ قمری شروع

حرف الكاف

كاوه

گردیده روزنامه کاوه، برخلاف دوره قدیم که غیر منظم و بی ترتیب منتشر میشده کاملاً مرتب و ماهیانه یک شماره در ۱۲ و بعداً در ۱۶ صفحه بزرگ طبع و انتشار یافته است. راجع به ممتازات این دوره برون شرح جامع و مفصلی در جلد سوم کتاب تاریخ ادبیات ایران ذکر کرده که ترجمه آنرا بنقل از صفحات ۳۱۸ و ۳۱۹ ترجمه آقای رشید یاسمی. نقل مینمایم: «در ۲۲ جانوری ۱۹۲۰ میلادی نخستین شماره دوره جدید کاوه از طبع خارج شد این بار بکلی از سیاست صرفنظر کرد و توجه خود را به ادبیات و علوم معطوف داشت اما در طرز تدوین و سبک تحریر و حسن طبع میزان عالی سابق را از دست نداد. این دفعه جریده کاوه ماهی یکبار انتشار می یافت و دو سال دیگر دوام کرد آخرین شماره «نمره ۱۲» در تاریخ اول دسامبر ۱۹۲۱ چاپ شد و تقریباً دارای ۳۳ صفحه بزرگ دستونی بود. بفرار این قسمت درجای دیگر شرحی تحت عنوان «مقام ارجمند دوره جدید کاوه در ادب و انتقاد» آورده است.

شماره اول دوره جدید که دارای شماره مسلسل ۳۶ است در تاریخ غره جمادی الاخره ۱۳۳۸ قمری مطابق ۲۲ ژانویه ۱۹۲۰ میلادی منتشر گردیده و سرمقاله این شماره تحت عنوان «دوره جدید» بدینقرار است: «مقصود از دوره جدید تغییر اساسی است که در تاریخ روزنامه کاوه حادث میشود. روزنامه کاوه در زمان جنگ پیدا شد.... روزنامه کاوه زائیده جنگ بود و لهذا روش این روزنامه نیز با موقع متناسب بود و حالا که جنگ ختم شده و صلح بین الملل در رسید کاوه نیز دوره جنگی خود را ختم شده میداند و یک دوره صلح شروع میکند و لهذا اساس و خط روش تازمانی که از اول سال ۱۹۲۰ میلادی مطابق با ۹ ربیع الثانی ۱۳۳۸ کاوه جدید پیش میگیرد نسبتی با کاوه سابق ندارد و در واقع روزنامه تازه میشود که مندرجات آن بیشتر مقالات علمی و ادبی و تاریخی خواهد بود و مسلک و مقصدش بیشتر از هر چیز ترویج تمدن اروپائی است در ایران، جهاد برضد تعصب - ..» در پایان این مقاله مینویسد از این سال مسئولیت اداره و هم چنین مندرجات روزنامه رسماً با سید حسن تقی زاده است. از همین شماره اول تحت عنوان مشاهیر شعرای ایران، شرح حال فردوسی ذکر گردیده است.

سال دوم دوره جدید کاوه در تاریخ ۵ شهریور ماه قدیم ۱۲۹۰ یزدگردی و غره جمادی الاولی ۱۳۳۹ قمری و ۱۱ ژانویه فرنگی ۱۹۲۱ میلادی شروع گردید و اولین شماره آن دارای دیباچه ایست بعنوان «دیباچه سال دوم کاوه دوره جدید» و باین قسمت شروع میگردد: «با این شماره سال دوم روزنامه کاوه شروع میشود و ما خوشوقتیم که بهمت اشخاص علم دوست ایرانی با وجود صعوبت و سایل مراوده پستی بار روزنامه کاوه در ایران و سایر ممالک مشرق زمین انتشار لازم یافت و سال خود را پایان رسانید. مقصود از انتشار لازم آنستکه اغلب مردم اسم این روزنامه را شنیدند - یا نمونه آنرا دیدند و رنه دایره انتشار آن هنوز هم بآن وسعت نرسیده که عایدات کافی اداره آن بشود. از همت دوستان علم و معرفت امیدواریم که: مسال

وسعت انتشار کاوه بعد مطلوب برسد .

در سال دوم دوره جدید روزنامه کاوه مزایای دیگری نیز پیدا کرده از قبیل اینکه تعداد صفحات آن از ۱۲ به ۱۶ ترقی نموده و نیز در هر چهار ماه یکمرتبه جزوه « تاریخ روابط روس و ایران » مستقلاً در ۱۶ صفحه چاپ شده و با شماره های ۴ و ۸ و ۱۲ روزنامه بیشتر کین داده شده است . و نیز بواسطه ترقی قیمت کاغذ و طبع وجه آتونه در آلمان صد مارك و شش ماهه ۶۰ مارك و در ایران سالیانه سه تومان و نیم و ششماهه دو تومان ترقی کرده و در سایر ممالك سالیانه بهمان قرار سابق يك لیره انگلیسی معین شده است . برون در کتاب تاریخ ادبیات ایران در باره سال دوم دوره جدید کاوه تحت عنوان « سال آخر کاوه ۱۹۲۱ » اینطور مینویسد : « کاوه در سال اخیر هم دارای همان مقالات عالی بود و در تاریخ و ادبیات مطالب سودمندی انتشار میداد که با تحقیقات مستشرقین اروپائی پهلوی می‌رود . يك سلسله مقاله مهم تاریخی بعنوان « روابط ایران و روس در زمان آق قوینلو و سلسله صفویه تا اول سلطنت آغا محمد خان قاجار » بقلم سید محمد علی جمال زاده هر ماهه بطور ضمیمه کاوه منتشر میشد و نشان میداد که مؤلف کلیه منابع صحیحه شرق و غرب را از نظر گذرانیده و در آنها قضاوت کرده است . قطع شدن جریدہ کاوه بعد از دسامبر ۱۹۲۱ لطمه بزرگی بفن ایران شناسی وارد ساخت . » روزنامه کاوه یکی از بهترین روزنامه هائی است که تا کنون بزبان فارسی منتشر شده و از حیث مطلب و مندرجات و از جهت چاپ و کاغذ در بین مطبوعات فارسی کمتر نظیر داشته است . هما قسم که یادآور شدیم مدیریت کاوه بمعهده آقای سید حسن تقی زاده بوده ولی تنظیم و تدوین مقالات آن بمعهده دانشمندی بوده که در خارج ایران در آلمان مجتمع بوده اند . ذیلا شرح حال آقای تقی زاده مدیر کاوه را ذکر مینمائیم :

سید حسن تقی زاده — آقای تقی زاده از دانشمندان و سیاستمداران بنام ایران بشمار میرود و لذا شرح احوال ایشان بتفصیل در اغلب جراید و مجلات داخلی و خارجی چاپ و منتشر شده و ما در اینجا برای ناقص نبودن کتاب و اینکه حسبالمعمول شرح حال مدیران جراید را ضبط می‌کنیم بذکر شرح حال ایشان مبادرت می‌شود . شرح زیر از مجله « شفق مطبوعات » که یکی از همشهریان آقای تقی زاده چاپ نموده نقل می‌گردد . در عنوان این شرح یاد آور می‌گردد که شرح مذکور تلخیص از کتاب « تاریخ رندگانی تقی زاده » می‌باشد .

« آقای سید حسن تقی زاده در سال ۱۲۹۶ هجری قمری در يك خانواده روحانی متولد گردید وی مطالعات کلاسیک خود را از کتابخانه محمد علیخان تربیت شروع کرد . آقای تقی زاده در نتیجه آشنائی با اشخاصی که برای مطالعه در کتابخانه مزبور جمع میشدند در انتشار مجله گنجینه فنون (۱۳۲۰ هجری قمری ، ژانویه ۱۹۰۳) شرکت کرد و دو سال قبل از صدور فرمان مشروطیت بمصر رفت . از موقع انتخابات مجلس اول آقای تقی زاده در طهران بود و چون انتخابات مجلس اول صنفی بود وی از طرف

حرف الکاف

کاو

تجار با چهل و یک رای بنماینده گی مجلس انتخاب شد . آقای تقی زاده در مجلس اول ارمبرز ترین و کلای ایران و در نتیجه مخالفت با محمد علی شاه قاجار باسلامبول تبعید شد ولی هنگامیکه تبریز بر علیه محمد علی شاه قیام کرد برای کمک بشروطه خواهان تبریز بازگشت پس از شکست محمد علی شاه و خاتمه یافتن استبداد صغیر انتخابات عمومی شروع شد آقای تقی زاده هم از تبریز و هم از تهران بوکالت انتخاب شد ، وی وکالت تبریز را قبول کرده وکالت تهران را رد نمود .

نمایندگان مجلس دوم پس از اشغال آذربایجان بوسیله روسهای تزاری ، بدو دسته منقسم شدند ، دسته اول بنام اعتدالی « معافظه کار » دسته دوم بنام دمکرات ، آقای تقی زاده لیدر دسته دمکرات بود پس از کشته شدن بهبهانی که از مخالفین دمکراتها بود تقی زاده مجبور بترك تهران شد و از راه گیلان و تبریز باسلامبولرفت وی در اسلامبول مجلسی بنام جمعیت نشر معارف تشکیل داد تامهاجرین ایرانی توسط این مجلس با دنیای جدید آشنا شوند . آقای تقی زاده پس از چند ماه از اسلامبول بامریکا رفت ، در انتخابات مجلس سوم بنماینده گی مجلس انتخاب شد او بایران نیامد و در مجلس شرکت نکرد ولی هنگامیکه جنگ اول جهانی شروع شد برای استفاده از وضع بین المللی در حفظ استقلال ایران بکشور خود بازگشت . پس از تشکیل متحدین در اروپا آقای تقی زاده وعده از دموکراتها بآلمان رفتند . در برلین تقی زاده در رأس ایرانیان مقیم آلمان قرار گرفت و دور نامه کاوه را بباد کاوه آ هنگر منتشر ساخت . آقای تقی زاده در کنفرانس صلح استکهلم پایتخت سوئد که از سران سوسیالیست های دنیا تشکیل شده بود شرکت کرد و بنام کارگران ایران سخن راند پس از پایان جنگ بین الملل اول بنماینده گی ایران بادولت شوروی يك عهد نامه تجارتي منعقد ساخت آقای تقی زاده قبل از کودتای سوم حوت ۱۲۹۹ شمسی بنماینده گی مجلس چهارم انتخاب شد ولی بایران باز نگشت . در انتخابات دوره پنجم تقی زاده از تهران بنماینده گی مجلس پنجم انتخاب شد و پس از مراجعت بتهران در مجلس شرکت کرد . پس از قتل عشقی مدیر روزنامه مصلحت آقای تقی زاده بی باکانه در مقابل سردار سپه فدا فراشت و باتقییر سلطنت جداً مخالفت کرد او میگفت تغییر سلطنت مستلزم تغییر قانون اساسی است بنا براین حاضر نبود سند بردگی ملت ایران را امضا کند . در کابینه مستوفی الممالک که پس از سقوط کابینه فروغی (۱۵ خرداد ۱۳۰۵) تشکیل شده بود سمت وزارت امور خارجه را داشت ولی او بلافاصله در اولین جلسه کابینه جدید استعفا داد . وی پس از چندی از طرف اهالی طهران بنماینده گی مجلس ششم انتخاب شد و در تاریخ ۱۴ تیر ماه ۱۳۰۵ برباست غرقه ایران در نمایشگاه بین المللی فیلادلفی « امریکا » تعیین شد و بامریکا حرکت کرد . آقای تقی زاده در سال ۱۳۰۷ والی خراسان شد و در تیرماه ۱۳۰۸ بو زیر مختاری ایران در لندن انتخاب شد ولی پس از چند ماه بایران احضار شد و در ۲۸ فروردینماه ۱۳۰۸ بو وزارت راه منصوب گردید و در ۱۴ مرداد ۱۳۰۹ با داشتن کفالت وزارت راه بو وزارت مایه منصوب شد و چندی بعد فقط عهده دار وزارت

مالیه گردید رضا شاه در مقابل خدمات گرانبهایی که تقی زاده در وزارت مالیه انجام داده بود او را ارکار معزول کرد و بداور دستور داد که پرونده برای متهم کردن تقی زاده تنظیم نماید ولی خوشبختانه علی نشد . سپس تقی زاده بسمت وزیر مختار ایران در پاریس منصوب گردید و پس از آنکه وارد پاریس گردید طوایف نکشید که معزول شد و در عهد رضا شاه دیگر شغلی بوی محول نشد ، وی بانگلستان رفت و در آنجا مشغول تدریس و تألیف شد تا سوم شهریور ۱۳۲۰ پیش آمد و او بسمت وزیر مختار ایران در لندن منصوب گردید .

در حال تحریر این شرح آقای تقی زاده مدت دو سال است که بریاست مجلس سنای ایران انتخاب شده و در این مقام بکشور خود مشغول خدمت میباشد . آقای تقی زاده علاوه بر فعالیتهای سیاسی ، فعالیتهای علمی و ادبی نیز داشته و بغیر از مقالات روزنامه کاوه در مجلات و جراید دیگر نیز مقالاتی نوشته و هم چنین کتابی بنام از پرویز تا چنگیز تألیف و منتشر نموده است .

چاپخانه کاویانی - روزنامه کاوه در چاپخانه کاویانی واقع در برلین چاپ میشده و این چاپخانه را میرزا عبدالشکور و سایر ایرانیانیکه در برلن اقامت داشته معض تسهیل طبع کتب فارسی و اهتمام در صحت و پاکیزگی مطبوعات ایرانی چاپخانه کاویانی را تأسیس نمودند . برون در کتاب تاریخ ادبیات ایران جلد سوم صفحه ۳۴۴ درباره این شرکت مینویسد : « مدیران این شرکت علاوه بر طبع نمایشهای جدید و رسالاتی راجع بموسیقی و فلاح و غیره یا تجدید طبع کتب قدیم مثل گلستان سعدی و موش و گربه عبید زاکانی باین فکر افتادند که نسخ نادره نویسندگان بزرگ قدیم را بدست آورده چاپ کنند مثلاً رادالمسافرین ناصر خسرو و اکنون که نوامبر ۱۹۳۳ است مشغول چاپ وجه الدین هستند . » اسامی بعضی از رسائلیکه باعانت و کمک صاحبان همت و با بخرج خود آنها در مطبعه کاویانی چاپ شده بدینقرار است : ۱ قابوس و شمشگیر زیاری ۲ جیجک علیشاه یا اوضاع دربار ایران در عهد قاجاریه ۳ رستم و سهراب ۴ - سلسله النسب صفویه ۵ - معارف در عثمانی ۶ هفتاد و دو ملت ۷ - شرح حال شیخ محمد خیابانی ۸ - شرح حال سید جمال الدین اسد آبادی .

(۹۱۸) کنخوا

کنخوا بمعنای کوکب و مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان (ص ۴۱۲) راجع باین روزنامه مینویسد : « روزنامه نیم ماهه منتشر در رضائیه در زبان کادانی بدیربت (رابی بوخن موسی) در ۳۶ - ۱۹۰۶ . هیئت تحریریه آن هنت نفر است » برون نیز در کتاب مطبوعات و شعر فارسی ص ۱۲۶ مفاد شرح مذکور را بدینقسم نوشته است : روزنامه سیاسی کنخوا بزبان کلدی در شهر ارومیه در سال ۱۳۲۶ قمری منتشر شده و مدیر آن « موسی بوخنا » است .

(۹۱۹) کردار

رورنامه کردار در سال ۱۳۰۰ شمسی در طهران تأسیس هفته‌ای بار منتشر شده‌است.

(۹۲۰) کرمان

همان‌قسم که در جلد اول کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران در ذیل جریده کرمان یاد آور شده‌ایم از شماره ۱۲ جریده کرمان تغییر اسم پیدا کرده و بنام (کرمان) منتشر شده است و بنا بر این روزنامه کرمان دنباله همان جریده کرمان است که از آن بتفصیل گفتگو کرده‌ایم و در اینجا بذکر خصوصیات روزنامه کرمان می‌پردازیم. شماره اول روزنامه کرمان بدون اینکه ذکر از حذف کلمه جریده از نام روزنامه بیان‌آورد در هشت صفحه بقطع وزیری با چاپ سر بی‌مدیری (میرزا غلام‌حسین کرمانی) در شهر کرمان تأسیس و در تاریخ ۱۷ شعبان‌المعظم ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است. محل اداره روزنامه: کرمان. جنب اداره بلدیه و طرز انتشار آن ماهی سه نمره معین شده. قیمت اشتراك یکساله کرمان ۲۰ قران و ولایات داخله ۲۴ قران ششماه ۱۲ قران و ۱۵ قران. تک‌نمره شش ماهی. قیمت اعلانات سطری ده‌هاهی بشاگردان مدارس ده دوتخفیف داده میشود. در زیر اسم روزنامه، بسم الله الرحمن الرحیم، چاپ شده و در زیر عنوان روزنامه این سطر درج شده است: «جریده‌ایست سیاسی اسلامی اخباری با مسلك مستقیم مقالا تیکه مطابق مسلك ماست اداره در درجش آراد و با عدم درج رد نمیشود»

سرمقاله شماره اول روزنامه کرمان بعنوان «قابل توجه عموم اهالی آسیا» و بدین‌قسم شروع میشود: متغلبین مآل اندیش دول اروپ و دسیسه کاران عاقبت بین ممالك مغرب یعنی همان مدعیان تمدن که باسم حمایت نوع انسان و آسایش فرزندان صفحه کره ارض را نطع قربانگاه و میدان قتلگاه بنی‌البشر قرار داده اند..... غیر از سرمقاله مذکور چند تلگراف از انجمنهای ایالتی و مجلس شورایی و غیره چاپ شده است. شماره دوم کرمان که نمره مسلسل ۱۳ را دارد در سلخ شعبان ۱۳۲۹ منتشر شده و بالای اسم روز نامه سال ۱۳۲۹ که سال تأسیس رورنامه میباشد قید گردیده است.

از شماره ۱۸ مطالب انتقادی در پاورقی روزنامه چاپ شده و این مطالب تحت عنوان (مقاله دوم از رویای صادق در شرح و بیان حال مستخدمین و استنطاق حاجی ریخته‌گر) میباشد. مقاله مذکور باین شعر شروع میگردد: (من گنگ خواب‌دیده و عالم تمام کریم من عاجزم رگفتن و خلق از شنیدنش.) از شماره ۲۲ جغرافیای کرمان بعنوان پاورقی چاپ شده پاورقی مذکور بدین‌قسم شروع میشود: «کرمان بفتح یا بکسر کاف ایالتی است از ولایات اربعه ایران که منقسم میشود بولایات حدود ایالت از طرف شمال بکوبیر نوت که فاصله است مابین کرمان و خراسان متصل میشود....»

حرف‌الکاف بعده‌الراء

کرمان، کرمانشاه

درباره مذهب کرمانیان بنقل از شماره ۲۲ از جغرافیای کرمان مینویسد: «مذهب شان عموماً شیعه اثنی عشری و متشرعه مقلد علمای اصولی جماعتی هم شیخی از شعبه حاج محمد کریم خان گروهی متصوفه از نعمت الهی و قلیلی اسماعیلی معتقد آقایان محلاتی و معدودی بهائی و ازلی و سنی در بلوچستان و زردشتی که طایفه قدیم ایران هستند و آنها را گبر گویند و یهودی که محله مخصوصی دارند ۴۰۰ از روزنامه کرمان نگارنده تا شماره ۱۱ سال سیم مورخ ۶ محرم‌العرام مطابق با ۲۲ برج عقرب توشقان نیل ۱۳۳۴ قمری در دست دارم. این شماره در چهار صفحه و با چاپ سنگی (مطبوعه کرمان) طبع و مندرجات آن پس از درج سرمقاله عبارت از اخبار محلی کرمان و توابع و تلکرافات متظلمین و قسمتی از اخبار جنگ بین‌الملل میباشد.

(۹۲۱) کرمانشاه

روزنامه هفتگی کرمانشاه در شهر کرمانشاه بدیری (فصیح المتکلمین) تأسیس و در سال ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است. شماره اول روزنامه کرمانشاه در تاریخ سوم ذی‌قعدة ۱۳۲۷ قمری انتشار یافته و پس از سه ماه که غیر مرتب این روزنامه نشر شده توقیف گردیده است. برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۲۶) مینویسد من نمره ۱۱ کرمانشاه را دارم. این نمره در چهار صفحه بقطع ۱۲ در ۸ و یک چهارم طبع شده و در تاریخ هفتم ذی‌حجه ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است. وجه اشتراك سالیانه روزنامه در کرمانشاه ۱۲ قران، در سایر شهرها ۱۵ قران و در خارج ایران ۸ فرانک. روزنامه کرمانشاه بار دیگر دز شهر کرمانشاه بدیر مسئول و نگارندگی آقای (فرج‌الله کویانی) تأسیس و در سال ۱۳۰۴ شمسی منتشر گردیده و شماره اول این دوره در آبان‌ماه سال مذکور بوده است. در عنوان روزنامه در این دوره نوشته است: «موسسه مرحوم میرزا احمد خان وزیری و مرحوم فصیح‌المتکلمین. مدیر و نگارنده مسئول: ف. کویانی». روزنامه کرمانشاه در این دوره نیز پس از مدتی که از انتشار آن گذشته تعطیل و مجدداً در سال ۱۳۰۹ شمسی بدیری آقای فرج‌الله کویانی پادایره انتشار گذاشته است در این دوره که در حقیقت دوره سوم روزنامه کرمانشاه است در زیر اسم روزنامه جمله (عصر پهلوی) و (بادگار ۹ آبان ۱۳۰۴) چاپ شده. و نیز در عنوان روزنامه در هر شماره در یکطرف اسم روزنامه این شعر: (فرشته خروشد بیانك قوی - که گیتی بود کشور پهلوی) و در یکطرف دیگر: (ورا فر دور جوانی دهد - برو رونق باستانی دهد). درج گردیده است. کرمانشاه (نامه ملی آزاد کرمانشاه) معرفی شده و در بازه مرام آن مینویسد: (روزنامه ایست که فقط وظیفه روزنامه نگاری را انجام میدهد).

شماره ۹۶ سال هفتم کرمانشاه که دارای شماره مسلسل ۳۲۶ است در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربی (شرافت احمدی کرمانشاه) طبع و در تاریخ سه شنبه ۲۴ آبان ۱۳۱۱ مطابق ۱۵ رجب ۱۳۵۱ قمری و ۱۵ نوامبر ۱۹۳۲ میلادی

حرف الکافی بعده الراء والشین

کرنا، کشاورز

توزیع شده است. محل اداره روزنامه: مطبعه شرافت احمدی. وجه اشتراك: کرمانشاه ۸۰ ریال. خارجه بطاوه اجرت پست. از محصلین و کارگر و زارع ۵۰ ریال گرفته میشود. تک نمره شش شاهی. تعیین قیمت اعلانات با دفتر اداره است. مند رجات روزنامه مانند سایر جراید محلی عبارت از اخبار محلی ومقالات و ترجمه های مختلف و خلاصه ای از اخبار داخله وخارجه وصفحه سوم وچهارم آن نیز مشتمل برآگهی های ثبتی و غیر ثبتی است.

(۹۲۲) کرنا

روزنامه کرنا در طهران بصاحب امتیازی ومدیبری (رضا - مینو) تأسیس وشماره اول آن در تاریخ شنبه دهم رجب ۱۳۴۲ مطابق ۲۷ دلو ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است. روزنامه کرنا معمولاً در چهار صفحه بقطع وزیری متوسط با چاپ سربی (مطبعه سعادت) چاپ وتوزیع شده وسرمقاله شماره اول آن که بعنوان (مرام ما) نوشته شده بدیقسم شروع میگردد: « در این موقع که قهر ادبی ما بسرحد کمال رسیده وحتى به تصدیق مطلقین از ایام فترت عرب ومغول هم ناچیز تر شده است... مایک قسمت از روزنامه خود را بادیات ولطایف علمی - اخلاقی - فکاهی اختصاص خواهیم داد. » پس از سرمقاله مذکور، مقاله دیگری بعنوان (مجلس پنجم) درج شده است.

محل اداره کرنا: طهران. خیابان علاءالدوله. عنوان تلگرافی: نامه کرنا. وجه اشتراك آن طهران سالیانه ۵۰ قران، ششماهه ۳۰ قران. ولایات ۶۰ قران و ۳۵ قران. تک شماره شش شاهی. طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده ودر زیر اسم روزنامه پس از درج سال تأسیس (۱۳۴۲) نوشته است (هفته يك شماره طبع ونشر میشود) از روزنامه کرنا فعلاً تا شماره سوم مورخ پنجشنبه ۱۴ شهر ذیحجه ۱۳۴۲ مطابق ۲۶ سرطان ۱۳۰۲ در دست است.

(۹۲۳) کشاورز

روزنامه کشاورز در طهران بمدیری و صاحب امتیاری (سلیم ایزدی) تأسیس و در سال ۱۳۴۱ قمری منتشر شده است. شماره سوم سال اول روزنامه کشاورز در چهار صفحه بقطع بزرگ با چاپ سربی در مطبعه (بوسفور) طبع ودر تاریخ اول برج عقرب مطابق سوم ربیع الاول ۱۳۴۱ قمری منتشر گردیده است. روزنامه کشاورز دارای سرلوحه بزرگ است که در آن مناظر مختلف کشاورزی وآلات وادوات آن نشان داده شده واسم روزنامه (کشاورز) بخط نستعلیق روی آن نوشته شده ودر بالای آن این شعر: (دهقان سالخورده چوخوش گفت بایسر: کی نورچشم من بجز از کشته ندروی) بعنوان شعار چاپ شده است.

ونیز در عنوان روزنامه کشاورز اینطور معرفی شده: « روزنامه ایست فلاحتی علمی، قنی، اقتصادی. مقصد کلی آن توسعه امر فلاحت وتحریرک حس اشخاص بصنعت

حرف‌الکاف بعده‌الشین

کشاورز، کشکول

کشاورزی و تشویق زارعین بشکلی عمل زراعت « درحقیقت مندرجات روزنامه از این قبیل مطالب و مخصوصاً مطالب راجع بکشاورزی خارج نیست چنانچه سرمقاله شماره سوم تحت عنوان (زارع و سرباز) و بقیه مطالب آن نیز مربوط بکشاورزی (جنگل و فواید آن) و خالصه جات دولتی است . طرز انتشار روزنامه هفتگی است . محل اداره : خیابان لاله زار . کوچه حاجی باقر . قیمت روزنامه سالیانه ۴۰ قران . شش- ماهه ۲۵ قران . قیمت روزنامه در چهار قسمت متساوی در اول هر سه ماه يك ربع دریافت خواهد شد . برای طبقه زارع نصف قیمت تخفیف داده میشود . تك شماره ۷ شاهی . قیمت اعلانات بادفتر اداره است .

(۹۲۴) کشکول

روزنامه کشکول در طهران بمدیری (مجدالاسلام کرمانی) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . شماره اول این روزنامه در چهار صفحه بقطع و زیری با چاپ سنگی طبع و در تاریخ شنبه پانزدهم شهر صفر المظفر ۱۳۲۵ قمری مطابق ۳۰ مارس ۱۹۰۷ میلادی منتشر گردیده است . در این شماره پس از درج مقاله افتتاحی که ذیلا نقل مینمائیم ، بقیه صفحات آن مشتمل بر چند کاریکاتور است و منجمله صفحه ۴ آن مشتمل بر کاریکاتور بانك ملی و هجوم مردم در بانك برای گذاشتن پول در آنجا میباشد . در این کاریکاتور از زبان هر کسی مطلبی نوشته یکی میگوید (هر چه داشتم دادم آسوده شده نه از دزد میترسم نه از مدعی) دیگری میگوید : (داداش بگذار ما برویم پولمان را بدهیم راحت شویم) ثالثی میگوید : (جائیکه وقت پول دادن آتقدر شلوغ باشد آیا وقتی که بخواهیم بگیریم چه خبر خواهد بود) . کاریکاتور صفحه سوم مربوط به (شرکت عمومی) است که مردم را از مقابل آن دور میکند و میگوید (پولتان را بگیرید ولم کنید) ولی آنها جواب میدهند : (خیر اینطور نیست ما پول داده راه ساخته ایم که نایامت فایده ببریم) . در نیی از صفحه دوم تصویر دوفتر که مشغول مذاکره اند چاپ شده یکی میگوید : (بانك ملی دایر شده پول لازم دارد) دومی جواب میدهد : (ما که هر چه داشتیم بشرکت عمومی دادیم رندان خوردند) امضای (حسینعلی) که ترسیم کننده کاریکاتور هاست در صفحه چهارم چاپ شده است . تمام صفحات چهارم روزنامه و در بعضی از شماره ها صفحات سوم و دوم روزنامه مشتمل بر کاریکاتور است و از این جهت در عنوان روزنامه نوشته است که هر يك از دانشمندان که صور موهوم خنده آمیز عبرت انگیزی که بکسی بر نخورد طرح نموده با اداره بفرستد درج و ترسیم خواهد شد .

مقاله افتتاحی روزنامه که تا اندازه خواننده را بسلك و مرام روزنامه آشنایی سازد بدینقرار است : « بنام خداوند بخشنده مهربان عقلای عالم بعد از هزار سال فکر و تأمل از برای تهذیب اخلاق ملت و اشاعه تمدن و تربیت در اصقاع مملکت بالاخره اتفاق کرده اند که بهترین وسائل این است که اعمال زشت آنها را مجسم نموده

بمردم نشان بدهند تا ازدیدن آنها عبرت بگیرند بکارهای نیک پردازند و براه ناستوده نروند. برای تجسم اعمال دو وسیله سهل و ساده بدست آورده اند آن دو وسیله یکی تی‌آتر است که درحقیقت غرضش ارتشکیل همان تجسم اعمال است و نواختن موزیک و رقص برای ازدیاد رغبت مردم است بتماشا و دیگری ساختن صورموهومه خیالی موسوم (بکاریکاتور) درروز نامها بعموم مردم نشان دادن و چون تشکیل و تربیت مجلس تی‌آتر و بازیگر خانه منافی آئین دین مبین حضرت سیدالمرسلین است لهذا بر ماست که آن وسیله اولی را ترك گفته وسیله دوم را پذیرفته باشیم.

سابقاً هم روزنامه مبارکه ادب که یکچند بنده بتحریر آن مفتخر بود و اینک خود صاحب امتیاز و مؤسس آن جناب استاد اجل آفای ادیب‌الممالک ع‌ما قریب دا یر خواهند فرمود و عالم مطبوعات را آب و رنگی تازه و هیكل معارف را جلوه و رونق بی اندازه خواهد بخشود يك صفحه کاریکاتور که ضمیمه داشت و ما خیال میکردیم چندان محل توجه دانشمندان نبوده ولی این اوقات اراطراف و اکناف مملکت جداً ما را ترغیب باحداث و ترسیم و ترتیب آن فرموده اند ما هم این موقع را که از توجهات ذات مقدس اعلیحضرت اقدس شاهنشاه ترقی خواه و ازبرکت مجلس مقدس شورایی بیان و بنان دانشمندان بخلعت مهر طلعت آزادی مفتخر شده است و هرکس آنچه راجع بخیر دولت و ملت میداند میتواند بنویسد و بگوید و عموم مردم میخوانند میخوانند مفتنم دانسته شروع باین مشروع نمودیم و چون احتمال دادیم بسیاری مردم باین روزنامه تنها راغب باشند نخواستیم آنها را مجبور بقبول اشتراك (ندای وطن) نمائیم و هکذا اشخاصی هستند که فقط ندای وطن را میخواهند مجبوراً این روزنامه را هفتگی قرار دادیم و قیمت اشتراك آنرا هم با آنکه مخارج زیاد از بابت ترسیم و طبع برمیدارد ارزان و مناسب قرار دادیم يك نسخه را هم تقریباً بهمان قیمت که تمام میشود با جزئی ملاحظه مخارج مورع و حق‌العمل فروشنده درسه شاهی نرخ گذاردیم و امیدواریم از این جهت هم بتوانیم خدمتی بملت و کمکی بتمدن مملکت بنمائیم بتوفیق باری تعالی .

این بود مقاله افتتاحی روزنامه کشکول . آنچه از این مقاله مستفاد میشود اینستکه روزنامه ندای وطن که مدیری آن بامجدالاسلام کرمانی بوده چون کاریکاتور نداشته ، برای ترسیم کاریکاتور ، روزنامه کشکول تأسیس گردیده و قیمت آن جدا گانه است . درعنوان روزنامه (کشکولی) رسم شده و بدیواره آن نوشته است : (همه چیز دارد) و درریر آن اسم روزنامه درج است . درزیر عنوان در ضمن دو سطر روزنامه کشکول بدینقسم معرفی شده است . « این روزنامه ازقید رسمیت و صحت و مسئولیت بکلی خارج است ابتدا باشخص خاصی طرف نیست و غرضش برانداختن عادات زشت بر تربیت و مجری ساختن رسوم تمدن و تربیت است هر يك از دانشمندان که صور موهوم خنده آمیز عبرت انگیزی که بکسی برنخورد طرح نموده بداره بفرستند درج و ترسیم خواهد شد . »

حرف‌الکاف بعده الشین

کشکول

اداره روزنامه کشکول : طهران . اداره روزنامه ندای وطن است . آ بو نه اشترک سالیانه طهران هشت قران ، در سایر ولایات داخله یکتومان . فرنگستان پنج فرانک . قفقاز و روسیه سه منات ، هندوستان چهار روپیه . قیمت يك نسخه سه‌شاهی هماقسم که یادآور شدیم بیشتر اهمیت روزنامه کشکول برای کاریکاتور آنست و در صفحه اول آن مقالات مختلف و گاهی اشعاری چاپ شده است . اخبار داخله و خارجه بطور اختصار در آن درج گردیده . چون روزنامه کاریکاتور داشته لذا با چاپ سنگی طبع شده و در هر شماره جمله (سلاله السادات آقا سید مرتضی بسمی و اهتمام آقا میرا حسن و میرزا عباسخان انطباع پذیرفت) چاپ شده است . ترسیم کاریکاتور روزنامه بعده (میرزا علی) نامی بوده که امضای او در بیشتر شماره ها دیده می شود . روزنامه کشکول بخط (مرتضی نجم آبادی) است و (کتبه‌العبد مرتضی النجم آبادی) در بعضی از صفحات چاپ شده است . نویسندگان کشکول بغیر از مدیر آن مرحوم مجدالاسلام کرمانی ، آقای (ضیاء لشکر) است که از شماره ۱۹ اشعاری بنام (اشعار وطنیه ضیاء لشکر) سروده و درج گردیده . چند شعر از اشعار وطنیه بدین قرار است :

ما مملکتی خراب داریم ✱ بنیان بقا بر آب داریم ✱ از کرده شیخ و گفته ناب
افسانه شیخ و باب داریم ✱ از نغمه شیخ و شورش شاد ✱ هنگامه شیخ و شاب داریم
در هر بلدی با نتخابی ✱ غوغای انتخاب داریم ✱ در هر گذری هزار مثنوی
داش و وزن و غراب داریم ✱ لوطی سبیل چاخماقی ✱ با حرب و پیشتاب داریم
در شماره های ۲۱ و ۲۲ نیز اشعار و قصایدی از جناب ضیاء لشکر چاپ شده و نیز
از شماره ۲۸ مقالات نثری از مشارالیه درج گردیده است . در شماره ۲۵ سال
اول مورخ نهم شوال ۱۳۲۵ قمری قطعه راجع بمعاهده روس و انگلیس اثر طبع
جلال المالك چاپ شده که چند شعر اول قطعه چنین است :

گفتند که انگلیس باروس عهدی بسته است تازه امسال ✱ تا در پلتيك هم در ایران
زین پس نکنند هیچ اخلاص ✱ افسوس که کافیان این ملک ✱ بنشسته غافلند از این حال
کز صلح میان گربه و موش ✱ ویران گردد دکان بقال
در شماره ۳۴ قصیده ای از آقای آقا میرزا سید عبدالله خان مستوفی درج شده
که باین شعر شروع می شود :

غرض زانجمن و اجتماع جمع قوا است ✱ چرا که قطره چو شد متصل بهم دریاست
ر قطره هیچ نیاید ولی چو دریا گشت ✱ هر آنچه نفع تصور کنی در او گنجاست
آخرین شماره سال اول کشکول شماره چهارم است که در تاریخ سه شنبه ۱۱ شهر
ربیع الثانی ۱۳۲۶ قمری منتشر شده و شماره اخیر نیز مانند شماره اول صفحات سوم
و دوم مشتمل بر کاریکاتور است و این کاریکاتور وسیله باربری را در ایران و اروپا
(خط آهن در اروپا و شتر در ایران) نشان میدهد .

(۹۲۵) کشکول

روزنامه کشکول در اصفهان بدیری و صاحب امتیازی (مجدالاسلام کرمانی) مدیر روزنامه ندای وطن تأسیس و در سال ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است. روزنامه کشکول منتشره در اصفهان دنباله کشکول تهران می‌باشد و پس از حوادث طهران و توقیف جراید و فرار آزادیخواهان که در نتیجه بمباران مجلس و استبداد صغیر پیش آمد، مجدالاسلام باصفهان آمده و روزنامه کشکول را در این شهر دایر کرده است و بنا بر این کشکول چاپ اصفهان سال دوم روزنامه است.

شماره اول این روزنامه در چهار صفحه بقطع وزیری با چاپ سنگی که صفحه چهارم آن مشتمل بر کاریکاتور می‌باشد طبع و در تاریخ یوم شنبه ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است. مقاله افتتاحی این شماره بعنوان (مقدمه) نوشته شده و در آن علت انتقال روزنامه باصفهان و طرز توزیع آن شرح داده شده و ما برای مزید اطلاع عین آنرا نقل مینمائیم: «مقدمه - ایام هجرا گذرانیدیم و زنده ایم ✱ ما را بسخت جانی خود این گمان نبود. بر واقفان رموز سیاست و عالمان فن تاریخ بغویی مکشوف است که هیچوقت تاریخ ایران باهویت این دوره نبوده و حوادثی که در این سه ساله در این مملکت پیش آمده که در ظرف چهار هزار دوره عمرانی ایران از عهد کیومرث که مبدأ تاریخ ایرانیان است ابداً نظائر آنها دیده نشده است مخصوصاً در این ده ماه تعطیل مجلس مقدس شورای ملی بقدری حوادث جسیمه و وقایع وخیمه عظیمه دیده شد که اگر تاریخ چهار هزار ساله ایران را در یک مجلد بنویسند و تاریخ ده ماهه زمان فترت را هم در یک مجلد بنگارند البته جلد ثانی بمراتب بزرگ تر و حجیم تر از جلد اول خواهد شد ۰۰۰۰ مجلد در این ایام که مختصری از احوال اوضاع را نگاشتیم اداره کشکول هم مثل سایر ادارات جراید ملیه پایمال ظلم و استبداد درباریان شد تا این اوقات که نسیم آزادی از طرف اصفهان وزیدن گرفته و کلیه جنوب ایران هم ملحق بشمال شده و احراز بختیاری اشرار مستبد را از اصفهان فرار دادند و حکومت ملیه در انجا استقرار گرفت و بر حسب اتفاق عبور مدیر سابق کشکول باصفهان اتفاق افتاد جماعتی از بزرگان علماء اعلام و رجال گرام اصرار و ابرام در توقف نگارنده کردند تاچندی بتحریر مقالات مفیده اشتغال پذیرد شاید افکار عامه توسعه گیرد و هموطنان ما مقصد بزرگ آزادی طلب آنرا بجهند که چرا جان در راه حریت میدهند بنده هم حسب‌الضرورة اطاعت کرده جریده فریده جهاد اکبر را برای انتشار مقالات سیاسیه انتخاب نموده و با عدم اجتماع اسباب اداره معطله کشکول راهم دایر داشته امیدواریم از این راه هم بتوانیم خدمت بوطن عزیز خود بنمائیم.

و چون اداره کشکول بواسطه مصائب وارده برهم عصران گرامی و شهادت بعضی از آنها عزادار است لهذا عاجلاً نمیتواند تمام مندرجات خود را مثل سال اول از قید صحت و مسئولیت خارج بداند بعلاوه کمی جراید ما را مجبور دارد که نصف مندرجات

حرف‌الکاف بعده‌الشین

کشکول

کشکول را رسمیت بدهیم تا آنکه فائده اش زیاد تر گردد. و مخفی نماید که چون ده ماه تمام کشکول تعطیل بوده و حالا هم اطمینان بتوقف این شهر و دوام اداره ندارم لهذا بقدر مقدور درطبع و انتشار جریده سعی نموده هر هفته دوسه نمره منتشرخواهم کرد و از کسانی که قبول اشتراك مینمایند تمنا دارم جزئی وجه اشتراك را تقدأ بدهند که معاونت اداره شده باشد و از خدا توفیق میطلبم.

پس از سرقاله مذکور مقاله تحت عنوان (جغرافیای تاریخی و پلٹیکی مملکت استبدادی که هنوز در تحت سلطه حکومت استبدادی است) نوشته و منجمله در باره رودخانه های مملکت مینویسد : (قنات باغ شاه - قنات فرمانفرما - رودخانه کرج قنات آقای نایب السلطنه - قنات اکبرآباد) . در صفحه چهارم « مبارزه ملت با استبداد » رسم شده . شماره دوم کشکول در تاریخ چهارشنبه شانزدهم ربیع الاول ۱۳۲۷ قمری منتشر شده و سرقاله آن بعنوان « ملت یعنی چه ؟ » و سرقاله شماره سوم بعنوان « بقیه ملت یعنی چه » میباشد . روزنامه کشکول در سال دوم در بیشتر خصوصیات مانند سال اول است و منجمله در قطع صفحات و چاپ و دوسطریکه در زیر عنوان نوشته شده و نیز در ترسیم کاریکاتور با سال اول تفاوتی نکرده است . اداره کشکول : اصفهان جنب قنصلخانه انگلیس . آبنونه اشتراك سالیانه : در اصفهان یکتومان . در سایر بلاد ایران ۱۲ قران . در تمام بلاد خارجه ۵ فرانك . قیمت تك نسخه دوشاهی . در سایر بلاد ایران سه شاهی . طرز انتشار روزنامه هفته دوبار بوده چنانچه شماره هشتم آن در تاریخ چهارشنبه ۷ ربیع الثانی و شماره نهم در تاریخ سه شنبه ۱۲ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است .

مندرجات روزنامه کشکول علاوه بر اخبار عمومی ایران ، تمام اخباری که منتهی به تجمع سران بختیاری در اصفهان و حرکت آنها برای مقابله با قشون استبداد و جنگ با محمد علیشاه است درج شده و از اینرو کشکول تاریخچه نفیسی از خدمات بختیاری و مردم اصفهان بشروطیت ایران میباشد . علاوه بر این سواد تلگرافاتی که بین دولت و سران بختیاری رد و بدل شده در این روزنامه چاپ شده است . در شماره ۱۴ روزنامه بعوض سرقاله فرمانی را که - فرای روس و انگلیس از محمد علیشاه در باره عفو مقصرین سیاسی گرفته و بوسیله قنصلگری دولتین در اصفهان با اطلاع علماء اعلام و مصما السلطنه رسیده ، درج گردیده . آخرین شماره که از روزنامه کشکول در دست است شماره ۲۷ و ورخ بوم ۵ شنبه ۲۶ شهر جمادی الثانی ۱۳۲۷ قمریست . در این شماره است که تعداد افراد قشونی که برای تصرف طهران از اصفهان حرکت نموده بدینقدم ضبط کرده است : « در این اواخر که بنای فرستادن اردو بطرف طهران شد در قلیل مدتی شش اردوی منظم فرستاده شده اردوی اول که مشتمل بر پانصد نفر بود در تاریخ بیست و هفتم جمادی الاول (۱۳۲۷ قمری) بریاست منتظم العوله فرزند اسفندیار خان . اردوی دوم که مشتمل بر هزار سوار جرار بود در تاریخ غره شهر حال بریاست حضرت آقای حاجی علیقلی خان سردار اسعد اردوی سوم که مشتمل بر چهار صد نفر

حرف الکاف بعده النین والمقاف کشگول دهقان ، کفاسر ، کلید سیاسی

سوار بود در تاریخ ۱۴ بریاست جناب منظم الملك برادر والا گهر منتظم الدوله حرکت کرد . اردوی چهارم که مشتمل بر چهارصد نفر بود در تاریخ ۱۵ شهر حال بریاست جناب ضرغام السلطنه که در میان بغتاری بهوری نظیر است و همانا فتح اصفهان نشان درجه شجاعت ایشان است . (منظور فتح اصفهان در جنگ اقبال الدوله است . مولف) اردوی پنجم که مشتمل بر عده کافی بود در تاریخ ۱۷ شهر حال بریاست مهدیقلی خان فرزند سردار ظفر . اردوی ششم که مشتمل بر هزار نفر سوار بود بریاست آقای غلام حسین خان سردار محتشم . اینک عده سواری که در اصفهان برای طهران حرکت کرده بالغ بر چندین هزار نفر است . و نیز در حاشیه صفحه آخر همین شماره بعنوان (تلگراف مزده) این خبر درج شده است : امروز صبح مشروطه خواهان بقدر سه هزار نفر طهران را تصرف نمودند و فعلا در لاله زار و خیابان سفارت ها شلیک از طرفین میکنند قزاقها هم در میدان جمع شده اند . مشروطه خواهان از چهار طرف دور آنها را گرفته صدی توپ متعل شنیده میشود بموجب انتشار این خبر در اصفهان حسب الامر حضرت صمصام السلطنه نقاره خانه را کوبیدند و چهارده تیر شلیک نمودند .

مرحوم مجدالاسلام کرمانی علاوه بر روزنامه کشگول روزنامه های ندای وطن و محاکمات را نیز طبع و منتشر نموده و ما بتفصیل شرح حال آن مرحوم را در ذیل روزنامه ندای وطن بیان خواهیم کرد .

(۹۲۶) کشگول دهقان

مجله کشگول دهقان در طهران در سال ۱۳۰۴ شمسی بطور ماهانه تأسیس و منتشر شده است .

(۹۲۷) کفاسر

روزنامه کداسر یعنی ریبادوست بزبان اردنی در شهر تبریز در سال ۱۹۱۹ میلادی بطور ماهانه منتشر شده است . (فهرست جراید از کتاب دانشمندان آذربایجان ص ۴۱۲)

(۹۲۸) کلید سیاسی

روزنامه هفتگی کلید سیاسی در طهران بمدیری (یوسف خان هراتی معروف به محمد یوسف خان سردار مهاجر هروی) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است این یوسف خان روزنامه دیگری بنام ، فواید عامه ، منتشر نموده که در آن در حرف ف کتاب گفتگو نموده ایم . نامبرده در قضایای بسیاران مشهد بدست روسها ارتباط داشته است . برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (صفحه ۱۲۷) مینویسد من نمره سوم روزنامه کلید سیاسی را در دست دارم و این نمره در ۲۲ صفحه بقطع هفت در ۳ و ۳ چهارم اینچ چاپ و در تاریخ هفتم ربیع الاول ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . وجه اشتراك روزنامه در طهران ده قران ، در سایر شهرهای ایران ۱۲ قران ، در روسیه ۳ منات و در هندوستان چهار مجید است .

(۹۲۸) کمال

روزنامه کمال در شهر تبریز بصاحب امتیازی میرزا حسین طیب راده (مدیر مدرسه کمال) تأسیس و شماره اول سال اول آن در تاریخ چهارشنبه دهم رجب ۱۳۱۷ قمری مطابق ۳ ابانماه جلالی ۸۲۱ و ۱۵ نوامبر ۱۸۹۹ مسیحی منتشر شده است.

روزنامه کمال ماهی سه دفعه در مطبعه سنگی با خط نستعلیق متوسط در هشت صفحه کوچک خشتی طبع و توزیع شده و در شماره های موجود اسمی از مطبعه که روزنامه در آن چاپ شده نیست. محل اداره روزنامه: تبریز در اداره مدرسه کمال. وجه اشتراك روزنامه: در تبریز ۸ قران سایر ولایات محروسه ۱۰ قران. ممالك روسیه سه منات. ممالك فرانك ۶ فرانك. هند ۶ روپیه. قیمت نمره در تبریز پنجشاهی. قیمت اعلان سطری پانصد دینار و حقوق پست همه جا بعهده اداره است.

در عنوان هر شماره اسم روزنامه (کمال) دومرتبه بخط رقاع و در زیر آن اسم روزنامه بفرانسه درج شده و بار در عنوان روزنامه نوشته است (مداخل روزنامه صرف مدرسه کمال خواهد شد). گرچه شماره و قطع صفحات کمال بیشتر شبیه به مجله است ولی همه جا اسم روزنامه بآن داده شده و مثلاً مینویسد اداره روزنامه. مندرجات روزنامه کمال چنانچه در عنوان هر شماره معرفی شده (جریده علمی و ادبی که هر گونه مقالات و اخبار دایر بترقی ملت و انتشار معارف در آن درج خواهد شد). مشتمل است بر مطالب علمی و اخبار خارجه و مقالات گوناگون ارقبیل (افتخار وطن) که در شماره دو و سه سال اول درج شده و همچنین اخبار راجع بمدرسه کمال و اخبار متفرقه دیگر در آن دیده میشود. درباره تأسیس روزنامه کمال شرحی در صفحات اول و دوم شماره اول آورده که برای مزید اطلاع عین آنرا نقل مینمائیم:

« اعلان - چون مدرسه مبارکه کمال قریب هشت ماه است که بنا شده امروز تا حدی حالت منظمی داشته و مدیر آنرا از نواب آئینه او فی الجمله فراغت حاصل شده از این جهت بتایید خداوند و امداد هموطنان معارف پرور بنشر این جریده اهتمام رفت. مقصود کلی از آن فقط ترقی ملت و انتشار معارف و مذاکره به بعضی علوم بعبارات ساده و خالی ارتکافات است که کم کم المناظر علم و آداب و شروط انسانیت گوشزد مردم ایران باشد و برای اینکه اداره خوب راه افتد و کالای علم رونقی گیرد قیمت سالیانه پیش گرفته میشود و از مشترکین محترم مستدعی آنکه در هر جای روزنامه که عیبی بینند فوراً اداره را مطلع سازند و همه کس در رد و قبول آن مختار و در صورت رد غیر از دونهامه اولی هرچه داده شده قیمت نمره ها گرفته میشود. »

پس از مقاله مذکور، مقاله ای تحت عنوان (دعای ذات اقدس همایونی) درج شده که در انتهای آن شرحی راجع با همیت جراید در مملکت نوشته و نیز در همین مقاله خبر تأسیس مدرسه لقمانیه تبریز را که چند روز قبل لیمان المالك جشن افتتاح آنرا گرفته و ادیب المالك خطابه مبنی بر تمجید علوم و تشویق مردم در آن

حرف الکاف بعده المیم

کمال

جشن انشا کرده ، درج کرده است . در هر شماره علاوه بر اینکه اسم مدیر روزنامه در عنوان روزنامه چاپ شده در آخر صفحه هشتم نیز نام « حسین طبیب زاده » درج است . شماره دوم سال اول کمال با همان سبک و اسلوب شماره اول روز یکشنبه ۲۱ شهر رجب ۱۳۱۷ قمری طبع و توزیع شده . در صفحه پنجم نمره سوم که در تاریخ شنبه غره شعبان سال مذکور منتشر شده شرحی راجع به مدرسه کمال نوشته که مجملی از آن چنین است : مدرسه کمال در دوم شهر ذی القعدة ۱۳۱۶ تأسیس شده و پانزدهم همان ماه شروع بدرس گردیده و چهار ماه بعد از تأسیس امتحان مفصلی در پیش جمعی از اکابر عالی همت داده . جناب آقای ادیب المالك خطابه بسیار مؤثری اظهار داشته و عموم را با عانت مدرسه تکلیف فرمودند .

سال اول روزنامه کمال با انتشار شماره ۲۹ مورخ دوشنبه ۲۱ شهر شوال المکرم ۱۳۱۸ قمری پایان یافته و در همین شماره شرحی بعنوان « ختام سال اول جریده کمال » نوشته که مفاد آن اینست : در اثر توجهات شاهنشاهی روزنامه کمال را بسال دوم رساندیم . گرچه در اواسط روزنامه تعویقات متعدده اتفاق افتاده و غالباً نمره ها در موقع انتشار نیافته و لذا آخر این ماه که ختام سال دوم مدرسه کمال است روزنامه را انتشار که بیک کرشه دوکار سازیم یعنی هم بقدر امکان عده نمره های روزنامه را بپردازیم و هم آغاز سال دوم او را با ابتدای سال سوم مدرسه مصادف نماییم .

و نیز در همین شماره است که خبر انتشار روزنامه ادب را در مشهد بهمدیری ادیب المالك که سابقاً در تبریز اشاعت مییافته ، نوشته است . از روزنامه کمال فعلاً با شماره ۲۹ دوست است و نگارنده اطلاعی ندارد که بعد از این شماره بازهم روزنامه کمال منتشر شده باشد . قدر مسلم این است که مرحوم میرزا حسین طبیب زاده . تاریخ الثانی ۱۳۲۱ قمری در تبریز بوده و پس از آن بشرحیکه بعداً یاد آور میشویم و هباز قفقاز و مصر گردیده است ولی آیا در این مدت بازهم روزنامه را منتشر می نموده اطلاعی ندارم .

(۹۲۹) کمال

روزنامه کمال بطور بانزده روزه در شهر قاهره مصر بهمدیری « میرزا حسین طبیب زاده مدیر سابق روزنامه کمال تبریز » تأسیس و در سال ۱۳۲۳ قمری منتشر شده است . هما قسم که در نمره قبل در ذیل روزنامه کمال یاد آور شدیم میرزا حسین طبیب زاده مدیر مدرسه کمال تبریز ابتدا روزنامه کمال را در تبریز منتشر مینموده و پس از آنکه مدرسه و مطبعه او را غارت کرده اند عازم مصر گردیده و در شهر قاهره مصر روزنامه کمال را تأسیس و منتشر نموده است .

مرحوم کسروی در صفحه ۴۲ تاریخ مشروطه ایران درباره خرابی و غارت مدرسه و مطبعه کمال مینویسد : « در ربیع الثانی ۱۳۲۱ قمری که محمد علی میرزا در تبریز بود مردم برضد بلژیکی ها شورش نموده و در تبریز بازارها را بستند و بالاخره طلبه ها

بیرون ر بخته و میخانه ها و مهمانخانه ها و دبستانها را تاراج کردند و آشوب و غوغای بزرگی ربا گردید . یکی از دبستانهایی که در این پیش آمد تاراج شد دبستان کمال بود که راهبرش میرزا حسینخان میبود و روزنامه ای نیز بهمان نام مینوشت و پس از این پیش آمد در تبریز مانده و بقفقاز و مصر رفت . این بود خلاصه از آنچه مرحوم کسروی نوشته است . مدیر روزنامه کمال در اوائل سال ۱۳۲۳ قمری باتفاق آقابان تقی راده و میرزا محمد علیخان پس از طی شهرهای قفقاز و ترکیه وارد مصر گردیده و ورود او را بمصر در شماره ۸۴۳ سال ۱۳ قمری روزنامه حکمت مورخ ۱۰ صفر ۱۳۲۳ قمری بدینقسم نوشته است : « تشریف فرمائی جگر گوشگان وطن بمصر ۰۰۰ از آنجمله در این ایام جناب میرزا حسین خان مدیر مدرسه و جریده « کمال » و جناب سیادت مآب آقا سید حسن و جناب میرزا محمد علیخان مدیران جریده « گنجینه فنون » و کتابخانه « تربیت » در تبریز باتن خسته و دل پر امید با ضمیر پاک وارد گلشن سرای علوم و معارف مصریه شدند . »

پس از آنکه مدیر روزنامه کمال چند ماهی در مصر توقف نموده در ماه جمادی الاول ۱۳۲۳ قمری روزنامه کمال را در قاهره تأسیس و منتشر نموده است . متأسفانه نگارنده تاکنون نمونه از روزنامه کمال منتشره در قاهره مصر بدست نیاورده ام ولی روزنامه حکمت چاپ قاهره در شماره ۸۵۲ مورخ پنجشنبه ۱۰ جمادی الاول ۱۳۲۳ طلوع آنرا تحت عنوان « تقریظ جریده گرامی کمال » پس از آنکه شرحی دائر باهمیت روزنامه نوشته بدینقسم یادآور شده است : « از آن ستازگان سپهر وطن پروری یکی جریده گرامی « کمال » است که در تبریز چندی درخشیده و از آنجا افول کرده اکنون در جو صاف و شفاف مصر که پر از ستاره های درخشان معارف است دیگر باره شارق گردید . امیدواریم که این ستاره درخشان گاه دراز از این افق تابان گشته و کم کم بدر تمام و بعد کمال برسد . » شرح مذکور اشاره بتاریخچه تأسیس کمال ابتدا در تبریز و سپس در مصر مینماید .

روزنامه کمال متأسفانه برخلاف آرزوی مدیر حکمت دوام زیادی در مصر نکرده و پس از اندک مدتی بعلت عزیمت مدیر آن از مصر کمال نیز تعطیل شده است . روزنامه چهره نما با عباراتی نفوذ دلکش و مؤثر در شماره ۲۲ سال دوم چهره نما مورخ غره جمادی الثانی ۱۳۲۴ قمری تحت عنوان « چهره نما و هزاران اشق » اشاره بتعطیل روزنامه کمال و حرکت مدیر آن از مصر بطرف قفقاز نموده که بی مناسبت نیست این شرح را ذیلاً نقل نمایم . « نهال تناور کمال که در اوج کمال و نهایت جلال رسیده بود و از استعداد جبلی و درایت فطری که یزدان پاک در نهاد نوع ایرانی بودابع گذاشته باندکی کم این نمره شجره تربیت و کمال درختی تنومند بار آور پیدا کرد که سرافرازی بکیوان کشید درین درد از غفلت و جهالت هموطنانش در تبریز چنان قامتی را معجوف کرد که دلش خسته و مریه اش بسته و قلمش شکسته و رشته مسلسل روزنامه اش گسته گردید پس از کرم خواری و برگ

حرف الکاف بعده المیم

کمال ، کمالی

دیزی از تبریز ریشه حیات بخاک طربناک مصر دوآید و سرسبزی از این خاک بیرون کرد و دوباره آغاز نشو و نما فرمود کالای ادبیات را رونق داد و با زار مطبوعات را زینت نمود ۰۰۰۰ باز هم افسوس که هنوز از میوه نورش مذاق معارف پژوهان متلذذ نگردیده که صرصر بدبختی ایرانیان وزیدن گرفت و این درخت تنومند لرزان لرزان برگ ریزان دو بانحطاط گذارد هموطنان مامقیم مصر خزان او را دیده با وجودیکه میدانستند در هر ثمرش اثری است نافع از بی همتی قدرش نشناخته و تبش پرداخته و این نهال برومند را پوسانیدند که شرح حال اسف اشتمال او هر سنگدلی را آب می کند این بود که شماره های کمال بآخر سال نرسید و مدیرش رخت عزیمت از ساحت مصر بسوی قفقاز کشید .

اشرح مذکور معلوم میگردد قبل از آنکه روزنامه کمال سال خود را پایان برساند ، مدیر آن از مصر خارج شده است .

(۹۳۰) کمالی

روزنامه کمالی در شهر همدان بمدیری آقای (علی کمالی) تأسیس و در سال ۱۳۰۹ شمسی منتشر شده است . طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده و ابتدا در مطبعه سری (همدان) طبع میشده و از سال ۱۳۱۷ پس از خریداری مطبعه مخصوصی ، در مطبعه (کمالی) چاپ شده است . وجه اشتراك روزنامه سالیانه ۲۴ قران و شش ماهه ۱۲ ریال است . کمالی معمولاً با قطع کوچک چاپ شده و صفحات دوهفته آن مخصوص درج آگهیهای ثبتی همدان است . زیرا که مدتی تنها روزنامه منتشر در همدان همین روزنامه کمالی بوده و ناچار تمام آگهیهای ثبتی این شهر در روزنامه کمالی چاپ میشده است . روزنامه آینده ایران مورخ ۲۴ تیر ماه ۱۳۱۲ درباره سالچهارم کمالی اینطور مینویسد : « جریده کمالی که هرچه قطع صفحات آن کوچک و لسی مطالب آن بزرگ است با مدیریت آقای رسولی و زحمات مادی و معنوی آقای کمالی سال سوم انتشار خود را خاتمه داده و قدم به مرحله چهارم نامه نگاری خود گذاشته است اهالی همدان را مخصوصاً با استفاده از آن توصیه مینمائیم . »

مندرجات روزنامه کمالی پس از سر مقاله عبارات است از اخبار محلی همدان و مختصری اخبار کشور و اعلانات ثبتی . روزنامه توفیق مورخ ۹ تیرماه ۱۳۱۴ اتمام سال پنجم این روزنامه و ورود بسال شش آنرا تبریک گفته است . کمالی تا اواخر سال ۱۳۳۰ نیز منتشر میشد .

سید علی کمالی - سید علی کمالی فرزند حاج آقا محمد مجتهد کمالی تحصیلات جدید را در مدرسه شرافت همدان که در بدو تأسیس بنام الفت موسوم بوده نموده و تحصیلات قدیمه را در مدت پانزده سال اقامت در نجف انجام داده پدر و جدش از علمای بزرگ همدان و کتب مختلفی در فقه و اصول تألیف نموده اند و چون از خانواده (کمالا) در همدان بوده نام خانوادگی کمالی انتخاب کرده است . در نامه که در

حرف الکاف بعده المیم والنون

کمالی، کنکاش

سال ۱۳۱۸ شمسی بابنجانب مرقوم داشته مینویسد : (از فضل پدر مرا چه حاصل . در همدان دهسال تمام است که روزنامه کمالی را تأسیس نموده ام و مقالاتی که از خود اینجانب بوده کمتر منتشر شده نمونه در اسرار خلقت که چندی قبل بمساعدت روزنامه کانون منتشر شد مختصری نگاشتم برای اینکه جزء نویسندگان محسوب شویم . »

(۹۳۱) کنکاش

روزنامه کنکاش در شهر رشت بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (محمد علی حسن زاده) تأسیس و شماره اول آن در ۱۳ ذی قعدة ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است . شماره ۲۸ سال اول این روزنامه در چهار صفحه بقطع بزرگ وزیری در مطبعه سربی (رشت - مطبعه عروۃ الوقتی) طبع و در تاریخ پنجشنبه ۱۲ جمادی الاولی ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است . مندرجات این شماره پس از درج مقاله اساسی تحت عنوان (غم وشادی یا انصاف بهترین چیزهاست) شامل اخبار گیلان و اخبار طهران و نامه های شکوائیه است .

مرکز اداره کنکاش: رشت. سبزه میدان . منزل حاج حسن آقا . عنوان تلگرافی رشت کنکاش . در بگطرف عنوان روزنامه پس از ذکر محل اداره این جملات (مقالات عام المنفعه پذیرفته میشود - مقالاتیکه با اداره برسد و هیئت تحریریه درج آنرا صلاح بدانند در رد کردن بصاحبش مجبور نخواهند بود و در درج و تعدیلش مختار است) و در طرف دیگر قیمت اشتراك و قیمت اعلانات بدینقسم چاپ شده است . رشت سالیه ۲۰ قران . ششماه ۱۷ قران . سه ماهه ۱۰ قران . سایر ولایات بترتیب ۳۰ قران . ۲۰ قران ، ۱۲ قران . ممالك خارجیه : ۴۰ قران . ۲۲ قران ، ۱۳ قران . قیمت اعلانات صفحه اول - سطر ۱۰ شاهی . صفحه چهار سطر پنج شاهی . تك نمره رشت ۳ شاهی سایر ولایات ۴ شاهی . از روزنامه کنکاش فضلا تا شماره ۳۲ سال اول مورخه شنبه ۲۶ جمادی الاخر ۱۳۲۹ قمری در دست است :

آقای محمد علی حسن زاده - روزنامه جارچی ملت در شماره ۳۲ سال اول مورخ شوال ۱۳۲۹ قمری تحت عنوان (ورود و خیر مقدم) شرحی راجع بآقای حسن زاده و ورود او از رشت بطهران نوشته که برای اطلاع عین آنرا نقل مینمائیم: « جناب مستطاب فاضل کامل یگانه غیور وطن پرست آقا میرزا محمد علیخان حسن زاده مدیر روشن ضمیر جریده شریفه کنکاش منطبعه رشت و یدت برگاه که از اجله اعیان و در شماره اولین مجاهد و آزادی طلب و حریت خواه گیلانند در تاریخ شنبه ۱۳ شوال از طرف انجمن محترم ایالتی گیلان مأمور بوصول ۲۵ هزار تومان حقوق باقی مانده افواج بطرف طهران حرکت نموده بعمدالله تعالی صبح دو شنبه ۱۵ شهر حال سالماً وارد دارالخلافه طهران شده چشم دوستان بل تمام جراید نگاران طهران را روشن نمودند لدیالورد جناب بطرسخان از برای مهمانداری و پذیرائی مشارالیه تهیه منزل نموده وعده کثیری از اهالی طهران خاصه اعیان و تجار و بعضی از جراید نگاران

حرف الکاف بعده الواو کنکاش، کورتز، کوشش

تا دروازه باستقبال شتافته احترامات فوق العاده بعمل آمد پس از ملاقات مستقبلین روانه منزل شدند. مقدم ایشان را تبریک میگوئیم.

ظاهراً پس از ورود آقای حسن زاده بطهران روزنامه کنکاش دیگر در رشت منتشر نشده و چند سال بعد یعنی در سال ۱۳۳۶ قمری در طهران پا بدایره انتشار گذاشته است. و این مطلب از آن لایحه در شماره ۵۴ سال نهم روزنامه وطن مورخ ۲۵ صفر ۱۳۳۶ قمری چاپ شده و خلاصه آن بشرح زیر میباشد، حدس زده میشود: «اعلان جریده کنکاش بمساعدت معارف پروران امیدوار است که عن قریب دوره قلمفرسایی خود را تجدید نماید. جریده کنکاش با همان مسلك سابق با قطع بزرگ طبع و نشر خواهد گردید. اولیای جریده کنکاش پس از طی جریان قانونی و ترتیب امورات داخلی و اداری بوسیله جراید و طلبیه تاریخ طبع جریده خود را بسم قارئین خواهد رسانید فقط عجالتاً بموجب این اخطار کارکنان جریده کنکاش خواطر شرکاء خود را مستحضر میدارند که از تاریخ نشر این اخطاریه مدیر اداره حاضر است که محاسبه گذشته شرکاء محترم را ارائه دهد آقایان محترم با اداره جریده وطن که موقتاً دفتر جریده کنکاش نیز در آنجا دایر است بمدير اداره رجوع و اشخاصیکه نیز مطالباتی از این اداره دارند میتوانند اسناد خود را آورده وجه آنرا دریافت دارند.

در دنباله این قسمت شرحی راجع به پنج هزار متر زمین واقع در پشت دروازه باغ شاه متعلق بشرکت جریده کنکاش برای پرداخت قروض آنجریده و تکمیل اثاث برای طبع جدید آن نامه ملی اقرار ندعی دو قران بیانند بلیط بقرعه لاطار گذاشته است. این اعلان بامضای (میر تقی حشمت مدیر شرکت کنکاش و عضو اول هیئت تحریریه وطن) است.

(۹۳۲) کورتز

روزنامه کورتز بمعنی کار در شهر تبریز بزبان ارمنی منتشر شده است. مرحوم تربیت دوفرست جراید آذربایجان (ص ۴۱۲) دانشمند آن آذر بایجان (در باره این روزنامه مینویسد: کورتز روزنامه هفتگی منتشر در تبریز در زبان ارمنی در ۱۹۰۳ میلادی.

(۹۳۳) کوشش

روزنامه کوشش در طهران بمديری آقای (شکره صفوی) تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است. شماره اول این روزنامه درجیدی سال مذکور انتشار یافته و از آن تاریخ مرتباً هفته سه شماره در چهار صفحه هر صفحه ۵ ستون منتشر شده بنجبال بنحو فوق منتشر شده و در اول سال ششم روزنامه کوشش بطور یومیه هفته شش شماره با قطع بزرگ و حروف خیلی ریز در چهار صفحه هر صفحه ۷ ستون انتشار یافته است. قیمت اشتراك روزنامه در آغاز تأسیس سالیانه یکصد ریال و شش ماهه ۵۵ ریال و تک شماره ۲۰ دینار تعیین گردیده شعار روزنامه که در هر شماره

حرف‌الکاف بعده الواو

کوشش

بالای اسم روزنامه چاپ شده آیه (لیس للانسان الا ماسی) است .
 روزنامه کوشش تا حین تحریر این قسمت هنوز منتشر می‌گردد و شماره مسلسل آن ۷۶۹۵ سال سی‌ام کوشش در تاریخ دوشنبه ۱۲ ابانماه ۱۳۳۱ شمسی در چهار صفحه بقطع بزرگ انتشار یافته است . معمولاً از آغاز تأسیس ثبت عمومی در ایران صفحات دوم و سوم روزنامه‌ها مخصوص درج آگهیهای ثبتی است . بقیه مندرجات روزنامه پس از سرمقاله که غالباً مربوط باوضاع روز میباشد اخبار داخله و خارجه و اخبار مجلس شورای ملی است . بیشتر قوانینی که در طول مدت سی‌سال وضع شده در روزنامه کوشش چاپ شده است .

شماره ۲۳ سال دوم روزنامه کوشش در چهار صفحه بقطع بزرگ با چاپ سری در تاریخ ۲۲ حوت تنگوزیل ۱۳۰۱ شمسی چاپ و منتشر شده است . محل اداره : طهران . اول خیابان جلیل آباد و آدرس تلگرافی : طهران . کوشش . معین گردیده است سرمقاله این شماره بعنوان (قیام ملی) و بدینقسم شروع می‌گردد : « برخلاف آراء سخیفه معدودی که نه پرست و متعصبین رسوم عصر جاهلیت و درباریان حامی سلطنت مبلغین فساد و ناشرین اراجیف نهضت ملی باقیافه جدی و محرور شروع شد و احساسات تنفر آمیز جامعه مانند سیلاب آتش فشان برای انهدام بارگاه کیوان رفعت مهر سپهر سلطنت خدیو کامکار شهریار معدلت شعار (۲) رو بکریاس عرش اساس (۱) سرازیر گردید » تمام این سرمقاله علیه سلطنت قاجاریه و تشویق بحکومت جمهوریست من جمله در همین شماره بعنوان (پیشنهاد مهم) صورتی ارحقوقیکه سالیانه بخانهزاده سلطنتی داده میشود درج نموده و از نمایندگان دوره پنجم مجلس شورای ملی درخواست نموده است که این مبلغ که مساوی با بودجه سالیانه وزارت معارف و اوقاف و مدارس دولتی و صعبه عمومی است و سالهای سال از خزانه فقیر مملکت باین شاهزاده های بی عاطفه و بی علاقه بمملکت داده شده است ، حذف گردد

و نیز در همین شماره کوشش است که (سرود جمهوری) و (مارش جمهوری) ایران چاپ شده . سرود جمهوری مشتمل بر دو غزل که غزل اول بدین مطلع میباشد :

بمردم اینهمه یی‌داد شد ز مرکز داد	زدیم تیشه بر این ریشه هرچه بادا باد .
از این اساس غلط این بنای پایه بر آب	نتیجه نیست بتعیر این خراب آباد .

غزل دوم بدین مطلع است :

سوی بلبل بوی گل باد صبا خواهد برد	خیر مقدم گل تا همه جا خواهد برد .

رحم ایغدهای دادگر کردی نکردی	ابقا باحقا ب قبر کردی نکردی

مارش جمهوری

روی دلکش موی دیجور	روی اندر موی مستور .
دست کز این غره این حور	کو کشته جز دست جمهور .
ساقی از این دور خسته	ساغر روین شکسته .

کوشی ، کوکب ایران

حرف‌الکافی بعده‌الواو

مطر با ای پی خجسته باره کن این سیم ناجور .
آخر درد است و مستی بست بادا شه پرستی .
.....

نیست دوران فجر باد ☞ این شجری بارو بر باد . تا قیامت دادگر باد ☞ بازوی پرزور جمهور
کارایران دوبره باد ☞ نام شاهی روسیه باد . زنده سردار سپه باد ☞ باغریو کوس شیور
روزنامه کوشش از روزنامه هائیت که با اوضاع زمان و ایران جلو رفته و از
اینجهت تا کنون توانسته است خود را حفظ نماید . آقای شکره صفوی چند دوره
نماینده کی مجلس شورای ملی را داشت و تا دوره شانزدهم در مجلس بود . مطبعه سیروس
که روزنامه در آن چاپ میشود بهت و با مساعی و کوشش آقای صفوی تأسیس و بکار
افتاده است . در کتاب تاریخ نهضت ایران درباره آقای صفوی مینویسد : «میرزا شکره
صفوی صاحب و مدیر روزنامه کوشش در طریق عمل سیاسی و زبان روسی را
بخوبی میداند»

(۹۳۴) کوکب ایران

روزنامه کوکب ایران در طهران بصاحب امتیازی و مدیری (رکن الاسلام خلغالی)
تأسیس و در سال ۱۳۳۵ قمری منتشر شده است . شماره اول کوکب ایران در چهار
صفحه بقطع بزرگ با چاپ سری در مطبعه (بوسفور) طبع و در تاریخ ۵ شنبه ۹
ذیحجه ۱۳۳۵ قمری مطابق ۴ میزان ۱۲۹۶ شمسی منتشر گردیده . مندرجات این
شماره پس از مقاله افتتاحی که بدین‌قسم شروع میشود : « وضعیات عمومی - يك نفر
نویسنده هر قدر هم که زبردست باشد ۴۰۰۰ » و در آن راجع بنشر روزنامه کوکب
ایران پرداخته ؛ بعد اخبار طهران و مطبوعات خارجه را نقل کرده است . وجه
اشتراک روزنامه که مقدمات دریافت میشده از اینقرار است : یکساله داخله ۷۰ قران
و لایات ۸۰ قران ، خارجه ۱۰۰ قران ، ششماه بترتیب ۴۰ قران ، ۴۵ قران ، و ۶۰
قران . تاریخ اشتراک از اول هر برج شروع میشود . طرز انتشار روزنامه هفته سه
نمره در ایام دو شنبه و چهارشنبه و شنبه طبع و نشر میشده . محل اداره روزنامه
طهران . خیابان لاله زار . در عنوان روزنامه این جمله چاپ شده : « برای خدمت
باستقلال مملکت تأسیس شده است . » . قبل از انتشار شماره اول روزنامه بقسمیکه
روزنامه کاشف اسرار چاپ اصفهان تحت عنوان (بشارت) طبعه روزنامه منتشر شده
و عبارت روزنامه کاشف اسرار از اینقرار است : « این دو روزه طبعه جریده فریده
کوکب ایران در تحت مدیریت آقای رکن الاسلام خلغالی که یکی از رحمتکشان باین
آب و خاک محسوب هستند اداره رسیده است . »

روزنامه کوکب ایران یکی از روزنامه های مفید و دارای سرمقاله های آتشین
و اخبار داخله و خارجه بتفصیل در آن چاپ شده عنوان بعضی از سرمقاله های آن از
این قرار است . سرمقاله شماره ۴۰ سال اول (مطالعات سیاسی) و بدین‌قسم ختم میشود

حرف الکاف بعده الواو

کوکب ایران، کوکب درخشان

« حالا که ادامه حیات ما ولو چند روزه موکول بر گ همایه است . حالا که اسلامبول و طهران هر دو در مخاطره ولی بلبیدن یکی موقتاً اسباب نجات دیگری میشود چه باید کرد . البته ایرانی در فکر سلامت خود و ترك در فکر سلامت خود است . روس در شمال سنگرهای تازه را اشغال کرده جابجا میشود . جلوگیری از اصلاحات ایران - تشویق و تقویت از تمام عناصر ارتجاع حمایت از شجاع السلطنه ها و سالار الدوله ها و شجاع الدوله ها که نصف بزرگتر ایران را بخون و آتش کشیدند اصول سیاست روس است . مانگیسها گاهی ابراز احساسات موافق نسبت بایران میکنند ولی در موقع عمل مخالفتی با سیاست روس ابراز نمیشود . »

(خوش بینی یا بد بینی) عنوان سرمقاله شماره ۱۹ و (سیاست خارجی ما) عنوان سرمقالات چند شماره است . از روزنامه کوکب ایران نگارنده مجموعه کاملی تا شماره ۵۷ سال اول مورخ چهار شنبه ۲۹ جمادی الاول ۱۳۳۶ قمری در دست دارم . **سید خلیل رکن الاسلام خلخالی** - در صفحه ۱۴۲ تاریخ نهضت ایران مینویسد « رکن الاسلام مدیر روزنامه کوکب ایران شربت ناگوار مرگ اجباری را چشیده است . » تفصیل قتل آن مرحوم بدین نحو بوده که در شب غره جمادی الاخر ۱۳۳۹ قمری در طهران از طرف دو نفر شخص مجهول مورد حمله شده و با چند تیر موزر بقتل رسیده است .

(۹۳۵) کوکب درخشان

مجله کوکب درخشان در شهر کرمانشاه بصاحب امتیاری و مدیر مسئولی (میرزا احمد جواهری - بروجردی) و سردبیری (واحدی) تأسیس و در سال ۱۳۰۶ شمسی منتشر شده است . شماره اول مجله کوکب درخشان در ۲۳ صفحه بقطع کوچک خشتی و با چاپ سربی طبع و در تاریخ ۳۰ شهریور ماه ۱۳۰۶ شمسی مطابق ۲۵ ربیع الاول ۱۳۴۶ قمری انتشار یافته . محل اداره (مطبعه شرکت سعادت کرمانشاه) و قیمت اشتراك آن در کرمانشاه سالیانه ۱۲ قران . شش ماهه ۶ قران . خارج اجرت پست افزوده میشود . طرز انتشار آن ماهانه بوده و مندرجات آن عبارت از مطالب دینی و اخلاقی است .

در شماره اول بعنوان مرام و مسلک مجله پس از درج آیه شریفه (انا زینا السماء الدنيا بزینة الکواکب وحفظاً من کل شیطان مارد) اینطور مینویسد : « دو فرد شمر ذیل را دوست عزیز می طبع مجله ایصال داشته ما از نقطه نظر قدر دانی آن را زیب و زینت مجله خود قرار دادیم و تشکرات صمیمانه تقدیم میداریم .

قطعه

در سماء دین بنگر کوکب درخشان را داده پرتوش زینت سرزمین ایران را
صفحه دل آرایش گشته مظهر عرفان نهضت سمن سایش رانده است شیطان را
مجله کوکب درخشان مقالات عام المنعنه متروعه که سبب اتحاد کلمه اسلامیه

حرف الکاف بعده الواو

کوکب درخشان ، کوکب دری

و حفظ حقوق ملت و دولت باشد پذیرفته و درج میشود مسلک و قلم ما در مزایای اسلام و دعوت اسلامی و فلسفه احکام و اخلاق و مواعظ نافه جهت معاش و معاد و ترغیب در اتحاد و اتفاق و رفع شبهات مخالفین و جواب تنقیدات ملت نصاری خواهد بود .

در حقیقت مندرجات مجله کوکب درخشان را آنچه در این مقدمه ذکر شده تشکیل میدهد . اولین قسمت مندرجات شماره اول قصیده مولودیه اثر طبع ادیب الممالک است که بناسبت عید سعید میلاد حضرت ختمی مرتبت در ۱۷ ربیع الاول ، در مجله چاپ شده است . قصیده مذکور همان قصیده مشهور ادیب الممالک میباشد که بند اول آن اینست:

بر خیز شتر بانا بر بند کجاوه کز چرخ عیان گشت همارایت کلاه
از شاخ شجر برخاست آوای چکاو در طول سفر حسرت من گشت علاوه
بگنر بشتاب اندر از رود ساوه در دیده من بنگر در با چه ساوه

در سینه ام آتشکده فارس نمودار

پس از این اشعار بتفسیر ادعای سبیل ربك پرداخته و بعد اشعاری بعنوان (متفرقات) نقل نموده و در خاتمه باز شرحی در اطراف مندرجات مجله نوشته و مینویسد : (بیاری حق بنذاکرات مندرجه در مجله کوکب درخشان حق محقق و باطل عاطل خواهد شد.)

(۹۳۶) کوکب دری

روزنامه کوکب دری و یا بنا بر ضبط برون (کوکب دری ناصری) در طهران بمدیری (ناظم الاسلام کرمانی) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . این روزنامه بجای روزنامه (نوروز) بوده که از آن در حرف نون کتاب گفتگو خواهیم کرد برون در باره این روزنامه مینویسد روزنامه کوکب دری ناصری منتشره با چاپ سنگی در سال ۱۳۲۵ قمری در طهران بمدیری (ناظم الاسلام کرمانی) مدیر روزنامه نوروز و مؤلف تاریخ بیداری ایرانیان) . برون اضافه میکند که من نمره ۱۲ این روزنامه را که در تاریخ ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری منتشر شده دودست دارم و این شماره در هشت صفحه و با چاپ سنگی است . وجه اشتراك روز نامه در طهران ۲۰ قران ، دوسایر شهرهای ایران ۲۵ قران . در روسیه ، پنج منات .

در شماره ۷۸ روزنامه مجلس مورخ ۱۲ ربیع الاول ۱۳۲۵ قمری شرحی راجع بطلوع روزنامه کوکب دری نوشته که بی مناسبت نیست عین آنرا نقل کنیم . شرح مذکور تحت عنوان (ستاره بدرخشید و ماه مجلس شد) نوشته شده است : «معارف پژوهان را بشارت باد جریده شریفه نوروز که چند سال پیش از این با خامه جناب مستطاب استاد معانی طرار آقا میرزا محمد ناظم الاسلام دایر و سایر بود در این ایام بنام (کوکب دری) از افق مجد معالی طالع و نور ارشاد و هدایت بمصداق (کانه کوکب دری یوقد من شجرة مبارکه) از جبهه آن ساطع است نگارنده این نامه نامی که از پیش قسمان عالم مطبوعات و اساتید انجمن دانش به شمر میرود سالیان دراز در محضر بندگان حضرت حجة الاسلام والسلمین محی اللة و الدین آقای آقا

حرف الکاف بعده الواو کوکب مسعود، کوکب ناصری، کوهرنگ

میرزا سید محمد مجتهد طباطبائی مد ظله العالی بتحصيل علوم وحکم و تهذيب اخلاق و شيم پرداخته و اکنون گنجینه بجواهر هنر مغزون است و سفینه بلتالی حکم مشحون در باره او توان گفت (اذا نطق فهو بحر مواج) و (اذا سکت فهو بحر عمیق) اگر چه در این عهد دمان جراید و سستی یافته زالی با کلافی بغریداری یوسف دانش تافته است ولی بر اهل خبرت پوشیده نخواهد ماند **ماکل فافحه ریا ولاکل عقد عقد ثریا** (همه گویند و سخن گفتن سعدی دگراست) (همه خوانند مزامیر نه همچو داود) نور کوکب دری روزگار تمدن را چون صبح صادق روشنی داده و صیت معارف در مجلس هوطنان بغداد (ولتعرفهم فی لحن القول) شایع نموده . دعوت حق آشکار است از صدا خ مقصد شیطان پدید است از ندا .

(۹۳۷) کوکب غرب

در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴ شمس امتیاز روز نامه کوکب غرب در شهر کرمانشاه بدیری (حاج میرزا عبدالله کرمانشاهی) از تصویب شورایعالی معارف گذشته است .

(۹۳۸) کوکب مسعود

روزنامه کوکب مسعود در طهران در سال ۱۳۰۴ شمس بطور هفتگی تأسیس و منتشر شده است .

(۹۳۹) کوکب ناصری

روزنامه کوکب ناصری در شهر بنبی هندوستان بدیری (میرزا مصطفی شیخ الاسلام بهبهانی) تأسیس و در سال ۱۳۰۹ قمری مطابق ۹۲ - ۱۸۹۱ میلادی منتشر شده است . این روزنامه با چاپ سنگی و خط تعلیق طبع گردیده و نمره سوم - سال اول آن در تاریخ ۱۵ ژانویه ۱۸۹۲ میلادی انتشار یافته است . برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۲۹) مینویسد من نمره ۴ و ۵ و ۶ و ۷ سال اول این روزنامه را دارم . هر نمره آن در هشت صفحه بقطع ۱۷/۵ در ۱۱/۵ اینچ میا شد . وجه اشتراك آن در بنبی ۱۵ قران . در هندوستان و خلیج فارس و عربستان ۲۰ قران در سایر شهرهای ایران و ترکیه و اروپا ۲۵ قران . برون پس از شرح مذکور مدیر روزنامه رامیرزا مصطفی و دکتر سیلستر ! (نام دکتر را با علامت تعجب نوشته است) و ناشر را مصطفی شیخ الاسلام بهبهانی معرفی کرده است .

(۹۴۰) کوهرنگ

روزنامه کوهرنگ در اصفهان بدیری امیر قلی امینی مدیر روز نامه اخگر و اصفهان تأسیس و قط طلبه آن منتشر شده است . طلبه روز نامه روی يك ورق

حرف‌الکاف بعده الیا

کیان ، کیمیا

بامضای امیر قلی امینی در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۳۱۳ شمس انتشار یافته و با این عبارات شروع میگردد : « ترقی اوضاع معارف و مطبوعات يك مملکت عالتر بن و بلکه کامل ترین نمونه ترقی و تعالی حقیقی آن مملکت است ازمیزان رشد و کثرت مطبوعات يك ملت میتوان بخوبی بمیزان رشد سیاسی یا اجتماعی آن ملت پی برد ... » در این طلحه اشاره باختلاف و تفاوت مقام روزنامه نگاری در گذشته و حال نموده و باین عبارات آنرا ختم مینماید : « و بهمین جهت استکه در آتیه نزدیکی بانتشار جریده کوهرنك مبادرت و تا آنجا که محیط اصفهان با آنهمه محدود بودن وسایل کار اجازه دهد يك نشریه قابل استفادۀ در دسترس همشهریان عزیز خویش بگذارم . روزنامه کوهرنك در نیمه ماه شهریور و در صورت فراهم شدن اسباب کار حتماً در اول مهر ماه بصورت يك روزنامه مفید اجتماعی و ادبی منتشر خواهد شد . ما سعی خواهیم کرد که این روزنامه برای مشترکین محترم اخگر بطور مجانی و برای دیگران بنازلتر بن قیمت های ممکنه فرستاده شده و خلاصه در آئینه یکی از آثار سودمند این عصر بشمار آید . اصفهان امیر قلی امینی مدیر اخگر . » ولی مناسفانه این وعده هیچگاه صورت عمل بخود نگرفته و از روزنامه کوهرنك هاسم که یاد آور شدیم بیش از این طلحه منتشر نشده است .

(۹۴۱) گیان

در تاریخ هشتم آذر ماه ۱۳۰۴ شمس امتیاز رورنامه گیان بمدیبری (محمد اسماعیل خان شریف قمشه‌ای) در اصفهان تصویب شورای عالی معارف گذشته ولی این روزنامه هیچگاه انتشار نیافته است . میرزا اسماعیل خان گیان از اشخاص کاردان و برجسته شهرضا و از کسانیست که در راه پیشرفت امور مردم شهرضا در هر قیمت قدمهای بزرگی برداشته نامبرده در تاریخ يك شنبه ۱۷ مهر ۱۳۲۲ شمس در موطن خود شهرضا دار دنیا را بدرود گفت .

(۹۴۲) کیمیا

رورنامه کیمیا در طهران بصاحب امتیازی و مدیری (پرفسور - م مجد زاده) تاسیس و در سال ۱۳۰۶ شمس منتشر شده است . روزنامه کیمیا بطور هفتگی و در عنوان آن روزنامه (علمی - ادبی - تاریخی) معرفی شده است . در تمام شماره ها این سطر در زیر عنوان رورنامه درج است . « شماره های این رورنامه را مریاض ضبط کنید که در آخر هر سال صاحب سه کتاب نفیس جدید علمی و ادبی و تاریخی خواهید بود » منظور از سه کتاب جدید یکی (تاریخ انقلاب ایران) و دیگر کتاب « طب جدید » و سوم « کتاب اصول طب » میباشد که در هر شماره قسمتی از آنها درج شده است . جای اداره رورنامه : طهران . سرچشمه . چهار راه سادات اخوی . قیمت اشتراك طهران یکساله دو تومان . شش ماهه ۱۲ قران . ولایات بترتیب ۲۵ قران و ۱۵ قران

حرف‌الکاف بعده‌الیا.

کیما، کیوان

تک نمره شش شاهی. اعلانات سطری دو قران. روزنامه کیما با چاپ سری و معمولاً در چهار صفحه بقطع وریری چاپ شده و مندرجات آن بغیر از سه کتابی که در بالا ذکر کردیم اشعار است از مرحوم مجد الاسلام کرمانی، پدز مدیر روز نامه و ادیب الممالک و دیگران. شماره ۹ و ۱۰ روزنامه یکجا در ۸ صفحه با چاپ سری در مطبعه «تمدن تهران» طبع و در تاریخ ۶ اسفند ماه ۱۳۰۶ شمسی مطابق ۴ رمضان ۱۳۴۶ قمری منتشر شده است. در این شماره در صفحه اول «بهاریه» و «تغزلی» چاپ شده و بهاریه آن بدین شعر شروع میگردد:

باز زمین را بهار ساخت مرصع از گل وریحان و لاله طرز مشعشع
باد صبا کرد بوعروس چمن را از طرف شاه نو بهار مخلص.
مطلع تغزل نیز بدینقرار است:

قرار داد من و تو بتا سیاسی نیست ز روی نقشه و افکار دیپلماسی نیست
حدیث عشق و محبت بود نه قول و قرار قرار لیره و تقسیم اسکناسی نیست
پس از این قسمت اشعار مجد الاسلام درباره (اوضاع عدلیه سابق و یا شهر خاموشان) و در صفحه هشتم نیز اشعاری تحت عنوان (اندرز پارسی) از مرحوم مجد الاسلام کرمانی طبع گردیده است. و در شماره ۱۳ و ۱۴ سال اول تحت عنوان (حکایت آدم ابوالبشر و جنگ بین الملل) اشعاری چاپ شده که باین مطلع شروع میشود:
گذشت عمر و ندارم زرقش افسوس بگو بمرک بیا تا زخم پیاپی بوس
در هر شماره بالای اسم روزنامه این شعر بعنوان شعار چاپ شده است: «سخن در کیمای جسم و جانست - اگر خود کیمایی هست آنست»

(۹۴۲) کیوان

در جلسه سیزدهم اسفند ۱۳۱۹ شمسی شورایی عالی فرهنگ صلاحیت آقای ربیع انصاری را برای چاپ و نشر روزنامه کیوان در رضائیه تصویب نموده است. روزنامه کیوان بهمدیری آقای انصاری چندی در رضائیه منتشر میشد و در وقایع آذربایجان و آمدن دموکراتها بآن صفحات باصفهان منتقل گردید و دوشه سال در اصفهان منتشر میشد و باز برای دفعه دوم برضائیه رفت و روزنامه کیوان تا اواخر سال ۱۳۳۰ شمسی در شهر رضائیه منتشر میشد. با اینکه نمونه های زیادی از این روزنامه چاه از هنگامیکه در رضائیه نشر شده و چه از نمونه های اصفهان بتعداد زیادی در دست است اما چرن بیشتر دوره انتشار آن مربوط ببعده از سال ۱۳۲۰ است لذا شرح آنرا مفصلاً در ذیل کتاب ذکر خواهیم کرد.

حرف‌الکاف

(۹۴۳) گذران توده

روزنامه گذران توده در شهر رشت بهمدیری و صاحب امتیازی (میرزا خلیل یوسف

حرف‌الکافی بعده الذال

گذران توده

زاده نوعی (تاسیس و منتشر شده است . این روزنامه ابتدا موسوم به (معیشت ملی) بوده و امتیاز روزنامه باین نام در تاریخ ۱۵ تیر ۱۳۰۵ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته است . پس از آنکه مدتی روزنامه بنام معیشت ملی منتشر میشده تغییر نام داده و باسم گذران توده انتشار یافته است . آقای خلیل نوعی مدیر روز نامه در نامه که بنکارنده مرقوم نموده یاد آور نشده اند که در چه تاریخی این تغییر اسم پیدا شده و فقط یاد آور شده اند که در سنه ۱۳۰۵ شمسی موفق بتحصیل امتیاز جریده موسوم بمعیشت ملی شدم .

روزنامه گذران توده و یا معیشت ملی پس از وقایع شهریور بار دیگر تغییر اسم داده و بنام (سپید رود) در طهران منتشر شده است . روز نامه سپید رود که صاحب امتیازی و سردیری (خلیل نوعی) و در تحت نظر (هیئت تحریریه) اداره میشده شماره مسلسل ۲۰۹-۸ آن روی يك ورق بزرگ در تاریخ سه شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۲۵ شمسی انتشار یافته و این تاریخ مطابق با سال بیستم روزنامه بوده است . از روزنامه معیشت ملی در حرف میم کتاب در همین مجلد گفتگو خواهیم کرد آقای خلیل نوعی در تاریخ ششم اردیبهشت ماه ۱۳۱۸ در پاسخ نامه نگارنده شرح حال خود را اینطور مرقوم داشته اند :

«تاریخ نامه نگاری از سنه ۱۳۰۵ آغاز و تا امروز در این خدمت ادبی و اجتماعی بدون وقفه و تعطیل پایداری کرده ام . قبل از نامه نگاری که شغل رسمی اینجانب اختصاص بتجارت روسیه داشت بهیچوجه تصور نمیکردم که يك روزی داخل این خدمت ادبی و اجتماعی خواهم شد زیرا تجارت را که مسافرت با آن همراه باشد بی اندازه دوست دارم که بواسطه تغییر اوضاع جهانی و پیش آمد های مکرر که تمام بر زبان تجارت همگانی تمام شده دار و ندار تجار را در معرض تحولات قرار میداد ناگزیر مرا از عمل تجارت باز داشت و بنامه نگاری آشنا کرد باین معنی پس از انقلاب گیلان که دوره سعادت و خوشبختی ایرانیان آغاز شده قلع و قمع ملوک الطوائف ایران را بسر اقتصادی وادار میکرد از لحاظ ایقاع و راهنمایی در جراید محلی نشر مقالات اقتصادی و تجارنی با ذوق و عشق زایدالوصفی مبادرت نموده . کم کم فکر تاسیس چاپخانه و نامه نگاری و تشویق دوستان که نگارشات ناچیزم را حسن تلقی مینمودند و حلاوت نگارشات اجتماعی نیز ذوق و قریحه تحریر را تهویت و تهییج مینمود بفرستادن امتیاز روزنامه افتاده تا در سنه ۱۳۰۵ موفق بتحصیل امتیاز جریده موسوم بمعیشت ملی شدم .

مقالات مهم اقتصادی من عبارت از انحصار تجارت خارجی - لغو امتیاز بانك شاهنشاهی - استقلال اقتصادی - جنگ سرمایه - طرق تاسیس شرکتهای سندیکا ها - نفت در سیاست بین الملل و در این قبیل مسائل اساسی و حیاتی دور زده که الحمدلله با توجه شاهنشاه محبوب انجام و آنچه که از خدا طلب میکردم کامیابی حاصل آمد ولی باید دانست قبل از شروع بنامه نگاری که ذوق اداره کردن يك جریده اقتصادی در محیط ثروت خیز گیلان كمك قلمی ادبیهام معلی را نیازمند بود اوضاع اقتصادی ار

حرف‌الکاف

گذران توده، گفتار راست، گل آتشی

کمک قلمی ادباء معلی محروم و دوستان نویسنده هریک در مشاغل ملی و دولتی سرگرمی پیدا کردند و این سبب شد تنظیم هرگونه مقاله و اخبار را شخصاً عهده بگیرم که بدیهی است این وضعیت انسان را از تهیه عواید که وسعت نشریات منوط بآنت است باز میدارد. در هر حال ادامه نامه نگاری منوط بوجود چاپخانه اختصاصی است که در بدو نامه نگاری در رشت تأسیس نمودم و چون تکمیل وسائل چاپ از هر حیث برای من غیر مقدور بود چاپخانه های رشت را دعوت شرکت و اتحاد نمودم تا پس از ۱۴ سال بتشکیل شرکت سهامی چاپ با سرمایه چهارصد هزار ریال توفیق حاصل گردید که امید است در اثر اقدامات هیئت مدیره و اهالی معارف پرور وسائل چاپ درآتیه کامل گردد و یادگار نیکی در گیلان باقی بماند.

در دوره نامه نگاری گذشته از نشر رساله های اقتصادی دو جلد کتاب تألیف و انتشار داده ام اولی موسوم بتاریخچه زندگانی دومی موسوم بگذشتگان که حاوی تاریخ مشروطیت ایران است. محل تولد نگارنده اردیبهشت در سال ۱۲۶۹ می باشد. خلیل یوسف نوعی مدیر و نگارنده روزنامه گفران توده معیشت ملی سابق رشت»

(۹۴۴) گفتار راست

روزنامه گفتار راست در شهر شیراز بدیری آقای (سید نورالدین گلستان) تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است. ظاهراً آغاز انتشار این روزنامه در اسفند ماه سال مذکور بوده و تا چهار سال دوام داشته و طرز انتشار آن هفتگی بوده است. مجله تحفه الادباء در شماره دهم مورخ اسفند ۱۳۰۱ بعنوان تقریظ راجع باین روزنامه مینویسد: «نامه نامی گفتار راست از افق مطبوعات فارس طالع و از منبرجات مفیده اش لغت واقعی بردیم. موقعیت کارکنان آنرا از خداوند خواهانیم»

(۹۴۵) گل آتشی

مجله گل آتشی در شهر شیراز بسنولیت آقای نوبخت و بدیری آقای حسام زاده خوشنود تأسیس و در سال ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده. شماره اول این مجله در دلو ۱۲۹۹ منتشر شده و روزنامه اختر مسعود چاپ اصفهان طلوع آنرا در شماره ۴۸ سال اول خود بدینقسم ذکر کرده است: «مجله شریفه گل آتشی که درچندی قبل طلوع آنرا بشارت دادیم اینک با سبکی نیکو از آسمان معارف شیراز بدیریت آقای نوبخت مدیر بهارستان و دنیای ایران طلوع نموده است.»

مجله فکاهی گل آتشی قبل از انتشار موسوم به (گل سرخ) بوده و در اعلانات متعددی که درجراید آن ایام منتشر شده انتشار مجله (گل سرخ) را بنام نوبخت وعده داده است و ما برای نمونه یکی از این اعلانات را بقل از روزنامه زبان زنان چاپ اصفهان شماره ۲۴ سال دوم مورخ شنبه ۲۱ سنبله ۱۲۹۹ شمسی ثبت مینمایم: «ار آنجائیکه ثبات اعتماد بنفس عالترین صفات انسانی است بهارستان بهارستان را»

حرف‌الکاف بعده‌اللام

گل آتشی، گلبن، گل‌بهار

که بتصدیق بینانان تا کنون راه ترقی را پیموده است ادامه داده و علاوه مجله بنام (دنیای ایران) تأسیس و تا شماره سوم آنهم طبع و نشر شده و بخواست خداوند و اعتماد و اتکائیکه بخود داشته و داریم هر دو نامه را ادامه خواهیم داد چون بهارستانیان در نظر دارند که عموم خاصه بطبقه سوم اهالی و سواد اعظم خدمت خود را تکمیل کنند اخیراً تصمیم نموده اند که نامه فکاهی، انتقادی، علمی و سیاسی با زبانی ساده که در هر بازده روزی طبع و نشر شود بنام (گل سرخ) تأسیس نمایند آقایان محترم را خاطر نشان مینماید که این نامه با یک سبک مطلوب مستحدث قدم بعالم مطبوعات خواهد گذاشت و قسمتهای فکاهی آن خیلی جالب خواهد بود. قیمت این مجله خیلی ارزان است فقط به ۱۵ قران یکسال میتوانند این نامه را اشتراک نمایند هر کس طالب است قیمت آنرا قبلاً بوسیله امانت پستی یا تبریکشاهی و سه شاهی یا برات تجارتنی ارسال داشته تا اسم ایشان در دفتر مشترکین ثبت گردد. نوبخت صاحب و نگارنده جریده بهارستان و مجله دنیای ایران شیراز ۲۴ ذی‌قعدة ۱۳۳۸

از شرح مذکور و اعلانات دیگریکه در جراید آن ایام بهین مضمون نشر شده معلوم میگردد که آقای نوبخت درصدد انتشار مجله بنام (گل سرخ) بوده و چون امتیاز این نام را مدیر گلستان گرفته آقای نوبخت مجله خود را بنام گل آتشی منتشر نموده است. در این باره نیز اعلانی در شماره ۳۸ سال دوم روزنامه زبان زنان مورخ ۲۳ ربیع‌الاول ۱۳۳۹ قمری بدین شرح نوشته است: «گل آتشی مطابق شرحیکه از اداره روزنامه بهارستان از شیراز رسیده روزنامه ایکه موسوم به (گل سرخ) قرار بود از حوزه بهارستانیان انتشار یابد و چون بعداً امتیاز آنرا مدیر گلستان گرفتند و بنابراین بهارستانیان روزنامه مذکور را بهمان پروگرام که قبلاً انتشار داده بودند وعده میدهند بهین زودبها بنام (گل آتشی) چنانچه درمراسله مذکوره شرح داده اند و همچنان اعلان آنرا چند ماه پیش داده بودند، سزاوار بود آقای مدیر گلستان بنام گل سرخ امتیاز میخواستند ورنهش بهارستانیان که در یک ابالت، همقلم‌نشسته اند، چنین آتشی نمیکردند.». مجله گل آتشی مدت یکسال بایکسال و نیم منتشر شده و در موقع کودتای سوم خوت چون مجله و روزنامه نوبخت طرفدار کسود تا بوده مورد حمله مخالفین واقع گردیده و مدتی کناره گرفته و متعاقب آن پس از چندی بطهران حرکت کرده است.

(۹۴۶) گلبن

مجله گلبن در سال ۱۳۱۵ شمسی در طهران بطور ماهیانه تأسیس و منتشر شده است.

(۹۴۷) گل‌بهار

روزنامه گل‌بهار در شهر یزد بدیری آقای (ع. مولوی) و سردیری آقای محمد کیوانفر و در سال ۱۳۱۲ شمسی تأسیس و منتشر شده است. شماره ۲۶ سال دوم

حرف‌الکافی بعده‌اللام

گلپهار ، گلزار ، گل زرد

روزنامه با چاپ سنگی روی يك ورق طبع و در تاريخ سه شنبه ۱۲ فروردین ۱۳۱۴ مطابق ۲۷ ذیحجه ۱۳۵۳ قمری منتشر شده . مملك روزنامه ادبی ، اخلاقی ، اقتصادی و طرفدار معارف معرفی گردیده . محل اداره : یزد . دفتر مطبعه ایران و گلپهار . بهای آبونمان . داخله سالیانه ۳۰ ریال ، شش ماهه ۲۰ ریال ، تكشماره ۳۰ دینار قیمت اعلانات با دفتر اداره است . طرز انتشار روز نامه ابتدا هفتگی و بعد هفته سه شماره بوده است . مندرجات گلپهار پس از سرمقاله كه غالباً مربوط باوضاع محلی یزد میباشد عبارت از اخبار شهری و مختصری از اخبار خارجه و ترجمه ارمجلات خارجی و غیره میباشد . آقای عبدالمولی مولوی از خدمتگذاران مطبوعات و مطبعه بنام مطبعه گلپهار در یزد دائر نموده است .

(۹۴۸) گلزار

مجله گلزار در سال ۱۳۰۱ شمس در طهران بطور ماهیانه تأسیس و منتشر شده است

(۹۴۹) گل زرد

مجله گل زرد در طهران در تحت نظر و بدیری میرزا بهی خان - ریحان در سال ۱۳۳۶ قمری تأسیس و شماره اول آن در شعبان سال مذکور منتشر گردیده است . این مجله هر پانزده دوریکمرتبه طبع و توزیع میشده و شماره دیم آن در تاریخ ۱۲ رمضان ۱۳۳۶ منتشر گردیده است .

وجه اشتراك سالیانه مجله بدین قسم معین شده : در تهران و سایر ولایات ۲۰ قران و در فرنگستان ۳۰ قران . و قیمت تك نمره در تهران ۷ شاهی و در ولایات ۸ شاهی در شماره ۲ ص ۳ سال اول در اثر شوق و رغبتی كه عموم جوانان و اطفال در خواندن گل زرد پیدا نموده مدیر مجله آبونمان یگساله مجله را برای دختران و پسران و کلیه اطفال مكتب از دو تومان به پانزده قران تخفیف داده و نیز زنها ی بی بضاعت و كسبه بازار را مشمول همین حكم دانسته است . بنا براین برای این قبیل اشخاص آبونمان سالیانه ۱۵ قران بوده است .

در همین شماره محل تكفروشی مجله نقاط ذیل در طهران معین شده است : ناصریه كتابخانه گنج دانش ، بالای لاله زار كتابخانه حسینی . چهارراه حسن آباد درمانستان جاوید .

قیمت تكنمره نیز از شماره ۴ در همه جا شش شاهی شده است . و برای این تخفیف دفتر مجله در ص ۳ شماره ۴ شرح مفصلی تحت عنوان (گل زرد در دست مردم) نوشته و در آنجا حساب مختصری از تك فروشی مجله نموده و از استقبال شایانیکه مردم نسبت بقرات مجله نموده سپاسگذاری کرده و در خاتمه متذكّر شده است : حق آن بود كه وزارت جایله معارف با اداره گل زرد كه بتوسط يك عده از بهترین نویسندگان و شمرا ی دانشمند جوان اسباب قرانت عده كثیری از هموطنان خود را فراهم

حرف‌الکاف بعد‌اللام

گل زرد

آورده و مدخلیت تامی با عالم ادبیات ایران دارد همراهی شایانی نوده و نگذار د
اسباب دل‌سردی کارکنان آن فراهم بیاید .»

چنانچه اشاره نموده ایم گل زرد مجله است ادبی و اشعار آن در طرز نوین
شعر و انقلاب شعری ایران کمک بزرگی نموده و درخفیت گویندگان اشعار این مجله
باین سبک پیشروان سبک انقلابی شعر فارسی بوده اند .

اشعار فکاهی و ادبی بامضای (جوجی) و (زره) و (لغتی) در این مجله دیده می‌شود
که در محل خود قابل خواندن است .

اشعار بامضای (لغتی) متعلق با آقای میرزا سید عبدالحسین خان (حسایی) است
در شماره دوم بمناسبت انتشار آن در ماه رمضان اشعاری بامضای (جوجی) تحت
عنوان (ماه رمضان است) درج شده که دو فرد اول آن این است :

ای یار بده مؤده که ماه رمضان است	✽	ماه رمضان است
شد وقت دعا خواندن و هنگام اذان است	✽	ماه رمضان است
ماه رمضان است و برو جانب مسجد	✽	ای مردك هابد. آه

در همین شماره اشعاری بامضای (زره) تحت عنوان « دکترای پول ندارم بطلی »
آورده شده که بند اول آن این است :

سوی بازار روان گسردیم	✽	نا که از دور حکیمی د بدم
راستی خیلی ازش تر سیدم	✽	این سخن را ر یکی بشنوم
دکترای پول ندارم بطلی	✽	دخل مقول ندارم بطلی

در شماره سوم « مورخه ۲۷ رمضان المبارک ۱۳۳۶ » نیز اشعاری بامضای « جوجی »
تحت عنوان (خوشه چینی !!) مندرج که قسمتی از آن این است :

ای بچه‌ها بیایید شد وقت خوشه چین ✽ باید میان حاصل از هر طرف دویدن .
باداس خوشه‌ها را یکباره سر بریدن ✽ تا کی ردست گردون جور و - م کشیدن .

شد وقت عیش و شادی روز بدو بدو شد

هم فصل خوشه چینی هم موقع درو شد

دیروز بهر گردش رفتم میان صحرای ✽ تا بر مزارع سبز يك دم كنم تماشا

ناگاه پیرمردی دیدم من اندر آنجا ✽ با طفل خویش میگفت مردم که جان بابا

شد وقت عیش و شای روز بدو بدو شد

هم فصل خوشه چینی هم موقع درو شد

در همین شماره اشعاری بامضای (لغتی) تحت عنوان (نزدیکی از معرکهای مسجدشاه)

درج است که قسمتی از اول آن ذیلا ذکر میشود : **آمرشد - پسر جون**

امسال عجب سال غریبی است آمرشد ✽ در شهر های هو ی عجیبی است آمرشد .

از غم‌هه راسهم و غصیبی است آمرشد ✽ اما نه حکیمی نه طبییی است آمرشد

ای دادار این شهر شرر بار آمرشد

ما از همه جا قصه شنیدیم پسر جون ✽ زین شهر بدان شهر دودیم پسر جون

حرف‌الکاف بعده‌اللام

گل زرد

چون مرغ بهر سوی پریدیم پسر جون ❖ يك شهر چنین شوم ندیدیم پسر جون
کس نیست از این قصه خبردار آمرشد
گل زرد در مطایع سری می مختلف طهران مانند (مطبعه تمدن) و مطبعه (روشنائی)
طبع شده است . در شماره ۱۹ مجله مورخ ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۳۳۷ قمری تحت عنوان
(آری یا نه) بامضای ذره اشعاری چاپ شده که دو شعر اول آنها چنین است .
باغها يك سره امروز معطر شده است ❖ کوه صحرا همه پرزینت و زیور شده است
از گل ولاله جهان یکسره محشر شده است ❖ تا به بینیم چه امسال مقدر شده است
بهر امسال تو تقویم خریدی یا نه
دش حسن حال بقصود رسیدی یا نه

این اشعار يك صفحه مجله را فرا گرفته است . محل اداره مجله گل زرد
طهران خیابان لاله زار و قیمت آن بونان بطور مطلق دو تومان و تك نمره شش شاهی
است . اسم روزنامه (گل زرد) بخط نسخ درشت در عنوان مجله نوشته شده است
در روزنامه ایران مورخ دوشنبه ۲۰ ذیحجه ۱۳۴۱ قمری مطابق اسد ۱۳۰۱ اعلانی
از طرف (دفتر گل زرد) چاپ شده که شماره فردای گل زرد جالب توجه است و
نیز در شماره دوشنبه ۱۱ جمادی‌الثانی سال مذکور ایران یاد آور شده که جریده
گل زرد امروز منتشر شد . از این دو اعلان معلوم میشود گل زرد تا سال مذکور کم
و بیش منتشر میشده است .

در شماره سوم مجله دانشکده چاپ طهران مورخ ۱۳۳۶ قمری شرحی بدینقسم
تحت عنوان (گل زرد) نوشته است : « مجموعه گل زرد که در تحت نظر آقای
میرزا بهی خان ریحان عضو دانشکده و بمساعدت عدّه از جوانان هوشمند ماهی دویار
نشر میشود در حقیقت نمونه‌ایست از طرز ادبیات جدید که بلسان عمومی و برای فهم
بازاریان و کلیه عوام با جلب توجه خاص ایجاد شده و امید میرود که با تشویق ادبا
و فضلا این سیاق نظمی و نثری رایج شده و این ورقه ترقی نماید . این مجموعه بدستور
مجمع دانشکده ایجاد شده است . مجمع دانشکده در این مجموعه مستقیماً نظری ندارد
ولی اطمینان بترقی و صلاحیت آن دارد . »

نمره یازدهم سال سوم گل زرد در تاریخ شنبه ۲۳ محرم و نمره ۲۱ سال چهارم
آن در تاریخ دو شنبه ۸ جمادی‌الاول منتشر شده . در سال سوم و چهارم مجله گل زرد
بمدیری (س . ابراهیم - الفت) و همه جا مؤسس « ریحان » معرفی شده و در سایر
خصوصیات مانند سال اول و دوم است . نمره ۳۱ سال چهارم که آخرین شماره سال
چهارم میباشد بمدیری آقای الفت و در تاریخ دو شنبه ۱۹ ذیقعدة الحرام « بدون ذکر
سال » منتشر شده و نگارنده فلا تا همین شماره در دست دارم . سر مقاله این شماره
اشعار است بعنوان (قسمت ادبی) بدینقسم :

مملکت از چه پر از هلهله و شور و نواست . این زبی حسی ماست
هر طرف مینگر م‌فتنه و شوری بر پا ست . این زبی حسی ماست

حرف‌الکاف بعده‌اللام

گل‌زرد، گلستان

برون در جلد چهارم تاریخ ادبیات ایران (ص ۳۴۳ ترجمه کتاب) در جائیکه از مطبوعات ایران بعد از جنگ بین‌المللی نام میبرد مینویسد «اما هیچ يك از این ها (منظور مجلات فارسی است) در خوبی مطالب و زیبایی شکل بایرانشهر نمی‌رسند و بطریق اولی با کلاه نیز برابری نمی‌کند اما از این حکم گویا میتوان مجله گل‌زرد را مستثنی دانست. این نامه در اواخر اگست ۱۹۲۰ در طهران تأسیس گردید و مدیرش میرزا یحیی‌خان ریحانی اشعاری بتخلص ریحانی سروده در آن طبع می‌کرد»

(۹۵۰) گلستان

روزنامه گلستان در شهر رشت بمدیری (آقا. محمد حسین رئیس‌التجار) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است. شماره اول این روزنامه در تاریخ ۱۴ شعبان ۱۳۲۵ قمری انتشار یافته و بنا بر نوشته برون (ص ۱۲۹ تاریخ مطبوعات) از روزنامه گلستان جمعاً چهار شماره نشر شده و شماره آخر که شماره چهارم باشد در اول ذیحجه انتشار یافته است. برون مینویسد من این چهار شماره را در دست دارم و هر شماره آن در چهار صفحه بقطع ۶ و سه چهارم در ۱۱ اینچ و وجه اشتراك آن از اینقرار است: برای ابرانیان غیرت و انصاف و برای خارجیان عدالت و مساوات. در ضمن نامه که از رشت برای روزنامه مساوات طهران فرستاده شده و آن نامه در شماره ۵ سال اول مساوات مورخ ۱۰ شوال ۱۳۲۵ چاپ شده شرحی راجع بآبونه روزنامه گلستان رشت نوشته که بی‌مناسبت نیست آنرا نقل نمائیم. در این نامه مینویسد: «چه شد آن غیرت و تعصب مجاهدین غیور که آوازه وطن پروریشان گوشزد تمام بلاد بود مدیر محترم گلستان رشت گویا از وجوه آبونه خود چیزی جمع‌آوری نکرده تا در این موقع بمصرف برساند. (گلستان جریده است در رشت که وجه آبونه اش در بلاد داخله غیرت و انصاف و در خارجه تعصب‌منهی و وطن پرستی بقلم آقای محمد حسین رئیس‌التجار است»

(۹۵۱) گلستان

روزنامه گلستان در شهر شیراز بمدیری آقای (سید محمد تقی گلستان) تأسیس و در سال ۱۲۹۷ شمسی منتشر شده است. روزنامه گلستان از روزنامه‌های وزین و آبرومند شیراز بوده و تا حین تحریر این قسمت منتشر می‌گردد. شماره‌های ۲۲ و ۲۳ سال دوم گلستان در برج اسد و شماره‌های ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵ از سال دوم آن در برج قوس و شماره‌های ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱ از سال دوم آن در برج جدی و شماره‌های ۵۲، ۵۳ در برج دلو و شماره‌های ۱، ۲، ۳، ۴ از سال سوم گلستان در برج حوت سال ۱۲۹۹ شمسی بداره مجله فلاح و تجارت واصل شده است. روزنامه توفیق مورخ دو شنبه ۱۷ دیماه ۱۳۱۳ شمسی شروع هیجدهمین سال آنرا بدین قسم تبریک گفته است: «روزنامه گلستان شیراز

حرف‌الکافی بعد‌اللام

گلستان

سال هفتم خود را بیابان‌نمائی نمود و اکنون وارد هجدهمین مرحله جریده نگاری خود گردیده‌ام. این وقت در آسید هی گلستان مدیریت دانش تبارک گفته و بقاء آنرا خواهانیم. « روزنامه گلستان در سال دوم خود، هنگامیکه فرمانروا والی فارس بوده، دوچار توقیف گردیده و پس از چندی بعلت فشار مطبوعات از توقیف خارج شده‌است. روزنامه اختر محمود چاپ اصفهان در شماره ۱۵ سال اول خود مورخ ۲۲ نور ۱۲۹۹ شمس راجع بتوقیف گلستان مینویسد: « مطابق مکتوب واصله از شیراز جریده گلستان یکماه است توقیف شده است. « در شماره ۱۹ همین روز نامه مینویسد با معارف پروری آقای فرمانروا والی ایالت فارس بچه مناسبت مدتیست بدیسه بعضی مفتخواران بی باک روزنامه گلستان توقیف شده. پس از آن بنام قانون آزادی مطبوعات تقاضای رفع توقیف از روزنامه را نموده است.

این توقیف دوام زیادی پیدا نکرده بوسیله روز نامه زبان زنان مورخ ۱۴ ذیحجه ۱۳۳۸ خبر رفع توقیف آنرا اینطور نوشته است: « روز نامه گلستان که چندی پیش معلوم نبود چرا و بچه وسیله توقیف شده بود اینک مجدداً از افق شیراز درخشنده شده است و با این پست شماره ۱۱ و ۱۳ آن رونق افروز اداره ما شد. علت این توقیف بنا بتقاضای جمعی از علمای شیراز از قبیل شیخ معین و شیخ علی و غیره بوده که در روزنامه راجع بتربیت نوان شرحی نوشته بوده است.

شماره ۸ سال دوم روزنامه گلستان که در عنوان آن (صاحب و مدیر سیاسی) س. ملك الحقین تھوی معرفی شده در چهار صفحه بقطع وزیری بزرگ با چاپ سنگی در مطبعه (محمدی) شیراز طبع و در تاریخ شنبه ۷ حمل ۱۲۹۹ منتشر شده است بهای گلستان: شیراز سالانه ۴۰۰ قران؛ ۶ ماهه ۲۲ قران و سه ماهه ۱۲ قران و در دله بترتیب ۴۵ و ۲۵ قران معین گردیده است این شهر گلستان (از گلستان من بیرورقی) بعنوان شعار بالای اسم روزنامه چاپ شده است.

روزنامه گلستان مورخ ۸ قوس ۱۲۹۹ سال اول آن بعنوان (اخبار شیراز) این خبر را درج کرده است: « میهمانان عزیز آقای مساوات و آقای میرزا محمد علی خان کلوی و آقای ناصر الاسلام و آقای کرازی و آقای نیرالسلطان و جمعی دیگر از احرار و آزادیخواهان که در پنجسال قبل بواسطه پاره پیش آمدهای سوء از ایران باروبا هجرت کرده بودند در هفته گذشته بشیراز ورود و از طرف هم ملکان آقایان دموکرات استقبال از آقایان بعمل آمد. « چون خبر مذکور مشتمل بر اساسی چند تن از ارباب جراید بود آنرا نقل کردیم و نیز در شماره مورخ ۲۴ قوس ۱۲۹۹ در باره دو روزنامه (اقتصاد ایران) و (سلامت) بنطور مینویسد:

اقتصاد ایران - پس از مدتی زجر کشیدن و توقیف شدن اخیراً شماره‌های ۱۴ و ۱۵ اداره گلستان رسیده. با قلبی مملو از محبت موقت مدیریتش را تبریک میگوئیم. سلامت - جریده سلامت که مدتی تعطیل بود اینک شروع بسال دوم کرده شماره اولش با تغییر قطع اداره رسیده است.

حرف‌الخطاف بعده‌اللام

گلستان ، گلستان سعادت ، گل سرخ

روزنامه گلستان مدتی یومیه بوده و هر نوبت در چهار صفحه طبع و منتشر میشده شماره ۱۹۴۷ سال نوزدهم آن که عنوان یومیه داشته بصاحب امتیازی و مسئولی (س. تقی گلستان) در چهار صفحه با چاپ سری (مطبعه موسوی شیراز) طبع و در تاریخ شنبه ۱۶ آبان ماه ۱۳۱۵ مطابق ۲۱ شعبان ۱۲۵۵ قمری منتشر شده است. محل اداره روزنامه: شیراز سر باغ (در همین شماره اعلان تغییر محل گلستان از سر باغ بدربند نزدیک دبیرستان سلطانی چاپ شده است). اشتراك یگساله ۷۰ ریال خارجه يك پهلوی تك شماره نیم ریال. مندرجات روزنامه گلستان مانند سایر جراید ولایات عبارت از اخبار و مقالات گوناگون است. در شماره مذکور نیز سر مقاله آن عنوان (تأثیر تمدن اسلام بر تمدن اروپا) ترجمه از مجلات دیگران است و در صفحه دوم اخبار خارجه و صفحه سوم و چهارم مخصوص آگهیهای ثبتی است. سر مقاله شماره ۱۹۴۸ روزنامه تحت عنوان (قیامت سعدی) و بقلم آقای استخر است.

روزنامه گلستان تا سال ۱۳۳۱ شمسی منتشر میشده و در این سال مطبعه و اداره آن بدست جمعی آتش زده شد و از آن پس منتشر نشده است. آقای گلستان در امور سیاسی و اجتماعی فارس وارد و از اینراه خدماتی بهمشهربان خود نموده وی از طرف اهالی فارس بنمایندهگی مجلس مؤسسان دوره اول انتخاب شد و در مجلس مذکور عضو هیئت رئیسه بود. آقای گلستان مدتی نیز شهردار شیراز بوده است.

(۹۵۲) گلستان سعادت

روزنامه گلستان سعادت در طهران در سال ۱۳۲۵ قمری بدبیری (میرزا نصرالله خان) بطور هفتگی تأسیس و شماره اول آن در ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است. برون که شرح مذکور را نوشته اضافه میکند که هر نمره این روزنامه در چهار صفحه با چاپ سنگی و خط تعلیق چاپ شده و وجه اشتراك آن در طهران ۲۰ قران؛ در روسیه ۶ منات؛ در هندوستان ده منات و در اروپا ۵ فرانك است. روزنامه چهاره نما چاپ مصر مورخ دهم جمادی الاول ۱۳۲۶ قمری در فهرست جراید منتشره مینویسد روزنامه گلستان در طهران بدبیری (میرزا نصرالله) منتشر شده است.

(۹۵۳) گل سرخ

مجله گل سرخ در شهر شیراز بدبیری آقای تقی گلستان تأسیس و شماره اول آن در برج جدی سال ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده است.

مجله حقیقت چاپ اصفهان در شماره ۱۱ سال دوم خود مورخ ۱۸ حوت ۱۲۹۹ شمسی طلوع این مجله را بدینقسم مینویسد: «مجله شریه گل سرخ که عندلیب گلستان سخن سنجان را در انضای هر بار زده روز از انتظار شکفتی خود بی تاب میکند اداره مارا منور و مطهر نموده. ماموقیت یکا دانشمند بارع آقای ملک المحققین مدیر محترم و کارکنان آن اداره را از خداوند مسئلت نموده اشتراك سالیانه شیراز ۱۲

حرف‌الکافی بعد‌اللام

گل سرخ ، گلشن

قران . سایر نقاط ۱۳ قران .

آقای ملک المحققین گلستان همان مدیر روزنامه گلستان است که نام ایشان و روزنامه شان را جداگانه ذکر کردیم . هاتقسم که در ذیل مجله گل زرد یاد آور شدیم ابتدا آقای نوبخت در نظر داشته است مجله بنام گل سرخ در شیراز منتشر نماید و اعلامی بشرح زیر درج نماید و مجلات آن ایام منتشر نموده : « گل سرخ - از آنجائیکه ثبات اعتماد بنفس عالترین صفات انسانی است بهارستانیان بهارستان را که بتصدیق بینایان تاکنون راه ترقی را پیموده است ادامه داده و علاوه مجله بنام (دنیای ایران) تأسیس و ناشر شده سیم آنهم طبع و نشر شده و بخواست خدا و اعتماد و اتکائی که بخود داشته و داریم هر روزنامه را ادامه خواهیم داد . چون بهارستانیان در نظر دارند که عموم خاصه بطبقه سوم اهالی و سواد اعظم خدمت خود را تکمیل کنند اخیراً تصمیم نموده اند که نامه ، فکاهی ، انتقادی ، علمی ، سیاسی با زبانی ساده که در هر پانزده روزی طبع و نشر شود بنام (گل سرخ) تأسیس نمایند . قیمت اشتراك ۱۵ قران . نوبخت صاحب و نگارنده جریده بهارستان و مجله دنیای ایران » ولی آقای نوبخت بعلت پیشدستی آقای گلستان بانتشار مجله گل سرخ توفیق نیافته و مجله گل سرخ را آقای گلستان منتشر نموده است . شماره سوم مجله گل سرخ در برج دلو ۱۲۹۹ انتشار یافته است

(۹۵۴) گلشن

روزنامه گلشن که در ابتدا چندی بصورت مجله هفته دو بار در مطبعه (باقر زاده) طبع و هر نوبت یکصد نسخه از آن منتشر میشد سردبیری و سردبیری (آقای آسید محمد رضا امیر رضوانی) در طهران تأسیس و در سال ۱۲۹۶ شمسی منتشر شده است . از این دوره گلشن نگارنده نمونه در دست ندارد ولی همین قدر میدانیم که پس از چندی بصورت روزنامه در آمده و مدتی توقیف بوده تا اینکه در ثور ۱۲۹۹ شمسی از توقیف خارج و مجدداً با بدایره انتشار گذاشته است .

شماره اول سال پنجم روزنامه گلشن با قطع نزرک و چاپ سربی بدبیری و سردبیری (س . رضا . امیر رضوانی) که دارای شماره مسلسل ۲۸۲ میباشد در چهار صفحه در تاریخ جمعه دوم ذی‌قعدة الحرام ۱۳۳۹ مطابق ۱۷ سرطان ۱۳۰۰ شمسی منتشر شده است . سرمقاله این شماره بعنوان (پنجمین سال است) و از همین شماره در باورقی صفحه ۴۸۱ « پلیس لندن تألیف شارلوس انگلیسی و ترجمه میرزا سلیمان خان خسروی » و باورقی صفحات دو و سه رمان « مرد سابقه دار » ترجمه میرزا باقر خان معلم تبریزی چاپ شده . انتشار این شماره پس از آنستکه در کابینه سید ضیاء الدین تمام روزنامه های طهران توقیف شده و مجدداً در تاریخ فوق منتشر شده است و لذا آقای امیر رضوانی در همین شماره از تمام دوستان و رفقاییش که در مدت توقیف روزنامه اظهار همدردی نموده سپاسگذاری کرده است . از مطلب فوق نتیجه میشود که روزنامه گلشن از مخالفین سرسخت سید ضیاء الدین طباطبائی بوده و بدست

حرف الكاف بعبد اللام

گلشن

بوی حمله میکرده است . بهر صورت پس از رفتن سید ضیاءالدین باردیگر روزنامه گلشن در سال ۱۳۰۱ توقیف شده و خبر توقیف آنرا روزنامه خلق تحت عنوان باز هم توقیف می معا که بدین قسم نوشته است : « جریده شریفه گلشن توقیف گردید خیلی متأسفیم که باینگونه توقیفها چه معلی بیاییم عجالتاً غیر از اظهار تأسف سخن نمیکوئیم تا بعد چه شود . » شماره سوم روزنامه فلق مورخ شنبه ۲۲ برج جدی ۱۳۰۱ شمس . شماره ۸۱ سال ششم گلشن در تاریخ دو شنبه ۲۷ رمضان ۱۳۴۱ مطابق ۱۴ نور ۱۳۰۲ شمس و شماره ۱۷ سال هفتم آن که دارای شماره مسلسل ۴۴۲ میباشد در چهار صفحه بقطع بزرگ با چاپ سری « مطبعه شرکت برادران باقر زاده » طبع و در تاریخ پنجشنبه ۲۳ محرم الحرام ۱۳۴۲ مطابق ۱۳ سنبله ۱۳۰۲ منتشر شده است . روزنامه گلشن در این تاریخ هفته دو شماره روز های یکشنبه و چهار شنبه منتشر میشده و محل اداره آن طهران . خیابان ناصریه . مقابل درب انزلی و عنوان تلگرافی : طهران . گلشن است . وجه اشتراك آن طهران یکساله ۸۰ قران ششماه ۴۵ قران داخله ۹۰ قران و ۵۰ قران . خارجه ۱۰۰ و ۵۵ قران . وجه اشتراك همه جا قبلا در افت میشود . تکمره ۸ شاهی . روزنامه گلشن در آن ایام یکی از بهترین جراید پایتخت و مشتمل بر مقالات سیاسی و اخبار داخله و خارجه بوده است و ضمناً مقالاتی در مدح و ذم اشخاص در آن چاپ میشده و منجمله در شماره نمونه یعنی شماره ۱۷ سال هفتم آن این رباعی اثر طبع امیر رضوانی درج است :

ای منتظر الصدرة گیلانی * وی شهره به یثعوری و نادانی
خواهی که زمامدار ما گردی تو * حقا که ذلیل گشته است ایرانی

مجله فلاح و تجارت و وصول شماره های سال چهارم روز نامه گلشن را بدین نحو بدفتر مجله ضبط کرده است : شماره های ۱۴ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۱۰ ، در برج اسد ، شماره ۲۳ در برج سنبله ، شماره ۲۴ در برج میزان و شماره های ۲۷ ، ۲۸ ، ۳۰ ، ۳۲ در برج قوس و شماره های ۳۶ ، ۳۹ ، ۴۰ در برج جدی و شماره های ۴۲ ، ۴۳ ، ۴۴ در برج دلو و شماره ۴۶ سال چهارم در برج حوت و تمام متعلق بسال ۱۲۹۹ شمس است . شماره ۶۱ سال یازدهم گلشن که دارای شماره مسلسل ۸۹۰ میباشد در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سری (بوسفور) طبع و در تاریخ یکشنبه ۹ مهرماه ۱۳۰۶ شمس منتشر شده . در این تاریخ گلشن روز های یک شنبه و پنجشنبه منتشر میشده و قیمت اشتراك آن مانند سال هفتم است . ظاهراً روزنامه گلشن تا اواخر سال ۱۳۱۴ شمس که مصادف با فوت مرحوم امیر رضوانی است کم و بیش منتشر میشده است **رضا امیر رضوانی** - رضا امیر رضوانی متجاوز از بیست سال بعالم مطبوعات خدمت نموده و تا قبل شب ۲۵ اسفند ماه ۱۳۱۴ فوت نموده است . آقای ساعی مدیر - روزنامه نسیم شمال بعنوان (ماده تاریخ فوت امیر رضوانی مدیر روزنامه گلشن) در شماره ۲۲ سال شانزدهم روزنامه نسیم شمال مورخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۱۵ اشعار زیر را سروده است :

حرف الکافی بخدمه الاموالنوع

گلگون، گلوش، گمرک، گنج شایگان

مدیر نامه گلشن امیر رضوانی
از این سراچه فانی که بی ثبات و بقاست
نمود طایر جاننش هوای گلشن قدس
روان پاکش ازین خاکدان برفت برون
همیشه با همه کس مهربان و خوشخو بود
ز حسن خلق و صفای ضمیر و طبع بلند
ز نظم و اثر همه روزه گونه گونه کهر
تمام عمر می بود هم او مصروف
فردا گشت دل جمله اهل مطبوعات
خدای شاد کند روح او بگلشن قدس
ز عقل سال و فانش چو خواست ساهی داد
بکاه چار عدد از امیر رضوانی

۱۳۱۴

که بود شاعر و نامه نگار و چاهه سرا
برفت و کرد روانش مکان بملک بقا
ز خوق ارقس تن پرید بی پروا
بداد ایزدش اندر ریاض رضوان جا
ن ساخت رنج دلی را ز خویش درد دنیا
بهیچ کس نپسندید غیر مهر و وفا
نثار کرد بمردم ز طبع گوهر را
بخدمت وطن و اهل آن بصدق و صفا
زمرک او که غم انگیز بود و جانفرسا
دهد مدام مر او را به جنت الما و
چنین جواب بدو کی سخنوردان
که تا شود بتو سال وفات او پیدا
ساعی نسیم شمال

(۹۵۵) گلگون

روزنامه گلگون در شهر همدان تأسیس و در سال ۱۳۰۶ شمسی هفته سه بار

منتشر شده است .

(۹۵۶) گلوش

مجله گلوش در شهر شیراز تأسیس و در سال ۱۲۹۹ شمسی بطور هفتگی منتشر شده است.

(۹۵۷) گمرک

مجله گمرک از انتشارات اداره کل گمرک بوده و در طهران منتشر شده است .
انتشار این مجله ماهانه بوده و شماره اول آن در آذر ۱۳۰۸ شمسی نشر شده و مرتباً
تا آخر سال ۱۳۱۰ شمسی جمعاً ۲۸ شماره انتشار یافته است . این مجله برای تجار
و کسانی که علاقه های تجارتی دارند نافع است .

(۹۵۸) گنج شایگان

روزنامه گنج شایگان در سال ۱۳۲۵ قمری مطابق ۱۹۰۷ میلادی در طهران

منتشر شده است .

(۹۵۹) گنجینه انصار

مجله گنجینه انصار در اصفهان به مدیریت و نگارندگی (حاج میرزا حسن خان انصاری
صدرالادبیه) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . شماره اول این مجله در

حرف‌الکافی بعد التون

گنجینه انصار

۱۶ صفحه بقطع کوچک خشتی با چاپ سری در (مطبوعه فرهنگ جنب بانک) طبع و در تاریخ ۱۶ شوال ۱۳۱۵ قمری منتشر شده. عنوان مراسلات: اصفهان. درب مسجد ذوالفقار حاج میرزا حسن خان انصاری صدر الادبیه. طرز انتشار مجله ماهی دومره بوده ولی جمعا از مجله گنجینه انصار بیش از سه شماره نشر نشده است. وجه اشتراك مجله: اصفهان سالیانه يك تومان و دوهزار دینار. دیگر بلاد يك تومان و چهار هزار و قیمت يك نمره بانصد دینار و اعلان سطرى يك قران.

مقاله افتتاحی مجله گنجینه انصار بدینقسم شروع میشود: «بسم الله تعالى شانه كل ما یرتقى الیه بوهم من جلال و قدرة و سناء. فاللّٰه ابدع البریه اعلى منه سبحان مبدع الاشیاء. الهی حبیب عرض میکند: لا احصى ثناء علیک و لیت بجز میآید که ان لم تبدننى الرحمة منك فمن السالك بى اليك. ملکا پادشاهها درماندگان را پناه ده و رانندگان را راه از پنا افتاده ایم تودست گیر ۰۰۰» در صفحه اول مجله تصویر يك آخوند بنام (ملا ضیح هراتی) و يك جوان بنام (آقا وجیه گجراتی) طبع شده و این دو تصویر حکایت از دو عقیده مختلف یروجوان و باشیخ و شاب مینماید. مندرجات مجله تماماً مذاکراتیست بین شیخ و شاب که اکثر آن مربوط بازادی و استبداد است گرچه در عنوان مجله مقصد (در ترقی دولت و ملت و ثروت عمومی است و غرض خصوصی با احدی ندارد) نوشته شده ولی همانطور که یاد آور شدیم تمام مندرجات مجله عبارت از مذاکرات بین شیخ و شاب میباشد. نمره دوم مجله با همان سبک نمره اول در تاریخ دوم دیقعه ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است.

در سال ۱۳۱۸ شمسی نگارنده از زنجان نامه بهحضرت آقای شیخ جابری مدیر مجله گنجینه انصار نوشته و از ایشان درخواست نمود شرحی درباره این مجله بنگارنده مرقوم دارند. آقای جابری بخط خود: شان نامه ذیل را در پاسخ نگارنده نوشته اند که از لحاظ اطلاع بسبب نگارش ایشان عین آنرا نقل مینمایم. و چون شرح احوال ایشان بتفصیل در جلد اول کتاب آمده لذا از تکرار آن خوددای مینمایم و نیز از نقل اشعار سره ضمیمه نامه بملت خوف از اطناب چشم میپوشیم. اینک نامه آقای جابری: «فدایت کردم ملطفه مرسله حضرت صدر زنجان و دستخط یار به از جان بامعتوبانی که یغیرج منها اللولو والمرجان پیر رنجور ناتوان روان و جان بخشود و بر ارادت افزود در خصوص مجله اسرار الانصار آنرا بسال ۱۲۹۷ بنده نوشته و از وزارت معارف اجازت خواسته و مرقوم داشته و بطور دروس مرتبه منظم نموده که اطفال دبیرستانها بخوانند شامل سه رساله بود یکی اخلاق بطریق رمان و پادشاهی عشق و جنگ عقل و حق و علم و جهل و صدق و کذب و معارضات و مفاوضاتشان متضمن شواهدی از کلام الهی و ترجمه اخبار و تفسیر سخنان حکمای هر ملل و نحل و اندکی نظم ادبای عرب و عجم و دوم تمدن و تدبیر و رد مسلک و ایران کنی جهان کمونیستی و معاصر آداب و مملکت متدبیرین هر ملتی در خیرات و احسان بقراء بطرق ادیان خودشان و حسن آثار دیانت و صنعت و قناعت در نظم جهان و اخبار بجهنک امروزه در اروپا با خصوصیات واقعه سوم

حرف‌الکاف بعده النون گنجینه انصار، گنجینه دانش، گنجینه فنون

ادیاتی نظم و نشر و امروزه نسخه اش چون عنقای مغرب شده سال گذشته یکی داشتیم برای کرمان فرستادم بایست نمیدانم رئیس پست آنجا درجه مرا می بود که موجبات زحمت را چند ماه برای بنده فراهم آورد تا عاقبت بر اولیای دولت خدمات بنده واضح شد عجالتاً اگر اصفهان تشریف آوردید از دوستان يك نسخه باید پیدا نمود تقدیم کرد و اما مجله گنجینه انصار را بنده در ۱۲۸۴ شمسی و ۱۳۲۵ قمری سه نمره نوشته و طبع کرده سعاسن مشروطیت صحیحه و اتحاد اسلام و اتفاق دولت و ملت و اخبار بسیاری از حوادث آتیه امروزه و تشوق بتربیت افکار و ترتیب مجالش چون از آن مجالس منعقد در لندن آگاهی داشتم و در بمبئی حساً دیده بودم و اگر نسخه‌ای از هر نمره اش پیدا شود خودم نمره يك تومان خریدارم زیرا ایام جوانی و قوت فکر و قلم بود و مطالبی عالی در آن و دیعه نهاده که امروز معیار القول است و هر که به بیند حیران شده کسی و چهار سال قبل از کجا غیب دانسته بود که حوادث آتیه را با معالجاتش نوشته بود و اینک اخلاص خود را اهداء مینمایم با ایاتی پارسی سره که با ترجمه پیری و دردمندی گفته ام اگر درج در مطبوعات خود نمائید موجب امتنان است.

(۹۶۰) گنجینه دانش

روزنامه گنجینه دانش در طهران تأسیس و در سال ۱۳۰۲ شمسی بطور هفتگی منتشر شده است.

(۹۶۱) گنجینه فنون

مجله گنجینه فنون بدیری (مرحوم محمد علی تربیت) در شهر تبریز هر پانزده روز یکمرتبه طبع و توزیع میشده و تاریخ تأسیس آن غره ذیقعد ۱۳۲۰ قمری مطابق ۳۰ ژانویه ۱۹۰۳ میلادیت، در نمرات منتشره گنجینه فنون اسمی از مدیر مسئول آن برده نشده و فقط عنوان مکاتیب و قیمت وجه اشتراك روی جلد مجله و در عنوان آن نوشته ولی از خارج اطلاع داریم مدیریت مجله بعهده آقای تربیت بوده است. خود مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان مینویسد:

«گنجینه فنون مجله نیم ماهه منتشر در تبریز بدیریت محمد علی تربیت در ۱۳۲۰ بگسال نشر شده است». مرحوم کسروی در کتاب تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان (ص ۶۳ کتاب) بغیر از تربیت آقای تقی زاده و اعتصام‌الملک را جزو مؤسسين مجله گنجینه می‌شمارد و عین عبارت او چنین است: «همچنین آقا سید حسن پسر آقا سید تقی پیشماز که جوان دانشمندی بود و از پیش از مشروطه با آزادیخواهان همراهی مینمود و از جمله» در سال ۱۳۲۰ به همراهی آقا میرزا محمد علیخان تربیت و آقا میرزا یوسف خان اعتصام‌الملک ماهنامه بنام (گنجینه فنون) چاپ مینمودند که پس از یکسال بسته گردید.» از شرح مذکور معلوم میگردد که مؤسسين گنجینه فنون سه نفر «تقی زاده - تربیت اعتصام‌الملک» بوده ولی در عین حال مدیر مجله تربیت است. اشتباه مرحوم کسروی

حرف‌الکاف بعده‌التون

گنجینه فتون

در اینستکه طرز انتشار گنجینه فتون را ماهانه دانسته در صورتیکه طبق نمونه های موجود هرپانزده روز یکبار منتشر میشده است .

عنوان مکاتیب و محل اشتراك در کتابخانه تربیت دم مدرسه طالبیه دار السلطنه تبریز - ایران. وجه اشتراك سالیانه در تبریز ۱۵ قران و در خارج بلاوه اجرت پست و قیمت يك نمره هشتصد دینار است . مجله گنجینه فتون هر شماره آن بنام جزوه موسوم است و فی‌المثل جزوه دهم و هفدهم نام گذاشته شده است . مندرجات مجله عبارت از مطالب مربوط به جغرافی و سیاحت نامه و ریاضیات فلکی و امثال این امور می باشد که اغلب از زبانهای اروپائی ترجمه شده و قسمتهای سیاسی و ادبی کمتر در آن دیده میشود و از طرفی مطالب آن فهرستی نیز ندارد . ما برای مزید اطلاع خوانندگان فهرست قسمتی از مندرجات مجله را ذیلا نقل مینمائیم :

مندرجات جزوه ۱۰ بقیه جغرافی احصائی روسیه و اروپا . خط راه آهن - کاه کشان - اودو کولونی . هنر آموز (این قسمت که بقیه از جزوه های سابق و از صفحه ۳۷ این جزوه شروع میشود مشتمل بر مطالبیست از قبیل « عمل صابون شفاف ، عمل صابونهای معطر ، عمل جوهر صابون ، صابون لکه گیری . » تمدنات قدیمه و سفینه غواص جزوه ۱۱ : بقیه جغرافی احصائی فرانسه ، اختراع ورقه پستی . خطر نفت و غار تاریخ چراغها و انوار - هنر آموز (این قسمت که دنباله جزوه سابق است از صفحه ۴۱ شروع و بصفحه ۴۴ ختم میگردد) . تمدنات قدیمه (از صفحه ۴۱ تا ۴۴) سفینه غواص (از صفحه ۴۰ تا ۴۴) . هما قسم که خوانندگان ملاحظه میفرمایند گنجینه فتون مجموعه ایست که در هر نوبت قسمتی از چند رساله بنام های هنر آموز ، رساله تمدنات قدیم ، سفینه غواص در آن طبع میشده و بشکل مجموعه منتشر میشده است و از خصوصیات مجله این است که هر قسمت از آن دارای صفحه شمار مخصوصیت و نیز خود مجله صفحه شمار جداگانه دارد .

در باره رساله های هنر آموز و تمدنات قدیمه و سفینه غواص که در مجله چاپ شده شرحی در جزوه ۱۹ چاپ شده که عیناً آنرا نقل مینمائیم : « هنر آموز که کتاب صنعتی است از تمام صنایع مفیده بشر بوجه اکمل و بطریق کفایت سخن خواهد راند و فصول عمده آن که از باب مثال ذکر میشود : آئینه سازی و صابون پزی ، میناسازی و عطر کشی و رنگ آمیزی و آتش بازی و شیشه گری و دباغی و شمع و شکر و مرکب و تذهیب و غیره . رساله تمدنات قدیمه مشتمل است بر تمدنات متفرقه ملل قدیم شرق زمین و آن حاوی هفت کتاب است که کتاب اول در نشو و نما تمدنات و کتاب دوم در عوامل مؤثره و مولده تمدنات و سیم در تمدن مصری و چهارم در تمدن کلدانی و آشوری و پنجم در تمدن یهود و ششم در تمدن ایرانی هفتم در تمدن فنیکی و در هر يك از اینها شرح خواهد داد از جغرافی و تاریخ مختصر و زبان و ادیان و علوم و صنایع و عادات و رسوم و معماری و حجاری .

سفینه غواص رشته و حلقه ایست از سلسله روم - نهضت علمی بعنوان سیاحتات

حرف‌الکافی بعده النون

گنجینه فنون

خارق‌العاده از تالیفات رومان نویس ماهر (ژول) که دو هریک از آنها علمی از علوم در ضمن یک افسانه دلچسب و داستان شیرین بخوانندگان می آموزد و موضوع علمی این کتاب که یکی از شیرین و مفید ترین آنهاست علم دریا و نباتات و حیوانات و سایر محتویات بعریست .»

برون در کتاب تاریخ مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۳۰) در باره قسمتهای چهارگانه مجله گنجینه فنون اینطور شرح میدهد مجله گنجینه فنون که جمعاً ۲۴ شماره منتشر شده از چهار قسمت ترکیب گردیده . قسمت اول تحت عنوان (گنجینه فنون) مشتمل بر مطالب علمی و هنری . قسمت دوم بعنوان (هنر آموز) است و این قسمت کتاب کاملی است که میرزا محمد علیخان تربیت آنرا نوشته . قسمت سوم تحت عنوان (تمدن قدیمه) است که اصل آن بفرانسه و تألیف گوستاو لوبون میباشد و آقای سید حسن تقی زاده بفارسی آنرا ترجمه کرده . قسمت چهارم بعنوان (سفینه غواص) میباشد که اصل آن از ژول ورن رمان نویس است و آقای میرزا یوسفخان اعتصام‌الملک آن را ازفرانسه ترجمه کرده است .

مجله گنجینه فنون در هر نوبت در ۱۶ صفحه بقطع خشتی و با چاپ سنگی بدون آنکه ذکری از مطبعه آن شده باشد چاپ شده و از حیث کاغذ و طبع متوسط و نمونه از مطبوعات سنگی آن ایام است .

محمد علی تربیت - مرحوم محمد علی تربیت در سال ۱۲۹۵ در تبریز متولد شده و روز چهارشنبه ۲۶ دیماه ۱۳۱۸ شمسی در طهران فوت نموده است . شرح احوال ایشان را بتفصیل در ذیل مجله گنجینه معارف نقل خواهیم نمود فقط در اینجا بذکر عباراتی که مرحوم اسفندیاری رئیس مجلس شورایملی پس از فوت آن مرحوم بعنوان (اظهار تأسف) ایراد نموده میبرد داریم :

اظهار تأسف از فوت آقای تربیت

آقای رئیس - بنده یقین دارم که آقایان همکاران بنده مثل من در این قضیه موله که واقع شده است واقعاً متاثر و متأسف هستند (صحیح است) بنده از سال های دراز با مرحوم محمد علی تربیت از نزدیک دوستی داشتم و باحوالات و مزایای ایشان با خبر بودم ایشان يك شخص واقعاً متینی ؛ سنگینی ، با زبان پاك باقلب خوش بین و با اقدامات خیلی موثری راجع بخدمات کشور همیشه خودشان را معرفی کردند همه آقایان میدانند که چون ایشان ملتفت بودند که بهترین راه ترقی هر کشور بسته بعلم است باین جهت در مسائل علمی و فرهنگی آنقدریکه مقدر بود ایشان سعی کرده و همیشه خدمات خودشان را در کشور نمودار کردند چه در جاهائیکه شخصاً بودند و چه در جاهائیکه از طرف دولت مأموریت داشتند همیشه بتأسیس بنگاههای معارفی و بخدمات علمی مشغول و خود را برای این منظور معرفی میکردند و علاوه چون میدانستند که علم بدون کتاب کمتر ممکن میشود باینواسطه يك عشق و علاقه ای بکتاب داشتند که در هرجائی که رفتند کتابخانه هائیکه اسباب شئون کشور و

حرف‌الکاف بعلمه‌النون

گنجینه فنون، گنجینه معارف

برای اهالی موثر و مفید بود تأسیس نمودند ملاحظه فرمودید که در آذربایجان و در گیلان که مأموریت داشتند این خدمت را بحوی انجام دادند و کتابخانه های متنازی در آنجا تأسیس کردند که فعلاً مبالغی کتاب در آنها موجود است که برای خدمت بمعارف خیلی مفید و مؤثر است .

بنده حقیقتاً فوت و فقدان ایشان را که می توانم عرض کنم هیچکدام منتظر نبودیم و مایل بودیم که این خدمتگذار خوش نیت سالهای زیاد بکشور خدمت کند و اثر بدهد مأسفانه اینطور واقع شد که در نتیجه بیماری که ازمدتی پیش داشتند و بواسطه آن‌همتی که خدا بیامرز مرحوم محمد علی تربیت را داشت و نشان نداد و یکمرتبه از پا درآمد و واقعاً اسباب تأسف و تألم همه گردید (صحیح است) امیدوارم که خداوند آن مرحوم را غریق رحمت کند و در مقابل خدمات بکشور و حسن خدمت بشاهنشاه معظم خود انشاءالله مغفور باشد و پیازماندگان آنهم خداوند توفیق بدهد که بسیره پدر بزرگوارشان تأسی نموده اسباب تسلی خاطر دوستان آن مرحوم باشد بواسطه این فقدان اگر اجاره می‌دهید باحترام آن مرحوم مجلس را ختم کنیم مجلس آینده روز ۵ شنبه چهارم بهمن ماه سه ساعت پیش ازظهر دستور لواجی که موجود است یکساعت و نیم بظهر مجلس ختم گردید .

گنجینه معارف (۹۶۲)

مجله گنجینه معارف در شهر تبریز بدیری (محمد علی تربیت) تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . شماره اول این مجله در خرداد ۱۳۰۱ شمسی مطابق ۲۴ اکتبر ۱۹۲۲ میلادی انتشار یافته . طرز انتشار آن در هر برج شمسی يك بار بوده . مندرجات آن بیشتر مطالب علمی و ادبی و فلسفی است . محل اداره مجله در تبریز عمارت لقمان و قیامت سالیانه آن در داخله ۱۵ قران و در خارجه ۱۶ فرانك و تك نمره يك قران است . مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان واجع باین مجله چنین مینویسد : « گنجینه معارف - مجله ماهانه منتشر در تبریز بدیریت محمد علی تربیت در ۱۳۴۱ قمری هشت شماره منتشر شده است . علت تعطیل مجله مسافرت ایشان بخارج بوده است .

شماره چهار مجله گنجینه معارف در ۳۲ صفحه بقطع خشتی در مطبعه (فاروس تبریز) طبع و در تاریخ ۲ جمادی الاخری ۱۳۴۱ قمری مطابق اول دلو ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . در این شماره شرح مفصل و فاضلانه بقلم آقای تربیت درباره (حکیم زلالی خونساری) درج است . هما قسم که در فهرست جراید آذربایجان تصریح شده از این مجله بیش از ۸ شماره منتشر نشده است .

محمد علی تربیت - محمد علی تربیت فرزند مرحوم میرزا صادق خان پسر میرزا جواد پسر میرزا علی اکبر پسر میرزا مهدیخان وزیر و منشی نادرشاه میا شد محمد علی تربیت در ششم خرداد ۱۲۵۶ خورشیدی در شهر تبریز متولد و همواره به

حرف‌الکاف بعده النون

گنجینه معارف

کسب علوم و تحصیل فنون در همان شهر مشغول و بیشتر بفرآ گرفتن علم هیئت و طبیعیات و طب همت می‌گماشته و در این رشته ها تا سرحد امکان تحصیلات خود را ادامه داده است. از سال ۱۳۱۱ قمری تا ۱۳۱۳ معلم طبیعیات آموزشگاه دولتی تبریز شده و آموزشگاه تربیت را که نخستین آموزشگاه ملی تبریز است شخصاً در ۱۳۱۵ قمری در تبریز دایر ساخته در ۱۲۷۶ شمسی الی ۱۲۸۱ معلم هیئت و جغرافیا و ادبیات آموزشگاه لقمانیه بوده و در ۱۲۸۸ بواسطه خدمات شایان و درخشان بعالم فرهنگ و علم و فداکاری های بسیار در راه مشروطیت و آزادی از طرف اهالی تبریز بنماینده گی دوره دوم مجلس شورای ملی انتخاب و تا ۱۲۹۰ در مجلس شورای سمت نمایندگی داشت و پس از آن چندین بار بمصر و اسلامبول و فرنگستان مسافرت کرد و در تمام دوره مسافرت چون در کتبخانه های بزرگ اروپا و مصر و ترکیه بمطالعه و تحقیق کتب ایرانی میپرداخت اطلاعات گرانبهای بسیار از کتب باستانی و تازه ایران در محفظه خاطر یادگار داشت بعدیکه میتوان گفت از کتب و تألیفات ایران و خاور هیچکس از ایرانی و اروپائی باندازه وی دارای اطلاع نبود چنانکه هر کتابی از هر مولفی را میدانست در کدام کتبخانه موجود است و ابواب و فصول وی چیست و در کدام عصر تألیف شده و مولف آن کیست ؟

مرحوم تربیت پنجال یعنی از سال ۱۳۰۰ الی ۱۳۰۴ رئیس فرهنگ آذربایجان بوده و خدمات فرهنگی مشارالیه در زمان تصدی این سمت درخور همه گونه ترمیم و ستایش میباشد. يك کتبخانه و قرائتخانه عمومی دایر و با همت فراوان کتاب های نفیس و سودمندی در آنجا گرد آورد که هم اکنون سالیانه هزارها نفر از دانشمندان و دانشجویان با مطالعه از آن کتبخانه استفاده کامل میکنند.

از سال ۱۳۰۵ الی ۱۳۰۶ ریاست فرهنگ گیلان را عهده دار بود. از ۱۳۰۷ الی ۱۳۰۹ عهده دار ریاست بلدیة تبریز بوده و با دایر کردن باغ ملی بزرگی بنام گلستان يك گردشگاه و تفریحگاه زیبا و دلکش براهالی تبریز از خود یادگار گذاشته است. بعد از آن در دوره هشتم قانون گذاری بسمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شده و تا دوره حاضر سمت نمایندگی مجلس شورای ملی را داشته است از آثار مرحوم تربیت یکی کتاب زاد و بوم در جغرافیای ایران و ویژه آذربایجان است. مجله گنجینه فنون و گنجینه معارف نیز از آثار ادبی آن مرحوم میباشد که در زمان ریاست فرهنگ آذربایجان انتشار یافته است (این مطلب در باره مجله گنجینه معارف صحیح ولی در باره گنجینه فنون درست نیست چه طبق نمونه های موجود گنجینه فنون قبل از این تاریخ منتشر شده است. مولف) تاریخ مطبوعات ایران از مهمترین تألیفات آن مرحوم میباشد که حای شرح نام و آمار جراید ایران و جرایدی که در خارج ایران بزبان فارسی طبع شده میباشد. این کتاب را پرفسور براون بزبان انگلیسی ترجمه کرده و با چاپ و گراورهای بسیار ممتاز منتشر نموده است و این اثر در نوع خود یکتا و بسیار مهم است

گنجینه معارف ، گیتی نما

حرف الکاف بعده النون والياء

آخرین تألیف مرحوم تربیت کتاب نفیس دانشمندان آذربایجان است . علاوه بر این تتبعات و تحقیقات ادبی و تاریخی ریاد از آن مرحوم بصورت مقالات در مجلات و روزنامه های مختلف انتشار یافته است مخصوصاً در مجله ارمغان مقالات شیوای بسیار از او یادگار و در خور هر گونه استاده است

این قطعه مرثیت مشتمل بر ماده تاریخ رحلت وی اثر طبع آقای امیر خیزی است و بر فراز سنگ قبر وی قرار گرفته :

ماده تاریخ

در یفا بدی مه سیده دمان	کل گلشن تربیت شد پیاد
در یفا چنان مرد روشن روان	کش افسردشع دزون بامداد
در یفا نهان شد بمیخ اندرون	فروزنده خورشید فرخ نهاد
معمد علی تربیت آنکه بود	بجان ارجمند و بتن پاکزاد
چوبگذشت سالی بدوشه و تودو	مه عمرش اندر معاق اوفتاد
جرغ دلش تنگ شد این جهان	بسوی جهان دگر پر گشاد
یغشا ند دامن این خاکدان	بجانان سپرد آنچه جانانش داد
(شد تربیت) ماند از او یادگار	سغنها که گیتی ندارد پیاد

۱۳۱۸

مگر بد دل آزرده از زندگی	همی خواست دل کردن از ره رشاد
که بر گوش دل روزمر گش سروش	سرودی (دل تربیت شاد باد)

۱۳۰۸

شرح حال مرحوم تربیت بطور خلاصه از شماره ۷ و ۸ سال بیستم مجله ارمغان نقل گردید . در اصل مجله ته ویر مرحوم تربیت نیز چاپ شده است .

(۹۶۳) گیتی نما

روزنامه گیتی نما در اصفهان بصاحب امتیازی (مهدی اژنی مخترع کبریت اصفهان) تأسیس و در سال ۱۳۰۹ شمسی منتشر شده است . طبق معمول جراید ، روزنامه گیتی- نما نیز قبل از انتشار مبادرت بنشر طلیعه نمود که در آن ارمرام و ملک روزنامه گفتگو نموده است . ذیل شرح مختصری از طلیعه مذکور داده - سپس اصل روزنامه میپردازیم

طلیعه روزنامه گیتی نما روی یک ورق بقطع بزرگ در مطبعه سربی (اتحاد) طبع و در تاریخ ۴ اردیبهشت ۱۳۰۹ شمسی مطابق ۲۴ ذیحده ۱۳۴۸ قمری و ۲۴ آوریل ۱۹۳۰ میلادی منتشر شده است . در این طلیعه تمثال رضا شاه پهلوی و در دو طرف آن اشعاری در تنای آن پادشاه طبع گردیده شعر آخر این اشعار این است :

آری آری مرد چون گیرد زمام کشوری همچو شاه پهلوی ویرانه گلشن میکند

دو زیر اشعار چند سطر بعنوان عرض تبریک پنجمین جشن تاجگذاری اعلیحضرت رضا شاه پهلوی از طرف ملت ایران و مخصوصاً مردم اصفهان چاپ شده . مقاله طلیعه

حرف اگاف بهدما لیا

گیتی نما

روزنامه بدیتقرار است : «بنام خدا - معمولا در نخستین شماره های جراید نویسندگان زبردستی خود و توانائی قلم خویش را بمرض نمایش و آزمایش گذاشته و باصطلاح حماسه سرائی میکنند که ماچنین وچنانیم وچه میکنیم وچه خواهیم کرد ولی کارکنان گیتی نما چون به یک قلم بی آرایش و یک روح پاک و یک فکر عاشق اصلاحات قدم بیدان حیوت قلمی میگذارند بهتر اینست این روح پاک و صداقت و راستی را در مقام حماسه سرائی هم نگذاریم جریحه دار شده و بگوئیم ماهیچ نیستیم تا سرنوشت و عملان ما را درچه پایه قرار دهد . و در سهم خود هیچ نمیکنیم جز اینکه خیر و صلاح ملک و ملت در آن باشد و هیچ نمیخواهیم جز آنکه اصلاحات اجتماعی ، اخلاقی اقتصادی ، علمی و ادبی که دوره سراسر افتخار قائد توانا و مایه مباهات و شرافت ملی اعلیحضرت شاهنشاه (پهلوی) خداقوت ملکه شروع و دولت های مورد اعتماد ذات همایونش بسرعت برق در کار انجام و اجرای نیات مقدسه او هستند روز بروز عملی تر شده و در نتیجه بنیان و اساس کاخ عظمت ملت کهن ایران که ویران شده بود بیش از پیش در ظل عنایت و فکر بلند این شهریار عظیم الشأن براستحکام مبانی آن افزوده شود . و از درگاه ایزد متعال آرزو مندیم که ما را بعمل کردن آنچه میگوئیم توفیق و سعادت بخشد (گیتی نما)

پس از مقاله مذکور مقاله دیگری بعنوان (ایران دیروز - ایران امروز) درج شده است باینکه در این طلیعه طرز انتشار روزنامه یومیه نوشته و یاد آور گردیده که جز روزهای تعطیل همه روزه منتشر میشود ولی هیچگاه بصورت یومیه نشر نشده و بعداً که نگارش روزنامه بمهده مرحوم (ادیب فرهنگ) واگذار شده گیتی نامه هفته چهار شماره منتشر شده است .

جای ادا : روزنامه : اصفهان . خیابان سپه مطبعه اتحاد . آدرس تلگرافی : اصفهان گیتی نما . بهای رو نامه : یکساله ۴۰ قران . ششماه ۲۰ قران . سه ماهه ۱۰ قران . تک شماره ۲ شاهی . بعد از یک روز ده شاهی . بار بابت صنایع وطنی و معارفیون نصف قیمت تخفیف داده میشود . بهای اعلانات صفحه اول سطری دو قران صفحات دیگر یک قران . در عنوان روزنامه گیتی نما بدینقسم معرفی شده : «روزنامه علمی ، ادبی ، سیاسی ، تاریخی ، کاریکاتوری . » . مندرجات روزنامه مانند سایر جراید معلی عبارت از یک مقاله اساسی و اخبار معلی اصفهان و اخبار ایران و خلاصه از اخبار دنیا و مقالات گوناگون و گاهی اشعری از آثار انجمن ادبی اصفهان در آن درج است یکی دو صفحه روزنامه نیز مخصوص درج آکپیهای ثبت عمومی است . از روز نامه گیتی نما نگارنده فعلا تا شماره ۸۲ سال اول مورخ پنجشنبه ۵ اسفند ۱۳۱۰ شمس مطابق ۱۸ شوال ۱۳۵۰ قمری را در دست دارم . در این شماره صاحب امتیاز (مهدی اژنی) و نگارنده (ادیب فرهنگ) معرفی شده است .

میرزا مهدی اژنی از طلاب روشن فکر اصفهان و در مدرسه جده کوچک سکونت داشت . وی مدت زمانی از عمر خود را صرف تهیه کبریت وطن نمود و بالاخره پس از

حرف‌الکاف بعده‌الیاء

گیلان

تکمیل آن چون از لحاظ قیمت نمیتوانست با کبریت‌های خارجی رقابت کند دنبال آنرا رها کرد و بهمین جهت دلسرد و مأیوس گردید. آنچه بخاطر دارم در آن ایام کبریت خارجی دانه یک‌گصد دینار بفروش میرسید در صورتیکه کبریت اژئی یک‌گصد دینار و نیم تمام میشد زیرا که قسمت عمده کارها را با دست انجام میداد. البته تهیه کبریت و قوطی آن در آن ایام خیلی تازگی داشت و نام میرزا مهدی مخترع کبریت در اصفهان مشهور بود و بهمین مناسبت هم در عنوان روزنامه پس از ذکر نام خود عنوان (مخترع کبریت اصفهان) را بدان اضافه کرده است. مرحوم میرزا مهدی اژئی در اطاق فوقانی مقابل در ورودی مدرسه ساکن بود. نگارنده سال حقیقی فوت او را بخاطر ندارم و گویا بین سنوات ۱۱-۱۳۱۲ شمسی فوت کرده است. شرح احوال مرحوم ادیب فرهنگد نویسنده گیتی نما را در ذیل مجله تحفة الادبا بتفصیل یاد آور شده ایم.

(۹۶۴) گیلان

روزنامه گیلان در شهر رشت بهمدیری و صاحب امتیازی (میرزا حسن خان اسد زاده) تأسیس و در سال ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است. روزنامه گیلان از انتشارات انجمن ولایتی گیلان بوده و جمعه ۱۲ شماره از آن انتشار یافته است. شماره اول آن در تاریخ ۱۸ ذیحجه ۱۳۲۶ قمری از طبع خارج شده است.

(۹۶۵) گیلان

روزنامه گیلان در شهر رشت تأسیس و در سال ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است. طرز انتشار گیلان يك روز درمیان بوده است. برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (صفحه ۱۳۱) مدیر و ناشر این روزنامه را (M.S) و مسلک سیاسی آنرا اعتدالی دانسته و تاریخ اولین شماره آنرا ۲۶ شعبان ۱۳۲۸ ضبط کرده است.

(۹۶۶) گیلان

روزنامه گیلان در شهر رشت بصاحب امتیازی (سعید صفی) و مدیریت (محمد خان) تأسیس و در سال ۱۳۳۸ قمری منتشر شده است. شماره ۵ سال اول آن در چهار صفحه بقطع بزرگ با چاپ سربی در مطبعه (اتحاد رشت) طبع و در تاریخ یازدهم ربیع الآخر ۱۳۳۸ قمری مطابق ۱۲ جدی ۱۲۹۸ شمسی انتشار یافته است. انتشار این شماره پس از مدتی توقیف بوده و در مقاله افتتاحی روزنامه اشاره باین مطلب نموده مینویسد: > در این مدت که جریده گیلان در تحت توقیف بوده مابادیده حسرت بامورات گیلان نگریسته و پیوسته مناظر هولناك و مراحل خطر انگیز را مشاهده میکردیم و پیوسته منتظروقت و اجازه نشر روزنامه بوده با کمال بی‌صبری روز می‌شمردیم اینك که بازحماتی زیاد تحصیل اجازه نشر روزنامه را نمودیم با-الموئی محکم شروع بکار کرده باوجود هیئت حاضره امیدواریم که من بعد جریده گیلان که

حرف‌الکاف بعده‌الیا

گیلان

بخیال نشر معارف و بسط اطلاعات اهالی این سرزمین است دچا ر مشکلات و موانع پیش نشده بتوانیم ازعهده اینای وظیفه برآئیم ۰۰۰۰۰

بقیه مندرجات این شماره عبارت از تلگرافاتی است که بین وثوق الدوله رئیس الوزرای وقت و میرزا کوچک خان جنگلی رد و بدل شده که ما برای ضبط در تاریخ صورت تلگرافی را که میرزا بو وثوق الدوله نموده نقل مینمائیم :

« تلگراف میرزا کوچک خان - حضور مبارک بندگان حضرت اشرف اعظم آقای وثوق الدوله رئیس الوزرای مملکت ایران : اامت شوکته‌العالی . در این موقع که حضرت آقای میرزا احمد خان آذری کفیل محترم ابالت گیلان ابلاغ اوامر مطاعه و نیات مقدسه بندگان حضرت اشرف اامت عظمته را با این جمعیت فرموده اند ببقام جسارت آمده خاطر مقدس را مستحضر میدارد این جمعیت ازچندین سال باین طرف بافداکاریها و جان فشانیهای فوق‌العاده که متحمل شده اند بغیر از خدمت‌گذاری بابناء وطن و استقلال مملکت و رفاهیت و آسایش عامه بهیچ اقدامی مبادرت نورزیده همیشه آرزومند قدرت و سطوت اولیای دولت بوده اند ولی متأسفانه بعضی از عناصر مفرض این نیات پاک جمعیت را درحضور مبارک سوء تفسیر نموده و بدبختانه موفق بایجاد یک نوع سوء تفاهمی گشته فدیویان را متمرّد و مغل آسایش مملکت قلمداد نموده و بالاخره باعث اینهمه خسارات و خونریزی گشتند . در تمام این مراحل باز هم جمعیت بهیچ وجه قصد مخاصمه نداشته درمقابل قشون دولتی همیشه راه دفاع را پیش گرفته دراین موقع که جمعیت مقاصد مقدسه بندگان حضرت اشرف را برای حفظ قومیت و شرافت مملکت تصدیق مینمایند با کمال افتخار و صمیمیت بحضور مقدس اطمینان کامل میدهد که چا کر و تمام افراد جمعیت از این تاریخ کاملاً مطیع اوامر دولت معظم خود بوده و بکلی ترك مخاصمه نموده ایم و بهیچ وجه در اجرای اوامر مطاعه و درجان فشانی و خدمت گذاری مملکت قصور نخواهیم ورزید عموم جمعیت از طرف قرین الشرف بندگان حضرت اشرف امیدواریم بمراحم عالیّه برسیم و یقین دارند که در سایه مکارم وافیه درآتیه شرافت آنها کاملاً تأمین خواهد شد . کوچک است » باینکه معمولاً ما مطالب زیادی از مندرجات جراید نقل نمیکنیم ولی این قسمت بخصوص را بـ برای ضبط در تاریخ و روشن شدن روابط جنگلیها بادولت مرکزی بعینه نقل کردیم . ضمناً امضای میرزا که با کلمه (کوچک است) دیده میشود قابل توجه است .

اخبار داخله و خارجه و چند اعلان که در صفحه چهارم گیلان چاپ شده تمام مندرجات این شماره را تشکیل میدهد . محل اداره روزنامه (رشت . سبزه میدان) و عنوان تلگرافی گیلان است . وجه اشتراك آن سالیانه داخله ۴ و خارجه ۶۰ قران . ششماه بترتیب ۲۵ و ۳۵ قران . تك نمره ۴ شاهی . اعلانات صفحه اول سطری ۳ قران و صفحات دیگر سطری دو قران . طرز انتشار روزنامه هفته دو شماره بوده و در زیر عنوان روزنامه که طرز انتشار معین شده این جمله نیز (مقالات وارده کلبه بانظریه سردبیر است) درج گردیده است . اهم روزنامه (گیلان) در مریع مستطیلی چاپ شده

وبالای آن در خارج مستطیل جمله (بسمه تعالی و به نستین) دیده میشود. نگارنده اطلاع ندارد که تا چه مدت روزنامه گیلان منتشر شده ولی قدر مسلم این است که تا برج نور ۱۲۹۹ شمس انتشار مییافته در شماره اول سال دوم مجله اقبال مورخ اول برج نور ۱۲۹۹ مطابق ۲ شعبان ۱۳۳۸ شرحی بدیقه مینویسد: «روزنامه گیلان منطبقه رشت بقلم آقای خسروی مدیر و سر دیر جریده تهذیب بطبع میرسد. این روزنامه دارای اخبار داخله و خارجه و مقالات مفیده است و هفته سه بار طبع میشود.» شرح مذکور چون مشتمل بر توضیحی راجع به روزنامه گیلان بود بقل آن مبادت کردیم.

حرف‌اللام

(۹۶۷) لاباتری

روزنامه لاباتری بعضی وطن در طهران بزبان فرانسه بدیری (بارون نورمان Baron de Norman) تأسیس و در سال ۱۲۹۳ قمری منتشر شده است. از روزنامه لاباتری بیش از يك شماره منتشر نشده و این شماره مورخ بتاریخ ۹ محرم ۱۲۹۳ قمری بوده و چون در آن دم از آزادی و مساوات میزد موافق طبع ناصرالدین شاه و اطرافیان او نیفتاده و برای همیشه توقیف شده است.

در باره تأسیس روزنامه مذکور شرحی مرحوم تربیت در شماره ۱۲ سال چهارم مجله تعلیم و تربیت نوشته که برای مزید اطلاع عین آنرا نقل مینمایم: «در تاریخ ۱۲۹۰ که ناصرالدین شاه بفرنگستان میرفته است در موقع عبور از استانبول يك دستگاه مطبعه بقیمت پانصد لیره عثمانی در آنجا خریده و بایك نفر مطبعه چی بطهران فرستاده اند و بعد از مراجعت شاه بایران میرزا حسنخان وزیر امور خارجه که از اوضاع فرنگ بی اندازه متأثر شده بود یکنفر از مملکت فرانسه که بارون نورمان نام داشته است بطهران خواسته روزنامه بعنوان لاباتری تأسیس نموده ولی جز يك شماره از آن قط در دهه اول محرم سال ۱۲۹۳ در آن مطبعه چاپ شده و دیگر انتشار نیافته است زیرا که شبیه نگارش آن روزنامه بمذاق اولیاء امور آن زمان توافق ننموده و فوراً مدیر مقصر آنرا معزول و روزنامه را هم تعطیل کردند.» در شماره پنجم سال دوم دوره جدید کاوه ملیت بارون را بلژیکی دانسته و بامختصر تغییری در باره روزنامه لاباتری اینطور مینویسد:

«تا آنکه در سال ۱۲۹۰ در حین مسافرت ناصرالدین شاه بفرنگستان در اثنای توقف در استانبول يك دستگاه چاپخانه با حروف عربی و فرنگی بقیمت پانصد لیره عثمانی ابتیاع شد و آن دستگاه را بایك نفر حروفچین روانه طهران کردند ولی در طهران احوال شد و در بوته تمویق ماند تا آنکه در سال ۱۲۹۲ بارون نورمان اجازه نشر روزنامه فرانسوی باسم باتری (وطن) تحصیل کرده و چرخ مطبعه را تعمیر و حروف را صاف کرده و بکار انداخت.» در شماره ششم همین دوره کاوه مینویسد: «ولی از این روزنامه قط يك شماره نشر شد مورخ ۹ محرم ۱۲۹۳ و چون دم از

حرکت اسلام

لسان الغیب، لقمان، لوای اسلام

آزادی زد موافق طبع شاه نیتاد و توقیف شد، برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی خود یکجا در مقدمه کتاب (صفحه ۱۶) و جای دیگر در صفحه ۱۳۱ بطور اختصار یاد آور میشود که این روزنامه بطور هفتگی در طهران بزبان فرانسه تأسیس و شماره اول آن در تاریخ پنجم فوریه ۱۸۷۶ میلادی مطابق ۱۲۹۳ قمری منتشر شده است. و اما بارون نرمان بلژیکی در تشکیلات دربار ناصرالدین شاه همه جا نام او جزو مترجمین ذکر شده و مخصوصاً در تقویم ضمیمه جلد سوم منتظم ناصری بدین ست او را یاد کرده است.

(۹۶۸) لسان الغیب

روزنامه لسان الغیب در سال ۱۳۱۹ قمری در طهران تأسیس و بسا طبع ژلاتینی منتشر شده است. روزنامه لسان الغیب بوسیله کمیته سری که از جمعی از احرار از قبیل میرزا محمد علی خان، شیخ عبدالعلی موبد؛ حاج میرزا حسن رشدیه و شیخ یحیی کاشانی و غیره، برعلیه (امین السلطان اتابک اعظم) تشکیل شده منتشر میشد. از این کمیته و چگونگی اطلاع بر آن در جای دیگر این کتاب بتفصیل گفتگو کرده ایم.

(۹۶۹) لقمان

مجله لقمان در شهر مشهد در سال ۱۳۰۹ شمسی تأسیس و بطور ماهیانه منتشر شده است.

(۹۷۰) لوای اسلام

روزنامه لوای اسلام در اصفهان بدیری (ابوالقاسم معروف ببوید الشریعه کیلانی) مدیر روزنامه کاشف اسرار منتشر شده است. طلوع این روزنامه در ذیحجه ۱۳۳۵ قمری بوده و پس از انتشار سه شماره لوای اسلام توقیف و جوش آن باهمان سبک و قطع روزنامه (کاشف اسرار) منتشر شده است. در این باره در انتهای صفحه ۸ شماره اول کاشف اسرار که در حقیقت شماره ۴ لوای اسلام میباشد اینطور اخطار نموده است: «چون لوای اسلام مظلومانه توقیف شد بهما کاشف اسرار بهمان سبک و روش مشترکین لواء اسلام را محظوظ خواهد نمود و متنی است خوانندگان بهمان ست بشناسند. دفتر اداره.»

محل اداره روزنامه: اصفهان. خیابان خوش. قیمت روزنامه: یکساله ۶۰ قران ششماهه ۳۵ قران. داخله یکساله ۷۰ قران. ششماهه ۴۰ قران. قیمت تکمیره شششاهی در شماره اول کاشف اسرار که بجای لوای اسلام توقیف شده در هشت صفحه با چاپ سنگی چاپ و منتشر شده در ابتدای صفحه اول آن در مستطیلی که اطراف آن سیاه گرفته شده اینطور نوشته است: «بازماندگان لواء اسلام با کمال تأثر و اذیتین جلیلتین معارف و عدلیه را از شهادت آنجریده مقدسه مستحضر میسازند.» بغیر از این تسلیت سرمقاله مؤثری درباره توقیف قلم نوشته که جلات اولیه آن چنین است:

حرف‌اللام بعده الواو

لواى اسلام، لواء بين النهرين

«افسوس بر شکستگی قلم در مشروطیت - ای قلم‌ای آرایش‌دهنده قوه‌خفیه وای زینت افزای قوه فکریه تاکی برقع پوش در پس پرده خفا مستوری - تقاب از روی خود بردار و بنما روی زیبا را - فرزانه رویت گردان عاشق سرمست شیدا را - مشتاقا نیرا بهوای طلعت ظریف و عذار شریف جان بلب آمد - شبهای هجر را گفتراندیم زنده ایم ۰۰۰» همانقسم که یاد آور شدیم شماره چهار لواى اسلام که بنام کاشف اسرار منتشر شده در هشت صفحه مشتمل بر يك سرمقاله و اخبار داخله و دو صفحه کاریکاتور درباره مالیه ایران که دو مأمور یکی دست خالی منصوب و دیگری با کیسه پول معزول گردیده نشان میدهد وزیر آن نوشته است (هر که را پنج روزه نوبت اوست) و نیز قسمت غیر جدی تحت عنوان (مه را لولو برد) درج نموده و در آن اشاره بتوقیف نمره سوم روزنامه لواى اسلام نموده است. در صفحه هشتم نیز تحت عنوان (بزرگان عالم) حکایات ادبی از تحفه سلیمانیه و کلیله و دمنه و اشعاری از سعدی ذکر کرده است از روزنامه کاشف اسرار و مؤید الشریعه کیلانی در محل خود گفتگو کرده ایم.

در خاتمه بی مناسبت نیست شرحی را که راجع بانتشار لواى اسلام در شماره ۳۳ سال نهم روز نامه وطن مورخ سه شنبه ۱۴ ذیحجه ۱۳۳۵ قمری آورده بینه نقل نماییم: «جریده لواى اسلام جریده فریده لواى اسلام که بدیری آقای مؤید الشریعه کیلانی در این چند روزه از افق اصفهان طلوع نموده بایک قسمت کاریکاتورهای علمی عالم مطبوعات اصفهان را بخود جلب و از بشارت طلوع آن جریده معارف خواهان را بشارت میدهد در این دو روزه نمرات آن بادیده رسیده موقتیت مدیر آنرا مبطلت داریم»

(۹۷۱) لواء بين النهرين

روزنامه لواء بين النهرين در طهران به صاحب امتیازی و مسئولی (ع. شرافت) و مدیری (س. ح. ادیب السادات فهای) تأسیس و در سال ۱۳۴۲ قمری منتشر شده است. شماره اول این روزنامه در ۱۲ صفحه بزرگ با چاپ - ریبی (مطبعه بوسفور شعبه ۱) طبع و در تاریخ ۵ شنبه ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۴۲ قمری مطابق ۱۴ قوس ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است.

در زیر عنوان روزنامه، لواء بين النهرين اینطور معرفی شده است: «روزنامه ایست علمی ادبی، اخلاقی تاریخی سیاسی راجع بسیاست ایران و عراق عرب» جای اداره: طهران. خیابان شاه آباد - عنوان تلگرافی: لواء بين النهرين، و جه اشتراك هر پنجاه شماره داخله ۳۰ قران خارجه ۴۰ قران، ششماه بترتیب ۲۵ قران و ۳۰ قران، طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده، قیمت تك شماره ۸ شاهی و استثنائاً نمره اول آن ده شاهی است.

روزنامه لواء بين النهرين بدو زبان فارسی و عربی نوشته شده و در شماره اول پس از ذکر خطبه بزبان عربی بذکر وجه تمییه و سبب صدور این روز نامه در ایران پرداخته است. مقاله افتتاحی روز نامه که بزبان عربی نوشته شده باینقسم

حرف‌اللام بعده الواو

لواء بین النهرین

شروع می‌کرد: « بسم الله الرحمن الرحيم - قل يا اهل الكتاب تعالوا الى كلمه سواء بيننا وبينكم الا نعبد الا الله ولا نشرك به شيئاً ۰۰۰۰ الغاية من هذه الجريدة ۰۰۰۰ الغرض من اصدار هابللغتين - وجه التسميه : »

پس از این مقاله خبر ورود آقای خالصی زاده را بعنوان (اکبر مراسم استقبال فی ایران - ورود اکبر فائد اسلامی) درج نموده و بعد اخبار و تلگرافاتی بزبان عربی چاپ شده . همین مطالب بعینه در قسمت فارسی طبع گردیده که ما برای روشن شدن وضع روزنامه قسمتی که مربوط بتأسیس و انتشار آن است نقل مینمائیم :

« علت صدور این جریده در ایران این است ایران یگانه مرکز بلاد شرق است و این مملکت محاط است بجمیع ملل اسلام حدود او هند و افغان و بلاد ترك و قفقاز و اناتول و كرد و عراق است و مقابل خلیج فارس ساحل نجد و عمان است از جزیره العرب و در ایران يك نوع آزادی و حریت واسعه ای هست که نظیر آن در بلاد غرب هم یافت نمیشود گذشته از بلاد شرق خصوصاً بلاد عربستان بدبخت که گرفتار حکام جائره اروپا گشته اند پس ایران نسبتاً سوریای کوچکی در شرق بشمار میرود و ایران یگانه مرکز شرقی است که ممکن است واسطه تفاهم بشود در بین ملل اسلامی با اختلاف تناصری که در آنها هست و لذا نظر ما بر این قرار گرفت که جریده عربیه را در ایران اصدار کنیم . (وجه تسمیه) علت آنکه اسم (لواء بین النهرین) را اختیار نمودیم برای این جریده آن بود که حزب وطنی عراقی بسیار جد و جهد کرد که امتیاز روزنامه باسم (اللواء العراقي) از حکومت محتل در بغداد بگیرد و اصدار کند موفق بآمال خود نشدند چونکه انگلیسها که همواره دشمن آزادی و مدنیّت بودند متفرق کردند اعضاء آن حزب را در اول محرم سال گذشته ۱۳۴۱ بعضی را بحبس بعضی را تبعید از آنجائیکه در بغداد از این خدمت بزرگ بعالم اسلامیت معروف شدند بعضی از اعضاء موسسه آن حزب در ایران اصدار کردند این جریده را و اختیار نمودند این اسم را برای او چونکه این رسم متداول است در بین عرب و فرس و هر دو فرقه بحاق معنای او میرسند . مقاصد جریده :

۱ - آگاه نمودن مسلمین عموماً و عرب را خصوصاً بر آنچه احاطه کرده است بآنها از بلایا و محن و آنچه را که کرده و میکنند دول اروپا بقصد اضمحلال شرق و اسلام ۲ - ذکر حقایق اسلامی که دعوت میکند بسوی تمدن حقیقی ۳ - تعریض و ترغیب نمودن بر ترك بدعتها و خرافات و مرهوماتی که شایع شده است بین بعضی طوایف مسلمین و سبب اضمحلال آنها گشته . ۴ - دعوت بسوی وحدت اسلام واتحاد مسلمین کما اینکه خداوند امر کرده است و هر مسلمان صحیح العملی آنها را واجب لازم میداند . ۵ - نقل اخبار عالم اسلامی جیمناً تا آنکه واقف و مطلع بوده باشند تمام مسلمانان از جمیع اموریکه جریان دارد در بلاد برادران دینی خود از حوادث و اموریکه موجب مضرت و مسرت خواهد بود ۶ - اهم مقاصد این جریده شریفه

حرف‌اللام بعده الواو

لواء بین‌النهرین

قصبه عراق عرب است و ذکو خواهیم کرد سیر و ادوار آن نواحی را و جنایات و مطالبی که انگریزها در آن صفحات مرتکب شده‌اند و آن حرکات زشت و اعمال قبیحه که از فیصل ظاهر شد از مصائب و لطامات و صدماتی که بر بلاد بد بخت نکبت زده عراق وارد کرد و دست از اینگونه وظائف بر نخواهیم داشت تا زمانی که پروردگار عالم آماده کند از برای عراق یک استقلال تام و تمام منجزی و فائز بشوند اهالی آن صفحات یک آزادی حقیقه را .»

این بود در حقیقت ترجمه مقاله افتتاحی روزنامه لواء بین‌النهرین و هما قسم که ملاحظه میفرمائید ترجمه خیلی سست و نارساست . بغیر از مطالبی که از شماره اول نقل کردیم ، بعنوان پاورقی روزنامه (نطق حضرت آیت الله زاده خالصی دامت برکاته در مسجد سلطانی - ليله جمعه غره ربیع الاول ۱۳۴۲) از صفحه دوم روزنامه شروع و بصفحه ۱۱ ختم شده است . نطق مذکور بدین قسم شروع و ختم می‌گردد : « بسم الله الرحمن الرحيم - قل لو كان البحر مداً لكلمات ربی - بمناسبت ذكر احوال اسلام و اوامر شرع این آیه را عنوان کردم - دیروز وعده دادم که امروز قدری در تفسیر این آیه ۰۰۰ بنده خیال دارم که در آیه يك ميتنكي در اینجا داده شود باید از زن و مرد همه اصناف جدیت کنند و در این متینك حاضر شوند و برای نظم کوشش کنند و عموم سفرا و رؤسای دولت دعوت شود و مظالم انگلیسها گشته شود خدا شما را توفیق دهد .»

در شماره دوم که در تاریخ سه شنبه دوم جمادی الاولی ۱۳۴۲ مطابق ۱۹ قوس ۱۳۰۲ انتشار یافته ، در زیر عنوان بزبان فارسی و عربی نوشته است : بهمت مجتعمین مسجد سلطانی تأسیس شده است .» در این شماره مقاله افتتاحی آن بعنوان (الی اهل العراق) میباشد و نیز از صفحه دوم نطق خالصی مربوط بشنبه دوم ربیع الاولی ۴۲ ، بصورت پاورقی درج گردیده است . در این شماره مقاله بعنوان (ایران و بین‌النهرین) بقلم آقای عبدالرحمن فرامرزی مدیر و نویسنده آئینده روزنامه کیهان چاپ شده و در آن بشدت به بعضی از جراید عراق حمله کرده است در شماره سوم که در ۲۵ قوس ۱۳۰۲ انتشار یافته و تعداد صفحات هشت است ، (نطق حضرت حجة الاسلام خالصی زاده ليله ۳ ربیع الاول) بعنوان سرمقاله چاپ شده است . شماره پنجم لواء بین‌النهرین در تاریخ ۱۰ جدی ۱۰۳۲ منتشر شده نطق خالصی متعلق بليله سه شنبه ۵ ربیع الاولی) را بعنوان سرمقاله چاپ کرده و در آن اخبار داخله و خارجه چاپ شده این شماره نیز در هشت صفحه و با چاپ سری طبع شده است . رویهمرفته بیشتر منظور از تأسیس و انتشار این روزنامه ترویج از آیت الله زاده خالصی بوده است .

از روزنامه لواء بین‌النهرین شش شماره بیشتر منتشر نشده و بعوض شماره هفت آن روزنامه (اتحاد اسلام) بهمدیری شیخ حسین لنکرانی منتشر شده است . رجوع شود بجلد اول کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران ذیل روزنامه (اتحاد اسلام)

(۹۷۲) لودیانه اخبار

روزنامه لودیانه اخبار در شهر کلکته هندوستان بطور هفتگی منتشر میشده و انتشار آن در سال ۱۲۶۲ قمری ۱۸۴۶ میلادی بوده است. برون که در صفحه ۱۳۱ کاب مطبوعات و شمر فارسی شرح مذکور را نوشته اضافه میکند که نمونه آنرا ندیده است

حرف‌المیم

(۹۷۳) ماه

در سال ۱۳۰۱ شمسی مجله ماه در طهران تأسیس و بطور هفتگی منتشر شده است.

(۹۷۴) ماهتاب

مجله ماهتاب در شهر تبریز به‌مدیری آقای (محمد امین ادیب) تأسیس و در سال ۱۳۱۶ شمسی منتشر شده است. این مجله مدت یکسال منتشر و تعطیل شده است. آقای محمد امین ادیب - وی در سال ۱۲۸۳ شمسی در مشهد مقدس متولد پدر ایشان حاج شیخ محمد حسین از علماء و اصولا اهل تنکابن و از شاگردان میرزا مرحوم شیرازی است. تحصیلات اولیه آقای ادیب طوسی در مکاتب قدیم و بعد ها در مدارس قدیم به‌تحصیل علوم دینی پرداخته - در علوم ادب شاگرد استاد قید میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و در حکمت شاگرد حاج میرزا عباسعلی معروف بفاضل و علوم فقه را در محضر پدر خود تحصیل کرده و از سال ۱۳۰۴ تا سال ۱۳۰۷ مسافرت‌های در هند، ایران، ترکستان، عربستان، مصر، شامات، آسیای صغیر نموده و از زبانهای امروز زبانهای عربی، ترکی، اردو، انگلیسی، فارسی، و از زبانهای قدیم سنسکریت اوستایی، پهلوی، عبری، کلدانی را بخوبی میدانند و در این زبانها شاگرد هر تفسیر آلمانی و مستر ویلسن امریکائی و پروفیسور مار روسی و جکسن امریکائی بوده اند. آقای ادیب در ادبیات فارسی و عربی متخصص و کتب زیادی نوشته اند که قسمتی از آنها بطبع رسیده فعلاً چهار سال است در تبریز متوقف و متاهل میباشند کتابهایی که نوشته اند از اینقرار است ۱ - تاریخ دینی ایران از قدیمترین دوره های عصر حاضر در دو دوره و ۲۲ جلد که جمعاً دارای سه هزار ورق است و یک قسمت از آن بضمیمه مجله ماهتاب بچاپ رسیده ۲ - دستور زبان فارسی در سه دوره - برای دبستانها و دبیرستانها و دانشکده ها تهیه شده و بچاپ رسیده ۳ - بودادر هند رساله ایست در ۱۵۰ صفحه چاپ شده ۴ - تخت سلیمان رساله ایست در دوست صفحه در ایران باستان چاپ شده ۵ - دوره یکساله مجله ماهتاب که در تبریز نشر شده ۶ - ایام کودکی و پیام فردوسی که در جشن هزاره فردوسی بطبع رسیده است (قل باختصار از سالنامه تمدن رضائیه سال دوم)

(۹۷۴) ماهتابان

امتیاز ماهتابان به‌مدیری آقای (آقاسید جلال الدین بدری) در تاریخ

۴ شهریور ۱۳۴۰ شمسی در بندر پهلوی از تصویب شورایعالی معارف گذشته است طرز انتشار این مجله ماهانه بوده است .

(۹۷۶) ماه نو

روزنامه ماه نو بصاحب امتیازی و مدیری (علی کافی) در طهران تأسیس و در سال ۱۳۴۰ قمری منتشر شده است . شماره اول روزنامه ماه نو در چهار صفحه بقطع کوچک در مطبعه سربی (باقر زاده) طبع و در تاریخ دوشنبه غره صفر ۱۳۴۰ قمری منتشر گردیده . در زیر اسم روزنامه سال (۱۳۳۹) که معلوم میشود سال تأسیس است قید شده ولی تاریخ شماره اول همانست که نقل کردیم . ضمناً از مفاد سرمقاله شماره اول معلوم میشود که روزنامه قبل از این تاریخ بنا بوده است منتشر شود و گرفتار توقیف گردیده است . بهر صورت مقاله افتتاحی روزنامه بدینقسم شروع میشود:

« ماه نو - دیروز برای تحمیل حصه از مصائب و متاعب و شرکت در زندگانی اجتماعی فکر جریده نگاری و هدایت افکار و افشاء حقایق و دریدن پرده های ارتجاع کارکنان ماه نو تصمیم گرفته بودند که قبل از کودتا طلوع نمایند بدیختانه در همان ایام که مصادف با زمزمه های افتتاح پارلمان بود (ماه نو) ما هم گرفتار ابرهای تاریک حوادث و توقیف شد . اینک امروز ، امروز که مجلس شوراییلی ۰۰۰۰ (سپس شرحی دائر با مادگی خود برای خدمت گذاری و اینکه بانویسندگان مبرز خود را برای خدمت حاضر کرده ایم ، نوشته است » پس از این سرمقاله اشعاری بعنوان (ادیات) بامضای (س. خسروی) و بعد مقاله (بلدیه آلمان) که تا انتهای صفحه چهارم را گرفته درج است .

روزنامه ماه نو هفتگی بوده و شماره دوم آن در چهارشنبه ۱۰ صفر انتشار یافته . از شماره ۱۱ مورخ ۹ رجب ۱۳۴۰ قطع روزنامه بزرگتر شده و بیشتر مندرجات روزنامه مقالاتی بحماییت از کارگران است و بعلاوه اخبار در آن چاپ شده است . از جمله تغییراتی که پس از چند شماره در عنوان روزنامه داده شده یکی درج آیه (ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت) و هم چنین عبارت : (مسلك این جریده طرفدار سهضت کارگران اسلام است) و نیز (لوايح کارگران در صورت مطابقت بودن با مسلك جریده مجاناً درج میشود) میباشد خلاصه اینکه روزنامه ماه نو جنبه کارگری و حمایت از کارگر را پیدا کرده است . از این روزنامه نکلانده فعلاً تا شماره ۳ سال دوم مورخ یکشنبه ۱۵ ربیع الاول ۱۳۴۱ مطابق ۱۳ عقرب ۱۳۰۱ شمسی در دست دارم . محل اداره روزنامه : خیابان لاله زار توزیع کل جراید - قیمت اشتراك سالیانه مه جا ۵ تومان است . تك نمره پنجشاهی

در روزنامه پیکار مورخ قوس ۱۳۰۱ شرحی بعنوان (اخطار و بشارت) از طرف مؤسسين جریده کارگری ماه نو ، خطاب بر مقل چاپ شده و خلاصه در آن وعده افتتاح قرائتخانه ماه نو و کلاس اکابر و مجلس خطابه و کنفرانس و غیره را داده است .

(۹۷۷) ماه نو

مجله ماه نو در سال ۱۳۱۲ شمس در طهران تأسیس و بطور ماهیانه منتشر شده ولی نگارنده تاکنون نمونه از آن بدست نیاورده ام .

(۹۷۸) مجاهد

روزنامه مجاهد در شهر تبریز بدیری (سید محمد شبستری ملقب بابوالضیاء) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . شماره اول آن در تاریخ ۹ شعبان ۱۳۲۵ قمری و شماره ۲۲ آن در تاریخ نهم ذی‌عده سال مذکور انتشار یافته است این روزنامه معمولاً در چهار صفحه بقطع ۶/۵ در ۱۰ و یک چهارم اینچ طبع گردیده . وجه اشتراك در تبریز ۱۵ قران، در سایر شهرهای ایران ۲۰ قران و در ممالك خارجه ۲۵ قران است . برون که شرح مذکور را نوشته اضافه میکند که نمرات ۱، ۲۰، ۲۱ و ۲۲ روزنامه مجاهد را در دست دارم .

روزنامه مجاهد پس از انقلاب تبریز و فلك شدن مدیران ابوالضیاء تعطیل شده و مرحوم كسروی در بخش دوم تاریخ مشروطه ایران (ص ۳۸۹) راجع بروزنامه مجاهد مینویسد : «ما روزنامه های تبریز چنانکه نوشته ایم مجاهد را ابوالضیاء مینوشت که با آن سرگذشت دچار آمد (منظور فلك شدن اوست) و روزنامه نیز از میان رفت.» در همین مجلد کتاب كسروی عكس ابوالضیاء نیز چاپ شده است . مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان بطور اجمال مینویسد : «مجاهد روزنامه منتشر در تبریز با چاپ سری بدیریت سید محمد شبستری در ۱۳۲۵ . مدیر روز نامه مجاهد علاوه بر این روزنامه های الحدید و ایران نور را منتشر مینموده و ما در محل خود از آن دو گفتگو کرده ایم .

(۹۷۹) مجاهد

روزنامه مجاهد در شهر رشت در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . از روزنامه مجاهد پنج شماره که شماره اول آن در تاریخ ۹ شوال ۱۳۲۵ قمری و شماره آخر آن دوم محرم ۱۳۲۶ قمری بوده بیشتر منتشر نشده است . برون مینویسد من نمره يك و چهار آنرا در دست دارم هر شماره آن در چهار صفحه بقطع ۶ و سه چهارم در ۱۲ اینچ است . وجه اشتراك سالیانه آن در گیلان ۱۲ قران . در سایر شهرهای ایران ۱۵ قران در روسیه ۲ منات .

(۹۸۰) مجلس

روزنامه مجلس در طهران بدیری (میرزا محمد صادق طباطبائی) و دیری (ادیب الممالك) تأسیس و شماره اول آن در هشت صفحه بقطع ۲۰ در ۴۶ سانتیمتر

حرف‌المیم بعد‌الجیم

مجلس

با چاپ سری (مطبعه سری خورشید واقع در خیابان ناصریه) طبع و در تاریخ یکشنبه هشتم شوال المکرم ۱۳۲۴ قمری مطابق ۱۲۸۵ شمس و ۲۵ نوامبر ماه فرانسه و انگلیسی و ۱۲ نوپاسر روسی ۱۹۰۶ میلادی و ۱۳ تیر ماه ۱۲۷۶ یزدگردی و ۱۳ تشرین الاخر ۲۲۱۸ رومی و ۹ آذرماه ۸۲۸ جلالی انتشار یافته است .

طرز انتشار روزنامه مجلس در ابتدا تا مدت سه ماه هفته چهار شماره (ایام شنبه و یکشنبه و ۳ شنبه و ۵ شنبه) و پس از سه ماه یعنی از شماره ۶۸ مورخ بتاریخ ۲۵ صفرالمطفر ۱۳۲۵ قمری یومیه گردیده و باستثنای روزهای جمعه همه روزه منتشر میشده است .

در هر شماره در زیر عنوان روزنامه مجلس بدینقسم معرفی شده : « اینروزنامه بکلی مطلق و آزاد است و درمباحث و مذاکرات و مشروقات مجلس شوراییلی ایران و کلیه امور پلتیکی و تجارتی و اجتماعی و آنچه راجع باصلاحات ملکی و امور ملی و مربوط بخواهد عامه و عواید نوعیه و دائر بحقوق عالم اسلامیت و اجراء احکام اسلام و مدافعه حدود وطن باشد با کمال آزادی سخن میراند ، مذاکرات یومیه دارالشورای کبری و لوایح و مقالات و افکار ملت را در مواد مذکوره با لخصوص منتشر خواهد نمود . »

در شماره اول روزنامه ، در صفحه اول ، سواد دستخط مبارک همایونی را با علامت شیر و خورشید چاپ نموده بدینقسم : « جناب اشرف صدراعظم چون روزنامه موسومه بمجلس که اجازه طبع آن داده شده است اول روزنامه است که در هر گونه مقالات مفیده راجع بغیر عامه و مصالح امور ملکیه و ملیه و حفظ شرائط دولت خواهی بآزادی قلم مخصوص و ممتاز خواهد بود و لازم است در تحت نظر و صوابدید شخصی باشد که جامع اطلاعات علمی و شرعیه و سیاسیه و درستی و دیانت او کاملاً معلوم و مشهود باشد لهذا بموجب این دستخط مبارک جزئی و کلی این امر مهم را ارا انتخاب اعضاء و تعیین وقایع نگاران و کیفیت طبع و نشر و غیره بجناب آقا میرزا محسن مجتهد سلمه الله که علاوه بر جامعیت مراتب مرقومه از خانواده بزرگ محترم و مقبول عموم ملت و محل کمال اعتماد دولت و برانطباق دولتنخواهی و وطن دوستی متحلی و معلومات عصر جدید بصیر و مطلع هستند مرحمت و بعهده کفایت و درستی ایشان واگذار و این امتیاز بزرگ را بایشان عنایت فرمودیم تا مجلس از بی غرضان خبیر و دولت خواهان بصیر تاسیس و تشکیل نموده با کمال دولتنخواهی و نهایت دقت و مراقبت این امر مهم را عاجلاً بحسن ترتیب قرین انجام دارند . شعبان ۱۳۲۴ » .

از دستخط مذکور چنین مستفاد میشود که در حقیقت صاحب امتیاز روزنامه آقا میرزا محسن (برادر صدراعظم) و مدیری آن بهمه میرزا محمد صادق طباطبائی بوده است . مرحوم کسروی در جلد اول تاریخ مشروطه ایران ص ۲۵۱ مینویسد : « پس از داده شدن مشروطه در تهران روزنامه (جزاینها که از پیش میبود) برپا نشده بود تا امتیاز روزنامه ای بنام (مجلس) بآقا میرزا محسن (برادر صدر

حرف‌المیم بعدله الجیم

مجلس

العلماء (داده شد که براهبری (مدیری) میرزا محمد صادق طباطبائی (پسر شاد روان طباطبائی) و نویسندگی ادیب الممالک فراهانی از ماه آذر آغا زید شد و شماره یکم آن روز یکشنبه شوم آذر (هشتم شوال) بیرون آمد. این روز نامه چنانچه از نامش پیدا بود بیش از همه گفتگوهای مجلس را مینوشت تا آنجا که مامی دانیم پس از روزنامه (انجمن) تبریز، دومین روزنامه زمان آزادیست. در شماره اول پس از چاپ سواد دستخط شرحی تحت عنوان (مقدمه) نوشته که بی‌مناسبت نیست قسمتی از آنرا ذیلاً نقل نمایم:

«بسم الله الرحمن الرحيم - بموجب دستخط مبارك هايون مندرجه فوق قلم اين روزنامه بکلی آزاد و مطلق است و درمباحث و مذاکرات مجلس شورای ملی و کلیه امور پلتيکی و تجارتي و اجتماعي و آنچه راجع باصلاحات ملکی و امور ملی و مربوط بخوايد و هوايد عامه و دائر بحقوق وطنيه و مدافعه حدود عالم اسلاميت باشد با کمال آزادی سخن خواهند راند وظيفه مهم اين روزنامه نشر اخبار يومية و مذاکرات و کلاي دارالشورای کبرای ایران و احکام صادره از مجلس و گفتگو درمباحث پلتيکی است اخبار ولايات و وقایع شهری و اخبار مخصوص تجارتي و آنچه راجع باسما رعمومی است کسب و درج میشود تلگرافات و اخبار خارجه و آنچه از اخبار جراید معتبره اروپا مربوط بجري و مسلك پلتيک ملکت و دائر بامور داخله باشد ترجمه و نقل میشود اخبار علمی ادبی و اقتصادی و صنعتی و صحنی و تاریخی و سایر مقالات مفیده بر حسب اهمیت و اقتضاء وقت نقل و درج خواهد شد اخبار فوری به وسیله سیم تلفون مخصوص اداره تلگراف کسب و درج میشود ۰۰۰۰۰»

پس از توضیحات مذکور که تمام آن راجع بخصوصیات نشر روزنامه مجلس است مقاله‌ای بعنوان (خوايد مجلس) بقلم ادیب الممالک چاپ شده و پس آن مقاله بعنوان (افاده مخصوص) بقلم (محمد صادق العینی الطباطبائی) درج گردید و در دنبال آن (مذاکرات دارالشورای کبرای ایران روز پنجشنبه پنجم شوال ۱۳۲۴ قمری) طبع شده است.

این قسمت در حقیقت اولین صورت مذاکراتی است که از مجلس چاپ شده و بدین قسم شروع میگردد: «پس از اجتماع و کلاً و انعقاد مجلس. جناب حاج شیخ‌الرئیس از ترتیب عمل نان شوال کردند. جناب صنیع‌الموله رئیس گفتند عمل نان مفوض بعهده حاج امین‌الضرب است ۰۰۰» اخبار ولايات و تلگرافات و چند اعلان آخرین قسمت مندرجات شماره اول روزنامه مجلس را تشکیل میدهد. آخرین اعلان مندرج در این شماره بدینقرار است: «اعلان - هرکس طالب اشتراك جریده یومیه مجلس باشد آدرس خود را با نام و نشان منزل خود بداره روزنامه مجلس که در خیابان جلیل آباد است یا در مطبعه خورشید که در خیابان ناصریست بفرستد که بهمان عنوان برای ایشان بتوسط فراش اداره ارسال میشود. محمد صادق العینی الطباطبائی» خصوصیات روزنامه مجلس که در عنوان هر شماره چاپ شده بدینقرار است:

حرف‌المیم بعده‌الجیم

مجلس

اداره مرکزی : طهران خیابان‌جلیل آباد . مدیر کل میرزا محمد صادق فرزند حضرت حجة الاسلام آقای آ میرزا سید محمد طباطبائی . دیر اداره ادیب‌المالک . مکاتیب بدون امضاء و تعرفه کافی و تبر پست قبول نمیشود . عنوان مراسلات . اداره روز نامه مجلس طهران . عنوان تلگرافی : جریده مجلس ، قیمت اشتراك طهران سه ماهه ۱۴ قران ، ششماه ۲۶ قران ، یکساله ۴۵ قران . ولایات داخله ایران : بترتیب ۱۷ قران ؛ سه تومان ، ۵۵ قران ، مالک خارجه نیز بترتیب ۸ فرانك ۱۴ ، فرانك ۲۶ . قیمت يك نسخه سه شاهی . وجه اشتراك پس از ارسال پنج نسخه مطالبه و دریافت میشود .

در شماره اول و دوم و سوم بالای اسم روزنامه (مجلس) بسم الله الرحمن الرحيم و از شهر چهارم به بعد (هو) و در زیر نام روزنامه سال تأسیس (۱۳۲۴) چاپ شده است . شماره دوم روزنامه که بهمان قطع شماره اول منتهی در چهار صفحه چاپ و در تاریخ سه شنبه دهم شوال المکرم ۱۳۲۴ قمری منتشر شده با قصیده اثر خامه ادیب‌المالک شروع میگردد . قصیده مذکور باین مطلع است .

شاد باش ای مجلس ملی که بینم عنقریب از تو آید درد ملت را در این دوران طیب شاد باش ای مجلس ملی که از تو چیره گشت سور مسجد بر کلیسا نور فرقان بر صلیب هما قسم که قلا یاد آور شدیم بیشتر منظور از تأسیس روزنامه مجلس چاپ جریان مشروح مذاکرات نمایندگان مجلس میباشد و از این جهت این روزنامه مرتب مدتی هتة سه شماره و از آن پس روزانه منتشر گردیده و مذاکرات نمایندگسان را بنام هر کس چاپ کرده است . صورت مذاکرات تحت عنوان (وقایع و مذاکرات روز ۰۰۰ دارالشورا یملی) درج گردیده و برای اطلاع از مذاکرات نمایندگان و تاریخ آغاز مشروطیت ایران روزنامه مجلس از منابع مفید و معتبر است . روزنامه مجلس تا موقع بباردمان و پیش آمد وقایع خونین طهران مرتب منتشر میشده و با پیدایش این حوادث و تبعید مدیران آقا میرزا محمد صادق طباطبائی این روزنامه نیز مانند سایر جراید طهران تعطیل گردیده است . روزنامه ندای وطن چاپ طهران در شماره ۲۷ سال سوم خود مورخ دوشنبه ۶ شعبان ۱۳۲۷ قمری درباره بازگشت مدیر روزنامه مجلس تحت عنوان (تبریک ورود) اینطور مینویسد :

« تبریک ورود - جناب مستطاب شریعتدار اجل آقای حجة الاسلام زاده آقا میرزا محمد صادق گرامی مدیر جریده شریفه مجلس بعد از چهارده ماه تبعید و تحمل آنهمه خسارت که همه هوطنان مستحضر هستند و بالاخره بارض اقدس مشهد مقدس مشرف بعد از انهدام اساسی ظلم و عدوان در خدمت حضرت آیت الله عازم طهران شدند و از بین راه جدا شده چاباری تشریف آوردند عصر شنبه با نهایت حشمت و اجلال کمال عزت و اقبال وارد دارالخلافه شدند ، اعضاء اداره ورود موکب محترم ایشاخرا از صمیم قلب تبریک میگویند . » . روزنامه مجلس پس وقایع انقلاب دوم رتبه انتشار یافته ولی این بار مدیری و سر دبیری آن مهده مرحوم (شیخ یحیی کاشانی) واگذار شده است

در این دوره قطع روزنامه بزرگتر شده و مانند سایر جراید پس از ذکر سر مقاله باخبار ولایات و اخبار خارجه و تلگرافات پرداخته است .

شماره ۱۴۹ سال چهارم مجلس در چهار صفحه با چاپ سری در (مطبوعه مجلس خیابان ناصری) طبع و در تاریخ دو شنبه ۲۶ شعبان المعظم ۱۳۲۹ قمری مطابق ۲۰ اوت ۱۹۱۱ میلادی ، بمدير مسئول و دبیری (شیخ یحیی کاشانی) منتشر شده است . در این شماره ، در ستون اول ، پس از چاپ چند اعلان ، سر مقاله روزنامه تحت عنوان (روابط خارجه - اوضاع داخله بناسبت عربيه وزراء و دستخط نایب السلطنه) تدوین شده است در این دوره مجلس (روزنامه یومیه ملی ، سیاسی ، تجارتي ، مشتمل بر اخبار و مذاکرات مجلس شورایی) معسرفی شده و محل اداره آن : طهران - خیابان ناصریه - اداره جریده مجلس ، معین گردیده است . آغاز انتشار دوره دوم روزنامه مجلس شعبان ۱۳۲۷ قمری بوده و خبر انتشار آن را روزنامه حکمت چاپ قاهره در شماره ۲ سال هیجدهم مورخ ۱۵ شعبان ۱۳۲۷ بدیقسم نوشته است : « در این هفته نسخ اولیه از جراید گرامی مجلس و (نجات) و (ندای وطن) رسیده . مدیر جریده مجلس جناب میرزا محمد صادق طباطبائی سر حضرت مستطاب گلگون قباء عاشورای محرم و پیشتاز شهادی وطن در نامه بیست و سیم آقا سید محمد مجتهد است و دبیر نفر تحریر آن جناب پروانه شمع وطن پرستی و سینه سپر بلا گردان روزنامه نگاران احرار ابرار شیخ یحیی کاشانی بوده که بارها در راه آزادیخواهی و آزادگویی نیمه شهید بشمار رفته است . » از شرح مذکور معلوم میشود ابتدا آقای شیخ یحیی کاشانی عنوان همکاری داشته و بعداً مستقلاً اداره روزنامه مجلس را بعهده گرفته است .

مرحوم کسروی در جلد اول کتاب تاریخ مشروطه ایران (ص ۳۷۶) شرحی در باره روزنامه مجلس نوشته است : « نخستین روزنامه پس از مشروطه روزنامه مجلس گردید . امتیاز آن بنام آقا میرزا محسن و راهبر دانش با دست میرزا محمد صادق طباطبائی بود و خود با کاغذ و حروف خوب چاپ می یافت و یکی از روزنامه های آبرومند شمرده میشد . در این روزنامه نیز گفتار بد انسان که روزنامه ها نویسنده کمتر دیده میشود ولی خود از سودمند ترین روزنامه ها میبود : یکی از داستانهای این روزنامه آنستکه چون گفته های نمایندگان را در مجلس ، مینوشت نخست نادیر گاهی نام هر نماینده را هم میبرد ، سپس گویا بغواش خود نمایندگان نام بردن را کنار گذاشت و هر گفته را بنام (یکی از وکلا) آورد ولی مردم این را ایراد گرفته و از تبریز و دیگر جاها نامه ها فرستادند که ناگزیر شد باز بشیوه نخست باز گردد . » کسانی که بعنوان مدیری و دبیری در کار روزنامه مجلس دخالت داشته یکی مرحوم ادیب الممالک است که شرح احوال او بتفصیل در جلد اول کتاب تاریخ جراید و مجلات در ذیل روزنامه ادب چاپ شده و دیگر شیخ یحیی کاشانی است که در ذیل روزنامه ایران امروز شرح احوال او طبع گردیده و در اینجا بذکر شرح حال آقای سید محمد صادق

حرف‌المیم بعدءالجیم

مجلس ، مجله رسمی

طباطبائی میپردازیم .

آقای سید محمد صادق طباطبائی - نامبرده در سال ۱۳۰۰ هجری قمری توان یافته و قسمت عمده تحصیلات ایشان در مدارس قدیم انجام گرفته است . در آغاز مشروطیت مدیریت روزنامه (مجلس) را عهده دار بوده و در پیشرفت مشروطیت زحمات فراوان کشیده اند و از لیدرهای بزرگ مجلس بشمار میرفتند . در آغاز سلطنت پهلوی سفارت ایران در ترکیه منصوب و پس از آنکه از این مأموریت بازگشتند ناپایان سلطنت پهلوی خانه نشین و یکار و تحت نظر بودند در انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی بریاست انجمن نظارت انتخابات طهران انتخاب و از طرف اهالی پایتخت نمایندگی برگزیده شدند . (شماره ۱۶۰ سال چهارم اطلاعات هفتگی) . آقای طباطبائی در دوره های پانزدهم و شانزدهم نیز در مجلس شورای ملی بوده و در تمام دوره چهاردهم ریاست مجلس بعهدہ ایشان بود . آقای طباطبائی دارای کتابخانه ممتازی بود که تمام کتابهای آنرا که اغلب نفیس و بعضی نسخه منحصر بفرد بود بکتابخانه مجلس شورای ملی اهدا نمودند .

(۹۸۱) مجله رسمی

مجله رسمی از اول خردادماه ۱۳۰۷ شمسی بدستور وزارت دادگستری تأسیس و بدبیری آقای (علی صادقی) در طهران منتشر شده است . مجله رسمی که در حقیقت روزنامه رسمی دولت میباشد ابتدا هفته سه شماره (تا اواخر سال ۱۳۰۷) و بعد بطور روزانه انتشار یافته و تا کنون که سال ۱۳۱۷ شمسی میباشد قریب ۱۱ سال تمام است باستثناء ایام تعطیل رسمی يك شماره بعلتی یا بدون علت تأخیر نکرده و تا این تاریخ (۱۷/۱۲/۲۷) ۳۰۴۱ شماره منتشر شده است .

مندرجات مجله رسمی بر طبق ماده ۶ قانون مدنی عبارت از اربع ؛ قوانین ، تصویب نامه های دولتی ، آئین نامه - بخشنامه و آگهیهای محاکم و ثبت اسناد و غیره میباشد . میزان صفحات مجله رسمی مختلف بوده مواقعی که آگهیهای عمومی کشور منتشر میشود صفحات روزانه آن ازدویست صفحه تجاوز کرده ومدتی است یکصد صفحه و یا کمتر منتشر میشود و در اوقات عادی بعد متوسط کمتر از چهل صفحه نیست . آبونمان سالیانه این مجله بااعلانات ۸۰ قران واوراق اولیه آن ۴۰ قرانست . تشکیلات مجله رسمی مرکب از پنج شعبه ارسال مراسلات ، بایگانی ، توزیع تصحیح وحسابداری بوده عده اعضاء با مستخدمین فنی و اعضاء جزه در حال حاضر قریب بیست نفر است . اداره مجله رسمی تا مهرماه سال ۱۳۱۵ اصولاً مر بسوط به ثبت کل بوده و از آن تاریخ به بعد بر طبق قانون ضمیمه تشکیلات فنی وزارت داد گستری شده است : حقوق اعضاء مجله جزو بودجه رسمی وار بودجه ثبت کل تأدیه میشود . عایدات مجله رسمی هم ازوجه اشتراك وحق الطبع اعلانات جزو عایدات کشور است . شرح مذکور در باره مجله رسمی ازنامه که در تاریخ ۱۷/۱۲/۲۷ آقای علی

حرف‌المیم بعده الجیم

مجله رسمی

صادقی مدیر مجله در پاسخ درخواست نگارنده نوشته اند اقتباس شده است . ضمناً اضافه مینماید که مجله رسمی با تشکیلات وسیع تری تا کنون نیز منتشر میگردد و از بدو تأسیس تمام اعلانات انحصار وراثت و اعلانات ثبت شرکتهای و نیز آگهیهای اختطاری علاوه بر درج در روزنامه های محلی در این مجله نیز منتشر میشود .

آقای علی صادقی علاوه بر شرحی که درباره مجله رسمی نوشته اند شرح حال خود را نیز برای درج در کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران بدین نحو مرقوم داشته اند :

آقای علی صادقی - نگارنده بعد از پایان تحصیل خود که در جریان انقلاب

مشروطیت ایران مشغول بودم مدتی بطور افتخاری در بعضی از جراید یکه در تبریز (مسقط الرأس اصلی) از قبیل شفق و غیره چاپ میشد مقالاتی انتشار داده و بعد در اثنای مسافرتی که برای بنده در قفقاز پیش آمد در بعضی از جراید آنجا مانند ارشاد ، حیات و غیره و در مجله های فکاهی معروف از قبیل ملا نصرالدین و غیره و همچنین در بعضی از مجلات علمی و سیاسی آنجا مقالاتی انتشار دادم .

بعد از شروع جنگ بین المللی در سال ۱۳۳۴ هجری قمری مطابق با سال ۱۲۹۵ شمسی و ۱۹۱۴ میلادی بایران و تهران برگشته ابتدا در روزنامه ستاره ایران که تحت مدیریت مرحوم حسین صبا (کمال السلطان) و سردبیری مرحوم سید حسین اردبیلی انتشار مییافت مشغول کار شده بعد در روزنامه ایران که مؤسس اصلی آن همان مرحوم سید حسین اردبیلی بود داخل شده پس از فوت آن مرحوم و انتقال روزنامه مذکور با آقای زین العابدین رهنما همچنین در موقعیکه از ایشان هم با آقای ملک الشعراء نوبهار منتقل شد در همان روزنامه اشتغال داشتم .

در اواخر سال ۱۲۹۷ شمسی وارد خدمت وزارت دادگستری شده تا سال ۱۳۰۰ در آنجا بودم در این سال بعنوان تقلیل بودجه وزارت مذکور بنده و عده زیاد دیگری از خدمت منصرف و مجدداً بشفل اصلی یعنی خدمت جراید رفتم . در سال ۱۳۰۱ بنگاه خبرنگاری مرکز اطلاعات را تأسیس کردم که درخواست امتیاز آن بنام بنده در وزارت فرهنگ موجود است قریب سه سال بنگاه مذکور را اداره کرده بعد بعللی که شرح آن از این مبحث خارج است بنگاه مذکور را بر قای خود که عبارت از آقایان علی اکبر سلیمی ، جها نگیر مصور رحمانی و عباس معودی بودند واگذار کردم که یکسال بعد روزنامه اطلاعات که فعلاً در انتشار مییستاد از آن بنگاه تولید گردید .

از این پیش آمد تا سال ۱۳۰۶ در جراید شفق سرخ : ایران ، ایران جوان و مجله بهار و غیره کار میکردم اوقاتی برایم پیش آمد که در یک شب (بهت متجاوز از دو سال) چهار و پنج روزنامه متعدد را تصحیح می نمودم . در اواخر سال ۱۳۰۶ بر طبق دعوت وزارت داد گستری دو باره داخل خدمت دولتی شده و در ثبت کل تا تأسیس مجله رسمی وزارت دادگستری مشغول بودم .

حرف المیم بعد الجیم مجمع حقوق و اقتصاد، مجموعه حقوقی

(۹۸۲) مجمع حقوق و اقتصاد

مجله مجمع حقوق و اقتصاد در سال ۱۳۱۳ شمسی در طهران تأسیس و بطور ماهیانه منتشر شده است .

(۹۸۳) مجموعه حقوقی

مجله مجموعه حقوقی در طهران تأسیس و از اول فروردین ۱۳۱۶ شمسی به دستور وزارت دادگستری از قرار هفته یک شماره منتشر شده است . ابتدا هر شماره آن دارای پنجاه صفحه بوده و پس از یکسال در چهل صفحه منتشر شده و تا آخر سال ۱۳۱۷ بدون تأخیر قریب یکصد شماره از آن نشر یافته است . این مجموعه از حیث تشکیلات اداری جزء مجله رسمی بوده و از طرف دو عضو و دو نفر مستخدم جزء اداره میگردد و تصحیح آن نیز بعهده مصححین مجله رسمی بوده است .

(۹۸۴) مجموعه اخلاق

مجموعه اخلاق در طهران بمدیرى و نگارندگى (میرزا علی اکبر خان) تأسیس و جزوه اول آن در ۸ صفحه بقطع کوچک خشتی در مطبعه سر بی (مطبعه خورشید طهران خیابان ناصریه) طبع و در سال ۱۳۲۲ قمری منتشر شده است . از جزوه اول مجموعه اخلاق تا جزوه هفدهم فقط سال (۱۳۲۳) در زیر اسم مجله چاپ شده و تا این جزوه مجموعه در هر ماه دو مرتبه یکی در غره و مرتبه دیگر در پانزدهم هر ماه طبع و توزیع میشده ولی از جزوه ۱۷ که ضمناً روی پشت جلد تاریخ (غره ذیقعد ۱۳۲۴) ثبت شده مجموعه اخلاق در هر ماه سه نمره (غره - دهم - بیستم) طبع و توزیع شده است . در هر جزوه روی پشت جلد مجموعه اخلاق بدینقسم معرفی گردیده است : « این جزوه که بالمآل کتابی خواهد شد بنام مجموعه اخلاق چنانچه اسمش حکایت میکند رسمش بر تهذیب اخلاق و ادب است از پلتیک و سیاسی و مذهبى سخن نمیکوید هر کس راجع باخلاق و علم و ادب فصلی بنگارد پذیرفته و درج خواهد شد . »

در حقیقت مندرجات مجموعه اخلاق که بیشتر بقلم عرفا نوشته شده ، جز مطالب اخلاقی و تفسیر و تاویل آیات قرآنی چیز دیگری نیست . از جزوه چهارم با آنطرف تا چند شماره این رباعی که ماده تاریخ تأسیس مجموعه بوده ، روی پشت جلد درج شده است :

از انجمن اخوت آمد بظهور
مجموعه اخلاقی آ یا مطلع نور
(۱۳۲۳)

لوحی بمثل همچو کتاب مسطور
دیدش چو سروش از بی تاریخش گفت

اداره مجموعه اخلاق : طهران خیابان دولت . انجمن اخوت . قیمت اشتراك

حرف‌المیم بعده الجیم مجموعه اخلاق ، مجموعه ماورای بحر خزر

جزوی پنجشاهی . در سایر بلاد اجرت پست اضافه میشود . شمار و سرلوحه مجله عبارت از دایره ایست که در وسط آن دو تبرزین عمود بر یکدیگر قرار گرفته و در بین آنها در قسمت پائین کشکول و تسبیحی آویزان است. در مقابل یعنی قرینه کشکول و تسبیح . جمله (هو العلی الاعلی) نوشته شده و نیز اعداد (۱۳) و (۱۷) در دو طرف دیگر درج است . (این سرلوحه خیلی شبیه سرلوحه مجله اخوت کرمانشاه است .) . در باره تأسیس مجله مجموعه اخلاق در مقاله افتتاحی شماره اول پس از حمد خداوند و ستایش از مظفرالدین شاه که با درویشان چنان در آمیزد که گوئی از ایشان است مینویسد : « پس از آنجائیکه مردم را با ید بروش پادشاه خویش گرایند که الناس علی دین ملوکهم پس برای نشر و تعمیم این شیوه پسنیده و تشویق و ترغیب عام بدین آرایش معنوی (انجمن محترم اخوت) که اساسش بر ترویج اخلاق و تکمیل خصائص انسانیت است خدمت بنوع را در مقام تالیف مجموعه برآمد که از کلمات آسمانی و مواعظ ربانی و اخبار ائمه طاهرین و اقوال حکمای الهی و گفتار متکلمین عرب و عجم آنچه بتواند در این مجموعه شریف بگنجاند و بر زبان وقت و لهجه حال مزیدی و توضیحاتی بر آن بیاورد و در هر پانزده روزی يك جزو فیما بین اخوان توزیع مینماید و چون این مجموعه برای نشر اخلاق است البته هریك از اخوان و اشخاصی که بیان و بنانشان بر صلاحیت و تربیت نوع است فصلی راجع باخلاق و آداب مردمی بنگارند در این مجموعه بنام نگارنده درج خواهد شد درخاته از خداوند در انجام این عمل استمداد مینماید . »

قسمتی از مندرجات مجموعه اخلاق ترجمه خطبه حضرت امیر بمالك است هنگامی که حاکم مصر بوده و این ترجمه را میرزا صادق وقایع نگار با مر فتتحلی شاه انجام داده است . بقیه مندرجات مجموعه عبارت از اشعار است از ملای رومی و سعدی و بعضی از بزرگان صوفیه و شمرای متصوف آنزمان از قبیل اشعار (علی اکبر شیدا) و اشعار صنی علیشاه . از مجموعه اخلاق فعلا تا جزوه هیجدهم که بدون تاریخ است و مجموع صفحات مجله تا این جزوه ۱۴۴ صفحه خشتی میباشد در دست است

(۹۸۵) مجموعه ماورای بحر خزر

روزنامه هفتگی (مجموعه ماورای بحر خزر) در سال ۱۳۲۲ قمری در شهر عشق آباد تحت مدیریت (فیدروف Fedoroff) روسی منتشر شده است . این روزنامه ارکان سیاست روسیه در ایران بوده و در مدت جنگ روس و ژاپن برای انتشار فتوحات روسیه بوسیله کنسولگری روس در ایران نشر یافته است . نمره چهارم سال چهارم آن در تاریخ ۱۳ ذوالقعدة ۱۳۲۷ قمری منتشر گردیده است . سرلوحه روزنامه عبارت از تصویر عقاب است که در حال پرواز است و در زیر آن بخط فارسی و روسی (مجموعه ماورای بحر خزر) نوشته شده و نیز در عنوان روزنامه مجموعه ماورای بحر خزر (روزنامه مصور فارسی) قید گردیده و در زیر اسم روزنامه

حرف المیم بعد الجیم والحاء مجموعه ماورای بحر خزر ، محاکمات

سال تأسیس (۱۳۲۲) ثبت شده است . قیمت آبونه در روسیه سالیانه ۳ منات . ۶ ماهه ۲ منات . در بلاد خارجه سالیانه ۴ منات . ۵۰ کاپیک . قیمت اعلان در صفحه اول ۳۰ کاپیک و در صفحه آخر ۲۵ کاپیک . هر نمره این روزنامه از چهار تا هشت صفحه میباشد برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (۱۳۴) يك صفحه روزنامه را گراور کرده و این صفحه از نمره سوم سال سوم آنست و این نمره در تاریخ جمعه ۲۵ محرم ۱۳۲۶ قمری مطابق ۱۵ فورال سنه ۱۹۰۸ میلادی انتشار یافته است .

در شماره ۸ سال سوم روزنامه ادب چاپ طهران صفحات ۶۰ و ۶۱ آن شرحی بدینقسم راجع بروزنامه مذکور نوشته است : « مجموعه ماورای خزر جریده ایست که در شهر عشق آباد روس بمدیری (فیدروف) منتشر میشده و دو شماره از آن برای روزنامه ادب فرستاده شده است . این روزنامه در صفحات بزرگ با تصاویر زیاد به زبان فارسی ، ترکی ، روسی هفته سه روز بطبع میرسیده و فهرست مندرجات دو شماره آن بقرار ذیل است : امور سیاسی ، مراسلات اروپا و روسیه و ایران و خیوه و بخارا و افغانستان اخبار و وقایع داخله راجع بصنایع و حرف و اتفاقاتیکه متعلق است ببلاد ماوراءالنهر . مقالات ادبیه از نوادر و ظرایف . تلگرافات از طرف وکلای تلگرافخانه . اعلانات . »

از آقای فیدروف مدیر روزنامه نگارنده تا کنون اطلاعی بدست نیاورده ام .

(۹۸۶) محاکمات

روزنامه محاکمات در طهران بمدیری (مجدالاسلام کرمانی) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . این روزنامه ارگان وزارت عدلیه و مخصوص درج محاکمات عدلیه بوده و ابتدا هفته يك شماره و پس از مدتی يك روز در میان منتشر میشده است . شماره اول روزنامه محاکمات در تاریخ ۱۷ جمادی الاول ۱۳۲۵ قمری انتشار یافته و هر شماره آن در چهار صفحه بقطع ۱۱ و یکچهارم در ۶ و سه چهارم اینچ بوده است . قیمت اشتراك سالیانه آن در طهران ۱۵ قران ، در سایر شهر های ایران ۱۸ قران ، در ترکیه و مصر دومیجیدی ، در روسیه و قفقاز چهار منات و در اروپا ۱۸ فرانک .

روزنامه محاکمات را در آغاز مشروطیت مجدالاسلام کرمانی تأسیس نمود و بعداً روزنامه رسمی وزارت عدلیه شده است . در شماره ۳۸ سال اول روزنامه ندای وطن مورخ شنبه ۱۰ جمادی الاولی ۱۳۲۵ قمری شرحی بعنوان (اخطار و اعلان) راجع بروزنامه محاکمات بدینقسم نوشته است : « هیئت اداره ندای وطن بحمد الله موفق شدند بر ایجاد روزنامه باسم محاکمات و این روزنامه چنانکه اسمش حکایت میکند مسلکش فقط ثبت محاکمات عمده است که در وزارت عدلیه اعظم یا وزارت معارف و اوقاف یا محاکمات تجارت یا محاکمات خارجه واقع میشود که خلاصه اسناد مدعی و مدعی علیه باصورت احکام صادره درمورد آنها را مینگارد . از مطالب

حرف‌المیم بعده الحاء

محاكمات

متفرقه و اخبار داخله و خارجه و اعلانات و مقالات بکلی معذرت دارد . عرایض متظلمین را بوزارت جلیله عدلیه تقدیم مینماید مشروط باینکه عارض را اجزاء اداره شناسند و اطمینان بصحت عرض او داشته باشند ۰۰۰۰۰۰ مجلاً روز نامه محاکمات برحسب اجاره مخصوص و امتیاز مفوض از اولیاء دولت در اداره ندای وطن طبع و توزیع میشود و عجالتاً چون هنوز اسباب کامل نیست هفته دو نوبت در یک ورق طبع میشود و بعد انشاء الله یومیه خواهد شد و شماره اول آنرا برای مشترکین ندای وطن میفرستم . توضیحات دیگری راجع روزنامه محاکمات در دنبال مطالب مذکور نوشته که برای اطلاع از آنها باید باصل روزنامه ندای وطن مراجعه شود .

روزنامه محاکمات پس از انتشار چند ماه گرفتار تعطیل شده و پس از بیست روز تعطیل مجدداً منتشر شده است . در شماره ۹۶ سال اول ندای وطن مورخ ۲۶ رمضان ۱۳۲۵ قمری مرحوم مجدالاسلام مدیر روزنامه مینویسد : « روزنامه محاکمات ما بواسطه تعطیل اداره محاکمات عدلیه و نبودن وزیر چندی معطل ماند حالاً که جناب مخیرالسلطنه بوزارت عدلیه منتخب شدند و شروع بکار کردند روزنامه محاکمات از غره شوال مرتباً طبع و توزیع میشود و امید است محاکمات مفیده در آن درج شود و عوض تعطیل این بیست روز را خواهم داد » پس از بمباردمان مجلس و تفرقه آزادخواهان و تعطیل جراید قهراً روزنامه محاکمات نیز تعطیل شده و مجدداً در سال ۱۳۲۷ قمری با بدایره انتشار گذاشته اس خبر انتشار مجدد آنرا مرحوم مجدالاسلام در ضمن شماره های ۱۰ و ۲۵ سال سوم ندای وطن مورخ ۱۶ رجب و ۴ شعبان ۱۳۲۷ قمری ، بدینقسم چاپ کرده است : « برای توضیح مطلب دو قمره از محاکمات عدلیه را فعلاً بطور خلاصه نگارش میدهم و انشاء الله تا آخر همین ماه جریده یومیه محاکمات را منتشر میسازیم . » و « اعلان - روزنامه محاکمات که روزنامه رسمی وزارت جلیله عدلیه است تا یک هفته دیگر دایر میشود و چون جمع و خرج آن را جمع بعدلیه است مقرر شده که قیمت اشتراك پیشگی گرفته شود لهذا اعلان میشود هر کس طالب اشتراك باشد باید قبل از وقت بداره ندای وطن اطلاع بدهد و قیمت یکساله را که مبلغ بیست و پنجهزار در طهران و سه تومان در سایر ولایات است بپردازد و الا فرستاده نخواهد شد . »

همانقسم که در باره مندرجات روزنامه محاکمات یاد آور شدیم مطالب این روزنامه ، محاکمات واقع در عدلیه بوده و من جمله از محاکمات مندرج در روزنامه (محاکمه و استنطاق گماشته حاج سید علی آقا و خود ایشان در اطاق جزاء) است متن این محاکمه در شماره ۸ مورخ یکشنبه نهم ربیع الاخر ۱۳۲۶ قمری روز نامه محاکمات چاپ شده و مقدمه آن بدینقسم شروع میگردد : « چند روز قبل اعلانی بدر و دیوار شهر چسبانیدند که حاصل مفهوم آن اعلان که با ژلاتین طبع شده این است : این مجلس را ما طایفه بهائیه دایر کردیم و تمام این اقدامات از طرف ماها بوده و اغتشاشات ولایات هم از ماهاست و تا آزادی مذهب بماندهند ممکن نیست امور

حرف المیم بعده الحاء

محاكمات ، محاکمات یزد ، محشر

این مملکت منظم شود ۰۰۰۰ استنطاق سید علی آقا یزدی . س . میرزا حیدر علی چند سال است نوکر جنابعالی است . جواب . میرزا حیدر علی نام بنده از وقتی که خود را شناختم نوکر نداشته ام نه در تبریز و نه در طهران نه در عتبات . « لازم بتوضیح است که این محاکمه که از سید علی آقا یزدی پدر آقای سید ضیاءالدین طباطبائی سیاستمدار معروف ایران بعمل آمده و در روزنامه محاکمات نقل شده غیر از ماجرای واقعه معروف توپخانه است . در این محاکمه سید علی آقا متهم است که از بهائیا پول گرفته و بقصد تخریب مشروطیت بنام بهائی شب نامه پرانی کرده است .

شرح حال مجد الاسلام در ذیل روزنامه ندای وطن چاپ خواهد شد .

(۹۸۷) محاکمات

روزنامه محاکمات در شهر تبریز بمدیری (میرزا محمود غنی زاده سلماسی) تأسیس و در سال ۱۳۲۶ قمری مطابق ۱۹۰۸ میلادی منتشر شده است . (کتاب مطبوعات و شعر فارسی ص ۱۳۵) مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان سال تأسیس روزنامه محاکمات را در تبریز ۱۳۲۸ قمری ضبط کرده اینطور مینویسد : « محاکمات روزنامه هفتگی منتشر در تبریز با چاپ سری بمدیریت محمود غنی زاده در ۱۳۲۸ . »

محمود غنی زاده بخیر از محاکمات روزنامه های سهند ، فریاد و بوقلمون را نیز تأسیس و منتشر نموده است و ما جداگانه از هر کدام در محل خود گفتگو نموده ایم.

(۹۸۹) محاکمات یزد

روزنامه محاکمات یزد در شهر یزد بمدیری (محمد صادق) تأسیس و در سال ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است . این روزنامه هفتگی بوده و با چاپ سنگی طبع می شده . روزنامه محاکمات یزد پس از ورود سردار جنک بختیاری بعکومت یزد بجای روزنامه معرفت انتشار یافته و دو یا سه نمره بیشتر از آن نشر نشده است . برون که شرح مذکور را در کتاب تاریخ مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۳۵) نوشته اضافه میکند که من نمره دوم آنرا دارم و این نمره در تاریخ ۱۷ ذیقعد ۱۳۲۷ قمری منتشر گردیده هر نمره آن در چهار صفحه بقطع ۱۱ در ۶ و یکچهارم اینچ و با خط تعلیق پهن و روشن میباشد . وجه اشترک سالیانه آن در یزد ۱۶ قران در سایر شهرهای ایران ۲۰ قران در خارج ایران ۲۳ قران .

(۹۹۰) محشر

روزنامه محشر در طهران بمدیری (کاظم زاده علوی) تأسیس و در سال ۱۳۰۲ شمسی بطور هفتگی منتشر شده است . روزنامه محشر که بعلت بعضی نامالایمات

حرف‌المعم بعدہ الحاء والحاء

محشر ، مخزن دانش

چندی در محاق تعطیل بود ، شماره اول سال چهارم آن بموسی و مدیری (کاظم زاده علوی) در چهار صفحه بقطع بزرگ در تاریخ یگشنبه ۲۷ شهر جمادی الثانی ۱۳۴۵ قمری مطابق ۱۱ دیماه ۱۳۰۵ منتشر شده . مقاله افتتاحی این شماره بعنوان (قلم و مطبوعات) است . در این شماره در پاورقی صفحه دوم و سوم (تاریخ سید جمال الدین) تألیف پرفسور برون ترجمه و چاپ شده . جای اداره روزنامه لاله زار و نك شماره آن ۸ شاهی است .

محشر روزنامه ایست اجتماعی و سیاسی و بطور تفصیل اخبار داخله و خارجه و مجلس در آن درج است . از روزنامه محشر فعلا تا شماره ۵۵ سال ۴ مورخ سه شنبه ۹ صفر مطابق ۱۷ مرداد ۱۳۰۶ در دست میباشد . در این شماره مقاله مفصلی تحت عنوان (چرا ما روزنامه ننویسیم) درج شود و خلاصه آن چنین است این چه مملکت و این چه مشروطه ایست هر روز دزد ها حمله میکنند ، حزب وجود ندارد تا میرسد باینکه ما این وضعیت سخت فداکاری نموده ایم و امروز اطمینان نداریم مثل ادوار سابق که عهده دار چندین قمره روزنامه بودیم و بی پروا حقایق مینگاشتیم حالا هم بتوانیم . اینست که ادامه خدمات خود را بموقع دیگر میگذاریم و در این هنگام هم اگر ملت و جامعه پشتیبان واقعی نامه ملی ما باشند باز حاضریم که کما فی السابق فداکاریهای خود را ادامه و آنچه خیر و صلاح عمومی است بگوئیم .

با در نظر گرفتن اوضاع آن ایام و شروع حکومت دیکتاتوری پر واضحت که ادامه کار برای آقای کاظم زاده علوی مشکل بوده ولذا از کار روزنامه نگاری باجبار دست کشیده و شغل وکالت داد گستری مشغول شده است . روزنامه صدای شرق چاپ مشهد در شماره ۲۰ سال هفتم خود مورخ ۲۱ ابان ۱۳۰۹ شمس راجع بآقای علوی و شغل وکالت عدلیه او اینطور مینویسد : « یاد آوری - حضرت آقای غلوی مدیر جریده شریفه محشر که یکی از آزادیخواهان حقیقی بشمار میروند و از روز نخستین اعلان حکومت مشروطه عهده دار خدمات ملی و مسئول و مؤسس و مدیر چندین جراید مرکز بوده اند اینک هم برای ادامه خدمت گذاری نسبت بهم وطنان خود شغل وکالت عدایه را عهده دار شده اند چون کاملا بعلم حقوق آشنا در تمام مراحل قضائی وکالت قبول مینمایند لهذا عموم آقایانی که فرمایشاتی در مرکز داشته باشند رجوع فرمایند . عنوان تلگرافی علوی . »

(۹۹۱) مخزن دانش

مجله مخزن دانش در سال ۱۳۰۱ شمس در شهر همدان تأسیس و بطور هفتگی منتشر شده است .

(۹۹۲) هدائن

در تاریخ هشتم آذر ۱۳۰۴ شمس امتیاز مجله مداین در اصفهان بدیری (میرزا

حرف‌المیم بعده الدال

مدائن، مدرس فارسی، مدنیت

عبدالحسین بنان زاده (از تصویب شورای عالی معارف گذشته است. گرچه تصویب امتیاز مداین بنام مجله بوده ولی هنگام انتشار با اسم روزنامه نشر شده است روزنامه اختر مسمود چاپ اصفهان در شماره ۹ سال هشتم خود مورخ سه شنبه ۲۳ شوال ۱۳۴۵ قمری بعنوان تقریظ در باره انتشار روزنامه مداین اینطور مینویسد: «روزنامه مداین در تحت مدیریت آقای ادیب فرهنگد از آسمان مطبوعات اصفهان طلوع و چشم معارفخواهان را روشن نموده ما موفقیت هم قلم خود را خواهانیم.»

آقای ادیب فرهنگد علاوه بر روزنامه مدائن مجله تحفه‌الادبا و روزنامه گیتی‌نما را نیز در اصفهان منتشر نموده و ما از این دو مجله و روزنامه بتفصیل در محل خود گفتگو کرده ایم.

(۹۹۳) مدرس فارسی

مجله مدرس فارسی در شهر بمبئی هندوستان تأسیس و بدو زبان فارسی و انگلیسی در سال ۱۳۰۰ قمری مطابق ۱۸۸۳ میلادی منتشر شده است. قسمت فارسی مجله با چاپ سنگی و قسمت انگلیسی آن با الفبای کتابی طبع گردیده.

مندرجات مجله مدرس فارسی عبارت از دستور زبان فارسی و ادبیات و حکایات فارسی و ضرب‌المثل و داستان‌های کوچک میباشد. شماره اول این مجله در تاریخ سه شنبه اول جاری ۱۸۸۳ میلادی طبع و توزیع شده و در هر شماره این شعر بعنوان شعار مجله چاپ شده است:

ز لاف حمد نعت اولی است بر خاک ادب خفتن

سجودی میتوان کردن درودی میتوان گفتن

مجله مدرس فارسی رویهمرفته سه سال در ۳۶ نمره منتشر شده و شماره آخر که شماره سی و ششم باشد در ماه دسامبر ۱۸۸۵ انتشار یافته است. هر نمره آن در ۱۶ صفحه و قیمت اشتراك سالیانه آن برای کسانی که قبلاً وجه اشتراك را پرداخت نکرده و بیه و برای کسانی که در پایان سال پرداخت نمایند ۵ روپیه. ناشر مجله (خان بهادر منشی) و پسرش و نویسنده و موسس مجله آقایان (میرزا محمد جعفر و میرزا محمد صادق خراسانی کنسول ایران در کراچی) بوده اند.

در فهرستی که برای بعضی از جراید فارسی در سال دوم دوره جدید کاوه ضبط شده در باره این مجله مینویسد: «روزنامه مدرس فارسی در بمبئی در ربیع الاول ۱۳۰۰ دائر شد و مدتی دوام کرد.» اشتباه تنظیم کننده فهرست در اینست که مدرس فارسی را روزنامه ضبط کرده در صورتیکه مجله است.

(۹۹۴) مدنیت

روزنامه مدنیت در شهر تبریز بهمدیری (اژانس ارامنه ملقب بصدرا) تأسیس و با چاپ سنگی در سال ۱۳۰۱ قمری منتشر شده است. نمره دوم این روزنامه در

حرف‌المیم بعده الدال والذال مدی ، مذاکرات مجلس

۱۲ جمادی الثانی ۱۳۰۱ مطابق ۹ آوریل ۱۸۸۴ میلادی انتشار یافته . مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان درباره روزنامه مدنیت اینطور مینویسد :
 « مدنیت - روزنامه هفتگی منتشر در تبریز با چاپ سنگی بمدریت صدرای در جمادی الاخر ۱۳۰۱ »

(۹۹۵) مدی

روزنامه هفتگی مدی در طهران بمدریری و نویسندگی (شیخ عبدالعلی ملقب بمؤید) تاسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . پس از وقایع بیاردمان مجلس شیخ عبدالعلی موبد طهران را ترك و بجانب گیلان رهسپار شد و از آنجا باسم (میرزا شیخ علی مجتهد) بسن پترز بورك عزیمت نمود . (مطبوعات و شعر فارسی ص ۱۳۷)

(۹۹۶) مذاکرات مجلس

مجله مذاکرات مجلس در طهران بوسیله اداره کار پردازی مجلس شورایی تاسیس و شماره اول آن در آذرماه ۱۳۰۵ شمس منتشر شده است . مجله مذاکرات مجلس طبق قانون هشتم آذرماه ۱۳۰۵ دوره ششم تقنینیه تاسیس و انتشار یافته و مندرجات آن عبارت از مذاکرات نمایندگان مجلس بوده است . این مجله ز ابتدای تاسیس مرتب منتشر شده و از دوره یازدهم مجلس بطور رایگان و مجانی توزیع میشده است . طبع و نشر این مجله ضمن کارهای اداری مجلس شورایی منظور و يك مجله دولتی است . مدتی ناشر مجله آقای امیر جاهد مدیر محترم سالنامه پارس و چندی هم آقای هاشمی نماینده کرمان و مدیر روزنامه بیداری بوده اند .

(۹۹۷) مرآت

روزنامه مرآت در شهر طهران بمدریر مسئولی (مرآت‌الذاکرین) تاسیس و در سال ۱۳۰۱ شمس منتشر شده است . شماره سوم سال اول آن در دو صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربی (قناعت طهران) چاپ و در تاریخ چهارشنبه ۱۴ برج قوس ۱۳۰۱ شمس مطابق ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۳۴۱ قمری منتشر شده است . سرمقاله این شماره بدینقسم شروع میگردد : « عادت ما این است . چنانچه مشاهده میکنید نویسندگان و ناطقین در حرف زدن و مناله نوشتن سعی دارند که افکار خود را طرفدار ضغوا و ققرا و دهاقین معرفی نمایند بلکه آرزو و آمال بعضی از آنها ۱۰۰۰۰۰ پس از این سرمقاله (اخبار هفتگی) و بعد اخبار مجلس چاپ شده است .
 در شماره پنجم تحت عنوان (استفانه و ناله مظلومانه ملت به پیشگاه اعلیحضرت همایونی) تمام صفحه اول زشتیها و خرابکاریهای قوام‌السلطنه را خطاب بشاه شرح داده و این مطالب سرمقاله شماره پنجم را تشکیل میدهد .

حرف المیم بعده الراء مرآت، مرات السفر ومشکوة الحضر، مرات المله

طرز انتشار روزنامه مرآت هفتگی بوده ولسی در عنوان روزنامه وعده داده است (عما قریب یومیه خواهد شد) • محل اداره خیابان لاله زار - کوچه معین التجار بوشهری • بهای روزنامه : ماهیانه • داخله دو قران بملاوه اجرت پست ، خارجه سه قران بملاوه اجرت پست • تک نمره سه شاهی • از روزنامه مرآت فعلا تا شماره ۸ - سال اول مورخ شنبه ۷ رجب ۱۳۴۱ قمری مطابق ۵ حوت ۱۳۰۱ در دست است • سر مقاله این شماره (کودتای سوم حوت یا یک روز تاریخی) است •

(۹۹۸) مرآت السفر ومشکوة الحضر

روزنامه مرات السفر که پس از چند شماره لفظ (مشکوة الحضر) نیز بعنوان آن اضافه شده از ربیع الاول سال ۱۲۸۸ قمری درسفر ناصرالدین شاه با رندران از طرف (محمد حسنخان اعتماد السلطنه) درعرض راه و منازل نشر میشده وجمعا ۱۳ شماره از آن منتشر گردیده است .

روزنامه مرات السفر روزنامه ایست مشتمل بروقایع اسفار ناصرالدین شاه و شکارهای او در سفر مازندران و احوال و مقالات او که بدستکاری محمد حسنخان اعتماد السلطنه درعرض راه نوشته شده وچون وسائل طبع همه وقت دراسفار ناصرالدین همراه بوده درعرض راه طبع وتوزیع میشده است

محمد حسنخان وزیر انطباعات روزنامه ایران را نیز در زمان ناصرالدین شاه منتشر نموده ودر نمره ۱۶ سال اول آن مورخ بتاریخ چهارشنبه یازدهم ربیع الاول قوی ثیل ۱۲۸۸ قمری تحت عنوان اعلان راجع برویروزنامه (مرآت السفر) شرحی نوشته که ما درجلد اول کتاب تاریخ جراید ومجلات ایران ذیل روزنامه (اردوی همایون) آنرا نقل کرده ایم . قسمتی از سفرنامه مازندران ناصرالدین شاه که بقلم خودش نوشته شده یعنی همین روزنامه مرات السفر در شماره های سنوات ۱۲۸۸ و ۱۲۸۹ روزنامه ایران چاپ شده است •

روزنامه مرات السفر ومشکوة الحضر تا سال ۱۳۰۰ قمری باین نام منتشر گردیده واز آن پس بنام (اردوی همایون) انتشار یافته است . برای اطلاع از روزنامه اردوی همایون بجلد اول کتاب مراجعه شود (صفحه ۱۱۲)

(۹۹۹) مرآت المله

روزنامه مرات المله درشهر رشت در سال ۱۳۰۱ شمسی بطور هفتگی تأسیس ومنتشر شده است

(۱۰۰۰) مرآت جنوب

روزنامه مرات جنوب درشهر کرمان بدیری ومؤسسی (سید نصرالله مؤیدالاشراف) تأسیس ودر سال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است . طرز انتشار این روز نامه هفتگی بوده وشماره اول آن در چهار صفحه بقطع ۶ ویک دوم در ۱۱ ویک دوم اینچ طبع

حرف المیم بعده الراء

مرآت جنوب ، هری

طبع و در تاریخ سوم محرم ۱۳۲۹ قمری انتشار یافته است . این روزنامه با چاپ سنگی و خط نسخ طبع گردیده . وجه اشتراك سالیانه آن در کرمان ۲۰ قران . برون در کتاب تاریخ مطبوعات (صفحه ۱۳۸) مینویسد در صفحه يك شماره اول تصویر (میرزا حسین خان سردار نصرت) چاپ شده است .

روزنامه مرآت جنوب بیش از یکسال منتشر نشده و بامحکومیت و زندانی شدن مدیران مؤید الاشراف روزنامه تعطیل شده است . شرح محکومیت مدیر مرآت جنوب را در شماره ۱۷ سال اول روزنامه دهقان چاپ کرمان مورخ ۲۱ شهر صفر ۱۳۳۰ قمری تحت عنوان (محکومیت) بدینقسم نوشته است : « جناب آقای سید نصرالله مؤید الاشراف مدیر مرآت جنوب بواسطه درج بعضی لوايح و مقالات مفرضانه و رسم تصویرها و کاریکاتورهای غیر منصفانه در روزنامه خود همواره موجب توهین نسبت به محترمین و ادارات دولتی و مدارس میشدند . چون حال ایشان معلوم بود اغلب اهمیتی بنگارشات ایشان داده نمیشد تا اینکه در یکی از نمرات روزنامه نسبت با آقای شوکت الوزاره رئیس پست خانه توهین وارد آورده و نسبتهای خلاف واقع بایشان داد . جناب ایشان متحمل این بی احترامی نشده و بمحض ورود ایالت جلیله حضور ایشان متظلم شدند . حضرت اقدس والا رجوع بدلیه نمودند مؤید الاشراف در عدلیه متعهد شد تا ده روز دیگر از عهده اثبات آنچه نوشته برآید و چون در این مدت از عهده برنیامد لذا از طرف عدلیه محکوم بدادن سیصد تومان مجانی و حبس یکساله و توقیف روزنامه شده و فعلا محبوس است . « مدیر روزنامه دهقان پس از شرح مذکور مینویسد چون حال فقر و پریشانی مؤید الاشراف معلوم است و همه میدانند که این روزنامه در واقع روزی نامه یکنفر هم وطن ماست از رؤسای عدلیه درخواست تجدید نظر و تخفیف مجازات مشار الیه را خواستگاریم .

((۱۰۰۱)) هری

مجله هری در طهران بمدیری و صاحب امتیازی (میرزا علی اکبر خان سلیمی) تأسیس و در سال ۱۳۰۶ شمسی منتشر شده است . طرز انتشار این مجله هفتگی بوده است . آقای علی اکبر سلیمی علاوه بر انتشار مجله هری بنشر مجموعه مفید دیگری بنام (گلهای رنگارنگ) در طهران اقدام نموده که ذیلا شرح مختصری در باره آن مجموعه مینگاریم . علت آنکه در حرف گاف کتاب از مجموعه گلهای رنگارنگ اسمی بمیان نیاورده چنین است که گلهای رنگارنگ مجله نبوده و بلکه از طرف ناشر بنام مجموعه منتشر شده است .

مجموعه گلهای رنگارنگ که آقای (علی اکبر سلیمی) صاحب موزه هری ، ناشر آن بود در طهران بطور ماهانه منتشر شده و جلد اول آن در دیماه ۱۳۱۲ شمسی در ۲۴۰ صفحه بطبع کوچک خشتی در مطبعه سری (مهر) طبع و توزیع شده بهای هر جلد در همه جا ۵ ریال و ۶ شماره آن ۲۰ ریال و ۱۲ شماره (برای کسانی

حرف‌المیم بعده‌الراء

هری

که وجه آنرا قبل‌پردازند) ۵۰ ریال است. شماره اول گل‌های رنگا رنگ در سه هزار نسخه طبع گردیده است. برای اطلاع از مندرجات این مجموعه عین مقدمه زیر که بقلم ناشر آن آقای علی اکبر سلیمی نوشته شده در اینجا نقل مینمائیم: «بخوانندگان عزیز افتخار دارم که نخستین شماره این مجموعه نوظهور را که حاوی داستانها کوچک و شیرین، ورق و افکار پراکنده، منتخب ادبیات منشور و منظوم از شعراء ایرانی و خارجی، انواع بازیهای عمومی و ملی، عجایب آداب و اخلاق ملل، چیزهای تازه و شنیدنی، افسانه‌های ملی، شرح حال رجال و خدام بشراشعارمحلی و خلاصه مندرجات شیرین و جذاب و سودمندی که موجب سرگرمی و تفریح خوانندگان و روشن ساختن افکار آنانست بدوستان کتاب تقدیم میدارم. ع. سلیمی.»

مندرجات مجموعه گل‌های رنگارنگ عبارت از موضوعهای مختلفی است که اغلب آنها بقلم نویسندگان مشهور ترجمه و تدوین شده و بصورت قطعات کوچک از نظم و نثر در آمده است. در هر شماره فهرست مندرجات در صفحات اول مجموعه با ذکر نویسنده و یا مترجم طبع شده و برای اطلاع بیشتری فهرست شماره اول مجموعه را ذیلا نقل مینمائیم:

مقدمه. بخوانندگان عزیز. ع. سلیمی. توحید (نظامی). گل‌های رنگا رنگ (ابوالقاسم پاینده). شرط بندی (آنطون چکوف). زینت (موپاسان). زن زیبا (م. فرمون). علی دشتی درس و کتاب. آنا طول فرانس (محمد سعیدی). آداب و رسوم (بهمن کرمانی). کلیسا. (ولتر). جوانی. هوگو (نصرا له فلسفی). زن در نظر ملل. گوشه انزوا (فرج‌اله بهرامی). زیبایی. بعمشوقه خود. لامار تین. فلسفی. کولیها (پوشکین). رضا شهزاد. ارسطو (باتصویر او). دستگیری کنید. هوگو فلسفی. ویولون (ضیاء هشترودی). مهتاب و شهاب (سرمد) پادشاه گل کوکب. دخترک بدبخت. پیر لوئیس. مرگ مادر. (علی دشتی) دنیا در نظر سعدی. هلال ماه. (نصرا له فلسفی) تمدن بشر (اناتول فرانس). محمد سعیدی. بیچاره سزارین. سرود اطفال (تصویر) اذان مغرب (سعید نفیسی) آراء بزرگان. دین در نظر خیام. نومیدی. میرزاده عشق و لامار تین. سید جمال اسد آبادی با تصویر او. امید (شیلر) رضا کلانتری جهنم چین. آلبالو و گیلان (امیر قلی امینی) آدمکش (ملک الشعرا بهار) گمنام. تعریف کلمات. (عبید زاکانی). عروسی در ایران (ع. س). سرود آبخار (محمد جناب راده). عروس دیوانه (غفار سیاهپوش) بخشش (فرانسوا کوپیه). کمدی پهلوان کچل. چین (انصاری). تصویر بازیکنان. نیکی (سعدی) فرادا (یحیی ربیعان). خزان. (لامار تین. فلسفی) چند نصیحت بخانها باهارون ولات (مکرم اصفهانی) سه بازی علمی (غلامحسین مصاحب). ای آرزو (اسداله طاهری). غنچه معصوم (ابوالقاسم پاینده). هفت (دکتر افشار) قیمت خنده. یک صفحه خونین از تاریخ. اندرز (امیر قلی امینی). بوسه (محمود عرفان). رویا. تاریکی. (پور رضا) سلاطین پهلوان. آیا میدانید؟ هدف عشق. انا کرئون (محمد علی گلشائیان). از گوشه و

کنار . اندوهناك نشوید . (صادق نشات) چند شوخی . گل‌های شقایق . (عبداله وزیری) عشق (ناتول فرانس) محمد سعیدی . سخن اهل دل (حافظ) .

هما قسم که ملاحظه میفرمائید بواسطه تنوع مطالب رویهمرفته گل‌های رنگا رنگ مجموعه مفید و تازه است که آقای سلیمی آنرا ابتکار نموده است . جلد دوم گل‌های رنگارنگ در بهمن ماه ۱۳۱۲ در ۳۰۰ صفحه خشتی طبع و توزیع شده و نوع مندرجات آن مانند جلد اول است بجز اینکه در این جلد رؤس اخبار مهمه و وقایع يك ماهه ایران و سایر ممالك نیز درج شده است .

جلد سوم گل‌های رنگارنگ در اسفندماه ۱۳۱۲ در ۲۱۶ صفحه بقطع کوچک خشتی و جلد چهارم مجموعه در فروردین ماه ۱۳۱۲ در ۲۰۲ صفحه اصلی و چند صفحه رنگی برای آگهیها بهمان سبك و روش مجموعه‌های سابق طبع و منتشر شده است . آقای علی اکبر سلیمی علاوه بر نشر مجله مربی و مجموعه گل‌های رنگارنگ و شرکت در تأسیس مرکز اطلاعات مؤسسه بنام (مؤسسه مربی) تأسیس نموده که کتاب های زیر را بنام آن موسسه منتشر نموده است : ۱- دیوان عشقی ۲- سه یار دبستانی ۳- رهبر جوانان ۴- دسته گل ادبی ۵- تاریخ نهضت ایران ۶- اسناد محرمانه سیاسی - ۷- در تلاش معاش ۸- نه سال در امریکا ۹- منم گریه کردم ۱۰- عشق و ادب ۱۱- کلیات مصور عشقی که بمناسبت (بیستین سال شهادت میرزاده عشقی) آنرا با مقدمه مفصلی در شرح حال عشقی انتشار داده است .

آقای میرزا علی اکبر خان سلیمی از نویسندگان باذوق و از خادمین بمطبوعات و مدتی مدیر داخلی روزنامه شفق سرخ راعهده دار بوده است . تنظیم و چاپ کلیات مصور عشقی بهترین گواه برای ذوق و سلیقه مشار الیه است .

(۱۰۰۲) مرد آزاد

روزنامه مرد آزاد در طهران بمدیری و صاحب امتیازی (داور نماینده دارالشورای ملی) تأسیس و شماره اول روز بکشنبه ۸ برج دلو ۱۳۰۱ شمسی مطابق ۱۰ جمادی الثاني ۱۳۴۱ قمری و ۲۸ ژانویه ۱۹۲۳ میلادی منتشر شده است .

محل اداره مرد آزاد : طهران خیابان علاء الدوله وجه اشتراك آن : داخله سالیانه ۱۰۰ قران . ششماهه ۵۵ قران خارجه بعلاوه اجرت پست . قیمت تك شماره تا يك ماه ۴ شاهی . اعلانات صفحه اول سطری ۲ قران و دوم و سوم ۲ قران و چهارم ۱ قران . طرز انتشار روزنامه از همان ابتدا یومیه بوده و باقطع بزرگ در چهار صفحه در (مطبعه بوسفور) طبع و توزیع گردیده . در عنوان روزنامه بالای اسم روز نامه (مرد آزاد) این عبارت (اول اصلاح اقتصادی) درج است .

مرد آزاد دارای سرمقاله های تند و آتشین و در اغلب مسائل باوزرا و وکلای مجلس مخالف و دارای عقائد و نظریات سیاسی است سرمقاله های روزنامه در ستون اول شروع و بعنوان (یادداشت یومیه) نوشته شده . در سرمقاله شماره اول که تنظیم آن

حرف‌المیم بعدالراء

مرد آزاد ، مردان کار

مصادف با تغییر کابینه و دولت درصدد تأسیس کابینه جدیدی بوده که در آن آقای مستوفی الممالک نامزد ریاست وزراء بوده است . داور بنا بر ریاست وزرایی مستوفی الممالک پشت مخالفت نموده و معتقد است باید یک نفر جوان مأمور تشکیل کابینه گردد نه کسانی که دز عهد استبداد باشال و قبا برای سلام حاضر میشده اند . از همان شماره اول رمان (ارسن لوپن) تألیف موریس بلان ترجمه (نصرالله فلسفی) بعنوان پاورقی در روزنامه درج شده است .

بغیر از سرفقاله بقیه مندرجات روزنامه عبارت است از مقالات مختلف و مذاکرات مجلس شورایی و اخبار داخله و خلاصه از اخبار خارجه و خلاصه روزنامه مرد آزاد در آن ایام نظیر روزنامه اطلاعات و ایران بوده است .

میرزا علی اکبر خان داور - آقای داور مدیر روزنامه مرد آزاد آغاز فعالیت سیاسی خود را از نمایندگی دوره چهارم مجلس شورایی شروع نمود و در این دوره مجلس از خوار و ورامین انتخاب گردید و در جلسه سه شنبه ۱۰ میزان ۱۳۰۱ شمس اعتبارنامه او در مجلس بوسیله شیخ العراقرین زاده ب مجلس تقدیم شد و با کثرت آراء تصویب گردید . مرحوم داور از آن پس در جریان امور سیاسی کشور وارد شد و در تغییر سلطنت قاجاریه بسلسله پهلوی سهم بسزایی داشت . وی مدتی وزارت عدلیه را عهده دار بود و در این وزارت خانه تغییرات مهمی داد و قضات تازه را سرکار آورد . آخرین شغل دولتی او وزارت دارایی بود و موقعیکه این سمت را داشت خود را انتحار نمود و بزندگی خود خاتمه داد .

(۱۰۰۳) مردان کار

روزنامه مردان کار در طهران بصاحب امتیازی و مسئولی (لطفعلی امیر ابراهیمی) و مدیری (سید محسن مجتبیوی مرد کار) تأسیس و در سال ۱۳۰۳ شمس منتشر شده است . شماره اول روزنامه مردان کار روی دو ورق بزرگ با چاپ سری طبع و در تاریخ دوشنبه اول برج نور ۱۳۰۳ مطابق ۱۶ رمضان ۱۳۴۲ قمری انتشار یافته . در عنوان روزنامه این عبارات و جملات درج است : « قال من انا بعثت لا تم مکارم الاخلاق » و « ان الدین عند الله الاسلام » و (یکی برای همه - همه برای یکی) . مقاله افتتاحی روزنامه بدینقسم شروع میگردد :

« بسم الله الرحمن الرحیم . بیان مقصود و مرام ما . مقتضیات زمان و پیچیدگی اوضاع بر ما الزام نمود که ما هم در نوبه خود قدم بعرضه پر خطر هدایت افکار عموم گذاریم ... » بقیه مندرجات شماره اول عبارت است از اخبار داخله و خارجه و در صفحه دوم پاورقی روزنامه بعنوان (سفید پوشان) چاپ شده است . شماره سوم مردان کار در تاریخ ۲۱ نور ۱۳۰۳ شمس طبع و توزیع گردیده است . این روزنامه بعنوان (ناشر گروه مردان کار) معرفی شده است .

(۱۰۰۴) مرد کار

روز نامه مرد کار در تهران بمدیری و صاحب امتیازی (لسان) تأسیس و در سال ۱۳۰۲ منتشر شده است . شماره اول این روزنامه با چاپ سنگی در چهار صفحه بقطع کوچک در مطبعه (عبدالرحیم) طبع و در تاریخ یوم جمعه ۲۶ رجب ۱۳۴۲ قمری مطابق ۱۰ حوت ۱۳۰۲ شمسی انتشار یافته است . محل اداره : گذر مستوفی . وجه اشتراك آن طهران سالیانه ۵۰ قران . شش ماهه ۳۰ قران . ولایات بترتیب ۶۰ قران و ۳۵ قران . تك نمره ۴ شا می .

در عنوان روز نامه مرد کار اینطور معرفی شده : « این جریده فقط طرفدار آزادی مطابق قوانین اسلامی » است . مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (نزاع بین مشروطه و جمهوری و كشف حقیقت) نوشته و بدینقسم شروع میشود : « بزرگان از عقلا و سیاسیون عالم اقسام دولت را به قسم شمرده اند اول دولت مستبده » تمام مطالب شماره اول دنباله همین مقاله و راجع بنزاع جمهوری و مشروطه است .

(۱۰۰۵) مریخ

یکی از روزنامه‌های زمان ناصرالدین شامروزنامه مریخ است . نمره اول این روزنامه در چهار صفحه بقطع خشتی ، باطبع سنگی در دارالطبایع خاصه در اركه‌هایون و بخط نستعلیق ریز خوب چاپ و در تاریخ روز دوشنبه پنجم شهر محرم الحرام سنه ۱۲۹۶ هجری مطابق ۳۰ دسامبر ماه فرانسه ۱۸۷۸ مسیحی منتشر شده است .

ادای قیمت سالیانه روزنامه ۹ هزار دینار و در سه قسط بوده و قیمت اعلان سطرى پنجشاهی است . اسم روزنامه (مریخ) باخط درشت در عنوان روزنامه چاپ شده و در دو طرف آن خصوصیات روزنامه درج است . منظور از تأسیس روزنامه مریخ درج وقایع و تواریخ نظامی و همچنین ضبط برخی مطالب علمی و اموری که انتشار آنها برای اطلاع ایرانیان لازم است بوده چنانچه در شماره اول در زیر عنوان روزنامه مریخ بدینقسم معرفی شده : « این روزنامه مریخ حاوی وقایع رسمیه نظامی عا کردولت علیه ایران و ترجمه تلگرافهای رسمیه دول وجامع بعضی فصول مرتبطه بانتشارعلوم متداوله در فرنگستان و غیره و برخی مطالب که راجع بمدنیّت و حقوق انسانیت است میباشد و در ذیل تاریخ قیاصره رومبه الکبری که تا کنون بزبان فارسی ترجمه نشده و در خاتمه جنگ آخر که مابین دولتین روس و عثمانی روداده مسطور است . » قطع نظر از مقالات متفرقه که اشخاص بعنوان روزنامه فرستاده و در روزنامه بنام آنها درج شده ، بقیه مذوجات مریخ عبارت از اخبار رسمی نظامی است و معلوم میشود روز نامه برای همین منظور تأسیس گردیده است . برای اینکه بطلت تأسیس و نشر روز نامه پی بیرم مقدمه که در شماره اول درج شده نقل مینمائیم :

مدنی این مثنوی تا خیر شد مهلتی با یست تا خیرن شیرشد

حرف المیم بعد المراء

مربخ

روزنامه نظامی که مرات اطوار وحالات و حاکی مراتب ترقیات کلیه اهالی نظام ظفر انتظام است و افراد قشون نصرت نمون از صاحب منصب و تاین درهر رتبه و درجه که باشند از تعلیمات و مطالب آن میتوانند بهره مندی حاصل نمایند چنگدگاهی وجدان مانع و فقدان مقتضی باعث ترك و انتشار آن آمد این اوقات که بطور اهمیت ترتیب و تکمیل دوایر دولتی بتوجهات مخصوصه بندگان اعلیحضرت قویشوکت شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه مزیت اختصاص دارد اداره جلیله نظام که دائماً بوضعی خاص مورد توجه ملوکانه بوده و هست لــــوای اعتلا بر افراشته و همت بر انتظام و انتساق و جزئی و کلی امور گماشته بروز و اظهار این معنی را رونامی نظامی مجدداً برقرار و موجب اشتها و انتشار اخبار اهالی نظام و مولنات و نوشته جات مفیده حاوی مطالب جنگی و لشکرکشی و تشکیل اردوها از روی علم و طرح و نقشه دانشمندان فن و نکات و بیانات دیگر و ذکر دریافت مناصب عالیہ چاکران محترم و جان نثاران معظم استان معدلت بنیان هایون و شرح خدمات و زحمات و رنج اغتراب و اسفار ایشان بهر دیار میگردد .»

هماقسم که در مقاله مذکور یادآور شده بیشتر مندرجات روزنامه مربخ همان اخبار رسمی نظامی است و بغیر از مقالات متفرقه که بقلم نویسندگان در روزنامه درج شده و کمی مخابرات خارجه بقیه عبارت از اخبار رسمی نظامی است . در شماره اول پس از مقاله افتتاحی ، حساب خزانه نظام و در پاورقی آن ترجمه تاریخ (قیاصرة رومیه الکبری) درج گردیده است . ترجمه مذکور اینطور آغاز میشود : « صیت قیاصرة رومیه الکبری که شرق و غرب . . . » اخبار رسمی نظامی مندرج در روزنامه مطابق صورت رسمی منصبدیان نظام بوده که برای درج در روزنامه میفرستاده اند . چنانچه مثلاً در نمره ۱۳ مینویسد : اخبار رسمی نظامی مطابق صورتیکه اللهیار خان آجودانباشی کل نظام و غیر نظام داده است .

روزنامه مربخ در مطبعه سنگی بخط نستعلیق خوب و ریز طبع شده و هر صفحه آن دارای دو ستون و در انتهای صفحه چهارم این جمله : « رئیس کل دارالطباعة و دارالترجمه ممالك محروسه ایران صنیع النوله محمد حسن » و یا کلمه (محمد حسن) درج است . و نیز در هر شماره فهرست مندرجات روزنامه در زیر عنوان آن چاپ شده فهرست مندرجات نمره سوم که در تاریخ دوشنبه ۱۷ صفر المظفر ۱۲۹۶ بارس تیل انتشار یافته بدینقرار است : « اخبار رسمی . (شرف) مختصری از تفصیل جشن میلاد شرافت بنیاد هایون و تغزل میرزا محمد حسین ادیب . رقعہ جناب حکیم الهی . جنگ روس و عثمانی . تلگرافهای خارجه . تاریخ قیاصرة . از روزنامه مربخ جمعاً ۱۸ نمره که نمره آخر آن مورخ بتاریخ ۴ شنبه ۱۶ جمادی الثانی ۱۲۹۷ هجری لوی تیل میباشد منتشر شده است .

حرف‌الیم بعده‌الراء والین مژده، مسازه دو طهران، مساوات

(۱۰۰۶) هریخ

روز نامه هریخ در سال ۱۳۰۳ شمس در شهر مشهد بطور هفتگی تاسیس و منتشر شده است .

(۱۰۰۷) مژده

در تاریخ ۷ دی ۱۳۰۴ شمس شورابعلی فرهنگ امتیاز مجله مژده را در شهر شیراز بمدری (میرزا محمد جواد خان مدیر جریده عصر آزاد دی) تصویب نموده . و این مجله ظاهراً هیچگاه منتشر نشده است . برای اطلاع از شرح حال مدیر عصر آزادی بحرف عن کتابذیل روزنامه عصر آزادی مراجعه شود

(۱۰۰۸) مسازه دو طهران

روزنامه مسازه دو طهران (پیامبر طهران) در شهر طهران بمدری (فرانسوا ملک کرم) بزبان فرانسه تاسیس و در سال ۱۳۰۴ شمس منتشر شده است . اولین شماره این روزنامه در شهریور سال مذکور انتشار یافته و روزنامه ایران مورخ ۱۱ شهریور ۱۳۰۴ شمس در باره آن مینویسد : « مسازه دو طهران - در تحت عنوان فوق اولین شماره روزنامه بزبان فرانسه بداره ما رسید روزنامه مذکور بمدریت مسیو فرانسوا ملک کرم هفته پنج شماره بزبان فرانسه منتشر میشود . روزنامه مذکور دارای تمام اطلاعات خارجی و اطلاعات داخلی و بلاوه دارای مقالات مهمه ایست برای اشخاصی که بزبان فرانسه آشنا هستند بهترین روزنامه ایست که برای اولین دفعه در طهران منتشر شده است . آنچه روزنامه ایران درباره مسازه دو طهران نوشته درست و بجاست بغیر از آنکه این روزنامه اولین روزنامه زبان فرانسه در ایران است زیرا که همانقسم که در حرف لام کتاب یادآور شده ایم روزنامه لاپاتری قبل از این روزنامه بزبان فرانسه نشر شده است .

طرز انتشار مسازه دو طهران بومیه بوده و در چاپخانه (ملک کرم) بطور یومیه طبع و منتشر میشده . قیمت تکشماره آن ۳۰ دینار و سالیانه ۱۲۰ ریال است . روزنامه مذکور تا سال ۱۳۱۵ شمس مرتب نشر شده و هرنوبت ۱۳۰۰ نسخه از آن طبع گردیده و عده اعضاء آن چهار نفر بوده است .

(۱۰۰۹) مساوات

روزنامه مساوات در شهر طهران تاسیس و بمدری (سید محمد رضا مساوات) در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . روزنامه مساوات یکی از روزنامه هائیت که در موقع انقلاب مشروطیت تاسیس شده و برون در کتاب تاریخ ادبیات خود آن را جزو چهار جریده مهم دوره انقلاب شمرده است . شماره اول مساوات در تاریخ یکشنبه

حرف‌المیم بعلمه‌الین

مساوات

• شهر رمضان المبارک ۱۳۲۵ قمری مطابق ۲۶ مهر ماه جلالی ۸۲۹ و ۱۳ اکتبر ۱۹۰۷ میلادی انتشار یافته . این شماره در هشت صفحه بقطع متوسط وزیری و باندازه قطع روزنامه صور اسرافیل می باشد و در مطبعه سری (حقوق) طبع گردیده است .

روزنامه مساوات از حیث شهرت و اهمیت بیای روزنامه صور اسرافیل نمیرسد ولی از جهت اشتمال آن بر مقالات سیاسی و پیشنهاد های مفید کم از روزنامه مذکور نیست . سرلوحه روزنامه عبارت از دوفرشته بالدار است که در دستهای خود صفحه ایراکه در آن کلمه (مساوات) بخط نستعلیق و در بالای آن آیه (ماتری فی خلق الرحمن من تفاوت) چاپ شده . علاوه بر این قیمت اشتراک و تاریخ انتشار و کلمات (حریت) ، (عدالت) و (اخوت) در سرلوحه روزنامه طبع گردیده است .

طرز انتشار مساوات هفتگی بوده و وجه اشتراک آن بدینقرار است : سالیانه در طهران- ۱۲ قران و در سایر شهرها ۱۷ قران و در خارجه ۱۵ فرانک . تک نمره در طهران يك عباسی و در سایر بلاد ایران ، پنج شاهی است . عنوان مراسلات ، اداره مساوات و از شماره دهم بآنطرف طهران . مدرسه اصفیه بعنوان محل اداره روزنامه معرفی شده است . از شماره ششم مورخ یگشنبه ۱۷ شهر شوال المکرم ۱۳۳۰ قمری نام (سید عبد الرحیم خلخالی) پهلوی اسم مدیر روزنامه (سید محمد رضا شیرازی) درج شده ولی سمت نامبرده در روزنامه معین نشده است تعداد صفحات روزنامه بیشتر ۸ صفحه و گاهی بده صفحه نیز رسیده است . و نیز روزنامه در مطابع مختلف طبع گردیده چنانچه شماره اول آن در مطبعه (حقوق) و از شماره دوم بیحد در مطبعه (شرقی) که بدیری شیخ الملك در طهران تأسیس شده چاپ شده است . مقاله افتتاحی مساوات که خوانندگان را بملت تأسیس و مرام و مسلک روزنامه آشنا میسازد بدینقرار است :

« من مدتها در کتب و رسائل و اوراق منتشره خوانده ام که یکی از بهترین وسائل برای ترقی ملت و صلاح و فلاح مملکت و آبادی کشور جرائد است و یگانه واسطه نجات و وسیله تمدن و ترقی همان روزنامه و رسائل موقته است و این قدر از فواید و معنات روزنامه و مزایا و منافع جراید در خود روزنامه ها دید که گمان میکردم آدم باید هرچه از هرجا بهر زحمت بدست بیارد بروزنامه بدهد و اگر روزی چیزی بگیرش نیامد باید جل و یلاس خانه را زحمت داده گرو گذاشته یا فروخته و به آنرا در جیب گذارده فوراً بچه های روزنامه فروشی را صدا نماید و همه را خدمت ایشان بندگی کرده اوراق رنگین و گوناگون از بزرگ و کوچک باسامی مختلفه گرفته روانه منزل گردد گاهی در خود جرائد مدائعی برای روزنامه میدیدیم که شبیه ببدجه هائی بود که شعرا بسلطین قدیم و متمولین میساختند و اغلب دو صفحه مثل اشعار مقفی بعنوان روزنامه است که ۰۰۰۰ روزنامه است تا آخر و صد مرتبه تکرار این جمله در تعریف صنعت و ترویج حرفت خودشان مینوشتند ولی برای اینکه بفهمیم که آیا این فواید واقعاً در این اوراق هست یا نه باید نتیجه که از این وسائل تاکنون ب مردم عاید شده نظر انداخت چون ملاحظه این نکته را میکنیم می بینیم که این فوائد منتظره ب ملت ایران از جراید خودشان حاصل نگشته و با وجود و فورنسی جراید در ایران و افراط بمل مردم و صرف وقت ایشان در اینراه نسبت بثروت و تمدن و تعمیم معارف در ایران حتی تفوق

حرف‌المیم بعده‌السین

مساوات

ایران در این شعبه بر سایر ملل بنسبت سایر احوال مدنی و اوضاع اجتماعی خود دیگران باز صد يك از آن منافع مذکوره مترقبه بایران عاید نگشته ۰۰۰۰

سبك نگارش روزنامه مساوات خیلی آزاد و بی تکلف است و مدیر آن در تمام مسائل سیاسی با قلمی بی پروا مقاصد و مطالب خود را بیان نموده و مخصوصاً از مداخله و تملق گوئی که شیوه بعضی از جراید آن ایام بوده بکلی برکنار است. در هر شهر و یا قصبه که متظلمین از جور و ظلم حکام استبداد تنگ آمده و عریضه و شکایتی نوشته مدیر مساوات آنرا بدون پروا و واهمه چاپ نموده است و بهلت پیش گرفتن همین سبك و روش بوده که پس از وضع قانون مطبوعات از طرف مجلس شورای ملی در تاریخ شنبه ۵ محرم الحرام ۱۳۲۶ قمری که تا اندازه مطبوعات را محدود و مقید می‌آورد، در شماره ۱۹ سال اول مورخ یکشنبه سوم ربیع الاول ۱۳۲۶ قمری بعنوان اعتراض بقانون جدید مطبوعات، سبك روزنامه را عوض نموده و بعکس نمرات سابق که تمام مندرجات آنها را مخصوص ذکر افعال و اعمال قبیحه حکام ظلم و جور گردانیده است. مطالب این نمره را بموضوعات علمی و ادبی اختصاص داده و عنبر آنرا تحت عنوان (اخطار) بدینقسم شرح داده است، «اخطار - یقین داریم که همه خوانندگان از تغییر مسلك مساوات و سیاق تحریر آن واله و متفکر شده اند ولی اگر علت این حسن اسلوب را بدانند حتماً تعجب نکرده بلکه مساوات را از این اطاعت قانون و اتخاذ مسلك عاقلانه و صلح جویانه تحسین هم خواهند نمود چه ظهور بآهرا نور (قانون نامه مبارکه مطبوعات علی مفتیها الاف التعجبات) بیش از آنچه در این نمره مبارکه و غیر از آنرا اجازه نمیدهد و باید بعد از این هر چه زود تر همه جراید فرائد فارس و و روزنامه‌جات مبارکه این روزنامه و روزنامه مبارکه ایران پیروی نموده اطاعتشان را بقانون مقدس جناب مستطاب ملاذالانام آقای (آقاسید مهدی) وکیل ۵۵ کروار ملت ایران اظهار کنند ۰۰»

سر لوحه این شماره یعنی شماره ۱۹ که مصادف باتصویب قانون مطبوعات است و بنظر ارباب جراید این قانون با آزادی قلم منافات دارد، برنك قرمز ملون شده و علاوه در این شماره کلاریکاتور (عبد ظهور قانون مطبوعات) ترسیم گردیده و در کلاریکاتور مذکور صفحه‌ای که عبارت (عبد ظهور قانون مضبوطات) روی آن با خط طلائی نوشته شده بدست دو فرشته قرار گرفته و این دو فرشته نیز بارنك قرمز رنگ آمیزی شده اند خلاصه اینکه مدیر مساوات با این عناوین می‌خواهد تأثیر قانون جدید مضبوطات را در عدم آزادی قلم نشان بدهد. فهرست مطالب و مندرجات این شماره که کاملاً با شماره های قبلی منافات دارد بدینقرار است،

مکاشفات لاهوتی - اشراقات عرشی - نتیجه - سیاسی - جفرانی - هیئت - تسخیر آفتاب - تجارت - تاریخ - دول قدیم شرق - طب - ادبیات - فقه - صنعت - اخلاق - استخراج معادن - اخبارات ممالک ایران - اخطار -

در قسمت اخبارات ممالک ایران در ذیل (اخبار آذربایجان) اینطور مینویسد، «از حسن اقبال بی زوال ملك الملوك صاحب السیف سلطان الهازل البازل الحائل ارواحنا فداء و از کفایت حضرت اشرف ارفع امنع والاحکمران کل ممالک آذربایجان شهر در کمال امنیت و رعایا در رفاهیت هوا صاف ارزاق فراوان ۰» و در ذیل (اخبار راجع بخراسان) مینویسد، «شکر خدا را زمین

حرف‌المیم بعد‌الین

مساوات

سبز هوا خرم بازندگی بوقع و تجارت تریاک در ترقی ۴۰ این سبک که در شماره ۱۹ بکار رفته خواننده را پیاد روزنامه های درباری ایران و اطلاع می‌افکند که باعبارات بی منز و جملات خشک حوادث را ذکر مینموده اند.

آخرین شماره روزنامه مساوات که در طهران چاپ شده شماره ۲۵ است که در تاریخ گشبه سلخ ربیع الثانی ۱۳۲۶ قمری انتشار یافته و با پیش آمد بمباردمان مجلس و تفرقه آزادیخواهان و گرفتاری مدیران جراید روزنامه مساوات نیز تعطیل شده و مدیران آن آقایان (آقا سید محمد رضا شیرازی) و (آقا سید عبدالرحیم خلخالی) رهسار قفقاز گردیده و پس از مختصر آرامشی که در ایران روی داده بتبریز بازگشته و روزنامه مساوات را در شهر تبریز دایر نموده اند.

(۱۰۱۰) مساوات

روز نامه مساوات در شهر تبریز بمدیری (سید محمد رضا شیرازی) تاسیس و اولین شماره آن با چاپ سنگی در تاریخ ۷ محرم ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است. اولین نمره مساوات منتشر در تبریز نمره ۲۶ روزنامه مساوات طهران بوده و بشرحی که ذیلا خواهیم نوشت پس از تفرقه آزادیخواهان و پراکنده شدن آنها بخارج ایران منجمه آقا سید محمد رضا شیرازی مدیر مساوات بفقاز رفته و پس از گردش و سیاحت آن نواحی مجدداً بایران باز گشته و روز نامه مساوات را در تبریز دایر نموده است.

روزنامه حکمت چاپ مصر در شماره ۲۷ سال ۱۷ مورخ غره صفر ۱۳۲۷ قمری در باره روزنامه مساوات چاپ تبریز اینطور مینویسد ، «جریده گرامی (مساوات) که در طهران بداره جناب (آقا سید محمد رضا شیرازی) و (آقا سید عبدالرحیم خلخالی آذربایجانی) منطبق و منتشر میشد ، پس از ثلثه ۲۳ جمادی الاولی که از آتشباری قزاقان و فوج نظامی ملایر کعبه آمال ایرانیان ویران و ادارات جراید منهوب و مسلوب و مکسر و مدیر جریده (صوراسرافیل) و (روح القدس) شهید گشته آنگاه این دو تن از ذراری رسول الله هم بهر نحو که بود گریبان از دست دژخیمان رهانیده و وارد تفلیس شدند ، همینکه راه جلفا بتبریز از صولت دلبران تبریز گشوده گشت بمرکز احرار ابرار رفته و دوباره بطبع و نشر آن گرامی جریده فریده پرداخته و شماره ۲۶ غره محرم ۱۳۲۷ که نخستین شماره در تبریز است بداره حکمت فرستادند . بقا و دوام این نامه نامی را از خدای غالب خواهانیم .» پس از این شرح روزنامه حکمت دوسه صفحه از روز نامه مساوات تبریز را نقل کرده است .

و نیز روزنامه چهره نما چاپ مصر در شماره ۳ سال ششم مورخ غره صفر ۱۳۲۷ قمری تحت عنوان (نقل از گرامی روز نامه مساوات منطبقه تبریز) اینطور مینویسد ، «یقین مشترکین محترم اعتراض خواهند فرمود اکنون که چهار ماه از تاریخ سال دوم ولادت مساوات میگنجد میبایست لااقل این نمره را شماره اول از سال دوم قرار بدهد نه شماره ۲۶ از سال اول . با کمال شرمساری از هموطنان اعتدار می‌خواهم که بلی چنین است قانون جریده نگاری هم همین را حکم

حرف‌المیم بعد السین

مساوات

میکنند اما افسوس که این قانون مقدس نه بروفق مزاج مملکت ماست چه بد بختانه در ایران بواسطه تکوین جانورهای موزی جرائد را افتهاست چنانچه روز ۲۳ جمادی‌الاول قاطر چموشی که از جنگل استرabad فرار کرده و گاو کاغذ خوری که از بلده نورگریخته افسار و زنجیر را پاره کرده یگسره از طویله باغشاه باداره صور و مساوات حمله کرده نسخه ها را گاو خورد و قلمهارا لگد قاطر شکست مساوات تاخیر افتاد حال که سرگاو درخمره گیر کرد ویای قاطر بکشد افتاد بکوری چشم آزادی ایران از همان نمره (۲۴) سال اول که ترك شده بود شروع نمود تا بداندت خدا خواسترا منع نتوان کرد . هرنمره مساوات در ۸ صفحه بقطع شش و سه چهارم در دوازده اینچ است ووجه اشتراك سالیانه مساوات منتشر در طهران ۱۲۰ قران در طهران ۱۷۰ قران در سایر شهرهای ایران . در خارج ایران ۱۵ فرانك . و مساوات منتشر در تبریز ۱۲۰ قران در تبریز . در خارج تبریز ۲۰ قران و در مالک خارجه ۵ منات .

مدیر مساوات پس از مسافرت باذربایجان و تبعید و دوری چند ماه از طهران در رجب ۱۳۲۷ قمری باتفاق آقای تقی زاده بطهران بازگشت نموده و بنا براین بموردان روزنامه‌نگاری او در تبریز خانه داده شده است . روز نامه ندای وطن در شماره ۱۴ سال سوم مورخ یکشنبه ۲۱ رجب ۱۳۲۷ قمری تحت عنوان (تهنیت ورود) اینطور مینویسد : « جناب مستطاب حکیم دانشمند و مصنف ارجمند قاموس فضل و دانش اقبانوس معرفت و بینش منادی با زار مساوات و مروج عالم مواسات آقای آسید محمد رضای شیرازی که بوسایل حیرت افزا و مقدمات اصحاب نما از واقعه فجیهه یوم العطف و جنگال ظلم و استبداد ددباریان بی دین و شرف مستغلمی گردیده و با تحمل مشاق فوق‌العاده بعد از چندی بر کثر غیرت و مجمع انسانیت یعنی شهر تبریز وارد گردیده شمع مجاهدان و ماه محفل آزادگان بود و با عزمی آهنین و قلمی آتشین ریشه استبداد را کند و نهال پرومند عدالت و مساوات را خرم و سر بلند نمود اینک در مصاحبت آقای تقی‌زاده وارد دارالخلافه گردید . واردین محترم لدی‌الورد بر سر مقبره پاک مرحوم حاج میرزا ابراهیم آقای شهید رفته و آن تربت‌منور را تقدیس کردند و روح پر فتوحش را بحصول و انجام مقاصد ملت بشارت دادند . » اینک بذکر مختصری از شرح احوال مرحوم سید محمد رضا شیرازی مدیر روزنامه مساوات میردازیم :

سید محمد رضا شیرازی

سید محمد رضای مساوات فرزند سید محمد حسن براز جانی شیرازی نویسنده و مدیرروز نامه مساوات واز این جهت معروف بمساوات میباشد . نامبرده از کسانی است که قبل از انقلاب مشروطیت عضو مجمع آزاد مردان بوده واز اینراه چه قبل از برقراری مشروطیت و چه بعد از آن خدمات مهمی نموده است . مجمع آزاد مردان که مرحوم سید محمد رضا عضو آن بوده در طهران در روز ۱۲ ربیع الاول ۱۳۲۱ قمری تشکیل گردید . و قریب چهل نفر از آزادی خواهان که جملگی مخالف با حکومت استبدادی بودند در آن شرکت داشتند . اسامی بعضی از این آقایان عبارت است از : ملك المتكلمين ، سید جمال‌الدین واعظ ، حاجی میرزا یحیی دولت آبادی ، میرزا سلیمان خان میکمه ، مجدالاسلام کرمانی ، معین‌العلمای اصفهانی ، میرزاجهانگیر خان صور اسرافیل و سید محمد رضا مساوات .

حرف‌المیم بعده‌السین والشین

مساوات، مشرق

از عمه نامبرده بغیر از ملك‌المتكلمین و میرزا سلیمان‌خان می‌کند بقیه از ارباب قلم و بعداً روزنامه دائر کرده اند. مرحوم مساوات در واقعه مسجد شاه طهران و قتل سید حسین طلبه و محاصره مسجد بدستور عین‌الموله شرکت داشته و چون از پی رحی قشون دولتی متأثر میگردد بدست‌خود یک‌نفر فزاق را بقتل میرساند. (کتاب زندگانی ملك‌المتكلمین ص ۱۷۲) پس از مرگ مظفرالدین شاه و جلوس محمد علی‌شاه و مخالفت این سلطان با مشروطه طلبان کمیته بنام (کمیته انقلاب) در طهران تأسیس شد و درحقیقت رهبری و اداره کردن نهضت مشروطیت بمحمد این کمیته بود جاسات این کمیته سه روزه از چهار بعد از نیمه شب تا قبل از طلوع آفتاب مرتباً در منزل حکیم‌الملک تشکیل میگردد. اعضاء کمیته نه نفر و عبارت بودند از: ملك‌المتكلمین، سید جمال واعظ، میرزا جهانگیر خان، سید محمد رضا مساوات، حکیم الملک، قی زاده، سید عبدالرحیم خلخالی، سید جلیل اردبیلی و سه نفر نیز رابط کمیته با خارج بودند. اسامی این سه نفر عبارت است از: مرحوم میرزا محمد نجات، حسین آقا پرویز، میرزا محسن نجم‌آبادی (صفحات ۲۰۰ و ۲۰۱ کتاب زندگانی ملك‌المتكلمین)

مرحوم مساوات در دوره دوم مجلس شورای ملی و کبیل آذربایجان بود و در مجلس سلسله دموکرات داشت. در دوره سوم نیز و کبیل طهران بود و در ۱۷ جمادی الاخر ۱۳۴۳ قمری انتخاب شد و در این دوره نیز دموکرات بوده نامبرده تا هنگام مرگ نمایندگی مجلس را داشت و در تاریخ ۷ شهریور ۱۳۰۴ شمسی پس از يك كسالت مستندی در شمیران تهران فوت کرد و در امام زاده صالح تجریش او را دفن نمودند. روزنامه ایران مورخ ۸ شهریور ۱۳۰۴ مرگ مساوات را اینطور مینویسد: «آقای سید محمد رضا مساوات نماینده مجلس شورای ملی دیروز بعد از ظهر در باغ فردوس شمیران بر حمت ایزدی پیوست. آقایان مستوفی‌المالک و ندامانی و جمعی دیگر حضور داشتند جنازه آن مرحوم را بامامزاده تجریش حمل و همانجا دفن میکنند و از امروز بعد از ظهر در مسجد ناصری مجلس ترجمه منعقد خواهد شد». جراید دیگران ایام کم و بیش هر کدام شرحی در باره فوت آن مرحوم نوشته که نقل آنها موجب اطناب است منجمه روز نامه خلق شماره ۱۵ مورخ سه شنبه ۱۲ صفر ۱۳۴۴ قمری تحت عنوان (فقدان اسفناك) مینویسد: «آقای آقا سید محمد رضا مساوات نماینده مجلس شورای ملی که از پیش قدامت آزادی و مشروطیت میبود و همیشه با عوامل استبداد در ستیزه روز قبل در اثر كسالت مستندی وفات نمود. مجلس شورای ملی برای فوت او تعطیل گردید و دو روز دو مسجد سیاه‌الارنا تعمیمی باشد.»

(۱۰۱۱) مشرق

روزنامه مشرق در شهر تبریز در سال ۱۲۹۵ شمسی بطور هفتگی تأسیس و منتشر شده است.

(۱۰۱۲) مشرق

روزنامه مشرق در طهران در سال ۱۳۰۳ شمسی هفته دو بار تأسیس و منتشر شده است.

حرف المیم بعد الشین والصاد مشرق زمین مشروطه یقانون مصباح

(۱۰۱۳) مشرق زمین

در تاریخ ۱۵ تیرماه ۱۳۰۵ شمس امتیاز روز نامه مشرق زمین بدیری (آقا سید حسن پرهیزکار) در شهر مشهد، از تصویب شورای عالی معارف گنشته است .

(۱۰۱۴) مشروطه یقانون

روزنامه مشروطه یقانون در سال ۱۳۲۵ قمری در شهر طهران تأسیس و منتشر شده است (تاریخ مطبوعات و شعر فارسی ص ۱۴۰)

(۱۰۱۵) مشورت

روزنامه مشورت در شهر طهران تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شد . است (تاریخ مطبوعات برون ص ۱۴۰)

(۱۰۱۶) مشورت

روزنامه مشورت در سال ۱۲۹۲ شمس در طهران تأسیس و هفته دو بار منتشر شده است .

(۱۰۱۷) مصباح

روزنامه مصباح در شهر تبریز بدیریت (میرزا ابوالقاسم تبریزی) تأسیس و در سال ۱۳۲۴ قمری منتشر شده است . طرز انتشار آن هفتگی بوده و؛ چاپ سنگی طبع گردیده است . مرحوم کسروی در کتاب تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان روزنامه مصباح را در جزو جرایدیکه در هنگام مشروطیت در تبریز منتشر میشده ذکر کرده است .

(۱۰۱۸) مصباح

مجله مصباح در طهران تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمس بطور ماهانه منتشر شده است .

(۱۰۱۹) مصور

اسم روزنامه مصور در کتاب تاریخ مطبوعات و شعر فارسی برون (ص ۱۴۰) ذکر شده ولی خصوصیات و حتی از محل انتشار آن نامی نبرده است .

(۱۰۲۰) مظفری

روزنامه مظفری در شهر بوشهر بدیری (آقامیرزا عبدالعبد خان متین السلطنه) تأسیس و در سال ۱۳۱۹ قمری منتشر شده است . اولین شماره روزنامه مظفری با چاپ سنگی در تاریخ ۷ شوال ۱۳۱۹ قمری انتشار یافته و خبر انتشار آنرا تحت عنوان (جریده مظفری در بوشهر) در نمره ۱۱ سال دوم روزنامه ادب چاپ مشهد صفحه ۸۴ بدینقسم نوشته است ،

حرف المیم بعد الما اظاء

مظفری

« در این هفته (منظور هفته ایست که به ۲۴ ذیقعد ۱۳۱۹ خاتمه پیدا میکند) نمره نخستین از اوراق جریده مظفری مورخه شهرشوال المکرم چشم مطالعان روشنی یافت. مدیران ادیب یگانه معنی طراز آقا میرزا عبد الحمید خان (متین السلطنه) است. دارای شانزده صفحه متوسط بخط نستعلیق و مادی دو مرتبه در بوشهر بطبع میرسد. قیمتش در عموم ولایات داخله ایران غیر از بوشهر سالیانه (۲۶ قران) است. در روزنامه ادب برای نمونه چند سطر از این روزنامه را نقل کرده است.

میرزا عبد الحمید خان متین السلطنه مدیر مظفری همان کیست که ابتدا در بوشهر روزنامه طلوع و بعد روزنامه مظفری را تأسیس و منتشر نموده و شرح احوال او را بتفصیل در جلد سوم کتاب تاریخ جرائد و مجلات ایران در ذیل روزنامه طلوع چاپ کرده ایم. پس از چندی مدیریت روزنامه مظفری بمحمد (آقا میرزا علی آقا لیب الملك شیرازی) واگذار شده و شاید هم از ابتدا با متین السلطنه همکاری داشته است ولی بهر صورت با رفتن متین السلطنه بطهران اداره امور روزنامه مستقلاً بمحمد آمیرزا علی آقا واگذار شده است.

شماره اول سال چهارم روزنامه مظفری در ۱۶ صفحه بقطع وزیری در بوشهر با کاغذ خوب و چاپ سری طبع و بدون آنکه ذکر از مدیر و ناشر و مؤسس آن شده باشد در تاریخ ۱۸ شهر ذی حجة الحرام مطابق ۵ برج حوت ۱۳۲۲ هجری مصادف با ۲۳ فوریه ۱۹۰۵ میلادی منتشر شده است.

اسم روزنامه بخط شکسته (دودغه) نوشته شده و در بالای آن شیر و خورشید و در زیر آن سال تأسیس (۱۳۱۹) درج است.

عنوان مراسلات، اداره مظفری بوشهر و قیمت اشتراك، سالیانه بوشهر ۲۸ قران. شش ماهه ۱۸ قران. در سایر ممالك محروسه ایران بترتیب ۴۶ قران و دو تومان. هندوستان ۱۰ روپیه و ۶ روپیه. در تمام اروپا ۱۸ فرانك و ۱۰ فرانك روسیه و تركستان هفت منات و چهار منات وجه اشتراك آن هر كس و هر جا پیشگی گرفته میشود. قیمت اعلانات سطری يك قران است. مظفری (جریده ایست آزاد) و ماهی سه مرتبه طبع و توزیع میشود.

در زیر عنوان روزنامه، مظفری بدینقسم معرفی شده است: «در این جریده از هر گونه وقایع و اخبارات و مطالب مفیده راجع به صنعت و تجارت و مقالات علمی و ادبیات و هر نوع لایحه که متضمن فواید دولتی و منافع ملی و مصالح مملکتی باشد بحث میشود نوشتجات بیغرض و عام المنفعه که منافعی با دین و دولت نباشد پذیرفته و درج خواهد شد و مکاتیبی که درج نشود صاحبش حق استرداد آنرا ندارد.» در هر شماره فهرست مندرجات در ستون اول صفحه اول چاپ شده و فهرست مندرجات شماره اول سال چهارم بدینقرار است:

«شکرانه - شرح اجمال مسافرت نگارنده - مکتوب تجار محترم بمبئی - هزینه تلگرافی عموم تجار بمبئی بدربار معدلت مدار ملوکانه - جنرال قنصلگری دولت فنیبه روسیه در بوشهر مکتوب شهری - سواد رقیبه حکمران بنادر بجنرال - پس از فهرست مذکور بعنوان (شکرانه) خطبه بزبان عربی نوشته که قسمت اول آن چنین است: «الحمد لله الذی وقتنا بانتشار المعارف بین عباده و اکرمنا بارتقاع رایات حکمه فی بلاده و انار قلوبنا بنور الایمان...» ملك الملوك

حرف المیم بعده الظاء

مظفری

السلطان مظفر الدین شاه ۷۰۰۰۰۰ یس از خطبه مذکور چند مکتوب و اخبار بوشهر و توابع و مضانات آن چاپ شده و در هیچ کجای روزنامه اسمی از مدیران نیست. در صفحه ۱۶ این شماره شرحی بعنوان (اعلان مطبعه جدید) آورده که برای اطلاع از تأسیس مطبعه در بوشهر خلاصه آنرا ذیلا نقل میکنیم: (در سایه همت ملوکانه و توجهات مخصوصه حضرت والا شاهزاده عین الدوله صدر اعظم چند دستگاه ماشین تیس و سنگی باتمام لوازم وارد بوشهر شده و طبع این شماره باهمان حروف سربی است که جدیداً وارد شده و نمونه از آنست. این مطبعه انواع حروف ریز و درشت را دارد. یس از این شماره يك شماره روزنامه را نیز در مطبعه سنگی مظفری طبع میکنیم که در خارج به بینند.)

مرحوم میرزا علی آقا شیرازی مدیر مظفری برای تهیه مطبعه سربی سفری به هندوستان نموده و پس از تهیه مطبعه بیوشهر بازگشته و از ابتدای سال چهارم روزنامه را با چاپ سربی منتشر نموده است. روزنامه حکمت چاپ مصر در شماره ۸۴۱ مورخ یکشنبه ۲۰ محرم ۱۳۲۳ در باره خرید مطبعه و سفر هندوستان، تحت عنوان (تبریک و تهنیت مظفری) مینویسد: «جریده فریده مظفری که از آثار قلم و تذکار همت جناب ادیب ارباب فیروزمند هوشیار آقا (علی آقای شیرازی) زید فضله بوده و از مدت سه سال در بندر بوشهر بسنگ چاپ منطبع میشود مدیر مکارش معض خدمت دولت و ملت و سرعت انتشار معارف زحمت سفر را بر خود هموار کرده مدتی در هندوستان بی تدارک مایلزم مطبعه باحروف رصاصی بوده تا اینکه از همت بلند خویش مقضی المرام بیوشهر برگشته و باصدار شماره اول از سال چهارم از آن گرامی جریده خود دل معارف خواهان و هنر پژوهان را خرم شادان نمود. امید داریم خداوند ویرا مامون و مصون فرماید. این نامه نامی در ماهی سه بار طبع شده و قیمت اشتراك سالیانه اش در بوشهر ۲۸ قران و در سایر بلاد ایران ۳۶ قران و در هندوستان ده روپیه و در اروپا ۱۸ فرانك و در روسیه هفت منات است» از شرح مذکور و از نمونه موجود معلوم میگردد که انتشار روزنامه مظفری با چاپ سربی از شماره اول سال چهارم بوده و برای کسانی که در تاریخ مطالع ایران تحقیق و تتبع مینمایند اطلاع بر این قسمت لازم و حتی است. و نتیجه این میشود که مطبعه سربی در بوشهر از اواخر سال ۱۳۲۲ قمری بوجود آمده است.

شماره اول سال هفتم روزنامه مظفری در ۱۶ صفحه بقطع کوچک خشتی در مطبعه سربی که باید همان مطبعه مظفری بوشهر باشد و اسمی از آن در روزنامه نیست در تاریخ ۲۶ شهر صفر مطابق ۹ برج حمل ۱۳۲۶ هجری و ۲۹ مارس ۱۹۰۸ میلادی طبع و توزیع شده است. سرلوحه روزنامه مانند سال چهارم و دارای شیر و خورشید است. سایر خصوصیات روزنامه نیز مانند سال چهارم منتهی قطع صفحات قدری کوچک شده و در عوض مامی چهار نمره طبع و توزیع گردیده است. در شماره اول سال هفتم بعنوان (عرض مخصوص) شرحی دایر باینکه سال ششم جریده ملیه اسلامیه مظفری سیری شد و دوستان نادان جریده مظفری مانع پیشرفت و ترقی اوشدند و این شمار منتشر میشود تا اگر خدا توفیق و کمک نمود بشغل روزنامه نگاری خود ادامه دهیم. در این شماره احکام عامه و حجج اسلام نجف راجع بوجوب اطاعت از مجلس شورای ملی درج است.

توقیف روزنامه مظفری در بوشهر

حرف‌المیم بعده‌الظاء

مظفری

در صدر لرت عین اللوله و در همان ایام که حاج میرزا حسن رشیدی و مجدالاسلام مدیر روزنامه ادب و ندای وطن و میرزا آقا اصفهانی بدستور عین اللوله بکلات تبعید شدند روزنامه مظفری نیز در بوشهر توقیف و مدیران (آقا میرزا علی آقا لیب الملك) محبوس گردید و این توقیف مصادف با سال چهارم انتشار روزنامه مظفری بوده است . پس از چندی که آن سه نفر از تبعید خلاصی پیدا میکنند (شرح آن در ذیل روزنامه ندای وطن در ضمن شرح حال مجدالاسلام چاپ شده است) بواسطت جناب آقای اعتماد السلطنه وزیر انطباعات مدیر مظفری نیز از حبس نجات یافته و روزنامه اش از توقیف خارج میشود . و این مطلب را در شماره ۲۶ سال سوم چهره نما چاپ مصر مورخ ۲۰ رجب ۱۳۲۴ قمری تحت عنوان (هیئت معارف و ملیون را مزده) بدینقسم ذکر کرده است :

« جناب ۰۰۰ آقا میرزا علی آقا لیب الملك مدیر گرامی روزنامه مظفری که از تناول دهر دون و تهاجم بلایای چرخ نبلگون مطرود و محبوس و اداره روزنامه اش توقیف و اعلیتش بغم مانوس بود بواسطت شناسنده قشر از لباب و امتیاز دهنده دریا از سراب جناب ۰۰۰ اعتماد السلطنه وزیر انطباعات که جهان معارف را رهون معارف پروری فرموده از قید طرد و حبس آزاد و مضربه خودش بخودش واگذار و هیئت معارف دلشاد شد . » از شرح مذکور معلوم میشود سختگیری عین اللوله بآزادیخواهان منحصر بیابخت نبوده و هر جا قلمی بوده شکسته و در هر شهری آزادیخواهی یافت میشد گرفتارش میساخته است .

پس از دو سال توقف در بوشهر

همانقسم که یاد آور شدیم در اواخر سلطنت مظفرالدین شاه یعنی در رجب ۱۳۲۴ قمری بواسطت اعتماد السلطنه وزیر انطباعات وقت ، مدیر مظفری از حبس نجات پیدا کرد و دو مرتبه بنشر روزنامه پرداخت . پس از دو سال توقف در بوشهر و انتشار روزنامه مظفری مجدداً در سال ۱۳۲۶ قمری هنگام وقوع حوادث بمباردمان مجلس و نفی آزادیخواهان از طهران ، مدیر مظفری چون جان پاکش را در بوشهر در خطر دیده بموجب (الفرار مما لا یطاق من سنن المرسلین) از آن شهر فرار و رهسپار هندوستان شده است . در بیثی هندوستان (مدیر الممالک هرندی) مدیر روزنامه (تمن) منتشر در طهران را که در این هنگام از ترس دشمنان آزادی بخارج ایران سفر کرده ، ملاقات نموده و باتفاق یکدیگر روانه مصر میشوند . توقف مدیر مظفری در مصر بیش از دو روز نبوده و از آنجا از طریق ترعه سویز رهسپار مکه میگردد . روزنامه چهره نما چاپ مصر در نمره ۶۲ سال پنجم مورخ ۱۵ ذیقعد تحت عنوان (ورود معارف نمود) شرح ورود مدیر مظفری و مدیر الممالک را بصورتی بنویشته است : « بیا بیا که غم شرح تو دلم خون کرد » هزار لبلی بیچاره را چه مجنون کرد . ۲۹ شوال ۱۳۲۶ دومهاجر آواره و نود دلدادہ دلپاره یگانه بلاکشان راه وطن و مصیبت زدگان وادی محن (آقا میرزا علی آقا لیب الملك شیرازی مدیر روشن ضمیر گرامی نامه نامی (مظفری) که هفت سال اوراق حیات بخشش در بوشهر سحاب تربیت بود و چه قطرات ذیقیت میاشد و آقا میرزا محمد رضا خان مدیر الممالک هرندی اصفهانی مدیر صائب التدبیر روزنامه (تمن) که یگسال و اندی صفعات معرفت بخش نهال امال ملت بدبخت بود و چه شکوفهای مد نیت بخش می بخشید ساحت معارف مصر را رونق افزودند (این دوشخص پس از استقبال شایانی ، وارد منزل حاج میرزا عبدالجواد مشکو تاجر اصفهانی گردیدند)

حرف‌المیم بعده الظاء

مظفری

جناب مدیر الممالك از طریق اسکندریه رهسار اسلامبول خواهند شد و جناب لیب المالك از طریق سویس بمکه مشرف خواهند گردید. «در همین شماره چهره نما در جزو اخبار طهران مینویسد: «مدرسه و مطبعه ها و روزنامه ها همه موقوف و بسته شد مگر مطبعه فاروس روسی و مطبعه شاهنشاهی و روزنامه ایران امروز.»

پس از آنکه مدیر مظفری از مصر ره‌پار مکه شد در آنجا نیز روزنامه مظفری را تأسیس و يك شماره از آن منتشر نموده است. از این روزنامه جداگانه گفتگو خواهیم کرد. روزنامه حکمت چاپ مصر نیز در شماره ۹۲۳ مورخ غره ذیقعد ۱۳۲۶ قمری خبر ورود مدیر مظفری و مدیر جریده تمدن را بدینقسم نوشته است: «شرح مهاجرت دو ببل گویای گلزار وطن جناب آقا میرزا علی آقای شیرازی مدیر جریده (مظفری) در بوشهر و جناب آقا میرزا رضا خان مدیر الممالك مدیر جریده (تمدن) در تهران راپس از نامه ۲۳ جمادی الاولی بسوی هندوستان در شماره های حکمت نوشته بودیم روز دوشنبه ۲۹ شوال حضرات معزی البها از راه سویس تشریف فرمای مصر شدند و پس از اندك آرامی بهر انجام خدمات وطن اقدس رهسار فرنگستان خواهند شد.» این قصد صورت تحقق پیدا نکرده و هیچکدام بجانب اروپا نرفته و مدیر مظفری بطرف مکه رفته است

بازگشت مدیر مظفری ببوشهر و تبعید از این شهر

پس از برقراری مجدد رژیم مشروطیت و بازگشت آزادخواهان بدیار خود مدیر مظفری نیز از مسافرت هندوستان و مصر و حجاز بازگشت و برای بار دیگر روزنامه مظفری را در شهر خود منتشر نمود. روزنامه حکمت چاپ مصر مورخ سه شنبه ۱۵ جمادی الاول ۱۳۲۸ قمری اشاره بپازگشت او و انتشار مجدد روزنامه مظفری نموده چنین مینویسد: «جریده فریده مظفری منطبع بوشهر که پس از تیرباران نمودن کعبه آمال وطن را در تهران در ۲۴ جمادی الاول ۱۳۲۶ از ظلم و ستم پیدادگران و مستبدین معطل شده و مدیران العاج میرزا علی آقا شیرازی از بیم جان در بدر و سرگردان و دل از خویش و تبار و فرزندان و خانمان برکنده گاهی در هندوستان و هنگامی در مصر و گاهی در حجاز امرار وقت نمود تا مجدداً از مشرق طهران آزادی درخشین گرفت لذا این ستاره سیار بسوی یار و دیار شتافت و باز سنگین جریده نگاری را متحمل شد و ما از مطالعه دوشماره از آن گرامی جریده فریده خرسند گشتیم.»

پس از دو سال توقف در بوشهر و انتشار روزنامه مظفری روز ۱۸ صفر ۱۳۳۰ قمری هنگامیکه مدیر مظفری در حمام بوده دوتفر مأمور از طرف حاکم بوشهر (موقر الدوله) در حمام رفته و از همانجا میرزا علی آقا شیرازی، مدیر مظفری را به بندر يك تبعید مینمایند و برای بار دیگر روزنامه مظفری تعطیل میشود. تفصیل این تبعید از حمام را روزنامه چهره نما در شماره ۴ سال نهم مورخ غره ربیع الثانی ۱۳۳۰ قمری از قول مخبر خود در بوشهر اینطور مینویسد: «از وقایع مهم این چند روزه بوشهر نقی مدیر مظفری از بوشهر است که روز ۱۸ صفر هنگامیکه مدیر جریده مظفری در حمام بود از طرف ایالت جلیله دوتفر مأمور شده بر در حمام آمدند پس از بیرون آمدن از حمام مدیر مظفری را سوار بر طریف بندر يك از بوشهر اخراجش کردند مأموریتشان هم چنان فوری بود که او را اذن ندادند بخانواده اش بیاید. حالیه اقوال در نقی از بیاید است بعضی

حرف المیم بعد الفطاء

مظفری

میگویند از طهران حکم رسیده برخی میگویند انگلیسها سبب شده والا جناب موقر الدوله نهایت طرفدار معارف بوده اند و مخصوصاً با اداره مظفری نهایت مودت را داشتند و البته ایشانهم ناچار بوده اند که او را باین قسم از بوشهر نفی کردند خیلی جای افسوس است که رنود نتوانستند يك روزنامه در تمام بنادر به پینند که با داشته باشیم . باز هم امید است موقر الدوله او را عودت دهد .

مطالب مخبر چهره نما بخوبی می‌رساند که انگلیسها نخواستند روزنامه مظفری در بوشهر چاپ و منتشر شود .

اهمیت روزنامه مظفری - روزنامه مظفری از روزنامه های آزاد و ارجمندی بوده که دوش بدوش روزنامه جبل المتین هندوستان پیش میرفته منتهی چون جبل المتین در خارج ایران طبع و توزیع میشده دشمنان آزادی ایران دسترس توقیف و جلوگیری از انتشار آن نداشته اند فقط یکی دوسه بار توانسته اند از ورود آن بظاک ایران جلوگیری کنند اما بیچاره مدیر مظفری چون در داخل ایران میزیسته دوچار همه گونه عذاب و شکنجه شده و نگذاشته اند با قلم خود مردم جنوب را بیدار کند و از این جهت وقایع ناگوار و سختی برای او پیش آورده و عاقبت هم او را از بوشهر تبعید و در بندر يك و بصره و کربلا سرگردانش ساخته اند . با همه مشکلات و موانع این آزاد مرد هنگام تبعید و آوارگی دست از اظهار عقاید و دشمنی خود با انگلیسها و مستبدین برنداشته و روزنامه را در مکه و کربلا بنام قیوت منتشر ساخته است . اکنون دنباله سرگشت اسف آور مدیر مظفری .

پس از یگسال و نیم تبعید و توقف در بندر يك و کربلا ناگهان در ربیع الاول ۱۳۴۱ قمری مدیر مظفری وارد بندر بوشهر شده و در صدد بوده است که در صورت عدم موافقت با توقف او در بوشهر با فروش اسباب خانه و لوازم مطبعه بخارج ایران رهسپار شود اما مخالفین بدون آنکه بدو فرصت دهند مجدداً او را از بندر بوشهر اخراج مینمایند . شرح این حادثه رقت آور را مدیر چهره نما باز از قول مخبر خود در بوشهر که خود شاهد حوادث بوده اینطور مینویسد :

« حادثه مهمتر آمدن ناگهانی جناب حاجی میرزا علی آقا مدیر جریده مظفری از عتبات بیوشهر که پس از یگسال و چیزی که در حبس بندر يك و فرار و در بدری و مهاجرت و بانواع عذاب های هر گونه گرفتار شده بود آمده بود گویا اسباب خانه و مطبعه و غیره خود را کوچ بکربلا بسند ولی بدبختانه این کربلائی پر بلا وارد نشد . حکومت قانونی او را طلب می‌نمایند و از آمدنش هراسان میشوند و پس از گفتگوهای زیاد قرار میشود سه روزه حرکت کند علت استعجال در حرکت او را وجوهای متعدد می‌شمارند برخی میگویند اصل حکومت مایل به اندن اویست برخی میگویند انگلیسها برخی میگویند حکم از طهران است که مدیر مظفری باید نفی ابدی بشود علت این شدت وسعت گیری معلوم نشده از کجا بوده است . شماره ۶ سال ۱۰ چهره نما مورخ ۱۵ جمادی الاول ۱۳۴۱ . در سال ۱۳۴۲ قمری ، پس از چند ماه سرگردانی در بصره ، مدیر مظفری باز بخیال مراجعت بیوشهر می‌افتد ولی حکومت بوشهر و دولت ایران اجازه باو نمیدهند و حکومت بوشهر باو پاسخ میدهد که باید از قونسول انگلیس در بوشهر کسب اجازه نمائید . مدیر مظفری با قونسول انگلیس مکاتبه میکند و قونسول با جواب میدهد که باید پنج هزار رویه در بانک شاهنشاهی

حرف‌المیم بعده‌الظاء

مظفری

بضمانت بگذارید که اگر روزی برضد سیاست انگلیس و مصالح انگلستان مطلبی نوشتید به پنج هزار رویه حق نداشته باشید. مدیر مظفری در پاسخ قسم یاد میکنند که دیگر قلم روی کاغذ نخواهد گذاشت چه رسد. بروزنامه نویسی ویا برضد مصالح انگلستان مطلبی نوشتن. قونسول انگلیس باین پاسخ قناعت نکرده و میگوید: ورود شما بایران منحصراً بسته بسیردن پنج هزار رویه دربانک شاهنشاهی والا با ورود شما موافقت نخواهد شد. اینک متن آنچه روزنامه چهره نما چاپ مصر از قول مجبر خود در شماره ۶ و ۷ سال ۱۱ مورخ غره جمادی الاول ۱۳۴۲ قمری نوشته، نقل مینمائیم:

«قریب سه ماه است مدیر بیچاره مظفری در بهره سرگردان بسر میرد گویا خیالش رفتن بوشهر بوده ولی از طرف دولت ایران و حکومت بوشهر و دولت انگلیس اجازه حاصل نشده. معلوم نشده که این بیچاره چه گناه بزرگی مرتکب شده که سه مدعی پر زور دارد در صورتیکه اینگونه مدعین سیاسی دزدانیا بسیار بوده و پس از آنکه یکسال یاشش ماه حبس کشیده یادربدر و بیرون از وطنشان بوده اند گناهشان آمرزیده شده و قانون اجازه دخول را باو داده است که داخل وطنش گشته سری باهل و عبال و زندگی خود بزند بهر جهت بقراریکه شنیدم از جناب موقر الدوله حاکم بوشهر اجازه طلب کرده است ایشان جواب داده اند باید ازقونسولات انگلیس اجازه بخواهید بقونسولات انگلیس طرف مکاتبه شده قونسول نوشته است باید پنج هزار رویه در بانک شاهنشاهی بضمانت بگذاری که اگر روزی برضد پلتیک انگلیس و مصالح انگلیسها چیزی بنویسی بآن پنج هزار رویه حق نداشته باشی. مدیر مظفری قسم میخوردد که من نازنده هستم قلم روی کاغذ نخواهم گذاشت چه رسد بروزنامه نویسی و برضد مصالح انگلستان چیز نوشتن قونسول جنرال انگلیس باین حرفها گوش نمیدهد فقط آمدن او را بسیردن پنجهزار رویه در بانک بسته است. حاکم بوشهر هم دیگر جوابی نمیدهد که بمن: خلی ندارد لیکن جای شکفت است که یکنفر ایرانی بنا ببیل و خاطر همسایه جنوب باید از وطن و دیدار خویش و غیره محروم باشد. میگویند مابین مدیر مظفری با حاکم بوشهر خوب نبوده و هرچه هست بواسطه تقار حاکم بوشهر موقر الدوله است که مانع آمدن مدیر مظفری است خدارد خودش اصلاح میکند. مدیر مظفری يك مطبعه باسم مطبعه (حسینی) در کربلا دایر کرده است و يك پسر دیگرش ماشاء الله مشغول کار میباشد و خوب ترقی کرده یعنی هر دو شان دومطبعه را راه میبرند.»

پس از چندی در بدری و آوارگی بالاخره مدیر مظفری بکربلا رفته و در آنجا تا هنگام مرك اقامت میکند. این نکته را نیز لازم است یاد آور شویم که پس از آنکه مدیر مظفری از آمدن بایران مأیوس میشود، درصدد برمی آید که برای انتقام از مظالم انگلیسها روزنامه در کربلا تأسیس نماید و بدین جهت در سال ۱۳۴۴ قمری روزنامه باسم (انتقام) تأسیس و منتشر مینماید. از روزنامه انتقام در جلد اول کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران گفتگو کرده ایم. مدیر مظفری در سال ۱۳۴۷ قمری در کربلا فوت میکند. روزنامه چهره نما چاپ مصر در یکی از نشرات سال ۱۶ مورخ غره ربیع الاول ۱۳۴۷ قمری در ماره پایان زندگی مدیر مظفری از قول مغیر خود در بوشهر چنین مینویسد: «جراید مرکزی طهران نیز مدتهاست بواسطه تاختن یکدیگر و هواخواهی بزرگان و آبروی آشنا و خود ریختن توقیف و تعطیل شده و در طهران روزنامه

حرف‌المیم بعده‌الظاء

مظفری

بطبع نیرسد مگر یکی دوجله تجارت وفلاحت . در بوشهر کسی بفکر ایجاد و طبع جریده نیست چون خواهان نیستند .

سابق در بوشهر جریده مظفری بهمت میرزا علی آقا مدیرش طبع میشد ار اثر شثومت حکومت چند روزه (موقرالذوله) که در ضمن آنهمه فضایح تادیخی موقر- الدوله رویداد آن بیچاره نیز در بدر شد و بعتبات رفت و در کربلا اقامت جست تا چند ماه قبل از این خبر فوت اورسید که بیچاره در کربلا وفات کرد خدایش بیامرزد. « پس از فوت مدیر مظفری روزنامه مظفری بمدریری فرزندش (میرزامحمد کریم شیرازی) منتشر شده و شماره سوم و چهارم آن یکجا در تاریخ ۱۵ رمضان المبارک ۱۳۳۸ قمری مطابق ۱۳ برج جوزای ۱۲۹۹ شمسی با همان خصوصیات و سبک سابق در ۸ صفحه بقطع کوچک طبع و منتشر گردیده است . عنوان مراسلات : بوشهر . اداره مظفری . طرز انتشار آن ماهی چهار نمره بوده است .

مقاله افتتاحی شماره های سوم و چهارم تحت عنوان (سال نوزدهم از تاسیس جریده مظفری) نوشته شده که خلاصه آن چنین است :

این روزنامه ملی در سنه ۱۳۱۹ هجری در زمان مظفرالدین شاه در تحت مدیریت والد ماجدم حاجی میرزا علی آقا لیب‌الملك شیرازی در بندر بوشهر تاسیس گردید و با وجود موانع بیشمار و تعدید قلم آنرا نشر داد تا اینکه در اثر تهدید شدید مرکز ناچار بعزم فرننگستان مهاجرت کرد و بالاخره بمکه مشرف شد و در آنجا چندی باسم مظفری جریده دایر نمود (بیش ازیک شماره منتشر نشده است . مؤلف) این مهاجرت در نتیجه بیماریان مجلس و سقوط مشروطیت در دوره استبداد چند روزی محمد علی میرزا بوقوع پیوسته فلما جاء الحق و زهق الباطل مجدداً معاودت بیوشهر و با عزتی قویتر از اول شروع بنشر این روزنامه ملی نمود و کاملاً بوظایف ملی خود عمل نمود تا در سنه ۱۳۳۱ حوادث دوران و عدم مساعدت زمان مقتضی مفقود مانع موجود نمود . مهاجرت اخیر بعتبات عالیات پیش آمد در یام جنگ در بغداد روزنامه باسم صدای اسلام طبع و منتشر نمود . در ۱۰۱۲ هـ صفر سنه ۱۳۳۶ در کربلا برحمت ایزدی پیوست (بقرار گذارش مخبر جریده چهره نما مدیر مظفری در سال ۱۳۳۷ قمری فوت کرده است . بهر صورت اهل‌البیت ادبی بما فی‌البیت) هجالتاً حقیقت واقعه را از مامنتظر نباشید زیرا (من عاجزم زگفتن خلق از شنیدنش) از هیجدهم ماه صفر ۱۳۳۰ تا سلخ شعبان ۱۳۳۸ این روزنامه ملی از خدمت بوطن و ملت معذور بوده و مراحل ثمانیه را بخموشی و انزوا گذرانیده . اکنون ما این اثر مقدس را تعقیب نموده و برای یک دوره دیگر روزنامه مظفری برای خدمت بوطن محبوب حاضر نمائیم . فعلاً بافتتاح دوره دوم این جریده ملی موفق شدیم . «

در حقیقت سرمقاله مذکور تاریخچه از ادوار مختلف روزنامه مظفریست که با آنچه قبلاً نوشتیم مطابق و منطبق است . شماره هفتم دوره دوم در چهار صفحه طبع و در تاریخ ۱۵ شهر شوال ۱۳۳۸ قمری منتشر شده است . آنچه نگارنده بخاطر

حرف المیم بعدء الظاء

مظفری

دارد روزنامه مظفری مدت چند سال پس از تاریخ مذکور نیز منتشر میشد ولی علی المعجالة نمونه هائی از آنرا در دسترس ندارم .

در پایان این شرح لازم است اضافه نمائیم که مدیر روز نامه عصر جدید، مرحوم عبدالحمید خان متین السلطنه، نیز در تأسیس روزنامه مظفری در بوشهر شرکت داشته و در شماره اول روزنامه عصر جدید چاپ طهران تحت عنوان (بعد از چهارده سال) مینویسد : « در چهارده سال قبل نویسنده عصر جدید جریده مظفری را در بوشهر تأسیس نمود و پس از چندی بمدير حاليه آن که نمیدانم اکنون در کجاست واگذار نمود ۰۰۰۰ »

برای اطلاع از بقیه این مقاله و شرح حائ متین السلطنه بهین مجلد کتاب حرف (ع) و جلد سوم کتاب کلمه طلوع مراجعه شود .

(۱۰۲۱) مظفری

روزنامه مظفری در شهر مکه بمدیری (میرزا علی آقا شیرازی مدیر مظفری بوشهر) تأسیس و در سال ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است .

مدیر مظفری پس از خروج از بوشهر و عزیمت بجانب مصر از آن کشور بکه بقصد زیارت حرکت نموده و در شهر مکه یکشماره روز نامه بنام مظفری منتشر نموده است . این شماره در ماه ذی الحجه ۱۳۲۶ قمری انتشار یافته است .

روزنامه حکمت چاپ مصر در شماره ۹۲۶ مورخ ۱۵ محرم ۱۳۲۷ قمری تحت عنوان (صوت حق یا بانگ مظفری از مکه) در باره این روزنامه ره مدیر آن چنین مینویسد : « صوت حق یا بانگ مظفری از مکه - آزاده مرد یگانه راج حاج میرزا علی آقا شیرازی مدیر جریده (مظفری) پس از ثلثه ۲۳ جمادی الاولی چون جان پاکش را در خطر دید بموجب الفرار مالا یطاق من سنن المرسلین دست از یار و دیار ، آل و عیال ، برداشته برهنائی این يك بیت شعر : روم بپند که جای سیاه بختیان است به سیاه بختم و در هند جای من خالی است . به بومبای و کلکته رفته و چند ماهی در آنجا همدم و همدرد با تیمار کش آوارگان وطن اقدس بود . بعد بهمراهی جناب مدیر خوش تحریر جریده (تمدن) بمصر آمده و چند هفته چشم از دیدارشان روشن و دل از گفتارشان خرم شد . نغصت جناب مدبر الممالك دل دوستانش را از فراق داغدار نموده رو بسوی استامبول پوئید و جناب مدیر (مظفری) را هم او از خوش و پس از ادای حج بر می جمرات دیده دشمنان را کور نموده و شماره اول بعنوان (ناله اسلام) در کعبه الاسلام بنشر جریده (مظفری) پرداخته و منتشر نمود سبحان الله این چه سر پر شورست که پس از اینهمه مصائب دمی از فکر وطن محبوب نیارمیده باری میخواستیم در این شماره بنقل برخی از مقالات آن گرامی نامه پیردازیم ولی بمناسبت نبودن جا بشماره های بعد موکول شد . »

روزنامه چهره نما در شماره سوم سال ششم مورخ غره صفر ۱۳۲۷ قمری (نقل

حرف المیم بعده الفاء

مظفری ، مظهر

از روزنامه شریفه مظفری منطبقه مکه یا ناله ملت) بعنوان (احرار عثمانی) بدینقسم آورده است : « شخص وقتیکه يك از سران احرار و پیران تجربه کار وجوانان بختیار غیور ترك را ملاقات میکند يك جذبۀ خونی يك عالم مودتی از آنها احساس مینماید و لذتی از آن استمراک میکند که الذ لذات است . ای جان بقربان این سرهای پر شور وجوش ای فدای این وجودهای غیرتمند . » پس از آوردن این مقاله که تقریباً يك ستون از روزنامه چهره نما را فرا گرفته اضافه میکند : « شاخ گل هر جا که میروید گل است بخم می هر جا که میجو شد مل است . سوانح اسف شرایع عمری یگانه آزاد مرد غیور وآواره بلاکش اروطن مهجور حاج میرزا علی آقامدیر روشن ضمیر روزنامه مظفری از هذب روزنامه موقتی یا ورقه شرف تاریخی پیدا است که در هر جا قدم فرسوده ذکرش یا وطن یا وطن بوده اوقات توقف مصرمکرر بتحریمی گمنام در صدد نشر افکار بودند ولی تألمات مشاهدات مصر بابشان و مدیر جرید . تمدن اصابت کرد و هر دو بفاصله دو روز حرکت کردند و ما را بآتش فرقت افکارشان مبتلی ساختند . »

گرچه شرح راجع بروزنامه مظفری و مدیر آن قدری طولانی شد ولی چون این روزنامه از روزنامه های قدیمی ایران و مدیر آن نیز گرفتار حوادثی گردیده جای آنرا داشت که شرح جامعی در باره آن بنویسیم ولذا آنچه در این باره امکان داشت سعی و کوشش کردیم تا مطالب مذکور جمع آوری گردید امید است مورد استفاده خوانندگان واقع شود .

(۱۰۲۲) مظهر

روزنامه مظهر در شهر تفلیس تأسیس و در سال ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است . يك قسمت از این روزنامه بترکی و یکقسمت بفارسی و روسی نوشته شده . هر شماره آن در چهار صفحه بقطع ده در شانزده و يك دوم اینچ ووجه اشتراك آن شش منات است . در عنوان هر شماره روزنامه مظهر اینطور معرفی شده : « ادبی سیاسی اقتصادی و وطنه خدمت ایتر هفته لك ترك غزته سی . »

برون که شرح مذکور را در صفحه (۱۴۱) کتاب مطبوعات و شعر فارسی نوشته اضافه میکند که من نمره ۱۳ این روزنامه را در دست دارم و نمره مذکور در تاریخ ۲۷ ذیحجه ۱۳۲۷ قمری منتشر شده و وروی يك صفحه آن تصویر (سردارهایون) ژنرال کنول ایران در شهر تفلیس رسم شده است .

(۱۰۲۳) معارف

روزنامه معارف در شهر طهران بصاحب امتیاری (انجمن معارف) تأسیس و ندره اول آن در چهار صفحه بخط نسخ و بقطع وزیری و چاپ سنگی (بدون ذکر اسم مطبعه) طبع و در تاریخ غره شعبان المعظم ۱۳۱۶ قمری منتشر شده است . اینکه نو شتم

حرف المیم بعد العین

معارف

بصاحب امتیازی انجمن معارف عین عبارتی است (صاحب امتیاز انجمن معارف) که در سر لوحه روزنامه قید گردیده است .

و نیز در عنوان روزنامه نوشته است (این روزنامه از قید رسمیت آزاد است) ماهی دو مرتبه طبع و توزیع میشود . در دارالخلافه طهران بطبع میرسد . قیمت سالیانه در طهران شش هزار دینار .

در زیر عنوان روزنامه این دو سطر چاپ شده است : « در این روزنامه فقط مطالب راجعه بمدارس و مکاتب ملیه و فواید عامه نوشته میشود و هر نوع مطلب و اعلان دایر باین مسائل و مفید بحال ملت که منافعی با دین و دولت نباشد پذیرفته و مجاناً طبع خواهد شد . » مندرجات روزنامه معارف عبارت از اخبار راجع به تأسیس و افتتاح مدارس در ایران و بعض اخبار مربوط بمدارس در خارج ایران است .

مقاله افتتاحی روزنامه از اینقرار است : « بسم الله الرحمن الرحیم - چون بفضل الله المتعال و یمن اقبال بی زوال بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه ظل الله اسلامیان پناه مظفرالدین شاه قاجار خلدالله ملکه و اید جیشه اجزای انجمن معارف در ایجاد مدارس و مکاتب ملیه مظفریه که بهترین وسیله برای ترقی دین و دولت و بزرگترین سرمایه برای تربیت انبای ملت است بر طبق نیات مقدسه همایونی بقصد خود نائل شده و در این قلیل مدت چند مدرسه معظمه جدیدیه با ترتیبات لازمه ایجاد و دایر کرده و باز هم در خیال ایجاد و تأسیس مدارس و مکاتب عدیده دیگر چه در دارالخلافه طهران و چه در سایر بلدان ایران هستند لهذا آرای اعضای انجمن معارف بر این قرار گرفت که يك روزنامه مخصوص دایر ترتیبات و تنظیمات مدارس و مکاتب ملیه و مطالب راجعه بآنها و مفید بحال عامه ایجاد و منتشر سازند تا هم عموم عقلای مملکت و هوشمندان ملت که بالطبع و فی نفس الامر از اعضای محترم شمرده میشوند از خیالات ابن انجمن و از وضع و ترتیبات مدارس و مکاتب جدیدیه کاملاً مستحضر شده و هم غیرتمندان ملت و هوشمندان مملکت خیالات عالیه و افکار مفیده خود را ازادیه و نزدیک نوشته باین مجلس ارسال و القا دارند که در صحایف این روزنامه درج و منتشر شده و عموم اهالی مملکت از آن مطلع و منتفع گردند . بنا بر این پس از تحصیل اجازه و امتیاز مخصوص از طرف قرین الشرف همایونی به مبارکی و میمنت بترتیب و انتشار این روزنامه اقدام کرده و آنرا موسوم بروزنامه (معارف) نموده و بعد از این ماهی دو نمره از آن بطبع خواهد رسید انشاء الله تعالی و هر نوع نوشتجات راجع بامور مکاتب و مدارس ملیه و مفید بحال عامه که باین اداره برسد در صورتیکه منافعی با دین و مخالف با دولت نباشد پذیرفته و مجاناً طبع خواهد شد ولی مخصوصاً اجزای این مجلس محترم خواهش میکنند که نوشتجات را که برای مندرج شدن در این روزنامه میفرستند بکلی خالی از اغلاقات لفظیه و اغراقات معنویه و تملقات رسمیه باشد تا همه کس از خواص و عوام منتفع از آن توانند شد

معارف

حرف‌المیم بعده العین

و در ذکر اسامی اعظام و اعیان هر طبقه هم از ایراد عنوانات زائده و تکلفات فائده بکلی معترض باشند زیرا که اجزای اداره معارف نیز همین شیوه مرضیه را معمول خواهند داشت .

در شماره اول پس از ذکر این مقاله که تا آخر ستون اول صفحه دوم را گرفته (هر صفحه روزنامه مشتمل بر دو ستون است) تحت عنوان (اخبار راجعه بانجمن معارف) شرحی از رضایت مظفرالدین شاه از انجمن نوشته و ضمناً دستخطی که شاه خطاب بنیرالملک و وزیر علوم و معارف وقت راجع بمراقبت زیاده‌تری در امر مدارس ، صادر نموده نقل کرده است . این دستخط در رجب ۱۳۱۶ قمری نوشته شده است . پس از این قسمت (اخبار راجعه بمدارس) را نوشته و در آن از باز دید اعضای انجمن از مدرسه (افتتاحیه) شرح مفصلی درج کرده و در نصف آخر صفحه چهارم شرح حال (آمون حکیم) را که ناتمام مییابد ، نقل نموده است .

نمره دوم روزنامه معارف بهمان سبک نمره اول در تاریخ ۵ شنبه ۱۵ شعبان ۱۳۱۶ قمری چاپ شده و ستون اول آن (اخبار متعلقه بانجمن معارف) و بعد (اخبار متعلقه بمدارس ملیه مظفریه) درج گردیده است . روزنامه معارف از بهترین منابع برای اطلاع از اوضاع معارف و مدارس زمان مظفرالدین شاه مییابد . در بعضی از نمرات آن مطالب علمی که با صور و اشکال توضیح داده شده از قبیل حرکت زمین و بعضی تجربیات فیزیکی و شیمیایی چاپ شده است .

روزنامه معارف مدت چند سال یک سبک و قطع انتشار یافته و نمره ۷۲ سال سوم آن در تاریخ ۵ شنبه ۲۴ شهر شوال ۱۳۱۸ منتشر گردیده و قطع مختصر تغییر یافته که در آن داده شده عبارت از این است که از نمره ۲۶ سال دوم (پنجشنبه دهم شهر شعبان ۱۳۱۸) ماهی سه مرتبه طبع و توزیع و نیز اداره روزنامه (محل رجوع و توزیع مدرسه افتتاحیه) معین شده است . در پایان شرح راجع باین روزنامه لازم است یاد آور شویم که برون در کتاب (مطبوعات و شعر فارسی ص ۱۴۱) اشتباهاً سال تأسیس و انتشار روزنامه معارف را ۱۳۱۷ قمری ضبط کرده و شرح مختصری در باره آن نوشته است .

(۱۰۲۴) معارف

مجله معارف در طهران بمدیری (شیخ محمد علی بهجت دزفولی) تأسیس و در سال ۱۳۲۴ قمری منتشر شده است . معارف ابتدا بصورت جریده هفتگی بوده و بعداً بشرحی که ذکر خواهیم کرد بصورت مجله درآمد و نامدنی باین وضع ادامه داشته است . شیخ محمد علی بهجت از سال ۱۳۲۱ قمری در طهران ابتدا انجمنی بنام انجمن علمی و بعد بنام (مجموعه معارف) تأسیس نموده و قبل از آغاز مشروطیت در این مؤسسه بارهٔ انشربات از قبیل مجله دعوت الحق و بعضی از کتب کلاسیک تحریر شده است از آغاز مشروطیت یعنی از اواخر سال ۱۳۲۴ قمری بنوشتن و انتشار جریده

معارف

حرف المیم بعلم العین

هفتگی معارف موفق گردیده . برون که شماره های اولیه این جریده را در دست داشته مینویسد شماره ۱۶ جریده معارف در تاریخ ۱۲ صفر ۱۳۲۵ قمری منتشر گردید . و نیز اضافه میکند که نمرات ۳۱،۲۵،۱۳ آنرا در دست دارم . هر شماره آن در ۸ صفحه بقطع شش و سه چهارم در یازده و یک دوم اینچ طبع گردیده و وجه اشتراك آن در طهران ۱۷ قران ، در سایر شهرهای ایران ۲۰ قران و در خارج ایران ۱۲ فرانك است .

دوره چهارم مجله معارف از سال ۱۳۰۱ شمسی شروع بنشر نموده و ۴۸ شماره بنام دوره چهارم و ۳۶ شماره بنام دوره پنجم و ۶ شماره از دوره ششم تا آخر اسفند ۱۳۰۹ شمسی منتشر گردیده و در سال ۱۳۱۰ شمسی تعطیل بوده است .

شماره ول سال سوم دوره پنجم مجله معارف در فروردین ۱۳۰۷ شمسی در ۲۰ صفحه بقطع خشتی متوسط بضمیمه چهار صفحه راجع بروش پرورش بقلم بهروز خاوری با چاپ سری طبع و توزیع شده است .

در عهدان پشت جلد مجله پس از درج اسم مجله (معارف) در دو طرف آن خصوصیات مجله بدینقسم شرح داده شده است : در یکطرف طهران . اولین مؤسسه مجموعه معارف . نمره تلفن ۱۷۷۱ . سالیانه ۱۲ شماره انتشار می یابد . مؤسس شیخ محمد علی بهجت . سال ۲۳ تأسیس تاریخ تأسیس شوال ۱۳۲۴ . در طرف دیگر : قیمت اشتراك سالیانه بشرح ذیل . تكشماره دو قران . برای مدارس با كاغذ وسط يكقران اگر قبلا سفارش داده بشود بقیمت تمام شده . قیمت اعلانات و لوايح با دفتر است . پس از این قسمت فهرست مندرجات هر شماره در پشت جلد آورده شده و در زیر فهرست مندرجات وجه اشتراك بدینقرار معین شده است :

داخله : ۱ - رجال درجه اول مملكت و طبقه اعلى ۱۰ تومان . ۲ - معارف پروران ۵ تومان . ۳ - كاركنان معارف و مدیران مدارس ۳ تومان . ۴ - معلمین و قرائتخانه ها و محصلین طبقه بالا ۲ تومان . ۵ - شاگردان مدارس ۱ تومان ۶ - اشخاصيكه قبل اشتراك نموده اند مطابق سابق . خارجه : افغانستان ، هندوستان ، بلوچستان ، كردستان ، تركستان و كليه ممالكی كه علاقه مخصوص بزبان فارسی دارند وجه اشتراك فقط يك تومان است . سایر ممالك خارجه ۳ تومان . محل فروش تك شماره - خیابان مدرسه فنی هنر كتابخانه مجموعه هنر .

مندرجات مجله معارف چنانچه در طرف چپ سر لوحه مجله معرفی شده بدینقرار است :

این مجله خادم حوزه بشری ، محرك جامعه ایران ، حامی افراد و مجامع منوره حاوی افكار طبقات عامه . طرفدار حكومت فاضله ، مسبب ایجاب دمه - ارفی بر وفق استعداد و در خور احتیاجات مملكت و ناشر افكار اعضاء مجموعه معارف و عموم معارف پروران .

در شماره اول همین سال در صفحات ۵ و ۶ و شرحی تحت عنوان (مجموعه معارف) و اینکه این مؤسسه چیست ؟ بیان نموده بغلاصه اینکه مجموعه معارف تأسیس شده است

حرف‌المیم بعده‌العین

معارف

برای خدمت بحوزه بشر عموماً و بجامعه ایران خصوصاً و برای پیشرفت مقصود دوسبیلہ کوچک و محقر در دست داریم : مجله و مدرسه • مجله بزای نشر آثار و معلومات و مدرسه برای انجام خدمات و اجرای تجارب و امتحانات • ما طرفدار بسط و توسعه تعلیمات عمومی هستیم در صورتیکه مطابق قانون اساسی معارف تعلیمات عمومی عبارت باشد از تربیت حقیقی ابناء نوع و راهنمایی افراد در ایجاد وسائل زندگی و مدرسه قائم بر چهار رکن باشد : علم • صنعت • اخلاق و مزاج • در سنه ۱۳۰۰ مقارن آغاز دوره چهارم در طی يك بیانیة مخصوص مقاصد مجموعه معارف در ۱۶ صفحه انتشار یافت و پس از ۶ سال که در جریانات اوضاع مجموعه پاره‌ای تغییرات رخ داده است باز لازم دانستیم تجدید مطلع نموده دوباره مرآم و مقصد خود را از نو گوشزد نمایم •

شماره دوم این سال بهمان سبک شماره اول در اردیبهشت ۱۳۰۷ و شماره سوم در خرداد این سال و شماره ۱۲ دوره پنجم سال سوم در شهریور ۱۳۰۸ شمس منتشر شده است • چنانچه خوانندگان ملاحظه میفرمایند چند شماره از این سال در موقع خود منتشر نشده است و این تأخیر انتشار چنانچه در پشت جلد شماره هشتم تذکر داده شده برای اینست که سال مجله سال تحصیلی شده و اولین شماره سال نو در اول مهر ۱۳۰۸ قرار داده شده و در حقیقت سال مجله معارف مطابق سال مدرسی است و این موضوع برای اینست که چون بیشتر مشترکین مجله از طبقه محصلین است و محصلین در سه ماه تابستان چون تغییر منزل میدهند مجله بآنها نیرسیده است. ضمیمه شماره ۱۲ این سال فهرست مندرجات ۱۲ شماره این سال مفصلاً آورده شده است •

اشتراک - باوجود آنکه مندرجات مجله اختصاصی به طبقه مخصوص ارباب فضل دارد و هرکسی نمیتواند از مندرجات آن استفاده بنماید و به این واسطه مانباید انتظار داشته باشیم مانند جراید سیاسی اخباری و فکاهی پیشرفت بنماید مع ذلک ترقیات روز افزون مجله رضایت بخش است چنانچه تقاضای اشتراک جدید را از چندی است نتوانستیم بپذیریم و وعده به آخر سال نو دادیم برای نمونه مطابق مدارک موجود قریب هزار نفر از محصلین ایالات و ولایات داخله و خارجه از قرائت مجله استفاده و بسبیلہ این مدرسه متحرک کسب علم و فضیلت مینماید

خیلی مایه خرسندی است که مجله معارف پیش از چندین مدرسه خدمت به معارف منکک می‌نماید. پیشرفت محصلین بواسطه قرائت مجله از سبک تحریرات واصله از آنان بخوبی هویدا است

مندرجات - ازپیش تاکنون مندرجات مجله آمیخته بیکدیگر و نظام مخصوص نداشته و بمقتضای تکامل تدریجی از اول سال نو عناوین آن معین و در تحت قسمتهای ممتاز انتشار خواهد یافت و در این جا به اصول برجسته آن ذیلا اشاره نموده و تشریح مترعات آن را در شماره اول سال نو قرائت خواهید نمود . ۱- تربیت ۲- علوم - اکتشافات و اختراعات ۳- ادبیات ۴- تاریخ ۵- فلسفه ۶- زبان پارسی ۷- زن و زندگی ۸- قسمت محصلین ۹- طرحهای مفیده سابقها و موضوعهای تازه برای نگارش ۱۰- محیط معاصر ۱۱- خدمات برجسته اشخاص معارف پرور ۱۲- اخبار معارفی ۱۳- مقالات وارده ۱۴- پرسش و پاسخ .

حرف‌المیم بعده‌العین

معارف

جنبه مالی - اگر بخواهیم مجله معارف را به يك شخص شبه بكنيم مانند يك شخص معيل خواهد بود چه آنكه ، اولاً بايد كلبه مخارج مجموعه معارف را بپردازد زیرا با وجود آنكه بنام اعضاء در دفتر احصائيه مجموعه بعنوان ورودي و ساليانه و ياشهریه مبالغی قيد شده است ليكن از چندی پيش تا كنون وجهی گرفته نشده و اين وجوه را بطور ذخيره برای يك خدمت مهم معارفی در نظر گرفته ايم . ثانياً بايد كسر بودجه مدرسه فنی هنر را كار سازی دارد . ثالثاً بايد مخارج كراف جاری وغير مترقبه طبع كاغذ تجلید تلفون روشنائی مستخدمين فنی و اداري لوازم انتحرير اثاثیه كرايه ذهاب و اياب وغيره وغيره را راه بياندازد و از همه بيشتر تخفيف كالمی است كه در- اشتراك برای محصلين داده شده وهم آنان اكثريت مشتركين را تشكيل می‌نمایند و ابدأ وجه- اشتراك ایشان بامخارج مجله تكافو نمی‌نماید . خیلی‌مایه مسرت و خرسندی است كه با این اقلام زیاد و مخارج كراف و موانع سخت مجله پايدار و برقرار مانده است .

ب - مدرسه فنی هنر و شعب كوچك آن ، مدرسه فنی هنر با تازه ترين سبك مدارس دنيا هم عتاق است و وسائلی كه برای تربيت جديد در آنجا تهيه شده است در هيچك از مدارس موجوده نيست و مقصد ما از اين تأسيس نشان دادن نمونه ايست از طرز تربيت جديد و همين طرز بديع و دلرباي آنست كه ويرا پيش بي بضاعت ترين خانواده ها مطلوب و مورد قبول عامه ساخته است چنانچه مي‌بينيم اشخاص بي بضاعت با بودن مدارس مجاني زياد در اطراف و حول و حوش با اشتياق مفرطی اولاد خود را باين مدرسه ميا آورند . (در اينجا شرح مفصلي از فوايد مدرسه هنر نوشته است) محل مدرسه در محله شرق ناحيه ۷ مدرسه فنی هنر است .

شماره دوم از سال اول دوره ششم مجله معارف در آبانماه ۱۴۰۸ شمسی منتشر شده . اين شماره بهمان سبك و روش شماره های قبلي است و در آن مؤسس (م . ع . بهجت) معرفي و سال ۲۵ تأسيس مجله معين شده است . در اين شماره شرحی از بي مهربی مشتركين نوشته كه از آن آثار انحلال مجله هويداست . در اين شرح اضافه ميكند كه مشتركين نبايد از تعويق انتشار مجله گله داشته باشند و تا آخر شهر يور ۱۲ شماره را بيشتر كين مي‌دهيم . در جای ديگر آن مبنويسد تمام مؤسسات مابطوري دچار بحران مالی واقعا دي گرديند كه نزديك بود خدمات معارفی خود را توديع نموده و خاتمه بدهيم . اين شماره در ۲۲ صفحه مي‌باشد .

مجموعه معارف غيرا - مجله معارف است - چون ممكن است بعضي از خوانندگان مجموعه معارف را با مجله معارف مخلوط و اشتباه نمايند برای رفع اشتباه يادآور ميشويم كه مجموعه معارف مؤسسه - وده كه آقای شيخ محمد علی بهجت دزفوی در طهران تأسيس نموده و همه هفته عصرهای دوشنبه تشكيل ميشده و عده زيای از فضلا و دانشمندان عضو اين انجمن بوده و در بعضي از شهرها نيز شعبه از انجمن داير بوده است و مجله معارف از نشریات مجموعه معارف بشمار ميرفته . در شماره ۱۲ دوره پنجم سال سوم مجله معارف مورخ شهر يور ۱۴۰۸ بعنوان (خلاصه خدمات يکساله مجموعه معارف) شرحی نوشته كه قسمتی از آن ، چنين است : اينك كه سال مجموعه معارف مانند سال مجله در آخر شهر يور پايان مي‌رسد و سال نو از اول مهر آغاز ميشود شايبه است خلاصه خدمات كاركنان مجموعه معارف را در اين يکساله تذكر بدهيم . (۱) تشكيلات مجموعه معارف ۰۰۰ (۲) مؤسسات . الف . مجله معارف . جنبه تاريخی . باين شماره سال ۲۴

حرف المیم بعد المین

معارف ، معرفت

تأسیس مجله معارف خاتمه مییابد و از اول مهرماه سال ۲۰ آغاز میشود .
در تدم مدت انتشار مجله معارف از خط سیر معارفی خود منحرف نگردیده و خلی خرستد
هستیم که توانستیم بوسله تبلیغات شدیده در راه علم و فضیلت همه زیادی را با خود هم آواز نمائیم
مجله معارف در اول این سال دز ۱۶ صفحه انتشار می یافت و بتدریج توانستیم به ۲۲ صفحه برسانیم
که صفحه ای دوستون و هرستونی باندازه دوصفحه از مجلات معمولی مطلب دارد و جمعا می شود
محلل ۱۲۸ صفحه معمولی . امید است باز برعهده صفحات بیفزائیم . .

آقای میرزا محمد علی بهجت دزفولی بهروز خاوری - در سالنامه ۱۴۰۸
بارس این شرح را درباره آقای بهروز خاوری مدیر مجله معارف نوشته است : « آقای بهروز
خاوری دارای رتبه استنباط در علوم معقول و منقول و اجازه اجتهد از مرحوم خراسانی در ۱۴۲۱
رئیس کمیسیون تصحیح کتب و ترجمه عربی انطباعات معارف و مؤسس انجمن علمی ، کتابخانه معارف
و مجله دعوت الحق و جریده رسمی معارف نماینده خوزستان و در ۱۲۸۸ مفتش علوم معقول و
منقول و متصدی مشاغل مختلفه دز معارف مخصوصاً قسمت اخیر که بآئیس مدرسه فنی هنر و مجله
و مجموعه معارف بایک ذوق سرشار و مسامی خستگی ناپذیری خدمت معارفی خود را ادامه میدهد »
کسروی نیز در کتاب تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان جائیکه مختصری از جراید مرکز و تبریز که
در هنگام مشروطیت برپا شده گفتگو مینماید (صفحه ۹۰ کتاب) مینویسد : « سومی روزنامه معارف
که وزارت معارف برپا کرده آقای میرزا محمد علی بهجت همه دار نگارش آن بود

(۱۰۲۵) معرفت

روزنامه معرفت در شهر تبریز بدیری و مؤسی (هیرزا عبدالله خان فرزند
میرزا تقی) تأسیس و در سال ۱۳۱۹ قمری منتشر شده است . برون در کتاب مطبوعات
و شعر فارسی (ص ۱۴۲) مینویسد مدیر روزنامه معرفت میرزا عبدالله خان پسر میرزا
تقی وزیر عدلیه ملقب بصدر عدلیه و از سادات جهانشاهی تبریز و مدیر مدرسه معرفت
تبریز بوده است . و نیز مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان مینویسد : « معرفت
روزنامه هفتگی منتشر در تبریز با چاپ سنگی بدیریت عبدالله جهانشاهی در ۱۳۱۹
در مدرسه معرفت . . »

(۱۰۲۶) معرفت

روزنامه معرفت بدیرکلی (حاجی شیخ ابوالقاسم افتخار العلماء) و دبیر اداره (شیخ احمد)
در شهر یزد تأسیس و شماره هشتم سال اول آن در چهار صفحه بقطع متوسط وزیری در مطبعه
سنگی (مطبعه اداره معرفت) با خط متوسط نسخ طبع و در تاریخ دوشنبه ۱۸ رمضان ۱۳۲۷
قمری مطابق سال چهارم مجلس مقدس شورای ملی و سال اول جلوس (در عنوان روزنامه همین
قسم نوشته است) منتشر شده است . عنوان مراسلات ، یزد . اداره معرفت . قیمت اشتراك ،
سالیانه یزد یکتومان ، شش ماهه ۶ قران داخله ، دوازه قران و هفت قران . اعلانات سطری
دهشاهی در صورت تکرار تخفیف داده میشود . نك نمره چهارشاهی . روزنامه معرفت چنانچه در

حرف‌المیم بعده‌العین

معرفت، معرفت‌الاخلاق، معیشت ملی

عنوان آن نوشته شده روز های دوشنبه طبع و سه شنبه توزیع میشده است . در عنوان روزنامه جاییکه اسم روزنامه بخط نسخ در وسط يك مربع مستطیل درج گردیده در چهار گوشه آن این کلمات نوشته شده است : عدالت - مساوات - حمیت - غیرت .

روزنامه معرفت در ضمن يك سطر دد زیر عنوان هر شماره بدینقسم معرفی شده است : روزنامه ایست دارای مطالب علمی و اخبار ولایتی و تلگرافی و مقاله عام المنفعه پذیرفته میشود . «
سبک مطالب روزنامه مانند سایر جراید آغاز مشروطیت عبارت از وقایع و حوادث انقلاب ایران و حوادث داخلی و وقایع شهر یزد میباشد و نیز مقالاتی از متظلمین و کسانیکه مورد اجفاف و ظلم مستبدین واقع شده در آن درج شده است .

برای اطلاع بیشتر خوانندگان از مندرجات آن عنوان مطالب شماره ۹ سال اول آنرا در اینجا نقل میکنیم : حقوق و حفظ آن (مقاله افتتاحی این مقاله دوصفحه و نیم از روزنامه را گرفته است) ترجمه اخبار تلگرافی روتر . (این قسمت راجع بفرار شاه ایران است بروسیه که از خبرگزاری خارجه رویتر نقل شده است) صورت تلگراف وزیر داخله باهالی یزد . اخطار .
روزنامه معرفت بخط نسخ متوسط باطبع سنگی طبع گردید و هر صفحه آن مشتمل بر دو-ستون است . از حیث طبع و کاغذ بانبودن وسائل کافی در شهر یزد ممتاز و زیاست . این روزنامه مدتی در یزد منتشر میشده و نگارنده فعلا تا شماره ۱۸ سال اول آنرا که در تاریخ دو شنبه ۲۷ ذیحجه ۱۳۲۷ انتشار یافته در دست دارم .

(۱۰۲۷) معرفت

مجله معرفت در سال ۱۲۹۷ شمسی در شهر اصفهان بطور (۱۵ روزه) تأسیس و منتشر شده است .

(۱۰۲۸) معرفت

مجله معرفت در سال ۱۲۹۹ شمسی در شهر برو جرد بطور ماهانه تأسیس و منتشر شده است .

(۱۰۲۹) معرفت‌الاخلاق

روزنامه معرفت‌الاخلاق در طهران تأسیس و در سال ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است .

(۱۰۳۰) معیشت ملی

روزنامه معیشت ملی در شهر رشت بدیری (میرزا خلیل یوسف زاده نوعی) تأسیس و در سال ۱۳۰۵ شمسی منتشر شده است .
امتیاز روزنامه معیشت ملی در تاریخ ۱۵ تیرماه ۱۳۰۵ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته و روزنامه مذکور در مطبعه (معیشت ملی) طبع و قیمت اشترک آن ششماه ۲۵ ریال و سالیانه ۵۰ ریال است .

حرف المیم بعد العین والفاء

روزنامه معیشت ملی پس از مدتی تبدیل نام پیدا کرده و باسم گنران توده منتشر شده و در سال ۱۳۲۴ شمسی گنران توده و یا معیشت ملی سابق نیز تبدیل اسم پیدا کرده و بنام (سپید رود) در طهران تحت نظر هیئت تحریریه و به صاحب امتیازی و سردبیری (خلیل نوعی) منتشر شده است . از روزنامه گنران توده در همین مجلد کتاب بتفصیل گفتگو و شرح حال آقای خلیل نوعی را نیز چاپ نموده ایم . شرح روزنامه سپید رود نیز چون تاریخ انتشار آن پس از وقایع شهریور ماه بود . بدیل کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران موکول مینمایم .

(۱۰۳۱) مفتاح الظفر

روزنامه مفتاح الظفر در کلکته هندوستان بزبان فارسی برپرسی مدیر جبل المتین (آقای موبد الاسلام) و مدیر کلی (میرزا سید حسن کاشانی) تأسیس و نمره اول سال دوم آن در ۸ صفحه با چاپ سنگی طبع و در تاریخ هشتم ماه ربیع الثانی ۱۳۱۷ قمری مطابق ۱۰ ماه اگست ۱۸۹۹ میلادی منتشر شده است . با انتشار این شماره ۲۴ نمره در ۳۶۰ صفحه روزنامه مفتاح الظفر طبع و توزیع گردیده است .

در عنوان روزنامه بالای اسم آن جمله (بنام خسرو گیتی مظفرالدین شاه) و در زیر آن سال تأسیس روزنامه (۱۳۱۰ - ۱۸۹۷) درج شده طرز انتشار مفتاح الظفر روزهای یکم و هشتم و پانزدهم و بیست و دوم هرماه بوده و محل اداره آن (کلکته . فوجداری بالاخانه شیشه کلی نمره ۲) معین شده است . آیه روزنامه بدینقرار است ، هندوستان و برمه و خلیج فارس ده رویه ممالك محروسه ایران و افغانستان ۴۰ قران . چین و ژاپن و روسیه اروپا ۲۰ فرانک . ممالك عثمانی از عراق و مصر و غیره ۵ مجیدی . درباره قیمت تك شماره روزنامه در شماره های اول و دوم نوشته است (خریداران آزاد را مجانی داده میشود) و از نمره نهم بجای این جمله نوشته است (اداره خریدار کم از ششماه را قبول نخواهد کرد) . در هر شماره روزنامه مفتاح الظفر بدینقسم معرفی شده ، داین روزنامه ملی کلیه بحش علمی است مقالات علمی و مضامین حکمیه بنام نویسنده طبع و نشر خواهد شد . در حقیقت تمام مندرجات این روزنامه مقالات ریاضی و مطالب علمی است . برای نمونه عناوین مطالب شماره اول سال دوم را نقل مینمایم :

فلسفه طبیعی (در این مقاله شرح لنگر بطور تفصیل چاپ شده) . علم الارض . (در این مقاله شرح اشکال مثلث و مربع و مستطیل و اشکال دیگر بیان شده) . اقلیدس مقاله دوم شکل ۷ اثباتی . زراعت جای . تحقیقات حکما درباره طاعون . در انتهای صفحه هشتم امضای (حسن - العسینی) درج است .

نکته شایان توجه اشتباهی است که در چاپ سال انتشار روزنامه (۱۳۱۷) رخ داده در صورتیکه باید ۱۳۱۶ قمری باشد و این اشتباه از نمره اول سال دوم تا چند نمره تکرار شمولی از نمره مورخ بتاریخ نوزدهم رمضان اصلاح گردیده و سال ۱۳۱۶ و از آن پس در تمام نمرات همین سال چاپ شده است . از روزنامه مفتاح الظفر تا شماره ۲۲ سال دوم مورخ سوم ماه ربیع الاول ۱۳۱۷ قمری در دست است .

حرف المیم بعده الفاء

مفتاح الظفر ، مفتش ایران

مرحوم مؤید الاسلام و برادرش میرزا سید حسن کاشانی علاوه بر روزنامه مفتاح-الظفر روز نامه معروف جبل المتین چاپ کلکته و طهران را طبع و منتشر نموده و برای اطلاع از شرح احوال آند و بجلد دوم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران ذیل کلمه جبل المتین رجوع شود .

(۱۰۳۲) مفتش ایران

روزنامه مفتش ایران در اصفهان بمدیری و صاحب امتیازی (س . نورالدین) و سردبیری (ابراهیم راه نجات) و مدیر مسئولی (ادیب حضور) تأسیس و هر نوبت در ۴ صفحه بقطع متوسط در مطبعه سربی (جبل المتین) طبع و در سال ۱۳۲۷ قمری توزیع شده است .

شماره اول سال پنجم روزنامه مفتش ایران در تاریخ سه شنبه دوم ذیقعد ۱۳۲۲ قمری توزیع و در ۸ صفحه بقطع وزیری در مطبعه سربی (اصفهان - مطبعه جبل المتین) طبع گردیده است . شماره دوم این سال نیز در هشت صفحه ولی از شماره سوم در چهار صفحه بقطع مذکور چاپ شده است . سر مقاله شماره اول تحت عنوان (بمناسبت سال پنجم) نوشته شده و بی مناسبت نیست قسمتی از آنرا ذیلا نقل نمائیم : « بحمداله والمنه سال چهارم روزنامه سرآمد و بایک دنیا راستی و درستی و صداقت و وظائف ملت پرستی خویش را اداء نمود و قدم در سال پنجم نهاد امید است آن وظایفیکه در مد نظر دارد در این سال پنجم بخوبی ازعهده بر آید و قلم خود را بصداقت و راستی بجولان آورده و خدمات جان فشانه خود را بملت محبوب خویش کاملاً ادا نماید اگرچه این روزنامه در بدو طلوعش در آسمان سیاست قلم خود را براستی معرفی نمود و آنچه را که وظیفه خود میدانست بی پروا سر در کف دست نهاد و بمیدان جانبازی در آمد و بیک طرزی سلوک نمود که آثار قلمبه اش بر احدی پوشیده نیست نهایت ارزوی ما در این سال پنجم همانرا راستی و درستی و صفت گوئی است امید است که باین آرزوی خود نائل شویم . »

مندرجات روزنامه مفتش ایران علاوه بر سر مقاله عبارت از شکایات و تلگرافات و اخبار داخله و خارجه میباشد و در عنوان هر شماره بدینقسم معرفی شده است : ((مفتش ایران جریده ایست سیاسی ، علمی ، اخباری ، اخلاقی و از هر گونه مطالب سودمند با آزادی سخن میراند .)) و محل اداره روزنامه در سال پنجم : اصفهان - پشت مسجد شاه و عنوان تلگرافی (مفتش ایران) و قیمت اشتراك آن سالیانه در اصفهان ۲۴ قران و ولایات داخله ۲۰ قران و ممالک خارجه ۲۵ قران و قیمت اعلانات در صفحه اول سطری ۲ قران و در صفحه آخر سطری يك قران است . طرز انتشار روزنامه گرچه در عنوان آن قید نگردیده ولی از روی تاریخ شماره های منتشره معلوم میشود هفتگی است .

در سال دهم روزنامه صاحب امتیاز و سردبیر سیاسی آقای (ادیب حضور) معرفی شده و نیز در انتهای صفحه چهارم مدیر مسئول (ادیب حضور) نوشته واسمی از راه نجات و سید نورالدین در روزنامه نیست . شماره دهم سال هفتم که در چهار صفحه بقطع نسبتاً بزرگ در مطبعه سربی جبل المتین چاپ شده ، در تاریخ شنبه ۱۳ ذیقعد ۱۳۳۰ قمری منتشر گردیده است . در این سال تغییراتی در خصوصیات روزنامه داده شده و من جمله در عنوان آن نوشته است

حرف المیم بعد الفاء

مفتش ایران

((این روزنامه برای خدمت باین آب و خاک تجدید شده است .)) که معلوم میشود مدتی روزنامه منتشر نمیشده است . در سال هفتم روزنامه با کاغذی خوب و جایی مرغوب طبع شده و بر خلاف سنوات قبل این مزایا را داراست و مندرجات آن بیشتر اخبار محلی اصفهان و مربوط باوضاع داخلی ایران است . در سال دهم روزنامه بدیقسم معرفی شده ؛ ((ملک این روزنامه تقبش در تمام ایالات و ولایات ایران قویا طرفدار مظلوم و صاعقه خرمن جان خائنین است .)) و بعد ها خواهیم دید که همین عنوان یعنی تقبش در تمام ایالات و ولایات ایران مشکلاتی برای مدیر روزنامه پیش آورد و منتهی بتعطیل روزنامه گردید .

در سال یازدهم روزنامه مفتش ایران با همان خصوصیات سالهای قبل بدیر مشغولی (ادیب حضور مکی) منتشر و شماره اول این سال در تاریخ چهار شنبه دهم شهر شعبان مطابق ۲۰ حمل ۱۳۰۰ شمسی طبع و توزیع شده است . در این شماره تحت عنوان (اخطار و معذرت) اینطور مینویسد ؛ ((اینک که یازدهمین سال مفتش ایران در رسید و جریده ما مرحله یازدهمین را باید به پیماید با عزمی ثابت و فکری ناقد و قلمی استوار زمینه های مساعدی را فراهم و لوازم و وسائل ثابتی را تهیه نموده وبا مناسبترین اسلوب و روشترین طبع و قلم سیاسی آتشین بانضمام کاریکاتور های مفید و موثری در صفحه اخیر داخل عرصه جریده نگاری گردیده و مستمداً من اله تعالی نمرات مفتش ایران را مرتباً و بطور هفتگی نشر و اشاعه خواهیم داد . دفتر مفتش ایران .))

هما نظور که وعده داده شد روزنامه مفتش ایران از این پس در ۸ صفحه و هر صفحه مشتمل بر دو ستون در مطبعه سنگی (گلبهار) طبع شده و صفحه آخر آن دارای کاریکاتور میباشد . اولین کاریکاتور روزنامه اوضاع ادواییان را نسبت بطلل مشرق نشان میدهد . در سال ۱۲ باز تعداد صفحات روزنامه کم شده و شماره ۱۸ این سال در تاریخ یکشنبه ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۴۱ قمری منتشر شده است . از این شماره دبیر و مدیر داخلی روزنامه آقای (میرزا باقرخان عراقی) معرفی گردیده است . آقای عراقی از اهالی اصفهان و مسکن او در محله یاقلمه و چندی در ادارات فرهنگ و ثبت اسناد مشغول کار بود و زمانی هم در دادگستری و کات مینمود . چند سال پیش در اصفهان فوت کرد .

در سال شانزدهم روزنامه مفتش ایران بصاحب امتیازی و مدیر سیاسی (س . ادیب حضور مکی) مانند سنوات قبل منتشر و در این سال مدیر داخلی روزنامه (ع . ب . ر . مکی) معرفی شده است شماره ۱۵ این سال در چهار صفحه بقطع و زیری در مطبعه سری (جبل المتین) طبع و در تاریخ چهارشنبه ۲ ربیع الثانی ۱۳۴۴ قمری منتشر شده است و این شماره دارای نمره مسلسل ۳۰۶۵ میباشد . در سال هفدهم مفتش ایران بطور هفتگی در چهار صفحه انتشار یافته و شماره ۷ این سال در مطبعه سری (پروین موسه عرفان) طبع و در تاریخ سه شنبه ۲۶ جمادی الثانی (بدون ذکر سال انتشار) منتشر گردیده است . در این سال اسی از مدیر داخلی نیست و مندرجات آن پس از درج مقاله اساسی . اوضاع اصفهان و مختصری اخبار ایران است . نمره مسلسل این شماره ۳۰۸۶ است .

در سال نوزدهم روزنامه بصاحب امتیاز و مدیر مؤلی (س . ایران مدار مکی) و مدیر داخلی

حرف المیم بعد الفاء

مفتش ایران

(س.م. حسن گلستانه) هفته سه مرتبه طبع و توزیع شده. علت این تغییر بواسطه آگهیهای ثبتی بوده که در روزنامه چاپ شده و روزنامه هفته سه بار روی یک ورق که از همان صفحه اول آگهیهای نوبتی ثبتی چاپ و منتشر شده. شماره ۲۴ این سال که دارای شماره مسلسل ۲۱۲۸ میباشد در مطبعه سری (پروین) طبع و در تاریخ دوشنبه ۱۴ جمادی الاول ۱۳۴۷ انتشار یافته است. روزنامه مفتش ایران بشرح مذکور مدت بیست و یکسال در اصفهان منتشر میشده و آخرین شماره منتشره آن در این شهر که دارای شماره مسلسل ۲۸۱۲ میباشد در سال ۱۳۱۰ شمسی انتشار یافته و پس از آن بشرحیکه در ضمن بیان حال مرحوم ایران مدار مکی ذکر خواهیم نمود محل انتشار روزنامه براق منتقل شده و شماره مسلسل ۲۸۱۴ روزنامه در تاریخ ۲۹ تیرماه سال ۱۳۱۰ شمسی در شهر اراک منتشر گردیده است. و به معرفت روزنامه مفتش ایران یکی از روزنامه های مهمی بوده که در مدت خیلی درازی در ولایات منتشر میشده و به علت شهادتی که در مدیران بوده غالباً دارای مقالاتی تند و آتشین است. و به علت همین تندی در ابتدای سلطنت اعلیحضرت رضا شاه فقید مدتی در محاق تعطیل بود و در سال ۱۳۰۵ شمسی مجدداً طلوع نمود.

(۱۰۳۳) مفتش ایران

روزنامه مفتش ایران به مدیریت و صاحب امتیازی (ایران مدار مکی) در شهر اراک در سال ۱۳۱۰ شمسی منتشر شده است. این روزنامه دنباله همان روزنامه مفتش ایران است که متجاوز از بیست سال در اصفهان منتشر میشده و در سال ۱۳۱۰ شمسی مدیر آن دستگاه روزنامه را به شهر اراک منتقل نموده است و از این جهت در عنوان روزنامه (سال بیست و دوم تأسیس) و شماره مسلسل (۲۸۱۴) نوشته شده منتهی شماره منتشر در اراک را شماره یک ضبط کرده است. شماره اول روزنامه مفتش ایران در اراک به صاحب امتیازی و سردبیر سیاسی و مدیرمسئولی (ادیب ایران مدار مکی) و مدیر داخلی (سید محمد اطائی) در چهار صفحه در مطبعه سری (شرکت مطبعه عراق) طبع و در تاریخ ۲۹ تیرماه ۱۳۱۰ شمسی مطابق ۱۱ ژوئن ۱۹۲۱ میلادی منتشر شده است. خصوصیات روزنامه بدینقرار است: محل اداره، عراق. خیابان اردیبهشت. وجه اشتراک، داخله، ۵۰ قران. خارجه ۸۰ قران. تک نمره چهارشاهی. اجرت پست علاوه میشود قبول کنندگان شماره یک در عداد مشترکین ثابت محسوب خواهند شد. قیمت اعلانات صفحه اول سطری دو قران. سایر صفحات یک قران. طرز انتشار مفتش ایران هفته سه شماره روزهای یکشنبه - سه شنبه پنجشنبه بوده است. مرام و مسلک روزنامه در ضمن یکسطر در زیر عنوان آن بدینقسم شرح داده شده: «این جریده سیاسی - اخلاقی - علمی - ادبی - اقتصادی - فکاهی و اجتماعی و تفتیش در تمام ایالات و ولایات ایران است» و بی این مطالب فقط در عنوان روزنامه نوشته شده و مفتش ایران بیش از یک روزنامه محلی نیست و مندرجات آن غالباً یک مقاله مختصر و ترجمه های کوچک و حوادث محلی عراق و مختصری اخبار داخله و گاهی یک قطعه شعر و غزل و بقیه مندرجات آن عبارت از آگهیهای ثبتی است.

مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (نامه نگاری در ایران. تاثیر افکار در روحیات جامعه) میباشد و در آن پس از آنکه شرحی درباره تفاوت قوای موجودات و حرکات و سکنات در بشر موجود است

حرف المیم بعده الفاء

مفتش ایران

و نیز ضعیف همیشه مقهور قوی میباشد و اینکه ما افکار خود را روی کاغذ برای آیندگان گذاشته ایم و نویسندگان دزد دنیا مقام بلندی را دارا هستند ، در پایان مقاله میفرمود : (مطبوعات ما هم همه یکی از دیگری اخذ اریثکل و خبر کرده و اخبار داخله و خارجه آنها تقریباً یا تحقیقاً يك نحو است و هرگاه اختلافی هم در مطالب باشد فقط عبارت از اختلافات اعلانات ثبت است آنها هم در اسم ناحیه نه در اصل موضوع اگر امروز اعلانات جراید نمی بود از عده جراید کاسته میشد و آنها بیکه بیشتر بکسب میردازند از بین میرفتند بهر جریده که نگاه میکنید آن را مملو از اعلانات ثبت می بینند حتی بعضی از جراید بجای سرمقاله و جز از صفحه يك شروع بنشر اعلان ثبت مینمایند عده جراید در مرکز و ولایات بسیار است و اغلب بلکه تمام آنها بر خوانندگان محترم تحمیل میشوند بطوریکه قلبی فقط برای استفاده از قرائت جریده اشتراك میکنند و اگر اصرار و ایرام ارباب جراید در تحمیل مطبوعات نمی بود هیچ يك از خوانندگان باین قبیل اوراق که بهیچ وجه نفعی ندارد توجهی نمیکردند . تمام این تقصیرات متوجه مردم این محیط است زیرا خود مستوجب این میباشند که امروز دارا هستند . هرگاه خوانندگان ارباب فضل و ادب را تشویق میکردند - اگر قدر فکر و قیمت مبادی فاضله و عقاید مقدسه معلوم میشد اشخاص ذی متصدی این شغل مهم نمیشدند . مدتی بود که ما روزنامه را بطبیعت واگذار کرده بتحریر مطالب مفیده اهتمام نمیکردیم زیرا عدم تلافیه مردم موجب دلسردی ما بوده و هست ولی فعلاً بر اثر اصرار یک عده از اشخاص منور الفکر آزادینخواه این شور خود را ناگزیر دیده که برای هر شماره جریده مقالات مفیده تهیه و منتشر کنیم بنابراین منتظر توجه خوانندگان میباشیم که اگر قدر زحمات ما را بدانند هر روز بر مزایای جریده مفتش ایران خواهیم افزود . تا مگر لطف خدا بیش نهد گاهی چند . س . ایران مدار . این اول باریست که مدیر روزنامه در ایران حقایق اوضاع روزنامه نگاری را بدون پروا و اوامه شرح داده و در حقیقت هم وضع بهمین منوال است زیرا که مفتش ایران پس از بیست و دو سال روزنامه نگاری ناچار برای اداره روزنامه اصفهان را ترك و برای آنکه بتواند روزنامه را منتشر سازد بشهر اراک رفته و آنجا مقیم شده است .

سالنامه عراق متعلق بسال ۱۴ - ۱۳۱۵ راجع باین روز نامه مینویسد : « روزنامه مفتش ایران در عراق در سال ۱۳۱۱ بمدیری آقای ایران مدار مکی تأسیس و پس از یکی دو ماه بتمدن ایران موسوم گردیده و بیش از چند ماه انتشار نیافت . » علت تغییر اسم بواسطه فشاری بود که شهربانی آنوقت بمرحوم ایرانمدار وارد آورده که مفتش ایران معنی ندارد و او را مجبور نموده که اسم روز نامه را عوض نماید . ذیلا شرح حال مرحوم ایران مدار بقلم فخرالدین ایران مدار فرزند آن مرحوم نقل میگردد .

آقای سید نورالدین عراقی . (ادیب حضور ایران مدار مکی)

خلف مرحمت مآب مرحوم حاج سید محمد علی عراقی از علماء معروف که در اواخر عمر در تهران اقامت گزیده و سپس بر حمت ایزدی پیوست مرحوم آقا سید محمد علی دو فرزند ذکور داشت یکی بنام سید ابوالحسن و دیگری آقا سید نور الدین که هر دو آنها را برای تعلیم علوم مقدماتی تحت نظر دانشمندان و علماء هم عصر خود سبرد مرحوم سید نورالدین در سن یازده سالگی از علوم مقدماتی فراقت حاصل نموده و با چند تن از اقارب و بستگان خود برای تعلیم علوم عالیّه

در بیروت رفته و پس از فراغت علوم عالیّه در سنّ بیست و ۲ سالگی در علوم مذهبی موفق باخذ گواهینامه اجتهاد گردید و سپس بتحصیل زبان خارجی (فرانسه) و بعداً بعلوم طبیعیات - نجوم - ریاضیات - میناست - اقتصادیات پرداخت و پس از پنجاه سال تحصیل بعنوان سباحت بکلیکته و سایر نقاط دیگر هندوستان مسافرت و در انجمن های مذهبی و سیاسی آن کشور داخل و پس از چند مادی بوطن عزیز خود بازگشت و در سن ۲۸ سالگی خود را برای خدمت بمیهن عزیزش آماده ساخته و بمادرت بتأسیس مدرسه شرف مظفری نموده و مدرسه را بوسیله معلمین با اطلاع مانند مرحوم فروغی و مرحوم مهندس السلطان و مرحوم نبیل الدوله و چند تن از دانشمندان آن عصر در توران افتتاح و بتعلیم و تدریس علوم جدید پرداخته و از این راه خدمات عثمشی بفرهنگ ایران نمود و در دوازدهم ربیع الاول ۱۳۲۸ قمری بموجب اصل ۲۴ قانون روزنامه مفتش ایران را در تهران منتشر و عالم مطبوعات را فروغ و روشنی مخصوص داد. سپس آن مرحوم در صدد اصلاحات و رفع نواقص کشور برآمده و انجمنی بنام انجمن آزادی خواهان باتشریک آقای طباطبائی در تهران تشکیل و بخدمات ملی خود ادامه داده و خائنین که از اقدامات او واقف شدند در صدد هلاک آن مرحوم برآمده و بمنازعه با او برخاستند تا اینکه خدمات آن مرحوم توجه عمومی را بخود جلب و در سن ۴۰ سالگی از طرف نواحی شمال (مازندران) بوکالت دار شورای ملی انتخاب و چون مومی علیه حسن ظن مردم را بخود تلقی کرد از هیچ گونه مساعدت و همراهی واقدمات نافع خود بمردم و کشور فروگذاری ننمود تا اینکه مشروطه بنظر مرحوم محمد علی شاه بدجلوه کرد و امر به توپ بستن مجلس را داد در این گیرودار مرحوم سید نور الدین بارفتنی فراکسیون خود فوراً در صدد رفع آسیب و پنهان خود برآمدند و چون شلیک توپخانه راه فرار را برای آنها مسمود کرده بود ناچاراً در یکی از کنبه های مجلس مخفی و پس از سی و دو ساعت دیگر بوسیله مرحوم سرتیب محمد اسماعیل خان نجات و شبانه ایشان را بمنزل خود مخفی نمودند پس از این واقعه ایشان در صدد رفع قائله برآمده و برضد حکومت محمد علی شاه باهمراهان خود جداً قیام و سپس محمد علی شاه یکی را بعد از دیگری دستگیر و در پادشاه زندانی و هر یک را بعد از دیگر بعنوانی و طرز مخصوصی از قبیل صور اسرافیل ، ملک المتکلمین و غیره اعدام تا اینکه نو بت بمومی علیه که میرسد بوسیله شاهزاده ناصرالملک مورد وساطت قرار گرفته و محمد علیشاه پس از بدست آوردن معلومات و اطلاعات ایشان وی را مورد لطف خود قرار داده و لقب (ادیب حضوری) آنموقع بمشار الیه داده شد و در همان تاریخ روزنامه خود که امتیاز آن از شورای عالی وزارت فرهنگ مجلس شورای ملی ایران بموجب اصل ۲۴ قانون اساسی گذشته بود که در تمام کشور میتواند روزنامه خود را منتشر نماید .

و بعداً بواسطه اختلافات سیاسی و نفوذ شاهزاده های قاجار ایشان را باصفهان تبعید و قریب ۲۲ سال هم روزنامه خود را در اصفهان و در کرمانشاهان و از سال ۱۳۰۹ تا سال ۱۳۱۱ شمسی در اراک بنام مفتش ایران مرتباً منتشر مباحث تا اینکه از طرف حدودان و خود شیرین ها شکایتی مبنی بر اینکه روزنامه مفتش ایران چه علت دارد که با توازن قانون مطبوعات هر روز در یک شهرستانی منتشر شود تا آنکه سابق مومی علیه را بوسیله شهر بانی اراک بر مرکز احضار پس از اجبار به تمویض نام فامیل خود از ایران مداری چون نتیجه مطلوبه حاصل نشد بعنوانین مختلفه ایشان را مجبور به تمویض امتیاز روزنامه مفتش ایران نمودند و از اواسط ۱۳۱۱ روزنامه مفتش

ایران تعطیل و بنام روزنامه تمن ایران درازاك ازانق مطبوعات ظاهر گردید و تا سال ۱۳۱۶ کم و بیش روزنامه خود را بدستیاری فرزند خود فخرالدین ایرانمدار که مامور تنظیم مقالات و اداره کردن امور داخلی اداره روزنامه بود انتشار و بعداً بواسطه ضعف مزاج روزنامه خود را تعطیل و در سال ۱۳۱۹ مجدداً شرحی بوزارت فرهنگ نوشته که در تهران منتشر نمایند اجازه از طرف وزارت فرهنگ برای انتشار صادر ولی اداره سیاسی و نگارشات وزارت کشور بعلت تندی قلم و سوابق روزنامه های ۱۳۰۴ اصفهان که بر علیه شاه سابق میبود مانع از انتشار آن گردید . رفته رفته ضعف ایشان شدت یافت و در ۲۱ اسفند ماه ۱۳۲۰ در بیمارستان مرسلین انگلیس اصفهان در سن ۶۰ سالگی دنیا را برود ابدی گفته و بدیاریانی رخت بر گرفت و در تخت فولاد اصفهان تکیه ملك دراطاق شمالی مدفون اند .

(۱۰۳۴) مفرح القلوب

روزنامه مفرح القلوب در بندر کراچی هندوستان بزبان فارسی تاسیس و بطور هفتگی منتشر شده است . روزنامه مفرح القلوب مدت مدیدی در کراچی منتشر میشده و بیشتر از سی سال انتشار آن ادامه داشته است . آغاز تاسیس آن ظاهراً سال ۱۲۷۲ قمری بوده و تا حدود سال ۱۳۰۲ قمری منتشر میشده و درازمه مختلف ناشر آن تغییر کرده و من جمله از اوائل تاسیس تامدنی (محمد شفیع) و بعداً (میرزا محمد جعفر و میرزا محمد صادق مشهدی ، قنصل ایران در کراچی) متصدی نشر روزنامه بوده اند . و در شماره های نمونه این عبارت در انتهای صفحه آخر هر شماره چاپ شده است : « مالك ومهتمم این اخبار نامه مفرح القلوب کراچی ومطبع اش میرزا محمد شفیع خلف مرحوم میرزا مخلص هلیست . » اسم روزنامه بخط نسخ در مرعبی نوشته شده و اطراف آن این اشعار درج است : ای نام تو راحت دل و جان ● سرمایه فرخت فراوان ● هر سبزه که از زمین بر آید ● بروحت تو زبلن گشاید ● نامت چو مفرح القلوب است ● فرخنده کسبکه دل بتوبت ● کاریکه بر تو کل تو کردم ابتدا ● یارب بفضل خویش رسانش بانتهای .

در زیر عنوان مذکور تاریخ انتشار و (تفصیل قیمت و اجرت پست) بحساب سیاق معین شده و قیمت يك نسخه اخبارنامه (۸ ز) و اجرت طبع اشتهاارنامه ومضامین مفیده خاص فی سطر ۴۰۰ . اجرت طبع اشتهاارنامه ومضامین مفیده عام (معاف) . بجز از سطور مذکور این دو سطر در انتهای صفحه اول درج است ، « هر کسبکه بدون دادن زر قیمت اخبار نامه گرفتن اخبار نامه بنام خود نه خواهد کرد تازمانیکه وجه قیمت آنرا ادا نکند همیشه قیمت آن بدمه اش محسوب شده هروقت مطالبه وحساب از او گرفته خواهد شد ووجه موصوله باز هرگز مسترد نخواهد گردید . » . از روزنامه مفرح القلوب نگارنده نمونه های مختلف مربوط بجلد ۲۴ در دست دارد من جمله نمره ۴۶ از جلد ۲۴ است که در تاریخ ۲۲ شهر ذیقعد ۱۰۹۶ مطابق ماه نوامبر ۱۸۷۹ میلادی در ۱۲ صفحه بقطع وزیری وبا چاپ سنگی طبع و توزیع شده و نیز نمره ۳ جلد ۲۴ در تاریخ ۱۸ شهر محرم الحرام ۱۲۹۶ هجری مطابق ۱۲ ماه جنوری ۱۸۷۹ میلادی منتشر شده است . معمولاً هر شماره مفرح القلوب در ۱۲ صفحه چاپ شده و مندرجات آن عبارت از مقالات مختلف و اشعار و اخبار جهان و اخبار هند و اخبار بندر کراچی است . برای اینکه خوانندگان بسبب عبارت و اخبار

حرف المیم بعد الفاء

مفرح القلوب ، مکافات

روزنامه آگاه کردند یکی دو خبر از نمره ۴ جلد ۲۴ آنرا نقل مینمائیم .
 « پشاور ۲۱ دسامبر - منفذ عام در میان علی - مجد و جمرو دسبب رهزنی فرقه کوکی خیل بند شده بود مگر خبر بلجیان راه صاف کردند - حکمنامه بنام روسی حاکم ترکستان شرف صدور یافته است که سامان جنگ موجود ومهیا دارد . » قسمتی از فهرست مندرجات نمره ۵ جلد ۲۴ مورخ ۳ صفر ۱۲۹۶ قمری بدینقرار است . التماس در خدمت مشتریان اخبار نامه - مکتوب رقوم السالك - ناصر الملك محمود خان وزیر دولت ایران - حسین حامد بیک افندی - اظهارات انگلیس در باب اصلاحات اناطولی - خرج جنگ افغانستان - افواه هوام - دولت روس ودولت روم جلال آباد - مختصر حالات تهذیب وشایستگی قوم روس ونظم ونسق گورنمنت - تناسب اهل اسلام واهل هند - ربورت از قندرها - شکار پور -

در شماره های نمونه این سطر در انتهای صفحه آخر هر شماره درج است : « مالک و مهم این اخبارنامه مفرح القلوب کراچی و مطبع اش میرزا محمد شفیع خلف مرحوم میرزا مخلص علیست »

روزنامه مفرح القلوب از حیث چاپ و کاغذ مانند سایر مطبوعات هندوستان با خط نستعلیق و روی کاغذ زرد است . رو بهرفته این روزنامه بیشتر از جهت اخبار جهان وهند اهمیت دارد وگرنه از لحاظ مقالات علمی و ادبی چندان قابل توجه نیست و در حقیقت همانقسم که بآن نام گذاشته (اخبارنامه) مفرح القلوب است . و از این حیث نظیر روزنامه های ایران واطلاع میباشد .

(۱۰۳۵) مکافات

روزنامه مکافات در شهر خوی بدیری (میرزا آقاخان) وصاحب امتیازی (میرزا نوراله علی زاده) تاسیس ودر سال ۱۲۲۷ قمری منتشر شده است . مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان (ص ۴۱۱) مینویسد : « مکافات - روزنامه هفتگی منتشر درخوی باچاپ سری بدیریت میرزا آقا مرندی ومحمد علی زاده (امیرحشت) در ۱۲۲۷ »

برون در تاریخ مطبوعات وشرقارسی ص ۱۴۲ مینویسد : روزنامه مکافات منتشر درخوی بدیری (میرزا آقاخان هرندی مدیر مدرسه مساوات) وصاحب امتیازی (میرزا نوراله یگانی) وقسم اشعار آن متعلق به آقای (ابوالحسن خان ، محمد علی زاده ملقب به سعید المالك) و (امیر حشت) که در آن ایام درخوی و سلاطین میزیسته است ، میباشد . (اشتباهی که برای برون دست داده این است که میرزا آقاخان را هرندی دانسته در صورتیکه اهل مرند آذربایجان بوده است . مولف) برون نیز اضافه میکند که من نمره ۵ روزنامه مکافات را در دست دارم واین نمره در چهار صفحه بقطع شش ویک دوم و یازده یک دوم و در تاریخ ۴ صفر ۱۲۲۷ قمری منتشر شده است . قیمت تک شماره آن یک عباسی است .

روزنامه حکمت چاپ قاهره در شماره ۹۴۴ مورخ غره جمادی الثاني ۱۲۲۷ قمری شرحی بدینقسم درباره روزنامه مکافات نوشته است : « روزنامه مشگین شامه (مکافات) نام که از دارالسرور خوی بنام جناب آقا (میرزا ابوالحسن محمد علی زاده) نگاشته شده ومدير پاك دلش جناب آقا (میرزا آقاخان) وصاحب امتیاز آن جناب (میرزا نورالله علی زاده) بوده بتاريخ ۲۲ ربیع الثاني

حرف المیم بعده الکاف

مکافات ، مکتب ، ملامعو

۱۳۲۷ در آن شهر دلکش منطبق گردیده است . خدا شاهد است دلم از دیدن آن شاد گردید»

(۱۰۳۶) مکافات

روزنامه مکافات در سال ۱۳۰۴ شمسی در طهران تأسیس و بطور هفتگی منتشر شده است .
شورای عالی فرهنگ امتیاز این روزنامه را بمدیبری (میرزا باقرخان جعفری) در تاریخ ۶ خرداد ۱۳۰۴ تصویب نموده است.

(۱۰۳۷) مکتب

روزنامه مکتب در سال ۱۳۲۳ قمری در طهران بمدیبری (حاج میرزا حسن تبریزی ملقب بر شدیه) تأسیس و منتشر شده است. روزنامه فریاد چاپ تبریز (بنقل روزنامه دماوند شماره ۸۷ مورخ دوشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۲۳ شمسی) پس از آنکه شرح حال نسبة مفصلی از رشدیه ذکر کرده درباره روزنامه مکتب مینویسد : (رشدیه هنگامیکه در طهران بود خدمت فرهنگی را ضمیمه خدمت سیاسی ساخت و با همگنان بنشر و ترویج افکار آزادی پرداخت . نخست (انجمن تنویر افکار) را با دوستان خود بنیاد گذاشت و شروع بتبلیغ کرد و از راه (شب‌نامه) نویسی و بخش آن بی‌باکانه در اطراف قصر سلطنتی و دربار پیشرفت فکر آزادیخواهی کمکهای شایان نمود. در سال ۱۳۲۲ بتأسیس روزنامه (مکتب) پرداخت و با عین الدوله صدراعظم و مظالم وی مبارزه شروع کرد مخصوصاً موضوع سانسور را که از طرف وزیر انطباعات مقرر شده بود شدیداً انتقاد کرد و در کتاب (کفایة التعلیم) (کتاب تنبیه الغافلین) بنشر افکار تجدید و ترقی پرداخت عین الدوله که دشمن آزادی و تجدید بود رشدیه را مورد غضب شدید قرار داد و به همراهی دو تن دیگر او را بکلات تبعید کرد و پس از نه ماه که آزادیخواهان قدرت پیدا کردند و فرمان مشروطه داده شد رشدیه هم از منقای خود بیرون آمده بطهران برگشت.) برای اطلاع بیشتری از شرح تبعید مشارالیه بحرف نون روزنامه ندای وطن رجوع شود .

(۱۰۳۸) ملامعو

روزنامه ملامعو در شهر تبریز بحاجب امتیازی و مدیبری (میرزا احمد مدیر مدرسه بصیرت) تأسیس و بزبان ترکی و با چاپ سنگی منتشر شده است . این روزنامه در سال ۱۳۲۶ قمری بوسیله مخالفین انقلاب مشروطیت و بدست اعضاء (انجمن اسلامیه محله دوجی شهر تبریز) انتشار یافته . مرحوم کسروی در کتاب تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان (ص ۲۵۴) از روزنامه ملامعو نام برده و در باره آن مینویسد : «در این زمانهاست که روزنامه ملامعو در دوجی بزبان ترکی پدید آمد و تا چند شماره از او پراکنده گردید ، دوجی یکی از محلات معروف تبریز است که در حوادث مشروطیت بین اهالی آن - «بیر محلات شهر تبریز مانند سرخاب و خیابان و امیرخیز همیشه نزاع و زد و خورد بوده است برای اطلاع از این کشمکشها بصفحات ۱۵۲ و ۱۵۴ کتاب تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان رجوع شود .

مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان نام این روزنامه را (آلامعو) ضبط کرده و برون نیز در کتاب تاریخ مطبوعات و شعر فارسی (ص ۲۲) همین نحو نوشته است . شرحیکه تربیت در

حرف الیم بعدہ الام

ملا عمو ، ملا نصر الدین ، ملت

باره این روزنامه نوشته بدینقرار است (آملامو روزنامه نیم ورقی منتشر در تبریز با چاپ سنگی از طرف ارتجاعیون وانجمن اسلامیه در ۱۳۲۶ در مقابل روزنامه اتحاد . »
میرزا احمد مدیر روزنامه ملا عمو ، علاوه بر این روزنامه ، روزنامه های اخوت ، اتحاد و اسلامیه را نیز منتشر کرده است .

(۱۰۳۹) ملا نصر الدین

روزنامه ملا نصر الدین در شهر تبریز بمدیری (جلیل نججوانی) در سال ۱۳۳۸ قمری تأسیس و منتشر شده است . تربیت دوفهرست روزنامه های آذربایجان در باره روزنامه ملا نصر الدین مینویسد : « ملا نصر الدین ، روزنامه هزلی هفتگی منتشر در تبریز با چاپ سربی و تصاویر رنگین بمدیریت جلیل نججوانی در ۱۳۳۸ . شش شماره منتشر شده . »

(۱۰۴۰) ملت

روزنامه ملت در شهر شیراز بمدیری (میرزا حسین خان پرتو) تأسیس و در سال ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده است . تأسیس روزنامه ملت در اواخر سال مذکور یعنی در حوت این سال بوده و بنابر آنچه در سالنامه ۱۴ - ۱۳۱۵ فارس نوشته بعد از ۲۵ شماره تعطیل میگردد . طرز انتشار آن هفتگی بوده است .

میرزا حسین خان پرتو علاوه بر روزنامه ملت روزنامه دیگری بنام (اتحاد اسلام) در شیراز منتشر نموده که برای اطلاع از آن بجلد اول کتاب تاریخ جراید و مجلات ذیل اتحاد اسلام رجوع شود . در کتاب فارس و جنگ بین الملل صفحه ۲۹۲ در شرح حال پرتو مینویسد : « پس از برگشتن بشیراز چند شماره روزنامه ملت را نگاشته که مطبوع طبع ملت نشده . » برای اطلاع بیشتری از این قسمت باصل کتاب مذکور مراجعه شود .

(۱۰۴۱) ملتی یاروزنامه ملت سنیه ایران

روزنامه ملتی در طهران با چاپ سنگی در تحت اداره (علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه) تأسیس و بطور ماهانه در سال ۱۲۸۳ قمری منتشر شده است . این روزنامه ابتدا یعنی شماره اول آن که در تاریخ ۱۵ محرم ۱۲۸۳ قمری منتشر شده با اسم (روزنامه ملت سنیه ایران) انتشار یافته و بعد منقطع گردیده و پس از دو ماه باز بهمان عنوان در تاریخ جمعه چهار دهم ربیع الاول ۱۲۸۳ قمری منتشر گردیده و از شماره سوم اسم (روزنامه ملتی) موسوم گردیده و جمعا از این روزنامه بفرار شماره اول که مورخ ۱۵ محرم میباشد ، ۳۴ نمره از آن نشر شده و آخرین شماره آن در تاریخ یوم جمعه بیستم شهر جمادی الاخر ۱۲۸۲ قمری منتشر گردیده قیمت سالیانه روزنامه ملتی با انضمام روزنامه دولتی و علمی سه تومان و شش هزار دینار بوده و در مطبعه سنگی (در الخلافه ناصریه

حرف المیم بعده اللام

ملتی یا روزنامه ملت سنیه ایران

در کارخانه دار الانطباع دولتی در مدرسه مبارکه دار الفنون (طبع شده است .
 عده صفحات روزنامه از ۵ تا ۷ بقطع ۲۲ در ۳۴ سانتیمتر میباشد و هر صفحه آن
 مشتمل بر ۲۵ سطر بخط نستعلیق ریز است . سرلوحه روزنامه عبارت از دور نمای مسجد
 شاه طهران است که در بر آن (مسجد شاه) نوشته شده و این سرلوحه در تمام سی و
 چهار نمره موجود است . در نمره اول این عبارت بخط نستعلیق زیر سرلوحه
 نوشته شده : « از جانب سنی الجوانب همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه امر و
 مقرر است که روزنامه ملتی بر سبیل آزادی نگارش یابد تا خاص و عام از فواید آن بهره
 یابند . » . مندرجات روزنامه ملتی اغلب مربوط بشرح حال شمرای قدیم و جدید
 ایران و در بعضی از نمرات آن آگاهی مختصری از وقایع دربار در آن درج شده و چون
 مجموعه نمرات این روزنامه خیلی کمیاب است برای مزید اطلاع خوانندگان فهرست
 تمام سی و چهار نمره را ذیلا نقل مینمائیم :

نمره اول : شمس الشعرا میرزا محمد علیخان اصفهانی متخلص بسروش . نمره دوم
 شرح حال دقیقی شاعر . آگاهی از طرف دولت راجع بمنع شبیه و تعزیه خوانی . نمره
 سوم : شرح احوال هادی نوری افکره تخلص . آگاهی راجع بمنع احتکار . نمره
 چهارم : شرح حکیم قافانی . آگاهی راجع باشخاص منلس . نمره پنجم : شرح احوال
 عسجدی شاعر بضمیمه جدول معرفت اوایل شهر عرب . نمره شش شرح حال حکیم
 فردوسی . نمره هفتم : شرح احوال داود شاعر . نمره هشتم : کیفیت احوال منوچهری
 شاعر . نمره نهم : شرح احوال میرزا محرم . نمره ده : شرح احوال آذر شاعر . نمره
 یازده : شرح احوال هاتف شاعر . نمره دوازده : شرح حال حکیم خاقانی . نمره سیزده
 بقیه حکیم خاقانی . نمره چهارده : شرح احوال وحید شاعر . نمره پانزده : شمه از
 حال سلطان بایزید . نمره ۱۶ : شرح احوال کلیم شاعر . (این نمره نه صفحه است)
 نمره ۱۷ : شرح احوال حکیم سنائی علیه الرحمه . نمره ۱۸ : درک بهار . (این نمره
 بدینقسم شروع میشود بسم الله تعالی میرزا علینقی حکیم الممالک تفصیل تاره بطور
 حکایت در ادراک بهار و تاثیرات نوشته بود چون خالی از مزه و فایده نبود در این روز-
 نامه طبع نمود .) . نمره ۱۹ و ۲۰ بقیه شرح درک بهار و قصه جوان حکیم الممالک
 نمره بیست و یکم : ترجمه میرزا رضای دکنر از قواعد مجمع الصحه که مقرب الخاقان
 دکتر طولوزان مرتب نموده . نمره بیست و دوم : ترجمه مجمع الصحه که حکیم باشی
 حضور همایون شاهنشاهی دکتر طولوزان نموده است . نمره ۲۳ راجع بصفت عکاسی
 نمره ۲۴ : شرح حال نظیری شاعر . نمره ۲۵ : ترجمه دستور اطباء حافظ الصحه که
 دکتر طولوزان حکیم باشی مخصوص وجود مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی بجهت ملاحظه
 و جستجوی سبب عموم و شیوع و بامر تب کرد و میرزا تقی مترجم مجمع الصحه ترجمه
 نموده است . نمره ۲۶ : شرح حال میر عبدالعال اصفهانی متخلص بنجات . نمره ۲۷
 شرح حال مسعود سعد سلمان بضمیمه نمره ششم از ترجمه محمد حسنخان پیشخدمت خاصه
 حضور همایونی . فصل پنجم در ذکر پیدا نمودن یئکی دنیا . نمره ۲۸ : سام میرزا ملقب

حرف‌المیم بعده اللام

ملتی

بشمس الشعرانی متخلص برضوان ضمیمه نمره هشتم از ترجمه محمد حسنخان پیشخدمت در پیدا کردن جزیره هیس بان یولا . نمره ۲۹ : تفصیل قانون جدید دولت عثمانی در خصوص تشخیص تبعیت اندول ضمیمه نمره ده از ترجمه محمد حسنخان در بیان مراجعت کریستوف کلمب . نمره ۳۰ : شرح احوال حکیم انوری ایوردی . نمره ۳۱ : شرح حال حلاوت اشتمال بسحق اطعمه . نمره ۳۲ : در بیان قصیده ایست بحر بی اثر طبع مرتضی قلیخان از نواده های مرحوم امین الدوله اصفهانی که همان مضمون بفارسی اثر طبع سام میرزای شمس الشعرا نیز ذکر شده و تفصیل دو قصیده بدینقرار است که در روز دو شنبه ششم شهر ذی القعدة ۱۲۸۶ که ناصرالدین شاه در منزل دره ملاعلی بطرف پل لوشان حرکت مینموده در بین صحبت بمجد الدوله اظهار داشته که تو دلیل راه مائی مجد الدوله جواب داده انشاء اله دلالت غراب نیست . ناصرالدین شاه برای اینکه شعر معروف ؛ اذا كان الغراب دليل قوم سیهدهم سبیل الهالکینا . خوانده نشود این شعر را گفته است : اذا كان القطاء دليل قوم سیهدهم صراط المستقیم . پس از ورود بطهران شاه دستور میدهد که باید قصیده بفارسی و عربی بهمین وزن و قافیه گفته شود و لذا دو قصیده فارسی و عربی گفته شده و در باغ قصر قاجار برای ناصرالدین شاه خوانده شده است .

مطلع قصیده عربی بدینقرار است : سقى الرحمن باقيث الغيم * معارجنا بمنرج الغيم و مطلع قصیده فارسی این است : بفال سعد و ای مستقیبی * بدریا شد روان ابر کریمی .

نمره ۳۲ : شرح احوال ناصر خسرو . نمره ۳۴ : شرح احوال مهری شاعر . این بود فهرست مندرجات روزنامه ملتی و هماقسم که در روزنامه های علمیه و دولتی یادآور شده ایم در این روزنامه نیز نامی از نویسنده مقالات در بین نیست ولی از خارج میدانیم که منشی روزنامه (حکیم سامانی) بوده است . میرزا فتحعلی آخوند زاده که شرح حال او در صفحات دووسه و چهار کتاب دانشمندان آفر بایجان بتفصیل نوشته شده رساله راجع بروز نامه ملتی خطاب بنشی آن مرحوم حکیم سامانی تدوین و در آن ایراداتی بسرلوحه و طرز تنظیم مطالب روز نامه نموده است . این رساله در تاریخ یوم جمعه ۱۴ ربیع الاول سنه ۱۲۸۲ پس از رسیدن روزنامه ملتی در تفریس باخوانده زاده نوشته و خلاصه آن این است که آخوند زاده اشکالاتی بنشی روزنامه نموده و من جمله مینویسد :

شکل مسجد نه تودر روزنامه خود علامت ملت ایران نگاشته در نظر من نامناسب مینماید بعلت اینکه اگر از لفظ ملت مراد تو معنی اصطلاحی است یعنی اگر قوم ایران را مراد میکنی مسجد انحصار بقوم ایران ندارد بلکه جمیع فرق اسلام صاحب مسجدند علامت قوم ایران قبل از اسلام آثار سلاطین قدیم فرس است از قبیل تخت جمشید و قلمه اصطخر و امثال آن و بعد از اسلام یکی از مشهورترین آثار پادشاهان صفویه است که در ایران مذهب اثنی عشری را رواج داده اند و طوایف مختلف آن را در سلك ملت واحد

حرف المیم بعد المیم

مات و حیات

منتظم داشته اند و باعث سلطنت مستقلة جدا گانه ایران شده اند پس بر تو لازم است که بجهت اشته دملت ایران علامتی پیدا بکنی که از یکطرف دلالت بر دور سلاطین قدیمه فرس داشته باشد و از طرف دیگر پادشاهان صفویه را بیاد آورد چون شکل تاج دوارده ترك قزلباش از سقرلات سرخ .

اشكال دیگر آخوند زاده راجع باوردن شرح حال سروش است که در يك روزنامه چه فایده بر پر کردن چند صفحه از روزنامه است در شرح حال شمس الشعرا سروش است و در این قسمت گفتگوی زیادی درباره نسب سروش بنجم نانی میکند. این رساله در ۴۸ صفحه و در تاریخ ۱۷ شهر رمضان پارس ثیل ۱۲۸۳ و در تقییس نوشته شده و يك نسخه از آن در کتابخانه دانشکده معنوی و منقول طهران موجود و به نمره ۲۷۷۶ ثبت دفتر کتابخانه است . ناگفته نماند که در همین کتابخانه يك دوره از روزنامه ملتی که در کتابخانه اعتضاد السلطنه بوده و بعداً جزو سایر کتب کتابخانه مشارالیه وقف مدرسه سپهسالار جدید شده ، موجود است و مهر اعتضاد السلطنه پشت این مجموعه دیده میشود .

(۱۰۴۳) مات و حیات

مجله مات و حیات در طهران بدیری (کاشف السلطنه پرنس دوچای) تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . این مجله بصورت يك رساله ایست که در باره فواید خط آهن در ایران نوشته شده و در ۶۰ صفحه بقطع خشتی چاپ و در تاریخ برج ثور ۱۳۰۱ مطابق شهر رمضان ۱۳۴۰ و ماه مه ۱۹۲۲ منتشر گردیده ولی چون در پشت و عنوان آن (مجله مات و حیات) نوشته ما آنرا در ردیف مجلات ذکر ننودیم . محل طبع آن : طهران . مطبعه مجلس شورای ملی . مقدمه مجله بدینقسم شروع میشود : « روزی در گوشه عزلت نشسته و در بروی خود بسته باحالی افزوده و دلی پژمرده بر اوضاع وطن عزیز تأسف میخوردم و ابیاتی از مرحوم میرزا فتح الله خان شیبانی در خاطر میسرودم و بریچارگی نوع خود میگریستم .

یار پریشان و زلف یار پریشان ✽ شهر پریشان و شهر یار پریشان
کاررمانه چه گشت در هم و برهم ✽ مردم کارند گاه کار پریشان

تا آخر غزل . در این بحر تفکر و غم چندان فرو رفته و غوطه ور بودم که از همه چیزم فراموشی حاصل و از خود بی خبر بودم ناگهان در برهم خورد و از صدای آن بخود آمده دوستی که همیشه مشتاق صحبت او بودم وارد گردید بالجمله از هر دری سخن گفتیم تا آنکه بالطبع از پریشانی اوضاع مملکت صحبت بمیان آمد در مقام چاره جوئی مباحثات رد و بدل شد (خلاصه اینکه نویسنده یاد آور می شود اساس خرابی ایران نداشتن راه آهن و این رساله را در موضوع منافع راه آهن نوشته است .). از مجله مات و حیات بیش از همین يك شماره منتشر نشده است .

(۱۰۴۴) منارت

روزنامه منارت در شهر تبریز بزبان ارمنی تأسیس و در سال ۱۹۱۹ میلادی منتشر شده است . مرحوم تربیت در فهرست روزنامه های آذربایجان در باره این روزنامه مینویسد : منارت (مناره) روزنامه هفتگی منتشر در تبریز در زبان ارمنی در ۲۰-۱۹۱۹.

(۱۰۴۵) موسیقی

مجله موسیقی در طهران بمدير مسئولی (سرگرد مین باشیان) تأسیس و در سال ۱۳۱۸ شمسی منتشر شده است . این مجله از انتشارات (اداره موسیقی کشور که یکی از ادارات تابعه وزارت معارف) بوده است .

شماره اول و دوم مجله موسیقی یکجا در ۳۶ صفحه بقطع پستی با چاپ سربی در مطبعه (تابان طهران) طبع و متعلق بدوماه فروردین و اردیبهشت ماه ۱۳۱۸ می- باشد . روی جلد مجله این جمله ار و اکثر موسیقی دان معروف چاپ شده : « آنجا که سخن بار میباند موسیقی آغاز میگردد » . در این شماره پس از طبع عکس اعلیحضرت قید و اعلیحضرت محمد رضا شاه که آنوقت ولیعهد بوده و تصویر فوزیه ملکه آینده ایران ، مقاله افتتاحی مجله تحت عنوان (موسیقی کشور) نوشته شده . چند سطر از ابتدا و انتهای مقاله مذکور بدینقرار است : « در این عصر فرخنده که جمیع شئون کشور و حیثیت مبین رو بکمال حقیقی میرود و برای احیای قوای مادی و معنوی این سرزمین باستانی همه گونه وسائل بکار برده میشود نسبت بامر موسیقی نیز بنوبه خود از طرف ذات مقدس اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و والا حضرت اقدس همایونی توجه خاصی مبذول شده و مقرر فرموده اند که موسیقی کشور تغییر کرده از حالت حزن و اندوه بیرون آید ۰۰۰ برای اجرای این منظور امر بتأسیس اداره بنام اداره موسیقی کشور در وزارت فرهنگ داده شده تا تمام کارهای مربوط بموسیقی در یکجا - - - - - مرکز یافته تحت اصول صحیحی اداره شود ۰۰۰۰۰ برای همین منظور و نیز از آنجا که یکی از وظایف اداره موسیقی کشور آشنا نمودن فکر و ذوق عامه بموسیقی علمی و ترویج آنست بنشر این مجله که برای اولین بار در ایران اشاعه مییابد اقدام نمود سعی خواهد شد در هر شماره مطالب سودمند فنی برای شناساندن ادبیات موسیقی و ترکیبات استادان بزرگ و شرح زندگی آنها درج گردد و با گراورهای مناسب زینت یابد ۰۰۰۰ » .

در حقیقت مندرجات مجله موسیقی از همین گونه مطالب خارج نیست چنانچه فهرست مندرجات شماره اول و دوم این مطلب را بخوبی ثابت می نماید . اینک فهرست مندرجات موسیقی کشور - وظایف اداره موسیقی کشور - تاریخچه مختصری از زندگی بتهون در عالم موسیقی - پرورش ذوق موسیقی نزد خردسالان - حافظ و موسیقی - مغنی نامه حافظ - از چه سنی باید موسیقی را تعلیم خردسالان داد - تازه و کهنه موسیقی . «

حرف المیم بعدهالواو والهاء

مؤید ، مهدی جمال ، مهر

مجله موسیقی در نوع خود بی نظیر ولی متأسفانه بیش از چند شماره منتشر نشده و تعطیل گردیده است .

(۱۰۴۶) مؤید

روزنامه مؤید در شهر لاهیجان تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری باطبع ژلاتین منتشر شد . است .

(۱۰۴۷) مهدی جمال

روزنامه مهدی جمال در شهر رشت بمدیری (اکبر زاده) تأسیس و در سال ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است . برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۴۴) مینویسد از این روزنامه فقط يك شماره منتشر شده و آنهم در تاریخ ۱۶ رمضان ۱۳۲۸ قمری است طرز انتشار آن هفتگی و سبک آن فکاهی بوده است .

(۱۰۴۸) مهر

مجله مهر در طهران بمدیری و صاحب امتیازی آقای (مجید موقر) تأسیس و در سال ۱۳۱۲ شمسی منتشر شده است . طرز انتشار آن ماهانه بوده و مرتباً چهار سال تمام منتشر گردیده و تعطیل شده و مجدداً در سال ۱۳۳۰ یا بدایره انتشار گذاشته است شماره اول این مجله در خرداد ماه ۱۳۱۲ منتشر شده و اکثر نویسندگان و شعرای معاصر در این مجله که از حیث زیبایی طبع و خوبی کاغذ کمتر نظیر دارد ، چیز نوشته اند . مجله مهر دارای تصاویر گوناگون و چند صفحه رنگی ضمیمه آن و روی جلد آن گراورهای رنگی چاپ شده است . وجه اشتراك مجله یگساره در طهران و ولایات ۵۵ ریال و در خارجه یک پوند . ششماه ۲۸ ریال و ده شلینگ ، بمحصلین و محصولات و نظامیان صد ده از وجه اشتراك تخفیف داده میشود . محل اداره : طهران . خیابان سعدی هما قسم که یاد آور شدیم طرز انتشار مجله ماهانه بوده و در هر ماه مرتب منتشر می- شده است چنانچه شماره اول سال چهارم در یکصد و هشت صفحه بقطع و ریری با چاپ سری (مطبعه مهر) در خرداد ۱۳۱۵ و شماره دوم در تیرماه و سوم در مرداد ماه و چهارم در شهریور و پنجم در مهر و ششم در آبانماه و هفتم در آذر ماه و هشتم در دی- ماه نشر یافته است .

برای اطلاع از خصوصیات و طرز انتشار دوران چهارساله مجله بهتر آنستکه قسمتی از مقاله افتتاحی سال چهارم را که بقلم مدیر مجله نوشته شده نقل نمایم ، « سال چهارم مجله مهر- سال سوم مجله مهر را با همان حسن انتظام و انتشار مرتبی که در بادی امر بخوانندگان محترم وعده داده بودیم و حقا هم باید در امر مجله نگاری مخصوصاً در این دوره نهضت معارفی رعایت نمود ، بیایان رسانیدیم . اینك باین شماره سال چهارم مجله مهر را آغاز میکنیم مجله مهر بواسطه دارا بودن مطبعه مخصوصی توفیق یافت سی و شش شماره را که در طی سه سال گذشته انتشار داده

حرف‌المیم بعد: الهاء

دهر، مهرگان، مهر منیر

اول هرماه بدون تأخیر توزیع و تقدیم مشترکین کند. و اما از بابت نهیه مندرجات مجله بشهادت صفحات مجله مهر نهایت اهتمام بعمل آمده که مجله حتی الامکان دارای مقالات عام المنفعه داخلی و ترجمه های مفید و اقتباسات سودمند باگراورهای جالب توجه باشد. بزرگترین شعرا و بهترین نویسندگان ایران آثار قلمی خود را زین صفحات مجله نموده اند و نیز از افکار علما و فضلاء نامی جهان استفاده و اقتباس و ترجمه شده است. مجله مهر در سال اول یک هزار صفحه و در سال دوم ۱۳۰۸ صفحه (با فردوسی نامه) و در سال سوم ۱۲۹۲ صفحه تقدیم خوانندگان محترم نموده باین سابقه مشترکین مجله مهر حقا انتظار توسعه و پیشرفت بیشتری در سال چهارم دارند. . . . (مجید موقر). آقای مجید موقر مدیر مجله مهر مدتی مدیر روزنامه ایران بوده و زمانی هم روزنامه خوزستان را منتشر نموده و نیز مجله مهرگان را تأسیس و انتشار داده است. نامبرده چند دوره نمایندگی مجلس شورای ملی را عهده دار بوده و یکی از نویسندگان ایران بشمار میرود.

(۱۰۴۹) مهرگان

مجله مهرگان در طهران بمدیریت و صاحب امتیازی (مجید موقر مدیر مجله مهر) تأسیس و در سال ۱۳۱۴ شمسی بطور هفتگی منتشر شده است. قیمت تک شماره این مجله يك ريال و شش ماه آن ۱۲ ريال و سالیانه ۴۴ ريال است.

منظور عمده از تأسیس و انتشار مجله مهرگان این بوده که چون مجله مهر مجله ادبی و تاریخی است این مجله قدری مطالب آن نزدیکتر بفهم باشد و مندرجات آن بیشتر داستانهای عشقی و حکایات نزدیک بفهم کودکان است. مهرگان نیز سه چهار سال منتشر شده است.

(۱۰۵۰) مهر منیر

روزنامه مهر منیر در شهر مشهد بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (محمد اسماعیل منیر مازندرانی) تأسیس و در سال ۱۳۳۹ قمری منتشر شده است. محل اداره روزنامه: مشهد. در بازار سرشور. آدرس تلگرافی مهر منیر. وجه اشتراك: یکساله داخله ۵۰ قران. خارجه ۶۰ قران. ششماه بترتیب ۳۰ قران، ۲۵ قران شمار روزنامه که در زیر اسم روزنامه چاپ شده این آیه (لیس للانسان الا ماسعی) است.

شماره ۲۸ سال ششم روزنامه در چهار صفحه بقطع بزرگ و با چاپ سربی طبع و در تاریخ دوشنبه ۲۴ صفر ۱۳۴۶ قمری مطابق ۳۰ مرداد ماه شمسی ۱۳۰۶ منتشر شده است. مندرجات این شماره پس از سرمقاله که بعنوان (ماله ایران ترقی خواهد کرد) عبارت است از (اخبار داخله) و (اخبار طهران) و چند مقاله مختلف و در صفحه چهارم تحت عنوان (یکمرد عظیم) یا (مخترع ابجد اثر اناطول فرانس) ترجمه منیر مازندرانی. بقیه از شماره بیستم چاپ شده است. شماره های اول و دوم و سوم این روزنامه در برج قوس ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده است.

محمد اسماعیل منیر مازندرانی - روزنامه آینده ایران در شماره نهم سال پنجم مورخ ۷ دیماه ۱۳۱۳ شمسی راجع بغوت مدیر روزنامه مهر دذیر اینطور نوشته است: « ضایعه عظیم در عالم مطبوعات و ادبیات - پنجه خشمگین و دست بی امان مرك باز یکی از عوامل مطبوعات ایران را

حرف‌المیم بعده‌الیاء

مهرمنیر، میزان

برده و نلمه سختی بیسکر معارف این مملکت وارد ساخت . فوت جانسوز مرحوم آقا میرزا محمد اسماعیل منیر مازندرانی مدیر و نویسنده روزنامه مهرمنیر خراسان که اخیراً واقع شده از واقعات تاثرآور و از جهت فقدان يك عنصر دانشمند و مورخ کم مانند بسیار اسف انگیز است - قسمت عمده زندگانی مرحوم منیر در ترکستان و مراحل کهنوت و شبخوبیت در مشهد سیری شده و مقالات تاریخی و ترجمه های مختلف آن مرحوم در جراید خراسان و بالاخره انتشار چندین سال جریده مهر منیر در شهر مشهد مقدس نمونه از فعالیت ادبی و سیاسی آن مرد دانا و توانا بود ما با تأسف از فوت یکی از ارکان مهمه مطبوعات ایران برادر عالی مقام آن مرحوم آقای حاج محمد جعفر آقا تاجر مازندرانی معروف بکشمیری تسلیت گفته شرکت خود را در این مصیبت اظهار میداریم . »

(۱۰۵۱) میزان

روزنامه میزان در طهران بمدير مسئولی (فخر الواعظین کاشانی) تاسیس و در سال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است . میزان روزنامه ایست سیاسی ، اخلاقی و هزلی که هفته يك نمره طبع و توزیع میشده . محل اداره روزنامه ، خیابان ناصریه نمره ۱۴ . وجه اشتراك سالیانه آن یکتومان و تك نمره صد دینار و در ولایات باضمام کرایه است . در عنوان روزنامه میزان در بالای اسم آن آیه (واقیموا الوزن بالقسط ولا تغسروالمیزان) و در زیر آن (الا ان حزب الله هم الغالبون) درج است . میزان معمولاً در چهار صفحه بقطع و زیری با چاپ سنگی طبع شده و هر صفحه آن مشتمل بر دو ستون و صفحه چهارم آن مخصوص کاریکاتورهاست .

شماره هشتم سال اول میزان با خصوصیات مذکور در مطبعه سنگی که اسمی از مطبعه آن نیست طبع و در تاریخ دو شنبه غره شوال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است . سرمقاله این شماره بدینقسم شروع میگردد : « موضوع مشروطه و ماحصل آن دو کلمه است . (حریت) ، (مساوات) حریت یعنی آزادی کدام آزادی هر شخص از تصرف دیگری در مطلق حدود و حقوق او . مساوات یعنی برابری . کدام برابری یکسان و برابر بودن تمام نفوس است در حقوق بشری و این هر دو مطلب از مقررات الهیه . . . » پس از این سرمقاله اشعاری بعنوان (ادبیات) درج شده که چند تای آنها چنین است :

رسید غره شوال و رفت سلخ صیام هزار حیف که ماه عزیز گشت تمام
مه صیام بسی بود معترم لیکن نبود حاصل او بهر ما بغیر از نام

بعد از این اشعار اخبار یزد و کاشان را نوشته و در انتهای صفحه سوم اعلانی راجع بکتاب (محمود) که راجع بهضرات تریاک و از تألیفات فخر الواعظین کاشانی مدیر روزنامه میباشد چاپ شده و نوشته است این کتاب در خیابان ناصریه در اداره روزنامه مجلس نمره ۳۴ برای فروش حاضر است . در صفحه چهارم که مخصوص کاریکاتورهاست تصویر محمد علیشاه طبع شده . در این کاریکاتور محمد علیشاه خطاب يك آخوند و دونفر دیگر میکند که غصه نخورید مطمئن باشید برك شماع السلطنه کاری بکنم که جنگیز نکرده باشد مشروطه خواهان را قتل عا و عیال و اولادشان اسیر اموالشان را تاراج خواهیم فرمود طهران را سه روز بدست ترکمان خواهیم داد .

(۱۰۵۲) میطقی

روزنامه میطقی در شهر تبریز بمدیری (الکساندر دروارتانیانس) بزبان ارمنی تأسیس و در سال ۱۳۳۰ قمری منتشر شده است. تربیت در فهرست روزنامه‌های آذربایجان (ص ۴۱۴) راجع باین روزنامه مینوسد: «میطقی. روزنامه هفتگی منتشر در تبریز با چاپ سری بمدیریت الکساندر دروارتانیانس در ۱۳۳۲ بجای توفیق پس از نشر شماره یک توقیف شده است.» بنابراین روزنامه میطقی بیش از یک شماره منتشر نشده است. و اما اختلافی که درباره سال انتشار روزنامه مشاهده میشود آنچه ما نوشته ایم (۱۳۳۰) نقل از کتاب تاریخ مطبوعات و شعر فارسی برون (ص ۱۴۴) میباشد ولی نوشته تربیت معتبر تر است. دروارتانیانس علاوه بر روزنامه میطقی روزنامه فکر را بزبان فارسی منتشر نموده است.

(۱۰۵۳) مینو

روزنامه مینو در شهر مشهد بمدیری (صدر المدرسین) تأسیس و در سال ۱۳۳۲ قمری منتشر شده است. طرز انتشار مینو هفتگی بوده است.

(۱۰۵۴) میهیان

مجله میهیان یعنی رنجبر در طهران بمدیری (اودیس یقیانس) بزبان ارمنی تأسیس و امتیاز آن در ۱۵ قوس ۱۳۰۳ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته است

(۱۰۵۵) میهن

روزنامه میهن در شهر اصفهان بمدیری و نگارندگی (ا.ب. شیروانی) تأسیس و در سال ۱۲۹۸ شمسی مطابق ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است. روزنامه میهن هفته دو بار چاپ و بخش میشده و در عنوان هر شماره مرام و مسلک روزنامه بدینقسم معرفی شده است (فرخونی، میانه جوئی، سیاسی، فرهنگی، سخن سرائی، پیام گستری). میهن از روزنامه‌هایی بوده که در آن رفیع طرفدار بکار بردن واژه‌های فارسی سره بوده و جلاتی که در آن بکار میبرده حتی المقصور بیارسی سره نوشته شده چنانچه سطر فوق شاهد آنست و نیز بجای کلمات مدیر و نگارنده که در عنوان روزنامه‌ها معمولست در این روزنامه (پراهم گرونگارنده) آورده شده نیز بعضی از مقالات روزنامه در اطراف چگونگی زبان فارسی و آلودگی آن با زبان عربی میباشد.

باوجود اینها میهن بیش از یک روزنامه معلی نیست. میهن باقطع متوسط و با چاپ سری در مطبعه (حب‌المتین اصفهان) طبع و در چهار صفحه توزیع شده. علاوه بر سرمقاله و مقالات دیگر روزنامه، اخبار اصفهان و سایر شهرهای ایران نیز در این روزنامه دیده میشود. شعار روزنامه که در عنوان آن نوشته شده جمله (حب الوطن من الایمان) است که بخط نسخ نوشته شده و در زیر آن یکی از اشکال مجسمه‌های تخت جمشید (اسب‌بالدار و چند ستون از ستونهای تخت جمشید) و در روی آن اسم روزنامه (میهن) با خط نستعلیق نوشته شده است. بهای میهن، کشور ایران یکساله ۵۰ قران.

حرف‌المیم بعده‌الیا

میهن

ششماه ۲۸ قران • خات بیگانه • یکساعه ۶۰ قران • ششماه ۳۵ قران • پس از گیل چهار شماره بها دریافت میشود • محل اداره • اصفهان • خیابان خوش • شماره ۱۵ سال اول میهن در تاریخ ۸ صفر ۱۳۳۸ قمری مطابق ۹ عقرب ۱۲۹۸ شمسی منتشر شده و پس از تاریخ مذکور تا اواسط حمل ۱۲۹۹ شمسی مطابق رجب ۱۳۳۸ قمری باز در اصفهان انتشار یافته و از آن پس تعطیل شده است علت عدم انتشار میهن در اصفهان گرفتاری بوده که برای مدیر آن آقای شیروانی پیش آمده و منتوی بزندانی شدن و پس از خلاصی از زندان عزیمت بپهران و انتشار روزنامه در پهران شده که از آن جداگانه گفتگو خواهیم کرد •

روزنامه راه نجات چاپ اصفهان در شماره دوم سال پنجم خود مورخ یکشنبه ۲۹ حمل ۱۲۹۹ شمسی شرح دستگیری مدیر میهن را تحت عنوان (اتفاق غیر مترقبه) اینطور مینویسد: «در چند روز قبل آقا میرزا ابوطالب خان شیروانی مدیر جریده میهن که شبانه از کلوب ایران و انگلیسی مراجعت مینموده از طرف مأمورین ژاندارمری حبس و توقیف در آن اداره میشود • بعضی اشخاص منافع بر تصور نمودند که از شلان خوردن مدیر میهن افکار آزاد نیز شلاق خورد • اما باید بدانند روح مقدس آزادی شلاق نخورده است • رئیس ژاندارمری اصفهان در آن هنگام مازور - فضل‌اله خان بوده و عمل او در جراید اصفهان و پهران مورد گفتگو واقع شده و باتفاق درخواست مجازات او را نموده‌اند من جمله شرح زیر در شماره ۳۷ روزنامه زبان زنان مورخ ۲۱ ذیقعد ۱۳۴۸ قمری نقل از فوق‌العاده روزنامه آسایش نوشته شده است: «آیا مازور فضل‌اله خان به مجازات نمیرسد؟ قابل توجه هیئت محترم دولت • در فوق‌العاده آسایش توجه دولت را باصلاحات بعضی جزئیات که کلیات از آنها مرکب میشود جلب مینماید و پاس احترامات نظام و مقام ژاندارمری را • محترم خواننده و سپس ترقیات برقیه مازور فضل‌اله خان را با اطلاعات مطلعین حواله داده و عدم استحقاق مشارالیه را در ریاست سه هزار نفر ژاندارمری و غیره علناً گفته در پایان خیانتی را که نسبت بمدير محترم روزنامه میهن مرتکب شده تقاضای محکمه صالحه را نموده که مازور مذکور بمجازات رسد • عقیده آسایش در مجازات مازور فضل‌اله خان اقل درجه اخراج وی برای همیشه از صف نظام است.»

برای استخلاص مدیر میهن از زندان مرحوم عارف قزوینی که در این وقت در اصفهان و در صدد دادن نمایش رستاخیز ایران بوده است اقدام نموده بالاخره نامبرده را در تاریخ یوم پنجشنبه ۲۵ رجب ۱۳۳۸ قمری از زندان ژاندارمری مستخلص میگردد و مدیر میهن پس از چند روز یعنی در شعبان سال مذکور بجانب پهران حرکت مینماید • حرکت او را روزنامه راه نجات در شماره ۴ سال پنجم خود تحت عنوان (حرکت مدیر جریده میهن) اینطور مینویسد: «مدیر جریده میهن پس از خوردن شلاق و مرخصی از اداره ژاندارمری مجدداً کالسکه برای او گرفته شد و تحت الحفظ بطهرانش روانه نمودند • علت اینگونه اقدامات را از روی قانون مادرك نگردایم •

روز نامه اختر مسعود چاپ اصفهان مینویسد: مطابق تلگرافی که مدیر روز نامه میهن بیرادش آقای شیروانی (نام برده کلر مند اداره ثبت اصفهان و در آن اداره مشغول کار است و اخیراً باز نشسته شده) نموده روز جمعه ۱۱ شعبان ۱۳۳۸: بطهران وارد شده و ضمناً از رئیس‌الوزراء و وزیر داخله در خواست نموده که چون عفو از بزرگتر است از گناه مدیر میهن صرف نظر

حرف‌المیم بعدء‌الیا

میهن

نماید. همین روز نامه در شماره ۲۰ سال اول خود مورخ ۲۵ جوزای ۱۲۹۹ شمسی راجع بآزاد شدن مدیر میهن مینویسد «مطابق اطلاعات واصله آقای میرزا ابو طالب خان مدیر محترم روز نامه میهن را از حبس باغ شاه آزاد نموده اند و حالیه در طهران با کمال آزادی حرکت مینماید». پس آزاد شدن مدیر میهن دیگر باصفهان نیامده و همانجا روز نامه میهن را منتشر نموده که از آن جداگانه گفتگو مینمائیم.

همانقسم که یاد آور شدیم پس از آزادی مدیر میهن در طهران دیگر باصفهان بر نگشته و همانجا روز نامه میهن را در اواخر سال ۱۲۹۹ شمسی منتشر نموده است. روز نامه زبان زنان در شماره ۴۷ سال دوم مورخ شنبه ۵ قوس ۹ ۱۲ شمسی راجع بطلیعه روز نامه میهن که در طهران بمدیری شیروانی منتشر شده اینطور مینویسد:

«پیشاهنک میهن- با این چاپاریک دوباره درخشان روز نامه میهن بنگارش میرزا ابوطالب خان بنان السلطان شیروانی با آناز باین سرواد، ایام هجر را گذرانیدیم و زنده ایم» مارا بسخت جانی خود این گمان نبود. ار طهران بما رسیده است. فیهون ور و سر دیر جان باز این نامه از درخشندگی دوباره میهن بنام پاک ایران، خامه تازی کرده و دژنامه‌های بس سنگین را بر سر و چهره آنا نیکه در ته زندان بوی سرریزی داشته. افشاند است و نیز از یاری همکاران میهن سیسگذاری نموده و در پایان بازگشت زندگانی نامه میهن را بهمان نخستین روش مزده و پیام میدهد» روز نامه میهن در طهران بصاحبو مدیری (ا. ب. شیروانی) تأسیس و شماره ۹۱ آن در هشت صفحه بقطع بزرگ با چاپ سری در مطبعه (نهضت شرق) طبع و در تاریخ سه شنبه ۹ جمادی الاخر ۱۳۴۰ قمری مطابق ۱۹ دلو ۱۳۰۰ شمسی و ۷ فوریه ۱۹۲۲ منتشر شده است.

میهن در طهران معمولا در سانه‌های اول و دوم خود در هشت صفحه انتشار می‌یافته و دارای مقالاتی تند و آتشین و یک روز نامه سیاسی و اجتماعی بوده است. سر لوحه روز نامه عبارت از نقشه ایران است که روی آن اسم روز نامه (میهن) چاپ شده و معمولا برنگ قرمز ویا آبی رنگین است. در گوشه سر لوحه تصویر (فروهر) و در بالای آن فرشته آزادی در پرواز است طرز انتشار میهن هفته دو روز شنبه و سه شنبه بوده. جای اداره، تهران خیابان چراغ برق عنوان تلگرافی. میهن بهای میهن، طهران یکساله ۶۰ فران. شش ماهه ۳۵ فران. ولایات داخله بترتیب ۷۰ فران و ۴۰ فران. خارجه باضافه اجرت پست و وجه اشتراك بعد از ارسال شماره اول دریافت میشود تك نمره ۸ شاهی.

ظاهر اول دمه که کتاب (اعتماد بنفس) تألیف (سموئیل اسمیت) را آقای (دشتی) ترجمه و چاپ نموده بعنوان یا ورقی در همین روز نامه بوده و در صفحات شش و هفت بنام (ترجمه. ش. ع. دشتی) طبع شده است. بجز از این یا ورقی کتاب دیگری هم باسم (شصت مسافرت در ایران) بصورت یا ورقی چاپ شده و در شماره ۹۴ قسمت راجع بکاشان بدینقسم ملاحظه میکرد: «در کاشان مرکب خود را دو باره بکالسه تبدیل و اول شب بسمت جنوب حرکت نمودیم - بقدری راههای اطراف کاشان خراب و پر گرد و خاک است که در تابستان عبور از آن مشکل ترین اقدامات است. از مؤلف و مترجم این کتاب ذکر نمی‌شود».

حرف‌المیم بعده‌الیا

میهن

مندرجات میهن هم‌اکنون که یاد آور شدیم عبارت از مقالات تند و آتشین سیاسی و اخبار مرکز و ولایات و مقالات مختلف و ترجمه‌های متنوع است. و نیز گاهی اشعاری در آن دیده می‌شود. شماره اول سال چهارم میهن در هشت صفحه در تاریخ ۲۰ حوت ۱۳۰۰ شمسی منتشر شده و سر مقاله آن تحت عنوان (یک نوروز دیگر) نوشته و خبر (مراسم سلام) را در صفحه اول این‌طور درج کرده است: «فردا دوساعت قبل از ظهر مراسم سلام عید نوروز در گلستان در حضور والاحضرت نیابت‌الملطنت عظمی بمعل خواهد آمد». از مقالات خیلی شیرین روز نامه میهن «مقلانیت که بامضای (ریزه) چاپ شده و من جمله یکی از این مقالات بعنوان (روز نومه حروم است) که در شماره ۱۱۳ مسلسل چاپ شده است. سر مقاله این شماره بعنوان: «مملکت می‌سوزد ولی» میباشد و در ۱۷ جوزای ۱۳۰۱ منتشر شده است. میهن مرتباً در طهران بطور یومیه و با قطع بزرگ (بقطع روز نامه ایران) چاپ شده و من جمله در سال پنجم بدین نحو بوده است: شماره ۱۲ سال پنجم که دارای نمره مسلسل ۲۳۸ میباشد در چهار صفحه بزرگ در تاریخ شنبه ۲۲ قوس ۱۳۰۲ مطابق ۶ جمادی‌الاولی ۱۳۴۲ قمری انتشار یافته. در این سال دو یا ورقی یکی بنام (ملیونهای مار سون - مترجم علی صادقی) و دیگر (رنکول و کیل ترجمه عباس انتظامی) در صفحات دوم و سوم چاپ شده است.

آخرین شماره که نگارنده از میهن در دست دارم شماره ۷۷ سال هفتم میباشد که دارای نمره مسلسل ۴۰۲ و در چهار صفحه بقطع بزرگ و سر مقاله آن تحت عنوان (نوروز) و دارای تمام اخبار خارجه و داخله است. این شماره در تاریخ جمعه ۳۰ اسفند ۱۳۰۴ شمسی منتشر شده است. در صفحه چهار این شماره تحت عنوان (اصفهان) اشعاری اثر طبع دولت آبادی چاپ شده که چند شعر اول آن این است:

برای دین ارحام خود زخویش و تبار	باصفهان رفتم در یگهزار و سصد و چار
چند ساعت رفتم باصفهان از ری	بیای مرکب خود رو از جاده نیزار
مرا علاقه با اصفهان برون از حد	مرا روابط با اصفهان فزون ز شمار
بیادگار صفاهان و دوستان عزیز	بجمع ادبی میفرستم این اشعار

میرزا ابوطالب خان شیروانی — جامع ترین شرح حالی که از مدیر روزنامه میهن دیده‌ام شرحی است که در روزنامه جارچی ملت نوشته و ما عیناً آنرا نقل می‌نمائیم: «آقای میرزا ابوطالب خان شیروانی نماینده شهرضا (فقه) در شوال ۱۳۰۹ قمری در شهر اصفهان متولد در سن هشت سالگی در اولین مدرسه جدیدی که در آنجا دایر شده شروع بتحصیل و در سن ۱۲ سالگی دوره ابتدائی را ختم و وارد مدرسه انگلیسی که بهترین مدرسه آن عصر بود بتحصیلات متوسطه پرداخته و در عین حال در خارج بتکمیل علوم ادبی و دینی و منطلق صرف عمر فرموده و در خلال تحصیلات خود مصادف با تغییر رژیم و انقلاب مشروطیت گردیده و علاوه بر فداکاری‌های بزرگی که در این راه نشان داد تأسیس انجمن و مدرسه رشديه که سومین مدرسه جدید در اصفهان بود از آثار معظم‌ایه است. در سن ۱۹ سالگی عضویت دفتر انجمن ولایتی اصفهان منتخب و در ببارد مان مجلس و کودتای محمد علی میرزا مورد تعقیب قشون استبداد واقع‌خانه ایشان عارت و خودشان بمعیت مرحوم حاج سید اسدالله اصفهانی و کیل فارس در دوره اول (خانواده

خرف المیم بعله الیاء

میهن

معظم الیه) فرار و بطرف عتبات عالیات رهسپار و از آنجا با کسب دستور از مرحوم آیت الله خراسانی بخلیج فارس معاودت و عامل مؤثر انقلاب خلیج در مقابل محمد علی میرزا ایشان و مرحوم حاج سید اسداله اصفهانی بوده اند.

پس از معاودت از جنوب تا قبل از مهاجرت در اصفهان مشغول خدمات دولتی در ادارات امنیه و نظمیه و مالیه بوده در موقع مهاجرت بمصاحبت آقای چراغعلی خان سردار صولت بختیاری بکمیته دفاع ملی پیوسته و بهمین مناسبت علاقه و خانه و هستی او مورد نهب قشون تزاری و بستگان ایرانی آنها شده و این زدو خورد با اجانب تا موقع قرار داد ۱۹۱۹ و واقعه موله مازور فضل اله و توقیف روز نامه میهن ادامه داشته. پس از استخلاص از حبس قرار داد در طهران رحل اقامت افکنده بدو آروز نامه آسایش را اداره نموده و سپس روز نامه رشید میهن را از توقیف خارج و ندای تجدد فعلی ایران قبل از همه در صفحات میهن بلند و بعد از کودتا در دوره پنجم به نمایندگی شهرضا و نیز در دوره ششم با یک حسن استقبال بی نظیری بنماینده کی محل مزبور منتخب و فعلا یکی از وکلای میرزا این دوره بشمار میرود « شماره ۹ و ۱۰ سال بیستم جارچی ملت مورخ ۱۳ تیر ماه ۱۳۰۶ شمسی.

پس از دوره ششم مجلس و در تمام مدت سلطنت اعلیحضرت قجیمیدیر میهن از امور سیاسی برکنار و تقریباً خانه نشین بود تا پس از وقایع شهریور برای بار دیگر در شهریور ۱۳۲۳ شمسی روز نامه میهن را پس از مدتها تعطیل در طهران منتشر نمود و چندی بیز ریاست اداره تبلیغات را بعهده داشت و در دوره یازدهم و شانزدهم در صدد بر آمد که بنماینده کی شهرضا بمجلس شورای ملی برود ولی در دوره یازدهم آقای سردار اعظم کاندید ای شهرضا و در دور شانزدهم دکتر کیان بر اوقالب شدند و وی توفیق حاصل ننمود. این بود اجمالی از زندگانی میرزا ابو طالب خلن شیروانی. نامبرده مردی فعال و جدی و خستگزار مردم است البته دشمنانش نیز برای او عیو بی ذکر میکنند که ما از ذکر آنها صرف نظر میکنیم. در پایان این شرح بی مناسبت نیست آنچه را آقای شیروانی تحت عنوان (میهن) در شماره ۴۷۵۸ سال شانزدهم روزنامه اطلاعات مورخ دوشنبه ۱۵ دیماه ۱۳۲۰ شمسی نوشته بینه نقل نماییم، د د د د د

روز پنجم سنبله (مردادماه) ۱۲۹۸ خورشیدی يك روزنامه تند خو و عصبانی، در ۸ صفحه با قطع متوسط بنام میهن در اصفهان با بمرصه انتشار نهاد. این روزنامه پس از انتشار شماره دوم، هر روز با زد و خورد و کشمکش و انواع گرفتاریها و بدبختیها دست و گریبان بوده تا آنکه بالاخره در سی ام حمل (اسفند) ۱۲۹۹ بایک حادثه فجیع و خونینی باتفاق نویسنده آن بسیاچهال توقیف و سپس تبعید و حبس باغشاه افکنده شد. روزنامه میهن در سال ۱۳۰۰ بدو هفته کی و بعد بطور هفتگی و هم یومیه در تهران بتجدید انتشار موفق و درست روز سی ام اسفند ۱۳۰۴ یعنی بعد از هفت سال در زیر فشار سا نور نظمیه نا توان شده و بالنتیجه غروب کرد. سرگذشت پر حادثه این روزنامه تند و منتقد و تاریخ طلوع و غروب آن که در اصفهان منتهی بیک سلسله وقایع سیاسی گردید فعلا از موضوع بحث خارج است. فقط

حرف التون بعده الالف

نادره ایران ، ناصر الملّه

یکی از گنا هان کبیره این روزنامه اسم آن میهن بود و روی همان منبری که حکم حکم تکفیر نویسنده آن صادر شد ، گفتند اسم این روزنامه هم (ارمی) اس و خود یکی از دلایل کفر نا شر است . فراموش نمیکم که مدتی بین اهل لغت و دانشمندان با نگارنده بر سر کلمه میهن گفتگو و مشاجرات قلمی جریان داشت و آنها نیز زیر بار اینکه میهن بمعنای وطن است نمیرفتند . . . و گرچه با نهایت تأسف قدرت استفاده از این بازار آزادی قلم را در خود نمی بینم و خویشتن را لایق همکاری با اربابان جراید کنونی نمیدانم ولی لاعلاج انتشار جدید نام میهن را بوزارت فرهنگ اعلام داشته ام که لدى الاقتضا بنشر آن همت گمارم .»

حرف التون

(۱۰۵۶) نادره ایران

روزنامه نادره ایران در طهران بمیدری (میرزا موسی خان) تأسیس و در سال ۱۳۰۴ شمسی بطور هفتگی منتشر شده است . امتیاز این روزنامه در تاریخ خرداد ماه سال مذکور از تصویب شورای عالی معارف گذشته است .

(۱۰۵۷) ناصر الملّه

روزنامه ناصر الملّه در طهران بصاحب امتیازی و موسی (میرزا عیسی زنجانی) تأسیس و در سال ۱۳۴۲ قمری منتشر شده است . شماره اول این روزنامه در هشت صفحه بقطع بزرگ و با چاپ سری در (مطبعه بوسفور) طبع و در تاریخ یکشنبه سلخ ربیع الثانی ۱۳۴۲ قمری مطابق ۱۷ برج قوس ۱۳۰۲ شمسی و ۹ دسامبر ۱۹۲۲ میلادی توزیع گردیده است . طرز انتشار ناصر الملّه هفتگی بوده و محل توزیع : خیابان جباخانه مقابل سبزه میدان معین شده است . وجه اشتراك که همه جا قید شده مقدمتاً دریافت میشود سالیانه با انضمام یکصد سطر اعلان در طهران ۵ تومان ولایت داخله با اجرت پست . حارجہ ۶ تومان است . و برای ارباب معارف و مستخدمین جزه و کارگران نصف است . تک شماره هفت شاهی .

اسم روزنامه (ناصر الملّه) بخط نستعلیق درشت نوشته شده است و در زیر آن سال تأسیس (۱۳۴۲) و در زیر عنوان روزنامه بدینقسم معرفی شده است : « جریده ایست مستل الافکار - سیاسی - اقتصادی - اخلاقی - اجتماعی - ادبی . » مقاله افتتاحی ناصر الملّه تحت عنوان (مقصد و مقصود) نوشته شده و قسمتی از آن بدینقرار است : « در موقعی که از یکطرف شغل مهم با افتخار جریده نگاری معض دخالت اشخاص نا اهل و قلمهای نا پاک فاقد اهمیت و حیثیت گردیده - از طرف دیگر تنگدستی عمومی بدرجه اعلی رسیده است - مسلمان خوانندگان محترم و واقفان بعقیده و سلیقه بنده از این اقدام بی موقع جریده نگاری متحیر خواهند گردید بناء علیه لازم است که بدو مقصود خود را در فرا های ذیل عرضه داشته و آنگاه حل جریده نگاری و

حرف‌النون بعده‌الاناف

ناصرالمله

انتشار جریده (ناصر الملّه) را بطور اجمال شرح داده و بعد شروع بمقصد بنمایم.....
این علل را در چهار چیز شمرده اول نشان دادن نمونه يك جریده وظیفه شناس . دوم خدمت بتحکیم مرکزیت و تقویت دولت . سوم . کوشش باستقرار حکومت ملی چهارم سعی قلمی بایجاد منابع ثروت .

این سرمقاله تمام صفحه دوم را فرا گرفته است . سپس مقاله دیگری تحت عنوان (مقاله نجات یا وسیله حیات) چاپ شده که آنهم نه صفحه روزنامه را اشغال کرده است . این دو مقاله هر دو بامضای (ناصر الملّه) میباشد یعنی از طرف اداره روزنامه است . بعد (خلاصه اخبار داخله) و (حکایت محیب و فربب) و در خاتمه ترجمه کوتاهی از یکی از جراید اسلامبول چاپ شده است . سرمقاله شماره دوم که بهمان قطع شماره اول در هشت صفحه طبع و در تاریخ ۲۶ برج قوس منتشر شده است تحت عنوان (خرابی مملکت - پریشانی ملت از نفاق است) نوشته شده . در سرمقاله شماره سوم بعنوان (نتیجه مقاله نجات) اقدام دولت راجع بنفت شمال و تهیه لایحه راه آهن برای تقدیم بمجلس را در نتیجه مقاله روزنامه دانسته و برای اینکه خوانندگان خسته نشوند صفحات روزنامه را بچهار صفحه تقلیل داده و در عرض هفته دو شماره نموده است . ناصر الملّه دارای سرمقاله های مفصل و طولانی و در چند شماره از آن بهصبا مدیر روزنامه ستاره ایران حمله کرده که پرا نامبرده بملك الشعراي بهار تاخته است . این روزنامه از مخالفین سر سخت جمهوریت . از ناصر الملّه فعلا تا شماره ۱۹ سال اول مورخ جمعه ۸ ذیحجه مطابق ۲۱ سرطان ۱۳۰۳ شمسی در دست است .

(۱۰۵۸) ناصری

روزنامه ناصری در تبریز بمدیری (محمد ندیم باشی مدیر مدرسه مظفری تبریز) تأسیس و در سال ۱۳۱۱ قمری منتشر شده است . این روزنامه در تحت اداره ندیم - السلطان وزیر انطباعات بوده و در تقویم ضمیمه کتاب (التدوین فی احوال جبال شروین) تالیف محمد حسنخان اعتمادالسلطنه درباره ارباب مشاغل در سال یونتایل ۱۳۱۱ قمری ، روزنامه ناصری منطبقه تبریز را جزو وزارت انطباعات ذکر نموده و تشکیلات مطبعه و روزنامه را بدینقسم ضبط کرده است : « عمل روزنامه و باسم خانه های آذربایجان بریاست نواب والا امیر زاده عباسقلی میرزا مجرر نفر . فرش دو نفر اداره روزنامه مبارکه ناصری منطبقه تبریز بریاست جناب آقا میرزا محمد ندیم باشی حضرت ولایت عهد و رئیس مدرسه مظفریه تبریز جناب صدق الملك منشی مخصوص حضرت ولایت عهد منشی و مدیر » .

طرز انتشار روزنامه ناصری هر ده روز یکبار با چاپ سنگی بوده و مدت هشت سال (۱۳۱۱-۱۲) منتشر گردیده است . مندرجات آن نیز مطالب مربوط باقتصاد و فلاح و صنعت بوده و من جمله در شماره ۲۹ سال دوم مورخ شنبه ۱۱ رجب ۱۳۱۲ قمری مقاله راجع به (کشت کتان) و در شماره ۳۴ مورخ شنبه غره رمضان شرحی

ناطق الاسلام ، ناقد

رفاهان بعله لاف

راجع باختراع هوايما نوشته است روزنامه ناصري مدتي هم تحت نظر (اقبال الكتاب) و در سالهاي اخير بديري (حاج ميرزا مسعودخان صناءالممالك فرزند حاج سيدحسن عدل الملك تبريزي) منتشر گرديده . هر شماره آن در چهار صفحه بقطع شش و سه چهارم در دوازده اينچ بوده است . قيمت اشتراك ساليانه آن ۱۶ قرآن در ايران ، چهارمنا در روسيه و قفقاز . ۴۰ مجديه در تركستان . ۵ رويه در هندوستان شماره ۳۲ سال سوم ناصري در تاريخ غره رمضان ۱۳۱۴ قهري منتشر شده است . تربيت در فهرست روزنامه هاي آذربايجان يك سطر درباره اين روزنامه قناعت کرده مينويسد : « ناصري روزنامه ده روزه منتشر در تبريز با چاپ سنگي بديريت محمد نديم باشي مدير مدرسه مظفري و بعد از آن مسعود عدل در ۱۷ - ۱۳۱۱ »

(۱۰۵۹) ناطق الاسلام

روزنامه ناطق الاسلام در شهر مشهد بديري (آقاشيخ حسين تربتي) تاسيس و بطور هفتكي در سال ۱۳۰۴ شمسي منتشر شده است . امتياز ايسن روزنامه در خرداد ۱۳۰۴ از تهويب شوراي عالي معارف گذشته است .

(۱۰۶۰) ناقد

روزنامه ناقد در اصفهان بديري (آقامسيح تويسرگاني) تاسيس و در سال ۱۳۲۶ قهري منتشر شده است . اسم روزنامه در مبرمي كه اخلاص آنرا كلمات (عدالت - حريت - مروت - حمت) تشكيل داده نوشته شده و در بالاي آن آيه شريفة ، (فاذا نقر في الناقور فذلك يومئذ يوم عسير) و در زير آن (علي البكرين غير يسير) طبع گرديده . طرز انتشار ناقد هفتكي بوده و آيوه اشتراك ساليانه آن ، اصفهان ۱۴ قران ، ساير بلاد ۱۷ قران تك نمره اصفهان ۴ شامي . ساير بلاد ۵ شامي . اعلانات سطري دو قران . روزنامه ناقد در ۴ صفحه بقطع شش و يك سوم در يازده و سه چهارم اينچ با چاپ سنگي طبع گرديده و در زير عنوان بدينه - م معرفي شده است ، « جريده ايسن سياسي اخباري ، علمي ، تاريخي ، اخلاقي و خلاصه مذاكرات انجمن ولايتي دروي درج ميشود . » ، عنوان مراسلات و محل توزيع ، اصفهان . تبچه قهوه اداره آقا سيد حسن مؤمن زاده . مندرجات ناقد همانند ساير جرايد معلي صدر مشروطيت عبارت از يك سرمقاله و اخبار معلي و مقالات مختلف راجع بمشروطه و تظلم از مستبدان ميباشد . اما مطلب تازه كه در روزنامه ناقد ديده ميشود قسمتي است كه در اغلب نمرات آن تحت عنوان (زشت و زيبا) نوشته شده و در حقيقت نظير (چرند و پرند روزنامه صور اسرافيل) ميباشد . برون در كتاب تاريخ مطبوعات و شعر فارسي م ۱۴۵ كه شرح مختصري درباره روزنامه ناقد نوشته راجع باین قسمت مينويسد ، « قسمتي از مطالب روزنامه ناقد شرحيست انتقادي و كميك تحت عنوان زشت و زيبا كه حكاييت از ذوق مطبوع ادبي نويسنده آن مبنمايد . » براي نمونه قسمتي از زشت و زيبا مندرج در نمره ۱۶ ناقد را ذيل نقل مينمائيم .

زشت و زیبا

یکی بود و یکی نبود . غیر از شما خدا هیچکس نبود چرند و پرند مقدمات است علم حاصل میکند خبر مقدم بر مبتدا است صبر داشته باش صغری و کبری است نتیجه بدست میدهد یا در حالت اختیار مجبور نشویم یا در بین آزادی گرفتار نشویم آخر میبینی حسن گول میزند از حسن اندیشه کن آخر میبینی آقا تهاجل میکند تو عاقل باش آخر میبینی یارو خر است تو آدم شو . آخوند ملا هورا ازیرا نشد ازورا یا از این مرحله بگذریم آخر تا کی بیکار بیکار راه برویم ؟ آخر تا کی گرد و غبار کثیف استنشاق کنیم آخر تا کی خرج باشد دخل نداشته باشیم ؟ یا از این مقصده هم بگذریم ؟ آخر تا کی نفاق و رقابت ، آخر تا کی دشمنی و عداوت ، آخر تا کی تدلیس و شقاوت ، سبحان الله . آخر در مملکت آد یافت نمیشود ؟ آخر این وطن ما آباد نمیکردد ؟ مگر اهل این مملکت از جر که آدمیت دورند ؟ مگر قوای انسانی از افراد ایرانی سلب شاه ؟ مگر آسایش و راحتی برای ما مخلوق خلق نشده ؟ مگر در فضای ایران مهلب آدمیت نیوزد ؟ ... بی مناسبت نیست برای مزید اطلاع خوانندگان بقیه مندرجات نمره ۱۶ ناقور را که در ۸ صفحه چاپ شده و در تاریخ دوشنبه جمادی الاول ۱۳۲۷ قمری منتشر گردیده نقل نمایم ، بعضی سرقاله (قصیده‌ای که جناب اصح المتکلمین و صدرا الواعظین آقای فصیح الزحان شیرازی در احبای مشروطه سروده‌اند) مرق کرده و چند شعر اول این قصیده چنین است :

مژده سخته مشروطه زد لوی مجدد	کالبد ملک یافت روح مجرد
مژده که افکند باز مجلس شوری	بر سر هفت آسمان دو مرتبه صند
نوبتی طبع کوفت کوس بشارت	بر زبر طاق نه رواق زبرجد

بعد از این اشعار مقاله تحت عنوان (فاصله‌ها بین اخویکم باشتی به برای نوردیده گوی فلاح) درباره مشروطیت مجدد سبسی (۱۰-تتمیات ده گانه ملت ایران از دربار معدلت مدار همایونی) و آن شرحیت که سیه دار اعظم و انجمن ولایتی قزوین بهمه جاتلکراف نموده . پس از آن (توضیح و اختطاری است که از طرف جنرال قنول دولت روس بعنوان انجمن ولایتی ارسال داشته) و (توضیح از طرف اداره مالیه) و (اعلان بلدی) و درخاته (زشت و زیبا) چاپ شده است . نمره اول ناقور در تاریخ ۲۱ ذیقعه ۱۳۲۶ قمری و نمره نهم روزنامه در ۲۴ صفر ۱۳۲۷ قمری منتشر شده . روزنامه بخط نسخ خوب است . از ناقور جمعا ۲۵ نمره منتشر گردیده است .

آقا مسیح قویسرگانی - آقا مسیح قویسرگانی مدیر ناقور از عناصر صالح و میهن دوست و از بانین مشروطیت و خدمتگذار مملکت بوده نامبرده در سالهای ۱۳۲۵ قمری به بعد چندی رئیس معارف و اوقاف یزد و قبل از آن نیز امین لوقاف اسفهان بوده و از این راه نیز خدماتی نموده است .

(۱۰۶۱) ناله ایران

روزنامه ناله ایران در طهران در سال ۱۳۰۲ شمسی بطور هفتگی تأسیس و منتشر شده است .

(۱۰۶۲) ناله ملت

روزنامه ناله ملت در تبریز بمدری (میرزا آقا) تأسیس و در سال ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است. روزنامه ناله ملت در چهار صفحه بقطع دوازده و یک چهارم در هشت و یک چهارم اینچ با چاپ سنگی طبع شده و مندرجات آن پس از سرمقاله و یک دو مقاله دیگر، اخبار ولایت آذربایجان و دادخواهی های مردم از ادارات دولتی و اخبار محلی تبریز و شهرهای ارومیه و سلماس است عنوان مراسلات، تبریز جنب کمیون اهانه، هیئت تحریریه، قیمت اشتراك سالیانه تبریز ۸ قران مالت داخله ۱۰ قران خارجه ۴ منات، تك نمره صد دینار.

در هر شماره در زیر عنوان ناله ملت اینطور معرفی شده است: «روزنامه ایست که در مصالح عامه و منافع ملیه در نهایت آزادی سخن میگوید مکاتیب سودمند را با امضاء معروف قبول و درج مینماید». نمره ۲۸ سال اول روزنامه در چهار صفحه در تاریخ شنبه ۱۸ شهر شوال ۱۳۲۶ قمری منتشر گردیده. لازم است یاد آور شویم که برون در تاریخ مطبوعات (ص ۱۴۵) اشتباهاً تاریخ نمره ۳۸ سال اول روزنامه را که در دست داشته ۱۴ محرم ۱۳۲۶ نقل نموده و ناچار شده است که تاریخ تأسیس روزنامه را اواخر سال ۱۳۲۵ قمری بدانند نه سال ۱۳۲۶ در صورتیکه سال انتشار همان ۱۳۲۶ میباشد و چون طبق نمونه موجود شماره ۲۶ سال اول در شوال ۲۶ منتشر گردیده یقیناً نمره ۳۸ باید در محرم ۱۳۲۷ انتشار یافته باشد. و ممکن است تاریخی که برون نقل کرده در نمره نمونه او اشتباه چاپ شده باشد و برون بدان توجه ننموده است. بهر صورت سال تأسیس و انتشار روزنامه همان ۱۳۲۶ قمریست. تربیت نیز سال ۲۶ را سال انتشار ضبط کرده و مینویسد: «روزنامه هفتگی منتشر در تبریز با چاپ سنگی بمدریت میرزا آقا در ۱۳۲۶».

کسروی در جلد سوم تاریخ مشروطیت ایران (ص ۲۰۸ چاپ اول) در جاییکه از انجمن تبریز گفتگو نموده شرحی راجع بروزنامه ناله ملت نوشته و معتقد است که شماره اول این روزنامه بنام (نوی ملت) از طبع خارج شده و از شماره دوم نامش را (ناله ملت) گردانیدند. سپس اضافه میکند: «از روزیکه اسلامیه سربرافراشت (منظور انجمن اسلامیه است بدست مخالفین مشروطه. مؤلف) و از شهر ایمنی برخاست روزنامه ها بریده شد و چاپخانه ها بسته گردید. در تبریز يك چاپخانه سری بزرگی میبود که گویا شادروان سعید سلماسی آنرا برپا گردانیده آنرا نیز روزتاراج مغازمهای مجیدالملک سواران قره داغ و مرند تاراج کردند و بهمزدند».

تا کنون روزنامه نیبود تا (ناله ملت) آغاز یافت. این روزنامه چنانکه از نامش پیدا است بیش از همه بهر نوشتن ستمگریهای دولتیان و ستمدیدی که توده میبود ولی کم کم زمینه دیگر گردیده بیش از همه زبونی دولتیان و فیروزی توده در آن نوشته میشد. سپس روزنامه انجمن نیز دوباره منتشر شد و چون این زمان چاپخانه سری نیبود، آن نیز بروی سنک چاپ میشد. هنگامیکه در ایران روزنامه نیبود (جز از روزنامه دولتی در تهران) بدینسان در تبریز دو روزنامه نوشته میشد.

مرحوم کسروی پس از بیان شرح مذکور يك قسمت از اشعاری را که آنوقت در تبریز مشهور

حرف النون بعده الالف

ناللملت ، ناهید

بوده و در یکی از شماره‌های ناله ملت چاپ شده نقل کرده است ،
 من ایخدا بتو نالم ززامدان ریائی
 که عالمی بفریند با قباوردائی
 این اشعار از جعفر آقا خامنه‌ایست و برای اطلاع از بجه آنها باصل کتب تاریخ شروطه ایران
 رجوع شود . و نیز اشعار دیگری که بزبان ترکیست از ناله ملت نقل شده و یک‌شمار آنها چنین‌است
 ای ستمگر او لماراق ماتین افنا شد
 پادشاه من گیت گلن بیگانه لرد هواسه

آنچه از عبارات کسروی در کتاب تاریخ مشروطیت ایران معلوم میشود این است که روزنامه
 ناله ملت در موقع سختی نان و شوریدگی اوضاع تبریز دیگر منتشر نشده ولی روزنامه انجمن پس
 از دیری چند شماره بیرون آمده است .

میرزا آقا ناله ملت مدیر روزنامه ناللملت علاوه بر این روزنامه ، روزنامه استقلال
 را نیز منتشر نموده و برای اطلاع از آن و شرح حال میرزا آقا بجلد اول کتاب ذیل استقلال
 رجوع شود . در این جا فقط شرحی را که روزنامه چهره نما چاپ مصر در شماره ۵ سال هشتم
 مورخ ۱۵ ربیع الاول ۱۳۲۹ قمری از قول مغیر خود در تبریز نوشته نقل مینمائیم خلاصه شرح
 مذکور این است : « در حکومت حاج مغیر السلطنه (منظور حکومت آذربایجان اوست . مؤلف)
 پس از ورود رحیم خان بتبریز عده عزل مغیر السلطنه را خواسته و نزدیک بود تبریز آشوب شود
 لذا از طهران تلگراف شد بمغیر السلطنه که هر قسمی هست فتنه را بخواباند . مغیر السلطنه عده
 را گرفتار و معبوس مینماید من جمله (مشهدی میرزا آقا مدیر روزنامه) را . « سپس مدیر روزنامه
 چهره نما اضافه میکند که حبس جناب آقا میرزا آقا مشهدی ناله ملت و استقلال و (حشرات
 الارض) که نخستین شماره اش این هفته با اداره رسیده ما ندانستیم بچه سبب بوده و باید منتظر
 خبر مفصل مغیر خود باشیم زیرا مغیر السلطنه مرد معارفخواه است .

(۱۰۶۳) ناهید

در سالنامه ۱۴ - ۱۳۱۵ معارف فارس ذکری از روزنامه ناهید نموده که در سال ۱۳۲۶
 قمری در شیراز منتشر شده است وای نگارنده تا کنون نمونه ویا اطلاعی از آن بدست نیاورده‌ام .

(۱۰۶۴) ناهید

روز نامه ناهید در طهران بدیری و سر دیری (میرزا ابراهیم خان ناهید) تأسیس و در
 سال ۱۳۰۰ شمسی منتشر شده است . شماره اول ناهید در تاریخ ۲۲ حمل ۱۳۰۰ انتشار یافته
 و تا اول دیماه ۱۳۰۶ جمعاً سیصد و یک نمره از آن منتشر گردیده و در این مدت چند مرتبه توقیف
 و سه دفعه تحت عنوان (ستاره صبح - افلاک - خلق) انتشار یافته است . ناهید اولین روز نامه
 کاریکاتورست که در میان توده مردم رواج پیدا کرده و چون مقالات آن بزبان ساده عوام‌فهم
 نوشته شده مورد استفاده عموم طبقات بوده است .

ناهید یک مرتبه در پایان سال اول توقیف شده و در تاریخ سه شنبه ۲۴ شعبان ۱۳۴۱ مطابق
 ۲۰ حمل ۱۳۰۲ از توقیف خارج گردیده و سر مقاله این شماره تحت عنوان (مرام ناهید)

حرفاتون بعدءالاف

ناهید

چاپ شده و بدینقسم شروع میگردد : « ناهید يك مرتبه دیگر عرض اندام کرد . برای چه ؟ چه مقصودی دارد . » در این شماره موسس و صاحب امتیاز ابراهیم ناهید و مدیر حسن علوی معرفی شده است . در شماره ۱۳ سال دوم که در تاریخ شنبه ۱۷ صفر مطابق ۶ میزان ۱۳۰۲ منتشر شد موجد میرزا ابراهیم خان ناهید و صاحب امتیاز و مدیر (حسین زبده) تعیین گردیده است . و نیز در شماره ۱۴ سال دوم و ۱۵ سال دوم که دارای نمرات مسلسل ۱۹ و ۲۰ است در تاریخ ۲۹ سرطان ۱۳۰۲ منتشر شده موجد ناهید و صاحب امتیاز و مدیر (حسین زبده) معرفی شده است .

پس از انتشار شماره ۲۴ - ۲۹ بار دیگر ناهید توقیف شده و همین مناسبت پس از خروج از توقیف سه مقاله شماره ۲۵ تحت عنوان (ریخت و یاش لوطی گری یا توقیف روزنامه ناهید) درج شده و برای اینکه نمونه از سبک مندرجات ناهید در دسترس خوانندگان گذاشته باشیم تمام این مقاله را نقل مینمایم .

« روز نامه هفتگی ناهید که در مائمه ایران حکم تفرجگاه عمومی را دارد پس از انتشار شماره ۲۹ و ۲۴ توقیف گردید . چرا و بچه جهت ؟ درست نمیدانیم . اگر هم حرفی گفته و دری از در های حقیقت سفته بودیم خیلی سر بسته و مرموز و در حکم معما و لغز بود . بدرفتاری روزگار دون و کج گردی چرخ بوفلمون طوری همه را عصبانی کرده که از مزاج و شوخی هم مبرنجند . اگر قارئین گرام ما از تعطیل موقتی ناهید و از حرمان ملال آوری که دو سه هفته نصب آنان شد ملولند خود ما با همه خسارات مادی و معنوی چندان دلتنگ و متأثر نیستیم زیرا در این دنیا . خاصه دنیای شرب البهود ایران بقول مرحوم جواد شله که یکی از معارف لوطیها و اجلاء خوشمزه های عصر ناصری بود هر کاری يك ریخت و یاشی دارد .

مرحوم جواد شله طالب نراه که از فعول این سلسله و از طراز اول لوطی های اصفهان و از اهل قمشه بود - بواسطه بیانات شیرین و نمکین و خوشمزگی و حسن معاشره با همه حکام و رجال دولت آشنا و مورد توجه ظل السلطان و صیت فضایل و اشتهاش تا در بار شاه هم رسیده بود . شاهکار های این لوطی نامی زیاد و در پیش قضا معروف است .

يك روز از طرف شاه برای ظل السلطان خلعت آوردند ، در موقعی که شاهزاده با کوبه و تشریفات هرچه تمام تر بخلعت پوشان میرفت . در جلو موکب والا قماره مینواختند - پهلوانها گبور که میگرفتند - مطربها میزدند ، رقاصها میرقصیدند . جواد شله در بین راه تعظیمی کرد . شمری مناسب خواند ظل السلطان آنتنایی باو نکرد جواد مکر شده بصرام الموه شوهر بانوی عظمی که در حریم شاهزاده حرکت میکرد گفت : « برفیقت بگو ای بیخیرت مدتی است دستی بسرو گوش مانمالیده ای یادی از ما نکرده ای - آیا اینست وفا و عهد یاری ! حالا که باین جلال میروی درد مارا بتفقدی دوا کن ظل السلطان شنید فوراً مبرغضب خواست حکم داد گوشهای جواد را بریده مهارش کرده در بازار بگردانند .

حکم بوقع اجرا گذارده شد میر غضبها طشت و سر مهار را بدست گرفته در کوچه و بازار گردانند ! هر يك از رفقا که بجواد میرسید میگفت : « آقا جواد خدا بد ندهد . » میگفت : « داداش بد نبینی بعلوی و لوطی گری ریخت و یاش دارد ؟ يك روز رفت بانگ شاهنشاهی

حرفی النون بعده الالف

ناهید

اصفهان بر رئیس گفت دوهزار تومان پول میخواهم - رئیس بطور تمجب گفت مگر نشنبه ای ما پول بدون ضامن و گرو نمیتیم گفت من هم ضامن میدهم - پرسید ضامنت کیست ! خصیتین خود را نشان داد رئیس متغیر و فوراً سوار شد رفت خدمت ظل السلطان شکایت کرد ظل السلطان هم که دل پری از لوطی داشت و بی بهانه میگشت فرستاد جواد را آوردند بدون سؤال و جواب حکم کرد سرش را بریدند .

این است سر نوشت غم انگیز یکی از بزرگترین لوطیهای ایران که بالاخره جان عزیز خود را روی بیماری و خوشمزگی گذاشت . حالا ما بخوانند کن محترم عرض میکنیم ریخت و پاش ناهید هم که در چنین محیط هرج و مرج میخواهد حرفهای ناگفته بگوید و راههای نرفته پیوید تو کوک همه برود حجاب خرافات و موهومات و عادات و رسوم مذمومه ! ببرد توقیف است . باز جای شکرش باقیست مثل مرحوم جواد شله حکم برین گوش و مهار کردن دماغ ظاهری و در مازار گرداندن در باره ما صادر نشد . نمیدانم در این باب باید بمقتضیات عصر حاضر دعا گفت یا بجنبه بخشایش و مکارم اخلاق حکمداران چیزی که هست باید بعد از این خیلی دست بصا راه برویم و حتی المقدور از دخالت در سیاست خارجی خود داری کنیم زیرا میترسیم باعث شکایت مقلعات خارجی شده و برای حکم قتل و اختناق طوطی شیرین گفتار جامعه ناهید بهانه جوئی بدست زنود افتد .

این بود یکی از مقالات روز نامه ناهید . همین سبک نگارش سبب گردیده که از همان ابتدا تأسیس روز نامه نفوذ فوق العاده در طبقات مختلف مردم بنماید و در تغییر جهت افکار مردم موثر واقع شود و عاقبت هم بشرحیکه جداً خواهم نگاشت اداره روز نامه ناهید را آتش زدند . باری در مقاله که بعنوان (قربون همه پسرای خوب) در همین شماره ۴۰ نوشته و یاد آور گردیده است که روز نامه ناهید این دفته سوم است که توقیف شده یکی در کابینه سید ضیاء الدین طباطبائی ولی چون همان روز دوم توقیف اطلاع داد که این توقیف از روی قانون عدالت و مردانه شده و بمعکله مراجعه شده داخوش شده ناهید حق دارد باو دعا کند زیرا يك مرد توانائی که در کابینه نود روزه اش هزار ها کار خوب کرد اگر يك کارهایی هم مثل توقیف ناهید میکرد میخواست حتی الامکان از روی قانون و حساب باشد .

يك دفته هم دائی حسن بچه گذر مستوفی تو یوزی زد که بواسطه بزرگتری و آقائی و بیش کسوتی که دارد گذشت کردم (منظور میرزا حسن خان مشیر الدوله است) اما این دفته سوم بنامردی و جهود بازی تو یوزی بناهید زدند و معلوم نشد از کی خوردیم دفته چهارم که روزنامه ناهید توقیف شده در جوزای ۱۳۰۳ شمسی است و خبر توقیف آنرا روز نامه ایران مورخ ۱۵ جوزای ۱۳۰۳ تحت عنوان (توقیف غیر قانونی) اینطور نوشته است: «جریده شریفه ناهید اخیراً مع التأسف توقیف گردیده است ما نمیتوانیم تأسف خود را از این نوع توقیفاتی که مبنی بر اساس قانونی و مستند بمعاکمه و صدور حکم قضائی نبود و فقط تابع نظریات خصوصی اشخاص است گنمان کنیم .»

از جمله مطالب بکری که در اغلب شماره های ناهید دیده میشود مقالات تحت عنوان (شهر

حرف‌النون بعده الالف

ناهید

فرنك (و نیز (بیسم ناهید) و بعضی از یادرفتهای روز نامه از قبیل غبات خشت مال است. و نیز در هر شماره روزنامه دو صفحه آن مخصوص کلریکاتور میباشد که متناسب با اوضاع روز چاپ شده و همین کلریکاتور به پیشرفت روزنامه کمک بزرگی نموده است. گاه گاهی اشعاری نیز در روزنامه چاپ شده است، و من جمله در شماره ۱۵ سال دوم این رباعی از (ح. کرامی) درج است،

امراض بحال لا علاجی تا سکی بازار ستم بدین رواجی تا سکی
معتاد بخواب ناز غفلت تا چند ؟ مشتاق بنا کشی مزاجی تا کی.

سرلوحه روزنامه ناهید عبارت از فرشته آزادیست که در مقابل دیو استبداد قرار گرفته و در بالای آن دو اسم روزنامه چاپ شده است در زیر سرلوحه که خصوصیات روزنامه نوشته شده ناهیدرا (هفتگی - اخلاقی - فکاهی - کلریکاتور) معرفی کرده است. محل اداره، چراغ برق کوچه عظیمی، عنوان، طهران، ناهید، قیمت اشتراك سالیانه ۴۰، ششماه ۲۵ قران تك نمره دهشاهی، اعلانات مطری دو قران.

سال نهم ناهید - با اینکه روزنامه ناهید پس از سال ۱۳۰۶ که در شب جمعه دوم تیر ماه ۱۳۰۶ بافتار ششمین سال انتشار این جریده جشن با شکوهی در باغ سهم النوله از طرف رفقای ناهید و کارکنان آن روزنامه برپا شده و عده زیادی از رجال و نمایندگان مجلس و معارف در آن حضور داشته و طبق اظهار بعضی از جراید آنوقت اولین جشنی بوده که با این شکوه بنام يك روزنامه در ایران منعقد گردیده، غیر مرتب منتشر شده، شماره اول سال نهم آن به صاحب امتیازی و مؤسسی و سردبیری (میرزا ابراهیم خان ناهید) در ۲۶ صفحه بقطع بزرگ در تاریخ سه شنبه ۴ تیر ماه ۱۳۰۸ منتشر شده است. در این سال نیز ناهید (جریده سیاسی و اجتماعی) معرفی شده و سرلوحه آن مانند سنوات سابق است.

سرمقاله این شماره مقاله مفصلی است که با همان سبك مخصوص ناهید تحت عنوان (جشن تیر و ناهید بمناسبت تجدید سال روزنامه) نوشته شده و سایر مندرجات آن عبارت است از خلاصه وقایع مملکتی و مجلس شورای ملی در مدت یکسال و قسمتی از رمان (گل آقا - گلنار) و مقالات دیگر از قبیل در محفل بانوان و کنفرانس راجع بفلاحت و نیز آنگهیهای مختلف در ضمن صفحات درج است، کلریکاتور این شماره در دو صفحه برنك فرمز که تصویر (مظلومه شمس) یا جشن تیر و ناهید) میباشد، تصاویر متعددی از السوار و اشرار ارستان در این شماره چاپ شده است.

یکسال پس از انتشار این شماره در اثر حریق ناگهانی اداره روزنامه ناهید با خاک یکسان شد و بعضی حریق را صدی و به تیمورتاش وزیر دربار وقت نسبت داده اند. روزنامه آینده ایران در شماره سوم سال اول خود مورخ سه شنبه ۲۱ مرداد ۱۳۰۹ تحت عنوان (اداره ناهید با خاک یکسان شد) اینطور مینویسد: «روز جمعه بعد از ظهر روزنامه ناهید بر اثر حریق ناگهانی با خاک یکسان گردید و با تمام کوششی که در اطفاء حریق نمودند مؤثر نشد و قوع این فتنه ملامتندان بطبوعات و ناهیدرا متأسف نمود امیدواریم موجبات خسارت و دلجوئی آقای ناهید فراهم آید.» اداره روزنامه ناهید در این هنگام در خیابان لاله زار، کوچه امین السلطان بوده است.

حرف التون بعد المآلف نامه ادب ، نامه آزاد ، نامه آزادگان

پس از این حریق ظاهراً دیگر روزنامه نامه ادب منتشر نشد تا اوایل سال ۱۳۱۲ شمسی که باز چند شماره منتشر کرده و تعطیل شده است درباره این انتشار مجدد آقای کومی کرمانی مدیر مجله نسیم صبا اشعاری بعنوان قریض سروده که چند شعر آن چنین است :

خدا را شکر کز لطف شهشاه برون شد یوسف نامه از چاه
دگر بلره فروغ و فر نامه بها شد یرتوافکن مهر خورشید
دگر ره کرد جنبش کلک نامه که تا ظاهر کند آثار جلویید

یر واضح است که اوضاع و احوال دیگر بنامه اجازه انتشار نداده و از این جهت تعطیل شده است .

(۱۰۶۵) نامه ادب

نامه ادب در سال ۱۳۰۹ شمسی بطور مامانه در طهران تأسیس و منتشر شده است .

(۱۰۶۶) نامه آزاد

روزنامه نامه آزاد در طهران بمدیریت و صاحب امتیازی (افراسیاب آزاد) تأسیس و در سال ۱۳۰۳ منتشر شده است . شماره اول این روزنامه در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سری (برادران باقرزاده) طبع و در تاریخ شنبه ۲ جمادی مطابق ۷ قوس ۱۳۰۳ انتشار یافته و با سرمقاله زیر شروع میشود : « اثر و ضمیمه آزاد . آنچه سبب ظهور اثری شود قوه باشد اثری بدون وجود قوه وجود نباید » پس از این سرمقاله مذاکرات مجلس و بعد اخبار داخله و دریاورقی صفحه دوم (علوم اسرار روحانی) راجع بتسخیر ارواح و علم مغناطیس چاپ شده است . محل اداره روزنامه : خیابان سه . عنوان تلگرافی : تهران آزاد . وجه اشتراك سالانه : داخله ۴۰ ، خارجه ۵۰ قرلن یرای کسانیکه از نمره اول تقاضا کنند و برای کسانیکه بعد تقاضا کنند بترتیب ۶۰ و ۷۰ قران خواهد بود . طرز انتشار روز نامه به قسمیکه در عنوان روزنامه نوشته . (فلا تا اول حمل ۱۳۰۴ روزهای شنبه منتشر میشود) هفتگی بوده است . کتب علوم اسرار روحانی اثر آقای بهروز املی است .

(۱۰۶۷) نامه آزادگان

نامه آزادگان در طهران بمدیریت و مؤسسی (عزت پور) تأسیس و در سال ۱۳۰۵ شمسی منتشر شده است

شماره اول نامه آزادگان در دو صفحه بقطع وزیری بزرگ در مطبعه سری (باقرزاده) طبع و در تاریخ شنبه ۸ بهمن ۱۳۰۵ مطابق ۲۴ رجب ۱۳۴۵ و ۲۹ ذانویه ۱۹۲۷ بمصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (عزت پور) و نگارندگی (میر احمدیان) منتشر شده است . محل اداره : طهران . خیابان چراغ برق . کوچه سراج الملك و عنوان تلگرافی : طهران نامه آزادگان معین گردیده . مقاله افتتاحی روزنامه بدین - قسم شروع میگردد : « بنام خدا . آغاز سخن کرده گویم برار باب بصیرت پوشیده

حرف‌التون بعدہ الالف

نامه آزادگان، نامه اعمال، نامه امروز

نیست هر کسی از هر راه و بهر مقدار که بتواند باید بوطن وجامعه خود خدمت
شماره دوم روزنامه در تاریخ شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۰۵ و سرماله آن تحت عنوان (عقیده ما) نوشته شده . از شماره دهم قطع روز نامه بزرگتر شده شماره ۳۵ سال اول در تاریخ ۲ دیماه ۱۳۰۶ انتشار یافته است .

نامه آزادگان معمولا در چهار صفحه بقطع بزرگ و با چاپ سری طبع و منتشر شده . نامه آزادگان در مطابع مختلف سری طهران از قبیل مطبعه (برادران باقر زاده) و (مهر) چاپ شده و این شعر در دو طرف اسم روزنامه بعنوان شعار درج گردیده است : (خوشا مرغی که در بند قفس نیست) بجز آزادگان دلشاد کسی نیست) محل اداره : طهران . میدان سرچشمه دست چپ . وجه اشتراک روزنامه : داخله ۶۰ درممالک خارجه ۷۰ ریال . به تمام معارف تخفیف کلی داده میشود . تک شماره ۶ شاهی . طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده و روز های شنبه منتشر میشده است .

شماره ۸ سال دهم نامه آزادگان در چهار صفحه بقطع بزرگ و با چاپ سری در تاریخ شنبه ۸ دیماه ۱۳۱۴ مطابق ۲ شوال ۱۳۵۴ قمری منتشر شده . سر مقاله این شماره تحت عنوان (بوسه) و بقیه مقالات و مندرجات آن عبارت است از مقاله (فطریه) و (گلپای خوشبو) و (آیا میدانید که ؟) و (اخبار جهان) و مقاله (بمناسبت عزاداری حضرت مولای متقیان علی) و چند خبر داخله و (مسابقه نو مشتمل بر یک جدول) و چند اعلان . روزنامه نسیم شمال تجدید سال دهم نامه آزادگان را اینطور تبریک گفته است : « نامه نامی آزادگان که از جراید مصور هفتگی و آبرومند است و همه هفته با مطالب سودمند ادبی و اجتماعی و گراور هایی از وقایع روزمره و اخبار مهمه هفتگی منتشر میشود در هفته های اخیر وارد دهمین مرحله عمر مطبوعاتی خود گردیده و بر مزایای هیشگی آن در این سال نوا افزوده شده است ما این موفقیت بزرگتر : بهم قلم دانشمند خود آقای عزت پور و کارکنان آن تبریک میگوئیم . »

شماره ۹۹ سال یازدهم نامه آزادگان در چهار صفحه با چاپ سری در تاریخ چهارشنبه ۶ مرداد ۱۳۱۶ انتشار یافته و تاریخ انتشار آن در هفته روزهای چهارشنبه معین شده است . سر مقاله این شماره تحت عنوان (شخص عجیب) است . صفحه چهارم روزنامه مشتمل بر یک جدول و شرح حال (فاتح دریا یا جون سیب زمینی) است اینها نمونه از مقالات جراید دوره دیکتاتوری رضا شاه است .

(۱۰۶۸) نامه اعمال

امتیاز روزنامه نامه اعمال در طهران بدیری (میرزا صادق خان ایران آزاد) در تاریخ ششم خرداد ۱۴۰۴ شمس از تصویب شورای عالی معارف گذشته است .

(۱۰۶۹) نامه امروز

نامه امروز در طهران در سال ۱۴۰۶ شمس تأسیس و هفته سه بار منتشر شده است . این

حرف النون بعدءالاف

نامه باستان؛ نامه بازرگان، نامه بانوان

روزنامه قبلانام (صدای اسلام) منتشر میشده و شورایه لی فرهنگ در تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۰۶ شمسی تصویب نمود که اسم جریده مذکور به (نامه امروز) به مدیریت افتخار آشتیانی تبدیل گردد.

(۱۰۷۰) نامه باستان

امتیاز مجله نامه باستان در شیراز بهمدیری (میرزا محمدرضا خان احتشام نظام) در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شورایه عالی معارف گذشته است. مدیر این مجله در شیراز روزنامه بنام آثار جم نیز تأسیس و منتشر نموده است. برای اطلاع از آن بحرف الف کتاب ذیل آثار جم مراجعه شود.

(۱۰۷۱) نامه بازرگان

نامه بازرگان که از انتشارات اداره عهود وزارت بازرگانیست در سال ۱۳۰۶ شمسی در طهران تأسیس و منتشر شده. طرزانتشار این روزنامه ماهانه بوده و هر نوبت از آن ۵۰۰ نسخه به قیمت هر نسخه دویال منتشر میگردد. انتشار آن تا اوائل شهریور ۲۰ بطور غیرمستقیم بوده است.

(۱۰۷۲) بانوان

روزنامه نامه بانوان در طهران بهمدیری و سردبیری (شوناز - آزاد) تأسیس و در سال ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده است. شماره اول این روزنامه در هشت صفحه بقطع خشتی و با چاپ سری در مطبعه (حکیمیان) طهران طبع و در تاریخ روز آدینه ۵ مرداد ۱۱۵۲۰ باستانی مطابق ۱ اسد ۱۲۹۹ شمسی و ۱۲ ذیحده ۱۳۲۸ قمری و ۲۲ ژوئیه ۱۹۲۰ مسیحی منتشر شده است. یک صفحه ضمیمه این شماره باسم (فرهنگ آزاد) تألیف (ابوالقاسم آزاد مراغه) چاپ شده و مؤلف در مقدمه فرهنگ آزاد مینویسد من ۲۴ سال است برای نوشتن این فرهنگ حمت کشیده‌ام و بواسطه نبودن حروف نازه و مختلف در مطابع طهران ناچار شده‌ام آنرا ضمیمه روزنامه چاپ کنم. فرهنگ آزاد بدینقسم شروع میشود (AB) پدر FATHER. A. آب (ABB) چشم انداز چراگاه - مرغزار.

مقاله افتتاحی نامه بانوان بدینقسم شروع میگردد: «بنام یزدان دانا و توانا. وجوب تعلیم نسوان یا شصده کرور زنند. بگور. بگفتن آسان و تصور خارج امکان آیا در همه روی زمین یکتا پیدا میشود که بتواند این عدد را در مد نظر داشته باشد؟ و آیا هنرمندی در گیتی یافت میگردد که بتواند شصده کرور را بشمارد؟ آیا سنگدلی در جهان هست که به بیند سجد مایون شبیه زنده بگور است دلش ریش نگردد...» این سرمقاله دو صفحه روزنامه را فرا گرفته است. مندرجات شماره اول بعد از این سرمقاله عبارت است از مقالات مختلف راجع بنسوان و مختصری (اخبار مهمه داخله) و اخبار مهمه خارجه و خلاصه بیشتر مندرجات نامه بانوان طبق آگاهی مخصوص بانوان است. در صفحه هفتم شماره اول اشعاری به عنوان (کفن سیاه یا شاهزاده خام دختر خسرو پرویز در خرابه های مداین) اثر طبع میرزاده عشقی چاپ شده و قسمت اول اشعار مذکور بدینقرار است:

حرف‌النون بعدءالاف

نامه بانوان

دو تکابوی سفر گشت ز گردون خورشید
دل خونین سپهر افاق غرب پدید
چرخ از رحلت خورشید سیمپوشید
که سر قافله با زمزمه و زنگ رسید

در حوالی مداین بدمی.

ده تاریخی و افسانه کهن.

شماره دوم. نامه بانوان بهمان سبک شماره اول در تاریخ ۲۰ اسد ۱۳۹۹ شمسی و شماره ۵ آن در تاریخ ۱۹ میزان ۱۳۹۹ و شماره ۸ و ۹ آن دهم برج دلو سال مذکور منتشر شده است. طرز انتشار نامه بانوان ماهی دوبار بوده جای اداره، طهران گلبنک. عنوان تلگرافی، نامه بانوان. وجه اشتراك سالیانه ۳۰ قران ششماه ۲۰ قران و قبلادریافت میشود. در عنوان روزنامه بالای اسم آن جمله (زنان نخستین آموزگار مردانند) بعنوان شعار چاپ شده و زیر آن مقصود از انتشار روز نامه این طور نوشته شده است «این روز نامه برای پیدلری و رستگاری زنان پیچاره و ستکشی ایران است».

خانم شهناز آزاد - خانم شهناز آزاد از زنانی است که در نهضت بانوان ایران پیشقدم بوده و بکمک شوهرش مرحوم آزاد مراغه و با انتشار نامه بانوان خدمات گرانبهایی به پیشرفت طبقه نسوان نموده است و در این راه دچار صدمات و مشقاتی گردیده و بجرم پیشوائی زنان و آزادی زنان و کشف حجاب گرفتار حبس و زندان شده است. مرحوم آزاد د نامه که بنکارند نوشته یاد آور شده است که مدت یازده ماه هم همسر بانو شهناز آزاد نامه بانوان را در طهران منتشر ساخته. بد بختانه بر اثر بارها حبس و تبعید من و خانواده ام بجرم پیشوائی آزادی زنان و کشف حجاب همه آنها از میان رفته. (برای اطلاع بیشتری از شرح حال مرحوم ابو القاسم آز بجلد اول کتاب ذیل روز نامه آزاد مراجعه شود).

روز نامه زبان زنان چاپ اصفهان در شماره ۴۰ خود مورخ شوال ۱۳۴۸ قمری در مقاله اول ستون اول شرحی تحت عنوان (نامه بانوان) نوشته که قسمتی از آن چنین است: «پروردگار را شکر کردیم که دوره بدبختی و خاموشی ما زنان سیری شد و خواهران دانشمند برای ترقی نسوان راه معارف میسازند، این مژده بقدری کارکنان زبان زنان را شاد کرده که یکباره تمام سختیها و فشار هارا فراموش کردیم».

خواهر گرامی ما بانو شهناز آزاد یکی از دختران وطن پرست ایران است که در دامن پدر دانشمند بزرگوارشان دانا و برومند و توانا پرورش یافته و خوشبخت تر آنکه در رفاقت زندگانی یمین زناشویی با دانشمند فرزانه آقای حاج میرزا ابوالقاسم خان آزاد مدیر روز نامه آسایش بسته و اکنون دو عضو در يك روح برای پیشرفت تجدد کار میکنند».

در شماره ۳۳ همین روز نامه «متن طلحه نامه بانوان را چاپ کرده و این طلحه که بیش از چند سطر نیست باین سطور ختم میگردد: «آنچه بر هر فرد با هیئت اجتماعی آمده از جهل و نادانی خود او بوده است و بس. برای پیش بردن همین مقصود مقدس نامه بانوان اشاعت می یابد که در آن تنها نوشته زنان پذیرفته خواهد شد. بزرگترین نقیصه ای که در نلمه بانوان

حرف النون بعده الالف

نامه بانوان ایران ، نامه پارسی

میباشد همانا نبودن سرمایه شخصی که عجلتاً نمیتوان یش از مایه دو شماره انتشار داد ولی امید داریم که پس از سه چهار ماه هفتگی و پس از آن بیشتر تا رفته رفته بخواست یزدان و همت مصارف پروران روزانه گردد .

(۱۰۷۳) نامه بانوان ایران

نامه بانوان ایران در طهران بدیری و سردیری (خانم عادل خلعت بری رئیس دبیرستان بانوان) تأسیس و در سال ۱۳۱۷ منتشر شده است . بهای اشتراك سالیانه پنجاه ریال و نشانی ، طهران ، خیابان شاهپور کوچه دبیرستان بانوان . نامه بانوان ایران معمولاً در هشت صفحه به قطع روزنامه آینده ایران و با کاغذ اعلی و مصور و رنگین چاپ شده و مندرجات آن بقلم بانوان دانشور تهیه گردیده است .

(۱۰۷۴) نامه پارسی

نامه پارسی در طهران بدیری و صاحب امتیازی (حاجی میرزا ابوالقاسم خان آزاد مراغه) تأسیس و شماره اول آن در روز دوشنبه یکم خرداد ۱۳۲۰ باستانی برابر ۱۷ ماه هشتم تازی ۱۳۲۴ در ۱۶ صفحه بقطع کوچک خشتی در مطبعه سری (طهران برادران باقر زاده) طبع و توزیع شده است .

نامه پارسی چنانچه در عنوان هر شماره آن نوشته (نخستین روزنامه پارسی در ایران) تمام خصوصیات و مندرجات آن بزبان فارسی خالص میباشد و منظور از تأسیس و چاپ آن در مقدمه که در شماره اول تحت عنوان (راز و نیاز با مادر میهن) آورده همین است خلاصه از مقدمه مذکور بدین قرار است ، «ایران ، ای مادر مهربان ! ای نخستین و بهترین کشورهای جهان ! ای آرامگاه شاهان و کبان . ای پرورش گاه یلان و شیردلان زبان شیوا و شیرین ترا بزبانهای تلخ بیگانگان آمیخته نبش بریش خود زدند بدتر از همه اینکه هنوز هم چشم باز نکرده و هشدار نشده اند نمی بینند که دیگران برای روایش (ترویج) و پیشرفت زبان خود چه جان فشانیها میکنند و خونها میریزند . ای ایران ای مادر مهربان میدانم که دلت از دست این فرزندان نا هنجارت خون است مگر بدان و دل خوشدار که چنین نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند انگیزه (سبب) نگارش نامه پارسی . این بنده در هیفده سالگی بنجب اشرف رفته پس از شش سال در آنجا ماندن و دانشهای تازی را آموختن بایران برگشت و از اینجا به فرننگ و آموختن زبانها و دانشهای آن سرزمین شتافتم و هیچ در اندیشه زبان پارسی نبودم تا اینکه نه سال پیش که در لندن بودم دیدم که انگلیسان برای روایش (ترویج) زبان خود در کشور های دیگران چنان میکوشند که بگفتن و نوشتن در نگنجده شمارها درست (میلیاردها لیره) فراهم آورده در هریک از گوشه و کناره های روی زمین پراکنده شده از آن پس آلمانها را دیدم میکوبند اگرچه لاتین زبان کشیش و آیین ماست سخن کوتاه اینکه نه تنها در این روزگار همه برای روایش زبان خود میکوشند بلکه تا جائیکه داستان (تاریخ) بما نشان میدهد میبینیم از آغاز تا کنون هریک از هاو شان (قوم) جهان . . . این بود ار همان هنگام که در

حرف النون بعده الألف

نامه پارسی

نمن بودم باندیشه زنده کردن زبان پارسی و برگردانیدن ایرانیان از این راه نیستی فرجام افتادم و خواستم که نامه‌های دوستان را بیارسی سره (خالص) نگارم دیدم که سیاردشوار است (در این جا نویسنده شرحی نوشته که برخلاف آنچه تصور می‌رود که زبان پارسی محتاج بزبان بیگانه نگان است ، آنرا احتیاجی نیست و باید فضلا و دانشمندان فرهنگی از لغات پارسی درست کنند و من مدتها بفکر تدوین چنین فرهنگی بودم .) ناچار و نا امید روزها و شبها در این اندیشه باسوز و گداز می‌گذاردنم و بر بی کسی ایران مبنالیم تا اینکه خداوند آب و دانه مرا به هندوستان نهفته (حواله) بلیکر کالج برای آموزگاری انگلیسی فرستاده شدم و خوشبختانه در آنجاییستگانی (موجب) هنگفت و روزانه يك (تسو) ساعت ونیم یادوتسو بیشتر کار نداشتم . (نویسنده دنباله سخن را اینطور ادامه میدهد که خوشبختانه فرصت زیاد و دست یافتن بکتابخانه بزرگ آنجا را فنیست شمرده چنان خانه نشین گشتم که بهیمانی دوستان گرامی و گردش کلکشت هم نمبرفتم . در هنگامیکه نمن بودم و آن پنج سال هندوستان و این یکسال ایران نزدیک هشت هزار لغت گرد آورده فرهنگی بنام فرهنگ نو بهار ایران از تازی بیارسی وانگلیسی نوشتم میخواستم همانجا حق الطبعش بکمیانیهای انگلیسی بفروشم ولی باخود اندیشه کردم که آنرا برای برادران ایرانی بایران ارمغان ببرم مگر هزار افسوس که آمدم و دیدم تنگدستی وی بولی ایرانیان را باری چون دیدم کار چاپ کردن فرهنگ نو بهار ایران شاید در زندگی من سر نخواهد گرفت خواستم کم کم بنگارش گفتارهای پارسی در روزنامه ارشاد گوش مردم را باینکار آشنا نمایم) تا اینکه در این انجامها (اواخر) برخی از ایرانیان يك نژاد و بیارسی خواه مرا بنوشتن این نامه پارسی واداشتند و چون امیدوارم که ایرانیان رشکمند (غیور) همراهی بولی باینده کرده نگذارند از یا بیفتم ، بتنهائی این کار دشوار را آغاز نمودم و در انجام هریک از شماره های آینه چند چهر (صفحه) از فرهنگ نو بهار ایران خواهم نوشت تا خریداران آنرا کرد نموده سرانجام دارای يك جلد (جلد) فرهنگ چاپ شده باشند . نیایش بدرگاه یزدان پاك میکنیم که مرا در این کار دشوار یارو یاور باشد . « این بود مقدمه و یا مقاله افتتاحی نامه پارسی که چون شرح مختصری از زندگی مرحوم آزاد مراغه در آن یاد شده بتفصیل نقل کرد اینك بذکر بقیه خصوصیات نامه یارسی میردازیم .

در صفحه ۱۵ و ۱۶ شماره اول قطعه از (ریزش خامه تیمسار حاجی شیخ الرئیس) در مدح وماده تاریخ نامه پارسی ذکر نموده که چند شعر آن اینست :

ستاره بدرخشاند مردی از رادی	که داد تیره دلان را فروغ آزادی
زبان پارسی از نغز نامه اش گردید	درست و سخته پس از سخت مست بنیادی
سیاس ایزد کز کوشش 'ابوالقاسم	رسید سود پس از روزگار بر بادی
چو خواست سال نمودش ز خامه بنده	روان نوشت بیائی فروغ آزادی ۱۳۳۴
فرهون (اداره) ، تهران . پاچنار . سرکار و دارنده (مدیر) و یزش نامه (امتياز) حاج میرزا	
ابوالقاسم خان آزاد مراغه . بهای سالانه بیشکی ، تهران يك تومان . بیرون تهران ۱۲ قران .	
ماهی دو شماره شهنش (اشاعت) میشود ، بهای يك شماره تهران هشت شاهی . بیرون دهشاهی .	
پس از يك ماه از روزمه (تاریخ) شهنش بهای هریك شماره دو قران است . گفتارهای سودمند	

حرف‌اتون بعده الالف نامه پارسی ، نامه پزشگان ، نامه پیام

با سیاست‌گذاری پذیرفته شده پس داده نمیشود ، (لغات داخل پرانتز از خود مجله است) . شماره دوم سال اول بهمان سبک و قطع شماره اول در تاریخ ۱۶ تیرماه ۱۳۵۰ پارسی مطابق ۲۰ رمضان ۱۳۴۴ تازی در ۱۶ صفحه در (خبايان جبا خانه چاپخانه مرکزی) طبع و توزیع شده است .
سال اول مجله نامه پارسی بشماره های ۲۲ و ۲۳ که یکجادر يك مجلد طبع گردید . و در تاریخ ۲۰ رجب ۱۳۴۵ اری منتشر شده ، خاتمه پیدا میکند . در صفحه اول این مجله تحت عنوان (سال دوم نامه پارسی) شرحی مبنی بر سیاست‌گذاری از خداوند که توفیق اتمام سال اول را داده نوشته و یاد آور شده است که چون وجوه اشتراك سال اول بسیارش از بین رفته از کسانی که قبلاً بهای سال دوم را فرستاده اند دیگر چشم براه نامه پارسی نباشند .

سال اول نامه پارس جمعاً در ۳۶۸ صفحه بقطع كوچك خشتی طبع و توزیع شده . برای اطلاع از نوع مندرجات این سال قسمتی از عناوین مندرجات آنرا نقل مینمایم : راز نهان (نگارش تیمسار والا تبار اعتصام الدوله) ، آنچه خوبان همه دارند ما تنها داریم - اشعار در ستایش آقای حاج شیخ الرئیس - نامه پارسی - اشعار - افسانه پارسی - پیری و جوانی (سرگذشت خارین) سرگذشت سنك و رود بار . نوشته شهری .

نوع مطالب و مندرجات مجله بیشتر ادبی است . از این مجله نگارنده تا شماره ۲۲ و ۲۳ سال اول را در دست دارم . برای اطلاع از شرح حال مرحوم آزاد مراغه رجوع شود بجلد اول کتاب تاریخ جراید ذیل کلمه آزاد و همچنین بهمین مجلد ذیل روز نامه نامه بانوان . لازم است یاد آور شویم که در همه جا نامه پارسی روز نامه قید شده و در عنوان آن نیز نوشته است نخستین روز نامه و یا جریده پارسی دزایران ولی چون از حیث قطع صفحات و تعداد بیشتر شبیه مجله میباشد لذا ما آن را بنام مجله یاد کردیم .

(۱۰۷۵) نامه پزشگان

مجله نامه پزشگان در سال ۱۳۱۳ شمسی بطور ماهیانه تأسیس و منتشر شده است.

(۱۰۷۶) نامه پیام

روزنامه نامه پیام در طهران بدیري وصاحب امتیازی (سید محمد پیامی) تأسیس و در سال ۱۳۱۳ شمسی منتشر شده است . نامه پیام معمولاً در چهار صفحه بقطع متوسط و با چاپ سربی طبع و روزهای شنبه منتشر شده . محل اداره : طهران . لاله زار . مطبوعه مهر . وجه اشتراك : سالیانه طهران ۳۰ ریال . ولایات ۳۵ ریال . خارجه ۴۵ قرانك . بشماره بترتیب ۱۵ ریال ، ۱۸ ریال ، ۲۰ قرانك . بمحصلین و محصلات و نظامیان صدی ده تخفیف داده میشود ، تك شماره ۳۰ دینار . شمار روزنامه که در شماره بالای اسم آن چاپ شده جمله (خدایشتیان ماست) میباشد و در زیر اسم روز نامه (نامه پیام) سال تأسیس و کلمات (ادبی ، اخلاقی ، فکاهی) درج گردیده است . مندرجات نامه پیام بیشتر مقالات مختلف تربیتی ، اخلاقی و ادبی و اشعار است . و نیز در بعضی از شماره های آن جدول و مسابقه های فکاهی طرح شده . داستان

حرف‌النون بعده‌الالف

نامه پیام ، نامه تمدن

وقستهای تفریحی ، بخشی ۱ مندرجات روزنامه را تشکیل میدهد .
شماره دهم سال اول پیام در چهار صفحه طبع و در تاریخ شنبه ۱۰ آذر ۱۳۱۳ شمسی مطابق ۲۳ شعبان ۱۳۵۳ قمری منتشر شده است .
سرمقاله این شماره تحت عنوان (تربیت اطفال سرآمدآمال است) نوشته شده و مقاله دوم آن بعنوان (باید راه استفاده از وقت را فهمید) بقلم ابوالفضل حاذقی دیر ادبیات فارسی و عربی ، میباشد . (ترقی بشر منوط بوجود انبیاء است) بقلم سید محمد انجوی شیرازی و (قربانی) بقلم محمد مرتضوی ، مقاله سوم و چهارم روزنامه را تشکیل میدهد . پنجمین مقاله روز نامه تحت عنوان (جنون مقاله نویسی) تمام صفحه سوم را گرفته و نویسنده آن بامضای عاریتی (بیغم) است که اسم عاریتی حسن آقای نوری ثقفی نویسنده مقالات فکاهی روزنامه است . صفحه چهارم روزنامه (قسمت تفریحی) و اشعار (مایه تنبلی بود کرسی) و داستان (شاش کرک) و جدول و در اطراف مسابقه مندرجات آنست .

شماره ۲۰ سال دوم نامه پیام در تاریخ جمعه ۲۶ تیرماه ۱۳۱۵ شمسی طبع و توزیع گردیده نویسنده گان و مترجمین روزنامه در این سال بغیر از آقایان ابوالفضل حاذقی و مرتضوی ، آقای (عنایت‌الله شکیبابور) است که پاورقی روزنامه (گلنار) بقلم اوست و نیز آقای (طاهری شهاب) ترجمه هائی دارد .

پس از وقایع شهریور ۲۰ / نامه پیام بصاحب امتیازی و مسئولی (سید محمد پیامی) و مدیری (محمود مهین پو) مجدداً با بدایره انتشار گذاشته و شماره اول سال هشتم آن در هشت صفحه بقطع متوسط در تاریخ ۵ شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۲۱ شمسی منتشر شده است . سرمقاله این شماره بعنوان (پیام امروز) و قسمتی از آن چنین است :
« نامه که اکنون بدست خوانندگان گرامی میرسد همان نامه ایست که پیش بهین نام در هفته یکبار منتشر میشد البته کسانی که شماره های آنرا در آن موقع ندیده اند بخوبی بروش ما آشنائی دارند و میدانند که سرلوحه این انتشار فقط و فقط خدمت بهین عزیز و هم مبهنان گرامی بوده ۰۰۰۰ بشا بر این این نامه در هشت صفحه بانواع مطالب که شامل قسمتهای اساسی ، دینی ، ادبی ، فکاهی باشد منتشر که تمام انتظارات گیرندگان پیام را طبق ذوق و خواستاری ایشان تأمین و درحقیقت باتمام طبقات گفتگوی خود را سر گرفته باشیم . »
« به مندرجات این شماره مقالات مختلف بعنوانین (محبت) ، (دین و اجتماع) و (سه جنابت من) و اشعاری بعنوان (زن و کار یعنی چه ؟) میباشد .

(۱۰۷۷) نامه تمدن

مجله نامه تمدن در شهر مشهد بمدیري آقای (ع . تمدن) تأسیس و در ابتدای سال ۱۳۱۰ شمسی منتشر شده است . نامه تمدن مجله ایست علمی ، ادبی ، اجتماعی ، اقتصادی که بطور ماهیانه شماره اول آن در فروردین ۱۳۱۰ انتشار یافته . مجله آرمان چاپ طهران در شماره ۶ و ۷ خود مورخ خرداد ۱۳۱۰ بعنوان مطبوعات جدید مینویسد ، « نامه تمدن - اسم فشنکی است که

حرف‌النون بعدالالف

نامه جوانان

درمشهد انتشار یافته و تا کنون سه شماره آن بداره آرمان رسیده . . .
 ظاهراً خبر از مجله مذکور در شهرمشهد روزنامه نیز بنام (نامه تمدن بمبیری ع . تمدن
 خراسانی منتشر شده است ولی نگارنده تا کنون نمونه‌ای از آن بدست نیاورده‌ام . آقای تمدن
 مدیر مجله چندی مفتش فرهنگ خراسان بوده است .

(۱۰۷۸) نامه جوانان

روزنامه نامه جوانان در طهران بمبیری وصاحب امتیازی (ابراهیم خواجه نوری)
 تأسیس و در سال ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است نامه جوانان در چهار صفحه بقطع
 بزرگ و با چاپ سری (مطبعه بوسفور) طبع و هفته یک شمره منتشر میشده . این
 رباعی بعنوان شمار بالای صفحه اول چاپ شده است :

تا کی کفن سیاه در بردارید تا چند نقاب ننگ در سردارید
 گر طالب آزادی و علم و هنرید ترکانه حجاب چهل را بردارید

آبونمان داخله سالیانه ۵ تومان . ششماهه ۳ تومان . سه ماهه دوتومان خارجه
 بترتیب ۶ تومان ، چهار تومان ، تک شماره چهار شاهی . شماره اول سال اول نامه
 جوانان در چهار صفحه بقطع بزرگ با چاپ سری طبع و در تاریخ سه شنبه ۶ صفر
 ۱۳۴۲ قمری مطابق ۲۶ سنبله ۱۳۰۲ شمسی منشر شده است : مقاله افتتاحیه روزنامه
 بعنوان (امید) نوشته شده و بدینقسم شروع میگردد : « امید . امروزه مأیوس بودن
 از زندگی فحش دادن بجنس ایرانی مد شده . هر یک از جوانها یاپیرها را به بینی
 اول حرفی که (بعد از گفتن امروز هوا گرم است یا سرد است) میزند این است که
 آقا ایران محکوم بزوال است ایرانی آدم نمی‌شود خون ایرانی فاسد شده جز اینکه
 ریخته شود چاره نیست (بقیه این مقاله خطابهاست بجوانان که مأیوس نباشید
 و بلکه امیدوار باشید .)

پس از مقاله مذکور ، مقاله ایست بعنوان (پیشنهاد مهم) راجع به عدم لزوم
 حجاب و فواید بی حجابی . پس از آن مقالات و مکاتیب دیگری درج است . در صفحه
 چهارم اشعاری بعنوان (داماد ناکام) چاپ شده که چند شعر اول آن اینست :

دکتری سالها اروپا بود عادی رسم و طرز آتجا بود
 بدتکمیل طب بشوق تمام بوطن کرد رجعت آن ناکام
 کاملاً یک نفر اروپائی بازمین کوب و جغت و غوغائی

و بدین شعر ختم میشود :

رفتو نشید اسم اودبگر من ندانم چه آمدش بر سر .

در همین شماره اعلان (درام عروس ناکام تألیف ابراهیم خواجه نوری که عنقریب
 نمایش داده میشود) چاپ شده است . انتشار این شماره روزنامه و مندرجات آن باعث
 تحقیر از طرف دولت گردید و طبق رأی محکمه آقای ابراهیم خواجه نوری محکوم
 بچهار ماه حبس و دویست تومان جزای نقدی و دو سال توقیف روزنامه شده است .

حرف التون بعده الالف

نامه جوانان، نامه حقیقت

روزنامه ناصرالملله در شماره اول مورخ ۱۷ برج قوس ۱۳۰۲ خیراین محکومیت را تحت عنوان (محکومیت) اینطور نوشته است :

« محکومیت - ابراهیم خان نام (مدیر نامه جوانان) که سابق شرحی در شماره اول روزنامه مزخرف نوشته بود از طرف دولت تعقیب شده و در محکمه مطبوعات محکوم بچهار ماه حبس و دو بیست تومان جزای نقدی و دو سال توقیف روزنامه شده است و گویا مشارالیه مصمم است که استدعای تمیز نماید . در زیر این خبر مدیر ناصر الملله اینطور اظهار نظر مینماید : « مانظریات عادلانه و اسلام پرستانه امنای دیوانعالی تیز را باهویت موضوع جلب نموده و بنام حفظ اصول اسلام و انتظام مملکت تشدید مجازات مشارالیه را انتظار داریم . » نگارنده از روزنامه نامه جوانان بیش از همان شماره اول ندیده ام و شاید هم دیگر منتشر نشده است .

(۱۰۷۹) نامه حقیقت

روزنامه نامه حقیقت در شهر اصفهان بمدیری (حاج سید احمد دهکردی) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است نامه حقیقت در چهار صفحه که هر صفحه آن مشتمل بر دو ستون میباشد با چاپ سنگی و خط نسخ طبع شده و تاریخ شماره اول آن (لیلة ارحمة ۲۲ محرم الحرام ۱۳۲۵ قمری مطابق سنه ۱۲۸۵ هجری شمسی) میباشد . عنوان مراسلات : اصفهان - محله بیدآباد . طرز انتشار آن هفتگی بوده است . سرلوحه روزنامه عبارت از اسامی پیغمبر و ائمه علیهم السلام میباشد . علاوه بر این مطالب شکل ذوالفقاری رسم شده که در درون آن (القدرة لله جميعاً) و جمله (لا فتی الا علی لا یف الا ذوالفقار) و در زیر آن بسم الله الرحمن الرحیم که روی میم بسم الله (یا صاحب ذوالفقار وقت مدد است) طبع گردیده . در دوطرف ذوالفقار این شعر :

ای نهان در پس سراق اسم ● کس نداند بجز تو راز طلسم درج گردیده است .

در شماره اول پس از این سرلوحه خطبه زیر : ارسى و عربى نوشته شده است :

« احمداک وسبحانک جل ثناؤک من ذابعرف قد رنک فلا یغافک و من ذابعلم ما انت فلا یهانک الفت بقدرتک الفرق و فلتت برحمتک الفلق و انرت بکرمک دیاجی الفسق صل - اللهم علی المصطفی محمد (ص) والمرضى علی و بتول فاطمة والمجتبی حسن والحسین سید الشهداء وزین العباد علی بن الحسین ومحمد بن علی الباقر وجعفر بن محمد الصادق (ع) وموسی بن جعفر الکاظم (ع) وعلی بن موسی الرضا ومحمد بن علی التقی وعلی بن محمد النقی والحسن بن علی الزکی المسکری (ع) ومحمد بن الحسن الهادی المهدی صاحب العصر والزمان صلواتک علیهم رب اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقدة من لسانی یقها و اقولی . »

آغاز نامه حقیقت

بنام بخشنده مهربان شاهنشاه واجب الوجود آنکه بوده است و هست و خواهد بود سلطان مستقل حقیقی که سلطنت مشروطه ظاهریه منوط باراده سنیه او جل حضرته است مالک الملوكی که قدرت مطلقه و سلطنت مستقلة در ملکوت آرائی نمود و با وجود افلاکیان از سلاله خاک اراده جعل خلیفه فرمود مجلس آرائی که در ملاء اعلی باملائکه بالا مجلس شورای آسمانی

حرف اتون بعده الالف

نامه حقیقت

چند و مملکت کبابی را بنشین حدیو کشور گشای عالم حضرت ابوالبشر آدم صفی بخشید
تاج و لقد کرمانا بر سرش نهاد و فرمان علم الاسماء بدستش داد خرقه آدمبترا تن پوشش نمود
و ردای انسانیت را زیب آغوش فرمود بتخت سلطنت ما سوی استوارش کرد و ملائکه را بسجود
حضرتش آورد . بوالفضولانه بلیس چهل گفتانی که من * بهترم زادم از آندم راندم درهرجاستی .
رب نجنی بمعهد وعلی نامه حقیقت مبنی برحق پرستی وحاکی از صداقت وراستی صرف درعبودیت
خدا و آزادی از ما سوی بدون چون و چرا در حمایت حضرت مولی است . مطلقاً بیان حال و
شرح احوال است با کسی غرضی نیست و در دل مرضی نی شخصی بکسی نظر ندارد هرگاه یکی
از برادران کوشه دید یا توشه برد در خود اوست دخلی بگوینده ندارد ملتفت باشید دم خروس
از جیشان پیدا نباشد اگر باشد در نامه حقیقت باسم و رسم بدون غرض ومرض درج خواهد شد
یمیزالله الخیث من الطیب . روزنامه نگاران هم ملتفت باشند دروغ نویسنده دروغگودشمن خدا
است این نامه حقیقت -فتش روزنامه ها هم هست راستی را پیشه کنید هر کجا هستیم برادرهستیم
ابونا آد والام حواء حق یار همه وحق پرستی کار همه باد . فقیرالی الله سید احمد نوربخش .

پس از این مقدمه (فهرست مندرجات) بخط نسخ دشت بدینقسم آورده شده : فهرست
مندرجات . تعبد و ستایش خدا . تعبد و نیایش انبیاء و اولیاء علیهم السلام تعظیم سلاطین تاجدار .
تکریم مجتهدین شرایع مدار . هدیه رساله خراج و مقاسمه حضرت شیخ العلماء حاجی میرزایحیی
دام ظلّه العالی . مشاهده بلوای غریب و غوغای عجیب . مقاله علمیه منقوله از رسائل اخوان الصفا
در ذیل نامه . پس از این فهرست مقاله (تعبد و ستایش خدا) بدین قسم شروع میشود :

بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله رب العالمین خمداً ازلیا بابدیت و ابدیا بازایت سرمداً
فی اطلاقه متجلیاً فی مزایا آفاقه حمدالحامدین دهر الداهرین . ای خداوند واحد یکتا * ای به
یکتائیت همه گویا . ای دوتا پشت ماسوی پشت * هست بیگانه کو نشد خوشت * (این مقاله
صفحه دو و سه روزنامه را گرفته است .) پس از این مقاله تحت عنوان (هدیه) چنین نوشته است :
هدیه . انجمن مقدس ملی و رساله خراج و مقاسمه از تألیفات شریعت آیات حضرت شیخ العلماء
و المجتهدین علم الهدی آقای حاجی میرزا یحیی ادام الله ظلّه العالی است لا رب فی هدی
للمتقین فی کل سطر منه روض من المنا و فی کل سطر منه عقد من اندرر . حقه مرطرش
روض مقصود و هر شرطش عقدی از لؤلؤ منظود است معض خدمتگذاری بملت و ادای حقوق
دولت است فراغ و سع و بذل جهد فرمود و از برای اخذ مالیات بطور صحت و عدالت و تسویه عموم
رعیت بدون ملاحظه و طرف گیری اراحدی این رساله را مرقوم تحفه انجمن مقدس ملی نمودند ...
(پس از این مقدمه اصل رساله بدینقسم شروع میشود : بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمین
والصلوة والسلام علی خیر خلقه و اشرف بریتة محمد وآله الطیبین الطاهرین ولعنة الله علی اعدائهم
ومخالفیهم الی یوم الدین و بعد چنین میگوید اقل العلماء علماً و عملاً یحیی بن محمد شفیح الاصفهانی
ملکه الله نواصی الامانی و ذلله هواجس المعانی که چون در این اوان بغت عامه ایرانیان از
خواب بیدار و بالطف الهیه و توجهات حضرت خلیفه الله صاحب العصر والزمان ارواحنا فداء باب
رحمت واسمه الهیه مفتوح و بحکم مرحوم مفطور الدین شاه البیه الله حلل النور وصعت و
امضاء اعلی حضرت شاهنشاه دین پناه محمد دلی شاه خلدالله ملکه و سلطان مقرر گردیده است

حرف النون بعد الالف

نامه حقیقت

نما امور مملکت و مهم مصالح رعیت که ودایع الهیه اند با اجتماع آراء اهل مجلس مقدس ملی مرکزی باشد که محل اجتماع علماء اعلام و حجج اسلام و ارکان و ایمان

پس از این رساله مقاله (مشاهده بلوای غریب و غوغای عجیب) بدینقسم شروع میشود . خدا یناه بتو میریم تا حکمی در مانده و یریشان و در بدیریم نمیدانیم این وضع تمهید مقدمه چه قضیه ایست و از تشکیل این صغری و کبری مارا از فضاییای قدری چه حجه ایست ، شهر یریشان و شهریار یریشان ❀ روز یریشان و روزگار یریشان . کار خلاق با ضطرار کشیده ❀ گشته دل خلق ز اضطرار یریشان . خاطر شاه از ججمع ملک نکوشد ❀ کار بباد بدین قرار یریشان . خدایا خیر پیش آر و مارا بخود وامگذار گر ما مقصیریم تو دریای رحمتی

مطالب روز نامه باین مقاله که نا تمام است خاتمه پیدا میکند . مقاله علمیه منقوله از رسائل اخوان الصفا از همان صفحه اول بطور یا ورقی درج شده و در صفحه اول و دوم و سوم روزنامه درج است . سال و شماره روز نامه در تمام صفحات در دایره بدینصورت - سال اول - نمره اول - فید شده است .

مقاله منقول از رسائل اخوان الصفا آغازش این است : «حمد یبعد سزاوار خدا نیست که واجب الوجود است و هر چیز را از عدم پدید آورده است و هر چیزی را جداگانه از انواع و اجناس جلتی پدید کرده و هیچ چیز را بی علت نیافریده»

آبونه روز نامه : اعلان . آبونه اعانة الاخوان طبعا . اصفهان سالیانه چهارده قران . سایر بلاد ایران بجلاوه اجرت پست . من اعان فقد اعانه الله . قبل از نوشتن ابونه این سطر نیز چاپ شده است : «انجا نامه حقیقت - سلام حق پرستان جان نثاران محمد و خاکساران علی بروح پاک گشتگان سلف و روان تابناک آیندگان خلف باد آمین یارب العالمین .»

برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۲۸) نام این روز نامه را (حقیقت) نوشته و مختصر شرحی از آن یاد کرده است . در صورتیکه اسم آن (نامه حقیقت) میباشد و بهمین جهت آنرا در حرف نون کتاب نوشتیم . و شاید آنچه را برون باسم (نامه حقیقت) ضبط کرده و محل انتشار آنرا طهران فید نموده همین نامه حقیقت باشد .

در نامه حقیقت ذکر از مطبعه آن نشد ، و از بعضی از مردم اصفهان شنیدم که مرحوم حاج سید احمد دهکردی مدیر روز نامه با جمعی از دوستان از خوف ظل السلطان حاکم وقت دستگاه طبع روز نامه را بکوه صفه که در جنوب اصفهان است نقل کرده و روز نامه آنجا چاپ میشده است و ذکر تاریخ (ابله ۲۲ محرم) نیز موبد این شایعه میباشد و معلوم میشود محل طبع و عمل آن خیلی مخفیانه انجام میگرفته است . بهر صورت از نامه حقیقت بیش از یکشنبه دره که همان شماره اول باشد در دست ندارم .

حاج سید احمد دهکردی - در مقدمه دیوانیکه از مرحوم نور بخش چاپ شده این القابرا برای او نوشته اند : حضرت سلطان العارفین : بهان الواصلین قطب الوجدین آقای حاج سید احمد نور بخش روح بخش دهکردی . وی در طریق تصوف مقام ارشاد را داشته و جمعی از مردم اصفهان و شهر کرد از او پیروی مینمودند . مردی بوده از علایق دنیوی رسته و بمقامات اخروی پیوسته . قبرش در محله درب کوشک اصفهان و زیارتگاه خاص و عام است . قسمتی از

حرف‌التون، بعد، الالف نامه حقیقت، نامه‌ری، نامه‌شهربانی، نامه‌عمل

اشعار او بطبع رسیده و مشهور است. برای اطلاع بیشتری از احوال او بپندمه کتاب
اشعارش مراجعه شود.

(۱۰۸۰) نامه حقیقت

روزنامه نامه حقیقت در طهران در سال ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است. (کتاب مطبوعات
و شعر فارسی برون ص ۱۴۶)

(۱۰۸۱) نامه‌ری

مجله نامه‌ری در طهران بدیری آقای (عبد‌العزيز جواهر کلام) تأسیس و در سال ۱۳۱۴
شمسی بطور هفتگی منتشر شده است. آقای عبد‌العزيز جواهر کلام از فضلا و دانشندان ایران
و دارای تألیفات و تصنیفات فراوان میباشد و من جمله دو جلد فهرست برای کتابخانه معارف
تألیف و وزارت فرهنگ آن را چاپ کرده و نیز کتاب تاریخ کتابخانه‌های ایران و کتاب آثار
الشیمه که جلد ۳ و ۴ آن چاپ شده از تألیفات ایشان است مجله نامه‌ری بیش از چند
شماره منتشر نشده است.

(۱۰۸۲) نامه شهربانی

رجوع شود بجلد سوم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران کلمه (شهربانی)

(۱۰۸۳) نامه شهرداری

نامه شهرداری که از انتشارات شهرداری طهران بوده در سال ۱۳۰۵ شمسی
تأسیس و منتشر شده است. طرز انتشار آن ماهانه بوده و هر نوبت ۵۰۰ شماره از
آن طبع شده و قیمت هر شماره آن يك قران و بیست و پنج دینار است.

(۱۰۸۴) نامه عمل

روزنامه نامه عمل در طهران بسردیری و صاحب امتیازی (م. ضیاء هشترویدی)
و مدیر مسئولی (حسن روستا) تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است. نامه
عمل در چهار صفحه بطبع بزرگ و با چاپ سری (مطبوعه بوسفور) طبع و توزیع گردیده
طرز انتشار آن هفته‌دو روز روزهای سه‌شنبه و جمعه بوده. جای اداره: طهران.
خیابان شاه‌آباد آدرس تلگرافی: عمل. بهای روزنامه: در طهران سالیانه ۶۰ قران.
شش ماهه ۳۵ قران. داخله بترتیب ۸۰ قران و ۴۵ قران. خارجه بترتیب یکصد قران.
۵۰ قران. تك نمره ۷ شاهی.

شماره اول روزنامه در چهار صفحه بقطع بزرگ طبع و در تاریخ سه‌شنبه ۱۷
ربیع الاول ۱۳۴۱ مطابق ۱۵ غریب ۱۳۰۱ شمسی و ۷ نوامبر ۱۹۲۲ میلادی منتشر
شده است. مقاله افتتاحی روزنامه بعنوان (عمل و عمله) و بدینقسم شروع میشود.

حرف النون بعده لالف

نامه عمل، نامه فرهنگ

«نامه ما بنام عمل مفتوح میگردد اسامی شرافت آهنگر، زارع - کفشدوز و غیره یعنی اسم هر آن کارگری که با دست رنج خود اعاشه میکند- ادبیات ما را تزیین مینمایند...» این سرمقاله بقلم محمد ضیاء هشترو دیست. پس از آن مقاله دیگری بعنوان (اصلاحات لازمه) و در صفحه دوم اخبار مجلس و اخبار داخله و در پا ورقی صفحه دوم و سوم کتاب (آرسن لوین. مجادله با شرلوک هولمز تألیف موریس لوبلان ترجمه نصراله فلسفی) چاپ شده است. طبق آگهی مندرج در روزنامه آقای نصراله فلسفی جزو هیئت تحریریه روزنامه بوده است. در صفحه چهارم چند اعلان و اخبار خارجه درج است. شماره نهم نامه عمل در تاریخ شنبه ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۴۱ قمری منتشر شده و از این شماره طبق اخطار موجود آقای (حسن روستا) از کار روزنامه کناره گرفته و بجای او نام (میرزا حسن خان هشترو دی) در عنوان روزنامه با اسم مدیر مسئول نوشته شده است. در این شماره مقاله شدید اللحنی بعنوان (شاه می آید) نوشته و خلاصه آن این است که شاه ناپلئون و پطر کبیر است که پس از فتوحاتی بر میگردد!! شاه پول های ملت را برده اروپا خرج کرده و حالا بر میگردد.

در روزنامه ایران مورخ ۲ جدی ۱۳۰۱ شرحی راجع باختلاف روستا و هشترو دی نوشته و اشاره کرده است که روزنامه نامه عمل اخیراً توقیف شده است. شرح مذکور از اینقرار است: «نامه عمل - نویسندگان نامه جوان عمل (که اخیراً در نتیجه حق گوئی توقیف گردید) با اطلاع عموم مشترکین گرام خود میرسانند که جزئی سوء تفاهات بین آقایان هشترو دی و روستا نکمی رفع شده و بالتبینه مجدداً با يك روح قوی و بایک عزم ثابتي باتفاق خدمت جریده نگاری را ادامه خواهند داد ضمناً نظر به کثرت مشغله آقای روستا در هیئت تحریریه عضویت داشته و آقای میرزا حسن خان هشترو دی مستقیماً و رسماً مدیر مسئول خواهند بود. (هیئت تحریریه نامه عمل)

(۱۰۷۵) نامه فرهنگ

روزنامه نامه فرهنگ که ابتدا در شهر کرمان منتشر میشده، از سال ۱۳۰۴ شمسی بمدير مسئولی (محمود درگاهی کرمانی) بطهران منتقل و در آنجا منتشر شده است. از روزنامه فرهنگ منتشر در کرمان در حرف ف کتاب گفتگو کرده اکنون بذکر خصوصیات نامه فرهنگ منتشر در طهران میپردازیم. همانقسم که اشاره کردیم نامه فرهنگ در طهران بمدير مسئولی (محمود درگاهی کرمانی) تأسیس و شماره سوم سال چهارم آن در هشت صفحه بقطع وریزی بزرگ و با چاپ سری در مطبعه (برادران باقر زده) طبع و در تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۰۴ شمسی منتشر شده است. جای اداره: خیابان صفیعلی شاه. وجه اشتراك داخله ۴۰ قران خارج با اجرت پست. تك شماره ۸ شاهی. طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده است. در عنوان روزنامه بالای اسم آن (نامه فرهنگ) جمله (ومن یونی الحکمة فقد اوتی خیراً کثیراً) و در زیر آن (نوانا بود هر که دانا بود) درج است. مندرجات نامه فرهنگ علاوه

حرف‌النون بعده‌الالف

نامه فرهنگ ، نامه قابوس

برسر مقاله ، عبارت است از شرح احوال بزرگان (در شماره سوم شرح حال بودا از يك كتاب انگلیسی ترجمه شده) و (قانون انتخابات) و ترجمه از بعضی از مجلات خارجی (دنیای هزار سال دیگر) و اخبار مجلس و اخبار داخله و حوادث خارجه میباشد. از کتب مفیدی که ترجمه آن بصورت یاورقی در این روزنامه چاپ شده کتاب (سرگذشت حاجی بابای اصفهانی در انگلستان) است که آنرا (دکتر موسی خان حکیم الممالک) ترجمه کرده و بتدریج در روزنامه طبع گردیده است. سرمقاله های روزنامه غالباً مربوط بمسائل اجتماعی و سیاسی است ، و من جمله سرمقاله شماره ششم بعنوان (خط مشی مشترك - ائتلاف احزاب - دفاع از ارتجاع) و شماره هفتم تحت عنوان (پرده جدید - تا شدم حلقه بگوش درمیخانه عشق) دردم آید غمی از نوب مبارک بادم) نوشته شده است بمناسبت تغییر تقویم و انتخاب ماههای شمسی آقای (مجتبی مینوی) قطعه زیر را سروده و در شماره ششم مورخ سه شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۰۴ طبع شده است.

چونکه هرور دین گذشت آید مه اردیبهشت زان سپس خرداد تیر آنگه امردادش ز بی بعد شهریور مه مهر و ابان آذر است سال گردد بادی و با بهمن و اسفند طی شش مه اول سی و يك پنجماء بعد سی و آخرین رایك زسی کم بشمرای فرخنده بی.

(۱۰۸۵) نامه قابوس

روز نامه نامه قابوس در شهر کرگان بدیری و صاحب امتیازی (م. ع. عبیری) تأسیس و در سال ۱۳۱۴ شمسی منتشر شده است. این روز نامه در چهار صفحه بقطع متوسط و با چاپ سری در چاپخانه (کرگان) طبع و توزیع شده. محل اداره آن (چاپخانه کرگان) و عنوان تلگرافی (قابوس) وجه آبرویمان آن ، یکساله داخله ۳ ریال ، شش ماهه ۱۸ ریال ، خارجه بترتیب ۵۰ ریال ۳۰۰ ریال اعضاء معارف و محصلین ۲۰ ریال. تک شماره هشت شاهی. نامه قابوس گر چه در عنوان روز نامه علمی ، ادبی ، اخلاقی ، اجتماعی ، فکاهی ، اقتصادی معرفی شده ولی این روز نامه نیز مانند سایر جراید معنی که پس از تأسیس ثبت عمومی یا بدایره انتشار گذاشته نوعاً هفت اول و دوم آن بعد از سرمقاله مشتمل بر قسمتی از اخبار داخله و خارجه و حوادث محلی میباشد و گاهی نیز از روز نامه های مرکز یکسری دو مقاله نقل شده و بقیه مخصوص درج اعلانات ثبتی است .

شماره ۲۱ سال اول نامه قابوس در چهار صفحه طبع و در تاریخ دوشنبه ۱۵ دیماه ۱۳۱۴ مطابق ۱۱ شوال ۱۳۰۴ قمری و ۶ ژانویه ۱۹۲۶ میلادی منتشر شده است. سرمقاله این شماره چند خبر خارجی از (آژانس پارس) بنقل ازروز نامه اطلاعات است. پس از سرمقاله مقاله نا تمام راجع به (کاغذ ساری) نوشته و در صفحه دوم (قسمت صحی) مطالبی راجع بتعذیه بقلم آقای دکتر سیهری مقاله دیگر بعنوان (دیروز و امروز) و در صفحه سوم و چهارم اعلانات ثبتی و مقاله راجع به (معجزه قرآن) بنقل از روز نامه شامین درج است. روز نامه توفیق در شماره ۴۸ سال سیزدهم خود مورخ دوشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۱۴ راجع بطلوع نامه قابوس اینطور نوشته است : « شماره اول روز نامه جدید التأسیس قابوس در کرگان با قطعی مناسب انتشار

حرف النون بعده الالف نامه ملی ، نامه وطن ، نامه هنر ، نجات

یافته و باداره واصل گردیده . این نامه بمدیریت دانشمند معترم آقای عجمی استر آبادی که يك نفر از ادبای معاصر و آثار گرانبهای ایشان سابقاً در توفیق طبع شده منتشر میشود . آرزو مندیم که نامه قابوس در عالم مطبوعات رونق بزرانی گیرد .

(۱۰۸۶) نامه ملی

روز نامه ملی در طهران در سال ۱۲۹۹ شمسی تأسیس و بطور هفتگی منتشر شده است .

(۱۰۸۷) نامه وطن

روز نامه وطن با چاپ سنگی در شهر حیدر آباد دکن بمدیری (صحاف باشی که از طهران فراری بوده) تأسیس و در سال ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است . برون که شرح مذکور را در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۴۶) نوشته است اضافه میکند که من نمره هفتم سال دوم این روز نامه را در دست دارم . این نمره در ماه صفر ۱۳۲۶ قمری توزیع و در ۱۶ صفحه بقطع ۶/۵ در ۱۰/۵ اینچ و با چاپ سنگی طبع گردیده و بغط تعلیق نوشته شده و وجه اشتراك آن قید نگردیده است .

(۱۰۸۸) نامه هنر

مجله نامه هنر که از انتشارات وزارت پیشه و هنر بوده در طهران تأسیس و در سال ۱۳۰۶ شمسی بطور ماهانه منتشر شده است از این مجله هر نوبت یکگزاینده طبع و بقیمت سه ریال منتشر میگردد . نامه هنر تا سال ۱۳۱۶ غیر مرتب انتشار یافته است .

(۱۰۸۹) نجات

روز نامه نجات در طهران بمدیری (میرزا محمد خراسانی) تأسیس و شماره اول آن در تاریخ سوم جمادی الثانی ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است . روز نامه حکمت چاپ قاهره در شماره دوم سال هجدهم خود مورخ ۱۵ شعبان ۱۳۲۷ قمری در جزء اخبار طهران مینویسد روز نامه هائی که نسخ اولیه آنها در این هفته رسیده یکی روز نامه نجات است مدیر و محرر جریده . نجات میرزا محمد خراسانی است که تازه یا بیدان جهاد گذارده و عبارات شیرین روز نامه اش بر مطالعین روشن میگردد . روز نامه نجات هفته دو شماره طبع و توزیع شده و شماره ۲۵ آن در تاریخ چهارم شوال ۱۳۲۷ قمری انتشار یافته است .

روز نامه نجات معمولاً از چهار تا هشت صفحه بقطع ۶ و سه چهارم در ۱۲/۵ اینچ طبع گردیده و قیمت اشتراك سالیانه آن در طهران ۱۰ قران . در سایر شهر های ایران ۱۷ قران . و در خارج ایران ۱۵ فرانك است . این روز نامه در کابینه سعد المواله جلت حمله که در آن بمجاهدین شده بود توقیف گردیده و روپهم رفته یکی دوسال منتشر شده است .

میرزا محمد خراسانی — میرزا محمد خراسانی مدیر روز نامه نجات و روز نامه حقوق از طلاب خراسانی مقیم طهران بوده که پس از انتشار روز نامه نجات معروف بنجات شده است

حرف‌النون بعلمه الجیم

نجات

در دوره دوم مجلس شورای ملی که در تاریخ دوم ذی‌قعدة ۱۳۲۷ قمری افتتاح و در تاریخ سوم محرم ۱۳۳۰ انفصال یافت، از تبریز بنماینده‌گی مجلس انتخاب شد و ملک دموکرات داشته‌است در دوره سوم نیز از شهر بیرجند انتخاب گردیده است شرح احوال مشارالیه را بتفصیل آقای مرتضی مدرس چهاردهی در شماره پنجم سال اول مجله جلوه نوشته و ما عیناً از آنجا نقل بنمائیم، محمد نجات فرزند عبد‌الکریم ملک‌التجار خراسانی نواده حاج قاسم طهرانی می‌باشد که در سال ۱۲۵۶ شمسی در شهر مشهد تولد یافته تحصیلات مقدماتی خود را در آنجا آموخت و بعد قصد ادامه تحصیل بنجف اشرف رفت و پس از مدتی تحصیل و اقامت در آن صفحات بشهد مراجعت نمود تا اواخر صدارت میرزا علی اصغر خان بامر دولت بطهران آمده در باب آمدن خود به طهران چنین یاد داشت نموده است:

(در اواخر صدارت میرزا علی اصغر خان بواسطه اختلافات ملک‌کی بامر دولت بطوران آمده دو سال تمام در محاکم شرعیه و عرفیه سرگردان و مبتلی بودم و از وضع حکومت استبدادی و رفتار حکام شرع و عرف که کاملاً منافی با اسلام و حقیقت عدالت بود بقدری نا‌ملایمات دیدم که عاقبت تنگ آمده با جمعی از مظلومین و ستم‌دیدگان در صدد تخریب حکومت استبدادی برآمدم و شروع بکار نمودم مقارن این احوال جمعی بعنوان عزل عین‌المو و بعضی از مقاصد دیگر از این قبیل بحضرت عبدالعظیم موفع را مفتنم شمرده و با آنها بیوسته متحصنین را بخط عدالت خانه خواستن و داشته تا آنکه دستخط تأسیس عدالت خانه صادر و متحصنین بشهر آمدند چون غرض اصلی و رفتن بحضرت عبدالعظیم چیزهای دیگر بود و پس از آمدن بشهر مسئله عدالت خانه مسکوت ماند لذا مجدانه اقدامات خود را تعقیب و وسائل حاضر نمودن افکار عمومی را بر ضد حکومت فراهم تا اینکه مسئله مجد جمعه پیش آمد.)

مرحوم نجات بطوریکه خود نوشته و بعضی دوستان وی که هنوز بخاطر دارند در واژگون ساختن حکومت استبدادی زحمات بسیار کشیده در انقلاب مشروطه ایران مدتی روز نامه (حقوق) و سپس روز نامه (نجات) را منتشر و چندین دفعه از طرف جلادان محمد علی میرزا گرفتار و زندانی گردید راجع بیکى از گرفتاریهای خود چنین نوشته است: «چهارشنبه سیزدهم ذیحجه هزار و سیصد و بیست و هفت قمری نیم ساعت از شب گذشته غفله جمعی مسلحانه داخل بنده منزل شده مرا بایک حالت شدید از منزل بیرون کشیده از فحش دادن و نا سزا گفتن بطوریکه رسم ایام قدیم بود که بایک مقصری معمول می‌داشتند کوتاهی نکرده با سرو پای برهنه و پشت گردنی در نهایت عجله مرا بنظمیه (خیابان جلیل آباد خیام) آوردند و بمجلس انداختند در آن چند روز بقدری صدمه و آزارم دادند که از زندگانی قطع امید نمودم تا آنکه مرا بمنزل سعد المواعه رئیس دولت وقت آوردند هفتاد و پنج روز در منزل او محبوس بودم تا آنکه بی گناه بودم ثابت و مستخلص گردیدم.»

مرحوم نجات از مؤسین و مروجین افکار حزب دموکرات ایران بوده و برای بقای این حزب زحمات بسیار کشیده است. یکی از خدمات نوخ پرستانه آن مرحوم تأسیس مدرسه خریه ایتم در سال مجامعه بوده که عده از صفار و ایتم بی بضاعت را جمع‌آوری و بتحصیل و تربیت آنها همت گماشته و تا مدت سه سال از آنها نگاهداری نموده است. مدرسه ایتم را در سال

حرف النون بعده الجیم

نجات ، نجات ایران

مجماعه ۱۴۲۷ در طهران تأسيس کرد روزنامه حقوق و روزنامه نجات در سال هزار و سیصد و هفت قمری در طهران تأسيس و يك دوسالی منتشر شد .

نجات چندین دورره متوالی از اوائل مشروطیت ایران بنماینده کی مجلس شورای ملی انتخاب دوره اول از آذربایجان و دوره دوم از قایمات و دوره سوم از خراسان و دوره چهارم از مازندران و دوره پنجم از زنجان و کیل شدند و از سال ۱۴۰۱ شمسی نظر بجهات و مقتضیات زندگانی اجتماعی و سیاسی خود را بکلی ترك و از مصاحبت و مجالست دوستان هکتاره گیری اختیار و بتدریج خانه نشین و منزوی گردید تا در شب جمعه سوم آذرماه ۱۴۱۲ شمسی در سن پنجاه و شش سالگی دارفانی را وداع گفت آرامگاه نجات در امامزاده عبدالله در حضرت عبدالعظیم میباشد . مرحوم نجات با وجود گرفتاریهای زیاد و اشتغالات سیاسی اشعاری که نشانه بارزی بر طبع بلند اوست در بعضی مواقع بنسبتهی سروده که از وی بیادگار مانده است .

در اینجا آقای مدرسی يك غزل و يك قطعه از آن مرحوم نقل نموده و غزل به مطلع زیر شروع میشود .

آن تجلیها که گل در چشم بلبل میکند بادل مسکین من آن روی چون گل میکند
مطلع قطعه چنین است :
گر در جهان قیافه زیبای زر نبود جنگ و جدال اینهمه بین بشر نبود

(۱۰۹۰) نجات

روزنامه نجات در شهر خوی در سال ۱۴۲۰ قمری تأسيس و منتشر شده است . مرحوم تربیت در فهرست روزنامه های آذربایجان در باره روزنامه نجات مینویسد : « نجات - روزنامه هفتگی منتشر در خوی با چاپ سری در سال ۱۴۲۹ . . . مملک روزنامه سیاسی و دموکراتیک است .

(۱۰۹۱) نجات

روزنامه نجات با طبع زلاتین در شهر رشت منتشر شده است . برون که این روزنامه را یاد داشت نموده مینویسد انتشار آن محقق نیست . (س ۶ : ۱)

(۱۰۹۲) نجات ایران

روزنامه نجات ایران در طهران بهمدیری و نویسندگی (زین العابدین فروزش) تأسيس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . طرز انتشار نجات ایران هفته دو روز روزهای سه شنبه و جمعه منتشر میشده . شماره پنجم سال اول نجات ایران روی يك ورق بزرگ طبع و در تاریخ جمعه شوال ۱۳۴۰ قمری مطابق ۲ برج سرطان ۱۳۰۱ شمسی منتشر گردیده و نیز شماره ۱۵ سال اول آن بهمان قطع در تاریخ ۵ شنبه ۲۸ جمادی الثانی مطابق ۲۶ برج دلو ۱۳۰۱ انتشار یافته است . نجات ایران تا سال ۱۴۰۵ شمسی بطور غیر مرتب منتشر شده و برای مدت مدیدی تعطیل گردیده است . پس از حوادث شهریور ۲۰ مجدداً نجات ایران با بدایره انتشار گذاشته و شماره ۱۱۴ سال بیستم آن در چهار صفحه بقطع بزرگ و با چاپ سری در تاریخ سه شنبه

حرف النون بعد الجیم

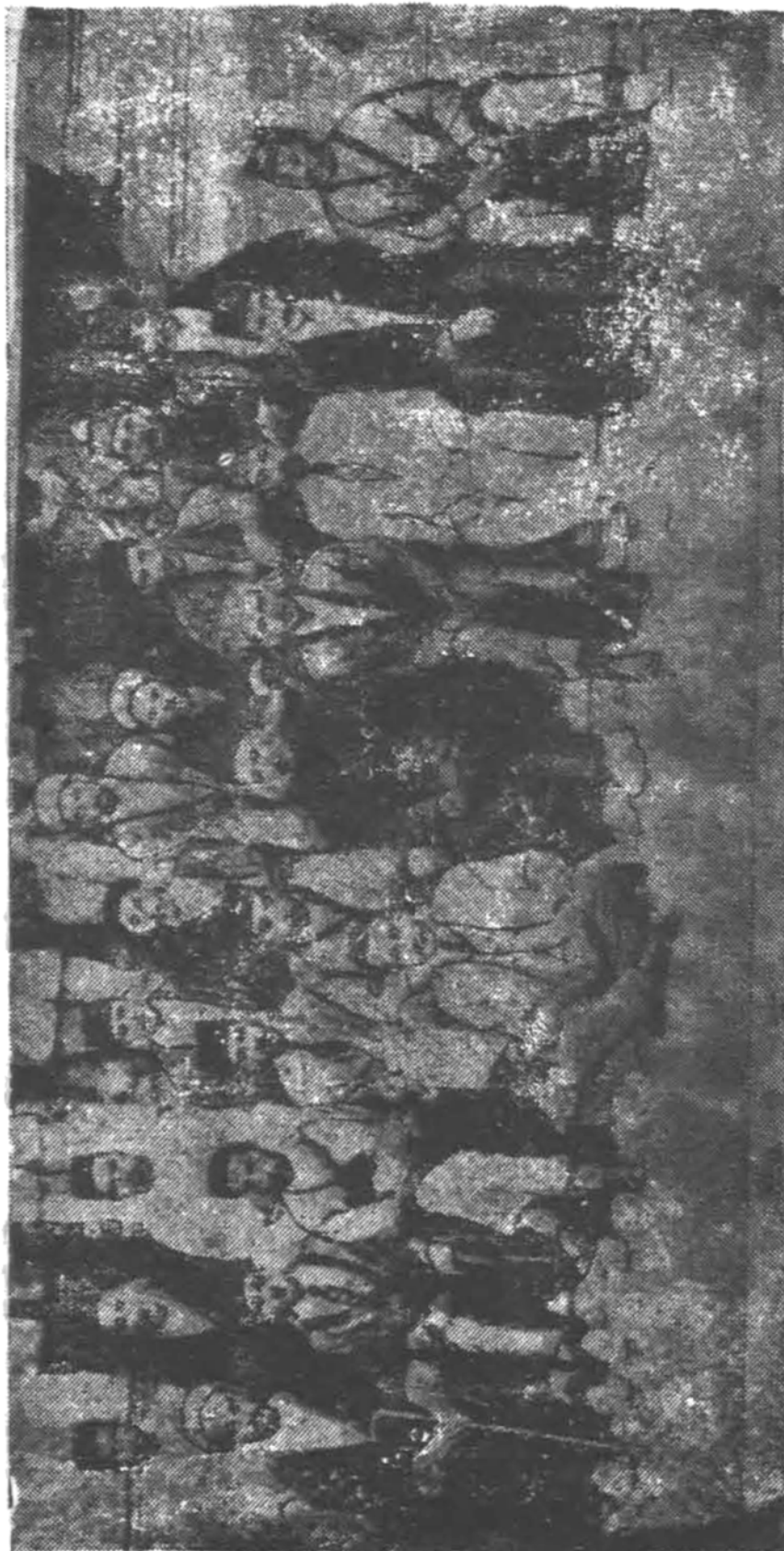
نجات ایران

۲۱ شهریور ۱۳۲۱ شمسی برابر با ۱۰ رمضان ۱۳۶۱ قمری منتشر شده است. در این شماره عکسی از (مدیر جراید پایتخت در سال ۱۳۰۱) بشرح زیر چاپ شده: «آقای زین العابدین فروزش مدیر روزنامه نجات ایران - آقای نوبخت مدیر بهارستان - آقای علی دشتی مدیر شفق سرخ - میرزا آقاخان مصراغلاب - مرحوم حسین صبا مدیر ستاره ایران - آقای معدنچی (کیانیور فعلی) - آقای جعفر دادگر - آقای هاشم معبط مدیر روزنامه وطن - مرحوم ندائی مدیر جارچی ملت - آقای سیف آزاد مدیر شرق آزاد - آقای حسن حلاج مدیر حلاج - مرحوم فرخی مدیر طوفان - ابراهیم ضیاء الواعظین مدیر ایران آزاد - آقای لطف اله ترقی مدیر روزنامه ترقی»

در زیر این عکس، عکس دیگری از (مدیران جراید پایتخت در حال حاضر) بشرح زیر چاپ شده است: «یقبکیان مدیر ایران کنونی - مجید موقر مدیر مهر ایران و مجله مهر - عبد القدر آزاد مدیر آزاد - رحیم زاده صفوی - مدیر قمی مدیر ناهید - عادل خلعت بری مدیر نامه دانشوران - کسروی مدیر پرچم و مجله پیمان - امیر ابراهیمی مدیر مردان کار - خلیلی مدیر اطلاعات ایران - وفیق مدیر توفیق - محمد تقی عرفان مدیر داخلی کانون شعرا - نوروز مدیر نوروز - عباس نعمت صاحب امتیاز طهران مصور - محمد جواد عوشمند مدیر سعادت بشر - سید حمد بیامی مدیر پیام - شکراله صفوی مدیر روزنامه کوشش - دهقان مدیر طهران مصور - جواد مسعودی مدیر زورنال دو تهران - طباطبائی مدیر تجدید ایران - عباس مسعودی اطلاعات و مجله اطاق بازرگانی و اطلاعات هفتگی - مگردیچ مگردیچیان مدیر آلبت - مدیر صدای ایران - بازار گد مدیر روزنامه خورشید ایران - علی اکبر سلیمی مدیر مری و گهای رنگا - رنگ - حیرچیان ساعی مدیر سیم شمال - مدیر روزنامه بوبوخ - رهیار مدیر روزنامه آفتاب تابان - احمدملکی مدیر ستاره و ستاره هفتگی - میرسید محمد معبط طباطبائی مدیر مجله معبط - عزت پور مدیر آزادگان - ابوالفضل حاذقی سردبیر کانون - سیف پورفاطمی مدیر باختر - مدنی مدیر پرورش - احمد مطیعی - حسین مطیعی مدیر کانون شعرا - محمدعلی غمین مدیر نسیم سحر»

شماره ۱۱۴ روزنامه نجات ایران در تاریخ ۱ شنبه ۲ مهر ماه ۱۳۲۱ منتشر شده در این شماره و شماره‌های قبلی روزنامه بنسبت شغل و کالت دادگستری که آقای فروزش داشته و در دیوان کیفر و کیل مدافع سرباس مختاری رئیس کل شهربانی دوره دیکتاتوری بوده، متن دفاع نامبرده چاپ شده است. بالای اسم روزنامه (نجات ایران) آیه و (بجیناه و من القم) بعنوان شعار چاپ شده. محل اداره روزنامه خیابان فردوسی و پهای اشتراك روزنامه در دوره دوم بدین قرار است: سالبانه ۱۲۰ ریال، ششماهه ۷۰ ریال، سه ماهه ۴۰ ریال.

هنکامیکه نگارنده در ملایر بودم آقای فروزش مدیر روزنامه، نامه بشماره ۴۶ بتاريخ ۲۱/۱/۹۱ در پاسخ نگارنده بدین شرح راجع برورنامه خود نوشته اند: «انتشار روزنامه نجات ایران از سال ۱۳۰۱ شروع و تا سال ۱۳۰۵ در طهران منتشر میگردد. این روزنامه در ترقیات فرهنگی دارای معتقدات و روش خاصی بوده و چنین مینداشت که باید در اصول تربیت و تعلیم و تعمیم فرهنگ و ایجاد روحیه عالی ملی انقلابی در معارف ایجاد نمود و در اینراه کوشش های بسیار نمود و از این جهت سبک آن مورد پسند متجددین و ترقیخواهان بود: در سیاست



تصویر مدیران جراید پایتخت در سال ۱۳۰۱ شمسی
 شرح احوال و تصویر بعضی از این آقایان در محل خود چاپ شده است .

حرف‌النون بعده الجیم

نجات ایران ، نجات وطن



نیز مشربی تند و اصلاح طلبانه و اصلاح بمعنی واقعی داشت . ضمناً دارای جنبه ادبی بود و غالباً بهترین قطعات نشر و ترجمه‌های بسیار ممتاز از آثار بزرگترین نویسندگان را دارا بود . این روزنامه حامی بالا آمدن سطح لبقت و شایستگی و طرفداران بود که مقامات و مشاغل را باید بر طبقه شایسته و لایق علی قدر مراتبهم رجوع نمود بهر حال از ۱۳۰۵ تا حال بواسطه فشار و تضییق آزادی قهراً تعطیل بوده و اینک با همان سلیقه و سبک باضافه جنبه تربیت دینی و ملی خاصی منتشر میشود . مدیر مسئول و صاحب امتیاز نجات ایران - ز فروزش .

آقای زین العابدین فروزش

(۱۰۹۳) نجات وطن

روز نامه نجات وطن در شهر اصفهان تأسیس و در سال ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است . برون که نام این روز نامه را نوشته اضافه میکند که از این روز نامه بیش از هشت یا نه نمره منتشر نشده است .

(۱۰۹۴) نجات وطن

روز نامه نجات وطن در طهران بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (س - ح مدنی کاشانی) تأسیس و شماره اول آن در دو صفحه بقطع بزرگ و با چاپ سری در (مطبعه برادران باقرزاده) طبع و در تاریخ شنبه ۶ ذیحجه ۱۳۴۱ قمری مطابق ۲۹ سرطان ۱۳۰۲ منتشر شده است . مقاله افتتاحی روز نامه که تحت عنوان (پایه و اساس) نوشته شده بدینقسم شروع میگردد : « عمده مطبوعاتی که ما را داخل صحنه بر آشوب کرد و بزرگترین جهنی که ما را از زاویه انزوا و تماشا این جنگل مولا ببیدان مبارزه حیاتی پرتاب نمود همانا افعال متضاد و اقوال پریشان‌توده بود » در صفحه اول این شماره رباعی زیر درج است :

گویم سخنی گر ز تومن داری گوش برخیز ز خواب جهل منشین خاموش
گر خیر صلاح خویشتن میطلبی از بهر نجات وطن خویش بکوش

چاپ این رباعی بمناسبت ذکر کله نجات وطن که نام روز نامه است ، میباشد . بقیه مندرجات شماره اول عبارت از اخبار داخه و تلکرافات و شکایات مردم ولایات است . ضمناً در همین شماره نکذیبی بامضای (مدنی کاشانی) مدیر روزنامه چاپ شده که خلاصه آن این است که در نمره ۱۲ و ۱۴ روزنامه قلم - پاک در سر لوحه آن آقای مدنی کاشانی بعنوان مدیر روزنامه معرفی شده در صورتیکه این روزنامه ارتباطی با ایشان ندارد .

حرف النون بعده الجیم

نجف ، نجم باختر

شماره دوم نجات وطن در تاریخ شنبه ۱۲ ذیحجه ۱۳۴۱ قمری مطابق ۵ اسد ۱۳۰۲ منتشر شده . محل اداره روزنامه ، ایران . طهران . خیابان ناصریه . روبروی شمس العماره . وجه اشتراك سالانه ، طهران ۵۰ قران . ششماه ۳۰ قران . ولایات اجرت پست اضافه میشود خارجه ۶۰ قران . تكشماره شش شاهی قیمت اعلانات ولوايح خصوصی با دفتر اداره است ، طرز انتشار روزنامه هفتگی است . بالای اسم روز نامه جمله (النجات فی الصدق) بعنوان شعار روز نامه چاپ شده است . از این روز نامه فعلا تا شماره پنجم سال اول در دست است .

(۱۰۹۵) نجف

روزنامه نجف در شهر نجف بمدیری (سید مسلم رلون زاده) و (حاجی محمد بن حاجی حسین) و (شیخ حسین طهرانی) تأسیس و در سال ۱۳۲۸ قمری بطور هفتگی منتشر شده است . شماره ششم نجف در هشت صفحه بقطع ۶ و يك دوم در ۹ و يك دوم اینچ طبع و در تاریخ ۱۶ جمادی الاول ۱۳۲۸ قمری انتشار یافته . وجه اشتراك آن در نجف ۲۵ روپیه ، در تركستان ۳۰ روپیه ، در ایران ۱۵ قران و در سایر ممالك ۸ فرانك .

در شماره ۴ سال نوزدهم روزنامه حكمت چاپ قاهره مورخ شوال ۱۳۲۸ قمری شرحی راجع بشیخ حسین طهرانی مدیر روزنامه نجف نوشته که بی مناسبت نیست آنرا نقل نمایم . وی می نویسد : « از قرار معلوم شیخ حسین طهرانی مدیر روزنامه (نجف) از نجف بیکی از همدستان خود در محرمه نوشته که نامه را بر رئیس بایه عكا ببرد و مقداری دینامیت برای قتل آخوند خراسانی یا چند نفر فدائی برای کشتن آخوند که اخیراً نظر خوبی بشروطه نداشته ، بفرستد این نامه شیخ حسین بدست آمده و شیخ مذکور گرفتار شده است . »

(۱۰۹۶) نجم باختر

روزنامه نجم باختر در شهر واشنگتن از بلاد ممالك متحده امریکا از طرف (بهائیان امریکا) تأسیس و در سال ۱۹۱۱ میلادی منتشر شده است . این روزنامه هر نوزده روز یکمرتبه طبع و توزیع شده و پس از چندی اسم آن تغییر کرده و بنام (پیامبر باختر) منتشر گردیده .

برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۵۹) مینویسد من از دوره دوم این روزنامه که بنام پیامبر باختر منتشر شده از نمره ۱ تا ۴ و از ۷ تا ۸ و از ۱۴ تا ۱۶ آنرا دارم . نمره اول آن در ۲۱ مارچ ۱۹۱۱ میلادی و نمره آخر آن در ۳۱ دسامبر همین سال منتشر شده .

این روزنامه بدوزبان فارسی وانگلیسی نوشته شده و منظور از انتشار آن ترویج منهب بهائی بوده است

(۱۰۹۷) نخستین

روزنامه نخستین دو شهر اراک تأسیس و در سال ۱۳۱۰ شمسی بطور مفتگی

منتشر شده است

(۱۰۹۸) ندای اسلام

آقای سید ضیاء الدین طباطبائی در سال ۱۳۲۵ قمری روز نامه موسوم بنمای اسلام را در شیراز انتشار داده و در سال ۱۳۲۸ قمری که بطهران مسافرت کرده روز نامه نیز تعطیل گردید. ندای اسلام با چاپ سنگی و بطور مفتگی منتشر شده و بعد صفحات آن از چهار تا هشت صفحه می‌باشد. وجه اشتراک روز نامه در شیراز ۳۰۰ قران در سایر شهر های ایران ۲۶ قران. در خارجه ۴۰۰ قران.

شماره اول روز نامه ندای اسلام در تاریخ ۱۱ صفر ۱۳۲۵ قمری منتشر شده و روز نامه ندای وطن مورخ ۲۵ صفر در باره طلوع این روز نامه مینویسد: «در شهر شیراز روز نامه باسم ندای اسلام با اسلوبی غریب و بزم یکانه دانشمند فرزانه آقا سید ضیاء الدین است». بیرون در کتب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۴۸) مینویسد من خیرات ۷ و ۱۴ و ۲۵ روزنامه را در دست دارم در کتاب اسرار سیاسی کودتا - زندگانی آقای سید ضیاء الدین طباطبائی (صفحات ۱۴ و ۱۵ و ۱۶) در باره سید ضیاء الدین و انتشار روز نامه ندای اسلام مینویسد: «پس از آنکه سید ضیاء الدین با پدرش سید علی یزدی تبریز رفت در آنجا مادرش که شیرازی بود فوت میکند در نتیجه سید هازم شیراز میشود. در شیراز در کوی و برزن در خانه و انجمن همه جا وارد میشد و نطق میکرد. کم کم برای هدایت توده بفکر انتشار روز نامه افتاد. وارد چهاردهمین مرحله زندگانی شده بود و روز نامه بنام (اسلام) منتشر کرد و بارنک سبز آنرا نشر داده. پس از قیام مستبدین شیراز بر علیه او و توقیف کردن روز نامه اش فوراً با زبان آتشین شروع به انتشار شب نامه ها کرد و چند روزی نگذشت که روز نامه (ندای اسلام) را با یعنی بیارتند بیرون داد و بمتنفذین فارس و مخالفین مشروطه بسختی تاخت. مستبدین فارس کمر قتل او را بستند برای شخص ۱۴ ساله اینگونه حوادث فوق العاده ناگوار و طاقت فرسا بود شبی با یکی دو نفر از کارمندان روز نامه اش در دفتر خود نشسته بود که صدای گلوله فضای اطلاق را پر کرد سید ضیاء الدین جانش بطور حتم در خطر بود. بالاخره بادل بیجان از شیراز بطور ناشناس خارج شد و بطهران رفت و در طهران با پدرش (حاج سید علی آیت اله یزدی) بر علیه استبداد قیام نمود و از پیش آمد های تبریز و توطئه بستان دوسها بحرم حضرت رضا برای تحریک احساسات مردم استفاده نمود تا اینکه محمد علی شاه حکم قتل و غارت خانه حاجی سید علی را میدهد ولی حکم قتل او اجرا نمیشود و سید علی را بسیاری تجید میکنند و سید ضیاء برای مدت دو سال بفرانسه تبعید میشود ۴۰.

آقای سید ضیاء الدین طباطبائی علاوه بر روز نامه ندای اسلام روز نامه شرق و برق را نیز منتشر نموده و برای اطلاع از آنها بکلمات ب و ش کتب رجوع شود.

حرف‌اتون بعدء الدال ندای اسلام، ندای آسمانی، ندای ایران

(۱۰۹۹) ندای اسلام

روزنامه ندای اسلام بمبیری (حاج میرزا علی آقا اصفهانی) در اصفهان تأسیس و در سال ۱۳۰۴ شمسی بطور هفتگی منتشر شده است. امتیاز روزنامه ندای اسلام در چهارم قوس ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته است.

(۱۱۰۵) ندای آسمانی

روزنامه ندای آسمانی در طهران بمبیر مشولی و سردیری (سید محمد تقی) تأسیس و در سال ۱۲۴۱ قمری منتشر شده است. محل اداره، طهران، خیابان شاه آباد، بهای روزنامه، طهران ماهیانه ۳ قران سالیانه ۳۰ قران. در ولایات خرج پست اضافه میشود. تک شماره ۴ شاهی. برای محصلین و کارگران تخفیف داده میشود. طرز انتشار روزنامه بقسمتیکه در عنوان آن فید شده روزهای یکشنبه و سه شنبه و پنجشنبه طبع و نشر میشود.

شماره چهارم سال اول ندای آسمانی در دو صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربی (ایران) طبع و در تاریخ ۵ شنبه ۱۴ قوس مطابق ۲۶ ربیع الثانی ۱۲۴۱ قمری منتشر شده است. سرمقاله این شماره تحت عنوان (حکایت و استیضاح) نوشته شده و بدینقسم شروع میگردد: «اینک ماه ششم کابینه دوم قوام السلطنه میرود بآخر برسد. دو کابینه ایشان تشکیل دادند در هیچ يك از این در کابینه و کلای دست چپ یعنی نمایندگان آزاد بخواه بمعظم له رأی اعتماد نداده... پس از این سرمقاله دو مقاله دیگری بعنوان (هبت منصفه) و دوم (معارف باید اصلاح شود) و سپس اخبار خارجه چاپ شده است. روزنامه ندای آسمانی از مخالفین سرسخت قوام السلطنه رئیس دولت وقت میباشد. از این روزنامه فعلاً تا شماره ۹ سال اول مورخ سه شنبه چهارم جدی ۱۳۰۱ مطابق ۷ جمادی الاول ۱۲۴۱ در دست است. سرمقاله این شماره بعنوان (وتوق الدوله تظهير نمیشود) میباشد.

(۱۱۰۱) ندای ایران

روزنامه ندای ایران در طهران تأسیس و در سال ۱۲۰۱ شمسی بطور هفتگی منتشر شده است.

(۱۱۰۲) ندای شرق

مجله ندای ترقی در مشهد مقدس بمبیری (دکتر لقمان مبینی) و مؤسسی (میرزا عباسخان عظیم زاده) تأسیس و در سال ۱۳۰۸ شمسی منتشر شده است. مجله ندای ترقی ماهی یک شماره بطور غیر مرتب در ۲۴ صفحه بقطع کوچک خشتی با چاپ سربی در مطبعه (نور و ایران) طبع و شماره اول آن در فروردین ۱۳۰۸ انتشار یافته. وجه اشتراك سالیانه آن ۱۸ قران و در خارجه ۵ رویه انگلیسی و تک شماره آن در مشهد بکتران و دهشاهی و در خارج باضافه وجه پست است. محل اداره، مشهد، کوچه ارك.

مندرجات مجله ندای ترقی مطالبی است دینی و ادبی و اخلاقی و طبی و گاهی اشعار و اخبار

حرف‌النون بعد الدال

ندای ترقی

خراسان و مخصوصاً مشهد در آن درج است. روی جلد مجله ندای ترقی (نامهٔ دینی، علمی، اخلاقی، طبّی و ادبی) معرفی شده شماره چهار سال اول مجله در ۲۶ صفحه بقطع کوچک در مطبعه سربى نور طبع و در تیرماه ۱۳۰۸ مطابق محرم ۱۳۴۸ قمری و زوئن ۱۹۲۹ میلادی منتشر گردیده. مقاله اول این شماره خطبه است بزبان عربی و بدینقسم شروع میشود: «بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله الذى شرف الانسان باعظم نعمائه...» پس از این خطبه كه در ۸ سطر نوشته مقاله بعنوان (مبحث اخلاقی - عدالت) درج شده و فهرست بقیه مندرجات شماره مذکور از اینقرار است: صفت جور - حقوق پادشاه شیعه مذهب - نتیجه و علت غائی سفارت پیغمبر خاتم - علو معنوی سلطنت شیعی و علمای شیعه مذهب - مبحث طبّی - قابل توجه آقایان اطباء.

در سال اول یعنی از فروردین ۱۳۰۸ تا فروردین ۱۳۰۹ بیش از شش شماره از مجله منتشر شده و شماره هفتم آن بعنوان (سال دوم - جلد هفتم) در فروردین ۱۳۰۹ انتشار یافته و در سال دوم یعنی تا فروردین ۱۳۱۰ نیز بیش از شش شماره منتشر نگردید. در شماره اول سال دوم تمثال اعلی حضرت رضا شاه نقیذ چاپ شده و در زیر آن نوشته است: «برای مبارکی و میمنت سال دو مجله ندای ترقی گراور اعلی حضرت را طبع نمودیم» که منظور سال دوم تأسیس مجله میباشد نه سال دوم انتشار. در سال دوم مدیر مجله (حاج سید محمد سی نجفیان رضوی) معرفی شده قیمت اشتراك در این سال ۱۲ قران. خارج مشهد باضافه پست. هند و عراق عرب سه رویه. قیمت شماره ۲ قران. در شماره اول سال دوم يك تقویم سال ۱۳۰۹ در چهار صفحه به آخر مجله ضمیمه دارد.

مجله دهوت اسلامی مورخ فروردین ۱۳۱۰ شمسی شرحی بدینقسم راجع بمجله ندای ترقی نوشته است: «مجله ندای ترقی - این مجله که از هر جهت برجسته و فوق العاده قابل توجه میباشد دو سال است بدیریت فاضل دانشمند آقای حاج سید محمد علی نجفیان رضوی و بقلم عدة اذ دانشمندان در مشهد مقدس طلوع و انتشار یافته. در اثر فشار اقتصادی چند ماهی بود که در محاق تعطیل واقع بود و اخیراً از تعطیل خارج و اولین شماره سال دوم (منظور سال دوم انتشار است. مؤلف) آن بامطالبی وزین زیارت شد. نگارنده فعلاً تا شماره ۸ سال سوم این مجله مورخ ابلن ۱۳۱۰ مطابق جمادی الثانی ۱۳۵۰ قمری را در دست دارم.»

حاج سید محمد علی نجفیان - در شماره ۴ سال اول مجله ندای ترقی عکس آقای نجفیان چاپ شده و در زیر آن نوشته است که زحمات ایشان ترقیات مهمی برای ندای ترقی حاصل کرده است و نیز در شماره ۹ سال دوم مجله دهوت اسلامی شجره نامه نمبرده را چاپ کرده. طبق این شجره نامه نسب ایشان بچند واسطه بدینقسم ختم میشود: ابن موسی البرقع ابن الامام الهمام محمد جواد التقی بن علی بن موسی الرضا علیهم السلام. وهم چنین در شماره چهارم ندای ترقی و عکس عظیم زاده بعنوان یکی از جوانان معارف پرور که اقدام بتأسیس مجله ندای ترقی نموده چاپ شده است.

ندای جنوب (۱۱۰۳)

روزنامه ندای جنوب در طهران بصاحب امتیازی (میرزا باقر خان معلم و مترجم

حرف النون بعد الدال ، ندای جنوب ، ندای حق ، ندای دهقان ، ندای رشت

در تبریز) و مدیر مسئولی (معهده باقرخان تنگستانی) تأسیس و در سال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است. شماره اول این روزنامه در شوال و شماره دوم آن در ۲۲ ذیقعده ۱۳۲۹ در هشت صفحه بقطع ۱۵ در ۸/۵ اینچ انتشار یافته. وجه اشتراك آن ۱۸ قران در طهران. ۲۰ قران در سایر شهرستانهای ایران و ۲۲ قران در خارج ایران.

(۱۱۰۴) ندای حق

روزنامه ندای حق در شهر خوی بمدری (کاظم مرندی) تأسیس و در سال ۱۳۳۳ قمری منتشر شده است. طرز انتشار این روزنامه هفتگی است. اسم این روزنامه در فهرست جرایدیکه در مجله پروین چاپ طهران چاپ شده و سال اول انتشار آنها بوده دیده میشود ولی در فهرست روزنامه های آذربایجان تألیف تربیت نامی از این روزنامه نیست.

(۱۱۰۵) ندای حق

در مجموعه از جراید مختلف نمونه ای از روزنامه ندای حق دیده ام و در آنجا مدیر روزنامه (جبرئیل اعلامی) معرفی شده ولی از خصوصیات دیگر آن چیزی یاد داشت نکرده ام.

(۱۱۰۶) ندای دهقان

روزنامه ندای دهقان در سال ۱۳۰۰ شمسی در طهران بطور هفتگی منتشر شده است.

(۱۱۰۷) ندای رشت

روزنامه ندای رشت در سال ۱۳۲۹ قمری در شهر رشت منتشر شده است. برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۴۸) که نام این روزنامه را نوشته اضافه میکند که از روزنامه ندای رشت فقط دو شماره که شماره اول آن در تاریخ ۲۸ ربیع الاول و شماره دوم آن در تاریخ دوم ربیع الثانی ۱۳۲۹ قمری انتشار یافته است.

(۱۱۰۸) ندای صحت

مجله ندای صحت در طهران بصاحبانمیزی و مدیر مسئول (دکتر سیدرضی صحت طباطبائی) و (تحت نظر هیئت اتحادیه اطباء دیلمه) تأسیس و در سال ۱۳۰۶ شمسی منتشر شده است. مجله ندای صحت با چاپ سربی در ۳۲ صفحه بقطع خشتی طبع و شماره اول آن در تاریخ مرداد ۱۳۰۶ انتشار یافته است. محل اداره: خیابان سپه - چهار راه حسن آباد. وجه اشتراك در داخله سالانه ۳ تومان شش ماهه ۲ تومان سه ماهه يك تومان. خارجه و ولایات قیمت تبریر اضافه میشود. تك نمره دو قران و دهشاهی. این مجله معروف در زیر اسم مجله چاپ شده: «العلم علما علم الادیان و علم الابدان».

حرف النون بعده الدال

ندای صحت ، ندای طهران

مجله ندای صحت چنانچه از اسم آن پیدا است و در پشت مجله قید گردیده (از مباحث علمی و اخلاقی بحث مینماید) و همانقسم که یاد آور شدیم (تحت نظر هیئت اتحادیه اطباء دیپلمه) منتشر میشده است.

در شماره اول پس از چاپ تصویر اعلیحضرت نقید (عکس تاجگذاری) مقاله افتتاحی آن تحت عنوان (و به نستین) چاپ شده و قسمتی از آن بدینقرار است: «بشر چون پا برصا وجود گذارد و دوران طفولیت پایان رسد تکلیفی بر عهده دارد که مسامحه در انجام آن خیانت مطلق است - تکلیف انسان در يك اجتماع آنکه تقوی را شعار خود سازد. اوضاع اسفناك صحن و هجوم امراض گوناگون در افطار مملکت اخبار موخش تلفات سنگین در شهر ها و قصبات تقلیل نفوس هر روزی سا کذین ایران ضاف و بیماری و خمودگی باقیماندهگان این ها بلایائی ست که نژاد ایرانی را بدون تعارف و مبالغه بانقراض قطعی سوق میدهد. ولی منت خدایرا که از شش سال قبل همینکه ستاره ایران مداری اعلیحضرت اقدس شاهنشاه پهلوی درخشین گرفت مردم این مملکت یکباره از خواب غفلت و نومیدی بیدار و جنبشی که مناسب با روح با عظمت ایرانی است در هر طرف پدیدار گردید جمعی از اطباء دیپلمه پایتخت نیز گرد هم جمع شده و پس از مطالعه بسیار از سایر همکاران دعوت بعمل آمده تا بالاخره در قرب چهار سال قبل اکثریت قریب باتفاق اطباء دیپلمه مجمعی تشکیل و مرامی در ترویج اصول صحن و دعوت عام بمبارزه با امراض جسمی تدوین و هم از آن روز شروع بنار تهیه و سائل نموده و من جمله اینک مجله (ندای صحت) را که مفاد ماده (۵) مرامنامه است تأسیس مینماید.

اتحاد اطباء دیپلمه کوشش میکند که مندرجات مجله خود را در دسترس فهم عامه گذاشته با زبان بسیار ساده اصول حفظ الصحه را بسا کین دهات ایران هم بیاموزد و نا آنجا که مقدور است این وظیفه خود را بیایان رساند که لبس للانسان الا ما سعی و علیه التکلان. فهرست مندرجات شماره اول با ذکر اسامی نویسندگان آنها، ۱- علل و موجبات تأسیس اتحادیه اطباء و مجله و شرح مرامنامه اتحادیه اطباء دیپلمه بقلم آقای دکتر سید رضا خان صحت طباطبائی. ۲- تاریخ طب بقلم آقای دکتر سید ولی اله خلن نصر. ۳- باکتریولوژی و اهمیت ابن قسمت بقلم آقای دکتر رسولی. ۴- حفظ الصحه اطفال بقلم آقای دکتر رستگار. ۵- مضرات الککل و مسمومیت آن بقلم دکتر علیخان مستثنی. ۶- فهرست عملیات یکسال و نیم صحنه کل مملکتی ۷- راپورت اقدامات صحنه بلدی. ۸- مرض کربپ یا انفلو انزاء بقلم آقای دکتر افضل الدوله ۹- دستور تربیت اطفال شیر خوار بقلم آقای دکتر شفاء الدوله.

(۱۱۰۹) ندای طهران

روز نامه ندای طهران در شهر طهران بمدیری (اقاحسین سلطان زاده) در سال ۱۳۰۴ شمسی تأسیس و بطور روزانه منتشر شده است. شورا یعالی معارف امتیاز این روزنامه را در تاریخ آذر ۱۳۰۴ ش می تصویب نموده است.

(۱۱۱۰) ندای قدس

حرف‌النون بعدء اللال

ندای قدس

مجله ندای قدس در طهران بدیری (حسین قدس) تأسیس و شماره اول آن در مهر ماه جلالی ۱۳۰۴ شمسی مطابق ربیع الاولی ۱۳۴۴ قمری منتشر شده است . مجله ندای قدس در ۱۵ برج در ۸۲ صفحه بقطع ۱۳ در ۲۰ سانتیمتر طبع و توزیع گردیده و وجه اشتراك آن تا شماره چهارم ماهه همه جا ده قران و برای محبین طهران ۸ قران و از شماره چهارم مجله تا هفت سه ماهه هشت قران و از شماره هفت بیحد برای چهارماه يك تومان گردیده است . از مجله ندای قدس پیش از ۹ شماره منتشر نگردیده و بشماره ۸ و ۹ که یکجا طبع و توزیع شده ختم گردیده و این شماره متعلق به ابان و آذر ۱۳۰۵ است و بنابراین دوره مجله شمارمعدکور ختم شده است . ندای قدس درمطابق مختلف طهران ازقبیل سعادت و مجلس چاپ شده و مجموع صفحات آن ۲۹۸ میا شد . محل اداره تا انتشار شماره هفتم خیابان ناصریه کوچه دکتر منصور خانه نمره ۲۱ و محل مراجعه مشترکین دواخانه شریف و کتابخانه شرق و کلاوه و کتابخانه طهران درلاله زار بوده و از شماره ۷ محل اداره بخیابان نگارستان جنب مجلس انتقال یافته است .

برطبق مندرجات صفحه سوم شماره اول ، خارج طبع و نشر مجله را پنجفر از جوانان که عبارتند از آقایان شریفه نشید ، خطیبی ، فرزاد ، امیری ، و کلاوه دیلمه های مدارس عالی و سیاسی دار الفنون و لبسانیه مدرسه حقوق از نظر حسن عقید تیکه بنوشتجات و آثار فکری مدیر مجله داشته بجهت گرفته اند .

قسمتی از مقاله افتتاحی مجله را برای مزید اطلاع خوانندگان گرام نقل مینمائیم : « برای خدمت باخلاق ، روحیات ، ادبیات ، حیات اجتماعی ، تجدد حقیقی و اصول اساسی تکامل ملی دست بکاری میزنم که مخلوط با هزار رنج و مرارت و بسی ضرر و خسران است . با وجود آن منت خدای را که باین بهترین آرزوی خود رسانیده و اینک عهد دار کاری میکنم که خدمت باخلاق و معارف ایناء وطن است . من از هر چیز در دوره حیات خود بیشتر بخضمتی علاقه مند بوده ام که در آن يك قدم بلند بطرف اصلاح اخلاق ، معارف و ادبیات وطن عزیزم بتوانم برداره و تصور میکنم که در نشر این مجموعه اکنون بآرزوی خود رسیده باشم . خاطرهای معزونی که از دوره های زندگی مجلات و جراید باقیمانده و عواقب حرمان بخش که بر اثر بیطلاقی عموم نسبت بسطبوعات ازبیه يك بوده است میخواست که قلوب برادران عزیز را برای لطایف حیات و روح فالایق جلوه دهد و چراغ این امید و آرزوی مسعود را در من خاموش ننماید ولی بالاخره غلیان شدید عشق فداکاری و خدمت بهموطنان باین باد و سر سر یأس و حرمان فائق آمد زیرا وضع ناگوار دیروز بشکر پروردگار بگذشت و کشتی طوفان دیده ما بساحل نجات رسید ندای قدس همه ماهه یکبار درهشتاد صفحه الهی صدمصحه انتشار مییابد و موضوعات گوناگون اخلاقی ادبی اجتماعی و تاریخی را به بهترین طرز دلنشین و زیبا ترین اسلوب دلپسند به برادران هموطن عزیز خود عرضه میدهد . ندای قدس بامید وفاداری احساسات و علاقه هموطن وعده میدهد که دراین خسته فصل کمرانی ایران جز با گل و ریطان ، طراوت و جوانی ، خوبی و زیبایی ، با هیچ چیز دیگر قرین و مایوس نگردیده و درتمام دو . پایداری خود پای از جاده راست و مسلك بی آرایش خود بیرون نگذارد . »

مندرجات مجله ندای قدس عبارت از مطالب مختلف تاریخی ، ادبی ، اخلاقی است برای اطلاع

حرف النون بعده الدال

ندای کرمان، ندای گیلان

فهرست مندرجات شماره دوم آنرا نقل مینمائیم ، - بی و عا ، - وطن - بهای درستی و راستی - مظلومه دوره زندگانی - پرورش نفس - ماچه آرزوئی امروز باید داشته باشیم ؟ - زن - ندای زفاف یارسیان - از اشعار سعدی - برای پسر ها - ار قصاید ابو الفتح بستی - شکایت دختر جوان صباد - از کلمات شبلیز - هیهات - از کلمات حضرت امیر - کتاب دانش و تقدیر - آلات موسیقی قدیم ایران صفولیت اشخاص مشهور - دختر شاهسون - اسب و اهمیت آن در قدیم - داکلس امریکائی - از کتاب من - از نامه های نادر افشار - ماهی واز ویک - غذا - کوه کبوتران - غزلیات شاطر عباس - باران خون - قباچه شناس - دق بلبل - سوزاندن زن با شوهر - هروس انوج - جن در شرق - انسان قبل از تاریخ - سه هراس سه کورباس - فد متوسط ملل - گوناگون - پنجه مریم نکته شایان توجه این است که تمام این مطالب بدون امضاء و بقلم مدیر مجله نوشته شده است .

(۱۱۱۱) ندای کرمان

امتیاز روزنامه ندای کرمان بهمدیری (دکتر عیسی خان وزیری) در شهر کرمان در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شورایعالی معارف گذشته است .

(۱۱۱۲) ندای گیلان

روزنامه ندای گیلان بهمدیری (م. مدنی) در شهر رشت تأسیس و در سال ۱۳۰۲ شمسی بطور روزانه منتشر شده است . روزنامه ندای گیلان بهگمرته درجندی ۱۳۰۲ شمسی توقیف گردیده و پس از چند ماه یعنی در حوت ۱۳۰۲ از توقیف خارج و منتشر گردیده است . روزنامه طلوع چاپ رشت خبر توقیف آنرا در شماره ۲ سال اول مورخ دو شنبه ۹ جدی ۱۳۰۲ و خبر رفع آنرا در شماره ۱۴ سال اول خود مورخ ۲۰ حوت ۱۳۰۲ بدین شرح نوشته است : « تشکر و تأسف - جریده شریفه ندای گیلان نسبت بنانه طلوع ابراز احساسات صمیمانه نموده و در عین حال شنیده میشود که در معاق توقیف مستور شده است .

ما بعد از تقدیم عواطف تشکر آمیز خود از اظهار تأسف خود داری نکرده بنام آزادی مطبوعات از اولیای محترم امور رفع توقیف آن گرامی نامه را مترصدیم «رفع توقیف - جریده شریفه ندای گیلان که چندی قبل دچار توقیف شده بود اخیراً از توقیف خارج و شماره ۲۵ آن باداره ما رسیده است ماموقیت مدیر آنرا خواستاریم» و نیز در شماره ۲۴ سال اول طلوع مورخ ۱۶ ثور ۱۳۰۳ شرحی بامضای مدیر ندای گیلان درباره توقیف مجدد روزنامه بدینقسم نوشته است : « بگمرته دیگر روزنامه ندای گیلان بدون هیچ جهت و عللی از طرف دولت توقیف گردید . این توقیفهای پیایی و خسارات متوالی ارکن انزجار و انتقام را نسبت به مسببین واقعی این قضایا به هیچ وجه متزلزل ننموده و در نتیجه حق بحق دار خواهد رسید . مدیر ندای گیلان . م . مدنی .»

(۱۱۱۳) ندای وطن

روزنانه ندای وطن در طهران مؤسسی و مدیری (مجدالاسلام کرمای) تأسیس و در سال ۱۳۲۴ قمری منتشر شده است. ندای وطن با چاپ سری در مطابع مختلف از قبیل (مطبعه شرقی) و غیره طبع گردیده و در ابتدا هفته یکبار روزهای پنجشنبه طبع و جمعه توزیع (در عنوان روزنامه نوشته است ماهی چهار نسخه طبع و يك جلد كتاب هم بيشتر كمين تقديم ميشود.) ميشود. محل اداره آن ابتدا همان (مطبعه شرقی) بوده و روزنامه همانجا توزيع ميشود است. آيوه اشتراك ساليانه روزنامه: طهران ۲۵ قران. ساير بلاد محروسه ۳ تومان. در عثمانی و مصر ۴ مجیدی. در امريكا و فرانك ۱۴ فرانك. روسيه و افقاز ۸ منات. در هندوستان ۱۲ روپيه. قيمت يك نسخه سيصد دينار. اجرت اعلانات سطری يك قران و در صورت تكرار دهشاهی است.

در بالای اسم روزنامه (ندای وطن) جمله (حب الوطن من الایمان) و در زیر آن جمله (هل من ناصر ينصرني) و كلمات (آرادی - آبادی) چاپ شده است. ندای وطن معمولاً در هشت صفحه بقطع وزیری بزرگ طبع گردیده و هر صفحه آن مشتمل بر دو ستون است.

شماره اول روزنامه ندای وطن در هشت صفحه بقطع مذکور و با چاپ سری طبع و در تاریخ پنجشنبه ۱۱ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ قمری مطابق ۲۷ دسامبر ماه فرانسه ۱۹۰۶ میلادی و ۱۱ دیماه سال ۸۲۸ جلالی توزیع گردیده است. در صفحه چهارم این شماره تحت عنوان (تشكر و افتخار) شرحی نوشته که خلاصه آن این است:

پس از دو سال خدمت بدلت و ملت و زحمات زیاد اکنون که مجلس شورای ملی تأسیس شده این بنده از محبس کلات با هزاران رنج و ملال عودت نموده قریب و بیست نامه از ولایات و دارالخلافه رسیده که اینجا ب دو مرتبه بشغل روز نامه نگاری مشغول شوم و چون اشتغال باین امر بر حسب درخواست دوستان بود لذا نام آنرا به (ندای وطن) نام گذاردم و مانند همان روزنامه ادب هفته یکنمره طبع و توزیع میشود.

پس از شرح مذکور چند درخواست از مشترکین و خوانندگان روزنامه نموده است.

آنچه در اینجا مجدالاسلام اشاره برورنامه ادب نموده برای این است که قبلاً یعنی قبل از تبعید بجانب کلات (شرح آنرا بعداً خواهیم نوشت) ابتدا با ادیب‌المالک مدیر روزنامه ادب همکاری داشته و چندی هم مستقلاً روزنامه ادب را منتشر میکرد و است قبل از تصویب قانون مطبوعات انتشار روزنامه منوط با اجازه صدر اعظم و هم چنین شخص شاه بوده است. و از اینجهت در صفحات دو و سه شماره اول عین فرمان صدارت عظمی و مظفرالدین شاه بدین نحو چاپ شده است: «ابلاغ مبارك از مقام منبع صدارت عظمی - جناب مستطاب شریتمند آقای مجدالاسلام. عرض میشود عریضه و مدیحه جنابعالی بعاکلی مبارك همایون تقدیم و استدعای جنابعالی در خصوص طبع و توزیع روزنامه موسوم بنه‌ای وطن در خاکبای مبارك مقبول و اجازه مرحمت شده

حرفاتوت بعدء الدال

ندای وطن

البته با کمال امید و استظهار بمراحم و لطاف ملوکانه بطوریکه لازمه دولتخواهی و وطن پرستی جنابعالی است و امتحانات کامله داده اید مشغول خدمت بدولت و نشر معارف و ایفاظ ملت باشید بوزارت جلیله انطباعات هم نوشته شد که اجازه طبع روزنامه بجنابه لی مرحمت شده است. زیاده چه نکارد. شهر ذیقعدہ ۱۳۲۴ ۰۴۰ سواد دستخط انجم قط هما یونی - جناب اشرف صدر اعظم اجازه طبع روزنامه مرحمت شود. شوال ۱۳۲۴.

در صفحه اول اغلب شماره های ندای وطن عکس یکی از درباریان و بزرگان مملکت گراور شده و اطراف آن اشعاری بزبان فارسی و عربی طبع گردیده است. در شماره اول عکس مظفرالدین شاه، شاه وقت طبع شده و اطراف آن هشت فرد شعر فارسی و چهار فرد شعر عربی نوشته شده است. شعر اول اشعار فارسی اینست:
 شه اساس نیک بختی در جهان محکم نهاد
 خوش اساسی مرحبا شاعنشہ اعظم نهاد
 و مصرع اول اشعار عربی چنین است:
 هو الامر شوری بیننا جائنا بها.

وز آن بهاء التاریخ (عدل مظفر) ۱۳۲۴ و مصرع آخر این است:
 در شماره دوم تصویر محمد علی شاه قاجار چاپ شده و اطراف آن اشعاری به عربی در مدح او طبع گردیده است. در شماره چهارم تصویر صدر اعظم و در شماره ششم تصویر حاج میرزا علیخان امین الدوله صدر اعظم سابق ایران چاپ شده است. از شماره چهارم سال اول روزنامه هفته دوشماره روزهای شنبه و سه شنبه و از شماره ۵۸ سال اول ندای وطن عنوان بویه پیدا نموده و سواى ایام تعطیل همه روزه طبع و توزیع میشده است. این شماره در تاریخ سه شنبه ۸ رجب ۱۳۲۵ قمری انتشار یافته و در آن خبر فوت مشیرالدوله صدر اعظم سابق ایران در رستم آباد شمران درج است. چنانچه در شماره سوم سال اول تحت عنوان (مصیبت عظمی) خبر مرگ مظفرالدین شاه قاجار نوشته شده است.

در باره مطالب و مسلک روزنامه در هر شماره در زیر عنوان آن این سه سطر چاپ شده: « این روزنامه بکلی آزاد است و از مطالب سیاسی و فواین اساسی و ملخص آثار و نتایج دارالشورای ملی ایران و کلیه اخبار داخله و خارجه بحث مینماید. مالات علمی و ادبی تجارتی که مفید بحال ملت و منافعی بآیین و دولت نباشد پذیرفته و درج میشود تصویر بزرگان و مؤسین محترم و و دلای منمخ مجلس شورای ملی را تدریجاً با گراور نشان میدهد. » بطور کلی مندرجات ندای وطن مانند سایر جرابد صدر مشروطیت عبارت از مذاکرات مجلس شورای ملی و اخبار داخله و بیانت و نظریات جراید خارجی درباره حوادث ایران راجع بشروطیت و مکاتیبی که از ولایات فرستاده میشده و اخبار ولایات میباشد. از قسمتهای جالب و شیرین روزنامه که در سال اول روزنامه چاپ شده (گفتگوی شیخ بهلول و ملا نصرالدین) است.

از شماره پنجم سال اول (فهرست مندرجات) روزنامه در بالای ستون اول صفحه اول چاپ شده و برای نمونه فهرست چند شماره را نقل مینمائیم: فهرست

حرف‌النون بعده الدال

ندای وطن

مندرجات شماره ۱۹ : «مجلس مقدس شورایملی - پارسی گور نکه تقزو دلکش است - رابورت انزلی - بقیه گفتگوی شیخ بهلول و ملا نصرالدین - بقیه ناله وطن - مکتوب شهری - اعلیٰ یا اولوالالباب - وزارت جلیله عدلیه» . فهرست مندرجات شماره ۴۸ : « توضیحات ندای وطن - العجب ثم العجب بن احمدادی و الرجب - سواد دستخط اعلیٰ حضرت هایونی - مکتوب ساری - مکتوب بوشهر . « فهرست مندرجات شماره ۵۶ ، « مجلس مقدس شورایملی - انا لله و انا الیه راجعون - وطن ما در خطر است - رفع اتهام - مکتوب بهبهان - بقیه گفتگوی میرزا عبد الله و میرزا صادق . « .

شماره ۱۰۹ روزنامه در تاریخ دوشنبه ۱۱ شوال و شماره ۱۴۶ آن در تاریخ سه شنبه ۲ ذی‌الحجه ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است .

روزنامه ندای وطن از روزنامه های بسیار مفید و کثیرالانتشار اول مشروطیت ایران بوده و تمام وقایع و حوادث مشروطیت ایران را در بردارد و انتشار آن تا موقع ببادرمان مجاس ادامه داشته است . برای اطلاع بیشتری از مندرجات مفید آن باید باصل شماره های روزنامه مراجعه نمود . مجد الاسلام کرمانی علاوه بر این روزنامه ، روزنامه های کشکول و محاکمات را نیز تأسیس و منتشر نموده و ما در محل خود از هر یک از این دو روزنامه بتفصیل گفتگو نموده ایم . اکنون بذکر شرح حال مرحوم مجد الاسلام میپردازیم و مخصوصاً شرحی که در ضمن نامه راجع بتبعید مشارالیه بکلات نوشته شده عیناً نقل مینماییم :

مجد الاسلام کرمانی - وی ادیبی فاضل و نویسنده مشهور و شاعری عالیهقام بوده در آغاز مشروطیت چند روزنامه مهم در طهران و اصفهان منتشر نموده و نیز شعر را با کمال سهولت و روانی میسروده است . منظومه شهر خاموشان را راجع باوضاع عدلیه که در مطبعه تمدن در ۹۰ صفحه در سال ۱۳۰۸ شمسی چاپ شده ، اوسروده است مجد الاسلام در اواخر عمر در کرمان میزیست و در سال ۱۳۰۲ شمسی در همانجا فوت کرده است . شرح احوال آن مرحوم بتفصیل در شماره ۲۶۵ مجله خواندنیها چاپ شده اما آنچه کمتر در جانی نقل شده داستان تبعید او بکلات است باتفاق مرحوم رشديه و میر آقا اصفهانی که آنرا از روزنامه حکمت چاپ قاهره نقل مینماییم . قبل از نقل این قسمت شرحی را که مرحوم کسروی درباره علت تبعید مجد الاسلام نوشته ذکر نموده سپس بنقل آن میپردازیم . کسروی در جلد اول تاریخ مشروطه ایران صفحات ۱۲۳ و ۱۲۴ می نویسد : « از آنسوی عین الدوله خواست کسانی را از تند روان از شهر بیرون راند و چشمهای دیگران را بترساند و باشد که میخواست از این راه پروبال کوشندگان را بکند و همدستان ایشان را گرفته و دور گرداند شب شنبه ۲۵ خرداد (۲۴ ربیع الثانی) سه تن را که حاجی میرزا حسن رشديه و مجد الاسلام کرمانی و میرزا آقا اسپهانی بودند از خانه هاشان دستگیر کردند و هریکی را بدسته دیگری از سواران کشیکخانه سیرده و بکهریزك فرستادند و از آنجا هر سه را بدرشکه نشاند و با سواران بسوی کلات نادری روانه گردانیدند

حرف‌النون بعد‌الندال

ندای وطن

اینان هیچک از کوشندگان نبودند. رشد به بنیاد گذار دبستان و خود مرد زباندار و بی پروائی میبود و در اینجا و آنجا از بدگوئی بنالدوله باز نمی ایستاد مجدالاسلام یکی از کارکنان بنالدوله و بگفته آزمونان راهرتجی از می بود و از دستگاه او نان میخورد ولی این وقت کار کوشندگان را در پیشرفت میدید میخواست جایی هم برای خود در میان اینان باز کند و این بود در اینجا و آنجا نشسته زبان به گوئی از بنالدوله گشاده میداشت. « ناکفته نماند که کسروی نسبت به مجدالاسلام نظر خوبی نداشته و در جای دیگر از تاریخ مشروطه ایران (صفحه ۲۷۲) راجع باو مینویسد: « نویسنده ندای وطن مجدالاسلام کرمانی بوده که نامش را در بیش برده ایم. این مرد بدنام میبود و سپس بد نام تر گردید و از روزنامه‌اش هم باهمه آراستگی بیرون آن پیدا است که جز برای نان خوردن نوشته نمیشده. »

همانقسم که یاد آور شدیم تفصیل تبعید مجدالاسلام و میرزا آقا اسپهانی را، حاج میرزا حسن رشیدی، مدیر روزنامه (مکتب و طهران) که خود نیز جزو تبعید شدگان بوده در نامه خصوصی که از کلات بخانواده خود نوشته شرح داده است. این نامه را بواسطه اشتمالش بر نکات دقیق واقعه تبعید بکلات و از نظر اهمیتی که در تاریخ جراید و مجلات ایران دارد در اینجا نقل مینمائیم. « **مکتوب از قلعه کلات** - خدمت مخادیم یعنی خواتین مجله و اولاد و اطفال معززه در طهران و بدیگر قوم و خویشان میرزا محمد این مکتوب را بخدمت حضرات اهل بیت قرائت نموده تسلیم علویه کند. **عنوان مسافرت** - عصر جمعه که از خانه بیرون آمدم، نایب علی اکبر خان را دیدم دم در ایستاده منتظر است چون مرا دید گفت که حضرت والا شاهزاده (نیرالدوله) باشما ملاقاتی لازم دارد. من حمل برقضیه عمل مدرسه و عمارت خانه و مسئله اجاره نموده اجابت کردم. چون بدارالحکوه رفتم شاهزاده تشریف نداشت، با تلفون اطلاع دادند احضار بخانه فرمودند. در خیابان (یوشان تپه) عمارت دارند وارد شده پاسی از شب را منظر تشریف نشسته در ساعت چهار شرفیاب گردیدم. صرف شام کرده افتتاح سخن شد. فرمودند صلاح چنین دیده شده که مسافرتی کرده باشید ولی بنقطه که بعد از حرکتان معلوم خواهد شد. عرض کردم من از پیش آمد تقدیر هرگز امتناع قبول نکرده و ملول نشده‌ام لکن همیشه بدانید که بنیه من ضعیف است و طاقت رکوب ندارد. اگر خطر حرکت را میدانستم از اداره راحله آن راه را حتی با پول خود تهیه میکردم. اگر پول نقدی برای ادای وجه کرایه ندارم استهمال میکنم. حضرت والا اندکی نامل کرده با (صدارت عظمی) مخابره تلفون نموده اجازه گرفت که بخرج دولت درشکه بجهت ما بیاورند. در ساعت خبر آوردند که راحله حاضر دم در منتظر است.

نواب والا نیرالدوله (و نوق السلطان) را فرمود که سرهنک را بخواهید بیاید یکمدم سرهنک قرداغی (اسماعیل خان) نام وارد شد. دست در قبضه شمیر ایستاد حضرت معظم فرمودند که آنچه فلانی درجیب و بغل دارد صورت کرده قبض از سرهنک

حرف‌النون بده الدال

زای وطن

بگیرید و در ضمانت ایشان محفوظ بماند . آنچه در جیب و بغل داشتم تهیلش را گفتم نوشتند و با مهر قبض از سرهنك گرفته و اسباب نزد من و قبض نزد وثوق السلطان ماند من جمله بیست تومان که نقد بود و چون سرهنك قبض ذمه داد عرض کرد که پس پول نزد من باشد که چون قبض مرا تسلیم کردند پول را رد کنم ، لهذا پول را به سرهنك تسلیم کردم . بعد فرمودند که مال حاضر است (ارکیو بالسلامة و اله فیه) چون با سرهنك دم در آمدیم پانزده نفر سوار غلام کشیک خانه بایگدستگاه درشکه حاضر دیده سوار شدیم رو بحضرت عبدالعظیم حرکت کردیم ، هنوز آفتاب نروده بود که وارد کهریزك شدیم . نماز خوانده صرف چائی نموده خوابیدیم . مقارن ظهر بیدار شده بفکر نهار بودیم که پنج سوار بایک درشکه وارد شد . یکمده (مجدالاسلام) مدیر روزنامه (ادب) را وارد کردند (در آنوقت هنوز مجدالاسلام روزنامه ندای وطن را منتشر نکرده بوده . مؤلف) در صورتیکه بیچاره مجدالاسلام نه عبا دارد نه عمامه و نه جوراب دریا و نه لباده در بر . ساعت را از بغل و کیف کاغذی را از جیب عبا را از دوش عمامه را از سر کفشی را از پا در آورده بردند . بحال فلاکتی وارد کردند . درد تنهایی رفت و هیئت شادی و صحبت فراهم گردید . عمامه از سر برداشته نصف کردم هر دو معمم شدیم . چائی خوردیم و خوابیدیم . بیدار شدیم دیدیم پنج نفر سوار بایک درشکه دیگر وارد شد . یث عدد میرزا آقا تاجر اصفهانی (مجاهد) با يك حالت خنده داری وارد کردند پنج نفر سوار سیمی دستورالعمل جدید که از شهر آورده بودند با دو بیست تومان پول خرج راه تسلیم سرهنك نموده مراجعت کردند . درشکه سیمی را هم رجعت دادند فقط سه نفر اسیر و يك نفر سرهنك و بیست نفر سوار رو بحضرت عبدالعظیم مراجعت کرده ارپشت شهر بغاتون آباد رفتیم .

در اینجا مقصد يك درجه معلوم شد که ما بخراسان میرویم یا بگلکلات من با سرهنك در يك درشکه و جناب آقا میرزا و مجدالاسلام در یک درشکه ولی حرمت من بصل الهی و مرحمت حضرت والا (نیر النوله) و هم شهری بودن سرهنك ربطی با سارت و گرفتاری نداشت خصوص که وعده های خوش آینده هم میدادم . همین قدر بدانید که از قوه قلبی که خدا بن داده حالت وجدی داشتم و رفیق مجدی هر ساعت به پستخانه رسیده اسب عوض کرده چائی خورده راهی می شدیم . بعد از هفت روز حرکت شبانه روز وارد ارض اقدس شدیم . چون نمیخواستیم کسی ما را به بیند و بتسام دروازه های خراسان بلد بودم راهنمایی کردم که از بیرون خندق بدروازه ارك برویم که متصل بدارالحکومه است همانطور وارد شده در عمارت حکومتی در حیاطی که درش بسته و با احدی راه نداشتیم مانندیم تا حضرت اصف النوله بیدار شده برای ما نهار فرستادند شب احضار فرمود رسماً اعلان میهمانی و تعیین میهمانخانه و مهماندار فرمودند و من منتظر بودم که قبض و وثوق السلطان خواهد رسید و تسلیم سرهنك نموده بیست تومان را خواهم گرفت و چون قبض نرسید همانطور پول در دست سرهنك ماند بجناب شریعتمدار عرض کنید که قبض مرا از وثوق السلطان گرفته در اداره حضرت اجل

حرف‌النون بعلمه الدال

ندای وطن

امیر بهادر جنك باسماعیل خان سرهنك تسلیم نموده بیست تومان را گرفته شما به رسانند یا از بابت طلب خودش برمی‌دارد و اسماعیل خان حق دارد که توقع خدمت نماید لکن روزیکه از خراسان بوداع نزد من آمد ساعت را تقدیم ایشان کردم عذر زحماتشان را خواسته‌ام . بیست تومان فقط قرض ایشان است درمقابل قبضشان .

بعد از سه روز توقف درمشهد که تحت‌الحفظ بودیم و از منزل قدم بیرون نمی گذاشتیم ، دستورالعمل جدیدی ازطهران رسید عازم قلعه کلات شدیم و در کلات ماندیم چنانچه چنین آسایش را شما هرگز درحق من درحالت حالیه تصور نمیکنید . اولاً در هر هم سفر دارم که یکی جناب (آقامیرزا آقا تاجر اصفهانی مجاهد) باشد و یکی جناب (مجدالاسلام مدیر روزنامه ادب) هر دو عالم ، همدرد ، مهربان ، غمخوار زحمتکش ، لطیفه گو ، نکته منج ، نکته فهم ؛ مؤدب ، متین ، متقی ، معترم ، اهل راز ، وطن پرست ، معارف پرور ، صادق و شفیق . منزلی داریم دوازده فرسخ در دوازه فرسخ مضروب . آب جاری با اشجارمثمره در هم ، میوه های متنوعه روی هم ، هوای لطیف ، منزل نظیف ، آب گوارا ، نان گندم خالص ، برنج صدی ، روغن معطر با بره های پروازی ، خدام مؤدب ، مطیع ، مهربان ، صاحب خانه حاکم بلد باشد . شخصی است فلك فطرت ، برادر خصلت ، خدا پرست ، غریب نواز ، میهمان دوست . مهربان ، بزرگ منش ، فقیر پرور ، سخی طبع ؛ کریم ، قدر دان ، اندازه شناس ، مصاحب ؛ گشاده رو و دل سوز . همنقدر بدانید که الساعه ملالی جز انتظار از اوضاع حالات و گذارشات شما سر مویی نگرانی و ملالی ندارم و وسعت قلبی و تحمل صبری که خدا بر من کرامت کرده است گمانم اینکه بعد از چند روز د گمه پیراهن بجای خود نخواهد ماند و بزودی خواهم آمد . اما تکلیف معاش شما در صفحه مقابل نوشته میشود بهمان دستور رفتار بنماید . (گمان می‌رود این توصیفات و تعریفهاییکه رشديه از حاکم کلات و اوضاع انجانموده بیشتر برای تسکین خانواده اش بوده است . (مؤلف) اما آنچه در صفحه مقابل نامه راجع بامر معاش خانواده نوشته عبارت از صورت قبضی است که حاج میرزا حسین رشديه بموجب آن مبلغ یکصد هزار تومان از مردم قرض میکند و بانك استقراضی روسیه در باین قبض تعهد پرداخت آنرا امضا مینماید

نمره ۰۰ ۱

قرض الحسن

سنه ۱۳۲۳

مبلغ یکتومان

اول مؤسس مدارس جدیده ایران حاج میرزااحس تبریزی معروف برشديه برای بنا و ابقای دائمه يك مکتب شبانه روزی درطهران صد هزار تومان از ملت قرض می کند و درمقابل آن صد هزار چنین قبض میدهد و بانك دولتی روس را بموجب امضای ذیل بر ادای آن ضامن میسپارد .

امضاء ۰۰۰۰۰۰

بانك استقراضی متعهد و ضامن است که در وجه این یکصد هزار تومان دویت هزار تومان نقد در بین سنه ۱۳۲۳ و سنه ۱۳۲۴ بقرار ذیل بصاحبان قبوض بپردازد

ندای هرمز ، نرخسك

حرفاتون بعده اللال والراء

و قبض صاحب قبض را دریافت دارد . (ترتیب پرداخت برای خوف از اطاله کلام حنف گردید . مؤلف)

حاج میرزا حسن رشده و مجدالاسلام و میرزا آقا اسبهبانی در طول مدت صدارت همین‌الموله در کلات محبوس بودند تا در آغاز تأسیس مجلس شورای ملی ؛ در صدارت مشیرالموله از حبس نجات یافتند و با تشریفات تمام آنها را وارد نمودند .

(۱۱۱۴) ندای هرمز

شورای عالی فرهنگ امتیاز روزنامه ندای هرمز را در اصفهان بدیری (مؤید گیلانی) در تاریخ هشتم آذرماه ۱۳۰۴ شمس تصویب نموده است . آقای مؤید گیلانی علاوه بر این روزنامه های کشف اسرار و ولوی اسلام را منتشر نموده است . بعرف کف و لام کتاب مراجعه شود .

(۱۱۱۵) نرخسك- گفتارنو

روزنامه نرخسك بنؤسی و مدبری (س . سیونیان) در طهران تأسیس و تا نمره ۸ آن بزبان ارمنی و از نمره ۸ سال اول مورخ ۱۵ تیرماه ۱۳۰۹ شمس بك صفحه آن بزبان فارسی و سه صفحه بقیه (بغیر از باورقی صفحه دوم) بزبان ارمنی چاپ و منتشر شده است . روزنامه نرخسك معمولاً در چهار صفحه چاپ و راجع به اظهار آن بزو زبان فارسی و ارمنی در همین شماره هشت در سر مقاله آن تحت عنوان (سبب انتشار بزبان فارسی و ارمنی) شرحی نوشته که خلاصه آن چنین است :

« در بعضی محافل و حتی در روزنامه تجدید گفتگو میشد که چرا ارمنه تألیفات و انتشارات خود را بزبان ارمنی منتشر میسارند و در نمره چهارم همین روزنامه نوشتیم که ارمنه و ایرانیان از بك نژادند ولی هیچك از طرفین همدیگر را آقسی که باید نمی شناسند و لذا برای اینکه بتوانیم این عایق را از میان برداشته و وسیله معاشرت را ایجاد کنیم مبادرت به نشر این روزنامه بفارسی و ارمنی نمودیم ، پس مقصود از نشر این روزنامه شناساندن مدنیت ، ادبیات ، تفکرات قدیمه و جدیده و ترقیات روز افزون عصر حاضر بکلیه ارمنه دنیا و بالعکس ادبیات و عقاید و مسائل ارمنه و مخصوصاً ارمنه ایرانی ملت با شهامت فارسی زبان ایران میباشد . برای اطلاع از سبک مندرجات روزنامه نرخسك یادآور میشویم که در شماره هشتم پس از سرمقاله مذکور مقاله (بکی از وسائل توسعه اقتصاد) و دیگر مقاله (قالی ایران بقلم عیسی با نس) و بعد (آخرین اخبار) و (اوضاع دنیا) درج شده . باورقی روزنامه که در صفحه دوم چاپ شده ترجمه ار آثار نویسنده فاضل (رافعی) تحت عنوان (حرم) است .

محل اداره روزنامه ، طهران . جنب مطبعه مدرن . آدرس تلگرافی : سیونیان طهران . طرز انتشار روزنامه هفته دو روز روز های یکشنبه و پنجشنبه بوده است . بهای روزنامه : طهران سه ماهه ۲۰ قران . ششماه ۲۵ قران . یکساله ۶۰ قران . ولایات

حرف‌النون بعده الراء والسين

نسیم سحر ، نسیم شمال

۲۵ و ۴۰ و ۷۰ قران . خارجه ۸ دولار تكشماره همه جا بكقران . شماره ۳۸ و ۳۹ نرخك يكجا و در تاريخ ۲ آذرماه ۱۳۰۹ شمسى منتشر شده است . از روز نامه مذکور فعلا تا همین شماره در دست است .

روزنامه آینده ایران درباره جریده نرخك مینویسد این روزنامه يك صفحه فارسى و سه صفحه بزبان ارمنى هفته دو شماره بمديریت (ميسو سيمونيان) كه يكي از نويسندگان مطلع ارامنه است منتشر ميشود . لازم است ياد آور شويم كه شورای عالی معارف در تاريخ ۱۴ دی ۱۳۰۴ شمسى امتياز روزنامه بنام (نرخك بمديرى اوديس بقبایانس) تصويب نموده كه در طهران منتشر ميشود . و ظاهراً این روزنامه همان نرخك ميباشد كه چند سال بعد انتشار يافته است . مدير این روزنامه (اوديس بقبایانی) مجله باسم (ميهيان) نیز تأسيس نموده كه براى اطلاع از آن بحرف ميم كتاب رجوع شود .

(۱۱۱۶) نسیم سحر

روزنامه نسیم سحر در طهران بمديرى وصاحب امتيازى (ميرزا محمد علي غين) تأسيس و در سال ۱۳۰۴ شمسى بطور هفتگی منتشر شده است . امتياز این روزنامه در تاريخ ۷ دی ۱۳۰۴ شمسى از تصويب شورای عالی معارف گذشته است سياق مطالب روزنامه نسیم سحر ادبى است . مجله عرفان چاپ اصفهان در شماره دوم سال دوم خود مورخ مرداد ۱۳۰۴ شمسى درباره این روزنامه مینویسد « نسیم سحر جریده است ادبى ، سياسى حاوى يك سلسله اشعار آبدار ريخته طبع گهر بار جمعى از شعراى طهران تاکنون چند شماره آن بداره رسیده از قرائت آن بهره مند شده ايم . » . آقای مطيعى مدير روزنامه کانون شعرا چندی با این روزنامه همكارى نزدیک داشته است

(۱۱۱۷) نسیم شمال

روزنامه نسیم شمال در شهر رشت بمديرى (سيد اشرف) تأسيس و در سال ۱۳۲۵ قمرى منتشر شده است . این روزنامه معمولاً در چهار صفحه بقطع وزبرى و با چاپ سربى در (رشت مطبعة عروة الوقتى) طبع گردیده شماره اول آن در تاريخ ۲ شهبان ۱۳۲۵ قمرى منتشر گردیده است . نسیم شمال روزنامه است ادبى و مندرجات آن اشعار است . از طبع مدير روزنامه (اشرف الحسينى) انتقادى كه بعنوان (ادبيات) چاپ شده است ؛ نمونه اى از اشعار مذکور بنقل از شماره چهارم نسیم شمال كه به امضاى (اشرف الحسينى) مى باشد .

آنكه ميگفت بلى بلى چطو شد
ان لمعات منجلج چطو شد
آن چند سات عملى چطو شد
بيدق ظالم خواييده ، اى والله
وقت چراغان رسیده ، اى والله

درويش نهنگ بلك چطو شد
ورد خفى ذكر جلى چطو شد
نور عدالت ناييده ، اى والله
صبح معارف دمیده ، اى والله

حرف النون بعد السين

نسیم شمال

آن گفتگوی اولی چطو شد های لله رقص کابلی چطو شد
نسیم شمال عنوان هفتگی داشته ولی بطور غیر مرتب منتشر شده . برون در
کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۴۹) که فقط از نسیم شمال منتشر در رشت یاد
کرده مینویسد من نمرات ۹-۱۲-۱۴-۱۶-۱۸-۱۹-۲۲-۲۳-۲۷-۳۳-۴۵-۴۸
و نمرات ۵-۷ و ۱۰ سال سوم روزنامه را در دست دارم . نمره آخری در تاریخ دوم
شعبان ۱۳۲۹ قمری منتشر گردیده است . و نیز در همین کتاب در صفحات ۲۳۴ از شماره
۷ سال چهارم نسیم شمال اشعاری تحت عنوان (خبر دار) بامضای (فکری بررگر)
و ۲۳۹ و ۲۴۰ اشعاری بامضای (سید نجف بنساء) نقل کرده . بند اول اشعار
اخیر این است .

این روزنامه برهنه ایران مبارک است بر اهل رشت و مردم دهقان مبارک است
بر زارع گرسنه و عریان مبارک است امسال از برای فقیران مبارک است
سید اشرف الدین مدبر نسیم شمال بقسمیکه بعداً در شرح احوال او یاد آور خواهیم
شد هنگامیکه از سفر آذربایجان بگیلان رفت روزنامه نسیم شمال را در شهر رشت
دایر نمود و روزنامه مذکور تا انحلال مشروطه اولی منتشر می شد و در آنوقت توقیف
گردید و در سال ۱۳۲۷ قمری از توقیف خارج شد و پس از فتح طهران و غلبه آزادبخواهان
نسیم شمال با کمک های مادی و معنوی مرحوم محمد ولیخان سپهسالار مجدداً پا به
دائرة انتشار گذاشت و اشرف الدین در یکی از شماره های نسیم شمال در فتح گیلان
و ورود سپهسالار اشعاری سروده و برون تمام اشعار را (ص ۲۰۶) نقل کرده است

شد گیلان دگر باره پر انوار	زآین مقدم سعد سپهدار
سزد گیلانیان یکسر نمایند	غبار مقدمش را کحل ابصار
جها نگیرا امیر دستگیرا	که نامت منتشر گشته در اقطار
بغیر خود ندیده است و نبیند	چو تو ملت پرستی هیچ دیار
همیشه باد مداح تو اشرف	نگهدار ت خداوند جهاندار

پس از آمدن اشرف الدین بطهران روزنامه نسیم شمال در سال ۱۳۳۳ قمری
در این شهر پا بدایره انتشار گذاشته است . سبک مذرجات روزنامه نسیم شمال در
طهران نیز مانند رشت انتقاد از اوضاع بزبان شعر است و بیشتر مطالب آنرا اشعار
فکاهی و غیر فکاهی در موضوعات مختلف تشکیل میدهد . نسیم شمال با چاپ سری در
مطابغ مختلف طهران چاپ شده و معمولاً در هشت صفحه بقطع وزیری منتشر گردیده
است در هر شماره در عنوان روزنامه این شعر درج است :

خوش خبر باش ای نسیم شمال که بسا میرسد زمان وصال

اسم روزنامه بخط شبیه بخط شکسته و سال انتشار آن در طهران (۱۳۳۳ قمری)
در داخل آن چاپ شده است . و نیز جمله (امن یجیب المضطر اذا دعاه) در بالای
عنوان روزنامه درج است محل اداره مدنی : لاله زار کوچه حاج باقر صراف دائرة
توزیع کل جراید بوده ، عنوان تلگرافی (نسیم شمال) قیمت تك شماره آن از شش

حرف‌النون بعد السین

نسیم شمال

تا هشت شاهی و پس از يك هفته یكقران است طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده روزهای جمعه طبع و توزیع میشده است . نسیم شمال بعثت اشتغال آن بر اشعار سهل و روان در میان طبقه سوم بخصوص خواننده فراوان داشته و مردم اشعار آنرا در مجالس بزم و طرب میخوانده اند . خود اشرف الدین مدیر روزنامه در شماره اول سال نهم به عنوان لطیفه میگوید :

امروز روح بخش نسیم شمال شد هر صفحه اش چو دختر صاحب جمال شد
در روز جمعه باز زمان وصال شد روح روان وقوت دل اهل حال شد
در خواندنش هزاران قال و مقال شد

اشعار دلکش شکرینش روان فراست شعر نسیم روح روان است و جان ماست
ملت تمام عاشق اشعار پر بها است کلقتد شعر او ز بنفشه شکر رباست
شماره اول سال نهم نسیم شمال در هشت صفحه بقطع و ذیری در مطبعه سربی (کلیبیان) طبع و در تاریخ پنجشنبه ۱۹ جمادی الثانی ۱۳۴۳ قمری مطابق ۲۵ جدی ۱۳۰۳ شمسی انتشار یافته . سرمایه این شماره اشعار است اثر طبع اشرف الدین تحت عنوان (تواب) و در باره ولادت حضرت زهرا علیها سلام سروده است .

از ولادت زهرا آفتاب روشن شد خاک یثرب و بطحا همچو باغ گلش شد
نور شاهد غیبی چون بروز گار آمد از فلک ملک بر خاک بهر افتخار آمد
دومدینه از هرسو جبرئیل یار آمد از بهشت حور العین بانقش و نگار آمد
دیگر از مندرجات این شماره (مولودیه صدیقه طاهره) که در هفت بند گفته شده و از مندرجات این شماره (شکایت و اگونچی هاست) که در تأیید آن اشعاری نسیم شمان گفته و باین اشعار ختم میگردد :

از برای اهل طهران با وفا اشرف الدین را نگهدار ای خدا
چون بما هر هفته از اشعار او میشود حور بهشتی رو برو
دارد امید اینکه با سعی تمام کار واقون زود گیرد انتظام
بیکه واقونچی باید بیشتر چون شود او را مواجب بیشتر
(امضاء مسافر)

آخرین قسمت از مندرجات شماره اول سال نهم (اشعار دری وری) میباشد.
نه ما علم و نه استعداد داریم نه مشروطه نه استبداد داریم
سرمقاله شماره ۱۲ سال نهم بعنوان (ماه صیام) و شعر است .
این ماه روزه بر همه ایران مبارک است مخصوص از برای مسلمان مبارک است
سرمقاله شماره ۳۰ سال نهم تحت عنوان (گفتگوی کلانمدی باملانما) میباشد
السلام السلام ای آخوند شیخ شیرین کلام ای آخوند
سال بگذشته من ترا دیدم مطلب خویش را نپرسیدم
مطلب این است اندرین طهران از کجا آمدی شدی اعیان
نسیم شمال بسبک مذکور تا اواخر سال چهاردهم منتشر شده و از سال پانزدهم

حرف‌النون بعد السین

نسیم شمال

که مصادف بامرك مرحوم اشرف الدین بوده روزنامه بصاحب امتیازی و مدیرمسئولی (ح. حریرچیان) و سردیری (حریرچیان ساعی) انتشار یافته است. اشرف الدین در اواخر عمر گوشه‌گیری انتخاب نموده و در یکی از حجرات مدرسه طهران مسکن گرفته بود روزنامه فروش‌ها بحجره اورفته و بآدادن مختصر پولی اشعاری از او گرفته و بنام نسیم شمال منتشر می‌نمودند در شرح حالی که از آن مرحوم در روزنامه نسیم شمال نوشته در باره سالهای آخر زندگی اشرف الدین اینطور مینویسد: «مرحوم اشرف الدین در اواخر عمر جنبه اعتزال و خمول را بر حشر و معاشرت ترجیح داده و با جنبه آزادی فکر مقتضی شد از مضیف خانه آقای سردار منصور سپهدار رشتی بحجره مدرسه صدر بگریزد و اطفال روزنامه فروش همانجا میرفتند و در مقابل تقدیم وجهی بایشان چند فرد شعر و یک وظیفه یا لطیفه اخذ و بنام نسیم شمال منتشر می‌ساختند تا اینکه اخیراً شاعر جوان ما آقای ساعی که یکی از جوانان ضعیف نجیب پاکدامن و از خاندان جلیل سادات علویین و بازرگانان معروف پایتخت ما هستند آقای اشرف الدین را در خاتمه عمر بهمانی پذیرائی و شاعر فقید ما تمام مزایای ادبی خود را به ضمیمه نامه عزیز نسیم شمال بفرزند روحانی و ادبی خود آقای سید محسن خان حریرچیان ساعی واگذار نموده روح پاکش به شاخسار چنان پرواز کرده و حال تحریر که نده این سطور یادگار را می‌نویسم امید است در آغوش رحمت خداوند و کنیار چشمه سلسیل و نسیم پدید آورنده روزنامه نسیم مشغول خوردن مرغ و فسنجان با حور و غلمان باشد.» این شرح حال بقلم آقای فرهنگ نوشته شده است. همانطور که در شرح مذکور نوشته شده مرحوم اشرف الدین در اواخر عمر امتیاز روزنامه نسیم شمال را بآقای محسن خان حریرچیان ساعی واگذار نموده و روزنامه رسماً از طرف ایشان منتشر میشده است و از این هنگام است که دوره سوم روزنامه نسیم شمال منتشر می‌گردد ما شرح آنرا جداگانه می‌نویسیم:



سید اشرف الدین الحسینی - سید اشرف الدین حسینی در قزوین بدنیا آمده و در دوران طفولیت پدرش را از دست داده، پس از فرا گرفتن علوم مقدماتی در شهر مولد خود بعتبات عالیات برای تکمیل تحصیلات عزیمت کرده ولی بواسطه پیش آمد هائی نتوانسته است در آنجا اقامت نماید و لذا از عتبات مراجعت و رهسپار آذربایجان می‌گردد. در آذربایجان بخدمت پیری رسید و درویشی و قلندری را پیشه گرفته است و در این وقت بیش از ۲۱ سال از عمر او نگذشته است. پس از مراجعت از آذربایجان

حرف النون بعده السین

نسیم شمال

در گیلان توقف ننوده وهبنکه در سال ۱۳۲۴ قمری اعلان مشروطیت داده شد در شهر رشت روزنامه نسیم شمال را تأسیس و منتشر نمود وانتشار آن ادامه داشت تا انحلال مشروطیت اولی دوچار توقیف گردیده وباز در سال ۱۳۲۷ قمری وبس ازفتح طهران وغلبه آزادی خواهان بکمالی مادی ومعنوی مرحوم محمد ولیخان سپهسالار وجمع دیگر از گیلانیان موفق بانتشار روزنامه گردید و بتدریج حیثیت شهرت اشرف الدین در داخل وخارج ایران بلند شد واشعار او را همه جا می خواندند وتصنیفهای او ورد زبانها بود آثار وتالیفات آن مرحوم که بعضی در رشت وقسمتی در طهران بطبع رسیده بدین قرار است : کتاب کوچکی است در حکمت که در رشت چاپ شده . و رمان شیرین عزیز وغزال و کتاب ظهور امام وتاریخ سلاطین ایران بنظم که در طهران طبع شده است . مهم نراز همه دو جلد دیوان اشعار اوست که جلد اول آن در سال ۱۳۰۸ شمسی برای مرتبه سوم در بستی در مطبعه صفائی در ۳۰۴ صفحه بستی طبع شده است . جلد دوم در ۱۳۰۶ شمسی بار در مطبعه نادری ببستی در ۳۲۰ صفحه بستی طبع گردیده است . قسمت عمد . از اشعاریکه در دو جلد دیوان او چاپ شده از روزنامه نسیم شمال گرفته شده است .

سید اشرف الدین از شعرای خوش قریحه و خیلی طرف توجه عامه ونوده مردم بوده و مخصوصاً از حیث روانی اشعار در رتبه اول است . ادوارد برون در کتاب مطبوعات وشعر فارسی در جائیکه شرح احوال چند نغرازشعراى جدید ایران را نوشته چند صفحه از کتاب خود را مخصوص اشعار اشرف الدین قرار داده وقطعاتی از اشعار او را بضمیمه ترجمه های انگلیسی آن در صفحات ۲۰۷ تا ۲۱۵ نقل کرده است من- جمله قطعه ایست که اشرف الدین بمناسبت ورود سپهدار بطهران سروده و چند شعر اول آن چنین است :

حاجی بازار رواج است رواج	کو خریدار هراج است هراج
میفروشم همه ایران را	عرض و ناموس مسلمانان را
رشت وقزوین وقم و کاشانرا	بخرید این وطن ارزان را
برد وخونسار هراج است هراج	کو خریدار هراج است هراج

اشرف الدین در فروردین ۱۳۱۳ در طهران بسرود زندگی گفته ومدير روزنامه توفیق پس از چاپ عکس او نعت عنوان (تأسف از فوت شاعر ملی) قطعه در رثاء اوسروده که باین دو شعر شروع میشود :

آه که آن سید والا مقام	کرد تهنی خرقه و برداشت گام
رفت سوی خلد بعد احترام	خدمت جدش بی ذوالکرام
قطعه مذکور باین شعر ختم میشود :	

حیف از این سید نیکو خصال رفت سوی خلد نسیم شمال

تجدید انتشار روزنامه ادبی نسیم شمال پس از فوت سید اشرف الدین مؤس-س آن در خرداد ۱۳۱۳ شمسی در طهران بدیری (حریرچیان ساهی) بوده است . نسیم شمال

حرف‌الینون بعد‌الین

نسیم شمال

در این دوره نیز سبک سابق خود را حفظ کرده و یک‌قسمت از اشعار مرحوم اشرف‌الدین که چاپ نشده در این دوره بطبع رسیده است .

در این دوره روزنامه نسیم شمال بصاحب امتیازی و مسئولی (ح - حریرچیان) و سر دیری (محسن‌الحسینی حریرچیان ساعی) تأسیس و شماره اول آن که مطابق با شماره اول سال پانزدهم روزنامه بوده در هشت صفحه بقطع وریری و با چاپ سربی در مطبعه (اطلاعات) طبع و در تاریخ پنجشنبه ۱۷ صفر ۱۳۵۳ مطابق ۱۰ خرداد ۱۳۱۳ شمسی منتشر شده است . محل اداره : خیابان عین‌الدوله . آبونمان - سالیانه ۳۰ ریال . شعرا و محصلین ۲۰ ریال . سالیانه خارجه ۴۰ ریال . تک‌شماره هشت‌شله‌می طرز انتشار هفتگی بوده و روزهای پنجشنبه توزیع می شده است .

از ابتدای این دوره در تمام شماره ها این شعر در زیر اسم روزنامه چاپ شده :
 بیاد اشرف دین سید ستوده خصال
 مشام خویش معطر کن از نسیم شمال
 سرمقاله شماره اول سال پانزدهم تحت عنوان (روزنامه نگاری و مرام ما) نوشته شده و بدین‌قرار است : روزنامه نگاری در مملکت متعین امروزی یکی از بزرگترین وظیفه است که نمیتوان انرا سر سری پنداشت و اهمیتی از برای ان قائل نشد . روزنامه نگار باید در مقالات و سایر مندرجات خود چند چیز را در نظر داشته باشد تا بتواند اولاً مقام خود را حفظ و ثانیاً طرف توجه عامه گردد . بقیه من شرایطی را که نامه نگار باید واجد ان باشد اول منظور داشتن خدا و دین دوم (دو - تنی شاه و مملکت) سوم (شناسائی طبایع توده در نگارش) . این دستور بزرگ از مهمترین وظیفه روزنامه نگار محسوب میشود باری امروز که بحول و قوه الهی در یرتو ذات اقدس شهریار و اجازه وزارت جلیه معارف نشر روزنامه (نسیم شمال) را متقبل شده ام بخر از سه منظور فوق که متذکر گردید مرام دیگری نداریم و نخواهیم داشت .

من الله التوفیق و علیه التکلان . حریرچیان

این بود مقاله افتتاحی روزنامه نسیم شمال در دوره سوم . پس از این سر مقاله اشعاری از (امیرالشعرا نادری) بعنوان (ایران نو) چاپ شده که سر اول آن چنین است
 ایران نورا شد روان در جسم جان دیگری
 این ملک را آمد بتن از نو روان دیگری
 شعرائی که در این شماره از آنها شعر نقل شده بترتیب عبارتند از (امیرالشعرا نادری) و (فنائی) و (گفتار شیرین شادروان اشرف‌الدین الحسینی) و (علینقی خان کوثر) و (نسیم شمال) و (میرزا غلامعلی خان صافی) و (محسن حریرچیان ساعی) و (فرات منشی انجمن ادبی طهران) و (حسین مجید) از شاعران اخیر اشعار تفریحی تحت عنوان (دلبر عزیز من) چاپ شده است . در شماره دوم جوض سر مقاله بحرطوبلی راجع بمعاکه علی اصغر قاتل طبع گردیده است . در شماره ۳۹ سال پانزدهم که در تاریخ پنجشنبه ۷ فروردین ۱۳۱۴ شمسی منتشر شده در صفحه اول آن عکس مرحوم اشرف‌الدین در لباس عمامه گراور شده و (بناسبت سال فوت اشرف‌الدین الحسینی مؤسس نسیم شمال) منظومه اثر طبع امیرالشعرا نادری در رتاه آن مرحوم طبع گردیده . چند شعر اول منظومه بدین‌قرار است :
 اشرف‌الدین بصل فروردین رفت و دی شد بهار گلشن دین

حرف‌النون به‌المالین

نسیم شمال، نسیم صبا

برخ دین نشست از این غم گرد شد چو عمرش خزان بفروردین
 نشکفتد بیرخ نسیم شمال از نسیم صبا گل و نسرین
 اشرف الدین سلیل‌پاک رسول سید دین پژوه و پاک آئین
 آنکه ترش چونظم بود فصیح آنکه نظمش چونثر بود متین
 شعر آخر این منظومه که مشتمل بر ماده تاریخ فوت اشرف‌الدین می‌باشد چنین است:
 سال فوتش دو اشرف‌الدین است شهری، هجری از شهر و سنین

۱۳۱۲

رو به‌رفته نسیم شمال در دوره سوم و همچنین دوره های قبل مجموعه اشعار است
 از شعرای معاصر که در موضوعهای مختلف سروده و متضمن اشعار فکاهی و جدی و بحر
 طویل و غیره می باشد. گاه گاهی نیز مقاله تری نیز در آن چاپ شده و البته
 خیای کم است.

روزنامه نسیم شمال تا قبل از حوادث شهریور ۲۰ مرتب چاپ شده و پس از آن
 بدون ترتیب انتشار یافته است. برای مزید اطلاع خوانندگان بند اول از قطعه شعر
 فکاهی که بعنوان (هنگام غذا خوردن بر جمله مجو پیشی) در شماره ۲۸ سال شانزدهم
 چاپ شده نقل مینمایم:

از بهر خوراك شب در سفره كباب اولی ✽ هنگام پلو خوردن تعجیل و شتاب اولی
 شب گشت چوساعت ده از بهر تو خواب اولی ✽ این خرقة كه من دارم در دهن شراب اولی
 و بند قتر بی معنی، غرق می ناب اولی

(۱۱۱۸) نسیم صبا

مجله نسیم صبا در طهران صاحب امتیازی و مدیری (حسین کوهی کرمانی) تأسیس و در
 سال ۱۴۰۲ شمسی منتشر شده است. محل اداره مجله: طهران. خیابان لاله‌زار - کوچه
 حاج باقر صراف. ابونمان یکسائه مجله ۴ تومان و تك شماره شش شایسته، نسیم صبا مجله
 ایست (ادبی - فکاهی - اجتماعی) و در عنوان هر شماره این شعر بعنوان شعر روزنامه
 چاپ شده است

چه فنچه سر نهفته نهان کی ماند دل مرا که نسیم صباست محرم راز -
 شماره اول سال دوم نسیم صبا در چهار صفحه بقطع وزیری با چاپ سربی (مطبعه بوسفور شعبه يك)
 طبع و در تاریخ ۱۵ حمل ۱۴۰۴ شمسی منتشر شده است. در این شماره بدو سر مقاله
 اشعاری است تحت عنوان

شد مسخره جمهوری از آقای تدین شد مملکت آشفته ز غوغای تدین
 مجله نسیم صبا پس از مدتی تعطیل سال دهم ان در خرداد ۱۴۱۱ شمسی صاحب امتیازی
 و نویسندگی کوهی کرمانی شروع شده و در سر مقاله این شماره که بقلم مدیر مجله نوشته شده
 در باره تعطیل و انتشار مجدد آن چنین نوشته است:
 مدتی این مثنوی تاخیر شد مدتی بگذشت تا خون شیر شد

حرف النون بعده السين

نسیم صبا ، نسوان شرق

عشق و علاقه مفراطی که این خادم مطبوعات بمعارف و ادبیات دارم بر آنم داشت که بار دیگر مجله ادبی نسیم صبارا منتشر نمایم . روش این مجله ادبی است و در اطراف ادب و ادبیات و شعر و شاعری گفتگو مینماید و محتوی بر مطالب سودمندی خواهد بود اعم از فکاهی و جدی و در هر شماره یک قصیده از مهمترین قصائد شعرا و اساتید زبان فارس مندرج خواهد بود . امید است بعون خدای متعال این مرتبه موفق شوم بطور ماهانه بجایات ادبی ادامه بدهم و با مشکلات اقتصادی که همواره دامنگیر مطبوعات میباشد یافشاری و مقاومت نمایم . همت از ما یاری از خدا و تشویق از اهل فضل و ادب . در این شماره قصیده معروف امیر معزی بنقل از دیوان او که متعلق بآقای ملک الشعرای بهار بوده و باین شعر شروع میگردد چاپ شده است ای ساریان منزل مکن جز در دیار یار من .

تیکزمان زاری کنم بر ربیع اطلال و دمن مندرجات مجله نسیم صبا عبارت است از اشعار و مقالات ادبی و همچنین در بعضی از شماره ها ترانه های محلی چاپ شده ولی متأسفانه هیچگاه این مجله مرتب منتشر نشده بسمیکه در شماره ۴ سال دوازدهم مورخ مرداد ۱۳۱۳ مینویسد : « بواسطه موانع و مشکلاتی که همه کس مخصوصاً کسانیکه با مطبوعات سروکار دارند بدان دچار میشدند در سال گذشته نتوانستیم بیش از سه شماره از مجله نسیم صبا منتشر سازیم هرچند بیشتر کین سال گذشته دو جلد کتاب لیلی و معجون مکتبی شیرازی و لوايح جامی تقدیم داشته و بقصیده خود تادرجه کسر شماره های مجله را جبران کرده ایم ولی با وجود این نمیتوانم از اظهار تأسف بر بی ترتیبی انتشار مجله خودداری کنیم و امیدواریم در این سال ماهی یکشماره مرتب به شتر کین خود برسانیم . »

آقای حسین کوهی کرمانی - آقای کوهی از شعرا و نویسندگان ایران است و کتاب دترانهای ملی (رامشتمل بر یکصد و ده دوبیتی که میان اهالی کوهستان و ده نشنان کرمان معمول بوده جمع آوری و چاپ کرده است . و نیز کتاب (خلنامه کوهی) اثر قریحه اوست که در سال ۱۳۰۴ در مطبعه مجلس چاپ شده است .

(۱۱۱۹) نسوان شرق

نامه نسوان شرق در بندر پهلوی بمدیری (مرضیه خانم ضرابی) تأسیس و در سال ۱۳۰۴ شمسی منتشر شده است طرز انتشار این روزنامه هر ۱۵ روز یکبار بوده و امتیاز آن در تاریخ ۸ آذر ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته است .

(۱۱۲۰) نصیحت

روزنامه نصیحت بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (میرزا یحیی واعظ) در شهر قزوین تأسیس و شماره اول آن در چهار صفحه بقطع کوچک در مطبعه سربی (ملی قزوین) چاپ و در تاریخ ۲ شهر رجب ۱۳۴۲ قمری مطابق ۱۹ برج دلو ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است . طلوع روزنامه نصیحت را در شماره ۱۰ سال اول روزنامه طلوع بدینقسم نوشته است : « جریده فریده نصیحت تحت مدیریت آقای آقا شیخ یحیی واعظ که از عناصر صالح و آرا دیخواه می باشد بتازگی ازافق مطبوعات قزوین

حرف‌النون بعلمه الصاد

نصیحت

طالع شده و شماره های او لیه آن به اداره ما واصل گردیده است . ما موفقیت مدیر آنرا خواستاریم .

محل اداره روزنامه : قزوین . خیابان دولت . قیمت اشتراك داخله طبقه اول یکساله ۵۰ قران . شش ماهه ۲۵ قران . طبقه دوم و سوم یکساله ۲۰ قران . شش ماهه ۱۵ قران . خارجیه به علاوه اجرت پست . تك نمره پنج شاهی . اسم روز نامه (نصیحت) باخط نستعلیق و بالای آن جمله (هوالمعز) و در زیر آن این شعر درج است نصیحتی کنمت بشنو بهانه مگیر هر آنچه ناطق مشفق بگویدت پذیر سرمقاله شماره اول تحت عنوان (قسمت اقتصادی) بقلم آقای شاهرودی نوشته شده و علاوه بر آن مقالات و اخبار شهری نیز در آن چاپ شده و در صفحه سوم و چهارم روزنامه جغرافیای قزوین بعنوان پاورقی درج است .

شماره ۴ سال دوم روزنامه نصیحت در شش صفحه با چاپ سری طبع و در تاریخ ۵ شنبه ۲۷ شهر شوال ۱۳۴۳ مطابق ۳۱ اردیبهشت ۱۳۰۴ شمس منتشر شده است در سال دوم شمار این روزنامه این جمله است (آرزوی ما تعلیم دانش و حفظ منافع طبقه سوم است) که در زیر اسم روزنامه نوشته شده . سرمقاله شماره ۴ سال دوم تحت عنوان (استشمام رابعه موفقیت) نوشته شده . و در ضمن آن (لایحه اعطای قرضه های فلاحی) چاپ گردیده است . در صفحه آخر این شماره تحت عنوان (ادبیات) اشعاری از مدیر روزنامه (واعظ) درج شده و در عنوان اشعار نوشته است (نتیجه یکساعت حیرت من باوضاع آفرینش در ۳۳۷ بعد از جنك بین المللی در دامنه کوه عبدال آباد یکی از دهات قزوین)

عیان شد عاقبت کین بی حساییها در امکان ندارد منشائی جز کسب دست زاده انسان بر اسلاف گر بودی معما بعد از این گردد بر اخلاف ظاهر آنچه اندر پرده بدپنهان عیان گردد که این بی اعتدالیها چه يك بندی بشرباد دست خود بر بای خود بسته است در کیهان اشعار فوق چهل بیت است .

پس از انتشار شماره ۲۱ سال دوم نصیحت روزنامه توقیف می شود و دنباله همین توقیف بوده که مدیران بطهران رفته که در آنجا برای رفع توقیف تلاش نماید و بشرحیکه بعداً خواهیم نوشت در میدان بهارستان جلوی مجلس گرفتار تیر خطا گشته و بقتل میرسد و بنا بر این آخرین شماره منتشره روزنامه نصیحت شماره ۲۱ سال دوم مورخ ابانماه ۱۳۰۴ شمس بوده است

قبل از آنکه بذکر حال مدیر روزنامه نصیحت و بقتل رسیدن او را بنویسم بی مناسبت نیست آنچه را در باره آن مرحوم روزنامه صدای قزوین نوشته و نفرینی که یکی از علمای قزوین قبل از شهادت او کرده نقل نموده سپس شرح حال را ذکر نمایم . روزنامه صدای قزوین در شماره ۱۷۵ سال چهارم خود تحت عنوان (نصیحت مدیر روزنامه رعد قزوین بمديرنامه نصیحت) اینطور می نویسد . « زمانیکه روزنامه کهن سال رعد بمديريت مرحوم آقاسيد علي مجايي در اين شهر چاپ و منتشر مي گردید

حرف النون بعده الصاد

نصیحت

امتیازنامه نصیحت هم بنام آقای میرزا یحیی واعظ کیوانی مدیر مدرسه فرهنگ صادر و این روزنامه با پشتیبانی یک هیئتی که مرکب از شربین ارف ممدون قنولگری زوس و کام بخش و آقای باقر شاهرودی و فرهودی و چند نفر دیگر بنام هیئت تحریریه با- گرفتن عدل کاغذ و ماهی ۳۰۰۰ ریال نقد با قلم آتشین خود شروع بحمله نمود بهر عالم ، بهر مالک و بهر مقام ، هر چه خواست گفت یکی از علمای این شهر ده در سخاوت شهرت بسزائی داشت در هر شماره خود بد میگفت و اهانت می نمود . آن عالم با سخاوت و صبور یعنی مرحوم حاج سید حسین مجتهد حاج سید جوادی صبر را اذیت نداد و گفت هر چه میخواهی بگو آخر حساسی و کتابی در کار هست . درست در نظر دارم یک روز که آن پیرمرد از در خانه خود بیرون آمد و سوار درشکه شد واعظ مرحوم از نزدیک درشکه عبور نمود سر را از میان درشکه بیرون آورده گفت : « واعظ ۰۰۰۰۰ » رعد مرحوم که در چند قدمی آن منظره را می نگریست از نگارنده سؤال کرد که حاج سید حسین بواعظ چه فحشی داده گفتم فحش نداد بلکه او را نفرین کرد . گفت چه نفرینی ؟ گفتم بواعظ این سخن را تحویل داد . « واعظ من سید پیرمرد که بتو کار نمی نکرده ام ولی امید دارم که بتیر غیب گرفتار شوی . » اشک در چشمان رعد مرحوم حلقه زد و خیلی متأثر شد

فردا که واعظ برای چاپ روزنامه خود بچاپخانه مراجعه کرد رعد اظهار نمود واعظ بس است و قدری او را نصیحت کرد واعظ در پاسخ گفت : رعد این مردم نمی هستند که بتوانند در مقابل من ایستادگی کنند . من چنین می کنم و چنان مینمایم . قبول نکرد و مقالات آتشین تحت عنوان گار انگلیسها ، سیاه پوش نقاب دار (مقصودش حجاب بود) سلام برزارع ، عزاداری و غیره نوشت تا اینکه روزنامه اش توقیف و رفقانی که زیر پای او پوست خربوزه گذارده بودند یکی بعد از دیگری جازده و تنها ماند . آنوقت دست تأسف میسائید و گفت آقای رعد من نصیحت تو را نشنیدم و امروز فهمیدم رعد او را دلداری داد و گفت حالا که فهمیدی و بشیمان شدی من میروم مرکز شاید راه حلی برای تو پیدا شود رعد بطهران رفت واعظ هم صبر نکرد و بر مرکز حرکت نمود و چند روزی نکشید که بآن سر نوشت دچار گردید .

در شماره ۲ سال دوم مجله عرفان اصنافان مودخ ۲۶ ذیحجه ۱۳۴۴ قمری راجع بمدیجریده نصیحت قزوین شرح حالی نوشته که عیناً نقل میشود : بیاد واعظ کیوانی شهید فقید میرزا یحیی واعظ کیوانی مدیر جریده نصیحت که یکی از میرزین آزادی خواهان قزوین بلکه ایران بشمار میرفت بر اثر فقدان خود جگر آزادیخواهان را خراشیده محض بقاء نام آن شهید شرح حال او را می نویسیم :

یحیی بن ابی القاسم ابن ابراهیم بن معصوم القزوینی مدیر مدرسه فرهنگ قزوین و مدیر ومنشی جریده نصیحت قزوین قنیل در راه جامه و معارف ایران در ۸ ابان ۱۳۰۴ در تهران در استانه مجلس شورای ملی به تیر خطا . جد دومش معصوم که جد دوم نگارنده نیز هست (عباس کیوان بن اسماعیل بن علی بن معصوم) در قریه سیف آباد

حرف‌التون بعد الصاد

نصیحت

که غربی قزوین است ساکن و زارع بود از آن قریه تا شهر قزوین ۹ فرسخت و ابراهیم و علی پسران معصوم درس خوانده و شرعیات آموخته ملائی سیف آباد و امور شرعی را انجام منکمل بودند و در اواخر عمر خود شهر قزوین کوچیده ساکن شدند ملا ابراهیم در محله خود ساکن و معروف بزهد و صدق و امانت بود و از او چهار پسر رشید عالم باقی ماند آملای عبد الصمد که آمد بطهران ساکن شهر و منبر رفتن را پیشه خود قرار داد و در آن پیشه سابق اقران و اصدق قاریان شد و ثروتی یافت اما چیزی نیاندوخت بعزت و جاه و تجمل زندگانی نمود و آنچه دخل کرد خرج تجمل و جلال خود نمود چنانکه پس از او وراثتاش که ۳ پسر و دو دختر بودند از ارث هنگفت بی بهره شدند.

۲- ملا عبدالاحد که بمعلمی مشغول بود ملا محمد حسین که باستجاره صوم و صلوات معاش میکرد ۴ ملا ابوالقاسم که بمنبر و وعظ پرداخت اما ثروتی نیافت و رحلت فرمود و از او چند دختر و چند پسر ماند که ارشد آنها ارشد اغلب جوانان قزوین این جناب پد کدل روشن هوش فخر قزاقونه آقا میرزا یحیی بود که از خوردی بمنبر آموخته بود ولی چون اول بلوغ ورشد او مصادف شد با خلعان مشروطیت در دل ایرانیان جوان متجدد و جریان لفظ مشروطه از ترس در زبان همه ایرانیان لذا طینت باک آقا میرزا یحیی قبل از این بغرافات سرشته شد بحقایق سیاسی و آداب حیات جامعه و بروشنی فهم دانی چنان در امور سیاسی و حقوق جامعه شناسی بارآمد و تکمیل شد که از نقاط برجسته قزوین شد (و نوعاً قزوبنیان صمیمی ترند و بی حیل ترند در سیاسیات از اغلب بلاد ایران حتی بلاد عظیمه) و در اواخر چون اشتغال بمنبر را مانع از تکمیل خدمت بنوع دید خدمت نوع را با تنگدستی فوق بیان بر منبر برگزید و بکلی چشم از دخلهای منبر پوشیده چشم بر احوال جوئی نوع دوخت و استخدام معارف را برای جریان خدمت بنوع پذیرفت با حقوق غیر کافی و آبرومندی و تجمل خود را در صدق خدمت بجامعه میدانست نه در خوراک و پوشاک هرگز متمکن نشد که میهمانی سنگینی از دوستان خود نماید اما خدمتهای سنگینی که او میتوانست و می کرد بجامعه دیگران نمیتوانستند و نمیکردند تا دو سال قبل از ارتعاش تأسیس روزنامه نصیحت که از جراید نامی باقی شد نمود و این خدمت قلمی برابر خدمات شاقه خود افزود و داد نصیحت را داد و دندان بروی مطلب نهاد و سخن خیر خواهی جامعه را بکرسی نشاند و از اثر صدقش و درستی عزمش سخنان تلخوشش بنکام خود کامان چندین تلخ و زنند نیامد . (نیم صفحه بقیه شرح حال عبارتست از اینکه این بنده عباس کیوان که مقیم اسپهان بودم بقزوین رفتم و آن جوان را دیدم آشفته کمالاتش شدم و نام فامیل خود که کیوان بود باو گفتم او هم کیوانی گرفت و بنا شد مقالاتی سودمند برایش بفرستم و هنوز مقالات بده تا نرسیده بود که آن جوان در نیمه عشره چهارم ما را بماتم خود نشاند

(۱۱۲۱) نظامی علمیه و ادبیه

حرف‌اتون بدمه‌الظاء

نظامی علمیه و ادبیه ، نظمیه

روزنامه نظامی علمیه و ادبیه در سال ۱۲۹۳ قمری از طرف میرزا حسین خان سپهسالار در طهران تأسیس و در مدرسه اتا مازر نشر می‌شد است . شماره اول این روزنامه در تاریخ ۲۹ ذی‌القعدة ۱۲۹۳ قمری انتشار یافته و گویا تا سال ۱۲۹۶ قمری دائر بوده و در آن سال روزنامه مریخ جایشین آن شده است . در شماره اول روزنامه مریخ اشاره مختصری بر روزنامه نظامی نموده و یاد آور شده است که مندرجات مریخ همان مطالب روزنامه نظامی است . برای اطلاع از این قسمت بحرف میم کتاب کلمه (مریخ) رجوع شود . برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (صفحه ۹۸) شرح مختصری درباره روزنامه نظامی نوشته و خصوصیات آنرا نقل نکرده است .

(۱۱۲۲) نظمیه

مجله نظمیه در طهران (در تحت اداره نظمیه مرکزی طهران) تأسیس و شماره اول آن در ۶۴ صفحه بقطع خشتی متوسط درمطبعه سرری (اسمی از مطبعه آن نیست) طبع و در تاریخ ۱۵ میزان ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است .

مجله نظمیه چنانچه در عنوان آن نوشته شده مجله ایست نیم رسمی و ماهی یک نسخه طبع و توزیع می‌شد . محل اداره ، طهران . اداره مرکزی کل نظمیه ایران . قیمت اشتراك آن، یکساله طهران . ۲۴ قران . ششماه ۱۴ قران . سه ماهه ۸ قران . ولایات داخله بترتیب ۲۴ ، ۱۶ و ۹ قران و ممالك خارجه ۳۶ و ۲۰ و ۱۱ قران است . تکذمره در طهران دو قران و در ولایات داخله دو قران و ده شاهی . صاحب منصبان اداره پلیس و ژاندارم مجبور از آبونمان هستند .

مجله نظمیه در ضمن دو سطر یک در زیر عنوان آن نوشته بدین‌قسم معرفی شده است :
« مملکت این مجله درج اخبار مهمه راجعه بداراره نظمیه و امنیه و وظائف صاحب منصبان و افراد پلیس و ژاندارم و درج مقالات علمی سیاسی و اخلاقی راجع بامور نظمیه و امنیه و نشراعلانات و بودجه راجع بنظمیه و امنیه ایران . » . در صفحه اول شماره اول مجله حکمی بامضای (فرم) تحت‌عنوان (اخطار جموم صاحب منصبان پلیس و ژاندارم) درج شده که چنین است : « آقایان صاحب منصبان باید این مسئله را در نظر داشته باشند که اصلاح امور و تجدد وطن که بار بسیار گرانی است و ضمناً وظیفه بسیار محترم است بدوش شماهاست - شماها که برای خدمت و وظیفه عالی که عبارت از تأمین آسایش ملت است دعوت شده اید باید بدانید که یگان یگان شماها مکلف بلکه مشول راحتی و آسایش ملت اگر چه بقیمت و های جان شماها باشد - گردد و غبار ایام قدیم را از خود زدوده باستقبال قواعد و رسوم مشروطیت شتایید که آنرا مستحکم نمائید نجات وطن فقط در استقرار و استعکام آن میباشد سعی و کوشش نمائید که (آنتریکهای) وطن بر باد نهد و غرور جهالت را از خود دور سازید و بخاطر داشته باشید که دولت مشروطه بقدریکه حق شناس است هائقدر منتقم بوده و یاداش و تنبیه مینماید . هر یک از شما باید منادی عدل و حقیقت و درستی بوده باشید . شما صاحبان مناصب و تائینهای شما باید خوب بدانید که ملت امر آسایش و تأمین خود را بحکف کفایت شماها سیرده شما مجبور هستید که این خدمت عالی را بشرافت بانجام رسانید که امپواری ملت از تجدد افزوتر گردد . فرم . ۲۰ . »

پس از این فرمان مقاله تحت عنوان (وظایف اجتماعیه پلیس) مشتمل بر مقررات و نظامات

حرف‌النون بعده‌الظاء

نظمیه

راجع پلیس در ۱۶ صفحه جلد چاپ شده و پس از آن صورت فهرست بودجه اعضاء و دوائر کل نظمیه و مقدار حقوق هریک از اعضاء در مرکز و ولایات طبع گردیده است. فهرست مندرجات شماره اول بدان قسم که در پشت جلد مجله چاپ شده بدینقرار است: ۱ - دستخط رئیس کل ۲ - راجع بوظایف پلیس ۳ - مقاله مخصوص راجع بوظایف ژاندارم ترجمه از کتاب رهبر ژاندارم ۴ - بودجه اداره ژاندارمری کل ممالک معروسه ایران ۵ - بودجه اداره نظمیه کل ممالک معروسه ایران ۶ - راپورت‌های اداره نظمیه مرکزی و ایالات و ولایات ممالک معروسه ۷ - نظامنامه موقتی اداره نظمیه ۸ - رمان (مهارت یک پلیس امریکائی) ترجمه از ترکی ۰

(۱۱۲۳) نظمیه

مجله نظمیه که از انتشارات اداره کل نظمیه در طهران بوده بمؤسسی (سرهنگ محمد خان درگاهی رئیس کل تشکیلات نظمیه ایران) و مدیر و نگارندگی (میرزا حبیب‌الله خان رئیس معاکلات اداری نظمیه) تأسیس و شماره اول آن در تیر ماه ۱۳۰۴ شمسی در ۵۱ صفحه بقطع خشتی طبع و با چاپ سری منتشر شده است. طرز انتشار آن ماهانه و وجه اشتراک سالیانه برای مأمورین و اعضاء نظمیه مطابق حکم نمره ۴۱ و برای سایرین شش تومان است. روی جلد مجله علامت مخصوص پلیس چاپ شده است.

در شماره اول پس از آنکه شرحی تحت عنوان (وطن حق شناس مردمان بزرگ است) نوشته و عکس اعلیحضرت رضا شاه قعید را چاپ کرده و مقاله بعنوان (اخلاق و افکار) نوشته، شرح مفصلی بعنوان (شمه تاریخی) از بیدایش نظمیه و اداره پلیس در ایران درج نموده و از روی کار آمدن بیرم و سوتدیه‌ها و تشیلات نظمیه ایران تاریخی مفصلی نوشته دریایان آن (منظور عمده از این مجله را) پس از چند - طر مقدمه اینطور مینویسد: «... علیهذا طبق فرمان و دستور رئیس جدی و فداکار خود بقصد یک خدمت روحی و اداری کمر خدمت میان بسته و برای منظور فوق در هر شماره دو مقاله مخصوص خواهیم داشت یکی در تحت عنوان (رهبر پلیس) و دیگری تحت عنوان (عنوان اطلاعات عمومی اداری) ... و نظر باینکه چنانچه میخواستیم تمام محتویات مجله را منحصر باصول علمی نمائیم طبعاً موجب کسالت خوانندگان میگردد بیکقسمت آنرا هم درج اخبار جنائی احصائیه نظمیه و ولایات احکام اداری مرکز کل تشکیلات و ترجمه مقالات جراید خارجه که مربوط بنظمیه و امور جنائی باشد و همچنین درج لوابی که مفید بتهدیب اخلاق و حفظالصحه عمومی باشد قرار دادیم که قرائت آنها نیز هم برای مأمورین نظمیه و هم برای سایرین دارای کمال اهمیت و مورد استفاده خواهد بود.»

بقیه مندرجات شماره اول عبارت است از: رهبر پلیس - اطلاعات عمومی اداری - اخبار جنائی مستخرجه از احکام عمومی - حفظالصحه - پس از چندی که از انتشار مجله نظمیه گذشته نام آن به مجله پلیس تغییر پیدا کرده است. برای اطلاع از آن رجوع شود بعرف پ کلمه پلیس کتاب.

(۱۱۲۴) نظمیه

روزنامه هفتگی مصور نظمیه با چاپ سنگی بمدیر (شهیدی محمود اسکندانی) در تبریز

حرف النون بعده الفاء والفاء

تأسیس و در سال ۱۳۱۶ قمری منتشر شده است. شماره اول این روزنامه که با چاپ سنگی و خط نستعلیق است در چهار صفحه طبع گردیده و تصویر (اجلال الملك) رئیس پلیس تبریز در آن درج شده است. وجه اشتراك روزنامه نظمیّه در تبریز ۸ قران و در سایر شهرهای ایران ده قران است آقای محمود اسکندانی علاوه بر روزنامه نظمیّه روزنامه ابلاغ را نیز در تبریز منتشر نموده است. برای اطلاع از آن رجوع شود بجلد اول کتاب کلمه ابلاغ.

(۱۱۲۵) نفحات

امتیاز مجله نفحات در شهر کرمانشاه بمدیری (میرزا حبیب الله خان) در تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۰۵ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته است.

(۱۱۲۶) نفحه صور

از روزنامه نفحه صور سابقاً نمونه دیده ام ولی فعلاً برای ذکر خصوصیات آن در دست نیست

(۱۱۲۷) نقش جهان

روزنامه نقش جهان در شهر اصفهان بمدیری و صاحب امتیازی (استلاء الدواه) مدیر روزنامه اصفهان تأسیس و در سال ۱۳۲۰ قمری منتشر شده است؛ شماره اول این روزنامه در چهار صفحه بقطع وزیری با چاپ سنگی با خط نستعلیق متوسط (بدون آنکه ذکر از مطبعه آن شده باشد) طبع و در تاریخ ۱۲ شهر شوال ۱۳۲۰ قمری مطابق ۳۰ نوامبر ۱۹۰۷ میلادی منتشر شده است. اداره روزنامه نقش جهان: دارالسلطنه اصفهان و همان اداره روزنامه اصفهان است. وجه اشتراك سابقه آن در اصفهان ۱۲ قوان و شش ماهه هشت قران و سایر ولایات داخله و خارجه به علاوه اجرت پست. قیمت هر نسخه پنج شاهی. اعلانات سطرى پنجشاهی در بالای اسم روزنامه این عبارت (موافق سال دوم مشروطیت و آزادی و مصادف مکرم و نخست ماه قسم قوی ثیل ترکی) و در زیر آن عبارت (وجه اشتراك همه جا و بهرحال پیش ماخوذ و تنها بصاحبان روزنامه اصفهان مجانی داده میشود.) چاپ شده و در زیر عنوان این دو سطر بعنوان معرف روزنامه درج است؛ و این جرییده بکلی آزاد است و بوجهی رسمیت و مسئولیت ندارد و نقوش مضحك و طرح و معرراتیکه پان سیق و شیرین در مذاق و مذهب اخلاق بوده باعث بیداری و هوشیاری باشد بامتنان میپذیرد و رسم و درج میکند.

مقاله افتتاحی روزنامه بدینقرار است: «اول کارها بنام خدا» پس مبارك بود چو فرما اغنبی از قوانین متن و کارهای نمکین که بگوشها تازه می آید وقتی شخصی درست دقت نماید احکام شرع مقدس اسلا و عادات قدیم همین مملکت ذیقدر و احترام بوده است مثلاً این قبیل روزنامه را که باصطلاح جدید (اریکانور) میگویند تقریباً اقتباس از (کلبه و دهنه) و (الفیه و شلفیه) خودمان و باقی هم قیاس بانست. من جمله در عهد عتیق که جرییده و چاپ نبوده وقایع و قوانین و نظایر آنرا که روی سنگ نقش و حجاری مینموده اند در حقیقت بمنزله روزنامه و برای اعلام و بقای در سنین و اعوام بوده است. خلاصه حالا که دهر گوشه انواع جراید منطبع و منتشر میشود

حرف‌اتون بعده القاف

نقش جهان ، نمکدان

در این شهر بزرگ که چند صد سال سلاطین ترك آنرا دار سلطنت و مرکز اقامت فرموده و هنوز از درودیوار شکسته آثار یدید است صنایع عجم را مانیز خواستیم خواه باصطلاح جدید یا رسم قدیم هر کدام باشد بعون اله و بمن اقبال شاهنشاه ترقیخواه چنین روزنامه انتشار و بمختصر خدمات ناچیزانه بمعارف انضمام نمائیم و محقر خدمتی نوع بشماریم لهذا بمناسباتی چند نام آنرا (نقش جهان) گذاردیم و بهمه حال از رب مستعان توفیق می‌خواهیم و از مطالعه کنندگان عظام در لغزشها امید عفو و اغماض داریم .

پس از این مقاله افتتاحی قسمتی تحت عنوان (تقویم یا مقویم) نوشته که قسمت اول آن چنین است : « احوال کواکب در این ماه که اول مرحله مراتب است دلالت دارد بر کلك زدن فلک و وجود خدا و ملك و سلامتی پادشاه عزت خواجه نمایان و خواجگان از سفید و سیاه و کلفتی دم روپاه و ظهور جریده (نقش جهان) و کساد ی بازار ظالمان و خورسندی مردمان بی‌فرض و اسردگی ارباب مرض ... » صفحه دوم روزنامه مخصوص کلریکاتور و در آن تصویر دو سرباز یکی (سرباز قدیم) و دیگری (سرباز جدید) که با یکدیگر از وضع خود گفتگو مینمایند . صفحه چهارم نیز مشتمل بر کلریکاتور است که در آن عمارت انجمن بلدیه اصفهان رسم شده و مأمورین قصای را که گوشت گران فروخته پایش را در فلک کرده چوب میزنند .

دو روزنامه اصفهان و نقش جهان هر دو يك اداره و يك مدیر داشته منتهی نقش جهان برای رسم کلریکاتور تأسیس شده است . برای اطلاع بیشتری از این روزنامه رجوع شود بجلد اول کتاب کلمه اصفهان . در شماره ۲۰ سال اول روزنامه اصفهان مورخ شوال ۱۳۲۰ قمری تحت عنوان (اعلان) راجع بروزنامه نقش جهان مینویسد : « از آنجا که یکی از وظایف جریده نگاری تحصیل استرضای تطبیق بلرضای مطالعه کنندگان گرام است علیهذا همچو بهتر دانستیم علی المجاله در هفته يك شماره از ... شماره روزنامه ناچیزانه خودمان را بانصورت و بطور کلریکاتور نشر و طبع و به (نقش جهان) تسبی و بهاجان جریده اصفهان مجانی تقدیم و برای آنها که فقط آنرا می‌خواهند مختصر قیمتی تعیین کنیم و انشاله عما قریب اشاعت میدهیم . » برون که در کتاب مطبوعات و شعر فارسی خصوصیات روزنامه نقش جهان را نوشته یاد آور شده است که من نمره اول آنرا در دست دارم . نگارنده نیز بیش از نمره اول آن را ندیده ام و لذا شاید بیش از همین يك شماره منتشر نشده باشد .

نمکدان (۱۱۲۸)

مجله نمکدان در طهران صاحب امتیازی و مدیری آقای (عبدالحسین آینی) تأسیس و دو سال ۱۳۰۸ شمسی منتشر شده است . شماره اول مجله نمکدان در شهرپور سال مذکور انتشار یافته و تا اسفند ۱۳۰۹ دوازده شماره منتشر شده است . شماره ۱۲ سال دوم آن در ۶۴ صفحه بقطع ربی کوچک نشر یافته و سال دوم آن پایان یافته است . در سالهای سوم و چهارم و پنجم نمکدان بی ترتیب و هر چند ماه يك شماره از آن انتشار یافته بقیسکه شماره چهارم از سال پنجم آن در تیرماه ۱۳۱۵ نشر یافته است . نمکدان مجله ایست ادبی ، تاریخی ، انتقادی و مندرجات آن حکایات و قصص

حرف النون بعد الميم

نگهدان

تاریخی و اشعار و يك قسمت آن انتقاد از منهب بهائی است . زیرا بشرحیكه بعداً در شرح حال آقای آیتی ملاحظه خواهید فرمود نامبرده ابتدا از مبلغین سر سخت بهائی بوده و بعد از این ملك باز گشته و كتب و مقالاتی علیه آنها نوشته است . من جمله در دوره های نمكدان مقالات زیادی علیه بهائی گری نوشته است . محل اداره نمكدان: طهران قلمستان . وجه اشتراك آن در ایران يكساله ۳۰ ریال . ششماهه ۱۵ ریال . خارجه نیم پوند . ذیلا شرح حال آقای آیتی كه بقلم خود ایشان برای دوج در تاریخ جراید و مجلات ایران تهیه شده ، نقل میگردد :

عبدالحسین آیتی - نامش عبدالعزیز نام پدرش محمد (مشهور به حاجی آخوند) نسب آیتی از طرف پدر به حاج ملا محمد بزرگ میرسد كه افاضل و اعظم علمای عصر بوده مضجعی در قصبه تفت مرجع مسلمین است و تاریخ وفاتش این است كه از قریبه حبیب مسگر بر لوحه قبرش منقور است . (فرد) بر کشید (آه) از بی تاریخ و گفت آندم حبیب قدوة ارباب دین شد رونق افزای جهان - ۱۲۴۳ و از طرف مادر منسوب است بقطب الاولیاء سلطان ابراهیم ادهم . تولد آیتی در سال ۱۲۸۸ هجری قمری در تفت یزد واقع شده كه قصبه ایست خوش هوا درسی کیلومتری شهرستان یزد . آیتی تحصیلات مقدماتی را در مكاتب قدیم انجام داده از پدر و برادر خویش تا اندازه از علوم متداوله زمان خود كسب نموده در اوان جوانی راجد طبع و قریحه انشاء و انشاء بوده نخستین غزلی كه در سن ۱۲ سالگی در (۱۳۰۰ هـ) انشاء کرده مصدرباین مطلع است (فرد) پدرم داد بنورور مرا جامه نو - بردم و بهر می كه نه نهادم بگرو . و دومین شعر او كه ضبط شده ماده تاریخی است كه در حادثه سیل خیز تفت انشاء کرده رحمت یزدان ما زحمت انسان شده - بارش ریزان او آتش سوزان شده ۰۰۰

از بی تاریخ آن رفت (يكی) چون برون - گفت به (غرقاب) تفت يكسره ویران شده (۱۳۰۲) و در آنوقت سن آیتی ۱۴ بوده مجلا آیتی در سن ۱۵ سال ۱۳۰۳ هـ از تفت شهرستان یزد انتقال و در مدرسه خان بزرگ اقامت نموده دوره صرف و نحو و منطق و معانی و بیان را پایان رسانیده در سال ۱۳۰۵ به حبسات سفر نمود چون وارد تحصیل فقه و اصول شد پدرش در تفت در سال ۱۳۰۶ هـ در گذشت و او بوطن برگشت و در سال ۱۳۱۱ هـ كه سن او ۹ بیست و سه رسیده بود بر مسند پدر نشسته بامامت دومسجد وحل و عقد امور مسلمین و عقد و اقباعات شرعی پرداخته پس از نه سال موجباتی دست بدست هم داده ویرا از تفت بطهران فرستاد و از طهران بجهانگردی پرداخته متجاوز از هیجده سال در جهانگردی بود و گذشته از میهن خودش (ایران) كه بكرات بهر شهری سفر نموده تمام خاك عثمانی قدیم و تركیه جدید و همه شامات و سوریه و فلسطین و بیشتر از شهرهای مصر را از قاهره تا طنطا و دمياط مفصلا سیر و سیاحت نموده سفری باروپا رفته بیشتر از شهرهای انگلستان و فرانسه را دیده باسلامبول رفته از آنجا بیور سعید و بار سوم بفلسطین وارد شده از راه بینالنهرین بایران باز گشته در طهران فرو نشست و از جمله در طی مسافرتهاى خود دو مرتبه با عبدالبهاء عباس (رئیس دوم بهائی) معاشرتهای ممتد داشته يكفر يك ماه و

حرف النون بعلمه الو او

نمکدان ، نوای ملت

سفر دیگر بنجماه با وی مؤانس و مجالس و محرم و معاشر شبان روزی شده مریدان وی آبتی را که در آنوقت آواره لقب داشت از عمده امر بهائی میسر شدند و رئیس-البلاغیر میخواندند و مقام بسیار مهمی در میان ایشان احراز کرده بود و هشتاد لوح بقلم عبدالبهاء در مدح و وصف وی صادر شده ولی اخیراً معلوم شد که دل را بدست ایشان سپرده و همواره با قدم مجاهدت و تحقیق مرحله بیسای مراحل تفحص و تصفح بوده زیرا پس از ورود بطهران که دو سال از وفات عبدالبهاء گذشته بود بنام کشف الحیل کتابی تألیف نموده در سال ۱۳۴۵ هجری منتشر نموده و متدرجاً دنباله سخن را گرفته کشف الحیل را تا سه مجلد انتشار داده و نشر آن مجلدات که قیامت عظمی بود بر بهائیان و حقیقتاً بنیان امر بهاء را بکلی متزلزل و متزعزع ساخت و بعد از آن مجله نمکدان را که بهترین نمونه نظم و ثروت قلم و ذریعه آبتی است در مدت چهار سال و نیم انتشار داد و پس از سی و پنج سال بوطن مألوف رفته با دوستان قدیم و اقارب خود تجدید عهدی کرد ضمناً بتألیف کتاب تاریخی در حوادث یزد مبادرت نموده کتابی بنام آتشکده یزدان در ۴۴۰ صفحه با گراوردهای عکس تاریخی در دسترس هموطنان خود گذاشت که حقاً قابل هرگونه تمجید است .

آقای آبتی هنوز در قید حیات است و پس از شهریور ۲۰ مقالات زیادی در روزنامه ها نوشته است . چون اشعار او جداگانه چاپ شده بنقل آنها احتیاجی نیست .

(۱۱۲۹) نوای ملت

شماره اول روزنامه ناله ملت منتشر در تبریز با اسم نوای ملت انتشار یافته است . برای اطلاع از آن بهمین مجلد کتاب روزنامه ناله ملت رجوع شود .

(۱۱۳۰) نوبهار

روزنامه نوبهار بمدیری آقای (ملك الشعراى بهار) ابتدا در شهر مشهد تأسیس و از شوال ۱۳۲۸ قمری در آن شهر شروع با انتشار گذاشته و در سال ۱۳۳۳ قمری بطهران انتقال یافته و در این شهر با قطع بزرگ در چهار صفحه هفته سه شماره نشر شده و بار دیگر در طهران در سال ۱۳۳۵ قمری مجدداً با بدایره انتشار گذاشته است و ماذیلا از هر يك از دوره های نوبهار جداگانه گفتگو می نمایم :

نوبهار در مشهد - روزنامه نوبهار در مشهد بمدیری (م . بهار) که همه جا نام خود را در انتهای صفحه چهارم نوشته تأسیس و شماره سوم سال اول آن در ۴ صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربی (مطبعه طوس میر مرتضی الموسوی) چاپ و در تاریخ ۵ شنبه ۱۶ شوال المکرم ۱۳۲۸ قمری مطابق ۳ اکتبر -۱۹۱۰ میلادی منتشر شده است . عنوان نوشتجات : مشهد بالا خیابان . نامه نوبهار . تلگرافی بهار بهای سالیانه در مشهد ۲۵ قران . ششماه ۱۸ قران : شهرهای خودی ۳۰ قران و ۲۰ قران . کشور بیگانه ۶ منات و ۴ منات . بهای اعلانات سطری يك قران بهای

حرف النون بعده ال و او

نوبهار

يك شماره ۵ شاهی . طرز انتشار روزنامه هفته دو بار بوده است . اسم روزنامه (نوبهار) باخط سفید روی زمینه سیاه چاپ شده و هر صفحه روزنامه سه ستون است . نوبهار در زیر عنوان بدینقسم معرفی شده : « نامه ایست سیاسی ادبی سرگذشتی اخباری خواهان یگانگی وفزونی اسلام و اسلامیان و هوادار بزرگی و نیرومندی ایران و ایرانیان . » . مندرجات نوبهار پس از درج سرمقاله عبارت است از قسمتهای ادبی اخبار خراسان و بخصوص مطالب و اخبار راجع بآستانه مقدسه و مختصری اخبار طهران و خلاصه از حیث مندرجات قطع نظر از مقالات آن یکروزنامه محلی است . قسمت عمده مقالات روزنامه که بقلم مدیر روزنامه نوشته شده علیه سیاست روسهاست و بهمین جهت هم پس از یکسال نوبهار از طرف روسها توقیف وبعوض آن در ذیحجه ۱۳۲۹ قمری ، باهمان قطع بنام (تازه بهار) منتشر شده است . مرحوم بهار در سرمقاله شماره ۳۵ سال اول نوبهار مورخ سه شنبه ۱۹ ربیع الاول ۱۳۲۹ قمری مینویسد : « چون روسها ما را بشد نویسی اعتراض کرده اند لذا ما قصه استارا از روزنامه ایران نو نقل میکنیم که به بینند آیا ماتند تر میرویم یا دوستان ما ، ما آتش مزاجی می کنیم یا همسایگان ما . » ظاهراً پس از نشر همین شماره نوبهار توقیف شده و به جای آن تازه بهار منتشر شده است .

مرحوم ملك الشعراء در دیباچه نوبهار (سال دوازدهم دوره چهارم) درجائیکه شرح حال خود را نوشته باین قسمت از دوره نوبهار اشاره کرده می نویسد : « بعد از فتح طهران و آغاز مداخله اجانب در ایران نوشتجات من در روزنامه (طوس) خراسان و جبل المتین کلکته و و بهار حمایت استقلال متزلزل ایران و دفاع از حزب تند رو (دموکرات) منتشر میگشت . این سلسله عمرادی و سیاسی من بعد از طوفان اولتیماتوم ۱۳۲۹ مقطوع و دو سال عمر من در نفی و طرد و صجرا گردی و غربت و مصیبت گذشت . در این مدت که دستم از جراید داخله کوتاه بود غیر از چند قصیده در هویت زمامداران وقت و حالت روحیه طهران و خطابه معروف (سرادودگری) و دوازده بند در مصیبت و فاجعه توپ بستن گنبد مطهر حضرت رضا و چند مقاله در وصف تهران که همه این آثار در جبل المتین مندرج است خدمت دیگر در همان دوره کودتای سه ساله ؛ باصرار دوستان خراسان و مساعدت بخت ، بنشر یگدوره نوبهار در ۱۳۳۲ مبادرت ورزیده و با اینکه در این دوره کوتاه يك ساله نوشتجات من فقط در پیرامون مسائل اجتماعی و اخلاقی و ادبی مخصوص نساآت سیر مینمود ، مع ذلك حدوث جنك بين الملل و طلوع انتغابات اسباب نگرانی خارجیان شده باصرار قنسولهای دو همسایه نوبهار بعد از یکسال توقیف گردید !! » و نیز در شماره ۱۳ دوره پنجم نوبهار تحت عنوان (بقارئین) مینویسد : « در ایران گویا هیچ روزنامه یومیه یا هفتگی نیست که بقدر نوبهار مظلوم واقع شده باشد ، نوبهار دوره اول ده روز بآخر سال مانده در شوال ۱۳۲۹ بخشار قنسول روس مشهد توقیف شد و قریب هزار تومان بهای اشتراك نزد مشترکین ماند و نبرد اختند .

حرف‌النون بعده‌الواو

نوبهار

تازه بهار در ذیحجه ۱۳۲۹ دایر شده و در محرم ۱۳۳۰ در نتیجه غوغای اولتیا توم بامر وزیر خارجه وقت توقیف شده و بگدینار عاید نگشت !
نوبهار دوره دوم - در ۱۳۳۲ شروع شده و بعد از نه ماه انتشار باز به‌شاردو قنصل روس وانگلیس و تحریک مغرضین داخلی توقیف گردید و ۱۲۰۰ تومان مطالبات ما زمین ماند . <

روزنامه نوبهار در طهران

پس از انتخاب مرحوم ملك الشعرا بنایندگی مجلس و آمدن بطهران روزنامه نوبهار در سال ۱۳۲۳ قمری در طهران مجدداً منتشر شده است در این دوره نیر يك سال بیشتر منتشر نشده و دو مرتبه توقیف شده است . در شماره ۱۳ دوره پنجم نوبهار وضع اسف آور نوبهار را در دوره های گذشته شرح داده تا میرسد بدوره سوم که می نویسد : > دوره سوم در تهران ده روز بآخر سال مانده در نتیجه تصمیم کابینه آقای مستوفی‌الممالك و تهدید مرکزاقشون روس در محرم ۱۳۳۴ توقیف شده نیمی از مطالبات آن که قریب چهار هزار تومان بوده اذین رفت . دوره چهارم دوماء بآخر سالش مانده در حمل ۱۳۳۶ باز بامر کابینه آقای مستوفی‌الممالك و وزارت داخله حاج مخبرالسلطنه در ضمن تمام مطبوعات ملی توقیف گردید . در صورتیکه فشار و تهدیدی از هیچ طرفی نبود و فقط يك سیاست قادرانه بود که دولت اتخاذ کرده و عاقبت باین مشوم حکومت نظامی منجر گردید و باز قسمت غالب وجه اشتراك نو بهار زمین ماند . < و نیز در دیپاچه نو بهار (سال دوازدهم - دوره چهارم) درباره نوبهار در طهران می نویسد > باز در سال ۱۳۳۲ از مقام و کالت ملت ، استفاده کرده یگدوره دیگری بر عمر نوبهار در تهران افزود : - ملك نویسنده در این دوره نظر بنزدیکی مدت احتیاج به تکرار نبوده و همه میدانند در این دوره که باز هم بد بختانه یگسال بیش طول نکشید دوبار روزنامه دوچار سیلی بیرحمانه توقیف گردید که آخرین آن ششم ماه محرم ۱۳۳۴ بود . در پایان این عمر کوتاه و پر مشقت ، باز یگسال فترت حاصل شد - قسمتی در بستر قسمتی در سفر و تبعید ، قسمتی برگشتن از سفر و در این یگسال هم جز قسمت کمی اشعار منثور و منظومات اجتماعی که معروفترین آنها (قصیده لوح عبرت) است .

انقلاب روسیه ۱۳۳۵ روح افرده آزادیخواه ایران را جوان وزنده نمود و من در نتیجه انقلاب مزبور باز خود را برای دخول در جامه نگارندگی حاضر ساخته و تشکیلات سیاسیه دموکراتها نیز بیشتر این اقدام را تسریع نمود . باری عمر یگساله آخری نوبهار ۱۳۳۵-۱۳۳۶ با يك تلخ کامی حکایت ناپذیری که نذکارش نیز دهان جان را تلخ میکند بر نویسنده تیره روز گذشت و اشتغال یگسال دیگر بطبع و نشر مجله ادبی (دانشکده) جز زبان و بیچارگی نصیب دیگری نبخشود
مخصوصاً بعد از یاس از اصلاحات در اواخر زمستان ۳۹ و پیش آمد های سوم حوت و جنجال افتتاح مجلس و غوغای مطبوعات در دو سال گذشته بکلی نگارندگی را بدرود

حرف‌النون بعده‌الواو

نوبهار

گفته و حتی از تکلیف قبول مدیریت روزنامه ایران نیم رسمی هم استنکاف ورزیده در يك انزوای معنوی و افسردگی روحی میزیست .»

آنچه از شماره های موجود نوبهار مستفاد میشود چنین است که نوبهار از سال ۱۳۳۳ تا بهار سال ۱۳۳۶ انتشار یافته و در طول این مدت چند بار توقیف گردیده و پس از سال ۱۳۳۶ که بنا بنوشته مدیر نوبهار (از شئامت پرخاشجویهای اجتماعی و از تند باد يك بحران عینی که نتیجه هرج و مرج آن زمان بود) بنا کرده گناه از پای درآمد و سرمایه که آن را راه میبرد، یکباره از دست رفت (نوبهار برای مدت چهار سال منتشر نگردیده نا مجدداً در تاریخ چهارشنبه هفتم سنبله ۱۳۰۱ شمس مطابق ششم محرم ۱۳۴۱ (سال دوازدهم - دوره چهارم) نوبهار شروع گردیده است. و در همین شماره است که تحت عنوان (بعد از چهار سال) تاریخچه از ادوار مختلف نوبهار نوشته و ما آنرا فوقاً نقل کردیم. تاریخچه مذکور بدینقسم شروع میگردد: «چهار سال میگذرد که نوبهار ما فصل روان پرور خویش را ترك نموده و درمواصل فصول متواتره اختلال و استبداد و در زیر تیره ابر نا امنیهای ادبی و اجتماعی و در خلال یخ بندانهای سیاسی و سیلهای هرج و مرج و آشفتنگی بکلی متروک و محبوس و از یاد رفته است ۰۰۰۰»

روزنامه نوبهار از سال ۱۳۳۳ يك روزنامه سیاسی بوده و هر نوبت در چهار صفحه با پنج ستون و هفته سه شماره منتشر میشده و در سال ۱۳۳۵ قمری نیز بهمان قطع و سبك و بایك ملك سیاسی و آزادیخواهی مفرطی انتشار یافته ولی از سنبله ۱۳۰۱ مطابق محرم ۱۳۴۱ که دوره چهارم نوبهار شروع شده قطع و سبك و تعداد صفحات روزنامه عوض شده و مندرجات آن یکقسمت مطالب ادبی و اجتماعیت و هر شماره آن در ۱۶ صفحه منتشر گردیده است.

روزنامه نوبهار پس از انتقال بطهران يك روزنامه کاملاً سیاسی و خبری بوده و هفته دوبار روزهای سه شنبه و جمعه در چهار صفحه بقطع بزرگ چاپ و منتشر شده است شماره ۲۴ این دوره که سال چهارم تأسیس بوده و جمعاً تا آن شماره ۱۷۹ شماره از نوبهار منتشر شده در چهار صفحه با چاپ سربی در مطبعه ایران طبع و در تاریخ جمعه ۲۵ شهر ربیع الثانی ۱۳۳۳ قمری انتشار یافته است. محل اداره: طهران. خیابان ناصریه - عنوان تلگرافی: تهران - نوبهار. بهای اشتراك: تهران یکساله ۴۵ قران - ششماه ۲۳ قران - شهرهای خودی ۵۵ قران، ۳۰ قران - کشور بیگانه ۷۰ قران و ۳۸ قران - بهای یکشماره در طهران ۵ شاهی - در سایر شهرها ۶ شاهی مندرجات این شماره عبارت از سرمقاله تحت عنوان (استعفا و سقوط کابینه) اخبار دارالشورای ملی - وقایع جنگ بین الملل - شهرت طهران - مطبوعات خارجه راجع بجنگ بین الملل - تلگرافات داخله - اخبار داخله. ادبیات - باورقی (بعنوان سرزمین تمدن قدیم) هماقسم که یاد آور شدیم نوبهار در این دوره يك روزنامه سیاسی و خبریست و مخصوصاً سرمقاله های آن که بقلم مرحوم بهار نوشته شده خیلی تند و آتشین است

حرف‌النون بعده‌الواو

نوبهار

نگارنده از این دوره نوبهار تا شماره ۵۹ مورخ به شنبه ۷ رمضان ۱۳۳۳ مطابق ۲۸ سرطان و ۲۰ ژوئیه ۱۹۱۵ در دست دارم. سرمقاله این شماره تحت عنوان (آیا بر بحران کیست؟) تدوین شده است.

دوره پنجم نوبهار - شماره اول دوره پنجم سال سیزدهم نوبهار مدیریت و مؤسسی (. بهار) در ۱۶ صفحه بقطع بزرگ با چاپ سری و در تاریخ ۲ شنبه ۲ میزان ۱۳۰۱ شمسی مطابق ۳ صفر ۱۳۴۱ قمری و ۲۵ سپتامبر ۱۹۲۲ میلادی منتشر شده است.

نوبهار در این دوره جنبه ادبی و تاریخی آن مبرجد و يك قسمت از مقالات تاریخی آن بقلم آقایان اقبال اشتیانی و کسروی تدوین شده است. سرمقاله شماره اول تحت عنوان (عشق و اراده) و با این شعر فردوسی شروع میشود

بنام خداوند جان و خرد
کز آن برتر اندیشه بر نگذرد

منت خدای را که هنوز قوت در دست و سودا در سر است نه حریق حادثات را در اراده ام انری که آنرا بگدازد و نه تند باد نو میدی را بر فضای قلبم گذری که آنرا از عشق نهی سازد. عشق خدمت بوطن مالوف

فهرست مندرجات در دوره پنجم در هر شماره در زیر عنوان روزنامه چاپ شده. فهرست مندرجات شماره اول بدینقرار است:

سیاسگذاری - عشق و اراده - اشعار - اجتماعيون اشتراکيون - اهریمن - از اینجا - از اینجا - نظری باآسان - مسائل جاریه - اخطاراداری - خصوصیات دیگر نوبهار بدینقرار است جای اداره: طهران لاله زار - بهای روزنامه سالانه داخله ۶ قران - خارجه ۷ قران - شش ماهه بترتیب ۲۵ قران و ۴۰ قران - یکماهه در طهران ۶ قران - تك نمره يك قران - از صفحه پنجم پاورقی روزنامه بعنوان (اهریمن اثر میخائیل یوریف دمننسف) ترجمه و چاپ شده. شماره دوم نوبهار همان سبك و قطع در تاریخ ۲ شنبه ۹ میزان ۱۳۰۱ چاپ و منتشر شده و از اینرو نوبهار هفتگی بوده است. سرمقاله شماره دوم تحت عنوان (زبان سعدی) نوشته شده است در شماره دوم اشعاری بعنوان تفریظ در طلوع نوبهار چاپ شده و من جمله این رباعی از مدیر جریده گل زرد است

امروز نسیم مشکبار آمده است در گلشن عشق گل بیار آمده است:

گفتم بنسیم صبح خرم زچه ای خندان شمو گفت: نوبهار آمده است

و نیز در شماره پنجم قطعه اثر طبع ناصح الممالك چاپ شده که دو شعر اول آن چنین است

عالم شکفته گشت و خزان شد ز نوبهار از طبع و نشر نام نامی نوبهار

از پاورقیهای خوب نوبهار کتاب (دیسبیل) شاگرد اثر (یل بورژه) فرانسوی است که انرا رشید یاسمی ترجمه کرده است. نوبهار صفحه شمار جدا گانه ندارد و بهمرفته در ۵۴۴ صفحه چاپ شده. آخرین شماره این دوره شماره ۳۴ میباشد که در تاریخ شنبه ۴ هزرب ۱۳۰۲ منتشر شده است. در این شماره دفتر نوبهار (اخطاری) چاپ کرده است که قسمت اول آن این است «پس از یکسال نوبهار ما بعد از این شماره عبارت خواهد بود از يك جلد کتاب نفیس ادبی که یکسال تمام در جمع آوری و تهیه و طبع و نشر آن صرف وقت شده است. بهر

حرفاتون بعدہ الواو

نوبهار، نور، نورافشان

صورت یکسال زحمت کشیده و سه هزار تومان مقروض شده ایم همین مبلغ نیز وجوه اشتراک ما در نزد مشترکین محترم باقی است - فعلاً بشریک کتاب که متجاوز از پانصد صیفه و دارای رساله ها - مقاله ها، ترجمه ها، تصاویر و ترانه های دلکش است موفق آمده ... درحقیقت نوبهار در این دوره از صورت روزنامه خارج شده و بی شباهت و بلکه بهتر و مفیدتر از مجلدات دوره اول کاره می باشد و همین دوره هم دوران روزنامه نویسی مرحوم بهار خاتمه پیدا کرده گر چه دفتر روزنامه وعده داده است که بعد از یکماه پس از تسویه محاسبات امسال مجدداً نوبهار را منتشر می سازیم ولی دیگر نوبهار منتشر نشده و این روزنامه مفید برای همیشه تعطیل شده و شاید علت آن هم ورود مدیران در کشمکش های سیاسی و پارلمانی بوده زیرا که از همین ایام است که مقدمات خلع سلطنت قاجاریه و آغاز زمامت جمهوری بلند شده است - دوره یکساله نوبهار از بهترین و مفیدترین جراید است که تاکنون در ایران منتشر شده است .

ملك الشعرای بهار - شرح احوال بهار در اغلب مجلات و جراید و - النامه ها چاپ شده و مخصوصاً خطابه هائی در شرح احوال ان مرحوم پس از مرگش ایراد شده و من جمله خطابه آغای حبیب یحیائی مدیر محترم مجله یغماست که در شماره دوم و سوم - سال ششم مجله چاپ شده است در اینجا بطور اختصار برای خالی نمودن از ذکر شرح حال استاد مختصر شرح حالی از آن مرحوم نقل می نمایم . محمد تقی ملك الشعرای متخلص به بهار در سال ۱۳۰۴ قمری متولد شده پدر ایشان مرحوم میرزا کاظم صوری ملك الشعرای استان قدس رضوی بوده . تحصیلات ایشان در خراسان و در سال ۱۳۲۸ بانشار روزنامه نوبهار در خراسان پرداخته اند در سال ۱۳۳۲ از خراسان از ناحیه سرخس - کلات بنمایندگی دوره سوم مجلس انتخاب و بطهران عزیمت نموده و در طهران نیز روزنامه نوبهار را باسلوب بهتری منتشر کرده و در سال ۱۳۳۶ بانشار مجله دانشکده و در ۱۳۳۸ بمدیرى روزنامه رسمى ایران مشغول گردیده اند . در دوره چهارم نمایندگی مجلس را داشته و در ادوار پنجم و ششم و هفتم و یازدهم از طرف اهالی طهران انتخاب شده اند . از ۱۳۰۸ پس از تبیدهای یزد - اصفهان بطهران باز گشته بخدمت وزارت فرهنگ در داشسرائى عالی مشغول شده و بتصحیح و تعشیه کتب و تدریس پرداخته اند . تالیفات ایشان علاوه بر مقالات و اشعار زیادى که در مجلات و جراید چاپ شده عبارت است از چهار خطابه سه جلد کتب سبك شناسى مقدمه و تصحیح تاریخ سیستان - مجمل التواریخ و القصص - مطالعه در شهر حال فردوسى مرحوم بهار يك مرتبه بوزارت فرهنگ رسیده و چند ماهی بشغل وزارت مشغول بود در اواخر عمر مبتلى بمرض سل گردید و با معالجات زیاد در ایران و سوئس مؤثر واقع نشد و عاقبت در مرداد ماه ۱۳۲۹ شمسى دار دنیا ابدود گفت .

(۱۱۳۱) نور

روزنامه نور در سال ۱۳۰۱ شمسى در طهران تأسیس و بطور هفتگی منتشر شده است

(۱۱۳۲) نورافشان

نامه نور افشان در شهر بوشهر بمدیریت خانم (شوکت سلامی) تأسیس و در سال

حرف النون بعدءالواو

نورافکن ، نوربالکام ، نورشرق

۱۳۰۹ شمسی منتشر شده است. آغ از انتشار روزنامه نور افشان در شهریور سال مذکور بوده و مجله عالم نسوان دوشماره پنجم سال هفتم خود طلوع آنرا تبریک گفته و قرائت آنرا بخوانندگان توصیه کرده است. این روزنامه در سال ۱۳۱۷ به مدیریت (محمد علی علوی) بطور هفتگی منتشر میشده و بهای یکشماره آن سیصد دینار و هر نوبت سیصد شماره منتشر میگرددیده است.

(۱۱۳۳) نورافکن

روزنامه نورافکن در طهران بهمدیری (میرزا مهدی حقیقت) در تاریخ ۴ قوس ۱۳۰۳ شمسی امتیاز آن از تصویب شورایعالی فرهنگ گذشته است.

(۱۱۳۴) نوربالکام

روزنامه نوربالکام در سال ۱۳۰۲ شمسی در طهران تأسیس و بزبان ارمنی منتشر شده است.

(۱۱۳۵) نورشرق

روزنامه نور شرق در شهر اصفهان بهمدیری و نویسندگی (شیخ نوراله دهاقانی) تأسیس و در سال ۱۳۴۴ قمری منتشر شده است. شماره اول نورشرق در چهار صفحه بقطع وزیری متوسط با چاپ سربی (شرکت مطبعه اتحاد) طبع و در تاریخ بیست و دوم شوال ۱۳۴۴ قمری انتشار یافته است. مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (بیان حال) نوشته شده و بدینقسم شروع میگردد، «شاید اغلب بدانند که اقدام اینجانب در اینگونه امور تايك اندازه عاده مخالف مقتضیات خانوادگی است و بعلاوه بغیر از تحمل زحمات و خسارات و حتی بدیننی جسمی گونه نظر نتیجه دیگری عاید نخواهد شد ولی باوجود همه اینها در این مصر که کفر و العاد رائج صدها امراض اجتماعی با ما دست و بغل شده در يك چنین مصری بر هر کسی لازم است بعضی بی حالی ...» پس از سرمقاله مذکور، مقاله دیگری بعنوان (حقایق من) که در پایان آن مینویسد: «اینک بر حسب وعده خود بذکر یکی از مهم ترین رجال روحانی مبادرت جسته صوم فارین را بعظمت او متوجه میسازیم.» و بدنبال این قسمت شرح حال (حاج شیخ عبدالکریم یزدی) را نوشته و آخرین مقاله مندرج در این شماره (سئوالیست از مدیر مصر پهلوی).

قبل از انتشار شماره اول طبق معمول جراید آن ایام طلبه نور شرق در رمضان سال مذکور انتشار یافته و در آن طلبه مدیر روزنامه علت تأسیس و انتشار روزنامه را بیان کرده و من جمله مینویسد: «بدیهیست که دیگر امروز از قصور یا تقصیر اغلب رؤساء دین و زمامداران امور دو ثلث مردم حالیه و تمام مردم بیست سال دیگر حس دین که بهترین مری انسان و دافع شرور است نداشته و نخواهند داشت ...»

عجالتاً این جانب بر حسب تأکید و صلاحیتی که يك عده از مقدسین و متدینین از حسن ظن خودشان در من معتقدند امتیاز نورشرق را از وزارت معارف صادر کرده و فرض فقط انتشار مقالات است هوام فهم که مجانی و یا بقیمت خیلی خیلی مختصر با نسخه های زیاد در میان عموم

حرف‌النون بعده الواو

نور شرق، نور کا قاپار

طایقات منتشر شود که هم آنها را بدیانت جلب کنند و هم اعتراضات سائزین را دفع دهد ۶ هم بر حسب حب الوطن من الایمان در اطراف نرقی وطن و قطع ایادی بیگانگان کوشش نماید و بعلاوه از خدام دین و وطن تشویق کند ۰۰۰۰۴ بایستی در این‌واقع که این‌جنب با اجازات اجتهادی که دارم حاضر برای این امر خطیر شده با کمال خرسندی از مساعدت خود داری نکرده ۰۰۰ لازم است یاد آور شوم که امتیاز مجله نور شرق در اصفهان در ۱۴ دی ۱۳۰۴ شد و از تصویب شورای عالی معارف گذشته است .

روزنامه نور شرق ماهانه دومرتبه منتشر می‌شده ولی بی ترتیب . محل اداره ابتدا در خیابان چهارباغ و بعد به پشت مسجد شاه انتقال یافته . نور شرق نامه ایست دینی و مندرجات آن بیشتر مطالب مربوط بروحانیت و دین اسلام میباشد . قیمت سالیانه آن روحانیون و اعیان ۵ تومان . سایر طبقات ۴ تومان . نور شرق ابتدا با حمایت و کمک آقایان مسجدشاهی و مخصوصاً شادروان حاج آقا نورالله تأسیس شده و بعداً هم چون این کمک قطع شده انتشار نور شرق نیز دوچار وقفه و تعطیل گردیده است

نور شرق در سال اول کم و بیش انتشار یافته . شماره ۴ این سال در ۲۰ ذیحجه ۱۳۴۴ و با سرمقاله (فاجعه مراکش - عرایض ما پادشاه اسلام پناه اعیان حضرت پهلوی) شروع میگردد . شماره ۱۰ سال دوم نور شرق با قطع بزرگتری در چهار صفر در تاریخ ۵ شنبه ۲۴ رمضان ۱۳۴۶ قمری و شماره دوم سال سوم آن در تاریخ جمعه ۶ ذیحجه انتشار یافته است . سرمقاله شماره اخیر تحت عنوان (لفت یادین) نوشته شده است . همان‌قسم که یاد آور شدیم نور شرق نامه ایست دینی و از اینجهت خیلی مورد توجه واقع نشده و در سال سوم تعطیل شده است .

شیخ نورالله دهاقانی - شیخ نورالله دهاقانی از یک خانواده روحانی و پدر و جدش از اهل دهاقان واقع در چهار فرسخی شهرضای اصفهان بوده و خودش نیز در آنجا متولد شده است و همین مناسبت تا قبل از انتشار روزنامه دینی نور شرق معروف به دهاقانی بوده و پس از انتشار این روزنامه مشهور نور شرق گردیده است

نور شرق تحصیلات خود را در مدارس قدیمه اصفهان با تمام رسانیده و بزبان فرانسه مختصر آشنائی داشته است . وی بیشتر مطالعاتش در تفسیر قرآن بوده به سببیکه اغلب آیات قرآن را حفظ داشت علوم عربیت و علم الاجتماع نیز تسلط داشت و اغلب مقالات او که در روزنامه ها و مجلات اصفهان چاپ شده در این زمینه است . در نگارش موضوعهای اجتماعی با قلم روان و ساده برشته تحریر در می آورد . پس از تأسیس مدرسه متوسطه صاریبه بدبیری عربی و فارسی مشغول شد و تا آخر عمر در مدارس مختلف اصفهان تدریس میکرد . از مرحوم نور شرق تألیف مستظلی چاپ نشده و همانطور که یاد آور شدیم قسمت عمده آثار او بصورت مقالات مختلف در روزنامه های اصفهان و مخصوصاً روزنامه نقش جهان چاپ شده است . وی در شهریور ۱۳۳۲ شمسی بمرض سکه قلبی دار دنیا را وداع نمود و جنازه اش با تجلیل تمام بخت فولاد حمل و در آنجا بخت سپردند

(۱۱۳۶) نور کا قاپار

روزنامه نور کا قاپار بزبان ارمنی در طهران تأسیس و منتشر شده است ولی نگارنده تا کنون

حرف النون بعده الواو

نور کیانک ، نوروز

نمونه آنرا بدست نیاورده و از تاریخ و سبک انتشار آن اطلاعی ندارم .

(۱۱۳۷) نور کیانک

روزنامه نور کیانک بزبان ارمنی در طهران تأسیس و ظاهراً در سال ۱۴۰۰ شمسی منتشر شده است . از این روزنامه نیز تاکنون نگارنده نمونه ای بدست نیاورده تا بتوانم خصوصیات آنرا ثبت نمایم .

(۱۱۳۸) نوروز

روزنامه هفتگی نوروز با حجاب سنگی بدیری (ناظم الاسلام کرمانی مدیر کوکبدری ناصری) و نویسندگی (میرزا کاظم خان کرمانی) در طهران تأسیس و در سال ۱۴۲۰ قمری منتشر شده است . برون که شرح مذکور را در (صفحه ۱۵۰) کتاب مطبوعات و شعر فارسی نوشته اضافه میکند که نمره اول روزنامه نوروز در تاریخ ۲۲ ذیحجه ۱۴۲۰ قمری مطابق ۲۲ مارچ ۱۹۰۴ میلادی انتشار یافته و نیز یاد آور میشود که نمونه این روزنامه را در دست ندارم .

روزنامه نوروز مدت یکسال و نیم منتشر شده و بعد تعطیل گردیده و مجدداً در ماه صفر ۱۴۲۵ قمری بنام (کوکبدری) طلوع نموده است . ذیلا شرحی را که در این باره دو روزنامه تمدن و ندای وطن نوشته برای مزید اطلاع نقل مینمایم . روزنامه تمدن در شماره ۲ سال اول مورخ ۶ صفر ۱۴۲۵ قمری مینویسد : «نوروز برآمد ای منوچهری» با اختر سمدو کوکبدری نامه نوروز که سابقاً با خامه دانشمند سترک و استاد سخن سنج آقا میرزا محمد ناظم الاسلام منتشر میشد دیرگاهی است چهره تابانش در حجاب خموشی متواری گشت و طایبان را از نشر فواید دین و وطن بی بهره گذاشت اینک بعهده الله بلبل ناطقه اش آغاز ترنم کرد و نمره اول آن در هفته پیش اداره رسید . روزنامه ندای وطن چاپ طهران در شماره ۱۱ - سال اول مورخ ۲۵ شنبه شهر صفر ۱۴۲۵ قمری تحت عنوان (تقریظ و اعلان) راجع بروزنامه نوروز و طلوع روزنامه کوکبدری و تمجید از ناظم الاسلام کرمانی اینطور مینویسد :

«ستاره بدرخشیو ماه مجلس شد
دل رمیده مارا انیس و مونس شد .

روزنامه شریفه نوروز که دو سال قبل (این قسمت اشتباه است و تاریخ تأسیس نوروز پنج سال قبل بوده است . مولف) بهمت یگانه دانشمند فرزانه آقای ناظم الاسلام کرمانی دام علاه تأسیس و یکسال و نیم بتمدن مملکت خدمت نموده و بعد عوائق کثیره لانتشار آن در شاهوار را بتاخیر انداخت و دل دانشمندان را در آتش انتظار گذاخت و اینک بحمد الله تعالی باجمالی دلربا و کمالی جان فرا باسم (کوکبدری) طلوع نموده و چندین مرتبه بر جلوه و رونق سابق افزوده . پوشیده نماند که ناظم الاسلام مردیست عالم و فقیه صاحب تصنیفات فائده و تألیفات سابقه و لاحق مصنفات ایشان در صرف و نحو در تمام مکاتب و مدارس جدید متداول علاوه از اینکه سالها در علوم عقلیه و نقلیه و فنون ادبیه درس خوانده و درس گفته چندین سال در محضر مبارک حجة الاسلام آقای آسید محمد استفاضه نموده و از آن منبع فیوضات اصول مسائل سیاسی و اخلاقیه را بخوبی فرا گرفته تا اینکه از مهربان آن استلن و مستمدان مخصوص

نوروز

حرف‌النون بعده‌الواو

حضرت رفیع ایشان راوی اخبار و معرم اسرار شده . مختصراً ناظم‌الاسلام روزنامه نویس امی نبست و ما هم عصر و هم وطن خود را مفتخر باطلوع ستاره درخشنده و ماه تابنده کوکب دری تهنت می‌گوئیم « شرح مذکور را مجدداً کرامانی مدیر روزنامه ندای وطن در باره همشهری خود ناظم‌الاسلام کرامانی نوشته و الحق ناظم‌الاسلام مرد دانشمندی بوده و کتاب تاریخ بیداری ایرانیان گواه فصل و دانش اوست . برای اطلاع از روزنامه کوکب دری بعرف ف کتب ذیل روزنامه مذکور مراجعه شود .

(۱۱۳۹) نوروز

روزنامه نوروز با چاپ سنگی در اصفهان تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری بطور هفتگی منتشر شده است .

(۱۱۴۰) نوروز

روزنامه نوروز در شهر قزوین بمدیری آقای (میرزا اسدالله خان نوروزی-واعظ نوروزی سابق) تأسیس و در سال ۱۳۰۶ شمسی منشر شده است . امتیاز روزنامه



آقای اسدالله نوروزی

نوروز در ۲۳ فروردین ۱۳۰۶ شمسی از تصویب شورای اعیالی معارف گذشته و شماره اول آن در تاریخ پنجشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۰۶ در شهر قزوین منتشر شده است . شماره ۶۴۴ این روزنامه که آخرین شماره سال نهم آن بوده بصاحب امتیازی (اسدالله نوروزی) و مدیر مسئولی (باقر زعیم) در تاریخ سه شنبه ۲۴ اسفند ۱۳۱۴ شمسی مطابق ۲۳ ذیحجه ۱۳۵۴ قمری انتشار یافته و انتشار آن تا شهریور ۲۰ و بعد از آن نیز ادامه

داشته است . سرمقاله شماره مذکور تحت عنوان (دعین سال نهم نوروز) نوشته و باین قسم شروع می‌گردد : « همین شماره که بدست دارید آخرین ورنه همین سال است و از تجدید سال جدید و آمدن عید نوروز دهمین سال انتشار نامه نوروز شروع خواهد شد . حالا زشت یا زیبا خوب یا بد نهالی که از ده سال از مرحله سنین عمرش می‌گذرد قابل نوازش بیشتر ... » .

طرز انتشار نوروز ابتدا هفتگی و بعد هفته دوتامه شماره بوده . عنوان تلگرافی قزوین : (نوروزی) . محل اداره : قزوین خیابان سپه قیمت اشتراك سالانه ۶۰ ریال مندرجات روزنامه پس از درج مقاله اساسی عبارت است از اخبار معلی و قسمتی از اخبار خارجه و گاه گاهی اشعار و مقالات اجتماعی و اخلاقی و صفحه چهارم آن مخصوص آگهیهای ادارات دولتی و ثبتی است .

(۱۱۴۱) نوروز ایران

مجله نوروز ایران بمدیری و صاحب امتیازی (میرزا محمد بدیع تبریزی) در

حرف‌النون بعدءالواو

نورها سگر ، نوع بشر ، نوید

تاریخ ۱۲ ابان ۱۳۰۶ امتیاز آن از تصویب شورایعالی معارف گذشته است . نگارنده تاکنون نمونه این مجله را بدست نیاورده ام .

(۱۱۴۲) نورها سگر

روزنامه نورها سگر در سال ۱۳۱۲ شمسی در طهران بزبان ارمنی تأسیس و منتشر شده است .

(۱۱۴۳) نوع بشر

روزنامه نوع بشر در شهر رشت تأسیس هفته دوبار منتشر شده است . شماره اول این روزنامه در بیست و پنجم ربیع الثانی ۱۳۲۹ قمری انتشار یافته و مجموعاًش شماره ۱۱ آن نشر شده که شماره آخر آن در تاریخ ۲۳ جمادی الاول سال مذکور می باشد . برون که شرح مذکور را نوشته (صفحه ۱۵ تاریخ مطبوعات و شعر فارسی) اضافه میکند که من نمرات ۶، ۳، ۱ نوع بشر را در دست دارم . هر شماره آن در چهار صفحه بقطع ۱۱ و سه چهارم در ۳ و ۶ چهارم اینچ است وجه اشتراك سالیانه آن در رشت ۱۵ قران . در سایر شهرهای ایران قیمت پست افزوده میشود .

(۱۱۴۴) نوید

روزنامه نوید در طهران تأسیس و در سال ۱۲۹۵ شمسی بطور هفتگی منتشر شده است

(۱۱۴۵) نهضت

در سال ۱۳۰۹ شمسی ایرانیان مقیم آلمان روزنامه بزبان فارسی بنام پیکار منتشر نموده و پس از جلو گیری از آن روزنامه دیگری در سال ۱۳۱۰ شمسی بنام نهضت در شهر برلین بزبان فارسی تأسیس و منتشر شده است ناشر روزنامه مرحوم فرخی مدیر روزنامه طوفان بوده است . روزنامه نهضت در اسفند سال ۱۳۱۰ توقیف و ناشر آن فرخی تحت تعقیب قرار می گیرد و سه ماه حبس محکوم میشود .

(۱۱۴۶) نهضت اسلام

روزنامه نهضت اسلام بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (اسدالله باغ بادرانی) در طهران تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . شماره دوم سال اول آن روی يك ورق بزرگ با چاپ سری طبع و در تاریخ چهارشنبه ۲۵ ربیع الاول ۱۳۴۱ قمری مطابق ۲۳ غریب ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده . در این شماره صاحب امتیاز و مدیر مسئول (اسدالله باغ بادرانی) و سردبیران (سید مهدی رضوی قمی) معرفی شده است . جای اداره : طهران خیابان اسلامبول در اداره قرن بیستم . عنوان تلگرافی نهضت اسلام طرزاشار روزنامه هفتگی بوده و بالای اسم روزنامه آبه (ان الدین عندالله الاسلام)

حرف‌النون بعده‌الهـ

نهضت اسلام، نهضت ایران

چاپ شده است. در عنوان روز نامه نهضت اسلام روز نامه دبستانی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، ادبی معرفی شده و مندرجات آن پس از سرمقاله عبارت از اخبار داخله و يك قسمت باورفی است که در شماره های نمونه بعنوان (رد بر نیچر) نوشته شده است. از روزنامه نهضت اسلام چاپ طهران نگارنده فعلا تا شماره ۸۱ مورخ يك شنبه ۲۳ رجب ۱۳۴۱ قمری مطابق ۲۰ حوت ۱۳۰۱ در دست دارم.

(۱۱۴۷) نهضت اسلام

روزنامه نهضت اسلام پس از چندی که در طهران منتشر میشده، محل طبع و انتشار آن باصفهان انتقال پیدا کرده و شماره اول این روزنامه که در اصفهان منتشر شده روی يك ورق بزرگ با چاپ سنگی در مطبعه حبل الدین طبع و در تاریخ ۸ شعبان ۱۳۴۲ قمری مطابق ۲۴ حوت ۱۳۰۲ منتشر گردیده است. مقاله افتتاحیه روزنامه تحت عنوان (وضعیات حاضره) و باین قسم شروع میشود: «جمهوریت - قسمی موضوع جمهوریت دره فزحاسبین مات ایران جا گرفته و بطوری این جوهر در وجود جامعه ایرانی تولید و تقویت شده که عجالتاً نمیتوان از تعقیق و تدقیق تدریجی در افکار عمومی حکمیت نمود. آنچه فعلا مشاهده میکنیم این است که ملت ایران یگسدا و یکنواخت تغییر رژیم سلطنت مشروطه ایران را بسوضع حکومت جمهوری از دار الشورای ملی تقاضا دارند...» پس از این سرمقاله، مقاله (سلطنتهای گذشته و حال) و یکی دو مقاله دیگر است. باورفی صفحه اول و دوم ترجمه کتاب (پس از مرگ - تألیف فلاماریون) میباشد که هادی وثیق راده آنرا ترجمه نموده است.

یکی از مقاله های این شماره بعنوان (آثار گذشتگان) که در آن از ظل السلطان و قاجاریه بدگویی کرده میباشد. محل اداره: اصفهان خیابان سینه جنب چهلستون عنوان تلگرافی نهضت اسلام، وجه اشتراك روزنامه: داخله ۶۰ قران و ولایات یگساله ۷۰ قران - شش ماهه ۴۰ قران. تك شماره ۴ شاهی. باهل علم و شاگردان مدارس تخفیف داده می شود.

اسم روزنامه بخط نستعلیق درشت نوشته و بالای آن آیه (ان الدین عند الله الاسلام) بعنوان شعار روزنامه چاپ شده است. نهضت اسلام: اصفهان منحصر ابصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (اسدالله باغ بادرانی) منتشر شده است. از این روزنامه بطور نمونه شماره اول در دست است.

میرزا اسدالله باغ بادرانی - نامبرده از اهالی باغ بادران که در قراء نزدیک اصفهان است می باشد. آنچه نگارنده از احوان او اطلاع دارم این است که در سنوات اخیر در اداره آمار اصفهان خدمت می کرد و در سال ۱۳۲۸ شمسی در اصفهان فوت نمود.

(۱۱۴۸) نهضت ایران

روزنامه نهضت ایران در طهران بمدیری و نگارندگی آقای (محمدعلی سندجی)

حرف‌اتون سده‌الهاء

نهضت ایران ، نهضت شرق

تأسیس و شماره اول آن در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربی باقر زاده طبع و در تاریخ ۴ شنبه ۲۸ صفر ۱۳۴۱ قمری مطابق ۱۷ میزان ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است. طرز انتشار نهضت ایران ابتدا هتگی بوده ولی در عنوان آن نوشته است (فریاً هفته دوبار منتشر می‌شود) مرکز جریده : طهران . علاء الدوله . اداره شفق قیمت اشتراك : داخله ۸ تومان . خارجه ۹ تومـن . تك شماره ۸ شاهی . قیمت اعلانات با دفتر است.

مقاله افتتاحی روز نامه تحت عنوان (مقدمه يك آتبه مجهول) است و بدینقسم شروع میگردد : « هم وطنان . برای اشاعه اصول محكم وافكار مقدسی كه میل ندارم بوسیله تذکر تنها كه شامل ادعا باشد بعرض برسانم . بتأسیس نامه نهضت ایران موفق گردیده ام . . . » این سرمقاله تمام صفحه اول روزنامه را فرا گرفته و نامضی مدیر روزنامه (محمد علی ستنجی) میباشد . در شماره اول صفحه دوم آن چند مقاله و در صفحه سوم زیر عنوان (مطبوعات ایران) از چند روزنامه مطالبی نقل کرده و در همین صفحه اخبار داخله و يك مسابقه اقتصادی چاپ شده است . در ضمن اخبار داخله اولین خبر آن این است : « مدیر روزنامه بهلول . قبل از ظهر روز گذشته در موقعی كه آزادی مدیر روزنامه بهلول از خیابان ناصریه بسمت میدان توپخانه میرفته اند جنب تلگرافخانه دو نفر قفقازی غفلتاً بشالیه حمله نموده و بعلت غیر معلومی او را سخت كك میزنند بطور يكه مجروح میشود آژان رسیده آنها را جلب و بسحاكم مربوطه دوسیه آنها را احاله میکنند . مدیر روزنامه فعلاً در مریضخانه است . » علت قتل این خبر برای این است كه مربوط بدیريك روزنامه می باشد و برای مزید اطلاع خوانندگان راجع بدیر بهلول بی مناسبت نیست . شماره چهار سال اول نهضت ایران در تاریخ سه شنبه ۴ ربیع الثانی ۱۳۴۲ مطابق ۲۰ عررب ۱۳۰۲ منتشر شده است .

(۱۱۴۹) نهضت شرق

روزنامه نهضت شرق در طهران بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (ح . رجائی) و مؤسس آن (ا . آذری) تأسیس و در سال ۱۳۰۰ شمسی منتشر شده است . روزنامه نهضت شرق باستثنای شماره اول كه در ۸ صفحه می باشد بقیه در چهار صفحه بقطع بزرگ هفته دومرتبه روز های يكشنبه و چهارشنبه طبع و توزیع شده . این روزنامه در مطبعه سربی (نهضت شرق) كه سابقاً موسوم به (باقرزاده) بوده و از سال ۱۳۴۰ قمری پس از تكمیل وسایل و توسعه آن بنهضت شرق موسوم گردیده چاپ شده است . نهضت شرق روی كاغذ بسیار اعلی و با حروف نسبتاً درشت و بطور متوسط هر صفحه ای ۴۱ سطر است .

روزنامه نهضت شرق دارای سروه رنگی بسیار عالی است كه در جراید ایران بی نظیر است و در منازله نوهار طهران تهیه شده و جلالت است از يك مربع مستطیل كه در وسط آن بیرق ایران برنگهای سرخ و سفید و سبز بضمیمه شیر و خورشید در يكهطرف قرار گرفته و دوطرف دیگر بیرق فرمز رنگ هسانی بضمیمه ماه و ستاره دیده میشود . در روی صفحه بیرق ایران كلمه

حرف‌اتون بعده‌الهاء

نهضت شرق

(نهضت) بخط نستعلیق سفید و روی بیرق عثمانی کلمه (شرق) گذاشته شده روی دسته دویبق بخط نسخ نیز کلمات نهضت و اسلام و در بین این دو کلمه سال تأسیس روزنامه (۱۳۴۰) چاپ شده است. همانقسم که اشاره شد سر لوحه رنگی بنحو مذکور در آن ایام در روزنامه های ایران بی سابقه است و انتخاب کلمات نهضت، شرق، اسلام، بنظور اتحاد ملل شرق و اسلامی بوده است محل اداره روزنامه، طهران خیابان لاله زار، کوچه امین السلطان. قیمت اشتراك روزنامه سالیانه در داخله ایران ۸ قران. خارجه ۹۰ قران شش ماهه بترتیب ۴، و ۵۰ قران و سه ماهه ۲۵ قران و ۳۰ قران است. قیمت تكم نمره باستثنای شماره اول که ۱۵ شاهی است بقیه ده شاهی معین گردیده است. شماره اول نهضت شرق در تاریخ سه شنبه ۳۰ ربیع الثانی ۱۳۴۰ مطابق ۲۸ قوس ۱۳۰۰ منتشر شده آغاز مقاله افتتاحی آن بدینقرار است: «بسم الله الرحمن الرحيم. اقراء باسم ربك الذي خلق، خلق الانسان من علق، اقراء و ربك الاكرم الذي علم بالقلم، علم الانسان ما لم يعلم. در محیطی که مطبوعات رو با انحطاط گذاشته و امراض مهاك اجتماعي شرافت قلم را از میان برده و نویسندگان دانشمند و ادبای ارجمند نوك خامه را چیده و در گوشه عزلت خزیده اند ما خود را موظف میدانیم که با انگشتان نحیف و لرزان و سینه تنك و نفس زنان قلم را دست گرفته و بند از زبان بگشائیم.. قلم استادی است مسیحاوم و معافی است مربی امم نماینده افتخارات ملل و وثیقه سعادت بشر ۰۰۰۰ اورافی که ناشر افکار قلم ما خواهد شد بنام نهضت شرق نامیده شده است. این اسم مبارك مرام و مسلك مارا بجوم جهانیان اعلام و اخطار مینماید. این است مسلك حقیقی ما در دو کلمه مختصر و دو کلمه مقدس نهضت شرق نهضت اسلام.....» این سرمقاله يك صفحه و نیم روز نامه را فرا گرفته و باین جملات ختم میگردد: «اسباب میرود که خاتمه بخیر خواهی و دلسوزی سائین حریص اروپا و دامن بی تقصیر خود را از دست این قیوم های گركشعار رهانی بخشد. اما با چه مسلك و با چه سرنوشت آنرا در نمرات آتیه مطالعه فرموده و خواهید فهمید که فقط آزادی دنیا در زیر پرچم نهضت اسلام تجلی و دنیای خوش بخت و نيك نام را تشکیل خواهد داد» در شماره اول پس از این سرمقاله، مقاله دیگریست بعنوان مجلس شورایی ملی که در آن از اصلاح اوضاع اقتصادی کشور گفتگو کرده. آخرین اخبار داخله و خارجه قسمتی از مندرجات این روزنامه را تشکیل میدهد. موضوعی که روزنامه نهضت شرق را از جث مند رجبات در درجه اول قرارداد مطالبیست راجع بنفت جنوب و اطلاعات مهم در این زمینه چنانچه از همان شماره اول بعنوان پاووقی (راپورت مستر اسمیت ارمیتاز راجع بمعاسبات دولت با کمپانی نفت ایران و انگلیس) چاپ شده و در آن بذکر خسارات و حساب سازیهای کمپانی و دعاوی غن ایران پرداخته است.

يك قسمت از مندرجات روزنامه که بقلم آقای (احمد آذری) مؤسس روزنامه نوشته شده مطالب تاریخی است تحت عنوان (يك قطعه تاریخ) که بصورت داستان و خیلی جالب و شیرین است. يك قسمت از مقالات مسلسل روزنامه تحت عنوان (مطالعه در امتیاز نفت شمال) است که مطلبی را بخوبی واضح و روشن نموده و برای کسیکه بخواهد مطالعاتی در این باب نماید مقالات بسیار مفیدیست. در شماره ششم سال اول بجای سرمقاله حکمی بامضای وزیر جنگ (رضا) مورخ

حرف النون بعده الهاء والياء نهضت شرق ، نیکو قایوس ، نیر اعظم

۱۲ جدی ۱۳۰۰ راجع بتشکلات جدید فشون چاپ شده است . قسمت عمده سیر مقاله های روزنامه بعنوان (پیشنهاد حیاتی) درباره اصلاحات لشکری و کشوری تدوین و درج شده . یاورنی راپورت مستر امیتاژ اسمیت تا شماره ۴۵ و قله مطالعه در امتیاز نفت شمال تا شماره ۴۷ روزنامه ادامه داشته است . از مقالات مسلسل دیگر روزنامه مقله (فروض خارجی ایران یا منبع بدبختی های او) میباشد که در ۱۶ شماره بتدریج چاپ شده است جابلهای تحت عنوان (یک صفحه از دفاتر سلطنتی) مشتمل بر شرح قسمتی از جواهرات و اشیاء نفیس سلطنتی با ذکر خصوصیات آنها و اینکه بچه صورتی در آمده ، قسمت دیگر از مندرجات روزنامه نهضت شرق را تشکیل میدهد . رویه مرفته روزنامه نهضت شرق از حیث مندرجات یکی از روزنامه های بسیار مفید آن ایا است . آخرین شماره که از این روزنامه در دست می باشد شماره ۴۸ است که در تاریخ ۲۰ سرطان ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است .

آقای احمد آذری - آقای احمد آذری مؤسس روزنامه نهضت شرق و نویسنده آن
تا سال ۱۳۰۹ شمسی عضو وزارت دارائی و از اعضاء عالیرتبه آن وزارتخانه و رئیس دارائی کیلان بوده است : ویسی منتظر خدمت شده و در اواخر عمر و پایان زندگی بقرار اظهار یکی از دوستان در نزدیکی قزوین قلعه مغروبه را آباد و آنرا بنام (قلعه آذری) موسوم و در آنجا بزندگی فلاحی مشغول بوده است . احمد آذری در سیزدهم مرداد ۱۲۱۶ شمسی بدود حیات گفته و چند فرزند از او بنامهای اوژنک ، نادر ، آذر کیوان باقی مانده است .

(۱۱۵۰) نیکو قایوس

روزنامه نیکو قایوس بمدری (مادریر و سیان) در طهران امتیاز آن در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۰۶ از تصویب شورای ملی معارف گذشته است .

(۱۱۵۱) نیر اعظم

روزنامه نیر اعظم در طهران بمدری (معین العلمای اصفهانی) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . شماره دوم این روزنامه در تاریخ ۱۶ رمضان ۱۳۲۵ قمری انتشار یافته و طرز انتشار آن هفته دو بار بوده است محل اداره روزنامه ، طهران . خیابان ناصریه . وجه اشتراك طهران ، سالبانه ۱۴ قران . شش ماهه ۸ قران و لایات داخله ۱۶ قران . ممانک خارجه ۱۱ فرانک . اعلانات سطری ده ماهی . قیمت یک نسخه در طهران صد دینار در بلاد داخله سه شاهی . بالای عنوان روزنامه این شعر (آفتاب آمد دایل آفتاب ☉ گر دلیت باید از وی رخ متاب) بعنوان شعار و بالای اسم روزنامه (نیر اعظم) که بخط نستعلیق درشت نوشته شده است جمله (هوا معین) چاپ شده است مرام و مسلک و سبک مندرجات روزنامه در ضمن دو سطر در زیر عنوان آن اینطور نوشته شده است : (این روزنامه آزاد است و از مطالب علمی و سیاسی و اخلاقی و تاریخی که مفید بحال ملت است سخن میراند و مقالات و لواحق مفیده با مضاء پذیرفته میشود .) شماره ۵ سال اول نیر اعظم در چهار صفحه بقطع وزیری با چاپ سری در مطبعه شرقی طبع و در تاریخ دو شنبه ۴ شوال ۱۳۲۵ قمری مطابق ۱۱ نوامبر فرانسه ۱۹۰۷ میلادی منتشر شده است

حرف‌النوت بعد‌الیا

نیر اعظم

سرمقاله این شماره تحت عنوان (سیاسی) بدین‌قسم شروع میشود: «یکی از جراید خارجه را عقیده براین است که در معامله روس و انگلیس غبن فاحش با انگلیس است اولیای این دولت با همه علم و شیطنت در این معامله مقیون شدند . . . پس از این سرمقاله مقاله دیگری بعنوان (اینهمه آوازا از ته بود) و بعد مقاله (عالم اتحاد را بشارت) و شرحی بعنوان (قابل توجه انجمن اکابر) و دو خبر و یک اظهار مجموع مندرجات شماره پنجم تشکیل میدهد .

آخرین شماره که از روزنامه نیر اعظم بطور نمونه نگارنده در دست دارم شماره ۱۲ سال اول است که در تاریخ ۶ ذیحجه ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است .

سید عبدالوهاب معین‌العلمای اصفهانی

معین‌العلماء فرزند مرحوم حاج سید مهدی نعوی که از مبارک علماء زمان خود بوده در سال ۱۲۹۴ قمری بدنیا آمده و در شب جمعه ۶ رمضان ۱۳۰۸ قمری در اصفهان فوت نموده است . روزنامه مظفری چاپ بو شهر در شماره ۴ سال یازدهم خود مورخ ۲۰ شهر جمادی الثانی مطابق ۲۸ جوزای ۱۳۲۹ قمری مختصر شرح حال از آن مرحوم نوشته که بعینه نقل مینماییم :

« جناب معین‌العلماء شخصاً از اجله علماء اصفهان و پدر بر پدر از علماء نامداران سامان بوده‌اند - در سنه ۱۳۲۰ هجری از اصفهان بطهران هجرت نموده بعد از ورود بطهران مجسمی از هواخواهان عالم انسانیت تشکیل داده و اغلب با رؤسای علماء اعلام مذاکرات در امور مینمودند تا زمان تعین آیات باهرات و علماء اعلام به



معین‌العلمای اصفهانی

حضرت عبد‌المعظم - در آن موقع مطالب حق را گوشزد علماء اعلام نمودند تا اینکه بدستخط عدالتخانه نائل گردیده و بطهران معاونت فرمودند - بعد از مدتی که معلوم شد دولت باطناً همراهی ندارد باز با آقایان مجالس سری داشته تا موقع مسجد جامع طهران که علماء - اچار بهجرت از طهران شدند و رفتند بحضور مصومه قم تا دستخط مشروطیت صادر شد در اصفهان پاره شکایات راجع با نتخابات بطهران رسید - حجج اسلام و مجلس شورای ملی در آن موقع دفع فساد را از ایشان خواست ایشان هم قبول فرموده رفتند و در مدت قبلی دفع همه گفتگوها شد در هر دوره مشروطه از طرف اصفهان تکلیف و کالت بایشان کردند ایشان قبول نکردند - بعد از مراجعت از اصفهان در طهران جریده مرسوم به «نیر اعظم» تاسیس و در آن زمان قوه هیچکس نبود برضد استعمار انطور مطالبه‌ای برده گشتن و نوشتن و بالجمله در آن موقع از طرف ائمه دولت همه روزه بمجلس سخت‌گیری میشد که باید چند کروڑ از خارجه قرض کرد - مجلس هم مهلت خواست - جناب ایشان ملت را تهیج بدادن امسانه و قرض ببولت نمودند و ابداع بانک ملی از ایشان است که اگر تشکیل شده بود امروز دولت و ملت گرفتار آن خسارات

حرفالواو بعدله الراء

ورادزنونند، ورزش، وطن

نمیشدند تا موقع خرابی کعبه آمال ملت رسید - در آنموقع با تبدیل لباس با طراف متواری لکن باز دست از وظیفه مقدس خود بر نداشته با علماء و تجار مذاکرات داشته تا نتیجه اقدامات رفتن حضرت عبدالعظیم و سفارت عثمانی شد - در موقع توقف سفارت مکاتیب ایشان باصفهان رفت و علماء بتوسط ایشان حکم بر وجوب مشروطیت دادند تا اینکه کار گذشت و سرداران ملت طهران را فتح کردند و فرق سیاسی هم که در طهران تشکیل شد همه متفقاً وجودایشانرا بر خودشان مفتقم دانستند تا مسافرت عتبات برای ایشان پیش آمد .

مرحوم سید عبد الوهاب مهدوی (معین العلمای اصفهانی) از ابتدای تأسیس عدلیه وارد خدمات دولتی شدند - چندی ریاست عدلیه مازندران و زنجان و گیلان و سپس قضاوت محاکم عدلیه فارس و ریاست عدلیه آباءه و کلیایگان و در اواخر قضاوت محاکم عدلیه مشهد بایشان بود در سال ۱۳۱۸ شمسی بدلیه اصفهان منتقل و پس از دوماه در تاریخ ۲۷ مهر ۱۳۱۸ در اصفهان دار فانی را وداع گفتند .

(۱۱۵۲) نیر اعظم

روزنامه نیر اعظم بدیری (شیخ علی یزدی) در اصفهان در تاریخ ۵ بهمن ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شوراجالی معارف گذشته است .

حرفالواو

(۱۱۵۳) ورادزنونند

روزنامه ورادزنونند در سال ۱۳۰۸ شمسی در طهران بزبان ارمنی تأسیس و منتشر شده است

(۱۱۵۴) ورزش

مجه ورزش بطور ماهیانه در طهران تأسیس و در سال ۱۳۰۷ شمسی منتشر شده است .

(۱۱۵۵) وطن

روزنامه وطن در شهر مشهد بدیری (محیط مافی) مدیر روزنامه طوس تأسیس و در سال ۱۳۳۴ قمری منتشر شده است این روزنامه پس از آنکه روزنامه طوس بزور روسهای تزاری توقیف شد بجای آن منتشر گردید و مدت انتشار آن یکسال طول کشید و مجدداً مدیر آن بطهران تبعید گردید . از این دوره روزنامه وطن نگارنده نمونه بدست نیاورده ام .

(۱۱۵۶) وطن

روزنامه وطن در طهران بصاحب امتیازی و مدیری و سردیری (میرزا هاشم خان محیط) در رمضان ۱۳۳۵ قمری منتشر شده است . پس از تبعید مدیر روزنامه وطن از مشهد بطهران مجدداً این روزنامه در طهران با بدایره انتشار گذاشته و تقریباً در رمضان ۱۳۲۵ قمری نشر یافته است . روزنامه وطن در طهران با قطع بزرگ که حالیه معمول جراید است هفته سه بار منتشر شده و یکسالی هم بطور یومیه انتشار یافته ولی بعداً بواسطه خساراتی که از توقیفهای متوالی

حرف‌الواو بعده‌الطاء

وطن، وطن دیلی

بر مدیر آن وارد شده دو مرتبه همان هفته سه شماره منتشر شده و تا سال ۱۳۰۷ شمسی که سال نوزدهم تأسیس آن بوده کم و بیش منتشر میشده است. من جمله يك مرتبه در کابینه دیکتاتوری وثوق الدوله بجرم حق گوئی توقیف و مدیر آن مدت زمانی در باغشاه طهران حبس بود. پس از تشکیل کابینه مشیر الدوله از زندان خلاص شد و در صفر ۱۲۹۹ مجدداً روزنامه وطن منتشر شده است.

سرلوحه روزنامه وطن عبارت از نقشه ایران قدیم میباشد که مشتمل بر ترکستان، افغانستان، بلوچستان و آذربایجان و شهرهای کنونی است، با خط نستعلیق درشت کلمه (وطن) که نام روزنامه است در وسط نقشه چاپ شده و در زیر نون وطن سال ۱۳۲۷ که سال تأسیس روزنامه در خراسان است دیده میشود. محل اداره روزنامه، طهران خیابان لاله زار. عنوان تلگرافی، وطن. طهران. وجه اشتراك روزنامه، طهران و کلیه بلاد داخله یکساله، ۶۰ قران. ششماهه ۳۰ قران. خارجه یکساله ۷۰ قران. ششماهه ۴۰ قران. قیمت تک نمره ۸ شاهی و بعد از يك هفته ۱۰ شاهی.

روزنامه وطن در سال نهم هفته سه نمره روزهای یکشنبه و سه شنبه و پنجشنبه طبع و منتشر میشده و شماره چهارم سال نهم آن در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربی (نمندن) طبع و در تاریخ ۵ شنبه ششم شوال ۱۳۳۰ قمری مطابق ۴ اسد و ۲۶ ژوئیه ۱۹۱۷ میلادی منتشر شده است. مندرجات روزنامه وطن پس از درج مقاله اساسی که بیشتر راجع باوضاع اسف آور روزاست عبارت می باشد از مقالات و ترجمه های مختلف از اوضاع سیاسی و حوادث ممالک خارجه که بیشتر از مطبوعات خارجه ترجمه شده و نیز حوادث و اخبار و تلگرافات داخلی بتفصیل چاپ شده. آنچه از روزنامه در جنگ بین الملل اول نشر شده حوادث جنگ و اوضاع اسف آوری که در نتیجه توقف قشون اجانب پیش آمده درج گردیده است. دریاورقی صفحه دوم یا سوم مقالات عام المنفعه و در بعضی از شماره ها اشعاری تحت عنوان (ادبیات) چاپ شده است. روزنامه وطن از حیث مندرجات و قطع روزنامه یکی از روزنامه های بسیار خوب و مفید بوده و در آن ایام دست کمی از روزنامه های رعد و برق و سایر روزنامه های معروف نداشته است.

شرح حال آقای هاشم محیط در ذیل روزنامه طوس در جلد سوم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران چاپ شده برای اطلاع به آنجا رجوع شود. نگارنده نمونه های مختلفی از این روزنامه در دست دارم و من جمله تا شماره ۶۹ سال نهم مورخ ۵ شنبه ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۴۶ قمری در دست است.

(۱۱۵۷) وطن دیلی

روزنامه وطن دیلی بزبان ترکی آذربایجانی در شهر تبریز تأسیس و منتشر شده است برون که در تاریخ مطبوعات و شعر فارسی صفحه ۱۵۱ از این روزنامه اسم برده مینویسد يك صفحه از يك شماره این روزنامه را دارم که آنهم تاریخ ندارد و بخط نسخ و با چاپ سنگی چاپ شده است قطع این صفحه دوازده درشت و سه چهارم انج است.

(۱۱۵۸) وفا

حرف‌الواو بعلمه‌الفاء

وفا

مجله وفا که موجد و نگارنده آن آقای نظام کاشانی است بمدیری (عبدالحسین میکده) در طهران تأسیس و شماره اول آن در برج حمل ۱۳۰۲ شمسی مطابق اردیبهشت ۸۴۰ جلای منتشر شده است. مجله وفا ماهانه بوده و در یازدهم هر برج در ۳۱ صفحه بقطع متوسط در مطابع مختلف سربى طهران مانند مطبعه (فاروس) و مطبعه (روشنائی) طبع و توزیع شده است. مجله وفا مجله ایست ادبی و بیشتر مندرجات و مقالات و اشعار آن که بقلم ع. میکده و ن. وفا نوشته شده عبارت از مطالب ادبی است. در قسمتهای ادبی گاهی اشعاری از شعرای متقدمین و شعرای متوسط چاپ شده و فی‌المثل در شماره دوم سال اول (تعزیت نامه که صباحی پس از فوت آذر برای هاتف اصفهانی فرستاده و جواب هاتف) باذکر مختصر شرح حالی از آذر و صباحی درج شده است.

محل اداره مجله: طهران. خیابان جنب گلشن. شماره دوم سال اول مجله وفادر نور و شماره سوم آن در جوای سال ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده و برای مزید اطلاع خوانندگان از مندرجات مجله فهرست شماره سوم را نقل مینمائیم: زندگانی اجتماعی گل منزوی (شعر اثر طبع نظام وفا) - اوژن پوتیه - انسان وخار - دوست - تاریخ شروع نشر فارسی (افتباس از کتاب تاریخ ادبیات ایران تألیف آقای اقبال آشتیانی) - عالم نسوان (بقلم ابوالحسن میکده) - ستاره دنباله دار - نقل از دفتر خاطرات من - از آثار بزرگان - خواب.

شماره ۹ و ۱۰ سال اول مجله یکجا در یک مجلد چاپ و درجدهی ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده. شماره ۹ مجله بواسطه نرسیدن وجه اشتراك در ماه قبل یعنی در موقع موعین چاپ نشده و لذا یکجا با شماره ۱۰ انتشار یافته. شماره صفحات مجله تا شماره ۱۰ ۳۲۰۰ صفحه میباشد. قسمتی از مقالات این دو شماره عبارتست از: امید - خیام - زمستان امیدهای موهوم انزوا - مادام رولان - شیبانی - مرک و مورچه - بیوفائی از گل نیست محمود وایازانیسی (شعر). مجله وفا هماغه قسم که یاد آور شدیم در فروردین ۱۳۰۲ تأسیس و تا اسفند ۱۳۰۴ دو سال مرتب ۲۴ شماره منتشر گردیده و برای همیشه تعطیل شده است. مجله وفا یکی از مجلات ادبی ایران و دارای مقالات اجتماعی و تاریخی و علمی بوده است.

نظام وفا - شرح حال آقای نظام وفا در بسیاری از مجلات چاپ شده و اشعار او نیز زینت بخش جراید و مجلات بوده است در اینجا بطور اختصار آنچه را مرحوم رشید یاسمی در کتاب تاریخ ادبیات معاصر در شرح حال ایشان نوشته نقل مینمائیم: نظام وفا فرزند میرزا محمود امام جمعه کاشان در ۳۰۵ هجری قمری در کاشان متولد و بعد از تحصیل وارد کوششهای آزادیخواهی آنزمان گشته بعد از سکونت یافتن در طهران در مدارس به تعلیم ادبیات فارسی پرداخت و اکنون سالی چند است که در اداره کل فلاح رئیس بازرسی و دفتر کل است. از موسسات او مجله وفاست که حاوی اشعار و مقالات لطیف میباشد. منظومه حبیب و رباب او بطبع رسیده است. « مثنوی حبیب و رباب در ۴۸ صفحه کوچک در سال ۱۳۰۶ در مطبعه مجلس بطبع رسیده است.

وقایع ، وقایع اتفاقیه

حرف‌الو او بعده اتفاق

علاوه بر این مثنوی دو کتاب دیگر از آقای نظام وفا بهمت آقای امید سالار چاپ شده است یکی (پیوندهای دل) و دوم (یادگار اروپا) است . نمایشنامه های (ستاره و فروغ) و (فرور و فرزانه) و (بهرام و ناهید) از آثار قلم ایشان است . جامعترین شرح حالی که تاکنون از آقای نظام وفا خوانده‌ام شرحی است که بقلم آقای ابوالحسن احتشامی در شماره ۳۲۸ سال هفتم اطلاعات هفتگی مورخ ۸ ابان ۱۳۲۶ شمسی نوشته و طبع شده است .

(۱۱۵۹) وقایع

روزنامه وقایع در شهر شیراز بدیری (میرزا علیرضاخان مترجم السلطنه) تأسیس و در سال ۱۳۰۴ شمسی منتشر شده و پس از نشر چند شماره تعطیل شده است . امتیاز روزنامه وقایع در شیراز در تاریخ ۴ قوس ۱۳۰۳ شمسی از تصویب شورایعالی معارف گذشته است .

(۱۱۶۰) وقایع اتفاقیه

روزنامه وقایع اتفاقیه بدیری میرزا جبار تذکره چی والد سیدالسلوه و مباشرت و مترجمی (برجیس صاحب) و تشویق و همت میرزا تقیخان امیر کبیر در طهران تأسیس و در سال ۱۲۶۷ قمری منتشر گردیده است . اولین شماره این روزنامه در روز جمعه پنجم شهر ربیع الثانی سال ۱۲۶۷ قمری انتشار یافته و در عنوان آن جمله (یا اصداه القالب) و شیر و خورشید رقم شده و در طرفین آن صورت دو درخت کشیده و در وسط ورق (روزنامه اخبار دارالعلم) نوشته شده و در زیر آن دستخطی از ناصرالدین شاه بدین مضمون چاپ کرده اند : « از آنجا که همت حضرت اقدس شاهنشاهی مصروف تربیت اهل ایران و استحضار و آگاهی آنها از امورات داخله و وقایع خارجه است لهذا قرار شد که هفته بهفته احکام همایون و اخبار داخله مملکتی و غیره را که در دول دیگر کرات مینامند در دارالطباعة دولتی زده شود . در یوم جمعه پنجم شهر ربیع الثانی ایتیل ۱۲۶۷ باین کار شروع شد . « این روزنامه از شماره دوم باسم (روزنامه وقایع اتفاقیه) در هر هفته تا شمره شانزدهم مورخ ۲۱ شهر رجب ۱۲۶۷ روزهای جمعه و از آن بعد روزهای پنجشنبه مرتباً در چهار صفحه و گاهی در ۶ و ۸ صفحه انتشار یافته . و از این تاریخ تا سنه ۱۳۲۴ قمری پنجاه و هفت سال بلاقطع و فصل انتشار یافته است . شماره ۴۷۱ باسم (روزنامه وقایع یوم پنجشنبه ۲۶ شهر محرم مطابق سال بیچی ثیل سنه ۱۲۷۷) و شماره ۴۷۲ بنام (روزنامه دولت علیه ایران) نشر شده است قیمت سالیانه آن ۲۴ قران و تنگ شماره ده شاهی بوده است . در شماره ۶ سال دوم دوره جدید روزنامه کلاه دوباره روزنامه وقایع اتفاقیه اینطور می نویسد : « سومین روزنامه ایرانی و دومین روزنامه فارسی روزنامه وقایع اتفاقیه است . شماره اول این روزنامه بتاريخ جمعه پنجم ربیع الثانی سنه ۱۲۶۷ انتشار یافته . این روزنامه بحکم و تشویق

حرف الواء بعد اتفاق

وقایع اتفاقیه

میرزا تقیخان امیر نظام و مدیریت حاج میرزا جبار تذکره چی و قنول سابق ایران در بغداد و ملقب بنظام المہام (کہ پدر حاج صفر علی خوئی و پدر میرزا جواد خان سہدلولہ حالبہ بود) و مباشرت و مترجمی برجیس صاحب دائر بود . میرزا عبد اللہ نامی نیز نویسنده روزنامہ بودہ روزنامہ مذکور ظاہراً تا شمارہ ۴۷۴ بیشتر منتشر شدہ و از این پس باسم (روزنامہ دولت عالیہ ایران) نامیدہ شدہ و باین عنوان تحت مباشرت میرزا ابوالحسن خان صفاری تہاش کاشانی ملقب بنسب الملک دائر شدہ است .

در برہ مباشرت و ادارہ روزنامہ اتفاقیه شرحی در نمرہ ۱۵ آن مورخ سلخ شہر ربیع الاول مطابق تنگوزیل ۱۲۶۸ نوشتہ کہ عین عبارت آن چنین است : « در باب امورات این روزنامہ ہا بہ بعضی اہالی ولایات اشتباہ دست دادہ است و چنان خیال کردہ اند کہ روزنامہ کثرت و تذکرہ مرور تنخواہش در یکجا جمع میشود و صاحب جمع آن بکی است لہذا اعلان میشود کہ امورات این روزنامہ ہا بہیچوجہ بامورات تذکرہ و کار تذکرہ بکار روزنامہ مدخلتی ندارد و تنخواہ این روزنامہ ہا موافق قبوض برجیس صاحب مباشر روزنامہ کثرت و تطبیقات امنای دولت علیہ باید بہ برجیس صاحب برسد و ہر کس کاری متعلق بروزنامہ داشتہ باشد بمشارالہ اعلام نماید . » در عنوان روزنامہ محل ادارہ آن معین نگردیدہ ولی محل تک فروشی آن بدینقسم قید گردیدہ است . « ہر کس در طہران طالب نسخہ از این روزنامہ ہا باشد در بازار جدید در دکان میرسید کاظم بلور فروش فروختہ میشود . » محل ادارہ و روزنامہ در بعضی از نمرات اینقسم اعلان شدہ است . « حسب الحکم امنای دولت علیہ بجهت این روزنامہ ہا دفتر خانہ در میدان ارك سلطانی مشخص گردیدہ و ہر روزہ مباشرین و عملہ جات روزنامہ در آنجا مشغول انجام کار روزنامہ میباشند و اعلان میشود کہ ہر کس با مباشرین روزنامہ شغلی داشتہ باشد در دفتر خانہ میدان ارك آنها را مینیند . » نمرہ ۴۸ پنجشنبہ ۹ ربیع الاول ۱۲۶۸ و نیز در ہمین نمرہ راجع بمحل تکفروشی روزنامہ اینطور نوشتہ است : « دکان میر سید کاظم بلور فروش کہ از این روزنامہ ہا در آنجا فروختہ میشود بیش از این در بازار کہنہ نزدیک چہار سوق کوچک بود حال در بازار جدید جنب امام زادہ زید دکان دارد . ہر کس از این روزنامہ ہا خریدار باشد در آنجا موجود است . »

دوبارہ محل طبع روزنامہ ہماقم کہ آقای تربیت متذکر شدہ اند روزنامہ وقایع اتفاقیه در مطبعہ سنگی کہ بر کتری و استادی (حاج عبدالمحمد) در نزدیکی دروازہ دولاہ طہران دائر بودہ طبع میشدہ است . و این مطلب را در چندین نمرہ روزنامہ و من جملہ در نمرہ ۶۱ مینویسد : « کتابهای چاپی کہ در طہران در نزدیکی دروازہ دولاہ در کارخانہ حاج عبدالمحمد استاد دار الطباعہ این روزنامہ ہا فروختہ می شود از این قرار است ، کتاب حدیقة الشیخ یک تومان ، زینت المجالس ، فضول خواندنی ، کتاب کشکول و کتب دیگر با قیمت آنها ذکر شدہ است . »

روزنامہ وقایع اتفاقیه ہتہ یک شمارہ روزہای پنجشنبہ طبع و توزیع می شدہ و ہر نمرہ تاریخ انتشار و نمرہ آن چاپ شدہ است . معمولاً ہر نمرہ روزنامہ درشش

حرف‌ال‌او و بعد‌ال‌تاق

وقایع اتفاقیه

صفحه و گامی ۸ تا ۱۰ صفحه و هر صفحه آن مشتمل بر دو ستون است .

سیاق مطالب و مندرجات روزنامه - روزنامه وقایع اتفاقیه مخصوص درج و انتشار اخبار دارالخلافه و شهرهای دیگر ایران و مختصری از اخبار ممالک خارجه بوده است و لذا در طول مدت انتشار کمتر مقاله سیاسی و ادبی و تاریخی در آن دیده میشود و بیشتر منظور از تأسیس آن همان انتشار اخبار دربار و دارالخلافه طهران بوده است معمولاً در روزنامه ابتدا بذکر وقایع دارالخلافه و در حوادث دارالخلافه نیز ابتدا بذکر وقایع مربوط بشاه از قبیل شکار اعلیحضرت، دید و بازدید هائیکه از مؤسسات و اشخاص درباری می‌نموده و القاب و فرامین و عطایائیکه باشخاص مختلف داده میشده و پس از آن از حوادث دیگری که در شهر طهران رخ داده گفتگو نموده و در نقل این اخبار از نملقات و اغراقهای بی‌جا خالی نیست و خیلی مبالغه شده است .

پس از ذکر اخبار دارالخلافه بذکر اخبار سایر ولایات پرداخته و اخبار هر شهری را تحت عنوان آن شهر درج نموده . مدرك نقل اخبار ولایات از روی روزنامه‌هائی بوده که از ولایات فرستاده میشده و در ابتدای اخبار هر شهری مینویسد : از قراریکه در روزنامه این شهر نوشته شده بود و فی المثل در مره ۵۶ در باره اخبار چند شهر اینطور مینویسد : اصفهان . از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته شده بود امورات جبه خانه ۰۰۰۰ خراسان . از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بودند امیر افضل خان ۰۰۰ عربستان . از قراریکه در روزنامه عربستان و لرستان نوشته شده بود عالیجاه ۰۰۰ در روزنامه شوستر و دزفول و حویزه نیز نوشته بودند ۰۰۰۰ گیلان از قراریکه در روزنامه رشت نوشته شده بود جوانی هیجده ساله ۰۰۰۰۰

لازم است یاد آور شویم که مقصود از روزنامه که در اخبار هر شهری می‌نویسد روزنامه معمولی نیست و خلاصه اینطور بوده که در هر شهری ورقه بنام روزنامه نوشته و چاپ و نسخه از آن برای مرکز فرستاده شود و از روی آن مدیر روزنامه وقایع اتفاقیه اخبار را نقل کند بلکه مقصود از روزنامه اخبار و حوادث هر شهری بوده که حکام و عمال دولت در قلمرو حکومت خود آنها را ثبت و ضبط نموده و برای اطلاع دولت بدارالخلافه می‌فرستاده اند . بنا براین گذارشهای وقایع نگاران از اخبار جاریه قلمرو خود روزنامه هر شهری را تشکیل میداده است و این وضع در قرون اولیه اسلام نیز معمول بوده و خبرنگاران را صاحب‌البرید می‌نامیده اند .

در روزنامه وقایع اتفاقیه پس از ذکر اخبار ولایات بنحویکه نوشتیم ، یکی دو صفحه روزنامه تحت عنوان (اخبار دول خارجه) مخصوص ذکر وقایع ممالک اروپا و امریکا بوده است . در صفحه آخر هر نمره یکی دو ستون آن برای اعلانات دولتی و اشخاص است .

اخبار دول خارجه روزنامه از روزنامه های خارجی ترجمه می‌شده و مترجم آن همان (برجیس صاحب) مباشر و مترجم روزنامه بوده است . این اخبار در عین حال که مختصر است برای مردم آن زمان از حیث اطلاع بر اوضاع کشورهای خارجه بسیار مفید است .

حرف‌الو او بعده اتفاق

وقایع اتفاقیه

برجیس صاحب - این شخص را عباس میرزای نایب السلطنه در سفر فرنگستان همراه خود بایران آورد و مدتی در تبریز مطبعه را که عباس میرزا آورده بود اداره میکرد. بعد از مرگ فتحعلیشاه بطهران آمد و در این شهر دکانی باز کرد که در آن اجناس و کالاهای فرنگی را می‌فروخت. دوزمان ناصرالدین شاه باولقب مترجم دادند و کار ترجمه و مباشرت روزنامه و قسایع اتفاقیه بعهده او واگذار شد و باتفاق میرزا ابوالحسن غفاری و دیگران بکار اداره روزنامه می‌پرداخت. برجیس صاحب چون اطلاع زیادی از زبان فارسی نداشت ترجمه‌های او در روزنامه خیلی تحت اللفظی و گاهی اصلا مفاد و معنایی ندارد. برای نمونه چند قسمت از ترجمه‌های او را نقل مینمایم: نمسه - بعد از وفات پادشاه هنوز که عموی پادشاه انگلیس بود پسر او که موافق فاعده ارثی وارث تاج و تخت آن مملکت بود بسلطنت آنجا قرار گرفت و امر دولتی آنجا در کمال نظم راه می‌رفت. (نمره ۵۸ وقایع اتفاقیه مورخ پنجشنبه ۱۹ جمادی الاول ۱۲۶۸). بلژ - دولت بلژ خلق را خبردار کرده اند و پول قرض میخواهند و مبلغی که از خلق میخواهند يك كرور و چهارصد هزار تومان پول ایران است و قاعده گذاشته اند که هر کس که میخواهد پول بدولت قرض بدهد پیش از روز معین خبر بکند و چونکه دولت مزبور خوب معتبر است مبلغی که خلق حاضر کرده بودند که به دولت بدهند بیشتر از آن است که دولت مزبور خواسته بودند و موافق روزنامه‌های فرانسه خاق سه كرور و دو بیست و هفتاد و یک هزار و چهارصد تومان حاضر کرده اند. (نمره ۶۱ مورخ پنجشنبه دهم جمادی الاخر ۱۲۶۸)

چون از دورنامه وقایع اتفاقیه نمونه‌های زیادی در دست هست لذا توضیحات بیشتر در باره مندرجات آنرا بمراجعه باصل روزنامه موکول مینمایم. نگارنده از این روزنامه از نمره ۴۶ مورخ یوم پنجشنبه ۲۴ صفر المظفر مطابق سال تنکوزیل ۱۲۶۸ تا نمره ۶۴ مورخ پنجشنبه دوم ماه رجب مطابق سال سیچقان بیل ۱۲۶۸ و نیز نمرات متفرق دیگر آنرا در دست دارم. در کتابخانه دبیرستان صرمیه اصفهان مجموعه از نمرات وقایع اتفاقیه موجود است که صارم الدوله پسر مرحوم ظل‌السلطان آنرا وقف کتابخانه دبیرستان صرمیه نموده. این مجموعه از نمره ۸۰ مورخ روز پنجشنبه ۲۵ شوال المکرم ۱۲۶۸ سیچقان بیل تا نمره ۲۹۱ مورخ پنجشنبه ۲۶ شهر ذیحجه العرام ۱۲۷۲ لوی بیل میباشد.

حاج میرزا جبار ناظم‌المهام خوئی - مرحوم تربیت در کتاب دانشمندان آذربایجان ص ۹۳ در باره حاج میرزا جبار می‌نویسد وی پدر سعدالدوله مرحوم است که مدتی قنصل جنرال بغداد بوده و معروف بمیرزا جبار تذکره چیست. میرزا قیخان اتابک روزنامه وقایع اتفاقیه را که تأسیس کرد اداره آنرا در ابتدای امر بهمین میرزا جبار واگذار نموده که صاحب مطبعه نیز بوده است. ۱۲۶۷.

برجیس صاحب - علاوه بر آنچه قبلاً در شرح حال برجیس صاحب نوشتیم آنچه را در نمره ۱۵۶ وقایع اتفاقیه مورخ پنجشنبه ۲۶ ربیع الثانی ۱۲۷۰ درباره او نوشته

حرف‌الواو بعدءالقاف

وقایع اقایه ، وقت

ذیلاقل می‌نمائیم : «چون خدمات برجس صاحب مباشر روزنامه و مترجم دیوان در نظر اولیای دولت علیه مقبول و مستحسن افتاده خاصه در اوقات ناخوشی و با که اغلب مردم فرار کرده و بییلاقات رفته بودند مشارالیه محض پیشرفت خدمت محوله بخود دردار الخلافه مبارکه مانده و کار روزنامه را برآه برده نگذاشت که عمل جات روزنامه متفرق شوند لهذا در این اوقات از جانب سنی الجوانب ملوكانه يك طاقه شال ترمه کشمیری برسم خلعت بعالیجاه مشارالیه مرحمت گردید . وهم چنین میرزا عبدالله روزنامه نویس چون در سر خدمت محوله بخود بود يك طاقه شال کرمانی نیز بشمارالیه خلعت داده شد .

(۱۱۶۱) وقت

روزنامه وقت در طهران بصاحب امتیازی و مدیری (حسین کسمانی) تأسیس و شماره اول آن در تاریخ سه شنبه ۱۰ ربیع الاول ۱۳۲۸ قمری . طاق اول فرودین مامجلالی ۸۳۲ منتشر شده است . طرز انتشار روزنامه وقت یومیه بوده و همه روزه بجزایام جمعه و تعطیل های عمومی انتشار یافته است .

محل اداره روزنامه : طهران خیابان علامه ابوله نمره (۲۴) و عنوان تلگرافی : وقت . قیمت اشتراك آن بدینقرار است : بابتخت سالیانه ۵ تومان . ششماهه ۲۶ قران سه ماهه ۱۲ قران و نیم . سایر ولایات بترتیب شش تومان — سه تومان و نیم و ۱۸ قران . ممالك خارجه ۸ تومان و پنج تومان و سه تومان . بغير از شماره اول روزنامه که روی يك ورق چاپ شده بقیه شماره های آن در چهار صفحه بقطع بزرگ و در مطبعه سربی (شاهنشاهی خیابان ناصریه نمره ۹) طبع گردیده است . قیمت شماره اول دو شاهی و از شماره دوم در طهران ۴ شاهی و در سایر ولایات ۵ شاهی . خصوصیات روزنامه در عنوان صفحه اول و اسم روزنامه (وقت) بخط نسخ درج شده است . مقاله افتتاحی روزنامه که تحت عنوان (وقت است) نوشته شده بطور خلاصه بدینقرار است :

«خدمتگذاران اداره روزنامه یومیه وقت بهر يك از اولاد ایران که از حیث نوع و وطن بهره دارند نیز بصاحبان هم عالی و افکاری که منافع عمومی را فرض ذمه خود می‌شمارند و بهخواهوانان ترقیات معارف و مطبوعات بالجله بآنها که در ایران نشو و نما میکنند مخصوصا بهموطنان عزیز بانهایت ادب پس از تقدیم احترامات فائقه با يك آهنگ خاس عرضه میدارند اینك كه بهمت اولیای امور ایران جوانهای از جان در راه استقلال وطن گذشته حقوق مضوبه ما ایرانیان مسترد شد و حق بر کز جای گرفت و برادریکه مملکت داری و رعیت نوازی بجای پادشاه مخلوع شاهنشاه جوانبخت السلطان احمد شاه قاجار دامت رافتة باقوانین مشروطیت متکی گردید و از وجود حضرت اشرف نایب السلطنه امین و صدیق حریت دوست و کابینه وزراء دارالشورای کبرای ملی ایران در مغزهای افسرده ایرانیان روحی تازه و روشنی بی اندازه نصیب شد ... ما نیز باقتضای وقت با امید کامل و رجای واثق باثرات جریده نگاری این روزنامه یومیه را باسلوبی که پیشنهاد انظار خواص و عوام وطن مینمائیم از این بیعد

طبع و توزیع خواهیم کرد»

مندرجات روزنامه وقت پس از درج سرمقاله عبارت است از مقالات متعدد و اخبار داخله و خارجه به تفصیل و نیز از شماره دوم از صفحه دوم کتاب تاریخ عمومی عالم ترجمه میرزا باقر خان تبریزی تألیف حسین کسمائی بعنوان پاورقی چاپ شده است . شماره ۴ وقت در چهار صفحه بقطع بزرگ در تاریخ چهارشنبه ۲۵ ربیع الاول ۱۳۲۸ قمری مطابق ۱۶ فروردین ماه جلالی ۸۳۲ طبع و منتشر شده است . سرمقاله این شماره بعنوان (بقیه از يك دوره ایران یابك آتیه درخشان) و بقیه مندرجات آن اخبار و تلگرافات داخله و اخبار خارجه است . تاریخ عمومی عالم در پاورقی صفحه دوم و سوم چاپ شده است . از روزنامه وقت مجموعاً ۶۶ شماره منتشر شده و شماره ۶۶ آن در تاریخ یکشنبه ۱۱ جمادی الثانی ۱۳۲۸ هجری قمری انتشار یافته است . نگارنده تا آخرین شماره آن را در دست دارد .

حسین کسمائی - شرح احوال شادروان حسین کسمائی در روزنامه فکر جوان رشت بتلم فرزند آن مرحوم نوشته شده که مابینه چون مشتمل بر نکات دقیقی از زندگی آن مرحوم است از شماره ۳۱۱ سال یستم فکر جوان مورخ شنبه ۷ فروردین ۱۳۲۳ نقل مینمایم :

«شادروان میرزا حسین خان کسمائی فرزند آقای محمد ابراهیم ارباب کسمائی و نیاکانش از گرجیهای قفقازند که در تحولات پس از فتح هفده شهر قفقاز بدست آقا محمد خان به آذربایگان و بتدریج از آن حدود هم بسایر نقاط ایران پراکنده شدند طایفه کسمائی در شهر قزوین اقامت اختیار و بامور تجارت پرداختند پس رموی کسمائی هنوز در قزوین در تجارت معتبر و در جامعه سرشناس میباشد .

آقای محمد ابراهیم کسمائی از طرف پسرعموهایش نماینده تجارتی در شهر رشت شد و پس از چندی کارش رونق یافت و خود باتسویه نمودن سهام خود از بنی اعمامش مستقلاً در رشت بتجارت اشتغال ورزید و با طایفه آقا محمد علی طواف رشتی وصلت کرد و دارای سه پسر و شش دختر شد دخترانش هر يك تشکیل خانواده محترم و معتبری در رشت دادند پسرهایش یکی شادروان نامبرده و دیگری مرحوم محمد آقا کسمائی که در سال ۱۳۱۱ خورشیدی بسن ۶۴ سالگی بدرود زندگی گفت برادر دیگر آنها علی آقا کسمائی بود که در تغلیس بواسطه ناکامی از وصل معشوقه سست پیمان که بدیگری تسلیم شد ضربه دشته بخود وارد و بهمت برادرش آقای محمد آقا موقتاً معالجه شد ولی در اثر مسافرتی که جهت دیدار برادر بزرگش میرزا حسین خان برشت نمود بخیه عمل دریدگی پهلویش منفجر و ناکام از دنیا چشم پوشید میرزا حسین خان کسمائی مرحوم بنابیل پدرش و بسبب نفوذ و اعتبار کلی که روحانیون آن عصر داشتند بتحصیل علم اجتهاد در مذهب اسلام پرداخت چندی در مسجد جامع شهر رشت و بعداً بنجف اشرح اعزام گردید و بتکمیل علوم پرداخت تا اینکه در آن فوت اولادش که بطور ناگهانی و خیلی اسرار انگیز واقع شد برشت وارد و بسرپرستی فامیل و نماز جماعت و وعظ و خطابه در مسجد صالح آباد سبزه میدان رشت

حرف‌الوای بعده اتفاق

وقت

مشغول شد و در بلاغت و نفوذ کلام و صراحت لهجه شهرتی بسزا یافت . هنگامی که طلبه آزادی خواهی و مشروطیت ایران عزیز دل و دینش ازدست ر بود و صبح همان روزها آقا شیخ حسین کسمانی باریش تراشیده و کت و شلوار معمولی و فکل و یقه آهار ی لب شکسته آنهم در آن عصر از منزل در آمد و بی مهیا با بدن مال شاهد آزادی دوید و بقدری شورش از خود بروز داد که نیکراسوف قنصل فعال ما پشاه دولت تراری روسیه وی را تعقیب و ناگزیر از طریق روسیه بفرانسه رفت و پس از آنکه مرض قله هارا با عمل جراحی معالجه نمود بتحصیل زبان فرانسه و تعقیب علم اجتماع و ضمناً صنایع ظریفه در موزه لوور پاریس ادامه داد تا اینکه بباران شدن مجلس شورای ملی ایران صبر و شکیباییش بر بود و پروانه وار برای سوختن در شمع فروزان آمال و آرزوهای آزادیخواهان ایران از طرف روسیه و خلیس بسوی رشت شتافت در قفلیس و باد کوبه رفقای سلحشود و کم گو و پر عملی را انتخاب و با خود برشت کشاند و بازارچه صالح آباد رشت را که نبش مقابل سبزه میدان معروف در خیابان افتاده در آن اوقات برای اجرای منظور مقدس در کمال عجله بانازلترین قیمت یکی از تجار محترم رشت معروف بحام ببلغ دوازده هزار تومان فروخت و بسار و برک انقلاب بر علیه مرتجعین و مستبدین پرداخت و پس از تکمیل مقدمات و بعضی وصول خبر و حدت ملی که (در طهران بدست آقایان طباطبائی و بهبهانی و در تنگابن و مازندران بهمت سپهدار اعظم تنگابنی خلعت بری معروف) جای صبر و اهمالی باقی نگذاشته بود .

از منزل میرزا ابوالقاسم خان دریاییگی مرحوم واقع در کوی پیر سرای رشت علم استقلال افراشت و آقا بلاخان سردار افخم رأس استبداد گیلان در باغ مدیریه رشت اعدام شد و آستان حکومتی مستبدین بنارنجك و حریق و از گون و میرزا حسینخان کسمانی با رفقای مجاهدش بلباس مسلح گرجی درب بقعه آقا سید ابو جعفر رست در بالای نوپ ساخت آن زم ن بنطق مفصلی پرداخت و بلافاصله در رکاب سپهدار اعظم تنگابنی بامجاهدین بتهران شتافت که منجر بفرار و تحصن محمد علیشاه قاجار در سفارت روس شد و مجلس شورای ملی ایران فاتح و بشور ملی احمد شاه قاجار پادشاه مشروطه ایران را تاجگذاری کردند ولی پس از آنهم آزادیخواهان رشت مورد حمله قنصل گری دولت تزاری روس واقع میشدند بطوریکه میرزا حسینخان برای باردوم بیاریس فرار اختیار کرد و بعضی شروع جنگ بین المللی ۱۹۱۴ اروپا از طریق بغداد باتفاق خانمش شمس الملوك و دخترانش خورشید و صنوبر و پسرش جهانگیر برشت رسید بعد از آنهمه صدمات آنی از تنویر افکار یا نطق و خطابه و نگاشتن رور نامه های «وقت» در طهران و (جنگل) در رشت و راهنمایی ملیت حتی سران جنگل و خیر خواهی در باره شهید راه آزادی و میرزا کوچک خان جنگلی فرو گذار نکرد و سال ۱۲۹۷ خورشیدی نیز باتفاق عموم گیلانیها که بتهران مهاجرت نموده بودند در آنجا میزیست و سال بعد پس از رفع غائله از طریق کوههای الموت و دیلمان و گیلان بسقالکسار و رزل رسید چنانچه شماره اول از مجله فروغ سال ۱۳۰۶ خورشیدی بقلم آقای ابراهیم فخرائی در رشت و شماره

حرف‌آوا و بعده القاف واللام

وقت ، ولدالامین

مخصوص از مجله آزادی شرق بهمت آقای ابراهیم سیف‌آزاد چاپ سال ۱۳۰۸ برلن و کتاب سخنوران چاپ برلن بیدل همت سیف‌آزاد نامبرده و شماره دوم از تیرماه سال اول مجله شمال ۱۳۲۲ خورشیدی بفتوت و معارف پروری و میهن پرستی آقای عباس کدیور بهترین مستند تاریخی برای جانفشانیهای میرزا حسین خای کسمانی مرحوم است که اشعار گیلکی سیاسی و عرفانی ویرا نیز بطبع رسانده اند و در سال ۱۲۹۹ خورشیدی بن ۵۱ سالگی در سقاکسار و رزل ملک شخصی مریض و با پرستاری بهترین خواهرش کافیه خانم حاجیه ارشاد و در دامان عیال و اطفالش در منزل شخصی بازارچه سبزه میدان با دلی نگران از عاقبت ایران چشم از جهان پوشید .

شرح بالا بقلم آقای جهانگیر کسمانی فرزند آن شادروان نگارش یافته که ما بدون هیچگونه دخل و تصرف بچاپ آن مبادرت کردیم ۴۰

(۱۱۶۲) وقت

روزنامه وقت در شهر مشهد تأسیس و در سال ۱۳۰۲ شمسی هفته‌دو بار منتشر شده است .

(۱۱۶۳) وقت

امتیاز مجله وقت در گیلان بمدیری (معمده الاسلام رشتی) در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته است .

(۱۱۶۴) وقت

مجله وقت در طهران تأسیس و در سال ۱۳۱۲ شمسی بطور ماهانه منتشر شده است .

(۱۱۶۵) ولدالامین

روزنامه ولدالامین در مشهد تأسیس و در سال ۱۲۸۹ شمسی با چاپ سنگی بطور هفتگی منتشر شده است .

حرف‌الهاء

(۱۱۶۶) هاثونا

روزنامه هاثونا در طهران تأسیس و در سال ۱۳۰۲ شمسی بزبان فارسی و عبری منتشر شده است .

(۱۱۶۷) هایدارا رونیونر

روزنامه هایدارا رونیونر در شهر تبریز تأسیس و در سال ۱۲۸۸ بزبان ارمنی منتشر شده است .

(۱۱۶۸) هدایت

روزنامه هفتگی هدایت در طهران بمدیری (میرزا محمد طهرانی) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است برون در کتاب تاریخ مطبوعات و شعر فارسی صفحه ۱۵۲ مینویسد شماره اول این روزنامه در تاریخ هفتم رجب ۱۳۲۵ قمری انتشار یافته و روزنامه توقیف گردیده و شماره دوم آن پس از مدتی توقیف در ۵ ربیع الاول ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است. وی اضافه میکند که من نمرات ۱ و ۲ و ۴ این روزنامه را در دست دارم. هر شماره هدایت در چهار صفحه بقطع دوازده یک چهارم در هفت اینچ میباشد. وجه اشتراك روزنامه سالیانه در طهران ۳۴ قران؛ در ولایات ۴۰ قران در روسیه و قفقاز ۹ منات. در سایر قاره ها ۲۵ فرانك.

(۱۱۶۹) هدایت

روزنامه هدایت در شهر قزوین بمدیری (میرهادی شیخ الاسلامی) تأسیس و در سال ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است. طرد انتشار روزنامه هفتگی بوده و با چاپ سنگی طبع شده است. برون که شرح مذکور را در کتاب تاریخ مطبوعات و شعر فارسی (صفحه ۱۲۵) نوشته اضافه میکند که من نمرات ۲ و ۴ هدایت را در دست دارم اولی سوم و دومی ۲۰ ربیع الاول ۱۳۲۶ قمری نشر شده هر شماره آن در چهار صفحه بقطع دوازده و یک دوم در هفت اینچ میباشد وجه اشتراك سالیانه در روزنامه در قزوین ۸ قران در سایر شهرها ۱۰ قران، ترکستان و مصر ۱۲ مجیدی، در روسیه و قفقاز ۲ منات، در اروپا و امریکا ۶ فرانك.

(۱۱۷۰) هرزن

روزنامه هرزن در طهران بزبان ارمنی تأسیس و در سال ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده است.

(۱۱۷۱) هفته

روزنامه هفته در طهران تأسیس و در سال ۱۲۹۰ شمسی بطور هفتگی منتشر شده است.

(۱۱۷۲) هکتولا

روزنامه هکتولا در طهران تأسیس و در سال ۱۲۹۹ شمسی بزبان عبری به طور هفتگی منتشر شده است.

(۱۱۷۳) همایون

مجله همایون در شهر قم بصاحب امتیازی و مسئولی (علی اکبر حکمی زاده) و مؤسسی و مدیر داخلی (محمد همایون پور) تأسیس و شماره اول آن در ۳۲ صفحه بقطع کوچک خشتی در مطبعه سری (اقدام) طبع و در تاریخ مهر ماه ۱۳۱۳ مطابق

جمادی الثانی ۱۳۵۳ قمری، منتشر شده است. مجله همایون نامه ماهانه بوده و چون در شهر قم مطبعه آبرومندی نبوده لذا مجله در طهران طبع و در قم منتشر می‌شده است. در شماره اول جای اداره: قم خیابان ارم (جدید) و در طهران خیابان ناصریه. کتابخانه علمیه اسلامیة محل مراجعات معین گردیده است. مجله همایون در مطابع مختلف سربى طهران از قبیل اقدام و چاپخانه (فره‌مند) چاپ شده است.

بهای یکساله مجله در داخل و خارج ۲۰ ریال است. و برای طبقه متوسط تخفیف داده میشود. در پشت جلد شماره اول نوشته است مجله همایون در سال ده شماره منتشر میشود و بجای شماره های ۱۱ و ۱۲ يك كتاب نشر خواهد شد ولی با این وعده در پشت جلد شماره ۹ مورخ خرداد ۱۳۱۴ این موضوع را باختیار مشترکین گذاشته تا نظر خود را بنویسند و وعده داده است کتاب (دین و دنیا) بقلم علی اکبر حکمی زاده که قسمتی از آنهم در مجله چاپ شده بجای دو شماره تقدیم مشترکین گردد. باهمه این احوال مجله همایون تا خرداد ۱۳۱۴ شمسی بیشتر منتشر نگردیده و جمعاً ده شماره نشر شده و مجله برای همیشه تعطیل شده است. شمار مجله که در دو شماره بالای عنوان آن چاپ شده این آیه قرآن است: ولتكن منكم امة يدعون الى الخير.

مقاله افتتاحی مجله که در صفحات اول و دوم شماره اول درج شده بدینقرار است: > بسم الله الرحمن الرحيم. سیاس و ستایش بی پایان خداوندی را سزااست که ما را از خرد بخشد و گفتن و نوشتن آموخت و درود بیشمار پیغمبری را رواست که ما را از گمراهی رهائی بخشید و راه نيك و بد را بمانشان داد بار خدایا تو فرمودی که > باید در میان شما گروهی باشند که دیگران را بنیکی بخوانند > اینك این بار سنگین را بدوش گرفتیم ما را یاری کن تا آنها چنانکه دوست داری بمنزل برسانیم. اکنون بنگارش این نامه آغاز میکنیم امیدواریم که چنانچه در نظر داریم او را بانجام برسانیم این نامه اکنون کوچک است (ولی میدانید که هرچه تاره پا باین جهان گذارد چنین است) امید است که پس از این بر همه چیز او بیافزائیم. این نامه بقلم دانشمندان بزرگ نوشته می‌شود این است که بهترین مقالات سودمند و شیرین را در او خواهید دید اینك اگر از مملك این نامه بخواهید می‌گوئیم که جراید و مجلات بوستان یا گلستانی را مانند که باید در او همه گونه گلها و میوه های رنگارنگ باشد تا هر کس مطابق سلیقه خود از او گلی بچیند ولی آنچه که ما را بنامه نگاری برانگیخت همانست که در طلیعه این (نامه همایون) نگاشتیم یعنی ما میتوانیم معنی دین را چنانکه هست بنگاریم تا آنانکه ترك دین کرده اند بدانند که چه دانه گرانیهائی را از دست داده اند و آنانکه دارند آگاه شوند که چه گوهر درخشانی را زیر پا گذاشته و عالم خود و دیگران را تاریك کرده اند. و نظر باینکه پس از دین داری بزرگترین وسیله آسایش تن-درستی است این است که در هر شماره قسمتی از دستورهای مهم صحی را خواهیم نگاشت و در آخر برای رفع خستگی و کسالت خوانندگان بعضی مطالب شیرین را در زیر عنوان (داستانهای شیرین) مینگاریم. ولی چند چیز است که در تمام نوشته

حرف‌الهاء بعلمه المیم والتون همه دان ، هنگام ، هنگامه ، هوا و هوس

های خود باو علاقه بسیار داریم و از نویسندگان نیز تقاضا میکنیم که مراعات آنها را بنمایند « مندرجات مجله همایون بیشتر مطالب دینی و اخلاقیست که بقلم نویسندگان کم مایه و گمنام نوشته شده و لذا انتشار مجله دوام زیادی نکرده است . برای مزید اطلاع خوانندگان فهرست مندرجات شماره اول را با ذکر اسامی نویسندگان آنها نقل مینمائیم : مقدمه - شکر گذاری - تقریظ (میرزا محمد تقی اشراقی) قران (میرزا خلیل الله صیبری) - روحیات (میرزا عبدالحسین ابن الدین) - گفتن و نوشتن (آقای صباح) - مجاهده و تبلیغ (حاج میرزا علی اصفهانی) ایران (سید احمد کسروی) - زبان (حسینعلی حکمی راده) مجله نگاری (محمد حسن الموسوی الجزایری) - احترام زن (علوی طالقانی) - مسابقه مقبره فروسی (مصمصام السلطان) - توحید (محمد - همایون پور) - خدا پرستی - بت پرستی - خود پرستی (علی اکبر حکمی راده) - تبلیغات - رنج یهوده - دین و دنیا - داستانهای شیرین (علی اکبر حکمی راده) بیشتر این مقالات کوتاه و مختصر و نویسندگان آنها از فضلا و طلاب حوزه علمیه قم بوده اند .

(۱۱۷۴) همه دان

روزنامه همه دان بطور هفتگی در شهر همدان بدیری (حاج حسین) تأسیس و در سال ۱۳۲۰ قمری منتشر شده است . برون که شرح مذکور را در کتاب تاریخ مطبوعات و شعرفارسی صفحه ۱۵۲ نوشته اضافه میکند که نمره ۱۸ روزنامه همه دان در تاریخ ۱۹ شوال ۱۳۲۰ انتشار یافته و من نمونه آنرا در دست ندارم .

روزنامه بلدیہ چاپ طهران در شماره ۱۲ - سال اول خود مورخ پنجشنبه ۸ جمادی الاولی ۱۳۲۰ قمری محل فروش روزنامه همه دان را در طهران بدینقسم نوشته است : « اخطار - روزنامه منطبعه همدان که باسم همدان نیز موسوم است در ممرسه مبارکه تربیت نزدجناب آقامیرزا شریف دفتردار موجود است طالبین رجوع فرمائید . » از شرح مذکور معلوم میشود که روزنامه همه دان لااقل تا جمادی الاول سال ۱۳۲۰ منتشر شده است .

(۱۱۷۵) هنگام

روزنامه هنگام در طهران بدیری (دکتر طلیخان اعیاء الممالک) در ۲۰ دلو ۱۳۰۳ شمسی امتیاز آن از شورای عالی معارف گذشته است . روزنامه هنگام هفته دوبار منتشر میشده است .

(۱۱۷۶) هنگامه

روزنامه هنگامه در طهران تأسیس و در سال ۱۳۰۸ شمسی هفته دوبار منتشر شده است .

(۱۱۷۷) هوا و هوس

روزنامه هوا و هوس باژلاتین بدیری (حاج حسین) در شهر لاهبجان طبع و در سال ۱۳۲۰ قمری منتشر شده است . برون که شرح مذکور را یادداشت کرده (صفحه ۱۵۲) کتاب تاریخ

حرف‌الهاء بعدءالیا

هیئت علمیه دانشوران ، هیم

مطبوعات و شعر فارسی) اضافه میکند که من این روزنامه را ندیده ام .

(۱۱۷۸) هیئت علمیه دانشوران

نشریه در طهران در سال ۱۲۸۸ شمسی بنام هیئت علمیه دانشوران تأسیس و منتشر شده است . ولی نگارنده نمونه آنرا ندیده و از اینکه نشریه مذکور بصورت مجله یا روزنامه بوده است نیز اطلاعی ندارم . برون نیز در کتاب خود نامی از این نشریه بیان نیاورده است .

(۱۱۷۹) هیم

روزنامه هیم در طهران بمؤسسی (ش - ح - حایم) و صاحب امتیازی و مدیر مسئولی (م . م . نینان) تأسیس و شماره اول آن در تاریخ شنبه ۲۷ جوزا مطابق ۲۰ شوال ۱۳۴۰ قمری منتشر شده است . این روزنامه معمولاً در چهار صفحه بقطع بزرگ بدوزبان فارسی و عبری در مطبعه سرب (مرکزی طهران) طبع و انتشار یافته . وجه آبونمان سالی ۴۰ قران و تک شماره آن ۸ شاهی است عنوان تلگرافی : هیم . طهران . محل اداره : طهران - خیابان یستخانه نمره ۱۵ . طرز انتشار آن هفتگی بوده و شعار روزنامه که بالای اسم روزنامه چاپ شده دو کلمه (درستی و امانت) میباشد . قسمتی از مقاله افتتاحی روزنامه هیم بدین قرار است : «اسباب انتشار - کلبی های ایران از بدو توطن خود در این مملکت خود را مطیع قوانین قراردادند . این اطاعت در نتیجه اقدامات سیروس و اعطاء استقلال بآنها بوده است . از آنروز تا بحال بابی اعتدالبهائی که نسبت به یهود شده است این ملت هیچوقت اقدام مشفقانه سیروس را فراموش نکرده ۰۰۰۰ برای آشنا ساختن یهود ایران با اصول سیاست و شرکت آنها در قضایای ملی که از لوازم آزادی و مشروطیت است ما را وادار نموده (هیم - حیات) را منتشر سازیم و از این طریق اول بمملکت و بعد بملت یهود ایران خدمت کرده باشیم .» لازم بتوضیح است که اسم روزنامه عبریست و در فارسی بمعنی حیات است . همانقسم که یادآور شدیم این روزنامه بدوزبان عبری و فارسی است و حتی خصوصیات روزنامه در عنوان آن بدو زبان نوشته شده و گاهی اخبارها و مطالب مهم در صفحه اول عبری و فارسی چاپ شده است . مندرجات روزنامه عبارت از مقالات مربوط بتاریخ یهود و مطالبی درباره فلسطین و نیز وقایع شهری و اخبار دارالشوری است . یاورقی روزنامه که در صفحات ۲ و ۳ چاپ شده کتاب (وقایع محکومیت ددیفوس و عوامل معرمانه آن تألیف حتی و رشاد بیک - ترجمه علی صادقی) میباشد . تصاویر بزرگان دنیا نیز قسمتی از مندرجات روزنامه را تشکیل میدهد . در شماره اول تصمیم گرفته شده که قوانین و نظامات مملکتی در روزنامه چاپ گردد . رویهمرفته از حیث مندرجات هیم یکی از روزنامه های خوب و مفید است . از این روزنامه نگارنده فعلاً تا شماره ۴۸ ، و در یکشنبه ۹ نور ۱۳۰۱ مطابق ۱۲ رمضان ۱۴۳۱ را در دست دارم .

حرف‌الباء

(۱۱۸۰) یادگار انقلاب

روزنامه یادگار انقلاب بمیدیری (معتدلاًسلام رشتی) در شهر قزوین تأسیس و در سال ۱۳۲۷

حرف‌الیه

یادگار انقلاب

قمری منتشر شده است. شماره اول یادگار انقلاب در تاریخ اول جمادی‌الثانی و شماره دوم آن در تاریخ پنجم و شماره پنجم آن در تاریخ هجدهم جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ قمری انتشار یافته. طرز انتشار روزنامه هفت دوبار بوده و هر نمره آن در چهار صفحه بقطع یازده و سه چهارم درشت و سه چهارم اینچ طبع و توزیع گردیده. قیمت تک‌شماره آن در قزوین یکصد دینار و وجه اشتراك سالیانه آن در تمام شهرهای ایران ۱۲ قران است.

یادگار انقلاب هنگام توقیف مجاهدین در شهر قزوین تأسیس و منتشر گردیده و پس از فتح طهران محل انتشار آن بطهران منتقل گردیده است.

(۱۱۸۱) یادگار انقلاب

همان‌قسم که فوقاً یادآور شدیم روزنامه یادگار انقلاب پس از فتح طهران و عزیمت بدانجا در طهران منتشر شده و اوایل شماره منتشر در طهران شماره ۷ سال اول میباشد بنا بر این شش‌شماره یادگار انقلاب در قزوین نشر شده و دنباله آن در طهران منتشر گردیده است. ذیلاً خصوصیات این روزنامه در طهران:

روزنامه یادگار انقلاب در طهران بدیری و نگارندگی (معمداً اسلام رشتی) تأسیس و شماره هفت سال اول آن در چهار صفحه بقطع وزیری در مطبعه سربی (طهران - مطبعه جلال‌متین) طبع و در تاریخ دوشنبه ۱۵ شهر رجب ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است. طرز انتشار آن چنانچه در عنوان روزنامه یاد آورده (مجله هفت دونه) (جمع و توزیع میشود). اشتراك سالیانه در طهران دوازده قران، در سایر ولایات ۱۵ قران، روسیه ۲ منات، در اروپا ۸ فرانك، قیمت یک‌نمره در طهران یکصد دینار در سایر ولایات سه شاهی، عنوان مراسلات، خیابان لاله زار نمره ۱۷ اسم روزنامه بخط نستعلیق درشت و در بالای آن این آیه (و سبیلهم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون) بعنوان شعار درج است. از شماره ۱۶ با آنطرف این آیه حذف شده است. در دو سطر یک در زیر عنوان هر شماره چاپ شده روزنامه بدین‌قسم معرفی گردیده است: «جریده آزاد علمی سیاسی اخلاقی تجاری بمناسبت اسم خود از وقایع مهمه شورش و انقلابات درج میشود». از شماره ۱۴ با آنطرف عبارات مذکور حذف گردیده و بجای آن در عنوان روزنامه: اخلاقی، سیاسی، اجتماعی اخباری نوشته شده است. مندرجات یادگار انقلاب مانند سایر جراید آغاز مشروطیت پس از درج مقاله اساسی عبارت از مقالاتی راجع به مشروطیت و اخبار مجلس شورای ملی میباشد. سر مقاله شماره هفتم باین شعر شروع میشود: «لک‌العمد یا ذا الجود والمجد والعلی» تبارکت تعالی من تشاؤتمنع. شکر خدا که هر چه طلب کردم از خدا. بر منتهای مقصد خود کمالان شدم. فهرست بقیه مندرجات این شماره بدین قرار است: راجع به انتخابات - ولکم فی القصص حیوة یا اولی‌الالباب - فهرست مندرجات شماره نهم اعتذار - مشروطه طلبان را بشارت باد - بقیه اخبار جنگ و فتح طهران - بقیه صورت الزامیه شیخ فضل‌اله - خیر مقدم.

روزنامه یادگار انقلاب از حیث طبع و کاغذ متوسط و از حیث قطع مانند جراید آغاز مشروطیت میباشد. هر صفحه روزنامه مشتمل بر دو ستون و اسم مدیر روزنامه (معمداً اسلام) در عنوان روزنامه و انتهای صفحه چهارم درج است. از این روزنامه نگارنده فعلاً تا شماره ۱۴ مورخ دوشنبه ۲۷ شهر

حرف‌الیا

یادگار جنوب، یادگار وطن

شعبان ۱۴۲۷ قمری در دست دارم ولی برون شماره بیستم این روزنامه مورخ ۱۵ ذوالقعدة ۱۴۲۷ قمری را نیز در دست داشته است.

(۱۱۷۲) یادگار جنوب

روزنامه یادگار جنوب در طهران بمدیری (تنگستانی) و سردبیری (سید یعقوب شیرازی) تأسیس و در سال ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است. شماره اول این روزنامه در شوال ۱۳۲۸ شر شده و طرز انتشار آن هفتگی بوده و درباره مندرجات و مرام و مسلک آن در هر شماره در زیر عنوان اینطور معرفی شده است: «این جریده هتگی ملی سیاسی اخباری اجتماعی اقتصادی اخلاقی طرفدار استقلال و ترقی ایران بدست ایرانیان است. محل اداره آن: طهران. خیابان لاله زار نمره ۲۶. قیمت اشتراك آن: طهران یکساله ۱۸ قران. ششماهه ۱۰ قران. سه ماهه ۶ قران داخله: ۲۰ قران ۱۱ قران ۶ قران. خارجه ۳۲ قران، ۱۲ قران، ۷ قران. تك نمره طهران ۴ شاهی شماره ششم سال اول یادگار جنوب در هشت صفحه بقطع وزیری در مطبعه سربئی (شرقی) طبع و در تاریخ شنبه ۲۶ محرم الحرام ۱۳۲۹ قمری مطابق ۱۶ تیرماه جلالی و ۱۹۱۰ مسیحی منتشر شده است. مندرجات این شماره عبارت است از: مسلک سیاسی - دعوت اتحاد اسلامی جنوب - خلاصه مذاکرات مجلس - اوضاع جنوب - راجع بفارس جنوب - راجع بحرستان - نقل از جریده اصلاح - شوال از وزیر مالیه - اخبار داخله - تلگراف تبریز - نظلم حاج ملاباشی جنوب.

و نیز فهرست مندرجات شماره ۱۳ از اینقرار است: واقعه آستارا - وقایع اسلامبول استخدام قوای مملکتی - پایتخت اوضاع جنوب - منابع ثروت نطنز - اخبار کرمان - اخبار بروجرد - تلگرافات برد - اطلاع از بنادر خلیج - لایحه یکنفر دلسوز از ملایر حسن انتخاب - اعلان.

فهرست مندرجات هر شماره در ابتدای ستون اول صفحه اول چاپ شده است. از روزنامه یادگار جنوب تا شماره ۱۷ سال اول مورخ سه شنبه ۱۸ ربیع الثانی ۱۳۲۹ قمری در دست است.

(۱۱۸۳) یادگار وطن

روزنامه یاد وطن در شهر نیویورک امریکا بمدیری (رزمی دهلوی) و سردبیری (آقا سید حسین) تأسیس و در سال ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است. اطلاع نگارنده راجع باین روزنامه عبارت از شرحیست که در شماره دوم روزنامه زبان ایران مورخ چهارشنبه دوم شهر صفر ۱۳۴۲ قمری مطابق سنبله ۱۳۰۲ نوشته و ذیلا آنرا نقل مینمائیم: «جریده شریفه یاد وطن که بهمت جمعی از اهالی هند و بمدیریت فاضل دانشمند آقای رزمی دهلوی و سردبیری آقای آقا سید حسین در نیویورک طبع و منتشر می شود - شماره آن با اداره رسیده است.»

یزد، یغما، یگانگی

حرف‌الباء بعده الزاء والغین والکاف

(۱۱۸۴) یزد

روزنامه یزد در سال ۱۳۱۲ شمسی در شهر یزد تأسیس و منتشر شده است .

(۱۱۸۵) یغما

مجله یغما در طهران در سال ۱۳۰۱ شمسی تأسیس و بطور ماهانه منتشر شده است

(۱۱۸۶) یگانگی

مجله یگانگی در طهران در سال ۱۳۰۰ شمسی تأسیس و بطور ماهانه منتشر شده است
و باین جا جلد چهارم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران که آخرین مجلدات
کتاب میباشد خاتمه می‌یابد .

سپاس و ستایش مر خدای را که پس از بیست سال تحمل رنج و مشقت
کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران خاتمه پذیرفت و آخرین مجلد آن در
دسترس علاقه مندان قرار میگیرد . و چون عده از علاقه مندان در نامه‌های
خود اظهار داشته اند که برای کتاب فهرست تهیه گردد برای اطلاع
آنان یادآور میشود که چون کتاب بصورت الفبائی تهیه شده احتیاج زیادی
بفهرست نخواهد داشت مع ذلك در اولین زمان فرصت فهرست جدا گانه
طبع و تقدیم خواهد گردید .

اصفهان - مرداد ماه ۱۳۳۲

انتشارات کمال، اصفهان - خیابان خاقانی، تلفن ۴۲۶۰۷
تاریخ جرائد و مطبوعات ایران (جلد چهارم)
تألیف محمد - صدر هاشمی
چاپ اول: ۱۳۳۲
چاپ دوم: ۱۳۶۴
تیراژ: چهار هزار جلد
لیتوگرافی: پیچاز
چاپ: رنگارنگ
همه حقوق محفوظ است.

انشاءات کمال